**مجموعه مکاتيب حضرت عبدالبهاء (52)**

اين مجموعه مکاتيب مبارک حضرت مولی الوری در شيراز از نسخه خطی متعلق بجناب ابوالقاسم افنان تسويد گرديده است

اين مجموعه با اجازه محفل مقدس روحانی ملی ايران شيدالله ارکانه بتعداد محدود بمنظور حفظ تکثير شده است ولی از انتشارات مصوبه امری نميباشد شهرالاسماء ١٣٣ بديع

\* ص1 \*

هو

کتاب استنساخ الواح مبارک مرکز ميثاق حضرت عبدالبهآء ارواح من فی الوجود لرمسه اطهر فدا که باوامر مطاعه ولی امرالله حضرت شوقی ربّانی ارواح المحبين له الفدا از روی نسخهٴ موجوده در شيراز که بنظر اعضآء محفل مقدّس روحانی رسيده و تدقيق کامل نموده‌اند نوشته شده بتاريخ اول شهرالملک يوم البهآء سنه ٨٢ بيست و سوّم رجب ١٣٤٤ هيجدهم دلو سنه ١٣٠٤

]در حاشیۀ صفحه آمده: خط کاتب و مهر مبارک است[

هوالله

شيراز بواسطهٴ جناب حاجی محمد کريم جناب آقا ميرزا آقای طبيب عليه بهآءالله

# هوالله الحمدلله الذی دلع لسان الوجود بمحامده و النعوت - وانطق السن الکائنات

بالثنآء عليه فی حيّز الملکوت و تجلی بشئون اللاهوت فی عالم الناسوت فاقتبست افئدة العارفين انوار العرفان من مطلع النور المبين و ذلت الاعناق و خضعت الرقاب و عنت الوجود و خشعت الاصوات بجماله المجلله بنور الجلال فعجزت الابصار عن مشاهدة ذلک الوجه المنير و ابدع تحيّة و ثنآء و تکبير و بهآء تهدی الی کوکب الاسرار و النيّر البازغ فی افق الانوار

\* ص2 \*

مصباح الملاءالاعلی و الکلمة العليا و الحقيقة الساطعة فی الابهی النقطة الاولی و السدرة المنتهی و المسجد الاقصی و علی الذين اتبّعو بشاراته المبشرّة فی الايات بظهور الاسم الاعظم و الهيکل المکرّم و شمس القدم عن مطلع العالم الساطعة علی افاق القبائل و الامم الی ابدالاباد يا من اتاه الله الحکمة والبيان در اين عصر و اوان که حضرت يزدان بصفت رحمانيّت تجلی بر کيهان نموده و قلوب را بفيض عرفان مه تابان فرموده اثار فضل و جود بعالم وجود احاطه نموده پس اهل سجود بايد قدر اين فضل مشهود را بدانند و بشکرانهٴ الطاف رب ودود چنان شور و ولهی در عالم وجود اندازند که شرق و غرب بجذب و طرب آيد و جنوب و شمال بنور جمال منوّر گردد

زيرا موهبت عظمی و حقيقت وفا و عبوديّت آستان کبريا مانند اکليل جليل در اوج سماء موجود و مهيّا تا چه سری لايق اين افسر گردد و چه قامتی سزاوار اين خلعت شود و چه زجاجی موقد سراج شود و چه افقی مطلع اين کوکب وهاج گردد پس ای يار روحانی بجان بکوش تا پرتو نور مبين بر رخ افتد و بميمنت اين فيض قديم فرخ شود قوّهٴ جاذبهٴ اين موهبت انقطاع و انجذابست و روح و ريحان و خضوع و خشوع است و محويّت و فنا تبليغ امرالله است و نشر نفحات الله و اعلآء کلمة الله وعليک التحيّة و الثنآء ع ع

\* ص3 \*

هوالله شيراز جناب ميرزا آقای طبيب عليه بهاءالله

# هوالله يا طبيبی يا حبيبی قد حزنت لحزنک الشديد و حننت عليک تحننّ الطير الغريب الی

الالف السعيد و اجبت ان اعّزيک فی هذا البلآء الجديد و الخطب الجسيم و الماتم

العظيم و قد اضطرمت نار الحسرات و احاطت السّکرات و نزلت العبرات من وقعه الاليم

فلا تبتئس ان ربّک قد هدی ذلک الطير الی سربه الجليل و وکره الرّفيع فی فردوسه

البديع و الف طيور القدس الصادحة فی حديقة الانس علی لحن الحبيب فاستمع له اهل

الجنان و ارتفع منهم الضجيج بالتهليل و التکبير علی الرّب الجليل و عليک

التحيّة والثناء ع ع

شيراز هوالله

بواسطهء جناب حاج ميرزا حسن و جناب حاج محمد کريم جناب آقا ميرزا آقای طبيب

مناجات طلب مغفرت بجهت من فاز بملکوت الابهی آقا ميرزا جلال عليه بهآءالله

خط کاتب و مهر مبارک است

# هوالله ربّ يا ذالمغفرت العظمی و الموهبة الکبری تغفر لمن تشآء و تعفو عمن تشآء و

تبدّل

\* ص4 \*

السيئآت بالحسنات لمن تشآء الهی انّی اتشبث باحداب رداء کبريائک و الوفود بباب

رحمتک و علائک و امرغ جبينی علی التراب تذّللا الی عزّتک و جلالک و اناجيک ان

تغفر لعبدک الذی غلبت عليه اسرارک و هتکت له الاستار و کشفت عنه الحجاب و رفعت

له النقاب و رزقته لقآء وجهک عند الاياب الی دار الصواب ربّ انّه طير خافض

الجناح طيّره الی اوج الفلاح واجعله کنور الصباح يلوح من افق النجاح فی ملکوت

الارواح حيث انقذته من ظلام الاشباح و قدرّت له کل خير خصّصت به الاصفيآء فی

الملاء الاعلی و ملکوتک الابهی انک انت المقتدر الغافر العفو اللطيف الکريم الحنون

المتعال ع ع

خط کاتب و مهر مبارک است

جناب آقاميرزا آقای حکيم و جناب آقاميرزا علآءالدين عليهما بهآء الله

الابهی

# هوالله ای دو فرقدان افق محبت الله حمد خدارا که آن دو برادر مانند دو پيکر يعنی

جوزا از افق هدی لامعند ‌‌‌‌و در انجمن احبّا دو سراج ساطع اخوّت روحانی و جسمانی

هر دو موجود و الفت صوری و معنوی هر دو مشهود و اين از اعظم الطاف حضرت مقصود

کنون بايد که آئينه استعداد را مجلی نمود تا آنکه آناً فآناً انوار شمس حقيقت

\* ص5 \*

بيشتر بتابد و عليکما البهآء الابهی ع ع

٤ ( خط کاتب و مهر مبارک است )

شيراز جناب آقاميرزا آقای طبيب عليه بهاءالله الابهی

# هوالله ای يار روحانی نامهٴ شما رسيد از عدم فرصت بنهايت اختصار جواب مرقوم ميگردد

نامه ‌نافهٴ مشک بود معطّر و معنبر بود رائحهٴ محو و فنا در سبيل جمال ابهی از آن

منتشر بود بقول شاعر پرده چه باشد ميان عاشق و معشوق سدّ سکندر نه مانع است و

نه حائل قوّهٴ محبت الله قلب را چون آينه صاف و برّاق و از هر زنگی ممتاز و

آزاد نمايد لهذا جمال و کمال ياران از دو طرف در آن انطباع يابد و امّا

العلامتين لبلوغ العالم حال بيانش بايد مبهم باشد حکمت چنين اقتضا ميکند از روح

و ريحان احبای آن سامان و تشکيل محافل انس بسيار سرور حاصل گشت بجناب اخوی ميرزا

علاءالدين تحيّت ابدع ابهی برسان طلب غفران و عفو گناهان از برای والدين آن يار

مهربان گرديد بوالدهٴ فرزندان امة الله المهيمن القيّوم و آقا ميرزا علی و آقا

ميرزا مصطفی و ميرزا بها با نهايت اشتياق تحيّت ابدع ابهی برسان و عليک البهآء

الابهی ٢٨ ج ا ١٣٣٨ عبدالبهاء عباس

اين لوح از روی اصل نسخهٴ که بمهر مبارک حضرت عبدالبهاء ارواح العالمين فداه

مزيّن بود نوشته شده

خط کاتب و امضاء مبارک است

هوالله

\* ص6 \*

# هوالله اي بندهٴ بها در خبر است که در يوم رستخيز زمين بيکديگر نزديک گردد امّا

ندانستند که صنايع بديده شرق و غرب را همدم نمايد و اکتشافات جديده جنوب و شمال را

همراز کند گمان نمودند که بواسطه عصر و حصر اراضی نزديک يکديگر گردند و حال

آنکه از آن چه ثمر بلکه در اينست که اقاليم شرق و غرب در نفسی از يکديگر خبر

گيرند و در يک محفل نشينند و مشورت و مصاحبت نمايند حال اين قربيّت محصور در

اقاليم ارضيّه نه بلکه امکان نزديک لامکان شده و مرکز ادنی قريب ملاءاعلی گشته

اتصّالات بين عالم خاک و جهان پاک حاصل شده يکسر سيم در مرکز صدور مرکوز و سر

ديگر در ملکوت رب غفور و برق الهام واسطهٴ کلام و قوّهٴ جاذبهٴ محبت الله کاشف

اسرار جهدی فرما که صدور مرکز الهام گردد و قلوب جولانگاه قوّهٴ جاذبهٴ آسمان و

عليک التحيّة والثنآء ع ع

٦ خط کاتب و مهر مبارک است

٧ ج ١ - ١٣٢٨

بواسطهٴ جناب بشيرالهی جناب آقا سيّد محمد رضای بواناتی عليه بهاءالله الابهی

# هوالله ربّ رجآئی و غاية املی و منائی قد مسّ الضر عبدک الخاضع الی جبروت

\* ص7 \*

الجلال المنجذب الی ملکوت الجمال المتوقّد بنار محبتک المنشرح الصدر بايات

معرفتک ربّ اکشف الغمه و اسبغ النعمه و اکمل الرحمه و تمّم المنحه و انقذه من

المحنه ربّ لا کاشف لها الاانت و لا مجير لعبدک الا انت و لا غدير له الا

انت و لا سمير له الا انت يا ملجأ المضطرّين و يا ملاذ المبتهلين قدّر له کل

خير فی ملکوت الاسرار و احشره مع الابرار و احفظه من طوارق الليل و جوارح

النهار لا اله الا انت ‌العزيز الجبّار وعليک البهآء الابهی ع ع

٧ بخط کاتب و مهر مبارک است

٨ خط کاتب و مهر مبارک است

بواسطه جناب بشير الهی

شيراز جناب ميرزا جلال زرقانی و آقا محمد صادق خبّاز عليهما بهاءالله الابهی

# هوالله ای بندهٴ آستان جمال مبارک مکتوب مختص شما بغايت مفصّل بود اين ايجاز اعجاز

بود و اين اختصار مفيدتر از اطناب و اسهاب زيرا مضمون دليل جليل بر استقامت بر

امرالله بود واليوم استقامت عين کرامتست بلکه اعظم معجزه در عالم بشريت در

خصوص حضور ببقعهٴ نور مرقوم نموده بودی اين ايّام محذورات متعدّده موجود لهذا

مرهون بوقت ديگر نمائيد و اگر چنانچه بنشر نور مبين پردازيد عين

\* ص8 \*

تشرف بآستان مقدس است و اجر طائفين در حق شما مقرّر جميع ياران الهی را

فرداً فرداً کمال اشتياق عبدالبهآء ابلاغ نمائيد و عليکما التحيّه والثنآء ع ع

٩ خط کاتب و مهر مبارک است

# هو ربّ وفّق هولاء المنفقين علی کّل خير فی الملک والملکوت بما انفقوا اموالهم فی

تأسيس اوّل مشرق الاذکار فی قطب الديّار و بدلوا ما اعطيتهم فی بنآء بیتک

المعمور بسعی مشکور و لهم الجزآء الموفور يا مؤيد کل عبد شکور ربّ وعدت

عبادک فی کل حسنة عشرة امثالها فقدّر لهولآء اضعاف امثالها العشره و اجعل البرکة

تحيط بهم من کل ‌الجهات يا ربّ الايات انک انت المعطی العزيز الوهّاب انک انت

الکريم الرحّيم و قد سبقت منک الکلمات فی حقّ کل من قام علی نصرة امرک من اهل

الارض والسموات يا ربّ الخيرات و قابل الحسنات و المبرّات

# هوالله ای خبّاز پر نياز حضرت روح بحواريين ميفرمايد انا خير الذی نزل من السمآء مَن

اَکَلَ من هذ الخبز لن يموت ابدا ميفرمايد حقيقت مائده سمائيّه است و از آن مائده

سمائيّه هر نفسی بهره گيرد بحيات باقيه فائز شود و همچنين شئون رحمانيّه

\* ص9 \*

که از آن مظهر فيوضات ربانيّه ظاهر شد آن شئون نيز مائده سمائيّه حضرت بيچون

است پس تو خبّاز الهی باش و سبب حصول و وصول و نزول مائده سمائيه گرد ع ع

١٠ بخط و امضآء مبارک است

# هوالله ای ياران رحمانی اين زندانی جناب آقا محمّد صادق عليه بهآءالابهی بارض مقدس

وارد و بآستان مقدس ساجد گرديد فی‌الحقیقه شمعی بارق و بنور محبّت الله رخی

شار‌ق دارند در اوقات انس و الفت روحانی ذکر احبّای رحمانی نمودند که

الحمدلله ياران فارس فارس ميدان عرفانند و حارس حصن حصين رحمان توجّه بملکوت

ابهی کنند و تضرع بآستانه حضرت کبريا نمايند منجذبند و ناطق مشتعلند و بارق و

موانسند و موافق محفل توحيد بيارايند و شمع تجريد افروزند و آيات تقديس ترتيل

نمايند و بذکر بديع مشغول شوند هر يکی گلشن الهي را گلی معطّر و بوستان

رحماني را شکوفه ئی معنبر و حدائق قدس را بلبلی گويا و سِفّر يوحنّا را تعبير رويا

شب و روز بهدايت خلق کوشند و بيان حجج و براهين آلهی نمايند و بگفتار و رفتار

سبب تنبه خلق گردند آيات توحيدند و رايات تجريد از اين اوصاف و نعوت نهايت فرح

و سرور حاصل گرديد ما را نيز اميد چنين است و آرزو اعظم از اين و يقين است

\* ص10 \*

كه موطن آن نور مبين بهمّت دوستان الهي عنقريب تزیین يابد و غبطهٴ بهشت برين

گردد ياران آلهی هر يک بقوّهٴ روحانی و بپرتو شمس حقیقت فائز و آئينه چون صفا

يابد اشعهٴ ساطعه جلوه نمايد لهذا از الطاف دلبر آفاق منتظريم که آن خطّه و ديار

را مشکبار فرمايد و آن اقليم را روضهٴ نعيم نمايد شيراز پر آواز گردد و ندای

آلهی بلند شود و ياران آلهی بساز و آواز دمساز شوند که جميع اصوات خاضع گردد و

هر ضوضائی ساکت و صامت شود تا مصداق شعر اديب شيراز شود ولوله در شهر نيست جز

شکن زلف يار فتنه در آفاق نيست جز خم ابروی دوست باری عبدالبهاء بياد ياران

در نهايت روح و ريحان و بدل و جان جويای روی دوستان دمی نگذرد مگر آنکه تضرع و

زاری نمايم و عجز و بيقراری کنم و بکمال تتبّل طلب تأئيد نامتناهی نمايم البتّه

ياران نيز با اين زندانی در عجز و زاری همدم و قرينند و جانفشان در سبيل نور

مبين و عليکم البهآء الابهی يا الهی و محبوبی و مقصودی و مطلوبی ترانی مناجیاً

فی الايّام و الليالی و متضرعاً اليک بقلبی و لسانی و مبتهلاً الی ملکوت بروح

منجذب الی ملکوت الربّانی ان تؤيد الذين سمعوا الندآء و لبّوا للدعآء و

انجذبوا الی ملکوتک الاعلی و اشتعلوا بالنّار الموقدّة فی سدرة سينا و وجهوا

وجوههم اليک

\* ص11 \*

بين الوری و رتلوا آيات الهدی بين ملاء انشآء و نطقوا بالثنآء و رفعوا رايت

التقوی و سرعوا الی مشهد الفدآء بقلوب خافقة بالحّب و الولآء و قاموا الحجج

والبرهان بين خلقک علی اثبات امرک بقوّت ارتعدت به فرائض اولی النهی ربّ اجعل

هولآء مصابيح الدجی و مفاتيح ابواب السمآء و رايات الکلمة العليا و آيات

الکتاب المبين فی زبر الاولين و صحف الاخرين حتی يتوکلوا عليک و يسرعوا اليک

و يتمّنوا الشهادة بين يديک انّک انت الکريم انّک انت العظيم و انّک انت الرحمن

الرحيم ع ع ١١ خط کاتب و مهر مبارک است

بواسطهٴ جناب آقا ميرزا محمد صادق زائر شيراز احبای الهی عليهم بهاءالله

الابهی

جناب عندليب جناب آقا سيد محمّد حسين جناب حاجی ميرزا بزرگ جناب حاجی

ميرزا حبيب الله جناب حاج ميرزا ضيآالله جناب آقا ميرزا لطف الله

مستوفی جناب سلطان محمد خان جناب آقا ميرزا جلال خيّاط جناب محمّد تقی

خان جناب آقا ميرزا غلامرضا جناب ميرزا سيف الله جناب ميرزا محمد جعفر

خان جناب آقا ميرزا ابوالقاسم ساعت ساز جناب آقا علی آقا اسانه دار جناب

آقا محمد باقر نقاش جناب آقا ميرزا حبيب حکّاک جناب ميرزا عبدالحسين ثابت

جناب آقا ميرزا محمّد جناب آقا ميرزا محمّد رضا جناب آقا ميرزا محمود عطّار

جناب آقا ميرزا عليخان جناب آقا ميرزا بهائی جناب شاهزاده محبعلی ميرزا

جناب شاهزاده غلامحسين ميرزا جناب آقا ميرزا شکرالله جناب آقا ميرزا سليمان

جناب

\* ص12 \*

جناب ميرزا عبدالحسيخان جناب ناظم دفتر جناب آقا ميرزا عليرضاخان جناب آقا

ميرزا امان علی جناب عليمحمد بيگ جناب اسدالله بيگ جناب آقا ميرزا بابا

جناب آقا محمّد اسمعيل جناب ميرزا مسيح الله جناب آقا شيخ آقا جناب آقا

ميرزا حسن جناب آقا ملا محمّد رضا جناب آقا محمد حسن جناب آقا علی آقا

جناب آقا ميرزا يحيی خان جناب آقا ميرزا علی محمّد خان

عليهم بهاءالله الابهی

هوالله ش جناب ميرزا محمّد صادق عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايد

# هوالله ای مقتبس انوار هدی در اين قرن عظيم خداوند کريم تمسک بعهد قديم جو و تشبث

بذيل رب رحيم کن و در امرالله خدمتی و در نشر اثارالله همّتی بنما اين ايّام

پر احزان بپايان رسد و اين انفاس معدوده منتهی گردد بجان جويای حيات باقيهٴ

ابدّيه باش و بدل اميد بلطف حضرت مجيد داشته باش لطف او عميم است و فضل او

عظيم عنايت او بينهايت است و موهبت او اساس هدايت باستعداد و استحقاق خويش نظر

منما بلکه بفيض و فضل ربّ ودود بنگر بر عهد و پيمان ثابت و متين و رزين و رصين

باش ع ع

بواسطهٴ جناب آقا ميرزا محمود زرقانی

شيراز

١٢ بخط کاتب و امضاء مبارک است

\* ص13 \*

شيراز جناب آقا ميرزا ابوالقاسم ساعت ساز جناب آقا ميرزا يوسف نقاش جناب آقا

ميرزا عبدالحسين و جناب آقا ميرزا محمّد صادق عليهم بهاءالله ابهی

# هوالله ای ياران عبدالبهآء الان در محفل احبّا و انجمن اصفيا حضرت حيدر قبل علی حاضر و

ذکر شما گذشت از قرار معلوم از متولی باشی شاه چراغ اذيت و جفا ديده‌ايد و محنت

بي‌منتها کشيده‌ايد سبحان الله شاه چراغ روشن است ولی متولی بسيار تاريک و مظلم

اين نادان با وجودي که پای چراغست عجيب است که در چنين ظلمتی حالک هالک عيب ندارد

و همواره چنين بوده است که خادمان محلات محترمه معاندان بودند از جمله در ضريح

حضرت رسول عليه الصلوة و السلام الآن نفوسی خادمند که شريرترين مخلوقند در

چند سال قبل حجاج ايرانيان ريختند جمعي را زدند و بستند و غارت نمودند حتّی شش

نفر را کشتند و اين ظلم و عدوان بسبب اين بود که طمعی در مال بيچارگان داشتند

مقصود اين است که شما دلگير نشويد اينها متولی نيستند متعدّی هستند از اهل

تعنت و بغضا هستند علی الخصوص که معهود بمرشد موجود نيز موسوم است باری اگر

ستمکار جفا آشکار نمود وفا نمائيد و اگر او تعدّی کرد شما تولی جوئيد آتش

آن خصومت را بمآء محبت خاموش نمائيد

\* ص14 \*

و آن تيغ تيز را صبر و تحمّل سپر کنيد تا توانيد مهربانی کنيد و رحمانی طلبيد و

منتهای رعايت و عنايت مجری داريد و عليکم التحيّة و الثنآء ع ع امضاء

شيراز بواسطهٴ امة الله ورقه رحمانيّه والدهٴ آقا ميرزا هادی حرم جناب آقا

محمّد صادق خباز عليه التحيّة والثناء

١٣ بخط کاتب و مهر مبارک است

# هوالله يا امة الله نهايت ستايش از ايمان و ايقان و وله و انجذاب تو نمودند لازم گشت

بلکه واجب شد که بتو نامه نويسم و تشويق بر تزئيد مغناطيس نمايم امروز سبب سرور

قلب و تسلی خاطر مژدهٴ انجذاب و اشتعال نفسی که بگوش انتظار رسد زيرا شب و روز

در نهايت انتظارم که از کجا آهنگ خوشی برآيد و نفحهٴ معطری بوزد باری ای امة

الله نظر بضعف و ناتوانی ننما بلکه در اين ميدان بقوهٴ محبت الله جولان نما و

سبب شور و شوق در شيراز آن خلوتگه راز گرد تا امآء رحمان را بجذب و وله آری و

محافل نسا را فخر مجامع رجال کنی اين موهبت اسم اعظم روحی لاحبّائه الفداء را از

برای هر يک از امآء رحمان آرزو مينمايم والله يختصّ برحمته من يشآء و الله

ذو فضل عظيم و عليک التحيّة و الثناء ع ع

١٤ بخط کاتب و مهر مبارک است امضاء

\* ص15 \*

هوالله

ش جناب شاعر ناظم آقا عبدالرحمن عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايد

# هوالابهی ای ناطق بثنای محيی عالم ای خوشا قريحه طبيعی که زلال محامد حق و سلسال ستايش

و ثنای حق از آن چون چشمهٴ حيوان نبعان نمايد اي خوشا زباني که بحمد جمالقدم

بنغمات منظوم و منثور و بر شاخسار احديّت بسرايد ای فرخنده گوش که آن الحان را

بميزان مقامات و آهنگ مزامير ال داود استماع نمايد قصيده

بديعه که در بلاغت و فصاحت چون دراری و لئالی مکنونهٴ مخزونه بود به کمال روح و

ريحان قرائت شد و بوفور سرور تلاوت گرديد از عنايات مخصوصهٴ ملکوت ابهی اميدوارم

که آثار تحسين اين ستايش را از افق اعلی مشاهده نمائی و بعهد پيمان ثابت و

محکم مانی ع ع مقابله شد

خط کاتب و امضاء مبارک است

هوالله ورقهٴ طيّبه امة‌الله زهرا بی بی را از قبل اين طير هجران تکبير ابدع ابلاغ

نمائيد

خط کاتب

هوالابهی ش جناب عبدالرحمن عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايد

هوالابهی

\* ص16 \*

# هوالابهی ای ناظر بمنظر اکبر در اين ساعت که جمعی در اين محضر از بيگانه و محرم حاضر و

اين عبد در محاوره و مکالمه مشغول و ناطق خامه برداشته که بنامه نگاشتن بآن عاشق

جمال ذوالمنن پردازم چون قلم گرفتم دريای محبّت و الفت چنان موجی بر ساحل دل زد

که رشحاتش موجی از مداد شد و بر اين صفحه هجوم برآورد ملاحظه فرما که اين اثر

مداد اصلش روحی جذابّست که از فم روح القدس محبّت الله دميده و عاقبت در جميع

مراتب جلوه نموده بهیئت حروفات در اين ورقه جلوه گر گشته والبهآء عليک و علی کل

ثابت علی عهدالله و ميثاقه فی هذا الکور العظيم ع ع مقابله شد

١٦ خط کاتب و امضا مبارک است

شيراز ضلع جناب ميرزا صادق زائر و صبيهٴ محترمه‌شان

# هوالله ای ورقهٴ جليله پرتو شمس حقيقت شامل است و فيوضات جمال مبارک متواصل لهذا

بنهايت اطمينان تضرع بملکوت ابهی کن و طلب شمول آن فيوضات نما و عليک

البهآء الابهی

ع ع مقابله شد

١٧ خط کاتب و مهر مبارک است

هوالابهی

\* ص17 \*

# هوالابهی

ای خادم درگاه محبوب آفاق چندی بود که پاسبان آستان الهی بودی و در درگاه

احديّت بخدمت بکمال همت کوشيدی و باين موهبت عظمی که منتهی آمال اصفياست فائز

گشتی حال نيز باذن و اجازهٴ بندۀ حق بسوی ايران عازم شو خدا شاهد و گواه است و

عبد واقف و آگاه که بفرائض عبوديّت قيام نمودی و در خدمت عزيز علام کمر همّت

بستی شکر کن خدا را که در ايّام الهی مبعوث شدی و بچنين فيض نامتناهی رسيدی

اولياء اين مقام را غبطه نمايند و اصفيا بمنتها آمال و آرزو جويانند ع ع

مقابله شد

# هوالابهی ای مظهر لسان صدق عليّا عليک فيوضات بهاءالله فی مبدئک و مثواک در جميع احوال

توجّه بمنظر اعلی مشرق ابهی کن و در هر امری استمداد و استنصار از مدد غيبی آن

عالم آلهی کن اگر جنود قوّت و قدرت الهيّه تائيد نمايد جميع فرق و دول و ملل

عالم جند ما هنالک مهزوم من الاحزاب واضح و مشهود گردد و الا و ان يخذلکم من

ذا الذی ينصرکم من بعده ظاهر و لائح شود پس جهد نما که مؤيد گردی و موّفق شوی

والبهآء عليک ع ع مقابله شد

هوالابهی

\* ص18 \*

هوالابهی الهی الهی انّی عبد آمنت بک و باياتک و اقبلت الی وجه جمالک الاعلی

و اخلصت وجهی لملکوتک الابهی و تشبّثت بالعروة الوثقی و تمسّکت بذيل ردآء الکبريآء و

استقمت علی شريعتک النورآء و ثبتت علی ميثاقک العظيم الذی اخذته فی ظل

الشجرة الانيسآء ايرب احرسنی بعين رعايتک الوافيّة الاحبّاء و انظر الی بلحظات

رحمانيّتک التی احاطت الاشيآء و احفظنی من کل البلآء و قنی التزلزل

والاضطراب يا ربّ الارباب انّک انت الکريم الرحيم العزيز الوهّاب ع ع

مقابله شد

٢٠ خط کاتب است

# هوالله ای کنيز با تميز ربّ عزيز جناب زائر از من رجای تحرير نامه نمود من با وجود عدم

مجال بنگارش اين ورقه پرداختم و از فضل و موهبت الهيّه رجا نمايم که شما را در

کهف حفظ و حمايت خويش محفوظ و مصون فرمايد و بنفحات قدس مؤانس نمايد و بر عهد

و ميثاق ثابت دارد ع ع مقابله شد

٢١ بخط مبارک است

هوالله

امة الله ضلع آقا سهراب عليها بهاءالله الابهی

\* ص19 \*

# هوالله ای ورقه مبتهله سهراب دراين مدت بچنگ افراسياب افتاده و بجنگ نفس در تب و تاب

بود و بمدد افتاب فلک حقيقت غالب و بر هوای خويش فائق و قاهر گشت حال در نهايت

تبتّل و تضرع و غايت توکّل و توجّه عازم آن ديار گرديد تا بموجب اوامر الهيّه

عمل نمايد در اين چند وقت که در اينجا بود بمنتهای خدمت مشغول و در پرستش و

عبارت حضرت يزدان نهايت کوشش را مجری داشت پس حمد کن خدای را که بچنين موهبتی

موفق و مؤيد گرديدی که منتسب بچنين شخصی شدی که در درگاه حق مقبول است ع ع

مقابله شد

شيراز بواسطه بشير الهی اعضآء محترمهٴ مقدّسهٴ خادمين محفل پيمان عليهم

بهآءالله الابهی

# هوالله ای نفوس مبارکه نامهٴ شما رسيد نامه نبود نافهٴ مشک غزالان برّ وحدت بود زيرا

رائحهٴ طيّبه محبت الله از معانی و حقائق آن استشمام ميشد حمد خدا را که در آن

موطن صبح هدی و مسقط الرأس جمال اعلی روحی له الفدا از چنين نفوس مبارکی محفل

نورانی تشکيل شد که کل خادمان صادق مجلی طور و آفتاب حقيقی جمال ابهی

\* ص20 \*

روحی لاحبائه الفدا هستند اين انجمن گلشن حقيقت گردد و گل و ريحان حقايق و

معانی و سنبل و ضيمران الطاف رحمانی در نهايت تزيين در آن جلوه نمايد ربّ انّ

هولاء عبادک النبهآ و اصفيائک بين الوری و امرآء نبلاء فی تلک البقعة

البيضآء و عظمآء خلقک و کبرآء بريّتک يهللون بذکرک و يتهلهلون بثنآئک و

ينادون باسمک و يخضعون لکلمتک و يستبشرون بالطافک ربّ اجعلهم اوراق سدرة

رحمانيّتک و ازهار حديقة ربّانيتک و سرج افق محبتّک و نجوم سمآء موهبتک انک

انت الکريم و انک انت الرحيم و انک انت البرّ الرؤف العظيم

عبدالبهآء عباس

مقابله شد

بخط کاتب و امضاء مبارک است

شيراز بواسطه آقا حسن بلور فروش جناب آقا محمّد رضای بواناتی عليه بهآءالله

# هوالله ای نفس مطمّئنه الحمدلله نامه معانی بديعه داشت و نفحهٴ معطّرهٴ جنّت ابهی از

آن استشمام گشت اميد شديد است که البّته تأئيد و توفيق خواهد رسيد و عنايات

اسم اعظم از جهان قدم شامل و کامل گردد از عدم فرصت مختصر مرقوم گردید معذور داری

و عليک البهآء الابهی

حيفا ٦ رمضان ١٣٣٨ عبدالبهآء مقابله شد

عباس

خط کاتب و امضاء مبارک

\* ص21 \*

هوالله

ش امة الله والدهٴ آقا سهراب عليه بهآءالله الابهی

هوالله ای امة الله جناب آقا سهراب مدّتی بود که در درگاه احديّت بخدمت مشغول بود از

غير حق غافل زحمت و تعب بسيار کشيد و مشقّت بيشمار تحمّل کرد از خدا ميطلبم که

اجر جزيل مقدّر فرمايد و نعم بی‌بديل مبذول کند حال اشتياق شما را دارد لهذا عازم

آنسمت گرديد و در اينمدّت در اينجا دائماً بياد و ذکر شما بود و بالنيّابه از

شما طواف مرقد منوّر نمود و بر خاک افتاد و درخواست فيض و فوز عظيم نمود انّ

ربّک هو الفضّال العظيم والبهآء عليک ع ع مقابله شد

٢٥ بخط مبارک است

بواسطٴ آقاميرزا هادی افنان شيراز بواسطهٴ آقا محمّد حسن بلور فروش عليه

بهآءالله

جناب فتح الله حجّار و اخوان زرقانی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله ای بندهٴ الهی چه عنوان شريفی مرقوم نمودی و چه خطاب پر حلاوتی نگاشتی در مذاق

اين آواره خطاب يا عبدالبهآء حلاوت دارد و مادون آن تلخکام گرداند الحمدالله

ايّام فترت منتهی شد و صبح مخابره و تبادل انجذابات قلبيّه و عواطف وجدانيّه

بدميد و باين مواهب موفّق و مؤيديم اخبار خوش از فارس ميرسد که ياران بنهايت

روح و ريحانند اين خبر جان

\* ص22 \*

پرور بود اميد چنانست که اين مژده پياپی برسد الهی الهی طيّب قلوب احبائک بصيّب

هاطل من فيوضاتک و انعم برشحات سحاب رحمتک و اجعلهم آيات الهدی بين الوری

انک انت ربّ الاخرة و الاولی ای يار حقيقی چون طريق مغشوش و سهولت سفر ممکن نه لذا

صبر نمائيد و نيّت زيارت را بوقت ديگر مرهون نمائيد و عليك البهآءالابهی

عبدالبهآء عباس ٢١ شوال ١٣٣٧

٢٦ خط کاتب و امضاء مبارک است

مقابله شد

بواسطهٴ جناب ميرزا احمد زرقانی جناب آقا استاد کاظم بنا عليه بهآءالله

# هوالله ای بنّا بنائی نما که اساسش در ارض غبرا و شرفه‌اش در اوج سماء و کنگره‌اش متواصل

بعرش اعلی از زبر حديد و پولاد شديد مرصوص و مشّيد و مخصوص و مؤيد اگر چنين

بنائی نمائی مهندسی و معمار و بنّائی در نهايت اقتدار و الا بنيان بشر قاعاً

صفصفا گردد و لئالی صدف امکان خزف شوند مگر پرتو شمس حقيقت تابد و لطافت و لمعان

بخشد و عليک البهآء الابهی ع ع مقابله شد

شيراز زرقان اعضای محفل روحانی و احبای الهی عليهم بهآلله الابهی

جناب استاد عبدالمحمّد جناب ملا عباس بزّاز جناب مشهدی احمد جناب آقا فتح

الله جناب سيف الله جناب آقا علی مشهدی سميع جناب استاد محمد کاظم بنّا

جناب آقا يدالله جناب استاد محمد علی حدّاد جناب آقا فتح الله ابن مشهدی

حسين جناب آقا قاسم جناب استاد عباس

٢٧ خط کاتب و مهر مبارک

\* ص23 \*

جناب استاد حيدر جناب استاد رضاقلی جناب استاد فتح الله جناب آقا لطف الله

جناب استاد حاجی علی جناب مشهدی عبدالله خادم جناب استاد حبيب الله جناب

آقا قنبر ابن مشهدی سميع جناب ملا کدای قايض عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله ای ياران عبدالبهآء نامه شما رسيد معانی روحانی بود و مضمون مشحون باسرار

رحمانی زيرا دليل جليل بر توجّه بملکوت ابهی بود و تتبّل بملاءاعلی الحمدلله

زرقان روح و ريحان يافته جمعی از ياران در نهايت ثبوت و استقامت ناطق بحجّت و

برهان گشتند انجمن مبارکی تشکيل يافته و جميع بموجب وصايا و نصايح الهی تمنّای

عبوديّت آستان مقدس نمايند و بخدمت پردازند لسان تبليغ گشايند و يرليغ بليغ

الطاف نامتناهی جويند تا هر يک افق ايمان و ايقانگرا ستارهٴ درخشنده شوند و

حدائق حقائق و معانيرا گل صد برگ خندان گردند من بدرگاه اسم اعظم روحی لعتبته

تربته الفدآء بکمال عجز و نياز تضرّع و ابتهال کنک و شما ها را هر يک عزّت

ابديّه و حيات سرمديه و توفيقات نامتناهيه و موهبت ربّانيه طلبم و عليکم

البهآءالابهی اعانهٴ مشرق الاذکار انشآالله بامريکا ارسال ميگردد ع ع

مقابله شد

شيراز بواسطهٴ جناب بشر

جناب اردشير جناب شاهوير و جناب رشيد عليهم بهآءالله الابهی

هوالله

\* ص24 \*

# هوالله ای ياران پارسی من دوستان قديميد و هموطنان عزيز در اين قرن نازنين آفتاب

علييّن از سپهر برين نور مبين بخشيد تا بپرتو ايزدی دل‌های آن ياران ديرين رشک

بهشت برين گشت پس هزاران شکرانه پروردگار يگانه را که اين پراکنده را بر اين

چشمهٴ روح بخشنده جمع فرمود و آن آوارگان را سر و سامان بخشيد پارسيان‌ را

بآرزو رسانيد ايرانيان را سرفراز کرد نام نياکان را تجديد فرمود پيام پيمبران را

آشکار نمود راز وخشوران را هويدا کرد پس بايد قدر اين نعمت بدانيم و ايزد دانا

را بستائيم و از شدّت محبّت او بگرئيم و بزاريم و بملکوت ربّانی بنالی و بالطاف

رحمانی بباليم هزار آفرين ای ياران دلنشين که پی باين پيام برديد و صبحی

نورانی پس از آن شام کدر آشام يافتيد خوشا بحال شما جانتان خوش باد ع ع

مقابله شد

دستخط مبارک

همهٴ مهر جويان خوش خو درخشنده رو مشکبو را بجان جويانم و پيام ميفرستم ع ع

مقابله شد

بواسطهٴ حضرت بشير الهی جناب اردشير شاهوير جناب رستم فولاد عليهما بهآءالله

الابهی

بخط کاتب و مهر مبارک است

\* ص25 \*

# هوالله اي دونفس نفيس آفتاب جهان تقديس چنان اشراق بر آفاق نمود که هر شخص خسيس از

موهبت کبری نفيس گردید و بيگانه آشنا شد آن ياران بايد زبان بشکرانه گشايند که

دوباره کوکب سعادت کبری از مطلع ايران در نهايت شعله و ضياء درخشيد نام مرده

زنده گشت و جسم پژمرده تر و تازه گرديد هيکل ايرانی بعد از پيری دور جوانی گرفت

و پس از ناتوانی موهبت آسمانی يافت عنقريب خواهيد ديد و شنيد که خطهٴ ايران و

اقليم پارسيان چگونه بنور ماه و خورشيد درخشنده و تابان گردند و عليکما البهآء

الابهی ع ع مقابله شد

٣٠ بخط کاتب و مهر مبارک است

# هوالله ای سودائی دلبر آسمانی نامهٴ مفصّل ملاحظه گرديد معانی بديع داشت و مضامين

دلنشين حمد خدارا که از سراب اوهام رهيدی و بسرچشمهٴ راز و نياز رسيدی از آب

حيات نوشيدی و جمال حقيقت پرستيدی بدرگاه داور مهربان و نياز نمودم و ترا سکون

و قرار و استقامت و متانت و ثبوت و رسوخ طلبيدم و تأئيد بروايت ديگران رجاء

نمودم و اميد چنان که اين حاجت روا گردد و اين دعا مستجاب شود مهتر رشيد را

بنواز شايد بملکوت راز پرواز نمايد و همدم و هم‌آواز گردد و عليک البهآءالابهی

ع ع

\* ص26 \*

هوالله

جناب حسن همدانی عليه بهآءالله الابهی ملاحظه فرمايند

# هوالله ايّها المتمسّک بالعروة الوثقی چه نگارم که قلب در نهايت جوش و خروش است و جان

زنده بنفحهٴ الهی چه شوق و شعف جانبازان راه اله در اين صبحگاه ارکان وجود را

چنان احاطه نموده است که جان باميد وصل جانان حيات يافته و دل بآرزوی مشاهدهٴ

روی دلبر حقيقی بوجد و طرب آمده و سرور و حبور جسته طير حديقهٴ نورآء حضرت روح

الله ملاحظه نما که بچه انجذاب در حبّ ربّ الارباب جانباخت و از حيز امکان

بلامکان شتافت ع ع مقابله شد

٣٢ خط مبارک است

جناب طير ناطق آقا محمّد صادق و جناب شمع انجمن ابوالحسن تکبير ابدع ابهی

ابلاغ نمائيد ع ع مقابله شد

\* ص27 \*

بواسطهٴ جناب منشادی جناب آقا محمّد حسن بلور فروش عليه بهآءالله

# هوالله ای ثابت بر پيمان نامه ئی که بجناب منشادی مرقوم نموده بودی ملاحظه گرديد سبب

بهجت و انبساط شد زيرا مزاح نموده بودی و مداعبه فرموده بودی و از برای اولاد

های خويش نامهٴ مخصوص خواسته بودی من نيز فرمايش شما را بجا آوردم و بنگارش

نامه پرداختم بقول ملا غير تسليم و رضا کو چاره ئی زيرا ابداً فرصت ندارم مهلت

نيابم راحت نجويم استراحت نخواهم سکون و قرار ندارم راحت جان ندانم با وجود اين

نامه نگاشتم و عليک البهآءالابهی بجناب آقا محمّد صادق سليل مرحوم آقا

محمّد حناساب تحيّت مشتاقانه من برسان هميشه در ياد و خاطر است ابداً فراموش

نشود مورد فضل الهيست و مشمول الطاف و عنايت رحمانی و عليه البهآء الابهی ع ع

مقابله شد

٣٣ خط کاتب و مهر مبارکست

شيراز جناب آقا محمّد حسن بلور فروش عليه بهآءالله

\* ص28 \*

# هوالله ای ثابت بر پيمان نامهٴ شما رسيد از مضمون چنان معلوم گردی که آرزوی دل و جان

شما اينست که سليل جميل در سبيل ربّ جليل جانفشانی نمايد و برفاقت حضرت طراز و

علی اکبر سير و سفر در بلاد نمايد لسان فصيح بگشايد و بثنای ربّ جميل پردازد

نطوق گردد و نصوح ظفر يابد و فتوح تشنگان را بمعين هدايت دلالت نمايد و از عين

يقين بنوشاند و بحقّ‌اليقين برساند اين نيّت بسيار مبارکست و اين مقصد بی نهايت

ارجمند اميدوارم که مؤيد و موفّق گردد امة‌الله المنجذبه حرم محترمه را از

قبل من تحيّت ابدع ابهی ابلاغ داريد ع ع مقابله شد

بخط کاتب و مهر مبارک است

هوالله

جناب زائر مطاف روحانيان آقا محمّد حسن عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالله ای طائف حول مطاف ملاء اعلی دو دست شکر را بدرگاه احديّت بلند نما

\* ص29 \*

و بگو ای منتها آرزوی عاشقان ای دليل گمگشتگان اين بندهٴ ضعيف را بالطاف بی

پايان بنواختی و اين بيچارهٴ ذليل را بدرگاه احديّت رساندی اين تشنهٴ سوخته را

از عين عنايت نوشاندی و اين بيجان افسرده را بنسيم رحمت تر و تازه نمودی شکر

ترا که از فضل اکبر نصيب اوفر عنايت فرمودی و بروضهٴ مبارکه مشرّف کردی از فيض

ملکوت ابهايت بهرهٴ بی پايان ميطلبم موفّق فرما عنايت کن ع ع مقابله شد ٣٥ خط مبارکست

جناب آقا محمّد حسن بلورفروش عليه بهآالله الابهی

# هوالله ای ثابت بر پيمان نامهٴ شما رسيد شکرانه بدرگاه الهی گردی که الحمدلله ياران

فارس فوارس ميدان عهد و پيمانند و حارس حصن حصين امرالله شيراز بحمدلله

آوازش بلند شد حرکتی نموده و برکتی يافته امرالله را انتشاری و احبااآلله را

انتصاری عبدالبهآء از خمودت و جمودت وطن حضرت اعلی روحی له الفدآء

\* ص30 \*

محزون و دلخون بود حال الحمدلله مسرور و خشنود است نهايت آرزو چنين بود و

اميدم وطيد است که روزبروز خوشتر و دلکشتر و بهتر و شيرين تر شود حلاوت محبّت

الله مذاقها را شيرين کند و کامها را شکرين نمايد و عليک البهآءالابهی

يک دستگاه جار نه ٩ چراغ هديهٴ جناب ارباب رستم ببيت مبارک مقبول درگاه پروردگار

گشت و عليه البهآء الابهی ع ع مقابله شد

٣٦ خط کاتب و مهر مبارک است

٣٧ خط کاتب و مهر مبارک است

شيراز جناب آقا محمّد حسن بلورفروش عليه بهآءالله الابهی

# هوالله ای بهائی معروف و مشهور آن دل بلوّر الحمدلله مشکوة نور گرديده و چون عرفان و

محبّت هردو جمع شده نورعلی نور آشکار و پديد گشته جاهلان در پی حور و قصورند ولی

عارفان مشتاق ديدار ربّ غفور آنان عبدهٴ بطونند و اسير شهوات گوناگون ولی

عارفان آزادگانند و سالکان و آشفتگان يعنی شيفتهٴ آنروی تابانند و آشفتهٴ آن زلف

پريشان ديدار يار بهشت برين است و مشاهدهٴ انوار روشنی چشم ابرار و سرور دل

احرار شکر کن خدارا که ديده حقيقی يافتی و در ملکوت ديرين

\* ص31 \* مشاهدهٴ جمال آن دلبر نازنين نمودی و عليک التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد

هوالابهی

جناب آقا محمّد حسن من اهل ها عليه بهآلله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی ای ناظر بملکوت الهی آنچه مرقوم نموده بوديد مخصوص مطالعه رفت و ملاحظه گشت

سبب ذکر خير دراين محفل رحمانی شد لحظات عين رحمانيّت متوجّه شما و رشحات غمام

مرحمت نازل بر شما الطاف الهيّه از جميع جهات محيط است و دريای موهبت رحمانيّه

پر موج و فيض انگيز پس بجان مسرور و مستبشر باش و بدل مشروح و منبسط که باين

عين عنايت منظوری و باين لطف و احسان مخصوص در نهايت استعجال مرقوم شد و عليک

البهآء ع ع مقابله شد

٣٨ خط مبارک است

هوالله

ط جناب آقا محمّد حسين همدانی عليه بهآءالله الابهی

\* ص32 \*

# هوالابهی يا من آمن بالله و صدق بکلمات الله علم ميثاق در قطب جهان بلند است و پرچمش

از ارياح تأئيد ملکوت پر موج و پر حمله و حرکت امم آفاق در ظلش داخل و جنود

ملاءاعلی در نصرتش متتابع پس ای ياران جانی کمر خدمت بربنديد و سمندر اين

ميدان برانيد تا مانند هوشمندان سبيل حق موفّق بنشر نفحات شويد ع ع

مقابله شد

٣٩ خط مبارک است

شيراز بواسطهٴ غلامحسين ميرزا جناب آقا محمّد حسن بلورفروش عليه بهآءالله الابهی

# هوالله اي بندهٴ الهی جناب شهزاده غلامحسين بی شين و مين بندهٴ ربّانی در نامه خود

ستايش از تو نموده و بتعريف و توصيف زبان گشوده که امر الهي را خادم صادقست و

احبّای رحماني را غمخوار موافق و بجهة بيت مکرّم دو ثريّا و شش زجاجه در نهايت

لطافت تقديم نموده اين هديه مقبول افتاد و سبب حصول مقصود گردد عبدالبهآء

ترا محبت صادق است و از درگاه سبحانی از برای تو تأئيد رحمانی جويد و عليک

التحيّة والثناء ع ع مقابله شد

٤٠ خط کاتب و مهر مبارکست

\* ص33 \*

هوالابهی

جناب آقا محمّد حسن همدانی عليه بهآءالله ابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی الهی و غفّار ذنوبی انّی اتوسّل اليک و اتضرّع بين يدیک و اتشبّث بذيل غفرانک و

ابتهل الی ملکوت عفوک و احسانک ان تشمل عبدک الذی صعد اليک و وفد عليک بلحظات اعين رحمانيک و تخوض به فی بحار مغفرتک بسلطان فردانيتک و تجعله مکللاً

باکليل الصّفح بموهبة ربّانيتک و منوّر الوجه بعفوک و غفرک فی رفيقک الاعلی يا ربّی

الابهی ای ربّ هذا ضيفک عامله برحمتک الکبری و ادخله فی جوار الطافک يا راحم

من فی الارض و السمّاء انک انت اعفّو الغفور الرّحمن الرّحيم و البهآء عليه من

حضرة قيوميّتک يا ربّی الکريم و غافر الذنوب العظيم ع ع مقابله شد

هوالله

٤١ خط مبارکست

ط امة الله والدهٴ جناب آقا محمّد حسن عليها بهآءالله الابهی

\* ص34 \*

# هوالابهی ای امة الله بامداد است و هر کس بخيالی مفتون و دلشاد و من بقلم و مداد

پرداخته که شايد روح و فؤاد اماء و عباد الرّحمن مهتز و مسرور گردد و بروح و

ريحان آيد و از ايات محبّت جمال قدم روحی جديد يابد ای امة الله شعلهٴ ميثاق

است که بحرارت عبوديّت جمال ابهی در کبد آفاق تأثير نموده ع ع مقابله شد

٤٢ خط مبارکست

هوالله

بواسطهٴ جناب آقا محمّد حسن بلوری سليل جليل آقا عبدالحسين عليه بهآءالله الابهی

# هوالله ای همنام من پدر مهربان بالحاح تمام و اصرار و ابرام بلکه بقوّت بازو از برای

تو نامه خواسته من هم جز تسليم و تمکين و اطاعت و اجراء چه چاره توانم پدر را

خاطر عزيز است و در ملکوت الهی مقرّب ربّ عزيز پس تو قدر اين پدر بدان و پسر

مهربان باش باطاعت او بکوش و اسباب سرور او باش تا الطاف جمال مبارک احاطه

نمايد و هر دمی شبنمی از دريای فضل بها بگلشن

\* ص35 \*

دل و جان رسد و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

٤٣ خط کاتب و مهر مبارکست

امة الله ضجيج آقا محمّد حسن زائر مطاف ملأ روحانيان عليها بهآءالله

الابهی ملاحظه فرمايند

# ای امة الله جناب آقا محمّد حسن الحمدلله محفوظاً مصوناً بملجأ اعظم رسيدند و

در پناه جمالقدم مدتّی مقر گزيدند و از رحيق مختوم نوشيدند و از حلاوت عنايت

حضرت معلوم چشيدند و در جميع مواقع يادی از شما نمودند و در روضهٴ مبارکه

درخواست خير فرمودند پس خدا را شکر کن که چنين ضجيعی داری و چنين مونسی انيس

که در چنين آستانی ياد تو نمود و در چنين انجمنی ذکر تو کرد ع ع مقابله شد

٤٤ خط مبارکست

بواسطهٴ جناب آقا محمّد حسن بلوری نجل سعيد آقا عبدالله عليه بهآءالله الابهی

# هوالله ای نهال باغ الهی اميدوارم که همواره از رشحات ابر عنايت تر و تازه باشی و

طراوت

\* ص36 \*

و لطافت بيمنتها يابی برگ و شکوفه نمائی و فواکه مطلوبه ببار آری پدر را

ملاحظه کن که چه قدر مهر پرور است که بقوهٴ بازوی التماس و گرز رجا اين نامه را

از عالم قوّه بحيّز وجود آورد دیگر از اين مهربانتر خواهی ممنون لطف او باش و

متشکر عنايت او از خدا خواهم که پسر اين پدر باشی و با اثر و ثمر گردی و عليک

البهآءالابهی ع ع مقابله شد

٤٥ خط کاتب و مهر مبارکست

# هوالله جناب آقا ميرزا عبدالحسين اگر بطرف هندوستان بجهت ترويج تجارت شما سفر نمايد

بهتر است و اگر ممکن نيست بامريکا اذن زيارت بقعهٴ مبارکه را دارد تا از قبل

عبدالبهاء سر بر آن آستان بنهد و طلب غفران خطايا از برای او در اين عتبهٴ مقدسه

بنمايد و عون و صون طلبد زيرا عبدالبهاء عازم امريک است ع ع

٤٦ خط مبارکست

ش جناب آقا محمّد جواد عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی اي شعلهٴ نار محبّت الله عليک بهاءالله و جوده و عنايته فی کل الشئون اگر

بتوانی بقوّت الهی دست از آستين برار و در اين عرصهٴ وجود و عالم شهود يد

بيضائی از محبت الله بنما آنچه بينی و خوانی و دانی همه وهم و خيال است و جهل و

ضلال جز آنچه من الحق ظاهر و الی الحق راجع کل ما فی الکون وهم و خيال او عکوس فی

المرايا او ظلال والبهآء عليک يا ايّها المقبل الی الله ع ع

٤٧ خط مبارکست

٩

شيراز آقا محمّد حسن بلور فروش عهديّه علی بهآءالله

# هوالله ای ثابت بر پيمان نامهٴ اخير رسيد ولی نامه های پيش نرسيد حال نامه ها از

ياران با وفا مانند باران ميرسد لهذا جواب مختصر مرقوم ميشود معذور داريد احبّای

آباده سزاوار اجر جزيل و موهبت ربّ جليلند الحمدلله ثمّ الحمدلله جسماً ممنوع

نشدند و روحاً فائز گشتند و آن عيد مبارک را در شيراز بنغمه و شهناز گذراندند جناب

قابل را تحيّت مشتاقانه برسان الحمدلله سبب هدايت نفوس طالبه گرديدند و آهنگ

ترتيل آيات از ميرزا نصرالله بمسامع

\* ص38 \*

لاهوتيان در ارض اقدس رسيد امة الله المنجذّبه المشتعله بنار محبّت الله

صبيّهٴ ذبيح مليح ضجيع حاجي عليخان في الحقيقه آيت هدي است اميدم چنان است كه

سلطان عبدالحسين نظير عمّ بزرگوار بخدمت امرالله قيام نمايد امة الله لقا و

امة الله روح انگيز را تحيّت ابدع ابهی برسان و امة الله طيبّه را بتحيّت

عبدالبهآء روح و ريحان بخش و جناب عبدالحسين و عبدالله و بهآءالدّين و جلال

الدّين و امة الله حورجهان والدهٴ ايشان را نهايت مهربانی از قبل عبدالبهاء

ابلاغ دار بشارت اهتزاز شيراز بنسيم بهار روحانی و ترتيب محافل و يدخلون فی دين

الله افواجا بسيار سبب مسرّت گرديد جناب سلطان حبيب الله را از قبل من بنواز

و بگو فی الحقيقه تو سليل پيک رحمانی هستی زيرا منسوب بآن قاصد امينی از عفو و

غفران الهی اميدوارم که متصاعدين الی الله سنگ تراشها بمقعد صدق عند مليک مقتدر

فائز و در جوار رحمت کبری بمشاهد کبريا واصل و عليک البهآء الابهی ١٣ شوال ٣٧

حيفا عبّاس

٤٨ بخط کاتب و امضاء مبارکست

\* ص39 \* ( بواسطه جناب محمّد باقر خان ) ٩

شيراز مغازهٴ مدبّرالسطنه جناب آقا محمّد حسن بلور فروش همدانی عليه

بهآءالله الابهی

# هوالله ای ثابت بر عهد نامهٴ اخير که ارسال نموده بوديد وصول يافت مضامين دليل بر آن

بود که الحمدلله احبای الهی در نهايت متانت و ثبات بخدمت عتبهٴ مقدّسهٴ الهيّه

موفّق قلوب را منوّر و مشامها را معطّر و محافل را معنبر مينمايد اين خبر سرور

پرور بود که الحمدلله جمال قديم بندگانی مقيم آستان دارد و بيدار و پاسبان که

در نشر تعاليم الهيّه بکمال همّت ساعی و در تربيّت نفوس بکمال قوّت جانفشان اين

ايّام که ابواب سرور مفتوح شد و صدور مشتاقان منشرح بآيات سرور و حبور گشت

بايد بقوّتی آسمانی و قدرتی ربّانی و تأئيدی صمدانی و توصيفی سبحانی شب و روز

کوشيد و جوشيد و خروشيد تا اين ظلمات دهمآء بنورانيّت کبری مبدّل گردد و اين

نزاع و جدال در بين ملل عالم بقوّهٴ اسم اعظم زائل شود کوکب وحدت عالم انسانی

طلوع نمايد و علم صلح عمومی بر کل اقاليم سايه افکند ترتيل آيات توحيد شود و

تبجيل نفوس جليل گردد اين گلخن

\* ص40 \*

فانی گلشن باقی شود و روی زمين بهشت برين گردد باری از برای نفوسی که مرقوم

نموده بوديد که بملاء الهی شتافتند و بملکوت ابهی پرواز نمودند بنهايت ذّل و

انکسار و عجز و نياز طلب عفو غفران از حضرت بی نياز شد و تجديد محفل روحانی

بهمّت جناب محمّد باقرخان و ميرزا محمّدعليخان بسيار بموقع طوبی لهم و حسن مآب

آنجناب بخدمت قائم و جناب ميرزا حبيب‌الله خان مظهر تأئيد بی پايان و بترويج

تعاليم الهی موفّق و بهدايت نفوس مؤيد از الطاف الهی سائل و آمليم که اين

نفوس مبارکه در جميع شئون موفّق بتأئيد حضرت بيچون گردند از ملکوت غفران طلب

عفو و احسان بجهت متعارج افق تقديس مرحوم آقاحسين‌آقا گرديد و از قبل عبدالبهآء

نهايت مهربانی و محبّت بی پايان باسلآء اجلآء برسانيد و همچنين بميرزا سيّد

عبدالله نهايت اشتياق از طرف عبدالبهآء ابلاغ داريد اسئل الله ان يجعلهم

آيات الهدی بين الوری و مؤيّدين بجنود من الملأ الاعلی و عليک و عليهم

البهاءالابهی عبدالبهآء ٤٩ خط کاتب و امضاء مبارکست مگر شش کلمهٴ فوق صفحه که بخط مبارکست

مقابله شد

٢٤جمادی الثانی ١٣٣٧

\* ص41 \* شيراز جناب آقا حسن بلور فروش عليه بهآءالله الابهی

# هوالله ای ثابت بر پيمان اميدم چنانست که بلطافت اخلاق و رقّت قلب و روحانيّت کبری و

قوّهٴ انجذاب الماس فروش گردی و ليس ذلک علی الله بعزيز آنچه ارسال نموده بوديد از

حقوق وصول يافت الحمدلله که در صدف قلب جواهری موجود که هيچ سارقی دست ندارد

از صعود حضرت عندليب حزن و اندوه نصيب عبدالبها شد از اين ماتم بسيار محزون

گرديدم زيرا حضرت عندليب بدرگاه غفور خدمت موفور فرمودند و در محامد و نعوت حضرت

مقصود لسان فصيح بگشودند و قصائدی غرّا از قريحه جاری فرمودند اين شخص جليل در

نزد حقّ مقرّب و مقامی بلند داشت که حال معلوم نيست مجهولست بعد مشهود و مشهور

خواهد گشت ببستگان ايشان از قبل عبدالبها تحيّت ابدع ابهی برسان و همچنين

بياران ديگر که ثابت بر پيمان و راسخ در عهد و ميثاقند و عليک البهآء الابهی

عبدالبهآء عبّاس ٢٠ جمادی الثانی ١٣٣٨ حيفا مقابله شد

٥٠ خط کاتب و امضاء مبارکست

\* ص42 \*

شيراز جناب آقامحمّد حسن بلور فروش عليه بهآءالله الابهی

# هوالله ای ثابت بر پيمان نامهٴ شما رسيد معانی دليل بر انجذاب روحانی بود و جاذب

تأئيد سبحانی جواب آقاميرزا محمّدرضا در جوف است الحمدلله فضلعلی خان بعد از

صعود عندليب الهي قيام نمودند و بازماندگان آن بزرگوار را رعايت و معاونت

ميفرمايند جناب‌آقامحمّدباقر هشيار فی الحقيقه در نهايت تبتّل و تضرّع و انکسار

است طلب عفو و غفران بجهت متصاعد الی الله پدر مهربان ايشان گرديد پروردگارا

آمرزگارا محمّد هشيار موافق بود و از نار محبّت افروخته و بيصبر و قرار مرکز خاک

بگذاشت و بعالم پاک شتافت و بدرگاه پناه برد امان بده غفران مبذول فرما و در اوج

عزّت ابديّه درخشنده و تابان فرما از عدم فرصت مختصر مرقوم گرديد و عليک البهاء

٦ رمضان ١٣٣٨ عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

٥١ خط کاتب و امضاء مبارکست

٩

\* ص43 \* شيراز جناب آقامحمّد حسن بلورفروش عليه بهآءالله

# هوالابهی ای ثابت بر پيمان نامهٴ شما رسيد منطوق تضرّع و ابتهال و انجذاب و اشتعال بود

الحمدلله که موطن حضرت اعلی روحی له الفدآء گلشن عرفان گرديد و رائحهٴ ايمان

و ايقان از آن ناحيهٴ مقدسه مشام را معطّر مينمايد همواره رجای عبدالبهآء اين

بود که آن اقليم جليل بنفحات قدس غبطهٴ جنّت نعيم گردد و پرتو شمس حقيقت چنان

بتابد که ابرهای تاريک بکلی متلاشی شود صبح هدی آن صفحات را روشن کند حال

الحمدلله فجر آن خطّهٴ مبارکه ساطع گشت و روز بروز روشن‌تر ميگردد و اين از علو

و سمّو خدمت نفوس مبارکه ايست که در آن مدينه مؤید و موفّقند لهذا يقين حتمی

است که يوماً فيوماً نار موقدهٴ الهی شعله بيشتر زند و برودت غفلت و ضلالت رو

باضمحلال گذارد حضرات مبلغين فی الحقيقه قيام بر خدمت نور مبين دارند و البّته

تأئيد بانفاس طيّبه روح حيات دمند و به براهين قاطعه زبان بگشايند و نفوس

مخموده را تر و تازه نمايند و حقائق

\* ص44 \*

جامده را بحرکت آرند طوبی لهم و حسن مآب حضرت افنان سدرهٴ مبارکه حاجی ميرزا

محمّد همّتی فرمودند و از شما خواهش آئينه بجهت بيت مبارک شيراز خواستند

انشاءالله عنقريب اطاق عرشهٴ بالائی بيت مبارک باين آئينه ها تزئين ميشود

مدرسهٴ بنات که جناب سلطان حبيب الله خان تأسيس نمودند عملی مرغوب و مقبول و

مبرور و مکافات اينخدمت از آمال مبارک موعود انّ فضله مشکور و جزائه موفور و

ورقهٴ مطمّئنه قرينه جليلهٴ ايشان الحمدلله مديرهٴ اين مدرسه است و تائيد شامل

و توفيق کامل و امّا جارهای هوائی که سفارش بپاريس نموده ايد از برای بيت مبارک

بغداد بسيار مقبول ببغداد بفرستيد و از الطاف الهی خواهم که راحت و شفا حاصل

گردد و بجناب ميرزا محمّد يزدی نامهٴ مخصوص مرقوم گرديد تأئيد او را از ربّ

مجيد ميطلبم و همچنين ساير احبّا و عليک البهآءالابهی

ليلهٴ ١٧ شوال ١٣٣٩ عبدالبها عبّاس مقابله شد

٥٢ خط کاتب و امضاء مبارکست

هوالابهی

بواسطه آقاسيد اسدالله جناب آقا سيد محمّد عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

\* ص45 \*

# هوالابهی ای ناظر بافق حقيقت چشم را بمشاهدهٴ انوار فيض احديّت روشن و منير کن و گوش را

باستماع الحان طيور قدس محظوظ و سمع دل را ببشارت غيب و فيوضات لاريب خلد برين

نما و هوش را بالهام پيک امين عالم عليّن اليوم لسان کل اشيآء از صقع ادنی تا

ملاء اعلی جميع بمحامد و نعوت و قصائد و مدائح و تسبيح وتقديس جمالقدم و اسم

اعظم مشغول تو ساکت و صامت منشين و مخمور و منجمد مباش بلکه منجذب و منصعق محشور

شو تا لوح منشور و کتاب مسطور ربّ غفور گردی ع ع مقابله شد

جناب آقا محمّد حسن عليه بهاءالله الابهی اذن طواف ملأاعلی را دارند ع ع

مقابله شد

٥٣ خط مبارکست

هوالابهی

جناب آقا سيد اسدالله عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی الهی و محبوبی و مقصودی قد سعی عبدک هذا من بلادة الشاسعه و انحائها الواسعه و

قطع السباب

٥٤ خط مبارک

\* ص46 \*

والمفاوز و القفار و مرّ علی الجبال والتلال والدّيار و تمثّل بساحة قدس البقعة

النورا و الخطّة مبارکة البيضآء مطاف الملأالاعلی روح الوجود لتلک العتبة

السّاميه فدا و مرّغ وجهه بتربته الظّاهره و عفّر جبينه بغبرته الزکية المسکيّة

الفاخرة و قام لدی الباب خاضعاً خاشاً متضرعاً و يطلب فيوضات رحمتک و غيوث

مغفرتک لأخیه الذی آمن بآياتک الکبری و صدّق بکلمات صحفک الاولی و زبرک

الاخری و انجذب بنفحات جمالک الابهی و اشتعل بنار محبتک فی قميصک الاعلی و صعد

الی ملکوتک الاسمی و استظل فی ظلال سدرتک المنتهی فی جنتّک العليا و حدائقک

الغلبا اي ربّ شرّفه باللقآء و اجلسه علی سرير مواهبّک العظمی فی الرّفيق

الاعلی و ثبّت اقدام اهلهم و اولادهم ومن تخلق من احفادهم و اسباطهم علی عهدک و

ميثاقک الذّی ما سبقه عهد و ميثاق فی ملکوت الانشآء ع ع مقابله شد

ط جناب آقامحمّد صادق عليه بهاءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی \* ص47 \* يا من صدّق بکلمات الله جوهر صدق و راستی شئونيست منبعث از حقيقت اشيآء

مطابق واقع چه از ملفوظ چه از مسموع چه از معلوم و در اين لطيفهٴ ربّانيه فکر

دقيق بايد تا مفهوم گردد پس اعظم کل تصديق کلمات الله است چنانچه از اعظم

مناقب سيّد حصور و مصدّق بکلمة منه اسمه المسيح است پس ای صادق انشاءالله در

جميع مراتب صادق باشی لعمری انّ هذالهوالفضل العظيم و الحمدلله ربّ العالمين

ع ع مقابله شد

٥٥ خط مبارک

همّت آباد هوالابهی

جناب ميرزا ابوالحسن نيريزی معلم اطفال نجل محترمشان جناب ميرزا محمّد رضا

ورقهٴ موقنه ضلعشان بی بی سيّده ورقهٴ نورانيّه صبيّه شان مريم و ديگری ورقهٴ

مومنه رضيهء عليه و عليهم بهآءالله الابهی و عموم احبای آباده و درغوک و همّت

آباد رجالاً و نساً عليهم و علیهّن بهآءالله الابهی

# هوالابهی ای احبّآء الهی کوکب امرالله در جميع آفاق ساطع و لامع و ندآء يا

بهآءالابهی از حنجر کيهان بلامکان مرتفع نغمهٴ سبحان ربّی الاعلی بسمع ملأاعلی

ميرسد و بانگ و آهنگ سبحان ربّی الابهی

\* ص48 \*

هوالابهی ربّی الابهی بسموات علی متواصل با وجود اين کران محتجب و ناقصان چون کرم مهين در زير زمين محتبس و اين الکلمة و علوّها و اين الشريعة السّمحة البيضاء و سموّها بر زبان ميرانند ع ع مقابله شد٥٦ خط مبارک

هوالله

همّت آباد جناب ميرزا ابی الحسن نيريزی مکتب دار عليه بهآءالله

# هوالله ای اديب دبستان جميع اهل زمين طفلان مهانند و فرزندان نادان سبق خوان پس در

مصطبهٴ معرفت بنشين و اديب عشق شو و درس اشتياق بنما و از فيض و اشراق نيّر

آفاق بيان کن و از جور و ستم فراق ناله و فرياد آغاز کن که آنروی چون مه تابان

در پس پردهٴ غيب ملکوت پنهان شد و در جهان پنهان اشراق کرد ولی شکر حضرت

احديّتش را که فيض عنايت مستمّر است و سرير سلطنت مستقّر اوّل تجلی از عالم ملک

يعنی در حيّز امکان داشت حال اشراق از ذروهٴ لامکان له الحمد و الفضل و الجود و له

اسلم من فی السمّوات و الارض طوعا او کرها و البهآء علی البهآء جميع دوستان را

فرداً فرداً

\* ص49 \*

تکبير ابدع ابهی ابلاغ نمائيد و بگوئيد از دلائل وفا بآستان مقدس جمال ابهی

اينست که بجميع شئون يعنی گفتار و رفتار و کردار و تقديس و تنزيه و تجريد و

تفريد و اتحاد و اتفاق و خشيّة الله و تقوی نصرت امرالله نمائيد و بخدمت

بپردازيد تا آيات باهره سلطان احديّت گرديد والبهاءعليک ع ع ٥٧ خط مبارک

چون حضرت سلطان بعدالت در اين اوان حکمران است بايد در جميع محافل و مجامع عادی

تأئيد سرير سلطنت نمايند ع ع مقابله شد

هوالله

جناب ابوالحسن نيريزی امة الله بی بی سيّده ضلعشان جناب ميرزا محمّد رضا ولدشان

امة الله مريم صبيهٴ ايشان امة الله رضيّه امة الله فاطمه عليها و عليهّن

بهآءالله الابهی

# هوالابهی ای دو بندهٴ الهی و ای امآء آستان ربّانی عبدالبهآ را چنان آرزو که بهر يک

از احبّای الهی و امآء رحمانی فرداً فرداً نامه ئی مرقوم نمايد ولی جمال مبارک

شاهد حالست که ابداً فرصت نيست و اين قضيّه در اين ايّام ممتنع و محال لهذا جمعاً

مکتوبی مرقوم ميشود و مقصد ظهور انعطافات وجدانيّه است و روابط روحانيّه و اين را

جمعاً و تفرقاً بنگارش بيان ممکن لهذا بيک نامه اکتفا ميرود و شما نيز بايد

\* ص50 \*

قناعت نمائی باری در اين ايّام بايد عبادالرّحمن و امآء يزدان بروش و سلوک بين

خلق محشور شوند که آيات هدی کردن و بشارت ملأ اعلی‌شب و روز بکوشند تا از اين

جهان و جهانيان بکلی منقطع گردند در هوای تقديس پرواز کنند و بآواز و آهنگ

جديد مقامات توحيد بخوانند و بسرايند الحمدلله منظور نظر عنايت جمال ابهائيد و

ملحوظ عين الطاف حضرت اعلی هر موهبتی از برای شما مقدّر است و هر فضلی ممکن و

ميسّر بايد بجان و دل بشتابيد و روح و روان را نثار آن دلبر مهربان کنيد تا

خونبهای خويش را از ان محبوب دلنشين در اعلی عليّين بيابيد و عليکم و عليکن

البهآء ع ع مقابله شد

٥٨ خط کاتب و مهر مبارک

همّت آباد و حوالی بواسطهٴ جناب ابی الحسن معلم

هوالله

جناب کربلائی حسنخان جناب عبّاسخان و دوستان جناب حاجی عليخان جناب عبدالکريم

جناب آقاميرزا عطآءالله جناب بائی جناب مشهدی حسين جناب آقا حسين و جناب فتح

الله جناب ميرزا محمّدرضا ابن ميرزا ابی الحسن عليهم بهآءلله

# هوالله

ای ياران عبدالبهاء و ثابتان بر پيمان جمال ابهی جناب ابوالحسن عليه بهآءالله

در نامهٴ خويش بافنان

\* ص51 \*

سدرهٴ مبارکه ذکر آن دوستان حقيقی نموده که الحمدلله احبّای جمال رحمن در نهايت

استقامت و اطمينان در عبوديّت آستان يزدان قائمند و هيچ فکر و ذکری جز خدمت عتبه

مبارکه ندارند گهی از درد عشق جمالقدم چون ابر بهمن گريانند و گاهی از بشارات

حضرت احديّت چون چمن خندان گهی در ميدان عرفان جولان نمايند و گاهی در تبليغ

امرالله در محافل چون عندليب خوش الحان باری اين خبر مورث روح و ريحان گشت و اين

اثر محرّک حاسيات وجدان باری ای ياران روحانی در پناه حضرت رحمانی از هر فتنه و

آفتی محفوظ باشيد و هميشه مورد عنايات ملکوت غيب جمالقدم گرديد و مهبط فيض اسم

اعظم و عبوديّت در آستان جمالقدم و بندگی درگاه نقطهٴ تقديس روحی لاحبّآئهما

الفدا شريک و سهيم عبدالبهآء گرديد ع ع مقابله شد

جناب آقاميرزا ابوالحسن نيريزی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله ای يار شورانگيز الحمدلله از بادهٴ محبّت الله جام لبريزی و مشام بنفحات جنّت

ابهی مشکبيز نامه‌ات دلالت بر سرور و حبور و فتوح قلوب ياران سروستان مينمود بلدة

طيّبة و ربّ غفور بجميع ياران تحيّت ابدع ابهی ابلاغ دار و فرط اشتياق

عبدالبهاء را برسان اگر بدانند اين قلب چگونه بياد و ذکر ياران الهی

\* ص52 \*

در جوش و خروش است البتّه نهايت سرور حاصل نمايند و عليهم البهآءالابهی

عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

٦٠ خط کاتب و مهر مبارک

٩

شيراز جناب آقا ميرزا ابوالحسن نيريزی عليه بهاءالله الابهی

# هوالله الهی الهی انّ عبدک التجأ بباب احديتک مستغیثاً الی ملکوت رحمانيّتک مستضيئاً

من شمس وحدانيّتک مستجيراً بعتبة قدس فردانيّتک ربّ قدّر له کل خير فی ملکوتک

و وفّقه مادام حيّاً علی تحرير آياتک و تمنیق کلماتک و احفظه فی صون حمايتک و

احرسه بعين رحمانيتک و کلائتک انک انت القوّی العزيز المقتدر المتعالی البّر

الرؤف الرّحيم ع ع مقابله شد

٦١ خط کاتب و مهر مبارک

بواسطهٴ جناب آقا محمّد حسن بلور فروش شيراز جناب آقا ميرزا ابوالحسن نيريزی

عليه بهاءالله الابهی

# هوالله ای مربّی نورسيدگان الهی نامه‌ات رسيد قلب مسرور شد که موفّق بر امر مبروری

اطفال بيمهال کور

\* ص53 \*

بديع را تعليم ميفرمائی و نهال‌های تر و تازهٴ حديقهٴ يزدان‌را برشحات ابر معارف

ميپرورانی اين خدمت منقبت عظيم است و فوز مبين جاذب فیض ربّ کريم است و جالب

الطاف خداوند رحيم همّت را بگمار و اين مشقّت را زحمت مشمار زيرا مورث قربيّت

درگاه است و منتج موهبت عظمی محفل روحانی شيراز اميدم چنان است که بر جميع

محافل تفوّق يابد زيرا اين محفل در منبت شجرهٴ مبارکه تأسيس شده حضرت اعلی روحی له

الفدا تائيد ميفرمايد و جمال قدیم روحی لاحبّائه الفدا توفیق ميبخشد بجناب

کربلائی اکبر از اهل مسجد بردی مهربانی برسان ٢٩ ع ثانی ٣٨ حيفا

( عبدالبهاء عبّاس ) مقابله شد ٦٢ خط کاتب و امضاء مبارکست

٩

بواسطهٴ جناب آقاميرزا محسن افنان عليه بهآءالله الابهی

نيريز جناب آقاميرزا ابوالحسن نيريزی عليه بهآءالله الابهی

يا من ايدّه الله علی الايمان و وجهّه الی ملکوت الرّحمن و اغرقه فی بحر

الفضل و الاحسان و جعله آية حبّه و ناطقاً بذکره و مرّتلاً لآياته و اختاره

للعرفان بين نوع الانسان اشکرالله علی هذه الالطاف والاسعاف

\* ص54 \*

من الله العزيز المقتدر الوهّاب و عليک البهآء الابهی ٧ تموز ١٩١٩

عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

٦٣ خط کاتب و امضاء مبارک

٩

شيراز جناب ميرزاابوالحسن نيريزی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله ای ثابت بر پيمان نامهٴ شما رسيد ولی فرصت مفقود با وجود اين بذکرت مشغولم

مژدهٴ ثبوت احبّا و ترتيب محافل عليا چون شاهد رعنا بی پرده جلوه نمود امروز

ملأاعلی از مژدهٴ ثبوت و رسوخ احبّا محظوظ گردد جواب نامه بوالدهٴ حبيب الله

در جوف است اميدم چنانست که مسئول مستجاب گردد و آرزوی دل و جان حاصل شود و

عليک البهآءالابهی ٢٥ ع اوّل ١٣٣٨ ( عبدلبهآء عبّاس ) مقابله شد

٦٤ خط کاتب و امضاء مبارک

هوالله

بواسطهٴ جناب سرتيب بوشهر جناب آقاميرزا مصطفی شيرازی عليه بهآءالله الابهی

\* ص55 \*

# هوالابهی يا من استمسّک بالعروة الوثقی لعمرالله انّ سرب الورقآء فی ايکة السنآء و

حديقة الثنآء قد رفعت اصواتها بالتهليل و التکبير و التسبيح و التمجيد

للرب الجليل و السلطان الجميل و تغرّد علی الفروع باصول الالحان و ابدع الانغام

و اطرب ترتيل و الذ تقطيع و احلی تفسير و اطيب تأويل سبحان ربّی الابهی سبحان

ربّی الاعلی سبّوح قدوس ربّ الجنود و المقام المحمود و الظل الممدود و

الرفد المرفود و الورد المورود و انک انت فاستمع نغماتها و نقراتها و ايقاعها و

اعرف معانی کلماتها و استبشر بما فزت بالطاف ربّک الکريم الرّحمن الرّحيم تالله

الحق انّ الوجود يسجد لالطاف ربّک فی هذا اليوم المشهود ع ع مقابله شد

٦٥ خط مبارک

# هوالله ای هزار بوستان ذکر الهی الحمدلله که عالم ارواح و قلوب بپرتو انوار نيّر اعظم

روشن و عرصهٴ کور الهی بفيض سحاب جود و موهبت غيرمتناهی گلزار و گلشن بحر

عنايت در موج است و شمس رحمت مشرق از اوج نسائم کوی دوست مشکبويست و روائح صبای احديّت خوشبوی و دلجوی پس طاقت و توان

\* ص56 \*

موجود بايد کوشيد و جوشيد و خروشيد که نصيبی از اين رياض الهی برد و بهرهٴ

ازاين موهبت رحمانی والبهآء عليک ع ع مقابله شد

٦٦ خط مبارک. مخاطب معلوم نيست

هوالله

دهج جناب آقا غلامحسين بواناتی از اهل سريان عليه بهآءالله

# هوالله اي بندهٴ اسم اعظم هر چند مشغله مانند باران بهمن است با وجود اين سرور ياران

منظور است و محبّت دوستان موفور چه خوشدميست که بياد منجذبان روی جمال ابهی

همدمم و چه مبارک نفسی که نفحهٴ مشکبار گلشن ملکوت ابهی در مشام هر ثابت قدم

باری در هرآن حمد و ثنا کن حضرت يزدان بی‌نشان را که بچنين فيض و فوزی موفّق گشتی

والبهآءعليک ع ع مقابله شد

٦٨ خط کاتب و مهر مبارک

بواسطه جناب توانگر جناب ميرزا محمود خان علیه بهآءالله الابهی

# هوالله ای محمود محمود در درگاه احديّت ممدوح و محمودی و در آستان حضرت رحمانيّت محبوب

و مقبول اميدوارم که مستفيض از مقام محمود گردی و بحيّز شهود در آئی و بسر

وجود واقف شوی و باعلی

\* ص57 \*

ذروهٴ صعود فائز گردی و ليس ذلک علی‌الله بعزيز و اينمقام بانقطاع و انجذاب و

محو و فنا و محبّت و مهربانی و صلح و صفا بعموم نوع انسانی حاصل گردد اميدوارم

که بآن موفّق و مؤيد گردی ع ع مقابله شد

٦٩ خطّ مبارک مخاقب معلو نيست

# هوالله يا من اخلص وجهه لله اين شخص که فی الحقيقه مبتهل چند صباحی يعنی بقدر يک ماه

در اسکندريّه متوقّف خواهد بود اين چند روز در آنجا او را در دکّان خيّاطی بگذارید

تا بخيّاطی مشغول گردد بعد بايد که او را روانهٴ ايران يعنی شيراز نمائيم

والبهآء عليک احبّآءالله ع ع مقابله شد

٧٠ خط مبارک مخاطب معلوم نيست

# هوالابهی اي زنده بنفحات رحمن در اين عصر مجيد و عهد کريم جهدی کن و همّتی نما که منشأ

خدمتی شوی و بعبوديّتی قائم گردی در اين مقام فانی اثر جاودانی گذاری و دراين حيات

فانی زندگی باقی يابی در اين خاکدان ترابی از جهان الهی خبر گيری در انجمن

عاشقان شوری افکنی و در جهان مشتاقان فتنه و آشوبی اندازی دبستان عشق بيارائی و

اطفال ملکوت را سبق بياموزی سست عنصران را مرد ميدان کنی و کاهلان را چابک و چالاک

نمائی بيماران را درمان شوی و مجروحان را مرهم دل و جان گردی تشنگان را منهل عذب فرات

\* ص58 \*

فرات شوی و گمگشتگان را دليل نجات گردی پير سالخورده را جوان نمائی و عاجز

ناتوان را مقتدر و توانا کنی اين مقام از فيوضات ملکوت ابهی ميّسر گردد و

البهآء و الروح عليک وعلی احبّآء الرّحمن ( ع ع ) مقابله شد

٧١ خط مبارک

هوالله جناب زائر آقا علی آقا بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ای زائر الطاف ملاءاعلی شکر کن حضرت قيّوم را که بچنين بخششی موفّق و مؤيد شدی

که اين مسافة بی‌پایان را بپيمودی و بساحل محيط الطاف رسيدی و در محطّ رحال آمال

جواهر مقدسهٴ از رجال وضع رحال کردی و در انجمن روحانيان حاضر شدی و با مشتاقان و

مسجونان الفت نمودی قسم بآن جبين منوّر بنور مبين اگر بدانی که بچه فضل و جودی

موفّق گشتی البتّه از فرح و سرور بر پری و از کثرت شادمانی چون ابر بگريی و چون

برق و چمن بخندی بشری لک من هذا الفضل العظيم باری چون بديار الهی مرور نمائی

تکبير اين عبد برسان و بگو طوبی لکم يا احبّآءالله من هذا

\* ص59 \*

الفضل العظيم بشری لکم يا ارقآءالله من هذا الجود المبين لعمرکم انّ سحاب

موهبة الله تمطر عليکم غيثاً هاطلاً مدراراً غدقاً طبقا و البهآء علی کل من ثبت

علی عهد والميثاق الصراط المستقيم ع ع مقابله شد

هوالله

ش جناب آقاعلی آقا اخوی جناب محمّد حسن خيّاط عليه بهآءالله

# هوالابهی

اي بنده الهی اين عبد با کمال خجلت بتحرير اين نامه پرداخت زیرا جواب شما

بتأخير افتاد اين قصور بر گردن اهل فتور است زيرا از هجوم و شرور مهلت نميدهند

که عبدالبهآء بجواب نامهٴ احبّآء برسد ولی انقدر بدان که دل و جان مشغول و

مؤانس ياد و خاطر دوستانست آنی فراموش نشده ايد ( ع ع ) مقابله شد

٧٢ خط مبارک

هوالله

بوشهر جناب آقامصطفی عليه بهآءالله الابهی

\* ص60 \*

# هوالله

اي بندهٴ جمال الهی شکر حيّ قدير را که در ملکوت عزيزش مذکوری و در انجمن دوستان

شهير وجهی از نور عرفان داری و مشامی از رائحهٴ ايقان معطّر و اين موهبت مخصوص

خواص اهل بصر از بشر قدر اين عنايت را بدان و البهآءعليک ( ع ع ) مقابله شد

٧3 خط مبارک

هوالله

بوشهر جناب مصطفی عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

يا من استنشق رائحة الوفآء اسمع ندآء من يناجيک بروح و ريحان و قل انّی وجّهت

وجهی لمن دعانی الی ملکوته الابهی و ذکّرنی بآياته الکبری وانطقنی بثنائه بين

العالمين و ايدنی من ملکوت غيبه و رزقنی مائدة الثبوت علی الميثاق ع ع

مقابله شد

٧٤ خط مبارک

# هوالابهی

الهی الهی هذا عبدک تمسّک بذيل عطائک و تشبث بحبل ولائک و قام

\* ص61 \*

علی خدمة احبّائک ايربّ وفقه علی کل خیر فی ملکک و کل خدمة فی حبّک و کل

اشتغال بذکرک انک انت الکريم ( ع ع ) مقابله شد

# هوالابهی

اي بندهٴ حقيقی جمالقدم خَلْقت انسانی و خُلْقت رحمانی جناب شيخ نهايت رضا مندي را

از شما دارند که در خدمات امر و احبّای الهی نهايت همّت را داريد اليوم سرور

عالم نفسی بود که بخدمت ياران الهی پردازد و در عبوديّت آستان مقدّس قيام نمايد

و عبوديّت حق و عبوديت عبادش ( ع ع ) مقابله شد

]هر سه در يک صفحه[

هوالله

جناب آقاعلی آقا من اهل شين رفيق جناب شيخ سلمان عليه بهآءالله ابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

يا من تشرّف بتمريغ وجهه بتراب العتبته الساميه در آستان حضرت يزدان حاضر گشتی

\* ص62 \*

و روی و موي را بآن خاک معطّر نمودی و توجّه بملکوت کردی و مبتهل بساحت

قدس شدی و در ظّل سدرهٴ مبارکه در آمدی پس بعزمی ثابت و نيّتی خالص و توجّهی

تام و تضرّعی و تعلقی و تعشّقی توجّه بديار الهی نما و تبتّلی بدرگاه

حضرت غيرمتناهی تاموفّق بر خدمت امرالله و عبوديّت احبّآءالله گردی اينست فضل عظيم و جود مبين و صراط مستقيم و نعيم مقيم و موهبت ربّ العالمين ربّ ايّد هذا العبد علی ميثاق و الثبات فی عهدک يا مالک يوم الطلاق (ع ع ) مقابله شد ٧٥ خط مبارک

٩

بواسطهٴ جناب بشيرالهی و آقا ميرزا جلال ابن عبدالله زرقانی احبّای الهی

جناب مشهدی ابوالقاسم جناب حاجی محمّد رضای خيّاط مرحوم حاجی حسينعلی خيّاط

جناب ميرزا علی آقا جناب ميرزا محمّد حسين ابن المرحوم آقا محمّد حسن خيّاط ضلع مرحوم حاجی حسينعلی صاحب سلطان

ضلع مرحوم آقاعبدالوهاب صفيّه سلطان

ضلع حاجی محمّد رضای خيّاط خانم ماه

ضلع مرحوم حاجی حسينعلی سکينه بی بی

ضلع آقاعلی آقا ابن مشهدی ابوالقاسم خانم نصرت

\* ص63 \*

صبيّهٴ مشهدي ابوالقاسم خانم طلعت ضلع آقامحمّد حسين خانم جمال دو صباياي مرحوم آقامحمّد حسن خانم حيا و خانم طوبی عليهم و عليهن البهآء الابهی

# هوالله اي ثابتان بر پيمان جناب جلال نامهای مبارک شما را نگاشته و نامه‌ئی نام شما در

آن مذکور فرستاده چون تلاوت نمودم نهايت مسرّت يافتم زيرا دليل بر انجذاب قلوب

بود و انشراح صدور الحمدلله رويها بنور محبّت الله شمع انجمن و خويها از شدّت

لطافت مانند گلشن اين دليل بر شمول فيض ابديست و مواهب سرمدی شايان شکرانست و

لايق صدهزار حمد و ثنا لله المنّه آن خاندان و دودمان عموماً از صهباء الست

سرمسند و در خمخانهٴ محبّت الله پياله بدست و می پرست اي پروردگار اين نفوس از

ابرارند و سرمست جام سرشار آشفتهٴ روی تواند و آوارهٴ کوی تو و پويان سوی تو فضل

و عنايت روا دار و از قيد دون خودت برهان بر عهد و پيمان ثابت بدار و در امرت

مستقيم کن و باين عبد در عبوديّت استان شريک و سهيم نما و عليکم البهآءالابهی

اي پروردگار برخی از اين نفوس بکوی تو شتافتند و سوی تو توجّه نمودند

\* ص64 \*

نمودند و ضيوف تو گشتند آنچه سزاوار بزرگواری درگاهست رايگان کن و عليهم البهآءالابهی (ع ع ) مقابله شد ٧٦ خط کاتب و مهر مبارک

هوالله

جناب حاجی ابوالقاسم جناب آقامحمّد حسن جناب حاجی محمّد رضا جناب حاجی

حسينعلی جناب آقامحمّد کريم جناب رجبعلی جناب آقامحمّد جواد جناب آقا علی

اکبر جناب آقا ميرزا محمود کناب منوچهر جناب حاجی عبدالله جناب حاجی ميرزا

فضل الله جناب آقاميرزاعليرضا خان جناب حاج ميرزا محمّد افشار جناب آقا سيف الله

جناب آقا ميرزا جلال جناب آقا محمّد حسين جناب آقا غلامرضا جناب آقاميرزا

اسدالله جناب محمّد حسين عليهم بهآءالله الابهی ملاحظه نمایند

جناب آقا داراب بيگ جناب آقا فلامرز

# هوالله ای ياران روحانی در اين عهد جليل و قرن عظيم که آفتاب ميثاق چون نيّر اعظم آفاق

از اشراق ملکوت وجود را منوّر نموده و محيط اکبر امواج فيوضاتش از ملکوت ابهی

بساحل قلوب متواصل

\* ص65 \*

و نسيم عنبرين و شميم مشکين از رياض الهی منتشر و ارياح فلاح از مهّب عنايت

متهيّج و بشارات الهيّه از افق اعلی متتابع بايد ياران ربّانی و دوستان الهی

بقوّتی ملکوتی و قدرتی جبروتی و عونی الهی و صوتی ربّانی و لسانی ناطق و علوّی

شائق و انقطاعی فائق و فيضی عظيم و نوری مبين و جذبی شديد و ولهی ليس عليه مزيد

مبعوث گردند چه که اين انتساب بدرگاه الهي را اين شئون رحمانی لازم و اين اکتساب

عبوديّت آستان جمال باقي را اجتلاب انظار عنايت نامتناهی واجب هر سبزهٴ که از

فيض نيسان رحمت نصيب برد البتّه سبز و خرّم گردد و هر شجرهٴ که از عين الطاف

بهرهٴ گرفت البتّه تر و تازه شود و هر مشکاة که از انوار جمال رجمانی اقتباس

کرد البتّه منوّر و مستضیء گردد و اين شئون مابه الامتياز بين الابرار و

الاشرار در جميع قرون بوده فريق فی الجنة و فريق فی العسير پس حال بايد ما

دست بدامان حضرت يزدان زنيم و بر عهد و پيمان محکم شويم و بر صراط رحمن ثابت و

مستقيم گرديم و بعون و عنايت جمالقدم بکوشيم و بجوشيم تا مراکز سنوحات رحمانيّه

شويم و مطالع انوار توفيقات ربّانيه بعروهٴ وثقی تمسک و تشبث نموده جميع

همّت را حصر در نشر برهان الله نمائيم و جمع اوقات را وقف سطوع رائحهٴ رياض کبريا تا شرق و غرب مطلع آيات توحيد

\* ص66 \* توحيد گردد و جنوب و شمال مهبط اسرار تفريد وجوه بنضرهٴ رحمن مزيّن شود و صدور بنور ايقان و آثار ظهور در کل مراتب وجود ظاهر و باهر شود و عالم ملکی آينهٴ ملکوت گردد آنوقت جهان جنّت ابهی شود ( ع‌ع ) مقابله شد ٧٧ خط مبارک

# هوالابهی قد رتل اهل الفردوس بالحان القدس تلک القصيدة الفريدة الغرّاء الفصحی التی

خريدة یتيمة بديعة نورآء لله درّ ناظمها و منشئها و ناطقها و ثاقب تلک الليالی

المنتشر المکنونة و الدرر المنضودة المخزونة و لمثله ينبغی ان يتنفّس بنفس الرّحمن

اذا عسعن ليل الهجران و احاط جنح الظلام و غسق‌الحرمان من فی الامکان تالله الحق انّ الملاء الاعلی يتباهی اليوم بنفس تقوم علی ذکرالله و ثنائه و اعلاء کلمةالله و برهانه و اظهار قدرة‌الله و سلطانه و نشر نفحات قدسه التی اذا عبقت

تعطرّت منها الافاق و عادت الارواح الی اجساد الاموات فيا بشری للمخلصين و يا طوبی للمجاهدين و یا یباهاً للقائمين و یا حبّذا للناشرين و الناشرات نشرا فالفارقات

فرقا فالملقیات ذکرا و انّی لابتهل تضرّعاً و تتبّلاً الی حضرة رحمانيّة ان تقرّ

عينی بمشاهدة وجوه

\* ص67 \*

نضره ناظرة الی ربّها يستضيئ بانوار ملکوت الوجود من الغيب و الشهود بما توجّهت

الی شمس الهدی فی ملکوت الابهی و اشتعلت بنار الله الموقدة فی الشجرة

المبارکه و استفاضت الانوار من النّير الاعظم الذی غرب من آفاق الامم و هو مشرق

من افقه الاعلی و ملکوته الابهی علی اهل البهاء و السلام علی من اتبّع الهدی ع ع مقابله شد خط مبارک مخاطب معلوم نيست

بواسطهٴ جناب آقاعلی محمّد

شيراز آقاعلی اکبر خادم عليه بهآءالله الابهی

# هوالله ای آوارهٴ حق اگر از خانمان دور و از خاندان مهجور و بيسر و سامان شدی ولی در

پناه حق ايمنی و در ملکوت ابهی منزل و مأمنی اين بيوت اوهن از بيت عنکبوتست هر

معموری مطمور گردد و پناه حق اشرف قصور الحمدلله آن ميسور و غير معسور و عليک

التحيّته والثنآء ع ع ٧٩ خط کاتب و مهر مبارک

بواسطهٴ حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزابزرگ عليه بهآءالله

شيراز جناب آقاعلی اکبر خيّاط عليه بهآءالله

# هوالله

\* ص68 \*

اي بندهٴ‌الهی الحمدلله آگاهی و گواهی که عبدالبها را مشاغل و غوائل غيرمتناهی موجود با وجود اين ملاحظه نما که جان و دل چگونه بمحبّت ياران در اهتزاز است که جميع کارها را گذاشته بياد تو پرداختم و اين نميقه را وسيله ساختم تا روح و ريحان يابی و بفضل و احسان حضرت يزدان بر سرور و فرح بيفزائی ذلک من فضل الله يؤتيه من يشآء والله ذو فضل‌عظيم و عليک التحيّه والثناء ع ع مقابله شد ٨٠ خط کاتب و مهر مبارک

شيراز هوالله بواسطهٴ افنان سدرهٴ مبارکه

جناب ميرزا بزرگ جناب مشهدی علی اکبر خيّاط عليه بهآءالله الابهی

# هوالله اي خادم صادق جانفشان هر چه در خدمت ياران بيشتر کوشی کأس عنايت بيشتر نوشی و

آنچه بعبود‌يّت شان بيشتر پردازی بالاتر پروازی زيرا اين مجاز قنطرهٴ آن حقيقت است و اين عجز و نياز رابطهٴ قربیّت آن بي‌نياز خدماتت ممدوح و بندگيت

\* ص69 \*

مشهود ربّ ودود عليک التحيّه والثناء ع ع مقابله شد ٨١ خط کاتب و مهر مبارک

هوالله

ش شاهزاده محب علی ميرزا عليه بهآءالله الابهی

# هوالله ای بندهٴ الهی يکی از احباب ذکر ترا در اين انجمن نمود و بستايشت لب گشود

که بمحبّت دلبر حقيقی گريبانی چاک دارد و بتجلی عرفان سينهٴ چون آئينه افلاک

اين سرگشتهٴ کوی الهی نيز خامه برداشته و نامه نگاشته بلکه نسيمی از رياض قلوب بوزد و مشام مشتاقان را معطّر نمايد پس ای طالب روی حق مشام مستعد نما تا آن بوی جانپرور در دماغ آيد و روح حيات تازه يابد والبهاء عليک ع ع مقابله شد ٨2 خط مبارک

هوالابهی

ش جناب شاهزاده محب عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

\* ص70 \*

# هوالابهی ای محبّ مطلع انوار محبّت را مراتب اربعه مذکور و مشهود اوّل محبّت من الله الی العبد است آيهٴ يحبّهم شاهد اين مطلب ثانی محبّت من العبد الی ربّ است و

يحبّونه دليل اين مقام ثالث من العبد الی العبد آيهٴ رحمآء بينهم حجّت اين مقال رابعاً من الحق الی الحقّست فاحببت کن اعرف مثبت اين مآل محبّت مظهر نفس الله

و مطلع الهام هر چند من العبد ال العبد است ولی بحقيقت من الخلق الی الحقّست چه

که من احبّه فقد احبّ الله پس چون نامت دلالت بر محبّت من سمّی بعلی فی ملکوت الاسمآء دارد اميد که بآنچه از لوازم اين اسم مبارک و خصائص اين رسم مجلل است قيام نمائی و موفّق گردی و آن همّت بر نشر نفحات الله و غيرت در ثبوت و رسوخ بر ميثاق الله است والبهاء عليک و علی کل ثابت علی العهد القديم ع ع مقابله شد

ش جناب محبّ علی مير عليه بهآءالله الابهی

\* ص71 \*

# هوالله ای محبّ بهاء نور محبّت چون در زجاجهٴ احديّت اشراق نمود عاشق و معشوق دست در

آغوش گشتند و احديّت حکمش چنان نافذ و قاطع که گوئی معشوق بود نه عاشق يا عاشق بود نه معشوق و اسماء و صفات و تشخّصات و تعيّنات و نسب و اضافات شئون ذات بودند بنحو اشرف بکمال بساطت و وحدت و چون آن نور هويّت در زجاجهٴ واحديّت جلوه فرمود اسماء صفات پديدار گشت و صور علميّهٴ الهی اعيان ممکنات نمودار گرديد پس بکوش و جانفشانی کن و جهد نما و پريشانی تا حقيقت ناطقت و عين ثابتت از مقام واحديّت بصحرای دلگشای احديّت توجّه نمايد چه که سالک در آنمقام از کثرت محويّت و قوّت فنا از شئون حضرت بيچون گردد و کلمهٴ انّا لله و انّا اليه راجعون گويد وجود شهود اوست و عبوديّت مقام محمود او و انعدام محض غايت مقصود او پس تا توانی پاي را در بندگی استوار کن تا بآزادگی يگانگی پی بری و از بيگانگی بيزار شوی و شب و روز کمر خدمت بر بندی و ببيان آيات بينّات بپردازی و کار جهانی بسازی و بآهنگ ملکوت نغمهٴ پردازی که حجاب

\* ص72 \* حجاب از جميع ابصار براندازی ع ع مقابله شد ٨٤ خط مبارک

ش ش ا ه جناب م ح ب عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی ای محبّ جمالقدم و اسم اعظم هيکل عالم چون بحقيقت نگری بمثابهٴ شخص انسانيست يعنی قالب جسمانی و امر مبارک و آثار ظهور مشابه روح حيات در اين جسم عظيم و

مغناطيس اکبر قويم اگر جهان و کيهان باين جان که شئون و کمالات جانان و حضرت رحمن است زنده نبود و باين نفحات الهيّه تر و تازه نگشته بود حکم جسم ميّت داشت و سمت جيفه و جسد غير متحرّک لطف روحست که هيکل عالم مظهر فتوحست و قوّت جانست که اين جسم در طيرانست ولی چون نشو و نمای کالبد از فيض جان بتدريجست تا تدرّج در مراتب خلقت از نطفه و علقه و مضغه ز کسأ لحم و انشآء خلق آخر و فتبارک الله احسن الخالقين نمايد لهذا هيکل عالم نيز از اين روح مفخّم در بدايت درجات در حيات خلقت است عنقريب آثار باهرهٴ فيض روح القدس الهي را در اين هيکل نورانی بقسمی مشاهده نمائيد که عقول حيران و ابصار خيره نگران گردد پس بجان

\* ص73 \* و دل بکوش که تو بمنزلهٴ گوش و هوش گردی و بمثابهٴ نظر و بصر اين عالم اکبر شوی قوای اعظم حيات باشی و شفای نجات از اسقام و عوارض از ممات درياق اعظم حبّ جمالقدم و داروی ثبوت و استقامت بر امر مبرم و معجون قوّت و صحت ثبوت و رسوخ بر عهد و پيمان حضرت رحمن است والبهآء عليک عبدالبهاء ع مقابله شد ٨٥ خط مبارک

جناب محب علی ميرزا

# هوالابهی يا من حيّ فواده بنفحات محبّت الله قد انشرح الصدور بذکرک فی هذا المحفل

المشکور و المقام المبرور والمحضر المشهور والبيت المعمور فی هذااليوم المشهود و بسطت اکفّ الضراعة مبتهلاً متبّتلاً الی الله ان يفيض علی حدائق کينونات احبآء الرّحمن غمام فضله المدرار و سحاب جوده و الطافه فی هذا الاوان ع ع مقابله شد ٨٦ خط مبارک

جناب ميرزا هدايت الله خان

\* ص74 \*

# هوالابهی يا من اشتعل بالنار الموقدة فی السدرة الرّبانيّه بخّ بخّ لک يا ايهّا الناطق

بالثنآء والناشر لشراع الوفاء الشارب من رحيق الولآء الناظر الی الملکوت

الابهی لمثلک ينبغی اليوم اطلاق العنان فی ميدان العرفان والجولان فی مضمار البيان حتّی تجعل الوجوه متوجّهة الی الحّی القيّوم فی الجبروت الاعلی والبهاء عليک

ع ع مقابله شد

٧٨ خط مبارک

جناب ملا امير خان

# هوالابهی

ای امير کشور عرفان آن يار مهربان اگر بيد اراده پرده از رخ ياران حقيقی خويش براندازد و کشف غطآء فرمايد آن وقت خيل دليران بينی که فتنهٴ آفاقند و آشوب و ولوله دوجهان مطالع عالم از انوار جمالشان روشن است و مشارق و مغارب امکان از فيض کمالشان گلزار و گلشن اگر باين موهبت الهيّه که در انجمن وجود رخ گشوده کماهی حقّها اهل عالم واقف گردند خيل عاشقان بينی کف زنان پا کوبان بقربانگاه بشتابند ع ع مقابله شد

٨٨ خط مبارک

\* ص75 \*

# هوالله

اي بندهٴ الهی تا توانی در هدايت خلق کوش و سقايت بوستان حق نما يد عنايت در مزرعهٴ آفاق تخمی پاک افشانده و البّته اين کشت دهقان حقيقت جهان را بهشت نمايد و اين تخم پاک ارض را زينت افلاک بخشد و احبّای الهی در اين جويبار آبيارند و و آب فيض حضرت پروردگار پس تا توانی آبياری کن تا فيض حضرت باری کامکاری بخشد و نور احديّت بدرخشد و يگانگی عَلَم افرازد و بنيان بيگانگی براندازد محبّت عموميّه رخ بگشايد و جهان آئينهٴ فيض يار مهربان شود و عليک التحيّة والثنآء ع ع

شیراز بواسطه حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزا بزرگ جناب حبيب الله

ميرزا ابن محب علی ميرزا عليه بهآءالله مقابله شد ٨٩ خط کاتب و مهر مبارک

# هوالله

اي نهال باغ محبّت الله نامه در نهايت روح و ريحان قرائت گرديد و از مضمون مفهوم شد که خود را مهجور دانی و محروم شمری و محزون مانی و مغموم هستی زنهار چنين گمان منما زيرا

\* ص76 \*

بپرتو شمس حقيقت مشمولی بالطاف و عنايت مقرون غريق دريای الطافی و اسير روی آن دلبر بديع الاوصاف فيض هدايت يافتی و فوز رحمانيّه جستی و در ظل حضرت احديّت درآمدی جام سرشار محبّت الله نوشيدی و ديده از ماسوی الله پوشيدی و حلاوت شهد محبّت الله چشيدی و بآنچه منتها آرزوی اصفيا بود رسيدی حال آئينهٴ را هرچه جلا بيشتر دهی پرتو فيض شمس حقيقت بيشتر تابد و فزون تر جلوه نمايد من در حقّ تو بدرگاه الهی عجز و زاری نمايم و الطاف بينهايت جويم جميع ياران الهي را تحيّت ابدع ابهی ابلاغ داری تا توانی بهدايت نفوس پرداز و در تحصيل علوم و فنون الهی بکوش و عليک البهاءالابهی ع ع مقابله شد ٩٠ خط کاتب و مهر مبارک

شيراز بواسطهٴ حضرت افنان آقاسيّد حسين امة الله الموقنه سکينه

والدهٴ باقر عليها بهآءالله الابهی

# هوالله

يا امة‌الله قد اتتنی الورّقة الناطقه بتوجّهک الی الله فکونی مطمئنّه بفضله راضية بحکمه مرضية

\* ص77 \*

لديه صابرة علی البلآء ناطقة بالثناء و انّی بملاء السرور اذکرک عند ما

اناجی ربّی الغفور و اطلب لوالدتک التی رجعت الی الله ان يکرم مثواها و يدخلها فی نُزُل کريم ويخلدها فی جنّة النعيم و يشرح صدرها بمشاهدة انوار اللقاء فی مشاهدة الکبريآء و بلغی تحيّتی الوافره الی امة‌الله الباهره فاطمه بی بی ثمّ القی کلمة التحيّة من قبلی علی امة الله الرّضيّه رقيّه سلطان و کذلک امة الله المنجذبه بهيّه ثمّ ضيآءالله المترّبی فی حجر محبّة الله ثمّ بلغی

تحيّتی و ثنآئی و اشتياقی الی رفيع الرّفيع المترّنم فی رياض المعانی بلحن بديع زاده‌الله عرفاناً و شغفه حبّا و عليک التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد ٩١ خط کاتب و مهر مبارک

هوالله

شيراز ورقهٴ موقنه امة الله سکينه بيگم عليها بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای امة الله محزونه در اين خاکدان فانی بقا بجهة نفسی ممتنع و محال شبهه و انکار نه اين کأس نصيب هر نفس و اين صعود محتوم بر هر وجود کوکب ساطع روح البته از افق امکان

\* ص78 \*

افول نمايد و اين سراج وهاج البتّه از زجاج اکوان صعود نمايد امريست محتوم و حکميست معلوم در اين صورت ديری و نزديکی را حکمی نه و جوانی و پيري را مدخلی نيست علی الخصوص آن سراج بزجاج عالم بالا شتافت و آن نجم بافق بقا شتافت و آن غنچه در گلشن ابدی شکفت و آن آواره بوطن اصلی رفت چرا محزون و پريشانی و آشفته و نالان توجّه بملکوت ابهی کن و توسّل بجبروت علی اعلی تسّلی تام حاصل ميشود و استراحت قلب ميسّر گردد و انشآءالله اسباب راحت جان و آسودگی ميسّر ميگردد

( ع ع ) مقابله شد ٩٢ خط مبارک

والدهٴ عيال حاجی

# هوالابهی

ربّی و رجآئی هذه امة آمنت بک و بآياتک و ابتلت بمصائب السفر فی سبيلک و اشتاقت جوار رحمانيّتک و تاقت الی جمال وحدانيّتک اي ربّ اسقها رحيق الطافک بفضلک و احسانک انک انت الکريم الرّحيم ع ع مقابله شد

٩٣ خط مبارک

\* ص79 \*

زوج حاجی هوالابهی

الهی هذه ورقة خضرة فی رياض العرفان افض عليها من سحاب رحمتک و غيث الفضل و الاحسان لتکن ريّانة بمياه الوجود بين اهل السجود ياذا الجود و الامتنان و تصبح متحرّکة بنسائم الرّروح والريحان فی جنّة الرضوان ( ع ع ) مقابله شد

٩٤ خط مبارک

ابن حاجی

# هوالابهی

اللهم يا الهی هذا عبد نسبته الی عبدک الذی و طرد و نُفی فی سبيلک الی ارض السودان و نحل جسمه من شدائد الحرّ کالنيران حتی نجيّة بفضلک اي رب هذا ابنه اجعله آيت احسانک و رايت امتنانک و سراج حبّک و نور محبّتک و ورد رياض عرفانک بين بريّتک و ريحان حديقة الايمان بک و بآياتک بين خلقک انک انت الکريم ع ع مقابله شد

٩٥ خط مبارک و اين لوح در يک صفحه است

شيراز بواسطهٴ حضرت بشيرالهی جناب آقا ميرزاضيآء الدين

خادم مشرق الاذکار عليه بهآءالله الله الابهی

هوالله

\* ص80 \*

# هوالله

اي بنده‌ حق نامهٴ شما رسيد مختص جواب تحرير ميگردد بدگاه احديّت تضرّع و زاری شد که آنچه نهايت آروزی تست حصول يابد ميّسر گردد و قوّهٴ حافظه ترّقی نمايد حضرت اعلی روحی له ‌الفدا گاهی کندر و نبات ميل ميفرمودند شما نيز متابعت نمائيد و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

شيراز بواسطهٴ جناب آقامحمّدبنی قصاب جناب آقاميرزاضياءالدين خادم مشرق

الاذ کار عليه بهآءالله‌الابهی

٩٦ خط کاتب و مهر مبارک

# هوالله

اي بندهٴ بها نامهٴ شما رسيد الحمدلله خبر هدايت ميرزا فرّخ خان داشت که آن مشتاق دلبر آفاق راه طلب پيمود تا بسر منزل حقيقت پی برد و از نورانيّت امر مبارک ديده روشن نمود و از فيض ابدی ساحت خاطر را رشک گلزار و چمن کرد نامه‌ئی مخصوص بايشان مرقوم شد در جوفست برسانيد و بستايش شمس حقيقت پردازيد که بنور هدايت آفاق قلوبرا روشن نموده و ياران دليل اين سبيلند و هادی اين طريق بوالدهٴ مهربان امة الله خديجه و برادر

\* ص81 \*

مهر پرور ميرزا بهآءالدين از قبل من تحيّت ابدع ابهی برسان و عليک البهآء الابهی ع ع مقابله شد ٩٧ خط کاتب و مهر مبارک

# هوالله

ای فرّخ الهی الحمدلله رخ را فرّخ نمودی و بنور هدايت روشن فرمودی سعادت کبری يافتی و ميمنت عظمی جستی ديده مشاهدهٴ آيات کبری نمود و گوش استماع ندای ملاءاعلی کرد دل بدلدار پيوست و جان بجانان رسيد شايان هزار شکر است و سزاوار نغمه و ترانه پروردگارا آمرزگارا ابوين فرّخ از اين جهان ناسوت بخلوت لاهوت شتافتند و از اين جهان نيستی بفضای عالم هستی ابدی پرواز نمودند زاد و توشه ئی ندارند حرفه و پيشه ئی نداشتند توکّل بر تو نمودند و بعتبهٴ عالی توجّه کردند اي پروردگار بر نجل مؤمن ايشان منّت گذار از خطای آنان بگذر گناه بيامرز پناه بده و ببارگاه درآر و در دريای عفو و غفران مستغرق فرما توئی غفور و توئی ودود و توئی رؤف و توئی بخشندهٴ ذنوب و قصور ع ع مقابله شد

٩٨ خط کاتب و مهر مبارک

\* ص82 \*

بواسطهٴ جناب زائر درويش روشن جناب ملا قنبر

# هوالله

اي بندهٴ حق جناب روشن در اين انجمن بنور محبّت‌الله مانند شمع روشن شد حال مراجعت بوطن مينمايد از من خواست که نامه‌ئی تحير نمايم و محبّت قلبی روحانی تقرير کنم اين بسی واضح که قوّهٴ جاذبهٴ ملکوت وجود اين مفقود و جميع ياران را در محفل تجلی جمع نمود از يک اشراق منوّريم و از يک نفحه معطّر از يم بحر سيرابيم و از يک حرارت پر تب وتاب دراينصورت بيان لازم عيانست و واضح و نمايان تو دانی که در اين قلب الآن چه هيجانست و اگر مطلع نيستی از خدا خواهم که واقف گردی و عليک التحيّة و الثنآء ع ع مقابله شد

٩٩ خط کاتب و مهر مبارک

شيراز بواسطهٴ حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزا بزرگ عليه بهآءالله

الابهی

# هوالله

من انجذب بنفحات الله قد تلوت آيات شکرک لله علی ما هدائک و نجاّک و اجاب دعآئک اعلم

\* ص83 \*

ان ربّک الرّحيم سيشمل لحظات عين رحمانيّة کل من اتی الله بقلب سليم و يجعله آية الهدی و راية التقی و شهاباً ثاقباً فی اوج ‌العلی و نجماً بازغاً می الافق الاعلی و لمثک یليق ان يداوی القلوب والارواح و يشفی النفوس عن مرض الجهل و العمی و يجعل سبباً لهذه العظمّة الکبری و المنحة العظمی معالجة الاجسام مستمّداً من فيض الرحمن والتائيد من العزيز العلام و يتحقّق لک ذلک اذا انجذبت الی الله انجذاباً تبذل الروح للارواح و الحيات للقلوب فيعالم الاشباح و ان کنت تحبّ التائيد العظيم و الموفقيّة فی هذا الامر الجسيم تخلق بهذه الاخلاق و هو الانقطاع و الانجذاب والاشتعال والرأفة والثبوت والاستقامة و القيام بسّرالفدآء اللهم يا الهی ايّد هذا المنکسر المتذلل بعتبة قدسک الساميه علی احيآء الارواح و شفآء الاجسام و نشر آثارک بين‌الوری و اعلآء کلمة التقوی بقوّة ‌الهدی انک انت الکری العزيز المهيمن المقتدرالمحبوب اگر چنانچه در آن صفحات امر معيشت صعب و بقدر قناعت كفايت ننمايد مجرّد به نيّت نشر نفحات الله ببلاد ديگر عزيمت نيز جائز ايدّک الله و شيّدک و عليک التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد ١٠٠ خط کاتب و مهر مبارک

شيراز

\* ص84 \*

شيراز جناب ضياءالدين خادم سابق مشرق الاذکار عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي ثابت بر پيمان نامه ملاحظه گرديد عبارت پر حلاوت بود و دلالت بر استقامت مينمود بامة الله طلعت تحيّت برسان و بشارت بموهبت الهی ده تا سرور موفور يابد و کنيز صبور و شکور ربّانی شود از عنايات حضرت خفی الالطاف خواهش آمرزش از برای ميرزا بهآءالدين و ميرزا آقا و امة الله خديجه مينمايم اي خداوند بيمانند بهآءالدين را صدر نشين بهشت برين فرما و ميرزا آقا را در ملکوت ابهی بموهبت کبری سرافراز کن و مرقد امة الله خديجه را دريچهٴ بملکوت الهی بگشا ای آمرزگار اين بيچارگان را در جوار رحمت کبری ملجأ و پناه در و اين ملتجئين را بفردوس برين در آر عفو و مغفرت مبذول دار و فضل و عنايت ارزان کن توئی بخشنده و آمرزنده و مهربان و عليک البهآءالابهی ٢٢ رمضان ١٣٣٧ عبدالبهآء عبّاس

مقابله شد

هوالابهی

جناب زائر حاجی حسينعلی عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

١٠١ خط کاتب و مهر مبارک

\* ص85 \*

# هوالابهی

يا من احرم ليطوف بمطاف ملائکة القدس من الفلک الاعلی فاشکر الله ربّک علی هذه المواهبة التی هی اعظم فريدة و ابهی جوهرة تتلئلأ فی هامتک العليا حيث تشرّفت بالمثول بمقام هو مختلف الملائکة من الملأ الاعلی و عفّرت و غبّرت خدودک بغبار هو کحل الابصار و شفآء علة الابرار و برد لوعة الاحرار فيا طوبی لک من هذا الفيض المدار و يا بشری لک من هذا الشرف الذی تفتخر به بين اهل الانوار اي ربّ هذا عبد توجّه الی ملکوت رحمانيّک و تشبّث بحبل ربّانيتک و تشرّف بالبقعة المبارکه ايرّب اجعله مشمولا بلحظات عين رحمتک انک انت الکريم الرحيم ( ع ع )

مقابله شد

٩

امة الله خانم طلعت عليها بهآءالله

# هوالله

الهی الهی انّ عبدتک هذه تسترضيک بکل عجز و انکسار مبتهلة اليک فی خفيّات فؤادها ربّ وفقها علی ما تتمنّی و ارض عنها و ايّدها علی حبّک انک انت الکريم الوهاب ( ع ع ) مقابله شد

١٠٣ خط مبارک

\* ص86 \*

هوالله

ورقهٴ مؤمنه ضلع عبدالوهاب عليها بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

ای امة الله هيچ دانی که کنيزی جمال مبارک را چه مقامی است و چه درجۀ احترام قسم بروی و موی و خوی دوست که تاج وهّاج ملکه های آفاقست و سراج زجاج قلوب بانوهای اعظم اينقدر و قيمت در ملکوت ابهی مشهود گردد و اين علويّت در افق اعلی واضح شود والبهاءعليک ( ع ع ) مقابله شد

هوالله

شيراز مناجات طلب مغفرت بجهت راجع الی ملکوت الوجود حاجی رجبعلی خيّاط

# هوالله

ربّ و رجآئی انّی مع فرط عصيانی و وفور خطيئاتی و کثرة ذنوبی التضرع الی رحبة رحمانيّک و افزع الی فنآء عتبة فردانيّتک و اشفع لعبدک الذی آمن بک و بآياتک و دخل في ظل راياتک و ادرک ...[[1]](#footnote-1) و بيّناتک ربّ اغفر له خطيّاتک صدرت منه و اعف عنه السيّئات و بدلها

\* ص87 \*

بالحسنات و البسه حلل العطآء و ارزقه اللقآء و ادخله فی مشهد الجمال يا ربّی

المتعال انک انت الرّحمن ( ع ع ) مقابله شد ١٠٥ خط مبارک

بواسطهٴ حضرت عندليب عليه بهآءالله الابهی

هوالله

جناب حاجی رجتعلی خيّاط عليه بهآءالله الابهی

هوالابهی

اي بندهٴ مخلص حق از فضل جمال ابهی کنز ملکوت بجهة احبّا مهيّا لهذا انفاق سبب حصول برکت از نيّر آفاق پس تا توانی معاونت ياران نما و اعانت دوستان لن تنالوا البر حتّی تنفقوا ممّا تحبّون معاونتی که در حقّ جناب ميرزا عبدالغّفار مجری داشتيد محبوب و اگر ممکن باشد که از مبرّات بشماريد و در صورت عدم امکان امهال الی ميسره بسيار مقبول و البهآء عليک ( ع ع) مقابله شد

\* ص88 \*

هوالله

اخت حرم حاجی رجبعلی عليها بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

ای امة الله تمسک بعروهٴ وثقی جو و تشبّث بحبل متين حضرت کبريآء آن عروهٴ محکم و حبل وثيق ميثاق الهيست و پيمان حضرت رحمانی بسبب جان و وجدان تمسّک و تشبّث نما تا بمقام انجذاب رسی و ببارگاه حضرت ربّ الارباب راه يابی والبهآء عليک ( ع ع ) مقابله شد

١٠٧ خط مبارک

# هوالابهی

ای سرمست جام الست هنگام غروبست وليکن انوار صبح هدی از مطلع افق ابهی ظاهر و باهر نظر بعالم بالا و ملکوت اعلی کن طلوعی مشاهده کنی که غروب از پی ندارد و نهاری ملاحظه نمائی که ليلی در عقب نيايد جميعش طلوع و اشراقست و ظهور و انوار چه که شمس حقيقت مقدّس از طلوع و غروب نظر بعالم خلقست نه حقّ والبهآءعليک

( ع ع ) مقابله شد

١٠٨ خط مبارک مخاطب معلوم نيست

\* ص89 \*

هوالابهی

حرم حاجی حسينعلی عليها بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

اي ورقهٴ طيّبه اين جهان بسی عرصه تنگ و تاريک و آن جهان بغايت روشن و وسيع و نزديک در طرفة العينی از اقليم جسمانی بجهان الهی توان شتافت و از اين حيّز تنگ بعالم پرنگ بتاخت پس تا توانی در فکر آنجهان باش نه اين جهان و از آن جام سرمست باش نه اين ساغر کدر آشام والبهآء عليک ع ع مقابله شد

١٠٩ خط مبارک

هوالله

داراب جناب آقا مشهدی محمّد ابراهيم شيرازی جناب آقا نصرالله ولد ايشان علیهما

بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای دو بندهٴ حق درايندم بدرگاه احديّت اسم اعظم مناجات مينمايم که اي پروردگار اين دونفس نفيس را مؤانس و انيس ذکرت نما و اين دو مشتاق را بگلستان حقایق و معانی دلالت فرما اين دو ماهی را ببحر

\* ص90 \*

فرات هدايت نما و اين دو غزال بر وحدت را بچمن موهبت برسان توئی توانا و

توئی مقتدر و بينا ع ع مقابله شد

هوالله

امة الله ضلع حاجی حسنعلی عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

اي ورقهٴ مبتهله شمع روشن است و شهد مکرّر و آن شاهد روحانی بربطی در دست دارد و بآهنگ خوش ملکوت ابهی در نغمه و آواز است چنگش قوّهٴ ملکوتی مضرابش بشارت الطاف جمال غيبی لاهوتی آهنگش مردگانند در اين انجمن اندر ره دوست اي مسيحای زمان هان نفسی گرم برآر

ع ع مقابله شد

هوالله

بواسطهٴ جناب طبيب آقاميرزا لطف الله هوالله

جناب آقاميرزا محمّد باقر عليه بهآءالله

# هوالله

يا من توجّه الی ملکوت التقديس انّی اخاطبک من هذه الناحية المقدسة المبارکه و انت فی تلک

\* ص91 \*

العدوة القصوی و اقول اطلق عنان اللسان بالثنآء علی ربّک الرّحمن و اشکرالله علی هذا الفضل العظيم بما هداک الی الصراط المستقيم و المنهج القويم و ...[[2]](#footnote-2) فيکل آن و حين من فضل مولاک القديم والحمدلله ربّ العالمين ( ع ع )

مقابله شد

هوالابهی

ش جناب آقا محمّد کريم عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

اي ناظر بملکوت ابهی حضرت افنان در مکتوب خويش ذکر آنجناب نموده و خواهش تحرير اين صحيفه کرده که ذکر آنجناب در اين انجمن گردد و بياد آن مشتعل بنار محبّت الله مشغول گرديم اينقدر بدان که در جميع احيان مذکور بوده و هستی و در آستان مبارک مستدعی نزول الطاف و عنايت در حقّ آن منجذب نفحات رياض احديّت بوده و هستيم و از فضل عميم و کرم جليل مستدعی هستم که چنان سرمست صهبای محبّت الله گرديد که آتش بقلوب اهل امکان زنی و شعله در حقيقت اکوان افکنی و ولوله در اين ارض و سما اندازی و بحر عالم را بموج آری و اوج ملکوت اعلی گيری و چون بملکوت ابهی

\* ص92 \*

شتابی رخ برافروزی و چشم روشن باز کنی و مظهر الطاف بي‌پايان گردی و مهبط طبقات انوار شوی و اين مقام بثبوت بر عهد و پيمان الهی ميسّر گردد و بتمسّک بعروهٴ وثقای رحمانی حاصل شود ع ع مقابله شد ١١٣ خط مبارک

ش جناب حاجی رجبعلی عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ای آشفتهٴ روی دوست در اينجهان بسا عاشقان رخ رنگين و موی مشکين و لعل نمکين که پرتوی از فيض جمال مبين است پديدار و رسوای کوچه و بازار شدند جان فشاني را راحت جان يافتند و بي‌سر و ساماني را مسرّت وجدان ذلت را عزّت کبری دانستند و مصيبت و مشقّت را موهبت عظمی تو که خريدار جمال يوسف الهی هستی و سودائی و شيدائی

معشوق حقيقی آيا بايد چگونه پاکباز و جان فشان و بيباک و قربان و حيران و بيسر و سامان و رسوا و شيدا و اسير و حقير در سبيل جانان باشی ولی کار بسيار مشکل و پاها در گل است مگر آنکه ملکوت ابهی مدد فرمايد والبهآء عليک ع ع

مقابله شد

١١٤ خط مبارک

\* ص93 \*

هوالله

همشيرهٴ جناب آقاعلی ضلع حاجی محمّد رضا ايضاً امة‌الله طلعت امة‌الله ضلع

اخويشان امة الله ضلع حاجی رجبعلی امة الله ضلع حاجی حسينعلی امة الله ضلع

آقا عبدالوهّاب امة الله ضلع حاجی غلامحسين عليهن بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

ای امآء رحمن در هر کوری از مطالع مقدّسه چند نسآء منجذبه از مرقد طبيعت مبعوث شدند و در محشر روحانيّت عظيمه محشور جام سرشار صهبای هدايت را از يد ساقی عنايت نوشيدند و تأئيدات الهيّه را از مظهر آثار قدرت ربّانيه گرفتند پس با نطقی فصيح و بيانی مليح و شوری يزدانی و شوقی رحمانی در قطب عالم منتشر گرديدند پس ملاحظه فرمائيد که در عهد مظاهر شمس حقيقت چون چنين نسآئی مبعوث شدند حال که الحمدلله اين کور کور شمس حقيقت است و اين عهد عهد سلطان احديّت که ذرّات موجودات در شور و شوقند و سرور و ذوق پس ورقات سدره بايد بشئونی و آثاری و اطواری و انجذابی و اشتعالی و بيانی و تبيانی و روحی و فتوحی و متن و شروحی مبعوث گردند که قوّت و نفوذ و آثار

\* ص94 \*

و انوار ايشان بر ورقات سائر دورها فائق آيد و اين مقام عالی و عزّت قديمه بسهولت ميسّر نگردد شعلهٴ نار که سبب اشتعال شود انوار ساطعه شايد که عالم روشن کند فيض ابر و باران لازم تا چمن و دمن سر سبز و خرّم گردد ای امآء الرحمن بکوشيد تا چون مردان در اين ميدان چوگانی زنيد و گوئی بربائيد قسم بجمالقدم که جنود ملکوت ابهی چنان تأئيد نمايد که در مضمار عرفان صفدر و صف شکن گرديد و قوّت تأئيد شما را برجال عالم غالب گرداند و اين فيض بثبوت و رسوخ بر عهد و پيمان حاصل گردد ع ع مقابله شد ١١٥ خط مبارک

شيراز جناب ميرزا محمّد باقر هشيار عليه بهآءالله

# هوالله

ای حبيب روحانی نامهٴ‌مشکين ملاحظه گرديد يريدون ان يخمدوا نار محبّة الله بالبهتان العظيم فتزداد التهاباً و تاججّاً و اشتعالا در قرآن ميفرمايد کلما اوقدوا ناراً للحرب اطفأها الله باری شما مطمئن بفضل و موهبت حق باشيد انّ ربّک يؤيد المخلصين باعمال ينتشر بها نفحات الله و لکن الفاسقين فی خسران مبين ( عبدالبهآء عبّاس ) مقابله شد

11٦ خط مبارک

\* ص95 \*

هوالله

شيراز جناب ميرزا محمّد باقر هشيار عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي هوشيار بيدار سروش يار بود که بهوش آمدی و ندا بگوش رسيد سمع اصمّ البتّه ندای الهی نشنود و نطق ابکم بثنآء ربّانی نپردازد الحمدلله قوّهٴ سامعه شديد بود که اذن صاعيه کلمهٴ الهی استماع نمود حمد خدا را از سرگردانی نجات يافتی و بمرکز هدی التجا نمودی البتّه پی در پی کشف اسرار گردد و واقف بآثار شوی و هتک استار نمائی و غلبهٴ سرّ آشکار شود محوالموهوم گردد و جمال معلوم جلوه نمايد اميدم چنانست که يوماً فيوماً ترقی نمائی تا بجوهر مقصود رسی و غنای حقيقی يابی و بگنج روان پی بری و حجج و برهان بنمائی و دليل جليل اقامه کنی سئوال از لوح زبرجدی و لوح محفوظ نموده بودی اين لوح زبرجدی کتاب عهد است و لوح محفوظ است که محفوظ بود و مکنون بود ظاهر و آشکار گرديد و در بواطن کتاب عهد لوح زبرجدی مندرج و مندمج است و عليک البهآءالابهی ٢٠ جمادی الاولی ١٣٣٨ حيفا

AbdulBaha abbas مقابله شد 117 خط کاتب و امضای مبارک بانگلیسی

هوالابهی

\* ص96 \*

هوالابهی

ش جناب الشيخ بهآئی عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

اي سراج وهّاج اين دم بوی جانبخش حدائق ملکوت قدم مشام روحاني را چنان مشکين و عنبرين نموده که بی اختيار قلم برداشته و بياد آن يار مهربان پرداخته که شايد از الفت قلب و روح خامه و نامه نفحات انس قديم بساحت دل و جان ياران محفل ربّ کريم رسد و حقيقت فؤاد از قيود هجران و حرمان برهد و حجاب مرتفع گردد و پرده افتد و گرفتار فراق خويشرا در وثاق بيند و مبتلای هجران خود را در جنّت رضوان مشاهده نمايد اين مراتب فصل و وصل و بعد و قرب عنصری ابداً حکمی نداشته بلکه وصلت

حقيقت روح چون ميسّر گردد حکمش چون روح در عروق و شريان سريان کند و حجاب بکلی زائل گردد و جمال مشهود و آشکار شود والبهآء عليک و علی کل ثابت علی الميثاق ع ع مقابله شد

١١٨ خط مبارک

\* ص97 \*

هوالله

ش جناب بهآءالدين و نورالمخلصين المنتسب الی استقّر فی اوج العلييّن

# هوالابهی

يا من توجّه بکليّته الی ملکوت الابهی تالله الحق ان عليّاً من الملاء الاعلی يناديک و يخاطبک بصوت جهوری و يقول‌ ابشر يا روحی و سبب سروری و مورث جهوری بما حفظت حقوقی و استمعت لوصيّتی و ثبت علی الميثاق و تنورّت بآية الاشراق و انتبذت من اهل الشقاق ابعد عدوة فی الافاق و توجهت الی النور المحمود و استظلت فی الظل الممدود و ثبتت ونبتت و خطوت و صبوت الی الجمال المجلل بسحاب الغياب

ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش ورقهٴ طيبّهٴ موقنه بقيّهٴ من عرج الرفيق الاعلی امة الله صبيّه الشيخ

عليهما بهآءالله الابهی

# الله ابهی

ای امة البهآء و عليک الثنآء يا بقيّة تلک النفس القدسيّه المتصاعدة الی الله استبشری بمواهب

\* ص98 \*

ربّک و افرحی بفضل مولاک القديم توجّهی الی ملکوت ربّک الابهی و ناجی مولاک و قولی لک الحمد يا نور السموات والارضين بما خلقتنی من صلب من شرحت صدره بانوار التّوحيد و اعليت درجته فی العليّين و جعلتنی بضعة منه تذکاراً منه بين العالمين و نورّت وجهی بين امائک يا مقصود العارفين الهی ايّدنی و ضجيعی علی خدمة امرک و التبتّل اليک و اتضرّع الی باب احديّتک و وفّقنی علی الضجيج فی محافل امائک بنعتک و ثنآئک و نشر نفحاتک انّک انت الکريم الرحمن الرحيم

ع ع مقابله شد ١٢٠ خط مبارک

ای امة البهآء تمسّک بذيل کبريآء جو و تشبّث بعروهٴ وثقی و توّکل بر خدا کن و شب و روز در ترويج امرالله باش چه که ايّام بسر آيد و حيات دنيا نپايد و اعتماد نشايد عنقريب فانی گردد و چون سراب بقيع شود پس در آنچه علوّ و سمو در ملکوت ابهايست بکوش تا نجم بازغ گردی و کوکب شارق آيت باهره شوی و رايت شاهره پرتو نور مبين گردی و جلوهٴ آثار عليّين والبهآء عليک و علی کل ثابت مستقيم

ع ع مقابله شد

بلغی تحیّتی الی الامة التی هی من بقیة اسراءالله هناک و کذلک الامة الاخری التی

تنتسب الی جناب

\* ص99 \*

احمد علي النيريزي والبهآء عليهما

نسئل الله ان يهيأ اسباب تشّرفک بالعتبة الساميه انّه لعلی کل شئی قدير

والبهآء عليک ع ع مقابله شد

# هوالله

ايورقهٴ طيّبه و امة الله المهيمن القيوم پدر بزرگوار ترا در اين جهان يادگار گذاشت همواره در خاطری و در اين محضر حاضر مطمئن بفضل و موهبت جمال ابهی باش و معتمد بر حرمت و رعايت عبدالبهآء از درگاه احديّت طلب مغفرت بجهت متصاعدين الی الله گشت و از آستان جمال مبارک استدعا مينمايم که بآنچه نهايت آروزست مؤيد گردی و حسن خاتمه محقّق و مقرّر شود و انجال مظهر رضای حضرت پروردگار گردند و جناب بهآءالدين مقبول درگاه عليّين گردد و عليک البهآء الابهی ع ع

١٢١ خط کاتب و مهر مبارک مقابله شد

هوالابهی

ش الورقة الطيبّة الزکّيه ابنة من صعد الی الرفيق الابهی عاليه ضلع الشيخ

بهآئی عليهما و عليها بهآءالله الابهی

هوالابهی البهآء عليک ايّتها الورقة المهتزّة من نسيم رياض الابهی المستبشرة من نفحات

\* ص100 \*

غياض الافق الاعلی الخائضة فی حياض الجنّة الماوی لقد ثبت و ظهر ظهور الشمس فی رابعة النهار بانجذابک الی ملکوت الاسرار و اشتعالک بالنار الموقدة فی سدرة العزيز الجبّار انک بضعة ذلک البطل الرشيد و فلذة کبد ذلک السّری المجيد و من عنصر روحه الشديد و ذريته التّی يتناهی بها فی ملکوت الابهی و ينشرح بها صدراً فی لاهوت البقآء و يخاطبک من ملکوت الابهی بوجه متلئلاً ککوکب الضحی و ينادی باعلی الندآء احسنت احسنت يا بضعتی و قطعة کبدی و نور بصری بما وفيت بالميثاق واقتبست الانوارالمشرقة علی الافاق و ثبتت قدماک علی الصراط و شربت کأساً دهاقاً فی محفل الاشراق والبهآء عليک و علی کل ثابت و ثابتة علی امرالله و متشبّثة بالعروة الوثقی ع ع مقابله شد ١٢٢ خط مبارک

١٢٣

# هوالله

ای يادگار آنشخص جليل پدر بزرگوار معدن اسرار بود و مهبط انوار در ساحت اقدس مقرّب بود و در ايمان و ايقان ممتحن و مجرّب نظر عنايت حق از هر جهت شامل بود و موهبت کامل حال تو يادگار آن بزرگواری واضحست که چقدر مقرّبی و از صعود ميرزا نصرالله نهايت حزن موجود ولی تسّلی خاطر باينست که آن طير چون باوج

\* ص101 \*

اعلی پرواز نمود و باز اشهب گشت و عقاب اعظم گرديد و آن قطره چون از حيّز امکان بگذشت بفضای لامکان شتافت بحری بيپايان شد مطمئن باش که غريق بحر غفرانست و در حقّ تو از درگاه الهی تأئيد ربّانی طلبم تا در جميع شئون مظهر فيوضات نامتناهيه گردی و عليک البهآءالابهی ٢٩ ربیع الثانی ١٣٣٨ مقابله شد

عبدالبهآء عبّاس

شيراز جناب احمدابن بهآءالدين ضبيّه زاده من صعدالی‌الله شيخ علی ميرزا عليه

بهآءالله الابهی

# هوالله

ای يادگار آنشخص جليل ورق مسطور ملحوظ و منظور گرديد الحمدلله چراغی در آنخاندان روشن گشت و از سلالهٴ آن نفس مبارک موفّق بهدايت پيدا شد جدّ بزرگوار قلبی پر از انوار داشت و مشامی مشکبار و جانی مستبشر بفيض حضرت پروردگار در ساحت اقدس مذکور بود و در آستان مبارک مقبول از فم مطّهر بکرّات و مرّات ذکر آنجان پاک استماع شد حال تو باغ آمال او را نهال تازه وتر گرد و گلشن آرزوی او را گلی لطيف و طری بايد بجان بکوشی تا آن گلشن را روشن کنی و عليک البهآءالابهی

عبد البهآء عبّاس مقابله شد

١٢٤ خط کاتب و امضآء مبارک

\* ص102 \*

ش ورقهٴ سدرهٴ مبارکه امة الله والدهٴ آقاميرزا هادی عليهما

بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ايورقهٴ مقدسهٴ مبارکه صد هزار ملکه‌های آفاق آرزوی جاروکشی آستان اوليا داشتند و فائز نشدند و تو از اوراق سدرهٴ مبارکه محسوب و معدودی ملاحظه کن که بچه فضلی فائز شدی پس بشکرانهٴ الطاف حق در تقديس و تنزيه و عرفان و ايقان امآء رحمن بکوش ع ع مقابله شد

١٢٥ خط مبارک

هوالابهی

ش ورقات مطمئنّات امآءالرحمن عليهّن بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ای امآء رحمن و ورقات طيّبهٴ موقنهٴ مطمئنّه بفضل يزدان هزاران هزار دختران شهرياران و بنات سروران و بزرگان ترک پرند و پرنيان نموده و از آسايش و راحت جان و کام دل و آلايش گذشته و از پدر و مادر چشم پوشيده و از هر شادمانی و خوشی و کامرانی

\* ص103 \*

منقطع گشته و لباس رهبانيّت در بر کرده راهبه گرديد وشب و روز را بعبادت و رياضت و خلوت و ضراعت گذرانده که شايد مشاهدهٴ پرتوی از نور حقيقت نمايد و در حسرت اين موهبت جان بداد و بلمعهٴ از انوار طور فائز نگشت حال شما بشکرانه قيام نمائيد که الحمدلله نجوم اين نور مبين را طالع از افق جبين داريد و ظهور اين آثار باهره را در حقيقت زاهره دارید و اکليل اين نعمت را بر فرق مطالع محبّت الله هستيد و انشآءالله ناشرات هدايت الله و شکر اين فضل بي‌منتها ثبوت و رسوخست بر ميثاق الله بقسمي که بايد چون جبال راسيات ثابتات باشيد و مقاومت طوفان اعظم نمائيد و چنان مشتعل و متوّقد و منجذب گرديد که جميع نسا را منقلب نمائيد در آستان مقدّس حضرت دوست امآء الرحمن بذکر شما مشغول و ما بدعای تائيد مألوف والبهآء عليکّن يا امآءالله ع ع مقابله شد ١٢٦ خط مبارک

ظهر پاکت ٩

شيراز امآء رحمن عليهّن بهآءالله الابهی ( بواسطه ورقهٴ مبارکه امة الله

والدهٴ آقاميرزا هادی افنان بواسطهٴ آقاميرزا هادی )

اين چند کلمه خط مبارکست

\* ص104 \*

شيراز امآء رحمن امة الله والدهٴ مرحرم اسکندر خان ضلع جناب افنان مرحوم

آقاميرزاآقا با صبيّه شان طوبی خانم امة الله ضلع جناب شيخ بهائی صبيّه شان منيره خانم عيال آقا ميرزا بزرگ با صبيّه شان روح انگيز خانم عيال جناب ميرزا محمّدصادق خبّاز با صبيّه شان ميرزابيگم سه همشيره زاده‌های مرحوم حاجی ملا کاظم نصرآبادی خانم بهتری خانم شريعت طنّاز خانم عيال جناب عندليب با صبيّه شان نورا خانم و عيال بردرش بهيّه خانم صبايای جناب ميرزا نصرالله عليّه و عاليه خالهٴ جناب ملا احمد علی والده رحمت همشيره زادهٴ والدهٴ رحمت عيال حاجی حسينعلی صبيّه حاجی محمّد رضا خيّاط جماليه خانم فاطمه خانم مريم سلطان سلطنت طلعت عيال حاجی حسنعلی ميرزا بيگم منيره عيال جناب عبدالوّهاب صبيّه آقامحمّد حسن خيّاط حيا صبيّه آقامحمّد جواد عليا صبيّه مشهدي ابوالقاسم طلعت خانم حاجي بيگم خيّاط مادر رحمت ورقه مبارکه امة الله والدهٴ آقاميرزا هادی افنان

# هوالله

يا امآء الرحمن از قرار مسموع محفلی آراستيد و بخدمت آستان مقدّس بر خواستيد طوبی

\* ص105 \*

ثمّ طوبی که در عصر ربّ بذکر حق پرداختيد و در اين ميدان بجان و دل شتافتيد تا بمنزل مقصود رسيديد و بسرّ وجود پی برديد و جمال موعود يافتيد و حقيقت شهود ادراک نموديد پرتو انوار شمس حقيقت فائض و الطاف جمال مبارک شامل حال مؤمنات و موقنات در هر دمی موهبتی جلوه نمايد امآء رحمن بايد فرصت اين ايّام را غنيمت شمرند و هر يک جهدی نمايد تا بدرگاه ربّ اله تقرّب جويد و استفاضهٴ فيض از مبدء وجود کند حالتی پيدا کند و قوّتی مؤيد گردد که هر شخص ذليل را بمجرّد القآء کلمه نفس عزيز کند و محروم را محرم لاهوت نمايد و مايوس را اميدوار نمايد و بی نصيب را از موهبت کبری نصيب دهد و جاهل نابينا را دانا و بينا کند و غافل کاهل را بيدار و هوشيار نمايد اينست صفت امآء رحمن اينست شيم کنيزان درگاه کبريا اي ورقات موقنات در صفحات اروپا و امریکا امآء رحمن گوی سبقت و پيشی را از ميدان رجال ربوده‌اند و در تبليغ و نشر نفحات الله يد بيضا نموده‌اند عنقريب مانند طيور ملا اعلی در اطراف و اکناف دنيا بپرواز آيند و هر نفسی را هدايت کنند و محرم راز گردانند شماها که ورقات مبارکه شرقيد بايد بيش از

\* ص106 \*

آنان شعله زنيد و بنشر نفحات الله پردازيد و ترتيل آيات الله کنيد پس تا توانيد بنصايح و وصايای جمال مبارک قيام نمائيد تا جميع آرزوها ميسّر گردد و آن جويبار و چمن گلشن احديّت شود و عليکم و عليکن البهآءالابهی ع ع

مقابله شد ١٢٧ خط کاتب و مهر مبارک

# هوالله

اي دوستان جمال ابهی اگر بدانيد که اين خطاب چه قدر عظيمست و مخاطبها چه قدر عزيز البتّه از کمال سرور و حبور مانند طيور پر بگشائيد و در اين اوج موهبت کبری پرواز نمائيد زيرا اين خطاب عنوان ملاءاعلی است و اين عنوان موهبت ملکوت ابهی چه قدر بايد احبّا از اين خطاب مسرور و مشعوف و پر انجذاب گردند عنقريب پرتو اين حقيقت بر جهان بتابد و روشنائی کونين گردد فسوف تری المخلصين فی فرح عظيم حيف صد حيف كه بيهوشان از بشارت اين سروش بيخبرند و بيوفايان از اين موهبت بی نصيب و ثمر اين تاج وهاج را بجوی فروختند و اين اکليل جليل را بنار غفلت سوختند يا حسرةً عليهم بما بدلوا نعمة الله علی انفسهم و کانوا قوم سوء اخسرين و عليکم التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد

١٢٨ خط حضرت ولی امرالله و مهر مبارک ( شوقی ) مخاطب معلوم نيست

\* ص107 \*

بواسطهٴ شوقی افندی شيراز ورقهٴ مبارکهٴ سدرهٴ رحمانيه زيور سلطان عليها

بهآءالله الابهی

# هوالله

اي ورقهء سدرهٴ منتهی مدتی بود که راه مقطوع بود و ابواب مسدود لهذا نگارشی نشد ولی قلب و روح بذکر شما مشغول و از الطاف بيپايان حضرت مقصود رجا ميگشت که در صون حضرت احديّت مصون و در سايهٴ الطاف محفوظ باشيد امة الله ضيا در اين اياّم زفاف بحضرت محمود شد الحمدلله بتمام سرور اقتران و سور حصول يافت بسيار بموقع واقع شد و اين از حسن نيّت آنورقهٴ مبارکه گشت از الطاف الهی اميدوارم که در نهايت ائتلاف با يکديگر زندگانی نمايند بحضرت فرع سدرهٴ منتهی جناب آقا سيّد حسين از قبل من تحيّت محترمانه برسانيد و همچنين ساير ياران و امآء رحمن را و عليک البهآء الابهی ( عبدالبهآ عبّاس ) مقابله شد

١٢٩ خط حضرت ولی امرالله و امضاء مبارک

شيراز

\* ص108 \*

شيراز امة‌الله زيور سلطان عليها بهآءالله الابهی

# هوالله

يا امة الله من الدوحة المبارکه اگر چه سالهای چند است پيک و پيامی از بقعهٴ مبارکه بآن اقليم رحمانی نرسيده ولکن هميشه تبتّل و تضرّع بعتبهٴ مقدسه مينمودم و تأئيد و توفيق ميطلبيدم تا احبّآءالله و اماء رحمن در صون حمايت حق از سهام شبهات محفوظ و مصون مانند و ثابت و مستقيم بر دين الله الحمدلله فضل شامل شد و قوّهء ملکوت ابهی معجزهٴ کبری نمود که جميع طوائف و امم در نائرهٴ حرب سوخته و بنيانهای عظيم برافتاد ولکن اين حزب مظلوم در جميع آفاق در صون ربّ الميثاق در نهايت روح و ريحان باقی و برقرار جميع امآء رحمن را تحيّت ابدع ابهی ابلاغ داری حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقا سيّد حسين را احترامات فائقه ابلاغ نمائيد و عليک البهآء الابهی

عبدالبهآء عبّاس ٣ اذار ١٩١٩ مقابله شد

\* ص109 \*

شيراز بواسطه جناب تيرانداز جناب آقامحمّد صادق جهرمی عليه بهاءالله الابهی

# هوالله

ای بندهٴ صادق حق جناب تيرانداز نامه شما را پرواز داد تا بدست اينعبد پر عجز و نياز رسيد مضمون مشحون ببيان ايمان و ايقان بود و برهان ثبوت و استقامت بر امر حضرت رحمن طوبی لک ثم طوبی و يا فوزاً لک من هذه البشارة الکبری طلب غفران از برای پدر مهربان گرديد يقين بدان که از فضل جمال مبارک مرحوم و مغفور خواهد بود زيرا پور غيور در نهايت تضرّع و ابتهال است و بجناب استاد رضا تحيّت ابدع ابهی برسان و جناب درويش ابن شهيد ابلاغ دار يوم بعثت حضرت اعلی و يوم هفتادم نوروز و روز بيست و هشتم شعبان و يوم اوّل محرّم و يوم ثانی محرّم و يوم نوروز و سه روز رضوان اشتغال بامور حرام است و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

١٣١ خط کاتب و مهر مبارک بواسطه

\* ص110 \*

بواسطه جناب قابل جناب رضا قليخان عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای مهتدی بنور هدی هر چند مرا مجال مفقود با وجود اين بذکر تو مشغول شدم تا وجد و سروری یابی و بشکرانهٴ الطاف حضرت بيچون پردازی که بدرقهٴ عنايت رسيد و نور هدايت درخشيد و در شيستان دل و جان سراج موهبت رحمن روشن گردی از الطاف حضرت احديّت اميدم چنين است که روز بروز آن نهال تازه نشان حديقهٴ هدی برشحات ابر الطاف نشو و نما نمايد و بشکوفه و ثمر رسد و عليک البهآء الابهی

ع ع مقابله شد

١٣٢ خط کاتب و مهر مبارک

هوالابهی ط ابن من صعد الی الله جناب آقا حسنعلی عليه بهآءالله الابهی

ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ای مشتعل بنار موقده و سدرهٴ ربانيّه جناب ابوی چند سال بود که در جوار

جمالقدم پناه يافته و در ظل سدرهٴ منتهی آرميده و از کأس قرب سرمست و مخمور شده و بفيض

\* ص111 \*

اعظم مخصوص گشته مدتّی مديده در اکثر اوقات از موائد قربيّهٴ آلهيّه محفوظ بود و از شراب وصل مخمور و باحسن اخلاق و اطوار و اعمال در بين احبّا الرحمن محشور و مشهور جوهر تکوين بود و ساذج محبّت جمال قيّوم از نفحهٴ قدس عرفان دماغی عطرناک داشت و از عشق جمال ذوالجلال گريبانی چاک در شب و روز بذکر حق مشغول بود و بنسائم روح مأنوس و مشعوف چشمی روشن داشت و جانی چون گلزار و چمن تا آنکه مصيبت کبری و رزيّهٴ عظمی رخداد جميع کمرها شکست و عظمها رميم شد ديده ها نابينا و لسانها گنگ و لال گردی جگر ها خون شد و دلها پاره پاره و محزون آن متذکّر بذکرالله چنان از حرمان و هجران برآشفت که در اکثر اوقات حيران و سرگردان بود عاقبت حرقت فراق چنان شعله برافروخت که تب دائمی و حمّای مطبقهٴ مستمّری عارض شد در مدّت بيماری در جميع اوقات بذکر الهی مشغول بود و در شدّت حرقت و حرارت تب بياد حق سيراب و پر مسرّت بود در نهايت زيادتی مرض و علت در بستر صحّت و راحت آرميده بود و هر نفسی بعيادت ميرفت آثار منتهای مسرّت در بشره و طلعتش

\* ص112 \*

مشاهده مينمود تا آنکه خندان و مژده خوان با کمال بشاشت و بشارت بافق

اعلي و ملکوت ابهی شتافت طوبی له و حسن ماب بشری له و نعم الثواب غّرُا و شرفاً و فخراً و سروراً له من هذا الاياب والبهآء عليک يا تذکار ذلک الجناب عبدالبهآء ع مقابله شد ١٣٣ خط مبارک

بواسطهٴ بشير الهی

جناب آقا حسينعلی سليل مرحوم آقامحمّد جواد اصفهانی و امة الله حرم محترمه عليها

بهآءالله الابهی

# هوالله

ای سمّی محبوب آفاق و ای امة الله

المقرّبه نامهٴ شما مضمون بديعی داشت و سبب سرور جديدی گشت که الحمدلله در امر الهی ثابت و مستقيميد و در عبوديّت استان جمال ابهی مستديم و در ظل عنايت مستريح از عدم فرصت مختص محرّر ميگردد سليل ثانی خويش را نام جدّ بزرگوار بنهيد و صبيّه را خديجه ناميست مبارك و عليكما البهآء الابهي

ع ع مقابله شد

١٣٤ خط کاتب و مهر مبارک

بواسطهٴ جناب آقاميرزا طراز و آقا ميرزا علی اکبر

جناب محمّد حسن خان عليه بهآءالله الابهی

\* ص113 \*

# هوالله

ای ثابت بر پيمان الحمدلله نطقی فصيح داری و بيانی بليغ قلبی طيّب و طاهر خواهی و جانب مستبشر بملکوت باهر توجّه بجمال ابهی جوئی و تشبث بذيل کبريا طلبی يقين بدان که چنين نفوس موفّق و مؤيدّند باری توجّه بملکوت ابهی کن و نصرت و فتوح از حضرت کبريا طلب تا ابواب گشوده يابی و در کهف حفظ و حمايت الهی آسوده گردی حضرت منصور را مسرور کن و بشارت فضل موفور ده که ربّ غفور مؤیّد حضرت منصور است و عليک البهآء الابهی ع ع

١٣٥ خط کاتب و مهر مبارک

بواسطهٴ حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقا سيّد ميرزا عليه بهآءالله

جناب محمّد حسن خان عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای يار حقيقی عبدالبها را مضمون نامه مسرور نمود زيرا دلالت بر شعلهٴ نور هدايت مينمود که در زجاج دل و جان افروخته و نفحهٴ رياض معانيش بمشام رسيد الحمدلله آن قلب مشکاة محبّت الهيست پس از هجوم بيگانه و خويش مينديش بلکه صبر و تحمّل پيش گير العاقبه للمتّقين خويشان بيگانه عنقريب آشنا شوند و پشيمان گردند و بايمان و ايقان آن

١٣٦ خط کاتب و مهر مبارک

\* ص114 \*

سرمت صهبای محبّت الله افتخار کنند و مباهی شوند تفکّر در حال پيشينيان نما حقيقت جلوه نمايد و عاقبت آشکار گردد اولاد و احفاد از آباء گنه کار بيزار شدند و از نسبت آنان ننگ و عار داشتند عنقريب خواهيد مشاهده نمود که عزّت ابديّه در دنيا و آخرت بعبوديّت آستان مقدّس است و عليک التحيّه والثناء ع ع

مقابله شد

بواسطهٴ آقا ميرزا عزيز الله خان زائر

جناب منصور السلطنه و جناب محمّد حسن خان و امة الله المنجذبه والدهٴ ايشان

عليهما البهآءالابهی

# هوالله

ای مظاهر تأئيد الهی امروز قرن عظيم مبين است و روز تأئيد و توفيق حضرت ربّ العالمين مقرّبين درگاه الهی همواره آرزوی چنين روز مينمودند و نفوس مقدسه در ايّام قديم تمنّای ساعتی از اين عصر رحمان و رحيم ميفرمودند حال الحمدلله که آن دوسالار آزادگان در اين ايّام بالطاف حضرت يزدان مؤید پس بايد از مشرق عرفان چون مه تابان بدرخشند و سبب تربيت نفوس و بزرگواری نوع انسان گردند جهان از نادانان مانند شب تار تاريک است بايد مردان ميدان چنان پرتوی برافروزند که اين ظلمت ضلالت مبدّل بنور هدايت گردد و نفوسيکه مانند بهائمند بتربيت الهی چنان پرورش یابند که مدار افتخار و مباهات قبائل عالم گردند اخلاقی بجويند که جهان از نفحه اش معطّر گردد و رازی

\* ص115 \*

بگویند که جان و دل زنده شود و راهی بپویند که بسرمنزل مقصود رساند

وعليکم البهآء الابهی ع ع مقابله شد ١٣٧ خط کاتب و مهر مبارک

هوالله

ش ورقهٴ مبارکه والدهٴ جناب افنان حضرت حاجی ميرزا علی عليهما بهآءالله

الابهی ملاحظه نمايند

١٣٨ خط مبارک

# هوالله

اي ورقهٴ مبارکه اگرچه آن کوکب نورانی از افق امکان افول نمود ولی از مطلع

لامکان ‌طلوع فرمود آن بلبل گلشن الهی در حدائق رحمانی آغاز نغمه نمود آن شاخ مبارک بسدرهٴ الهيّه متصل گشت و آن جوی دلجو بدريای حقيقت ملحق شد آن ماهی لب تشنه بدريای وصال پی برد و آن طوطی شکرشکن بشهد و قند مکرّر رسيد آن عاشق دل سوخته بمعشوق رخ افروخته واصل شد و آن حبيب نجيب بمحبوب دلفريب نصيب بقا يافت پس محزون مباش و مغموم مباش و افسرده و پژمرده مگرد از خدا بخواه که تأسی باخلاق او نمائی و در عهد و ميثاق چون او ثابت گردی ع ع مقابله شد

حضرت افنان شجرهٴ مبارکه جناب حاجی ميرزا علی را تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرمائيد

از عنايات خاصهٴ جمال مبارک سائليم که در جميع شئون موفّق باشند

هوالله

\* ص116 \*

ش ورقهٴ مبارکه والدهٴ جناب اقا ميرزا علی افنان عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای ورقهٴ طيبّه روحانيّه تا توانی بکمال قوّت بسدرهٴ الهيّه تمسّک جو تا نسبت

قدميّه و تعلق ابدی و تحقّق سرمدی حاصل گردد دست بدامان ميثاق زن و از ربّ الاشراق طلب تأئيد نما تا از تزلزل و اضطراب محفوظ مانی ع ع مقابله شد

١٣٩ خط مبارک

بواسطهٴ جناب آقاسيّد مهدی امة الله درخشنده عليها بهآءالله الابهی

# هوالله

ای رخشنده بنور محبّت الله تابنده باش و در گلشن معرفت الله سازنده و خواننده شو تا حلقهٴ امآء رحمن را زيبنده گردی و بحيات ابديّه پاينده شوی و عليک البهآءالابهی عبدالهآء عبّاس

مقابله شد

١٤٠ خط کاتب و امضاء مبارک

بواسطهٴ جناب عندليب عليه بهآءالله الابهی

هوالله ش جناب امير آقاخان عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای امير اقليم اثير زيرا بندگان استان نصرت يزدان امروز هر يک

جهانگيرند

\* ص117 \*

و امير فلک اثير فجر منيرند و نور بسيط و بحر محيط سلطنت جهان دارند و کام دل رانند سريرشان عرش برين و اکليلشان پرتو تأئيد ملکوت ربّ جليل سراجشان وهّاج و تاجشان درخشان چون مه تابان پس ای امير جهانگير شو يعنی بقوّهٴ جنود حقايق و معانی هجوم بر سپاه جهل نما و قلاع حصون قلوب را مسخّر نما و سلطنت ملکوتی تأسيس کن که حکمش نافذ است و فيضش دائم و غمامش فائض و عرقش نابض و سيفش شاهر و کوکبش باهر و حکومتش قاهر فيا بشری لک من هذاالفضل العظيم ع ع مقابله شد ١٤١ خط مبارک

شيراز بواسطهٴ محمّد رضا ميرزا رئيس پست جناب آقاخان عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي بندهٴ درگاه الهی نامهٴ سابق و لاحق هردو رسيد ولی کثرت غوائل مانع از سرعت جواب شد دقيقهٴ آرام ندارم از کثرت قرائت و کتابت جسم و چشم بينهايت زحمت ميکشد لهذا معذور داريد حال مختصراً جواب مرقوم ميشود که مطمئن باش که نهايت حبّ و تعلق بشما دارم و از الطاف الهی طلب تأئيد و توفيق مينمايم بعد از صعود جناب عندليب مناجاتی مرقوم گردید و ارسال شد البتّه رسيده در فکر آنم که مبلغی بآن صفحات ارسال دارم مطمئن باش مطمئن باش و عليك البهآء الابهي

٤ رجب ١٣٣٨ حيفا عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

\* ص118 \*

شيراز بواسطهٴ شاهزاده محمّد رضا ميرزا عليه بهآءالله الابهی

جناب منصور آقاخان عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای بندهٴ حق نامهٴ شما رسيد و ملاحظه گرديد الحمدلله در فکر و ذکر حقيد و

آرزوی اعلای کلمة الله و انتشار نفحات الله مينمائيد اميدم چنان است که بتمام قوی مؤید گرديد اليوم احبّای الهی بايد بگفتار پر حلاوت و رفتار در نهايت تنزيه و تقديس و رأفت بهدايت کبری پردازند لسان بليغ بگشايند و روش بديع بنمايند تبليغ باعمال اعظم از تبليغ به اقوال است زيرا اين سبب انتباه است و آن سبب انجذاب البتّه انجذاب فوق انتباه است اعمال و رفتار و اطوار حقيقت است و گفتار مجاز اگر اين مجاز مطابق حقيقت باشد نار محبّت‌الله شعله زند و آن نفس مؤید گردد و مانند نجم از افق حقيقت درخشنده شود اميدوارم که جميع ياران باين موهبت مؤيد گردند در اين اثنا حضور به اين کشور نورانی صعب و پر زحمت و مشقّت و از مسافرين که مراجعت مينمايند مطلع خواهيد شد بعد از رفع اين صعوبات جائز از الطاف رحمانی استدعا مينمايم که حسن خاتمه عنايت شود و عليک البهآء الابهی

١٣ صفر ١٣٣٨ حيفا مقابله شد

١٤٣ خط کاتب و امضاء مبارک

امة الله ورقهٴ مقبله همشيره و امة الله ورقهٴ منجذبه قرينه از قبل عبدالبهاء

نهايت مهربانی ابلاغ دار الحمد لله

\* ص119 \*

مومنند و موقن و مشتعلند و منجذب و در محافل نسآء ناطقند و مبتهل و عليهما

بهآءالله الابهی عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

طهران جناب ميرزاحاجی آقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای بندهٴ‌الهی نامهٴ شما رسيد و از قرائتش اطلاع بر مضمون حاصل گرديد محافل بسيار مقبول ولی بايد جميع مجالس محافل تبليغ باشد اين تأئيد دارد این سبب اعلاء کلمة الله است واين سبب عزّت امرالله محفلی که تو آراسته ئی چون محفل ذکر الهيست و تلاوت آيات و مناجات و اميد است که نفوس تبليغ گردند لهذا اين محفل محفل سرور و حبور است بجناب آقاميرزا نبی خان و جناب ميرزا علی خان تحيّت ابدع ابهی برسان نامهٴ ايشان نرسيده ولی من جواب مختصر در همين نامه مينگارم زيرا عليلم ابداً دانايان تجويز تحرير کلمهٴ نمي‌نمايند زيرا اين سفر بی پايان بنيان بدن را متزلزل نموده الآن بقوهٴ تأئيد ملکوت ابهی تحرير ميشود نه بقوّهٴ‌ عالم امکان بامة الله حديقه خانم تحيّت ابدع ابهی برسان و عليک البهآء الابهی

عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

١٤٤ خط کاتب و امضاء مبارک

# هوالله

حضرت ميرزا نبی خان و جناب آقاميرزاعلي‌ خان ای دو يار مهربان جميع بندهٴ درگاهيم لهذا پيوسته‌ايم دل بسته‌ايم لهذا ارتباط از جميع جهات محکم گوشی بآهنگ دل و جان دهيد مسرور گرديد وقور گرديد موهبت موفور يابيد عبدالبهآء عبّاس

اين سه سطر خط مبارک مقابله شد

٢٧ ربيع

\* ص120 \*

٢٧ ربيع ا بواسطه جناب آقاميرزاعلی اکبر ميلانی جناب آقا ميرزا عليخان

عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايدوست حقيقی عبدالبهآء بهمّت و خدمت و حسن سلوک و استقامت و حسن سياست ثابت و محقّق فرمودی که دوست حقيقی عبدالبهآئی و در عبوديّت آستان مقدّس سهيم و شريک و در نهايت ثبوت و رسوخ جاه و منصب را محض خدمت بآستان احديّت خواهی و عزّت و رياست را بجهت قيام عبوديّت و حفظ و صيانت خلق جوئی شخص خير خواه بهائی بايد چنين باشد و مقبلان درگاه ربّانی را روش و سلوک موافقت بنور مبين لازمست الحمدلله تو بآن مؤید و موفّقی لهذا اميد چنانست که در ملکوت ابهی روشن نمائی و در جنّت ابهی گلشن شوی و شاهد انجمن گردی و سبب راحت و آسايش دولت و ملت شوی و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

١٤٥ خط کاتب و امضاء مبارک

# هوالله

ای يار قديم نامهٴ که بجناب آقاسيّداسدالله مرقوم نموده بوديد ملاحظه گرديد

تفاصيل معلوم بوده و هست اميد چنانست که از شخص محترم معاونت در حق ميرزا احمدعليخان مظلوم حاصل گردد جميع اين فسادها از صدرالبلهآء بوده او ريشهٴ فساد و فتنه بود که شب و روز آرام نداشت و ميکوشيد تا هر يار را بی ياور

\* ص121 \*

نمايد و هر مأنوس را مأيوس کند باری شما اميدوار باشيد ايّام سختی ايشان البتّه منتهی گردد عليک البهآءالابهی عبدالبهآء عبّاس مقابله شد ١٤٦ خط کاتب و امضاءمبارک

بواسطهٴ حضرت حيدر قبل علی مناجات طلب مغفرت بجهة ورقهٴ متصاعده حرم جناب ميرزا

حاجی آقا عليه و عليهما البهآء الابهی

# هوالله

ربّ لک الحمد بما اشراق نيّر الاحسان من افق العفو والغفران و اضآء و ازال ظلام الذنوب و العصيان و تموّج بحور عنايتک علی العباد و الامآء و هاج نسيم الطافک علی اهل البهآء ربّ انّ امتک الصادقة قد ترکت الثياب الرثيث و تقمصّت بقميص الصعود الی ملکوتک العظيم ربّ اخلع عنها ثوب الخطآء و البسها ردآء الفضل والعطآء و اجعل لها مقعد صدق عليّا ربّ انّها آمنت بک و بآياتک و تمکنت من دلائلک و بیناتک و سلک فی سبيل هدايتک و وفدت علی باب عنايتک فاغرقها فی بحور عفوک و غفرانک و ظلل عليها شجرة رحمانيّتک و جرّعها من اقداح موهبتک و نوّر وجهها بنور فضلک حتّی يتهلل وجهها فی بحبوحة الجنان و يتهلل لسانها بالثناء عليک فی جنّة الرضوان انک انت الکريم انک انت الرّحمن الرّحيم

عبدالبهاء عبّاس مقابله شد

١٤٧ خط کاتب و امضاء مبارک طهران

\* ص122 \*

طهران بواسطهٴ جناب ميرزا حاجی آقا عليه بهآءالله الابهی امة الله حرم ميرزا

نبی خان امة الله حرم حاجی سليمان کليمی مرحوم امة الله عطيّه خانم امة الله

حرم عليخان امة الله روحيه خانم امة الله قدسيه خانم عليهن بهآء الله الابهی

# هوالله

اي ورقات منجذبات جناب ميرزاحاجی آقا خواهش نگارش نامه نمود که اين ورقات مؤمنات انجمن امآء رحمن را زينتند و شمع‌های افروخته بنار محبّت لهذا سزاوار خطابند و شايستهٴ صدور کتاب باری من چون اسمای آن امآء رحمن را متتابع خواندم شکست خوردم فوراً بتحرير اين نامه پرداختم تا مقصود دل و جان آنان حصول يابد و سبب سرور گردد ولی از صعود امة الله سلطنت محزونم وطلب عفو و غفران مينمايم که ای مهربان پروردگار اين ورقهٴ منجذبه را در ملکوت خويش بزرگوار نما ودر دريای غفران غرق فرما و در زمرهٴ کنيزان نامدار محشور کن و از سلطنت ابديّه نصيب بخش زيرا در ايّام حيات بخدمات مألوف بوده بزحمات مشغول فی الحقيقه حقّ خدمت عظيمه دارد مورد عنايت جليله فرما توئی بخشنده و آمرزنده و مهربان و عليکن البهآءالابهی

عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

١٤٨ خط کاتب و امضاء مبارک عبّاس

\* ص123 \*

بواسطهٴ جناب بينش

شيراز جناب استاد غلامرضای ارسنجانی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای مؤمن ممتحن الحمدلله که آهنگ ملاء اعلی بگوش هوش رسيد بيدار شدی شنوا گرديدی بينا شدی از اين مصائب و بلايا که در سبيل جمال ابهی بآن گرفتار شدی دليل بر تقرّب درگاه کبرياست چنانچه شاعر گفته هرکه در اين بزم مقرّب تر است جام بلا بيشترش ميدهند شکر کن خدا را که زهر را مانند شهد نوشيدی طوبی لک من هذا الفضل العظيم هر وقت ممکن شد که برفاهیت و راحت عزم کعبهٴ مقصود نمائی مأذونی وعليک البهآءالابهی عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

١٤٩ خط کاتب وامضاء مبارک

هوالابهی

جناب آقاغلامرضا ارسنجانی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

يا ربّ السموات العلی انّ عبدک المبتلی فی سبيلک غلامرضا بطلب الرضا فی الصباح و المسآء و لا يفتر فی ذکر الاحبّآء عشيّاً و اشراقاً ربّ ثبت قدميه علی امرک و استقمه علی حبّک و اجعل له مقعد صدق عليا و عليه البهآء الابهی عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

١٥٠ خط مبارک بواسطه

\* ص124 \*

بواسطهٴ جناب زائر غلامرضا ارسنجانی جناب افنان حضرت عندليب آقاميرزا فضل الله خان ميرزا مصطفی خان فتحعلی خان شمس آبادی محسن خان شهريار وفادار جناب بينش آقامحمّد حسن بلورفروش آقا سيّد محمّد صادق آقا قاسمعلی آقاميرزا محمّد رضا آقا محمّد جناب ميرزا ابوالقاسم ساعت ساز جناب ميرزا ابوالحسن نيريزی جناب نورالله سعدی جناب آقاميرزا رحيم جناب آقا ميرزا محمود عطّار استاد علی کلاه مال جناب محمّد رضا خان بواناتی جناب ميرزا عبّاس بواناتی احبای فاروق و شمس آباد و مرودشت و سروستان و شيراز عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ياران مهربانا جناب آقاغلامرضا وارد و بر علو منزلت و سمّو منقبت دوستان شاهد و استدعای نگارش اين نميقه مينمايد گفتم که از قلم ميثاق خطاب بآن اهل وفاق مکرّر صادر ولی او غير قانع که من در سبيل الهی چوب زياد ميل فرمودم و مورد توهين و تحقير گشته‌ام و بلای شديد ديده‌ام لهذا اين نامه درمان من است و شير و شهد من است و شعف و سرور من است و مرهم جرح موفور من من نيز بکمال فرح و شادمانی بتحرير اين نامه بمهربانی پرداختم که الحمدلله احبّای فارس فارس ميدانند و پر روح و ريحان در امر جمال قديم و مستقيمند و در وجد

\* ص125 \*

و طرب مقيم و مستديم اعلاء کلمهٴ تفريد خواهند نشر آيات تو‌حيد جويند لهذا احساس اهتزاز جديد از شيراز ميشود و اميد آنست که از آن کشور مبارک شهناز کلمة الله بآفاق رسد زيرا منبت شجرهٴ مبارکه است ای ياران مهربان جميع بساطهای وسيع عنقريب منطوی گردد و انبساط شديد بماتم و اندوه تبديل شود مگر بساط الهی و انبساط رحمانی لهذا هر چيز موقّت ابداً اهميّت ندارد ولو در نهايت جمال جلوه نمايد بلکه فيض ابدی و فوز سرمدی اهميّت دارد پس بکوشيد تا آفرينش را آرايش گرديد و جهان را سبب آسايش اينست موهبت کبری اينست رحمت عظمی اينست الطاف بي‌منتها ربّ انّ هؤلاء الاحبّا من اخص الاصفيا و احبّ النقبآء النجبا قد اقبلوا الی الافق الابهی و قاموا علی الحمد والثنآء لقوّة تحيرّت منه ‌اولی النهی باسطين اکفّ الضراعة و الابتهال متذللين و منکسرين الی العتبة العليآء و متوقدّين بنار محبّتک بين الوری ربّ اجعلهم آياتک الکبری و راياتک الشاهرة فی الذروة العليا و جنوداً مجنّده لحصن الميثاق و جيشاً عرمرماً لمعقل العهد و الوفآء يرمون اهل النفاق بسهام الاستقامة الکبری و يرّدون اهل الشقاق بسياط الثبوت و الرسوخ علی الملاء انک انت المقتدر المؤيد الموفّق العزيزالکريم

١٠ ربيع الاول ١٣٣٨

حيفا عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

١٥١ خط کاتب و امضاء مبارک

\* ص126 \*

ص جناب هاشم لنجانی صهر مرحوم متصاعد بملکوت ابهی آقا شيخ سلمان عليه

بهآءالله الابهی

# هوالله

ای شاعر فصيح و بليغ قصيده ملاحظه گرديد فی الحقيقه اگر خواهی مذاق عبدالبهآء شيرين گردد و روحش فرح خلد برين يابد قصيدهٴ انشا نما و بنظم آور که سراپا عبوديّت و محويّت و تذلل و انکسار و نابودی و نيستی و خاکساری و فنای عبدالبهآء باشد والا قسم بجمال قدم روحی لتراب اقدام احبائه الفدا هيچ مدح و ثنائی در کامم شيرين نيست و مخالف عقائد دينيّه اين عبد است بلکه محزون ميشوم باری بزودی غزلی باين مضمون انشا نما و بفرست تا جانم شادمان گردد و روحم باهتزاز آيد ع‌ع مقابله شد

١٥٢ خط مبارک

هوالابهی

جناب ميرزا هاشم عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ای متوّجه بمنظر اکبر آنچه مرقوم نموده بودی قرائت شد در انجمن ياران الهی ذکرت مذکور و احوال و اشتعالت مشهور گشت از لطف عظيم محبوب کريم منتظريم که باشراق انوار

\* ص127 \*

شمس عنايت رويت روشن گردد و دل و جانت چون گلزار و چمن شود در ظل کلمهٴ جامعهٴ توحيد که آثار قدرت ربّانيه است بهر مرادی واصل شوی و در تمسّک بشريعة الله القاهره بهر مقصدی نائل گردی عون الهی مؤيد احبّای رحمانيست و فيض غير متناهی ناصر ياران حقيقی والبهآء عليک ع ع مقابله شد ١٥٣ خط مبارک

هوالله

جناب ميرزا هاشم لنجانی عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای بندهٴ الهی جناب شيخ رحمانی با کمال ناتوانی مسافات بعيده را قطع نموده و زحمات و مشقّات سفر را تحمّل کرده تا آنکه بشاطی ساحل ارض مقدّسه وارد گشت و بتراب آستان روضهٴ مقدّسه بقعهٴ مبارکه مشام را معطّر نمود و چون اين عبد بر عبوديّت درگاه احديّت قيام کرد حال متوکلا علی الله مراجعت مينمايد قدر اين پير مرد را بدانيد و چون پروانه دور او بگرديد فی الحقيقه زحمت کشيده است قصيدهٴ مرسوله ملاحظه گرديد بليغ و فصيح بود ولی اگر کام مرا شيرين خواهی و مذاقم را شکرّين قصيدهٴ در عبوديّت اين عبد و فقر و فنای بحت اين رفيق بآستان مقدّس انشا کن تا روح مهتز گردد و جانم روح و ريحان يابد

\* ص128 \*

ديده روشن گردد و صحن خاطر گلشن نسيم جانبخش بوزد و نفحهٴ روح پرور منتشر شود قسم بآن روی و خوی جمال قدم که هيچ وصفی جز عبدالبهآء نخواهم و هيچ نعتی جز رقيق البهآء نجويم

خاک آستانم و ادنی پاسبان باين مفتخر و متباهيم و مشتهر و متناهی پس اي دوست زبان بعبوديّت محض اين عبد درگاه جمال ابهی يک قصيده ‌بساز و بآهنگ چنگ و دف ملکوت ابهی بنواز ع ع مقابله شد ١٥٤ خط مبارک

بواسطهٴ جناب ميرزا آقا عنايت الله عليه بهآء الله الابهی جناب ميرزا هاشم

صهر پيک رحمانی آقا شيخ سلمان عليه بهآءالله الابهی

١٥٥ خط کاتب و امضاء مبارک

# هوالله

ای بندهٴ حق نامهٴ شما رسيد و از صعود حضرت اخوان صفا نهايت تأثر حاصل گرديد زيرا آن روح مجرّد ايّام خويش را وقف نفحات الله نمود دمی آرام نگرفت نفسی راحت نيافت خدمات فائقه از او صدور يافت لهذا ذکری مفصّل از ايشان شد و زيارتی مکمّل از برای سلطان الشهدآء و محبوب الشهدآء و جناب وزير و حضرت اخوان صفا مرقوم گرديد و ارسال نزد خوانين شد ترجمهٴ حال ايشان که بقلم خود در روزنامهٴ خودشان نگاشته‌اند ارسال داريد از الطاف الهی اميدوارم که والد ماجد و والدهٴ محترمهٴ شما را غريق بحر عفو و غفران

\* ص129 \*

فرمايد بجناب حاجی عبدالغفار تحيّت برسانيد و بگوئيد عبدالبهآء فرصت تحرير يک سطر ندارد با وجود اين چگونه بتفسير آيات پردازد مختصر اينست که مدلول آيهٴ مبارکه انست که نار جهيم بشره را يعنی روی را دگرگون مينمايد تر و تازگی نميگذارد سوخته و بد رنگ مينمايد يعنی نيران اعراض و انکار روی انسان را ميسوزاند و تعرف المجرمون بسيماهم ميگردد لطافت و بشاشت و نظارت و نور ايمان نميگذارد چنانچه در آيهٴ ديگر ميفرمايد و وجوه عليها عبرة ترهقها قتره ميفرمايد در يوم قيامت بر بعضی وجوه غبار می نشيند و موکّلين اين نار که نفوس مستحقّه را در آتش اندازند در يوم قيامت کبری ١٩ نفر ملائکه عذابند و عدّهٴ اين نوزده ملائکه عذاب نظير عدّۀ ملائکه رحمتند و خازن جنّت رضوان که حروف حيّند بجناب حاجی ميرزا حسين و ملا رمضان نهايت محبّت و مهربانی از قبل من ابلاغ دار و امّا تاريخ حضرت پيک رحمانی حالات او را در اصفهان و در شيراز تحقيق بنما که چه روشی و سلوکی داشت و از کجا بود و در چه زمان مؤمن و موقن گشت و در چه سال پيک رحمانی شد و مدّت حيات چگونه قاصد امين بود اين تفاصيل را تحقيق بنما بعد بنويس امّا خيلی دقّت کن که حشو و زوائد نداشته باشد از الطاف الهی ميجويم که بازماندگان حضرت شيخ را مورد الطاف بيپايان نمايد و امّا اعضای محفل روحانی بايد بانتخاب تعيین شود احبّا هر کسی را که موافق می بينند انتخاب نمايند خواه

\* ص130 \*

پير يا جوان خواه توانگر و خواه بيسر و سامان والسلام عليکم البهآء الابهی

عبدالبهآء عبّاس ٢ آب ١٩١٩

ای صهر حضرت پيک ابداً فرصت يک کلمه تحرير ندارم با وجود اين نامهٴ مفصل مرقوم شد وفاءً عبدالبهآء عبّاس

اين يک سطر خط مبارکست مقابله شد

بواسطهٴ محفل روحانی اصفهان و جناب آقاميزاهاشم عليه بهآءالله

قريهٴ چادگان فريدن جناب حسينعلی خان سرهنگ جناب بهاقليخان با اولاد امجاد الله قليخان و محمّد قليخان جناب ارباب بهمن فارسی قريهٴ پوده سيمرم جناب مير علی محمّد خان قريهٴ طالخونچه جناب ميرزا عبدالکريم جناب احمد اقای معلم جناب ميرزا ابراهيم خان قريهٴ ننادگان فريدن جناب لهراسب خان قريهٴ خونسار جناب مظفرخان قريهٴ چال چهار محال جناب حيدرقلی خان گلپايگان جناب مصطفی خان قريهٴ قمشه دائی غلامرضا آقا يدالله آقاحسين محمّد علی استاد ابراهيم درويش خداداد قريهٴ اسفرجان کربلائی هاشم درويش عوض قريهٴ هوسنجان غلامحسين امة الله فاطمه جناب طاهر امة الله روحانيّه قريهٴ قشقائی جناب سروعلی جناب نوروزعلی قريهٴ قمبون سيمرم جناب نايب رضاقلی جناب ميرزا اسحق جناب عباسقلی سلطان قريهٴ شريف آباد لنجان سيّد نورالدين سيّد جلال سيّد علی کربلائی مرتضی سيّد مصطفی سيّد عبدالحميد کربلائی خليل سيّد ابوالقاسم

\* ص131 \*

قريهٴ ده نوسميرم سلطان باقر کربلائی حسين حاجی آقا نايب عبدالله قريهٴ ريز

درويش حسن درويش نوران محمّد جواد محمّد رحيم قريهٴ لنجان آقاسيّد غفور آقا سيّد مصطفی سيّد جواد استاد عباسقلی کربلائی کريم مهديقلی جناب آقا سيّد عبدالغنی برات علی کربلائی عبدالوهّاب آقا سيّد عبدالباقی قريهٴ چال جناب قليخان قريهٴ چم گردان جناب اسدالله کدخدا جناب نعمت الله جناب حاجی اسمعيل جناب مشهدی علی محمّد جناب حيدرعلی جليل آقا قريهٴ کله سفلی مشهدی هاشم قريهٴ باغ بادران سيّد مجتبی قريهٴ بن جناب ميرزا باقر حکيم قريهٴ سعيد آباد لنجان جناب حاجی ميرزا محمود جناب ميرزا رضا جناب آقا محمّد جناب ميرزا مرتضی جناب ملاحسنعلی کرچکانی قريهٴ سامان جناب نيسان جناب اسکندر قريهٴ چادگان جناب سيّد هادی جناب ميرزا محمّد علی منشی جناب محمّد امين اجودان جناب محمّد قليخان غلامرضا مشهدی محمّد جناب الله قليخان جناب قليخان محمّد باقر دم کمری ميرزا ابوالفتح منشی جناب لهراسب ننادکانی جناب ميرزا محمود صدر جناب جلال خان جناب استاد باقر بنّا غلامرضای فروشانی خانهٴ ميرزا بختياری جناب اسکندر خان ضیغم الدّوله جناب ميرزا جعفر منشی جناب مهديقلی اردلی مشهدی آباد علوی حاجی عبّاس سليمان نجف آباد علی ولد حسن ميرزا نصرالله استاد عبد الخالق عناية الله و ساير احبّا قريهٴ قلعه سفيد جناب ميرزا امرالله

\* ص132 \*

ميرزا امرالله جناب شيخ جواد يزدی جناب آقامحمّد يزدی قريهٴ بروجن چهارمحل جناب ميرزا مهدی خان جناب ميرزا محمود خان جناب حاجی ميرزا ميرزا خليل منشی خداکرم ميرزا علی اکبر ميرزا محمود جناب محمّد حسين ارباب شيرلدنی و جناب اسفنديار عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

الهی الهی لک الحمد بما رفعت راية فردانيتک و اريت الکّل آية رحمانيتک و هديت هؤلاء النفوس الی المآء المعين و عين التسنيم فی رياض ربّانيّتک ربّ لک الشکر بما نورت الابصار و الهمت الاسرار و اسمعت الآذان و القيت کلمة الهدی علی قلوب الابرار فاقبلوا اليک بصدر مشروح و قلب مجذوب و روح مستغرقٍ فی بحار رحمتک و نفوس مستبشرة بآيات وحدانيتّک ربّ ثبّت اقدامهم علی هذا الصراط و قوّ قلوبهم باسرار الکلمات و ايدهم بجنود لم يروها فی نشرالنفحات و احرسهم و احفظهم من السکرات و اجعل لهم سبيلاً قویماً ممدوداً الی ملکوت السموات انک انت العظيم انک انت الرحمن الرحيم ای ياران مهربان عبدالبهآء چندی بود چون باد باديه پيما بودم و آوارهٴ کوه و صحرا و دريا هيچ صبحی آرام نيافتم و هيچ شبی سر و سامان نجستم محرم هر محفلی شدم و در هر

\* ص133 \*

مجمعی در آمدم و در هر انجمنی فرياد نمودم و بملکوت ابهی بشارت دادم تا کوران بينا گردند و کران شنوا شوند ذليلان عزيز گردند گمراهان پی بدليل برند بينوايان بانوا شوند محرومان محرم راز گردند غربيان شرقيان شوند و نوميدان اميدوار گردند سه سالست که دقيقه ئی آرام ندارم الحمد لله بفضل و عنايت جمال مبارک افواج تأئيد مانند امواج پی در پی رسيد و جنود ملاء اعلی نصرت نمود صيت امرالله بجميع مسامع رسيد و ذکر الهی در جميع مجامع انتشار يافت يد غيبی و قوهٴ معنوی تخمی پاک در آن کشتز‌ار افشاند و سحاب رحمت الهی امطار نيسانی مبذول داشت و شمس حقيقت ضيآء حرارت بخشيد حال عبدالبهآء در نهايت خاکساری جبين بر زمين نهاده تضرع و زاری مينمايد که آن کشت الهی بعون و عنايت دهقان آسمانی بسرعت انبات گردد و آثار باهره‌اش آفاق را احاطه کند سبحان الله اهل باختر با وجود دوری بيدار گشتند و بيانيان ايران هنوز بخواب غفلت گرفتار آنان فرياد يا بهآءالابهی زدند ايرانيان و بزرگان ايشان اين الملاذ و اين المناص برآوردند شمس حقيقت از افق ايران طالع شد ولی ايرانيان در جستجوی چراغی هستند ابر نيسان بر ايران فيضان نمود ولی ايرانيان در پی قطره ئی دوان اين چه بلاهت است اين چه بلادتست اهالی غرب چون نام شرق برند سجده نمايند ولی شرقيان را نهايت آمال که قدمی در راه غربيان نهند و پيروی آنان کنند تا ترّقی نمايند کشور

\* ص134 \*

مطمور معمور گردد ملت مندرسه تازگی و وجود يابد هيهات هيهات اين درختان کهن پوسيده ديگر ثمری نبخشد بلکه اين نهالان بيهمال تر و و تازهٴ ايران عنقريب در جويبار حقيقت نشو و نما نمايند و گل و شکوفه فرمايند و برگ و بار دهند و برائحهٴ طيّبهٴ الهيّه جهان را معطّر نمايند و مشام اهل غرب را معنبر کنند زيرا سلطان گل در گلشن ايران رخ برافروخت و رسم تاجگذاری در گلزار پارسی اجری فرمود اوّل بلبلان ايران آشفتهٴ آن گل شکفته گشتند و آهنگ ملا اعلی ‌بلند نمودند و جانفشانی کردند و بقربانگاه عشق الهی شتافتند از فيض عظيم ربّ جليل اميد چنانست که آن مبارکه در ارض صاد و حوالی آن چنان حرکتی مردانه و جنبشی فرزانه بکمال حکمت در خدمت امرالله نمايند که جميع آفاق آن کشور منوّر گردد ببازماندگان پيک رحمانی

حضرت سلمان الهی معاونت و نگهداری لازم و عليکم البهآءالابهی عبدالبهآء عبّاس

مقابله شد ١٥٦ خط کاتب و امضاء مبارک

هوالله

بواسطهٴ مريم سلطان صبيّهٴ پيک رحمانی شيخ سلمان امة الله فاطمه سلطان امةالله حبيبه سلطان امة الله فاطمه امة الله نور جهان بگم امة الله عمّه

امة الله گوهر سلطان امة الله خديجه سلطان امة الله مريم بگم امة الله

ربابه سلطان امة الله امّ ليلي امة الله عطيّه خانم عليهّن

بهآءالله الابهی

\* ص135 \*

هوالله

ای اماء رحمن شکر کنيد خدا را که در چنين عصر ميمنت حصری بعرصهٴ وجود قدم نهاديد و در مهد وجود پرورش يافتيد که آفتاب انور قرون و اعصار است الطاف بيپايان انوار فيض عيان نور احديّت نمايان پس تا توانيد در محافل ذکر بتسبيح و تقديس حضرت يزدان زبان و لسان بيارائيد و عليکن التحيّة و الثناء ع ع مقابله شد

١٥٧ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

# هوالله

ای ثابت بر پيمان نامه شما رسيد و از مضمون فوت مرحوم ضيآء معلوم گرديد سبب تأسف و احزان گشت ولی حرم مرحوم شيخ و امة الله مريم سلطان را از قبل من تحيّت محترمانه برسان و بگو در اين ايّام اگر نفسی ثابت و راسخ بر پيمان از اين جهان بجهان ديگر شتابد اعظم موهبت الهيّه است زيرا امتحان و افتنان بسيار حسن خاتمه فاتحة الالطاف است لهذا شما محزون مباشيد بلکه دل بالطاف الهی بربنديد و از فيوضات نامتناهی عفو وغفران بخواهيد من نيز بنهايت تضرع و خشوع قلب آمرزش از برای ضيا نمايم مطمئن بعنايت الهی باشيد جزع و فزع نکنيد انمّا يوّفی الصابرون اجرهم بغير حساب و جناب آقا محمّد جواد

\* ص136 \*

و آقا محمّد رحيم را از قبل اين مشتاق تحيّت ابدع ابهی ابلاغ داريد از صدماتي که در سبيل الهی کشيده‌اند بسيار متأثرم ولی ايشان را اگر دومرتبه اخراج کردن ما را چهار مرتبه سرگون کردن تأسی بجمال مبارک نموده‌ايد اين مورد شکرانه است که بچنين فيض رحمانی و موهبت آسمانی موفّق شده‌ايد و عليک البهآء الابهی ع ع مقابله شد ١٥٨ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هوالله

اصفهان بواسطهٴ آقاهاشم لنجانی جناب سيّد محمّد جواد جناب فتح الله جناب صادق جناب جلال جناب سيدهاشم جناب محمّدعلي ن جناب عطا جناب سيّد اسدالله جناب سيّد زين العابدين جناب علی‌نقی خان جناب جعفر جناب علی خان جناب سيّد تقی جناب يعقوب بغدادی جناب علی اکبرخان ف جناب داراب جناب عبدالله ايضاً جناب عبدالله خان جناب مشهدی جعفر ن جناب محمّد جواد جناب ابوالقاسم جناب

سيّد محمّد جناب سيف جناب عبدالحسين جناب تحويلدار جناب محمّد چاپار جناب يوسف جناب مصطفی جناب سيّد مهدی جناب حاجی حيد ن جناب حاجی کلبعلی ن جناب اسدالله ن جناب استاد مهدی عليهم بهآءالله الابهی

\* ص137 \*

# هوالله

ای ياران الهی هر چند نامه های متعدّده در اين مدّت مديده باحبّای قديمه و جديده نگاشته شد ولی نامهٴ تازه وارد و اسمآء آن سروران کشور محبّت الله در آن مذکور از قرائت آن اسمآء حالتی دست داد که زمام از دست رفت بی اختيار بذکر ابرار مشغول شدم تا شوق و شعف اين قلب پرتوی بر جهان دل و جان آزادگان زند و شرق و غرب روشن گردد اگر بدانيد که بچه شور و شعفی الان باملای اين نامه پرداختم البتّه از وجد و طرب در قميص حسد نگنجيد ارواح بپرواز آيد جانها همدم راز گردد و دلها بسرور ابدی دمساز شود اين نيست مگر از فضل و احسان حضرت يزدان و عليکم التحيّه و الثنآء الهی الهی ايّد هولآء العباد علی رفع راية ‌الميثاق و اعلآء کلمتک فی الآفاق و اغفر يا ربّی الجليل لعبدک عبّاسعلی من اهل ريز لنجان الذی شرب کأس البأسآء و الضرآء فی سبيلک و ابتلی باضطهاد المبغضين من اعدائک و جرّعوه کأس العذاب و زجروه اشّد العقاب حتّی عرج اليک و وقد ببابک مبتهلاً اليک ساجداً بين يديک ربّ انزله نُزُلاً مبارکاً و قدّر له کل خير فی ملکوتک الاعلی انک انت الکريم المقتدرالوهاب ع ع مقابله شد

١٥٩ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک هوالله

\* ص138 \*

بواسطهٴ جناب آقاميرزا جلال و جناب ميرزاهاشم صهر پيک رحمانی جناب حاجی ميرزاصادق جناب ميرزامحمّد علی جناب ميرزا عبدالحسين محرّر جناب ميرزاعبدالحسين اردستانی جناب سيف الذاکرين جناب ميرزا فتح الله خان جناب ميرزاعبدالله خان جناب غلامحسين ميرزا جناب آقاسيّد برکات جناب ميرزا عطا جناب ميرزا عبدالله خان مشرف جناب ميرزامحمّد خان نايبی جناب استادابوالقاسم

جناب ميرزاجعفر جناب ميرزاباقرخان جناب سيّداسدالله جناب سيّدهاشم جناب آقاسيّد هادی جناب ميرزاعبدالحسين جناب محمّد جواد جناب آقاسيّدمهدی جناب آقا سيّد اسمعيل خيّاط جناب امين الله جناب ضيآءالله جناب ميرزااسدالله جناب آقامحمّد مهدی عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ايّها المقربون ايّها المنجذبون ايّها المشتعلون بنار محبّة الله فيهذا اليوم المشهود الحمدلله بعون و صون و عنايت حضرت احديّت ارض صاد بنفحات قدس آباد شد بعد از سکون بحرکت آمد و بعد از خمود شعله برافروخت بهشت برين گشت و جلوه گاه صورعالين احبّا هر يك حياتي تازه يافتند و اصفيا بميدان فدا شتافتند آهنگ تقديس مرتفع شد و انوار توحيد لامع گشت

\* ص139 \*

مطرب الهی با چنگ و دف و نی نغمهٴ هی هی چنان بنواخت که هياکل روحانی را بوجد و طرب انداخت نسيم ارض صاد مشکبار است و رائحهٴ محبّت الله از آن گلشن منتشر در اين ديار شکر کنيد خدا را که در چنين عصری موفّق و مؤيد گرديديد حقّا که ياران وفائيد و سزاوار فدا عنقريب چنان ولوله ئی در آفاق افتد که نور اشراق از قلوب عشاق بدمد و ناقوس آفاق فرياد يا بهآءالابهی برآرد و کوس شرق و غرب نغمهٴ ‌يا ربّی الاعلی بگويد جهان جهان ديگر گردد و کيهان کيهان ديگر شود روی زمين بهشت برين گردد و تودهٴ غبرا جنّت ابهی شود و رايت يا بهآءالابهی بلند گردد از جميع آفاق نغمهٴ يا بشری بعنان آسمان رسد و از شرق و غرب بانگ يا طوبی برخيزد هنالک يفرح المؤمنون و يحزن الخاسرون تبيّض وجوه و تسوّد وجوه ان هذالحق معلوم و وعد غير مکذوب و عليکم التحيّة و الثنآء ع ع مقابله شد ١٦٠ خط کاتب و امضا و مهر مبارک

اصفهان جناب ميرزا هاشم صهر حضرت شيخ بزرگوار عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ثابت بر پيمان نامهٴ شما وصول يافت و جزع و فزع از فراق معلوم گرديد اين ناله و فغان از جميع آفاق بلند است ولی عبدالبهآء باقليم يوسف کنعان سفر نموده انشآءالله بعد

\* ص140 \*

از رجوع اين آرزو حصول خواهد يافت از خبر التهاب نار محبّت الله در آن صفحات نهايت روح و ريحان حاصل گرديد اميدوارم که همواره بتأئيدات الهيه بنشر نفحات رحمانيّه و اعلآء کلمهٴ ربانيّه مشغول و مألوف باشند و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد ١٦١ خط کاتب و امضاء مبارک

نجف آباد بواسطهٴ آقاميرزاهاشم محمّد جعفر صبّاغ قنبر علی حاجی آخوند شهيد حاجی عبدالکريم آقاعلی حسن حسن محمّد آقاعلی مشهدی رضا آقاميرزا ولد مشهدی جعفر آقاميرزا آقا بگم خانم واعظه عيال مرحوم کربلائی محمّد علی ريزی گوهر بگم منوّر خانم مريم سلطان ربابه سلطان خانم کوچک عيال مرحوم آقامحمّدحسن شهيد

# هوالله

ای ياران روحانی و اماء رحمان اين خاکدان فانی جغدان نادان را سزاوار و اين گلخن ظلمانی طيور ترابي را لايق بلبل معاني را آشيان گلشن الهی است و مرغان اوج عزّت را لانه و مکان ملکوت رحمانی بيخردان چون نظر بآلايش اين عالم فانی نمايند گمان آسايش کنند و در آزمايش افتند منجذب ظل و سايه گردند و از ذی ظل غافل مانند زيرا جهان ناسوت ظل زائل ملکوتست و عالم ارضی اثری از عالم آسمانی سبحان الله شيفتهٴ قطره گردند و از دريای محيط بی بهره شوند و مشتاق ذرّه گردند و از شمس حقيقت بی نصيب مانند دل

\* ص141 \*

بحياة دنيوی بندند و از زندگانی سرمدی بگذرند و از جهان جان و دل غافل مانند وصايا و تعاليم الهيّه انسان را از شئون فانيه بيزار کند و از جهان تاريک و تنگ فرار دهد و بعالم انوار رساند ملاحظه در جميع طوائف و ملل و قبائل و دول نمائيد که کل مانند موران در تحت اطباق تراب لانه و آشيانه نمايند و آذوقه ئی اندوخته کنند بارانی آيد و سيلی برخيزد و خانه و لانه و آشيانه و آذوقه جميع را از ميدان برد و محو و نابود کند اينست مثل اهل دنيا چنانکه واضح و آشکار مشاهده مينمائيد ملاحظه در ايران و مجلسيان نمائيد که در مدّتی قليله چه طوفانی و چه انقلابی ظاهر و عيان شد با وجود اين باز غافلان و جاهلان و بيخردان دل باين دنيا بندند و بفکر کم و بيش افتند از اقبال بوجد و طرب آيند و از ادبار محزون و دلخون شوند الا انّهم فی خسران مبين پس عاشقان جمال رحمن و مشتاقان انوار طلعت يزدان را لايق و سزاوار چنانست که در جميع شئون از اين خلق ممتاز باشند و محرم راز و نياز

گردند جميع کائنات را بظل خويش آرند در جهان ديگر پرواز کنند و در عالمی ديگر سير و تماشا نمايند آيات هدی گردند و رايات ملأاعلی شوند مرغان چمنستان حقيقت گردند و در گلستان وحدنيّت و احديّت بابدع الحان بتسبيح و تقديس حيّ توانا پردازند و عليکم البهآء الابهی ع ع مقابله شد ١٦٢ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

\* ص142 \*

بواسطهٴ جناب آقاميرزا هاشم اصفهان جناب ميرزا مسيح خ جناب روخانوس جناب علی اکبر جناب عبّاسقلی جناب ميرزا عبدالحسين جناب ميرزا علی جناب ميرزا عطاالله عليهم بهآءالابهی

# هوالله

ای ياران من از خداوند ذوالمنن چنين آرزو نمايم و عجز و زاری کنم و ناله و

بيقراری نمايم که آن نفوس مبارکه را موفّق برضای مبارک نمايد و بآنچه سبب سرور معنوی و فرح الهيست فائز فرمايد هر يک را در افق هستی ستارهٴ روشنی کند و هر کدام را در اين جنّت ابهی درخت باروری نمايد و شکوفه و قمری بخشد رشحات سحاب عنايت الحمدلله رياض قلوب را شبنم است و فيض ابدی حضرت احديّت مانند طمطام و يم چون چنين است عاقبت موهبت نور مبين است در آغاز هر چند زحمت و مشقّت و آزار است و سهام کين کمان نفوس بی دين در پرواز امّا انجام ايّام سرور و حبور است بلکه نورعلی نور است اگر چنانچه ملاحظه نمائيد در اين اوقات افق وجود بغمامی تاريک پنهان و مستور است بيقين بدانيد که عنقريب مشرق نورانی از اين ابرهای کثيف ظلمانی پاک گردد و چنان صفا و لطافت و روشنائی بنمايد که آفاق نورانی گردد پس احزان و کدورت را بکنار نهيد و بمسرّت و بشارت

\* ص143 \*

موأنس و همدم شويد و عليکم التحيّة والثناء ع ع مقابله شد

١٦٣ خط کاتب و امضاء و مهر مبارک

اصفهان بواسطهٴ جناب خان و ميرزا هاشم منسوب سلمان قميشه ميرزا عبدامجيد خان ميرزا رحمت الله خان ميرزا محمود ده کردی شريف آباد جناب سيّد ابوالقاسم جناب سيّد خليل جناب سيّد احمد جناب سيّد محمود جناب سيّد علی جناب سيّد مصطفی جناب سيّد ابراهيم جناب سيّد جواد جناب سيّد عبدالوهاب جناب سيّد اسدالله جناب سيّد ميرزا جناب سيّد نورالدين جناب کربلائی مرتضی جناب کربلائی عبدالخالق جناب کربلائی عبدالخليل حناب مشهدی صادق جناب مشهدی عبّاس حکيم جناب استاد حسين جناب آقاعلی جناب ميرزا احمد

سده جناب سيّد عبدالغنی جناب کربلائی عبدالوهاب جناب ميرزا براتعلی جناب جلال آقا جناب امين الله جناب حيدر علی جناب اسماعيل جناب غلامحسين امآء رحمن شيرين جان فاطمه بگم کوکب بگم خاتون جان امّ ليلي فاطمه سلطان سکينه سلطان بگم خانم

# هوالله

سبحانک اللهم يا الهی انّک لتعلم ذلی و افتقاری و تری اضطرامی و اضطراری و تسمع حنينی و انينی

\* ص144 \*

و ضجيجی و نياحی انّی ابتهل الی عتبتک العاليه و ساحته قدسک الساميه و اتذّلل بکل ذل و انکسار الی ملکوت الاسرار و ادعو ليتوفّقوا علی الخدمة بين الاحرار و يأووا الی کهف حمايتک من الاشرار ربّ انهم اسراء فی ايادی الاغيار یصوبون اليهم سهام الضر بکل استکبار و يشرعون عليهم الاسنّه و يطلقون عليهم الاعنّه و لا يخشون بأسک و لا يخافون نقمتک هولآء الاوغاد الادغال ربّ ارحم احبّتک و احفظ صفوتک فی حصن حمايتک و معاقل حفظک و کلائتک و افتح علی وجوههم ابواب رحمتک و اشرح صدورهم بآيات موهبتک و انزل عليهم برکة من عندک انّک انت الکريم انّک انت العظيم و انّک انت الرحمن الرحيم ع ع مقابله شد

١٦٤ خط کاتب و امضاء مبارک

هوالله

خولنجان لنجان جناب آقاسيّد مرتضی جناب عبّاسقلی جناب مشهدی حيدر جناب آقاسيّد علی جناب ميرزا محمّد علی جناب آقا سيّد ابراهيم جناب آقا سيّد ميرزا جناب ميرزا محمّد جناب عبدالمطلب جناب آقا سيّد مهدی جناب آقا سيّد هادی عليهم بهآءالله الابهی

سده لنجان جناب آقا سيّد عبدالغنی جناب آقا سيّد برکات جناب کربلائی

عبدالوهاب جناب ميرزا براتعلی جناب محمّد باقر جناب مشهدی اسمعيل جناب عبدالرحيم عليهم بهآءالله الابهی چم کردان لنجان جناب آقامحمّد مهدی جناب آقا عبّاسقلی

\* ص145 \*

جناب آقا مشهدی حسن جناب نوروز حناب حاجی محمّد عليهم بهآءالله الابهی ريز لنجان جناب جواد جناب محمّد رحيم جناب درويش عبدالله جناب درويش حسينعلی جناب ميرزا سيّد محمّد جناب کربلائی فتح الله عليهم بهآءالله الابهی جناب سلطان باقر ده‌نوی جناب ميرزا عبدالمنظر تالخونچه جناب حسينعلی کرچکانی عليهم بهآءالله الابهی ص جناب ضيآءالله جناب هدايت الله جناب آوانس عکاسی جناب آوانی من اهل جلفا جناب آقا سيّد اسمعيل خيّاط جناب ميرزا آقا جناب عبدالحسين جناب ميرزا عبدالجواد معلم عليهم بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای احبّای الهی و ياران عبدالبهآء جناب هاشم تحريری با فصاحت تقرير و ابدع تعبير ارسال نمودند و چون گشودم کتاب ابرار بود اسمآٴاحرار و اخبار در آن مذکور از قرائت آن نهايت روح و ريحان حاصل گشت زيرا نقشهٴ بود که از کتاب عليّين حکايت ميکرد چه که اسمآء مقرّبين در آن مسطور و در ختام نامه خواهش نگارش مکاتيب بجهة آن ياران الهی نموده بود مشاغل ذهنيه و شواغل عظيمه و امور متفرّقه و ورود اوراق غير متناهيه از شرق و غرب مانع و حايل که بهر يک از ياران منفرداً مرقوم گردد لذا مجبوراً مجتمعاً مرقوم ميشود ای ياران روحانی عبدالبهآء الحمدلله

\* ص146 \*

الحمدلله کل در ملکوت ابهی و ساحت کبريا مذکوريد و در انجمن عالم بالا معروف و مشهور و در قلب اين مستغرق بحر فنا موجود هر يک از ملکوت غيب منشوری از فيض در قلب و طغرائی از موهبت کبری در صدر پرتو عنايت بر سر داريد و خلعت هدايت در بر مورد لطف بی پايانيد و مهبط ملائکهٴ رحمت بيکران نظر عنايت شامل است و فيض حضرت احديّت کامل بشکرانهٴ اين نعم جليله و الطاف خفيّه همواره بترتيل آيات توحيد پردازيد و بابدع الحان ترانهٴ عاشقانه بنوازيد و فريادی مشتاقانه بر آريد از بلاء و محن ملول نگرديد و از شماتت اغيار اشکبار نشويد زيرا در سبيل محبّت جمال ابهی بلاء رحمت کبری است و جفا موهبت عظمی تالان و تاراج تاج و خراج است و زندان و زنجير ايوان و سرير فلک اثير سهم و سنان مرهم دل و جان است و سمّ قاتل درياق و درمان عاشق مجازی گفته

هيچ صبحم خفته يا خندان نيافت هيچ شامم با سر و سامان نيافت

گر در آتش رفت بايد چون خليل ورچه يحيی ميکنی خونم سبيل

ورچه يوسف چاه زندانم کنی ور ز فقرم عيسی مريم کنی

سر نگردانم نگردم از تو من بهر فرمان تو دارم جان و سر

اين صفت عاشقان و سمت مشتاقان است باری اميد از فيض الهی و موهبت ربانيه چنين است که از شدائد بلاياء و اعظم رزاياء نار محبّة الله در قلوب افروخته گردد و انوار حقيقت روشن تر شود جهان جلوه‌گاه وفای روحانيان شود و هر يک جان و دل بکف گيريم و نثار راه مهربان

\* ص147 \*

نمائيم و عليکم التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد ١٦٥ خط کاتب و امضاء مبارک

هوالله

اسکندرون بواسطهٴ جناب آقا عبدالمهدی جناب آقا ميرزا هاشم صهر متصاعد الی الله پيک الهی عليه بهآءالله

# هوالله

ای بندهٴ حق آنچه نگاشته بودی ملاحظه گرديد همين است که مرقوم نموده بودی از پيش جميع وقايع چه در اصفهان و چه در يزد و چه در اطراف کل بتأئيد جمال ابهی روحی لاحبّائه الفدا از قلم عبدالبها جاری گشت و هنوز بساط امتحان منطوی نگشته باز در گوشه و کنار هيجان حاصل خواهد شد ولی اگر استقامت گردد تأثيری ندارد در هر صورت کلمة الله نافذ و امرالله غالب و احزاب شيطان مغلوب و حزب الله مؤيد و منصور الحمدلله حکومت عادلهٴ پادشاهی حامی مظلومانست و معين ستمديدگان بايد احبّا باعليحضرت شهرياری دعا نمايند متعلقين آن پيک الهی را از قبل من تحيّت نوازشکارانه برسانيد از حق میطلبم که کل در پناه حق محفوظ و مصون مانيد و عليک التحيّة والثنآء مقابله شد

ع ع

١٦٦ خط کاتب امضاء مبارک

\* ص148 \* بواسطهٴ آقاميرزا هاشم حسين خان حسن خان مهديخان ميرزا امين الله آقاکمال نعمت الله حبيب الله عطاخان ميرزا ابوالفضل اطفال جناب هاشم عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ای تلاميذ دبستان حمد خدا را که در امتحان حسن استعداد و قابليّت ظاهر و عيان نموديد اطفال بهائی بايد در تحصيل علوم و فنون از سائر اطفال ممتاز باشند زيرا مشمول نظر عنايتند آنچه اطفال ديگر در مدّت يکسال تحصيل نمايند تازه نهالان جنّت عرفان کودکان بهائی بايد در مدّت يکماه تحصيل کنند آرزوی دل و جان عبدالبهای مهربان اين است که نورسيدگان بهائی هر يک در علم و عرفان شهير آفاق گردند و البتّه نهايت همّت و سعی و غيرت در تحصيل علوم و فنون خواهند نمود و عليکم البهآءالابهی ع ع مقابله شد

١٦٧ خط کاتب و امضهء و مهر مبارک

اصفهان جناب آقاميرزاهاشم عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای يادگار پيک الهی نزد من بسيار مقرّبی آنی فراموش نشوی و همچنين بستگان حضرت سلمان در حقّ شما ها دعا نمايم و عنايت طلبم و اميدم چنانست که اندک وسعتی حاصل گردد البتّه بهيچوجه قصور نشود و عليک البهآءالابهی عبّاس مقابله شد

١٦٨ خط کاتب و امضاء مبارک

\* ص149 \* اصفهان جناب ميرزا هاشم داماد حضرت پيک رحمن عليه بهآءالله

# هوالله

ای ثابت بر ميثاق از فضل و موهبت پروردگار اميدوارم که همواره موفّق بخدمت دربار آمرزگار باشی دمی نياسائی و نفسی براحت نکشی بلکه مدّت حيات در سبيل نجات بکوشی و هر طالبی را کأس هدايت بنوشانی امة الله المقرّبه مريم سلطان را تحيّت عبدالبهآء برسان و همچنين آقا ضيآء و امة الله طوبی و امة الله قدسيّه و امين الله را کلاً از قبل اين مسجون نوازش نما و جناب کربلائی حسين را تحيّت مشتاقانه عبدالبهآء ابلاغ نما حال حکمت اقتضای حضور نمی نمايد و بيش از اين فرصت نگارش نه و عليکم التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد

١٦٩ خط کاتب و امضاء و مهر مبارک

اصفهان جناب خان جناب آقا سيّد محمّد جناب ميرزا احمد جناب ميرزا شيخ جناب ميرزا عبدالحسين محرّر جناب آقا سيّد زين العابدين جناب آقاسيّد عبدالغنی جناب ميرزا عبدالحسين جناب ميرزا فرج الله جناب ميرزا عبدالله خان جناب سيّد هاشم جناب ميرزا ضيآءالله جناب ميرزا هاشم صهر جناب شيخ سلمان جناب آقاسيّد هادی جناب آقاسيّد مهدی عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

\* ص150 \*

ای ياران مهربان عبدالبهآء چندی بود که خاطر اين آواره از بلايای وارده بر

اوليای حقّ آزرده بود و هردم بملکوت قدم ناله و زاری منمود و ره عجز و بيقراری می پيمود که ای پروردگار جمعيّت ابرار پريشان گشت و محافل انس از بنيان بر افتاد چه شود که فضل جديدی بنمائی و تائيد بديعی بفرمائی تا ياران انجمن گردند و محفل انس را بسراج ذکرت روشن نمايند ای خداوند اين پراکنده‌گی مپسند و ای مهربان اين حزب پريشان را مجتمع فرما تا آنکه بريد جديد رسيد و مژدهٴ الفت آن انجمن سبب خفّت حزن شديد شد از ربّ فريد آرزوی اين قلب جريح آنست که ياران محترم هردم در کمال حکمت در محفل قدس همدم گردند و بذکر جمالقدم حيات تازه يابند و سبب شوق و ذوق و طرب يکديگر گردند تا بشارت جهان انسانيّت را خلعت جديد بخشد و هيکل عالم را ردای بديع بپوشد ای ياران اين عبدالبهآء همواره از مصائب و بلايای شديد محزون ولی اين موهبت نصيب هر محروم نگردد زيرا اين بلا بهرهٴ اهل وفاست و اين محن و آلام مخصوص کرام اصفيآء هر چه هست بگذرد ولی عاقبت موهبت بهر عاشقان جمال کبريا و مشتاقان روی جمال ابهی روحی لاحبّائه الفدا ای هاشم منتسبين پيک ربّاني را از عبدالبهآء نهايت محبّت و مهربانی ابلاغ نما و بگو هر چند ايّامی چند بتنگی گذرد عنقريب گشايش رخ دهد و آسايش خواهيد يافت

\* ص151 \*

و عليکم التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد ١٧٠ خط کاتب و امضاء و مهر مبارک

اصفهان جناب حاجی يدالله سه دهی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ثابت بر پيمان نامهٴ شما رسيد مضامين دليل جليل بر ثبوت بر امر نور مبين بود الحمدلله در چنان موقعی که جولانگاه بيخردان بود نفوسی مبعوث گشته که بعون و عنايت حق در نهايت ثبوت و اطمينان آن قريه در ايّام حضرت مقصود مورد الطاف بود حال نيز اميد شديد است که بهمّت و روحانيّت ياران با وفا معمور و مظهر الطاف موفور گردد تا توانيد بکوشيد که سه ده صد ده گردد و نفوسی در نهايت انقطاع و مقتدر و توانا و منجذب ملکوت ابهی و مروّج دين الله مبعوث شوند امّا مسئلهٴ اقتران صبّيهٴ آقاميرزاهاشم بميرزا فضل الله سليل سيّد برکات بسيار مبارکست و هرچه در پيش شما از حقوق موجود بتمامها صرف اين عروسی نمائيد حضرت شيخ سلمان ثانی اثنين سلمان فارسی بود بلکه در خدمت بيشتر موفّق آنچه در حقّ خاندان او مجری گردد خدمت بدرگاه احديّتست و بشما در اين سالهای حرب ستمکاران دست تطاول گشودند و آنچه توانستند قصور ننمودند و عبدالبهاء متأثر از اين وقايع جانگداز ولی هرچه واقع در سبيل دلبر آفاق بوده لهذا بايد شما در سبيل تسليم و رضا سلوک نمائيد در اين سالهای جدال و قتال جميع اهل عالم در اشّد وبال علی الخصوص ايرانيان

\* ص152 \*

که مورد جميع آفات شدند ولی مشقّات آنان در سبيل نفس و هوی و امّا احبّا در عبوديّت درگاه کبريا آن رزايا محسوب بشئون دنيا و اين محن و آلام معدود از جانفشانی در راه حضرت بهآءالله ببين تفاوت ره از کجاست تا بکجا و بجميع احبّا فرداً فرداً از قبل من نهايت اشتياق ابلاغ داريد

و عليک البهآءالابهی ٢٤ صفر ٣٣٩ عبدالبهآء عبّاس مقابله شد ١٧١ خط کاتب و امضاء مبارک

اصفهان بواسطهٴ جناب ميرزاهاشم فريدن احبّای الهی عليهم بهآءالله الابهی جناب ميرزااحمدخان جناب لهراسب جناب حسينخان جناب شيخ حسين جناب محمّد علی جناب درويش علی جناب آقارضا جناب محراب بيک جناب آقاباقر جناب ملا حسين جناب محمّد رضا جناب ملا علی جناب ميرزا محمود صدر جناب ميرزا علی کاتب جناب علی آکبرخان عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ياران الهی شکر کنيد خدا را که مورد نظر عنايت شديد و مظهر الطاف حضرت احديّت از پرتو هدی روشن گشتيد و برشحات عنايت پر طراوت و لطافت اندر اين گلشن فيض عظيم را ملاحظه نمائيد که مانند نسيم بهشت برين اين کشت زار را سبز و خرّم نمود و هر يک آن نفوس را از اشجار جنّت فرمود هر چند اين موهبت چنانکه بايد و شايد در معرض شهود

\* ص153 \*

جلوه گر نگشته و قدرش معلوم نيست امّا عنقريب فراز و نشيب عالم از اين نور مبين بهره و نصيب گيرند آنوقت معلوم و مشهود شود که سرّ وجود چه موهبتی در عرصهٴ‌ شهود ظاهر فرمود و هر يک از ياران مانند مه تابان در افق عزّت جاودان رخشنده و درخشنده و ظاهرو عيان گردند قسم بآن روی روشن و جبين ساطع بنور مبين تاجهائی بر سر نهاده ايد که گوهر و لئالی آن اعصار و قرون را روشن و منوّر نمايد شکر کنيد خدا را و عليکم التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد

اصفهان داماد رحمانی هوالله اقامحمد هاشم عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای بندهٴ الهی از کثرت مشاغل ابداً فرصت ندارم چند روز پيش نامهٴ خطاباً بحرم پيک رحمانی ارسال شد در خصوص بناء مرقد آن قاصد امين سئوال نموده‌ بوديد چون بشيراز برسيد با دوستان محترم الهی مشورت نمائيد هر نوع که احبّای الهی مصلحت بدانند بناء نمائيد و مصروف بناء را اين عبد بعد ارسال ميدارد ع ع

مقابله شد

١٧٣ خط کاتب و امضا و مهر مبارک

از قرار مکتوب سابقاً از شيراز مرقد آن قاصد الهي را تعمير نموده‌اند ع ع

اين يک سطر دستخط مبارکست مقابله شد

بواسطهٴ جناب آقا محمّد هاشم صهر جناب سلمان جناب مشهدی حيدر جناب آقاسيّد مرتضی جناب آقا محمّد جواد جناب آقا محمّد رحيم جناب آقا عبدالوهّاب جناب آقاسيّد عبدالغنی جناب آقامحمّد مهدی

\* ص154 \* جناب آقا سيّد حسن جناب ميرزا عبدالجواد جناب ميرزاآقا جناب عبدالحسين عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ياران عبدالبها حمد خدا را که از کأس عنايت سرمست شديد و در بزم الست محرمان می پرست گشتيد از جام عنايت نشئه يافتيد و از صهبای موهبت حيات تازه جستيد ثابت عهديد و راسخ ميثاق و مشتاق مشاهدهٴ انوار نيّر آفاق هرچند سرحلقهٴ عشّاق پر احتراقيد و مبتلای بنار فراق ولی الحمدلله بعد از صعود از اين عالم فانی وصال دائمی مقدّر و خلود در جنّت لقای ابدی محتوم و مقرّر از حوادث اين جهان ظلمانی محزون نگرديد و از مصائب اين حيات فانی دلخون نشويد بالطاف رحمانيّه خوشنود شويد الحمدلله در ظل ظليليد و در پناه ربّ جليل اينست رحمت عظمی اينست موهبت کبری و عليکم التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد

١٧٤ خط کاتب و امضاء و مهر مبارک

اصفهان جناب آقاميرزا هاشم داماد شيخ سلمان عليه بهآءالله

# هوالله

ای بندهٴ بها مکتوب واصل گشت و مضمون معلوم گردید ياران الهي را تحيّت عبدالبها برسان که در نهايت در بحران بذکر ياران مشغولست چنديست که از ارض صاد هلهلهٴ

\* ص155 \*

مناجات بسمع مشتاق نرسيد هرچند ستمکاران نه چنان جفائی روا داشتند که تحمّل بتوان نمود بالطبع آن جمع آزرده‌اند و دلشکسته و مظلومند و بال و پر بسته با وجود اين اميد چنين است که اين سختی سبب سستی نگردد و اين تطاول و عدوان سبب سکون و اطمينان شود زيرا هميشه عادت چنين بود و قرار بر اين که آب سبب شعله آتش عشق گردد و جفا علت ازدياد وفا شود حال نيز چنين است اين مظلوم در هر دمی هدف سهم مسموم با وجود اين سينه آئينه گردد و انوار محبّت الله بيشتر جلوه نمايد از عسرت خاندان پيک امين حزن حاصل شد و در آنچه بايد و شايد قصور نخواهد گشت

وعليک التحيّة والثناء ع ع مقابله شد

١٧٥ خط کاتب و امضاء و مهر مبارک

اصفهان جناب ميرزاهاشم داماد پيک روحانی علی بهآءالله الابهی

# هوالله

ای صهر سلمان نامهٴ شما رسيد هيچ ميدانی که عبدالبهآء بچه درجه غريق دريای مشاغل و غوائل و شواغل است با وجود اين از کثرت محبّت مجبور بر جواب و اجرای خواهش شماست حضرت محترم مقرّب درگاه اسم اعظم جناب وزیر فی الحقيقه آيت هدی و موفّق بخدمت و عبوديّت جمال ابهی و شريک و سهيم عبدالبهاست من از او بسيار راضيم الحمدلله اصفهان بفوران آمده آن برودت و خمودت زائل و شعله و حرارت حاصل شده از عنايات حضرت خفّی الاالطاف

\* ص156 \*

اميد چنانست که روز بروز اين شعله روشن تر گردد و اين حرارت محبّت الله شديد تر شود به امين الله و قدسيّه خانم و طوبی خانم و منيره خانم از قبل عبدالبهآء نهايت مهربانی ابلاغ داريد و بگوئيد حال بر نظام و قواعد موجودهٴ مرعيّه در مدارس تحصيل نمايند انشآءالله هروقت فرصتی شد دراين خصوص چيزی مرقوم ميگردد حال ابداً مهلت نيست فی الحقيقه در اصفهان تأسيس مدرسه ئی بجهت اطفال بهائی فرض و واجب است اگر ياران الهی در اين خصوص همّتی مينمودند سبب وصول برضای حضرت رحمانی است اطفال چون در مدارس ديگر بتحصيل علم و هنر پردازند هم مشرب و هم خوی بی ادبان گردند و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد ١٧٦ خط کاتب و امضاء و مهر مبارک

اصفهان جناب مرتضی قلی جناب شيخ حسين جناب جلال جناب اجودان جناب خليل جناب ميرزا مهدی جناب اسفنديار جناب حاجی ميرزا جناب اسدالله جناب حاجی احمد جناب عبدالغفّار جناب الياهو جناب فرج الله جناب عبدالخالق جناب عذرا جناب موسی جناب هرمز جناب آقامحمّد جناب عبدالرسولخان جناب استاد علی جناب سيّد حسين جناب ميرزا هاشم صهر پيک رحمانی عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ياران الهی حمد خدا را نور هدی از افق ارض صاد در نهايت تلئلا پديدار گشته در قلوب شوق

\* ص157 \*

و شوری جديد افتاده و در نفوس اهتزاز تازه‌ئی آشکار گشته مدّتی بود در نهايت سکون بود حال بحرکت منتهی شد ياران آغاز آوازی نمود‌ند و در اين گلشن تقديس شهنازی زدند انسان اگر بکلی مفقود گردد بهتر از آنست که مخمود شود مرده البتّه بهتر از افسرده و پژمرده است زيرا مرده معذور است حول و قوّتی ندارد ولی افسردگی و پژمردگی از سيئات سابقه و لاحقه حاصل گردد حال حمد خدا را که اين تیرگی مبدّل بروشنائی شد و اين افسردگی بافروختگی منتهی گشت ايّام جميع انام در نهايت ظلام

ميگذرد در ظلمات ثلاث که در قرآن مذکور است مستغرقند لايعلمون المبداء و لاالمنتهی و لايطلعون بحقايق الاشيآء و العاقبة يرجعون الی الحفرة الظلمات و الدرکات السفلی قد خسروا الحيوة الدنيآء و حرموا من النشئة الاخری فيا اسفاً لهم من هذه الغفلة العمياء اسئل الله بان يهديهم الی سبيل الرشاد و ينوّر ابصارهم بالنور الساطع من افق الاعلی باری ای ياران اين اوان وقت همّتست و سعی و اجتهاد تا بجهد بليغ آن اقليم را باهتزار آرند و بنفحات قدس زنده نمايند ترويج وحدت عالم انسانی کنند و تأسيس يگانگی بشری نمايند يار و اغيار بنوازند و کار هر دردمند بسازند و در اين گلشن جنّت ابهی بابدع الحان نغمه و آوازی بنوازند که گوشها محرم راز گردد و جميع بشر همدم و هم آواز شود تائيدات غيبيّه پياپی ميرسد و توفيقات

\* ص158 \* صمدانيّه متتابعست اگر نفسی کلال آرد و يا آرام جويد خود را محروم نمايد وعليکم الهبآء الابهی ع ع مقابله شد ١٧٧ خط کاتب و امضا و مهر مبارک

اصفهان جناب ميرزا هاشم صهر حضرت شيخ سلمان هنديانی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای بندهٴ آستان الهی نامهٴ شما رسيد و تالان و تاراج معلوم گرديد اين سنين

گذشته ايّام انقلاب بود در ايّام انقلاب سراب آب شمرده ميشد لهذا سختی و پريشانی از لوازم ايّام نا امانيست هرچه بود گذشت بمتعلقين حضرت شيخ نهايت مهربانی از قبل من ابلاغ داريد شما بايد تأسيس مکتبی در اصفهان يا در دهات بفرمائيد و بتربيت اطفال مشفول گرديد اين امر مهم را از مهام امور شمريد و چون راهها باز شود و مخابره متتابع گردد سفارش در حقّ باز ماندگان حضرت شيخ خواهد شد

٩ جمادی الثانی ١٣٣٧ عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

١٧٨ خط کاتب و امضاء و مهر مبارک

بواسطه جناب حسنعلی خان

جناب رضاقلی ميرزای شيرازی عليه بهآءالله الابهی

هوالله ای مهتدی بنور هدی فافرح بذکر مولاک بما ايّدک و هداک و انقذک

\* ص159 \* و نجاک و اسمعک و احياک و انعم عليک و اعطاک و اکرم مثواک انّ ربّک يهدی من يشآء الی صراط مستقيم طوبی لک من هذه الهدية الکبری بشری لک من هذه الموهبة العظمی و طوعاً لک من هذه المنحة التی يبتغيها اولی النهی و فرحاً لک من هذه العطية التی هی کنز لا تفنی و سروراً لک من هذه الاشراق الذی انارالآفاق فاشکر ربّک العظيم علی هذاالفضل الجليل والفوز المبين والفيض القديم انّ فضله عليک کالغيث الهاطل المدرار من سحاب رحمة ربّک الرحمن الرحيم

ش م و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

جناب ميرزا علی خادم حرم

# هوالابهی

ای خادم درگاه حق اين خادمی تو ازشهنشاهی عالم برتر است و اين بندگی تو از سلطنت جهان بهتر زيرا اين شهرياری جهان سراب بقيع است بلکه سّم نقيح ولکن خادمی تو سلطنت باقيه است و حکومت سماوات عاليه فنعم ما قال عبيه ولکن الملوک عبيدهم و عبدهم اضحی له الکون خادما باری اين جامهٴ عبوديّت ردآء عزّت قديمه است و اين خاک بندگی تاج و افسر شهنشاهی جهان باقی اينست که اکليل جليل اين عبد ذليل در درگاه جمال ابهی مقام عبوديت و اعظم مباهات قيام بر بندگی اين عتبهٴ علياست اللهم وفقنی علی

١٨٠ خط مبارک

\* ص160 \*

ذلک و حققّنی بذلک انک انت الموفّق القدير ع ع مقابله شد

# هوالابهی

ای سليمان وقت سليمانيست و هنگام کامرانی و دم شادمانی چه که کشور الطاف در نهايت وسعت و حشمت عرفان در غايت عظمت و سرير محبّت الله در کمال رفعت بفضل جمال ابهی بر اين سریر جلوس نما و تاج سروری برسر نه اينست شهرياری اينست بزرگواری ع ع مقابله شد

١٨١ خط مبارک

هوالابهی

ا بو ش ه ر جناب علی ن ق ی بيک عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

سبحانک الهم يا الهی انت الذی يتجلی من انوار احديّتک احييت الموجودات و باشراق من مطلع رحمانيّتک نوّرت الممکنات اسئلک باسمک الاعظم و نورک الاقدم و جمالک الانور و صراطک المستقيم و منهجک القويم و واسطتک العظمی و وسيلتک العليا و آيتک

\* ص161 \*

الکبری ان تؤيد عبدک هذا علی التمسّک بعروتک الوثقی و موهبتک الجُلآء و منحتک العليآء ثمّ قدّر له کل قدرّته لخيرة خلقک و هيّئة لبررة عبادک و اعطيّة لسفرةٍ کرامٍ الکلماتک و اجعله ثابتاً مستقيماً علی امرک و حبّک انک انت الکريم و ذوالعطآء و الرحيم بالارّقاء تفعل ماتشآء و تحکم ما تريد و انک انت الغفور العظيم ع ع مقابله شد ١٨٢ خط مبارک

# هوالابهی

ای حمامهٴ حدائق معانی تجلی الله عليک باشراق انوار جمال بهآءالابهی اگر چه بظاهر در وادی فرقت و هجرانی و مبتلای حرقت و حرمان لکن فی الحقيقه در محفل ياران الهی و دوستان معنوی يادت ذکر و فکر انجمن است و روی دلجوی محبّان حقيقی حاضر چون شمع روشن پس ای ياران بجان مستبشر باشيد و بقلب خوش و اميدوار که فضل ملکوت ابهی عظيم است عظيم و روابط بين احبّاالله از فيوضات ربّ قديمست و شديد والبهآء عليک يا من اشتعل بنار محبّة الله ع‌ع مقابله شد

١٨٣ خط مبارک

# هوالله

ای بندهٴ آستان الهی از فضل حضرت بيچون در دو آستان پاسبانی و هر دو مقبول درگاه احديّت ولی در يکی پاسبان حقيقی و ديگری مجازی از حق ميطلبيم که مجازت را نيز حقيقت نمايد و ليس هذا

\* ص162 \* علی فضل ربّک بعزيز از خدا بخواه که توفيق بر عهد و ميثاق عنايت فرمايد ع ع

مقابله شد ١٨٤ خط مبارک

# هوالله

ای خادم قبر مستور آن جدث مقدس و رمس مبارک را محافظه نما و ملاحظه دار چه که صدهزار چراغ آن مصباح را طائف و صدهزار شاه بندهٴ آن درگاه مرتفع اگر چنانچه حال نور آن مصباح از انظار مستور است و از اشرار محجوب امّا عنقريب آن نور جهان افروز شود و آن شعاع حرارتش عالم سوز قدر اين فضل و جود را بدان و بشکرانه قيام نما والبهآء عليک و علی کل ثابت علی ميثاق الله ع ع مقابله شد

١٨٥ خط مبارک

هوالله

شيراز جناب ميرزا شکری عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای بندهٴ شکور ربّ غفور عناياتش غير متناهی و الطافش بيپايان عواطفش محيط است و رحمتش منبسط و بسيط نورش ساطعست و نيّرش لامع از جملهٴ الطافش ايمانست ايقانست

\* ص163 \*

عرفانست پس چگونه بشکرانهٴ اين عنايت بی نهايت قيام توان نمود مگر بقدر وسع بشر و مقدار اطاعت زبان و بيان چون در و گهر پس بقدر مقدور بشکرانه بپرداز ع ع

مقابله شد ١٨٦ خط مبارک

هوالله

شيراز جناب ميرزا علی عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای بندهٴ الهی علو و سمّو جسمانی امر تصوّری و اعتباريست بلکه نسبی و اضافی علوّ حقيقی در عالم جانست و سمّو واقعی در جهان وجدان پس توجّه بملکوت ابهی کن تا بلندی حقيقی مشاهده نمائی و ارتفاع ذروهٴ اعلی مشاهده کنی انّ ربّک لبالافق الاعلی و البهآء عليک ع ع مقابله شد

١٨٧ خط مبارک

هوالابهی

جناب آقاميرزا خادم عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

يا من اشتعل بالنار الموقدة فی بريّة السينآء هرچند در کمال استعجال مرقوم

ميشود چه که بهيچوجه مجال نيست ولی انجذابات قلبيّه بمحبّت احبّآء رحمن نچنان در شدّت فورانست که امواج بحر اعظم مشغوليّات از ذکر احبآء رحمن مانع و حائل گردد ربّ ايدک هذا

\* ص164 \* علی الابتهال الی باب احديتّک والضراعة الی سمآء الوهيتّک و الاشتغال بذکرک والانجذاب بنفحاتک و التمسّک بعروتک و الثبوت علی عهدک و ميثاقک و الاستقامة علی صراطک والاستضأة من انوارک والتسبيح لامرک و النشر لطيب ذکرک و ثنائک انک انت الکريم الرحيم الوّهاب و بعبادک رؤف رحمن ع ع مقابله شد ١٨٨ خط مبارک

ش جناب ميرزا علی خادم حرم ربّانی عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

اي خادم مطلع انوار اسم اعظم در پيش چيزی مرقوم شد و حال نيز اين نامه نگاشته ميشود شکر کن حضرت احديّت را که باين موهبت مفتخر گشتی و باين عنايت مشتهر خادم درگاهی که مزار نفوس مقدّسه است و مطاف ارواح مجرده نفحات انقطاع از ترابش استشمام ميگردد و نسائم روح بخش حيات از غبارش استنشاق ميشود مطلع انوار حبّ الهيست و مشرق الطاف غير منتاهی طوبی لنفس زار ذلک المقام المقدّس طوبی لمشام تعطّر من النفحات المعطّرة المنتشرة من ذلک الموقع الاقدس و بشارة لنفس قد تدندن حوله بقلب خاضع و هيکل خاشع و قلب محترق و حشآء ملتهب و دموع منجسم و کبد مضطرم علی تلک المظلومة المقدّسة التی احترقت بنار محبة ربّها و ذابت من شدّة حرقة الفراق عبدالبهآء ع مقابله شد

١٨٩ خط مبارک

\* ص165 \*

آنچه منتها آمال مقرّبين و غايت مقصود ملائکه عليّين است جناب شيخ بالوکاله مجری نمود از قبل شما در روضهٴ مبارکه بالنيابه شمعها روشن کرد و همچنين ما کل در يوم مخصوص بالنيابه از جناب رفيع رفيع و شما و جميع دوستان و ياران ارض شين در روضهٴ منوّره زيارت مخصوص نوديم فاستبشروا بهده البشارة العظمی و هذه المنحة الُجّلاء و هذه العطيّة النورآء و البهآء عليک و علی احبّآءالله عبدالبهآء ع مقابله شد

هوالابهی

جناب ميرزا محمّد عليه بهآءالابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

الهی و ربّی و رجائی و غاية آمالی اسئلک بفضلک و رحمتک التی خصّصت بها خيرة خلقک و نزلها علی اعزّة عبادک و بموهبتک الکبری التی استضآء بها وجوه احبّائک و بنورک القديم و جمالک الذی تجلل بغمام الخفی عن ابصار الناظرين و يلوح و يضئی فی ملکوت الاعلی رفيقه الابهی جبروت الغيب لاهوته الاسمی بان تنزّل علی عبدک هذا کل رحمتک و جودک و احسانک و تؤیده علی الاستقامة علی امرک والثبوت علی کلمتک و تؤتيه حسنة الدنيا و الاخرة و تبارک له فی کل شئونه و تجعله محفوظاً مصوناً فی صون حمايتک و مشمولاً بلحظات

\* ص166 \*

عين رحمانيتک انّک انت الفضّال الجواد الکريم الرحيم ربّ ثبّت قدمی و اشدد ازری علی خدمة امرک و اجعلنی من عبادک الراسخين عبدالبهآء ع

و بلغ تحيّتی و تکبيری الی حضرت رفيعی الرفيع و اسئل ربّی ان يوفّقه علی

اعلآء کلمة بين العالمين عبدالبهآء ع مقابله شد ١٩٠ خط مبارک

هوالله

شيراز جناب کربلائی حاجی عليه بهآءالله الابهی

# الله ابهی

ای هادی سبيل هدايت پيک عنايت است و اعظم موهبت و ثمرهٴ شجرهٴ رحمت چه بسيار نفوس که در طلب هدايت گريستند ولی چون خلوص نبود محروم ماندند و بسا نفوس که بمجرّد استماع در شاهراه هدی دويدند و از کوثر عطا نوشيدند و از شهد صفا چشيدند چون تو از آن نفوسی شکر خدا کن ع ع مقابله شد

١٩١ خط مبارک

هوالله

بواسطهٴ آقاميرزا علی خادم حرم مبارک جناب خواجه محمّد اسمعيل عيه بهآءالله

# هوالله

ای مهتدی بنور هدی دو دست شکرانه بدرگاه خداوند يگانه بلند نما و ستايش

\* ص167 \*

نما که بثمرهٴ آفرينش فائز گشتی و ديدهٴ بينش گشودی و روش ياران الهی پذيرفتی و در ظل عنايت پرورش يافتی حال سزاوار اينست که دمی نياسائی و نفسی راحت نجوئی شب و روز مانند شمع بسوزی و نور هدايت بجمع مبذول دار بجان و دل در فکر نشر نفحات الله باش ع ع مقابله شد ١٩٢ خط مبارک

هوالابهی

جناب کريمخان عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

ای بندهٴ درگاه الهی چشم بگشا تا مشاهدهٴ آيات کبری نمائی و گوش بگشا تا استماع نغمات ورقآء کنی فجر وجود بسيار روشن و منير است و کوکب عزّت امرالله در شدّت سطوع چون نيّر فلک اثير بحر الطافست که موّاجست و نسائم يزدانست که متحرّک از مهب احسانست اين ايّام را غنيمت شمار و اين فرصت را از دست مده عنقريب طيور وحدت بآشيان ربّ احديّت پرواز نمايد والبهآءعليک ع ع

١٩٣

از فضل ملکوت ابهی اميدواريم که آنجناب چون شمع روشن در انجمن عالم بنور هدی ساطع و لامع گردد و بنفحات قدس مجلس انس بيارايد فی الحقيقه انتساب عنصر جسمانی و عنصر روحانی داشته‌ايد

\* ص168 \*

لهذا بايد بعون و عنايت جمالقدم چنان بشور و ولوله و شوق آئی که هر نفسی را ملاقات فرمائی روح بخشی و جان عطا نمائی و بروح و ريحان آری البهآء عليک ع ع

مقابله شد

٩

شيراز جناب آقا ميرزا ضيآءالدين خادم مشرق الاذکار عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ثابت بر پيمان نامه ئی که در نهايت عجز و انکسار مرقوم نموده بودی واصل باين ديار شد معانی صرف تبتّل و تضرّع بود و مقصد و آمال موفّقيّت بر خدمت امر ذوالجلال و اين اعظم موهبت عالم انسان الحمدلله نور هدايت کبری را اباً عن جد ميراث داری و بر منهج قويم و صراط مستقيم سالکی از کأس تسنيم سرمستی و از مآء معين سيراب و بخدمت مشرق الاذکار مشغول و از مادون بيزار جناب ميرزا آقا عمّ کامکار را بالطاف ربّ مختار اميدوار کن و همچنين کنيز الهی والدهٴ محترمه خديجه را بنفحات قدس بيدار کن و اخوی ميرزا بهآءالدين را بالطاف دلبرنازنين مژده ده و اميد از ربّ کريم چنانست که جدّ بزرگوار ميرزا محمّد در جهان ابد سرمد غرق الطاف ربّ واحد احد گردد و همچنين پدر مهر پرور ميرزا باقر در انوار ملکوت عفو و مغفرت مستغرق شود باری تو و برادر مهربان بايد هر دو چنان

بخدمت

\* ص169 \*

قيام نمائيد که روح مقدّس آن دوجان پاک در عالم تابناک مسرور و فرحناک شود و عليکما البهآءالابهی ع ع مقابله شد ١٩٤ مهر و امضاء مبارک

ش جناب ميرزا ابو ق ا س ساعت ساز عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ای مشتعل بنار محبّت الله ساعت که جسم منجمد و فلز متطرّقست بسبب نظم و ترتيبی ماهرانه حرکت منظمانه دارد با وجود آنکه جسم ثقيل است اوقات انتقالات کوکب جليل را معيّن نمايد و بشير قرب طلوع نيّر فلک اثير گردد و چون حرکتی خفيف و ضعيف در جسم ثقيلی حاصل شود چنين ثمر جليل حصول يابد پس اگر حرکت شوقی روحانی در جسم انسانی که بمثابهٴ روح اين عالم عنصريست ظاهر شود چه آثار باهره و کمالات لامعه تحقّق يابد پس از خدا بخواه بترتيبی الهی و قوه‌ئی روحانی سبب حرکت وجدانی هياکل انسانی گردی و رصد حرکات ملأاعلی و نجوم ملکوت ابهی شوی و چون روح پر فتوح علت حرکت و اهتزاز جسم عالم امکان باشی والبهآء عليک و علی کل من ثبت علی عهدالله و ميثاقه عبدلبهآء ع مقابله شد

١٩٥ خط مبارک

\* ص170 \*

# هوالابهی

اي عاشق جان سوخته جمال رحمانی ايّدک ربّک علی ابتغآء مرضاته و اعلآء ذکره درسبيل حق جان و مال و عزّت و منال اگر از دست رود اعظم آمال اولياء الهيست اينست که حضرت اعلی روح العالمين فداه در احسن القصص قيّوم اسمآء خطاباً لجمال الله الابهی ميفرمايد يا سيّدنا الاکبر قد فديت بکلی لک و ما تمنيّت الا القتل فی سبيلک و السّب فی محبّتک و انت الکافی بالحق و الروح و البهآء عليک ع ع مقابله شد

١٩٦ خط مبارک

ش جناب ميرزا ابوالقاسم ساعت ساز عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ای بندهٴ حق هرچند بظاهر تو در شينی ما در سين يعنی ولايت سورّيه امّا فی

الحقيقه در ظل يک شجريم و متنعّم بيک ثمر در محفل الستيم و از جام عهد سرمست در جنّت ابهی داخليم و در گلشن الطاف وارد پس حمد کنيم خدا را بر اين همدمی والبهآء عليک ع ع مقابله شد

١٩٧ خط مبارک

هوالله

جناب ميرزا ابوالقاسم ساعت ساز عليه بهآءالله الابهی

\* ص171 \*

# الله ابهی

الهی انت تعلم حالی و تری تشتّت شملی و تفرّق جمعی و تلهّف قلبی فی هجرانی من قربک و وصالک و بعدی عن ملکوتک و حسراتی و سکراتی فی بيدآء الحرمان من قرب جوارک ايربّ ايدّنی علی ذکرک و ثنائک و انطقنی بمحامدک و نعوتک بين خلقک و اخلص وجهی لوجهک الکريم يا ربّی العظيم انک انت الرحمن الرحيم اي ربّ هذا عبد توجّه بملکوتک الابهی و نطق بالثنآء و اعرض عن الهوی و سرع الی بحر الهدی و شرب کأس

الوفآء ادرکه بفضلک و جودک يا ربّی الاعلی . ع ع

١٩٨ خط مبارک

از سرّ تنکيس لرمز الرئيس سئوال نموده بوديد اين عبارت از جملهٴ عبارات شيخ مرحومست که در جواب سئوال از قائم مرقوم فرموده اند جميع فقرات در آن ورقهٴ جوابيه جناب شيخ مفصّل شرح و تفصيل و تفسير شده است و موجود است مقصود اينست که رؤسای شيخيّه کل اقرار نمايند که بيانات شيخ را نميفهمند آنوقت شرح و تفسير نشر شود يا آنکه شرحی رؤسای شيخيّه مرقوم کنند در هر دو صورت جهلشان ثابت گردد حال شما باين رؤسا مثل پسر حاجی محمّد کريمخان و غيره متصل و متتابع مراجعت نمائيد که شرحی در اين بيانات جناب شيخ مرقوم نمايند و يا آنکه اعتراف بر عدم فهم کنند چه که مشهور شد که از حاجی محمدکريمخان سئوال

\* ص172 \*

نموده بودند گفته بود که من نميفهمم و هرکس بفهمد من خاضع ميشوم لساناً گفته بود بايد خطاً بنويسد ع ع مقابله شد

هوالله

جناب آقاميرزا ابوالقاسم عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای زائر مطاف ملأاعلی شکر کن جمال قديم ربّ کريم را که مسافت بعيده را طی نمودی و تا بظل ممدود و مقام محمود آستان حضرت معبود وارد شدی و بصر را بمشاهدهٴ آيات کبری در آن عتبهٴ مقدّسه روشن فرمودی پس ارمغانی از نفحات قدس اين روضهٴ مقدّسه بردار و ببلاد الله توجّه نما و هر ي کرا از پيام الهی که در صحائف عهد و ميثاق ربّاني مندرج و مندمج است بهره‌مند كن يعني كل را بثبوت بر ميثاق دلالت فرما تا جيوش تأئيدات از ملکوت ابهی بجوش آيد ع ع مقابله شد

هوالله جناب آقاميرزا ابوالقاسم عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

الهی الهی انّی عبد آمنت بک و بآياتک و اقبلت الی وجه جمالک الاعلی واخلصت وجهی

\* ص173 \*

بملکوتک الابهی و تشبثّت بالعروة الوثقی و تمسّکت بذيل ردآء الکبريآء و استقمت علی شريعتک النوراء و ثبتُّ علی ميثاقک العظيم الذّی اخذته فی ظل الشجرة الانيسآء اي ربّ احرسنی بعين رعايتک الواقية للاحبّآء و انظر الی بلحظات رحمانيّتک التی احاطت الاشيآء واحفظنی من کل البلآء و قنی التزلزل و الاضطراب ياربّ انک انت الکريم الرحيم العزيز الوهّاب ع ع مقابله شد ٢٠٠ خط مبارک

هوالابهی

شيراز جناب ميرزاابوالقاسم عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای جناب ابوالقاسم در ارض مقدّس بودی و مشاغل عظيمهٴ دمبدم مرا ديدی با وجود اين هنوز بمنزل نرسيده استدعای مکاتبه نموده‌ايد ولی چه چاره بايد بقدر امکان سبب سرور و حبور قلب ياران و حکمشان را مجری داشت و اين قوّت و قدرت و سطوت و سلطنت را بفيوضات محبّت جمال قدم يافته‌اند نعم الاقتدار هذا الاقتدار مقابله شد

ع ع

\* ص174 \*

هوالله

جناب حسين سليل جناب آقاميرزا ابوالقاسم عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای حسين جانها فدای اسم تو اين نام محترم در کور فرقان علم بر مظلوم مکرّم بود و در اين کور رکن اوّل از اسم اعظم ملاحظه کن که چقدر مبارک است هرچند بظاهر تصغير حسن است ولی در حقيقت شمس افق کبرياء و عظمت جميع اسمآء طائف حول اين اسم و کل صفات مشتق از لفظ اين اسم تفکّر لتعرف اسرار الله المقتدر المهيمن القيوم

ع ع مقابله شد

٢٠٢ خط مبارک

هوالله

امة الله ضلع جناب آقاميرزا ابوالقاسم عليها بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای امة الله ورقهٴ موقنه با جناب آقا ميرزا ابوالقاسم در کمال روح و ريحان

وارد بقعهٴ نوراء ارض بيضآء گشت و چون خاک در نهايت خضوع و خشوع در آستان مقدس حول روضهٴ مبارکه نشست و بغايت تضرّع و تبتّل طلب الطاف بجهة احبّآء و استدعای مغفرت بجهة متصاعدين نمود و در جميع احوال بياد متعلقّان بود و بالنيابه نيز

\* ص175 \*

زيارت نمود از درگاه احديّت بمنتهای عجز و نياز استدعای قبول زيارت او را مينمائيم و لابه و زاری کنيم انّه يقبل الشّفاعه و يتوب علی عباده المخلصين والحمدلله ربّ العالمين ع ع مقابله شد ٢٠٣ خط مبارک

هوالله

ورقهٴ مهتّزه صبيّهٴ جناب آقاميرزا ابوالقاسم امة الله لقائيّه عليهما بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای ورقهٴ مهتزه شکر کن حضرت ربّ عزّت را که چنين پدری بتو عنايت فرمود که از عشق الهی گريبانی چاک دارد و همّتی بلند تر از افلاک با وجود اين در خضوع و خشوع چون مرکز خاک اين نيست الا فيض الطاف مخصوصهٴ ربّ قديم اوّلا سبب وجود تو بود ثانياً علت هدايت بنور شهود و توجّه بمقام محمود و در حول مرکز دائرهٴ غير متناهيه بياد تو مشغول بود ديگر بهتر از اين پدر تصوّر توان نمود لاوالله والبهآء عليک ع ع مقابله شد

٢٠٤ خط مبارک

هوالله

جناب محمّد رضا ابن مرحوم اختر عليه بهآءالله الابهی

# الله ابهی

يا من تعلق باهداب ردآء الکبريآء سبّح و قدّس و هلل باسم ربّک

الحّی القديم

\* ص176 \*

القديم و قل سبحان من انشأ النشأة العظمی و قدّر الآخرة و الاولی سبحان من اقام القيامة الکبری سبحان من مدّ الصراط و رفع السموات العلی سبحان من وضع الميزان و حشر من فی الوجود فی النشأة الاخری و ادخل الذين آمنو فی رحمته و غافلين فی جحيم و عذاب و بئس عقبی الذی کذّب و افتری ع ع مقابله شد ٢٠٥ خط مبارک

هوالله

ش جناب آقامحمّد رضا عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای بندهٴ راضی بقضآء حقيقت رضاء اعظم موهبت جمال ابهاست ولی تحقّق اين صفت که اعظم منقبت عالم انسانست مشکل است چه که بسيار صعب و سخت است حين امتحان معلوم و واضح گردد اسئل الله ان يوفّقک علی هذالفضل العظيم و الحمدلله رب العالمين والبهآء عليک ع ع مقابله شد

٢٠٦ خط مبارک

هوالابهی

ش جناب آقامحمود ابن اختر عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای محمود مخمود مباش محسود باش ثلج در يخچال و برف در قلل جبال فراوان و بهائم بارده

\* ص177 \*

و وحوش شارده در کوه و صحرا و خشکی و دريا بيحد و حساب ولی سمندر آتش خوار و قُقْنس آتش خواه نادر و کمياب بيا تو سمندر پر سوز و ساز شو و ققنس آتشکدهٴ راز آتشی بجان مخمودان زن و صلائی بر محتجبان اگرچه مخمودان و منجمدان در يوم ميثاق چنان افسرده و يخ کرده و مرده‌اند که جز نيران شعله ئی در آنها تأثير ننمايد والبهآء عليک ع ع مقابله شد ٢٠٧ خط مبارک

شيراز جناب آقاميرزا ابوالقاسم ساعت ساز عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ثابت بر پيمان نامه رسيد و مضامين معلوم گرديد حمد کن خدا را که در سبيل آن دلبر نازنين منزوی و خانه نشين گرديدی و اوقات عزيز را بتحرير کلمات و ترتيل آيات محصور فرموده‌ئی اين نعمت عظمی شايان هزار شکرانه است نامه های سابق از جهت عدم امنيّت راه نرسيد و الا لابد جوابی مختصر اقلاً بر يکی از آنان مرقوم ميگردید حال الحمدلله اين نامه رسيد و از معانی حلاوت روحانی حاصل شد کام جان شيرين گشت و مذاق وجدان شکرين شد الهی الهی انّ عبدک هذا قد تجرّع کأس البلآء فی سبيلک و ذاق مرّ الرزايا فی محبّتک قد استهدف سهام الجفا و صبر علی جمر الغضاء و اضطرم بنار محبّتک بين الملا منسجم الدموع من العيون حبّاً

\* ص178 \*

حبّأ بجمالک الاعلی ربّ انّه منزوٍ من الخلق منجذب الی الحّق متوجّه الی ملکوت الجمال شائق تائق الی محفل الوصال ربّ ايّده فی جميع الشئون و الاحوال و يسّر له الامال و احشر مع الابرار و انطقه بثنائک بين الاحرار انّک انت العزيز المختار و انّک انت الرحمن الرحيم و عليه بهآءالله الابهی ع ع

مقابله شد٢٠٨ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هوالله

بواسطه آقاميرزا هادی و توّسط امة الله زيور سلطان حرم جناب ميرزا ابوالقاسم ساعت ساز عليها بهآءالله

# هوالله

ای امة الله محزون مباش مغموم مگرد روی مخراش و سرشک از ديده مپاش آه و انين مکن و فغان و حنين منما آزرده مگرد افسرده مشو پژمرده مباش زيرا فرزند دلبندت بآغوش پدر آسمانی شتافت و در ملکوت رحمانی رخ بتافت و حضرت ربّ قيوم او را بکمال نوازش بنواخت طول حيات را اهميّتی نه اصل نجاتست الحمدلله به نتيجهٴ زندگانی در ملکوت رحمانی فائز گشت چه که مقصد از حيات جسمانی حیات روحانی و زندگی جاودانی در عالم يزدانيست آن موهبت ميسّر

\* ص179 \*

شد و آن منقبت مقرّر گشت اينست اعظم شادمانی و اتّم کامرانی در جهان ربّانی و عليک التحيّة والثناء ع ع مقابله شد ٢٠٩ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هوالله

ش جناب محمّد الشهير بآقا بزرگ عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

يا من احترق من نار الفراق قد تلوت الورقة الناطقة بمحبّة محبوب الآفاق و بثبوتک علی العهد و الميثاق و تجرّعک من کأس الوفاق و تجنّبک من اهل النفاق و اشتياقک للعروج الی الملأ الاعلی و الصعودک الی ملکوت الابهی و تبتّلک و تضرّعک الی الحضرة الرحمانيه ان يطيّرک فی هوآء القدس و فضاء الانسس و يجيرک ‌فی جوار رحمة الکبری و ينزلک فی نُزُل الوفا فی جبروة الاسمی طوبی لک من هذه النيّة الخالصة والهمّة العليّة الکبری ولکن يا حبيب اشدد ظهرک و قوّازرک و شمّر ذيلک لاعلآء کلمة الله و نشر نفحات الله و سطوع انوار الله و احاطة کلمة الله و بعد ما يؤيدک الله علی هذه المنحة العظمی و يوفّقک علی هذه الموهبة الکبری فانشر الاعلام و نقرّ فی الناقور و اقصد ملکوت ربّک بجنود الخدمة فی امرالله و ادخل الرفيق الاعلی و الحديقة الغلبا و الروضة الغنآء بوجه نورانی و قلب رحمانی و روح ربّانی والبهآء عليک وعلی

\* ص180 \*

کل من تشبّث بعهدالله و ميثاقه الغليظ ع ع مقابله شد

٢١٠ خط مبارک

هوالله

ش جناب محمّد الشهير بآقابزرگ عليه بهآءالله

# هوالله

ای مهتز از اهتزاز اوتار محبت الله آنچه مرقوم نموده‌بوديد ملاحظه گرديد و حقيقت مقصود مشهود بود احبّای الهی در جميع اقطار بخدمت آستان مقدّس قائم و در نشر رايحهٴ قميص يوسف رحمن جان فشانی مينمايند و تائيد از کل جهات متواصل متتابع يؤيد من يشآء بفضله و جوده و احسانه و ينصر من يشآء بجنود الهامه و جيوش فيضه و انعامه انّه هو القوّی القدير ملاحظه نمائيد که عبارت بآن صريحی که فرموده و ناعق را معيّن کرده باز اين محتجبان در حجبات غفلت محتجب ذرهم فی خوضهم يلعبون و دعهم فی غمراتهم يخوضون ع ع مقابله شد

٢١١ خط مبارک

امة الله ضجيع محترمه را تحيّت برسان و همچنين دو نهال بوستان محبّت الله را ع ع

جناب آقاميرزا خليل حبيب عبدالبهاست و خليل اهل ملاء اعلی تحيّت ابهی برسانيد و به عنايت حضرت کبريا مطمئن باشند والبهآء عليهما ع ع مقابله شد

\* ص181 \* هوالابهی

ش جناب حاجی ميرزا اسدالله عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ای ضرغام اجمهٴ‌ ملکوت جمال قدم و اسم اعظم روحی لاحبّائه فدا در جميع اوقات ذکر اقليم فارس و شهر شيراز را ميفرمودند و کمال عنايت و نهايت مرحمت را اظهار ميفرمودند که اهالی يعنی احبّای الهی فديتهم بروحی و ذاتی و کينونتی مظهر رحمتند و ملحوظ بلحاظ عين عنايت و ميل مبارک هميشه در اين بود که آن نفوس مبارکه مظاهر آيات توحيد باشند و مطالع آيات تجريد در اعلآء کلمة الله رايات منشوره باشند و در نشر نسائم محبّت الله آيات معروفه حال بايد احبّای الهی بر نصرت امرالله يعنی هدايت نفوس چنان قيام نمايند که ندای تحسين و آفرين از ملکوت ابهی متتابع برسد که طوبی لکم يا نصرآء الرحمن . طوبی لکم يا هدات الوری طوبی لکم يا کمات ميدان التقی ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش جناب حاجی ميرزا اسدالله عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ای ناطق بثنای الهی لسان را ذکری و عقول را فکری لازم لکن اذکار و افکار مختلف و متفاوت قومی

\* ص182 \*

بذکر حقائق موهومه و انعکاسات شبحیه مشغول گردند چون اوهام زائل و آن انعکاسات ظليّه آفل گردد خائب و خاسر شوند و جمعی آن اوهام را از بدايت زائل و آفل بينند و حقيقت شاخصه و ذاتيّت قائمه طلبند و بکوشند و بجوشند و بشتابند تا برسند و البهآءعليک ع ع مقابله شد

٢١٣ خط مبارک

بواسطهٴ ورقهٴ مبارکه والدهٴ آقاميرزا هادی افنان عليها بهآءالله الابهی

شيراز امة الله صبيّهٴ آقاميرزا اسدالله شيرازی عليها بهآءالله الابهی

# هوالله

اي کنيز عزيز الهی نامهٴ تو رسيد بسيار خوش مضمون بود زيرا دليل بر اشراق نور هدی و تائيدات ملکوت ابهی و انجذاب بنفحات الله و خلوص نيّت و پاکی فطرت بود لهذا بدرگاه احديّت تضرّع نمودم و ترا موهبتی آسمانی خواستم و نعمتی جاودانی طلبيدم تا مشمول الطاف و عنايت باشی و منظور نظر حضرت احديّت گردی از عدم فرصت مختصر مرقوم شد و عليک البهآء الابهی ع ع مقابله شد

٢١٤ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

# هوالابهی

ای مدهوش جام خلت الهی عليک بهآءالله و فضله و جوده المتوالی آفتاب دم غروب و افول است و هوا تاريک و چشم از صدمات مصيبت کبری بکلی ضعف بر آن مستولی

\* ص183 \*

گشته با وجود اين محبّت احبّای الهی چنان محيط و مستوليست که بحرّکت دست اين نامه مرقوم ميشود چه که بذکر شما قلب را روح و ريحانست دیگر ملاحظه کن چقدر عزيزيد و چه مقدار مکرّم و محترم و البهآء عليک ع ع مقابله شد

٢١٥ خط مبارک

هوالله

شيراز جناب آقا محمّد الشهير بآقا بزرگ عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ثابت بر پيمان نامهٴ آن يار روحانی ملحوظ اين بندهٴ فانی شد از صعود آن فائز بمقعد صدق در جوار رحمت کبری يعنی چراغ بها محزون مباشید زيرا آن سراج در زجاح مغفرت عظمی بر افروخت و در انجمن بالا روشن گشت مناجاتی در طلب مغفرت تلاوت شد بنجل مجيد ايشان برسانيد امّا از جهت فتور در ارسال رسائل اينعبد را البتّه معذور خواهيد داشت زيرا ندانيد که چه طوفانی و چه موج و هيجانيست البتّه منشيان و ممليان چند و کتبه و سفرهٴ کرامٌ بَرَرَه از عهدهٴ‌ قرائت اوراق وارده بر نيايند تا چه رسد بتحرير جواب يا خطاب من دون سئوال ولی جمال قديم آگاه اين قلب سليم است که لحظهٴ از ياد ياران فراعت نه و دمی از همدمی ذکر دوستان غفلتی نه اصل اينست و چنين است لهذا خود را محروم مشماريد و مرا معذور

\* ص184 \*

داريد نامه من مسلسل الورود و الوصول بآن يار مهربانست در وقت فراغت در حالت توجّه ببقعهٴ مبارکه دقت فرما که چگونه نامه های روحانی و کتاب مبين بواسطهٴ پيک امين ميرسد و هذا حقٌ لاريب فيه اسئل الله بان يجعل التوفيق رفيقک و التأئيد محيطاً بک حتّی تنال المنیٰ فی الآخرة و الاولی و بلغ تحيّتی الوافره و اشواقی المتکاثره الی سليلک السعيد و الق کلمة التکبیر من قبلی علی ضجيعک المحترمة المذکوره عند ربّک المجيد و عليک التحيّة و الثنآء ع ع مقابله شد ٢١٥ خط کاتب و مهر مبارک

هوالله

مناجات طلب مغفرت بجهت چراغ بها عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ربّی ربی و ملاذی و موئلی و معتمدی انی اتّضرّع اليک بروحی و قلبی و فؤآدی ان تدرک عبدک چراغ البهآء برحمتک الکبری و تحفظه فی زجاج عفوک من ارياح العذاب و قواصف العقاب ربّ ربّ انّا خطاةً و انت الغفور الرحيم و نحن عصاةً و انت العفوّ الکريم فلا تعاملنا بما نستحق و عاملنا بعفوک و صفحک و فضلک يا رحمن يا رحيم ربّ ربّ انّ عبدک الوافد عليک القاصد باب حطتک لم يزل عاش متعطّشاً لکأس لقائک مشتاقاً لمشاهدة جمالک مهتزّاً بنفحاتک استماع خطابک الوصول ربّ ربّ قدرّ له الفوز العظيم و اطفح

صفحه ١٨٥

کأسه بالمآء المعين و ارزقه مشاهدة النّور المبين و ادخله فی فردوسک العظيم

وآنسه بلطفک الجليل و اجعله مستغرقاً فی بحار رحمتک يا رؤف يا کريم يا غفور يا رحيم ع ع مقابله شد ٢١٧ خط کاتب و امضاء و مهر مبارک

# هوالابهی

ای شارب سليل عنايت الهی نورالله جبينک بنضرة النعيم بين وجوه العالمين قد تشرّفت رقيمک بساحة قدس محبوبک و محبوب العارفين انّه يخاطبک من ملکوته الابهی و جبروته الاعلی و يقول و نريکم من افقی الابهی و ننصر من قام علی نصرة امری بجنود من الملأ الاعلی و قبيل من الملائکة المقربّين اليوم يوم استقامت کبری و ثبوت و رسوخ بر امرالله است و حفظ و صيانت حصن امراست از نعيق ناعقين و تمسّک تام بعهد الهی فطوبی لمن لاتأخذه فی الله لومة لائم والبهآء عليک ع ع مقابله شد ٢١٨ خط مبارک

نيريز سروستان محلهٴ تِزَنگ جناب آقا مرتضای زائر عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ثابت بر پيمان نامهٴ که چند سال پيش فرستاده بودی امسال رسيد از مضمون مفهوم شد که احبّای سروستان و آن صفحات جميع خاضع و خاشع بملکوت آيات و عبدالبهاء را در عبوديّت آستان مقدّس شريک و سهيم اميد شديد

\* ص186 \*

آنست که آن نفوس نفيسه اوراق شجرهٴ طيّبه باشند و همواره محفوظ از روايح خبيثه و راسخ و مستقيم در بين بريّه ضلع محترمه و صبايای مکرّمه و عبدالکريم کريم و عبدالخالق فائق را تحيّت و مهربانی برسان از خدا خواهم که همواره موفّق باشی و از درگاه احديّت مغفرت خطايا از برای والدين شما طالب و آملم و همچنين نهايت محبّت و اشتياق را ببندهٴ نيّر آفاق جناب آقامحمّد علی مکتب دار برسانيد و عليک التحيّة والثنا ٢٤ ک ١٩١٩ عبدالبهآء عبّاس مقابله شد ٢١٩ خط مبارک حضرت شوقی افندی و امضای حضرت عبدالبهاء

بواسطهٴ جناب آقامرتضی زائر سروستانی

اخوی ايشان آناب آقامحمّد نبی و اخوی ايشان جناب حاجی بابا واخوی زادهٴ ايشان جناب آقا اسمعيل و اخوی زادگان ايشان و امةالله والده خيرالنسآء و امة الله اخت صغری و امة الله ضلع شاه بی بی و امة الله بنت کلشاد و امة الله بی بی لقا عليهم و عليهن بهآءالله الابهی

# هوالله

ای منتسبين جناب زائر آقامرتضی برضای الهی فائز و بفضل و موهبت ربّانی حائز از خدا خواهم که مانند آقامرتضای شهيد روحی له الفدآء جانفشان گردد و بقربانگاه عشق شتابد تادر جهان ديگر علم افرازد و موهبت ديگر بيند و از جام ديگر نوشد و د عالم بالا ملکوت ابهی بياسايد در

\* ص187 \*

اينجا بعتبهٴ مقدسه التجا نمود و از برای هر يک از شما موهبتی جديد رجا و آرزو نمود من از فضل اسم اعظم روحی لاحبّائه الفدا نيز اميدوارم که هر يک از شما آيت کبری گردد و نشانه ئی از ملاء اعلی شود با رخی منوّر و قلبی مطّهر و روحی مبّشر با خلق معاشرت نمايد و با ياران آميزش کند تا جميع مشامهای باز رائحهٴ جنّت ابهی استشمام نمايند و کل ناظرين آثار ملاء اعلی مشاهده کنند اللهم يا الهی و محبوبی و منائی قد شاع ذکرک و ذاع امرک فی اقليم انتسب الی مظهر رحمانيّتک و اهتدی فيه نفوس طيّبة طاهرة فانجذبت بانوار الجمال و اشتعلت بنار الوصال و خضعت لآيات الجلال و نطقت بالثنآء و نادت باعلی الندآء و ترنحت من صهبآء الوفآء ربّ اجعلهم مستغرقين فی بحارالعطا و خائضين فی غمار الموهبة الکبری ليخرجوا لئالی الحقائق و المعانی من اصداف هذاالبحر الذاخر الموّاج علی الشواطی انک انت المقتدر العزيز المتعال لا اله الا انت السبّوح القدوس العزيز الکريم ای جناب زائر عليک بهآءالله و ثنآئه صبيهٴ صغيره را عطيّه نام نه ع ع مقابله شد

٢٢٠ خط کاتب امضاء و مهر مبارک

شيراز و سروستان بواسطهٴ جناب آقامحمّد زائر احبّای الهی عيهم بهآءالله الابهی

جناب آقاميرزاعبدالوّهاب جناب آقاميرزا کوچک جناب حاجی محمّد ابراهيم جناب آقاعبدالغفّار جناب آقاميرزا محمود جناب آقاميرزا احمد علی جناب آقا منوچهر فارسی جناب آقا رستم پولاد جناب محمّد باقر

\* ص188 \*

آقاميرزا فتحعليخان آقاحيدرعلی آقاميرزا عيمحمّد آقاعلی نقی

آقامحمّد حسنخان آقاميرزا حسينعلی آقا غلامعلی آقامصطفی

آقاعلی نقی آقامشهدی اسدالله آقامحمّد حسين آقا عبّاسعلی

آقامحمّد حسن آقا فيروز آقاسليمان آقا علی

اقامحمّد باقر آقا مصطفی آقاميرزاباقر حاجی محمّد

حاجی خان آقامحمّد رضا آقا بقا آقامحمّد حسن

استاد حسين کربلائی شکرالله آقاسبزعلی آقاملامحمّدعلی

آقاقبانعلی آقاعلی حاجی محمّدشفيع آقاعلی حسين

آقاميرزاحسين آقاعلی محمّد آقاصادق علی آقاعزيزالله

آقامشهدی خسرو آقامشهدی صفر آقامحمّدباقر عبدالله بهائی

آقاعوض آقاقبادخان آقااستاد حسن آقاعلی محمّد

آقامحمّد علی آقاميرتاج الدين آقاميرزااسمعيل آقاميرکريم

آقاميرغفّار ميررسول خواجه زينالعابدين ملاآقای اصطهباناتی

جهانگير جهرمی عباالرحيم آقاحسن آقاعبّاسعلی

\* ص189 \*

آقاحاجی آقاعطاالله آقامسيح آقا عنايت الله والدهٴ قباد خان

والدهٴ‌ مسيح الله والدهٴ ميرزامحمّدعلی صبيّهٴ حاجي محمّد ابراهيم

صبيّهٴ مرحوم حاجی عبدالباقی همشيره زاده

# هوالله

ای ياران الهی خطهٴ شيراز منسوب بحضرت بي‌نياز و موطن کاشف اسرار بر اهل راز از آن کشور ماه منوّر طلوع نمود و ازآن اقليم صبح منير سطوع يافت مبشّر جمال مبارک ندای الهي را از آن ارض نورانی بلند فرمود و مژدهٴ‌ موعود بيان را در احسن القصص بابدع تبيان گوشزد شرق و غرب کرد اوّل ندا در آن خطّه و ديار اوج گرفت و نفوس مبارکه نعرهٴ ربّنا انّا سمعنا و منادياً ينادی للأيمان ان آمنوا بربّکم فآمنّا برآوردند حال الحمدلله آن کشور بنور عرفان منوّر است و آن خاک بپرتو عنايت حقّ تابناک. نفوسی در آن ولايت مبعوث شده اند که منعوت مخلصينند و مغبوط جميع روی زمين حال نهايت آمال عبدالبهآء چنان که در جميع شئون مظاهر موهبت حضرت بيچون گردند عَلَمی برافرازند که موج بر آفاق زند پری باز کنند که باوج اعلی رساند نطقی بگشايند که بعظام رميمه جان بخشد روحی بدمند که نفوس

ميّته را حيات جاودان مبذول دارد شجرهٴ غرس نمايند که سايه برامکان افکند خبائی بلند نمايند که آفاق را در ظل آرد موجی بزنند که درّ مکنون و لؤلؤ مخزون نثار کند گلشنی بيارايند که بنافهٴ

\* ص190 \*

که بنافهٴ اسرار مشام مشتاقان را مشکبار کند شمعی برافروزند که روشنی ابدی بخشد جيشی برانگيزند که مدائن قلوب فتح نمايد عيشی مهيّا سازند که فرح و سرور ابدی مبذول دارد پس بايد که هر يک از احبّای الهی عود و رودی در دست گيرد و بآهنگ بديع در اين گلشن الهی نغمه و سرودی زند و وله و شوری انگيزد ناطق باشد و منادی ناظر باشد و در کمال فرح و شادی ترتيل آيات هدی کند و تفسير کلمات منزلهٴ از سما تهليل و تکبير بملکوت ابهی رساند و تسبيح و تقديس بعالم بالا ابلاغ دارد وعليکم البهآء الابهی الهی الهی انّ احبّائک الاصفيآء و اوليائک الاتقيآء مشتّتين الشمل فی البلاد و مفرقّين الجمع بين العباد يضطهدهم اهل الجفآء و يفرّط فيهم اهل الضغينة والبفضآء لم يزل يا الهی يکمنون لهم بالمرصاد و يرمونهم بسهام حداد و يرشقون عليهم السيوف بکل عناد ربّ احفظهم بملائکة کلائتک و احرسهم تحت رعاية عين عنايتک و اشملهم بلحظات طرف رحمانيّتک و ايدّهم علی هداية خلقک و وفّقهم علی خدمة عتبة قدسک و انصرهم بجنود الغيب و اکفهم شرور اهل الريب و طيّبهم بصيّب سحاب عنايتک انّک انت الکريم انّک انت الرحيم و انّک انت الله ذو الفضل العليم ع ع مقابله شد ٢٢١ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

ص ١٩١ شيراز امة الله جماليه صبيّه من ادرك لقآء ربّه مرحوم ميرزا عبدالحميد عليهما بهآءالله

# هوالله

ای ورقهٴ موقنه نظم و نثر که از کلک و قريحهٴ آن سرگشته و سودائی دلبر آفاق

جاری شده بود ملاحظه گرديد فی الحقيقه در نهايت ملاحت بود بثنای جمال ابهی پرداز که ترا موفّق بر نغمه سرائی در گلشن عشق الهی نمود و هذا من فضل من الربّ الودود فيهذا اليوم المشهود في ظل المقام المحمود امة الله المنجذبه والده را تحيّت ابهی برسان و همچنين سائر امآء رحمن را و بگو اليوم روز فيروز اشتعال و انجذاب و خرق حجباتست ع ع مقابله شد

شيراز جناب حاجی محمّد علی زائر عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای بندهٴ آستان حق نامهٴ شما رسيد ولی از عدم فرصت مجبور بر اختصار جوابم و معذورم اي ثابت بر پيمان نامهٴ جناب رستم فولاد و جناب بهرام رسيد محض حبور شما و سرور ايشان چند سطری جواب مرقوم ميگردد بجناب ميرزا علی آقا تحيّت ابدع ابهی ابلاغ داری هر چند عبدالبها نهايت اشتياق بملاقات ايشان دارد ولی چون موسم تابستانست

\* ص192 \*

تابستانست و گرمای اين صفحات شديد لهذا بوقت دیگر مرهون دارند بجناب آقاعلی اصغر و جناب آقاشکرالله و جناب آقاعبدالغفّار و جناب آقامحمّدابراهيم زائر و جناب محمود عصّار و جناب عبداحسين خيّاط از قبل من نهايت اشتياق ابلاغ داريد و تحيّت ابدع ابهی برسانيد و بگوئيد ای ياران ايّام ايّام امتحانست و و ثبات و استقامت مانند آب حيوان سبب زندگی سرمديست و حيات ابدی الحمدلله شما از بادهٴ ثبوت سرمستيد و در بزم استقامت ساغر عهد و پيمان در دست لهذا بدرگاه احديّت شکرانه نمائيد که بچنين موهبتی موفّقيد و بچنين عنايتی فائز اي جناب زائر يکسفری بسروستان بنمائيد و ياران را از صهبآء ميثاق نشئه بديعی ببخشيد و تحریص و تشويق استقامت بر امر نور مبين بنمائيد و تحريص بر تبليغ و نشر نفحات الله بفرمائيد بلکه انشآءالله سروستان سروهای بيهمال باغ الهی گردد و آن کشور بنفحات قدس معطّر و بنور هدی منوّر شود و عليک البهآء الابهی ع ع مقابله شد

جناب حاجی محمدعلی زائر عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ثابت بر پيمان نامهٴ شما رسيد مضمون چون دلالت بر عبوديّت حضرت

\* ص193 \*

بيچون مينمود سبب فرح و سرور گرديد از الطاف حضرت حيّ قيوم اميدوارم که روز بروز بر استقامت و ثبوت بيفزائی امّا حضرت منشادی از اين جهان فانی آزادی يافت و بجهان الهی شتافت از شدّت احتراق و کثرت اشتياق سراج در زجاج امکان گنجايش نيافت لهذا بجهان بيپايان عروج نمود يا ليت کنت معه فافوز فوزاًعظيما باری فرشهای حاضر مقام اعلی را ارسال داريد و يک قالی بزرگ که منقوش باينکلمه باشد مقام اعلی بافته بعد ارسال داريد امّا الوان قرمز و زرد در آن نباشد و طرح هرنوع که مصلحت ميدانيد و جناب ميرتاج الدين صبّاغ با دو سليل اجازه دارند که يک قطعه فرش بجهت مقام اعلی ارسال دارند و جناب محمود را تحيّت ابدع ابهی ابلاغ داريد و جناب ميرکريم ماذون خضورند و عليک البهآء الابهی ع ع مقابله شد

٢٢٤ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هوالله

ش جناب عبدالغفار عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای بندهٴ حق بعبوديّت آستان جمال ابهی چون عبدالبهآء قد بفراز و به بندگيش قيام کن تا پيام الهی بگوش جان بشنوی و پيک سروش را متتابع الورود بينی قسم باسم اعظم روحی لاحبّآئه الفدآء

\* ص194 \*

عبدالبهآء آرزوی عبوديّت آستانش مينمايد ولی افسوس که چنانچه بايد و شايد تا حال موفّق نگشته بلکه بدعای دوستان و تضرّع ياران موفّق بر اين موهبت عظمی گردد استدعای حضور زيارت تربت پاک نموده بودی الآن قدری موانع حاصل علی العجاله بنشر نفحات مشغول شويد تا زمانش آيد و عليک التحيّة والثناء ع ع

مقابله شد ٢٢٥ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطهٴ حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزا آقا عليه بهآالله الابهی

جناب آقاعبدالغفّار شيرازی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای بندهٴ جمال ابهی مکتوب واصل شد و فرياد و فغانت مسموع گشت جميع مراتب و شئون را فدای حضرت بيچون کن و از جميع قيود وارسته باش و بتأئيد جنود حق دلبسته ايّام ميگذرد و هر حال منقضی شود و هر عزّت و راحتی منقرض گردد جان و جنان و وجدان و روح و ريحان و فضل حضرت يزدان باقی و بر قرار جناب آقا محمّد علی عمو را تکبير ابدع ابهی برسان و عليک التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد

٢٢٦ خط کاتب و امضاءو مهر مبارک

هوالله بواسطهٴ آقاميرزا هادی

شيراز عبدالغفّار عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي بندهٴ الهی آنچه مرقوم نموده بودی ملحوظ گرديد الحمدلله مؤمن بحضرت

\* ص195 \*

پروردگاری و موقن بخداوند بيهمتا ثابتی و مستقيم و متضرّعی و مستديم دلگير مشو اسير مگرد زيرا ربّ خبير ترا دستگير شود و اجر جزيل عنايت فرمايد تا توانی رضای پدر بطلب و از عدم التفات ملال مجو زيرا حقوق ابوين مقدّس است ولو جفا روا دارند و نظر بقدردانی منما بلکه اعتماد بر وعد پروردگار کن او خبير است و عليم انّ ربک لعلی صراط مستقيم از حق ميطلبم که آنچه خير است از برای تو مقدّر فرمايد و بالطاف خداونديش بنوازد و اجر خدمت مهيّا سازد ولی تو بايد چنان آتشی از محبّت الله در دل برافروزی که در هيچ حالتی ملال نياری چه که عالم کون اساسش بر تبدّل و انقلابست و بسبب کون و فساد از حالی بحالی انتقال نمايد و استمرار ممتنع و محال کن ناراً موقدة نورانيّة تحرّق کل حجاب و تلتهب فی ارکان العالم هذا هو الفوز الاعظم و عليک التحيّه والثنآء ع ع مقابله شد

٢٢٧ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

شيراز بواسطهٴ جناب بشير الهی جناب عبدالغفاّر شيرازی عليه بهآالله الابهی

# هوالله

ای ثابت بر پيمان نامهٴ شما رسيد و نهايت سرور حاصل گرديد الحمدلله ياران الهی در وجد و طربند و بخدمت مشغول و ميکوشند تا قبالهٴ خانهٴ حضرت حجّت عليه بهآءالله را از ورثه بهر

\* ص196 \*

بهر وسيله است ابتياع نمايند و ارسال کنند قضيهٴ خانهٴ حضرت حجّت بسيار مهّم است و مراد ما چنين است که مشرق الاذکار گردد لهذا البتّه همّت فرمايند در خصوص مکاتيب مرقوم نموده بوديد اين عبد تا بحال بجان عزيزت فرصت نيافته انشآءالله عند الفرصه قصور نخواهد گشت مطمئن باش ع ع مقابله شد

٢٢٨ کاتب مهر و امضاء مبارک

هوالله

شيراز سروستان جناب حاجی محمّد علی عليه بهآءالابهی

# هوالله

ای ثابت بر پيمان نامهٴ مسطور ملحوظ شد مژدهٴ ترّقی و انتشار امرالله در

سروستان داده بودی که بهشت برين شده و باغ عليّين گشته و احبّای الهی جمعند و ترتيل آيات ميگردد و مستمعين در نهايت وله و انجذابند اميد است که سروستان بوستان سروران گردد و گلستان حقايق و معانی شود و حديقهٴ انيقهٴ اسرار گردد همواره فقرا در ساحت کبريا معزّز و محترم بوده و هستند زيرا مورد بلا و معرض انواع ابتلا هستند با وجود اين در يوم ظهور صابر و شکور و در نهايت سرورو حبورند امة الله الموقنه والده را تحيّت ابدع ابهی ابلاغ داريد و همچنين ضلع محترمه را ذکر سيّد ابرار شعلهٴ انوار حضرت مرتضی نموده بوديد آن نام مبارک چون

\* ص197 \*

قرائت گرديد چنان حالتی دست داد که بی اختيار بتحرير جواب پرداختم والا ابداً فرصت نداشتم اين از برکت نام مبارک آن شهيد سبيل جمال ابهی است عليه التحيّة و عليه البرکة و عليه السلام و عليه الثنآء و عليه فی الملاء الاعلی مناجاتی در ذيل اين نامه بخطّ خود مينگارم و هذه من برکة ذلک الشهيد السراج الوهاج المتلئلأ فی الزجاج الابدی علی القرون والاعصار و عليک البهآء الابهی مقابله شد

٢٢٩ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

# هوالابهی

يا ربّ العهد و الميثاق تری عبدک اسير الاشواق ملتهب الاحشآء بنار الفراق فی اشّد احتراق قريب المحاق قلیل الخلاق خليع العذار بحبّک فی الآفاق خليف الجوی عظيم الاسی سمير اهل الاشراق ربّ ثبّت قدمی علی صراط الوفاق و احفظنی من العاق و اجعل لی مخرجاً وارزقنی و احبّتک من رحمتک و احرسنی فی کهف حمايتک و هل لنا غيرک من واق ربّ اجعل المعسور ميسورا و البيت المطمور معمورا واليد المغلوله مبسوطة والقلب المکسور مجبورا و السراج المخمود موقوداً انّک انت المقتدر العزيز الکريم ع ع مقابله شد

مناجات خط مبارک است

\* ص198 \*

سروستان جناب حاجی محمّد علی زائر عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای يار مهربان نامهٴ مسطور وصول يافت و مضامين دلنشين سبب فرح و سرور قلوب مشتاقين گشت زيرا دليل بر خلوص نيّت و سمّو مقصد و ارتباط قلبی و انجذاب وجدانی بود يقين است که مورث شادمانيست قاليهائی که بجهت مقام اعلی ارسال نموده بوديد رسيد و متمّمش انشآءالله نيز ميرسد جميع ياران را تحيّت ابدع ابهی فرداً فرداً برسان و بيان اشتياق کن تضرّع بملکوت ابهی شد و از برای جناب محمّد رفيع رجای عفو و غفران گشت و همچنين بجهت امة الله زکيّه طلب بخشش و آمرزش گرديد و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

٢٣٠ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

شيراز بواسطهٴ جناب بشيرالهی

جناب حاجی محمّد ابراهيم زائر شيرازی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي زائر مشکين نفس نامهٴ شما رسيد بشارت بهبودی از عليلی بود سبب سرور قلبی گرديد در پناه حفظ و حمايت حق همواره محفوظ و مصون باشيد هيچ قصوری نداری

\* ص199 \*

و فتوری ننمودی مظهر الطاف موفوری و مشمول نظر عنايت ربّ غفور عدم ارسال مطلوب از کثرت مشاغل و غوائل است بجان عزيزت قسم که ابداً فرصت ندارم واين نامه‌ئی که الآن مرقوم ميشود از کثرت محبت است والا مجال معدوم جميع ياران الهي را تحيّت ابدع ابهی برسان و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

٢٣١ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

سروستان جناب ميرزاآقا بابا عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

نامهٴ شما رسيد و چون قرائت گرديد بدرگاه احديّت تضرّع و زاری شد و طلب تأئيد نامتناهی گرديد مطمئن بفضل باش و معتمد بر الطاف حضرت رحمن آقاسهراب اجازهٴ زيارت بقعهٴ مبارکه دارد ولی در زمستان آينده و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

٢٣٢ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

١٥ ج ا

١٣٢٨ سروستان جناب ميرزا حسينعلی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ياران حقيقی لوح مسطور منظور گرديد و قلب مشتاق فرح و انبساط يافت الحمدلله آن نفس نفيس منجذب ملکوت انوار شد و مطلع بر اسرار گرديد پرتو شمس حقيقت مشاهده نمود و مائدهٴ آسمانی آماده يافت از چشمهٴ حيات ابديّه نوشيد و از الطاف مليک وجود بهره

\* ص200 \*

و نصيب برد ديدهٴ بينا گشود و مشاهدهٴ آيات کبری کرد و بآنچه منتهی آمال

اوليا و اصفيا بود فائز گردید طوبی لک من هذا الفضل العظيم بشری لک من هذا الفوز المبين و عليک البهآء الابهی ع ع مقابله شد ٢٣٣ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

اي‌ پروردگار پدر اين بندهٴ جديد را در ملکوتت عزيز نما و مادر اين محرم راز را در اوج اسرار پرواز ده غريق دريای غفران نما و رفيق اهل ايمان کن پرتو عنايت بخش و فيض عفو و احسان رايگان فرما توئی آمرزنده و غفّور و رئوف و مهربان لااله انت الرحمن الرحيم

جناب زيرزا محمّد علی خان را از خوان نعمت آسمانی برخوردار کن و تحيّت مشتاقانهٴ عبدالبهآء برسان و جناب ميرزا نظام را بالطاف عزيز علام نويد بخش و بعنايت مخصوصه اميد ده اميدم چنانست که جناب آقامحمّد صادق نخلی باسق گردد و نوری بارق شود و نجمی بازغ گردد و جناب جهانگير خان را طالع کوکب منير است وحی قدير مجير و دستگير و جناب آقا سلمان ثابت بر عهد و پيمان و مظهر الطاف ربّ رحمان و جناب خليل در اين بساط جليل است و مشمول الطاف حضرت رحمان و رحيم ميرزاعلی آقا مورد

الطاف بيمنتهی و مشمول عنايت جمال ابهی ع ع مقابله شد

شيراز سروستان بواسطهٴ جناب بشيرالهی

جناب حاجی محمّد علی زائر شيرازی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ثابت بر پيمان نامهٴ مرسول رسيد دلالت بر مسرّت دل و جان و فرح

\* ص201 \*

و شادمانی وجدان داشت بدرگاه احديّت بشکرانه پرداختم امّا شکايت فرموده بوديد که مدّت چهار ماه است که بنامه ئی موفّق نگرديدم ای يار عزيز اين قصور از من نيست از کثرت اشغال جمهور است اگر بدانی عبدالبهآء در چه دريا مستفرق البتّه معذور داری اگر جميع اوقات خويش حصر در قرائت نامه نمايم البتّه از عهده بر نيايم ديگر ملاحظه فرما که مشاغل و شواغل و مشاکل سائره چه خبر است اجازه حضور برای جناب غلامرضا و جناب آقاحسين و اولاد امجاد خواسته بوديد حال وقت مناسب نه انشآءالله در سنهٴ آتيه اجازه داده خواهد شد جناب آقا شکرالله و جناب آقاميرزا محمود عصّار و جناب آقاميرزا احمد و جناب آقا عليمحمّد و جناب حاجی محمّد ابراهيم و جناب آقاميرزا رجبعلی و جناب آقا ميرزاعلی آقا و جناب ميرزا ابو طالب عصّار و جناب آقاميرزا سيّدعلی جميع را از قبل من با نهايت اشتياق تحيّت ابدع ابهی ابلاغ داريد ع ع مقابله شد

٢٣٤ خط کاتب و مهر وامضاء مبارک

بواسطه حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاسيد حسين

سروستان جناب حاجی محمّد علی زائر شيرازی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايثابت بر پيمان نامهٴ شما رسيد الحمدلله دليل جليل بر استقامت در سبيل الهی بود و برهان شوق و اشتياق جانفشانی در سبيل نيّر آفاق سئوالی نموده بوديد در قرآن ميفرمايد خذوا حذرکم اگر

\* ص202 \*

اگر قافله ئی کوه و صحرای پر خطر ی طی خواهد البتّه بايد محافظهٴ خويش را ملاحظه

نمايد و آنچه سبب حفظ است منظور دارد احبّای الهی بايد با جميع ملل و طوائف عالم بنهايت محبّت و مهربانی جانفشانی کنند و با کمال صبر و تحمّل حذر از تعرّض ناگهانی نمايند خلق بغايت بی انصافند و طينتشان مجبول ظلم و اعتساف احبّای سروستان فی الحقيقه از راستانند و عاکفان آستان عبدالبهآء نهايت رضا از آنان دارد که بکمال حبّ و خلوص بخدمت آوارگان نيريز پرداختند فی الحقيقه جان عزيز فدا نمودند و در جميع موارد از هيچ بلائی خوف و پرهيز ننمودند اينست صفت ثابتان اينست سمت راسخان بر عهد و پيمان جناب آقامحمّد باقر و جناب ميرزا رجبعلی و جناب ميرزاعلی آقا و جناب ميرزا اسمعيل را از قبل من نهايت اشتياق ابلاغ داريد

روزی بالنيّابه از ايشان بزيارت روم و سر بآستان نهم و طلب عون و عنايت کنم که تأئيدی جديد رسد و توفیقی بديع حاصل گردد و همچنين جناب حيدرعلی سروستاني را از قبل اين فانی محبّت و مهربانی مجری داريد و عذر نامهٴ مخصوص منفرداً بخواهيد بجان عزيز او ابداً فرصت ندارم والا مکتوب مفصّل مرقوم مينمودم و عليهم و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد ٢٣٥ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطهٴ بشير الهی

سروستان جناب حاجی محمّد علی زائر شيرازی ساکن سروستان عليه بهآءالله الابهی

\* ص203 \*

# هوالله

اي زائر مشکين نفس نامهٴ شما رسيد و مضمون مفهوم گرديد معلومست سزاوار ياران عبوديّت آستان است و خدمت بعتبهٴ مقدسهٴ مبشّر جمال رحمان چهار پارچه فرش که بجهت مقام اعلی فرستاده ايد ميرسد و انشآءالله ببافتن خامس موفّق ميشوی مرقوم نموده بودی که سروستان گلستان بهائی شده اين خبر روح و ريحان آورد اميد وطيد است روزبروز اين موهبت مزداد گردد جناب آقاميرزا اسمعيل را از قبل من نهايت اشتياق ابلاغداريد و امة الله بهيّه خانم را تحيّت ابدع ابهی برسانيد و امة الله والدهٴ بهيه خانم را احترامات لازمه مجری داريد و جناب کربلائی آقا شکرالله و جناب علی آقا و جناب عطا و جناب فيروز و جناب آقامير فتحعليخان و جناب آقاميرزا رجبعلی و جناب آقاميرزا آقا و جناب غلامحسين را از قبل من نهايت محبّت و مهربانی و غايت اشتياق وجدانی ابلاغ داريد دائماً بذکر ايشان مشغولم و از الطاف خفی الالطاف اميد عنايت دارم اين ايّام حکمت اقتضای حضور ننمايد انشآءالله در وقتش اذن داده ميشود اي ثابت بر پيمان نامهٴ شما درخصوص اعانهٴ بازماندگان شهدا قرائت گردی بموجب دستورالعمل جناب افنان آقاميرزا خود به نيريز برديد و آن مبلغ اعانت را باطلاع جناب حاجي محمّد رحيم و اعضای محفل روحانی

\* ص204 \*

تقسيم بين فقرأ بازماندگان شهدا نمايند و هرچه زودتر تقسيم و توزيع گردد بهتر است و امّا حرکت بعضی از دوستان يزدان باين سمت حال موافق حکمت نيست دو نفر در موسم بهار بيايند تا پيش از تابستان مراجعت کنند ای پروردگار علی ناکام هدف رصاص گرديد او را بدخول در ملکوت خويش بزرگوار کن و بيامرز و ببخش و در جهان خويش سرافراز کن انّک انت الکريم العزيز الوهّاب اي ثابت بر پيمان سئوال نموده بودی که اگر نفسی چيزی نذر عبدالبهآء نمايد نتائج و مداخل آن بايد ارسال شود يا بفقرا توزيع گردد صرف آن بايد در هر صورت باذن و اجازه باشد و همچنين صرف حاصلات اوقاف حال بايد باذن و اجازهٴ عبدالبهآء باشد بجناب والده تحيّت ابدع ابهی ابلاغ دار عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد ٢٣٦ خط کاتب و مهر و امضاج مبارک

# هو

اي زائر مشکين نفس نصف شب است اندک فرصتی حاصل چند کلمه تحرير مي گردد آنورقهٴ مظلمهٴ مقتوله در پناه حضرت مقصود مرحومه و مغفوره است امّا انقلاب احزاب عاقبت نماند و اضطراب زائل گردد ولی بعد از مشقّات زياد ع ع مقابله شد

٢٣٧ خط مبارک

\* ص205 \*

ش جناب حاجی ابراهيم عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

الهی تری انّ اسرآء سبيلک عطّاشاً ظمآء بسلبيل عنايتک فقرآء باب احديتک جياعاً لنوال نعمآء التی نزلت من سمآء رحمتک اي ربّ ايّد عبدک هذا علی ما تحّب و ترضی و الانقطاع عمّا سواک بحولک و قوّتک و نوّر وجهه بين ملاء الانشآء بنورک الذی تختصّ برحمتک من تشآء و اجعله آية توحيدک و راية تفريدک و منشأ انوار حبّک بين خلقک انّک انت العزيز المحبوب والبهآء عليک ع ع مقابله شد

٢٣٨ خط مبارک

# هوالابهی

بواسطهٴ حضرت عندليب جناب عبدالغفّار شيرازی و احبّای سروستان جناب استاد نجف جناب آقاعلی جناب آقامحمّد باقر جناب آقامحمّد حسنخان جناب مشهدی نظرعلی جناب مشهدی خسرو جناب آقاغلامحسين جناب مشهدی صفرعلی جناب حاجی محمّدابراهيم

عليهم بهآءالله الابهی

# هوالابهی

اي ثابتان اي راسخان فيض ميثاق آفاق را زنده کرد و اهل اشراق را بشوق و شعف آورد

\* ص206 \*

آورد ولی اهل شقاق را بلآء عظيم و عذاب اليم بود چون بوم مشئوم بانگ شوم بلند نمودند و در زوايای خرابه ها يعنی قلوب اهل نفاق شبهات نمودند پس شماها که بازهای سپيد اوج اعظميد و عقاب‌های کهسار ميثاق جمالقدم نگذاريد که اين جغدان بيحيا ميدان گيرند و صوت مشئوم را در آن مرز و بوم بلند نمايند اگرچه جنود ملکوت جمال معبود مهاجم براين قوم عنود است و عنقريب لاتسمع لهم صوتاً و رکزاً و لاهمساً و ترونهم فی خسران مبين ع ع مقابله شد

٢٣٩ خط مبارک

شيراز بواسطه بشير الهی

آناب ميرزا ابوالحسن نيريزی جناب آقاعطاالله جناب آقا امان الله جناب

آقا عزيزالله عليهم بهآءالله الابهی

مناجات طلب مغفرت بجهت ابوی اين نفوس مبارکه

در اينجا بايد لوح نمرهٴ نوشته شود لوح چهل و يک نوشته شده

# هوالله

الهی الهی هذا عبدک الذی اشتعل بنار محبّتک و انجذب بنفحات قدسک و لبّی لندآئک و خدم عتبته رحمانيّتک و ترک سلالة طيّبة متضرّعة الی ملکوتک فصعد اليک راجياً فضلک و عطآئک متمنيّاً قرب جوارک مستغراً للآثام معتمداً علی عفوک يا عزيز و يا علام ربّ اغرقه فی بحرالغفران و طهّره من وضر العصيان واحفظه من النيران و ادخله فی بحبوحة الجنان واخلده فی جنّة الرضوان و ارزقه لقآئک يا عزيز يا منّان و انزل البرکة علی سلالته الطيّبه و اجعلهم من سهام الشبهات و اشرح صدورهم بالآيات البيّنات و انطقهم بالثنآء عليک والتّوجّه اليک والتضرّع بين يديک انّک انت الکريم انّک انت الرحمن الرحيم عبدالبهآء عبّاس مقابله شد ٣٤١ خط کاتب و امضا مبارک

بواسطهٴ بشير الهی جناب حاجی محمّد علی عليه التحية والثنآء

٢٤٠ خط کاتب و امضای مبارک

# هوالله

نامهٴ شما رسيد ذکر مطلوب خويش را نموده بودی که هزار و پانصد تومان سند در دست داری اگر چنين است آنشخص در حق شما بنهايت تمکين خوشرفتاری مينمايد و بکمال خوشی دَين شما را ميدهد زيرا حسن رفتار دارد و البّته شما بحسن رفتار موفّقيد در اينصورت ميان شما و او خلافی نخواهد ماند من ايشان را سفارش مينمايم که بهیچوجه کوتاهی ننمايد و عليک التحيّة والثنآء عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

بواسطهٴ جناب بشير الهی حناب حاجی محمّد علی زائر عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي‌ بندهٴ جمال مبارک نامهٴ شما رسيد در وقتي که نهايت اشتغال

\* ص208 \*

موجود با وجود اين مختصر جواب مرقوم ميگردد شش پارچه قالی مقام مبارک حضرت اعلی را بفرستيد با يک پارچه يک ذرع و نيم ولی بواسطهٴ شخصی که بهمراه خود نقل نمايد اگر تسليم کشتی شود دو سال طول ميکشد تا برسد و شايد نيز گم شود بجناب ميرزا محمود عصّار و جناب رستم جوانمرد و جناب فريدون رستم و جناب حاجی محمّد ابراهيم و جناب شهريار فارسی جميعاً تحيّت ابدع ابهی با نهايت اشتياق ابلاغ داريد و عليک البهآءالابهی عبدالبهآء عبّاس مقابله شد ٢٤٢ خط کاتب و امضاء مبارک

شيراز بواسطهٴ جناب آقاسيد حسين افنان عليه بهآءالله جناب حاجی عبدالغفّار عليه بهآءالله الابهی

مناجات طلب مغفرت بجهت مرحوم حاجی محمد ابراهيم و حاجی محمّد علی و امة الله عشرت بيگم عليهم بهآء الله الابهی

# هوالله

الهی الهی انّ هولآء تبتلوا الی ملکوتک الابهی و تضرّعوا الی جبروتک الاعلی و تمنّوا الفنآء شوقاً للقا و ترکوا الحضيض الادنی توقأ الی الاوج الاعلی ربّ انّهم ضعفآء قوّهم بقدرتک و فقراءٌ اغنهم بموهبتک و اذلاءٌ غرّزهم بسلطنتک ليس لهم ملجاٌ الا انت و لا ملاذ الا انت انت کهفهم المنيع و ملجأهم الرفيع الهی ارجوک الرحمة و الغفران لاناس ترکوا الاوهام و تطهروا من العصيان و تبّرؤا من اهل الطغيان و تنزّهوا ممّا لاينبغی فی ايّام ظهورک بين

\* ص209 \*

الانام ربّ اکرم لهم المثوی و وسّع لهم المأوی و اقض لهم المأرب و هيّأ لهم

الرغائب و لاتحرمهم من الالطاف و لا تجعلهم محرومين من ابدع الاوصاف جللهم يا الهی و کمّلهم و اوف بعدک و تمّم وعدک و خض بهم فی بحار الغفران و اغرقهم فی العمق الاکبر بالفضل و الاحسان حتّی يرتّلوا آيات عفوک في ملکوت الاسرار و ينشرحوا بالفيض المدرار فی عالم الانوار انّک انت العزيز الغفّار عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

٢٤٣ خط کاتب و امضاء مبارک

٢٨ ع ثانی ١٣٣٨ حيفا

جناب حاجی محمّد علی شيرازی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي ثابت بر عهد الحمدلله موفّق بر آن شدی که خدمتی بمقام اعلی نمائی اين فرش در ساحت عرش مفروش شد و تا ابد الآباد خدمات معروف مذکور فاشکرالله علی هذا الفضل المشهود و عليک البهآء الابهی ع ع مقابله شد

٢٤٤ خط مبارک

هوالله

بواسطهٴ حضرت رفيع عليه بهآءالله الابهی جناب حاجی محمّد حسين بزّاز عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

اي بندهٴ حق شفّقت خداوند را دقّت نما که يارانش فراموش نکردند

\* ص210 \*

تفقّد دلها کند و و تطييب خاطر ياران مدد فيضش رسد و جان پژمرده را تر و تازه فرمايد سکوت را تبديل بنطق کند و سکون را مبدّل بانجذاب و شوق درخت اميد را طراوت و لطافت جديد احسان کند و فقدان شديد را وجدان بديع بخشد مرغ سحر را دو باره نغمهٴ روح پرور بخشد و خزان حرمان را بنوبهار گل وريحان مبدّل فرمايد شکر کن خدا را که باز طوطی شکر شکن گشتی و يعقوب آسا ديده از يُمن پيرهن گشودی و رائحهٴ قميص يوسف الهی مشام معطّر نمودی و عليک التحيّة والثنآء ع ع

مقابله شد ٢٤٥ خط کاتب و مهر وامضاء مبارک

هوالله

جناب ملا قاسم کناره ئی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي بندهٴ آستان مقدّس در نامه آرزوی خدمت ياران الهی نموده بودی از اين جهت جواب نامه را بخط خود بکمال تعجيل و سرعت مرقوم مينمايم زيرا اين آرزو نهايت آمال عبدالبهاست اميدم چنانست که هر دو موفّق باين موهبت گرديم ع ع

٢٤٦ خط مبارک مقابله شد

هوالله

جناب زائر آقامحمّد حسين عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

الهی الهی هذا طير طار من اوکار الاوطان قاصداً مطار طيور القدس فی البقعة النورآء

\* ص211 \*

و کلت اجنحته و تعبت قوادمه و اباهره حتّی نزل بهذه الحديقة الغلبا و تشرّف بالانتقال الی هذه الغياض و الرّياض المبهجة للاعين و الابصار اي ربّ هذا الطير منکسر الجناح خافض الاباهر والخوافی لاحبّائک فيکّل الاوان اجعل له وکراً فی فروع ايکتک التی اخفيته عن ابصار الغافلين عن الطافک الظاهرة للابرار اي ربّ خصتصه بنعمتک السابغه و رحمتک السابقه انّک انت الکريم الرحيم الوهّاب اي ربّ ثبّته علی دينک و ايده علی الاستقامة الکبری انّک انت المؤيد الموفّق العزيز الرحيم الوهّاب ع ع مقابله شد‌٢٤٧ خط مبارک

بواسطهٴ حضرت بشير الهی

جناب آقا فضل علی شمس آبادی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ثابت بر پيمان نامه رسيد و بدرگاه احديّت عجز وزاری گرديد که اسباب راحت و آسايش دل و جان از برای تو مهيّا گردد تعلق باين عالم جائز نه و تعمّق در اين دريا لزوم ندارد بايد انقطاع الی الله يافت تا راحت جان و آسايش دل و فراغت قلب و اطمينان نفس حاصل گردد از برای ايّامی چند زندگانی اندوه و غم و ناکامی جائز نه فنعم ما قال بگذرد اين روزگار تلختر از زهر بار دگر روزگار چون شکر آيد از فضل حق راحت اينجهان نيز از بهر تو طلبم

٢٤٨ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

\* ص212 \*

و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

شيراز بواسطهٴ جناب بلور فروش

جناب فضلعلی عليه بهآءالله

# هوالله

اي ثابت بر پيمان نامه رسيد دست تضرع و ابتهال بدرگاه ذوالجلال بلند گرديد و از برای آن ثابت راسخ طلب عفو و غفران از درگاه احديّت شد و طلب تائيد گرديد تا موفّق بخدمت ياران الهی شوی مؤيد بفيض نامتناهی اين ايّام سفر بسهولت ممکن نه لهذا مرهون بوقت ديگر فرمایيد و از درگاه حضرت رحمن عفو و غفران از برای ابوين و قرينهٴ محترمه و امّها شد اميدوار بفضل حق باشيد از احبّای شمس آباد ستايش زياد نموده بوديد من نيز از الطاف خدا طلب موهبت و عنايت از برای ياران شمس آباد مينمايم بفريدون پسر رستم از قبل من تحيّت محکم برسان زيرا بسيار او را دوست دارم و اميدم چنانست که فيض و برکت حاصل گردد و عليک البهآءالابهی

١٢ شوّال ١٣٣٧ عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

شيراز بواسطهٴ حضرت بشيرالهی جناب فتحعليخان عليه بهآءالله الابهی

٢٤٩ خط کاتب امضاء مبارک

# هوالله

اي ثابت بر پيمان نامهٴ شما رسيد و از وقايع مؤلمهٴ شمس آباد اطلاع حاصل گرديد الحمدلله

\* ص213 \*

بيک درجه بعضی از ياران محفوظ ماندند و البتّه تا بحال دست تطاول عدوان کوتاه گشته و بقول سعدی پلنگان رها کرده خوی پلنگی اين عصبهٴ اشقيا ايران را ويران نمودند و عنقريب بزيان و خسران مبين مبتلا گردند عبدالبهآء نتايج اين محن و رزايا را در بدايت انقلاب مشروح و مفّصل بکل نگاشت حتّی باعاظم رجال و وزرآء طهران ولی گوش اگر گوش من و ناله اگر نالهٴ تو آنکه البتّه بجائی نرسد فرياد است چنانکه در قرآن ميفرمايد فمال هؤلآء القوم لايکادون يفقهون حديثا آنچه ما بيش گفتيم آنها کمتر شنيدند عاقبت بخسران مبين افتادند علمآء رسوم يعنی آيات متشابهات غير محکمات و حجج غير بالغه مداخله در امور جمهور نمودند و در سياست رياست يافتند و عاقبت کار را باين درجه رساندند هنوز مردم متنبّه نميشوند ضعف الطالب و المطلوب و يعبدون من دون الله ما لاینفعهم و لايضّرهم بئس المولی و بئس العشير و عليک البهآء الابهی ع ع مقابله شد ٢٥٠ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطهٴ امة الله زائره جميله عليها بهآءالله الابهی

شمس آباد تخت جمشيد جناب فضلعلي‌خان جناب کربلائی عباسعلی جناب ميرزاآقا جناب ميرزا ابوالحسن جناب ميرزا عبدالحسين جناب حسنخان جناب محمّد حسن جناب آقامحمّد جناب آقامحمّد ابراهيم جناب شاه مراد جناب محمّد ميرزا جناب استاد جعفر جناب جمعه و سعدی و نوروز علی و کربلائی خليل و کربلائی ملک محمّد و محسن و سيد کاظم و قربان و قاسم و مصطفی خان و مرتضی خان و ضيآءالله

\* ص214 \*

و ضيآءالله خان عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ياران مهربان عبدالبهآء نامهٴ جمعی از شما وصول يافت و سبب حصول سرور گرديد در نهايت حلاوت و ملاحت بود زيرا دليل بر رقّت قلوب و انشراح صدور بود عبدالبهآء بنهايت خاکسار بحضرت باری عجز و زاری مينمايد که آن نفوس بزرگوار مورد الطاف پروردگار گردند واله و شيدا و سرگشته و پر سودا آهنگ عشق جمال ابهی بنوازند و در آن اقليم شور و ولهی پردازند تا نفوس مرده زنده گردند و گياههای پژمرده برشحات ابر عنايت تر و تازه شوند و عليکم البهآءالابهی ٩ محرّم ٢٣٨ عبدالبهآء عبّاس مقابله شد ٢٥١ خط کاتب و امضاء مبارک

٩

بواسطهٴ جناب ميرزا هادی افنان و حضرت محمّد ميرزا شمس آباد صهر حضرت ميرزافضعلی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي ثابت بر پيمان از عدم مجال مختصر مرقوم ميگردد مطمئن بفضل و عنايت حضرت مقصود باش که زراعت پر برکت گردد عاقبت نهايت راحت حاصل شود تا توانی بر ثبات و استقامت بيفزا

\* ص215 \*

از امتحانات فتور ميار پر سرور و حبور باش و اميد بفضل موفور دار بامة الله

روحا صبيّهٴ جليله حضرت عندليب تحيّت ابدع ابهی برسان و بصبايای صغيره و اولاد کوچک آن مقرّب درگاه کبريا نهايت نوازش نما از الطاف الهی اميدوارم که موفّق بپرورش آنان گردی و عليک البهآءالابهی ٢٧ محرّم سنه١٣٣ بهجی (عکا) عبدالبهآء عبّاس مقابله شد ٢٥٢ خط کاتب و امضأ مبارک

هوالابهی

بواسطهٴ عليرضاخان

ش جناب فتحعلی خان شمس آبادی عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

اي بندهٴ حضرت احديّت ناری از محبّت الله در دل و جان بر افروختی تا جهانی را پر شعله نمائی مطمئن باش که چون شعلهٴ طور دليرا بوله و شور آرد چنان حرارتی ظاهر نمايد که عاقبت آن شعله جهانگير گردد و آن روشنائی بفلک اثير رسد پس ای يار رحمانی تا توانی آتش را مدد از نفحات قدس ملکوت ابهی خواه و شدّت حرارت بطلب تا تأثيرش بدورتر رسد و بحر و بر را احاطه کند والبهآء عليک ع ع

مقابله شد

٢٥٣ خط مبارک است

\* ص216 \*

امة الله ضلع حاجی ميرزا عليها بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ايورقهٴ طيّبه امآء الهی و کنيزان حريم رحمانی بايد بصفتی و سمتی در بين

نسآء عالم مشهور گردند که مشار بالبيان باشند و مشهوره بين طوائف نسوان يعنی بعفّتی فائق و عصمتی ثابت و ايمانی کامل و بيانی واضح و نطقی فصيح و برهانی بديع و علوّی رفيع معاشر شوند تو از خدا بخواه که جميع اين مواهب را دريابی ع ع مقابله شد

٢٥٤ خط مبارک است

هوالله

ش جناب اسدالله عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

ای متوجّه الی الله شمع هدايت چون بفيض جمال مبارک در زجاجهٴ امکان روشن شد انوار ساطعش آفاق را احاطه نمود و شعاع لامعش ابصار را بصائر کرد قوّت قديمه قدرت حادثه را البتّه فائق آيد و تجلی نور ظلمات ديجور را مهلک و کاشف گردد والبهآء عليک ع ع مقابله شد

٢٥٥ خط مبارک است

\* ص217 \*

# هو

ربّ وفّق هؤلآء المنفقين علی کل فی الملک و الملکوت بما انفقوا اموالهم فی تأسيس اوّل مشرق الاذکار فی قطب الدّيار و بذلوا ما عطيتهم فی بنآء بيتک المعمور بسعی مشکور و لهم الجزآء الموفور يا مؤيّد کل عبد شکور ربّ وعدت عبادک فيکل حسنّه عشرة امثالها فقدّر لهؤلآء اضعاف امثالها العشره و اجعل البرکة تحيط بهم من کل الجهات يا ربّ الآيات انّک انت المعطی العزيز الوهّاب و انّک انت الکريم الرحيم و قد سبقت منک الکلمات في حّق کل من قام علی نصرة امرک من اهل الارض و السمّوات يا ربّ الخيرات و قابل الحسنات و المبرّات ع‌ع مقابله شد ٢٥٦ خط کاتب و امضاء مبارک

جناب افنان آقاسيدآقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای افنان سدرهٴ منتهی چنديست که بهيچوجه خبری از شما نرسيده و روشنی از اُفقتان ندميده البتّه مشغوليّت زياد داريد الحمدلله از خمودت نيست زيرا افنان اين شجرهٴ مبارکه بايد انشآءالله بثمراتی مثمر باشند که مظهر من اثمارهم تعرفونهم گردند ای شاخ شجرهٴ لاشرقيّه و لاغربيّه بکوش و بجوش که شئون تقديس اين اصل مبارک در اين فروع بجميع فنون ظاهر و هويدا گردد تا لطائف و بدائع و کمالات اعراق بشهادت اخلاق ثبوت و محقّق

\* ص218 \*

و محقّق شود والبهآء عليک و علی اخوتک يا افنان شجرهٴ مبارکه ع ع

مقابله شد ٢٥٧ خط مبارک

جناب افنان ميرزابزرگ ابن حضرت افنان آقاميرزا آقا عليهما بهآءالله الابهی

# هوالابهی

اي فرع بديع لطيف سدرهٴ مبارکه اگرچه بظاهر از اين سجن اعظم و عتبهٴ مبارکهٴ جمال قدم روحی لافنائه دوری لکن فی الحقيقه در اين بهشت برينی و شب و روز مؤانس و همنشين آنی از يادت فارغ نیستیم و از حضرت مقصود مسئلت مينمائيم که آن فرع محبوب را گل گلشن روحانيّت جمال اعلی روحی له فدا فرمايد و نهال بيهمال روضهٴ الطف احلی از خدا بخواه که موفّق باطوار و کردار و رفتار و گفتاری گردی که در درگاه جمالقدم و اسم اعظم فديت افنانه بروحی و ذاتی مقبول و محبوب گردی والبهآءعليک ع ع مقابله شد

٢٥٨ خط مبارک

# هوالله

ای افنان شجرهٴ مبارکه نامهٴ شما وصول يافت با وجود عدم مجال بجواب سئوال پرداختم البتّه عکس بيت مقدّس را بجهت جناب شيخ علی اکبر قوچانی بکمال سرعت ببادکوبه بفرستيد ورقهٴ مبارکه والده و همشيره را تحيّت ابدع ابهی ابلاغ داريد

\* ص219 \*

ع ع ٢٥٩ خط مبارک

# هوالله

ای افنان سدرهٴ‌مبارکه در خصوص اجازهٴ طواف رمس مطهّر مرقوم فرموده بوديد از کثرت مشاغل فرصت جواب نشد حال مختصر مرقوم ميشود که مأذونيد جناب آقاميرزا حبيب الله را تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرمائيد والبهآء عليک ع ع مقابله شد

٢٦٠ خط مبارک

پورتسعيد حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقابزرگ و جناب ميرزا حبيب

عليهما بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای دو شمع روشن اگر فتوری در ارسال سطور رود از کثرت اشغالست و شدّت احزان نه حصول نسيان دائماً در خاطر بوده و هستيد جواب نامه‌های حضرت ابوی ان شآءالله اين روزها خواهد رفت تا خودايشان تشريف نيارند امور انتظام نيابد والبهآء عليکما يا افنان سدرة المنتهی ع ع مقابله شد

٢٦١ خط مبارک

\* ص220 \*

# هوالله

ايهّا الفرع اللطيف من سدرة الالهيّه پوست در حرکت است و جناب آقاسيدتقی مستعجل فرصت تفصيل نيست مکتوب جوف را سريعاً ارسال داريد و در نزد شخص امينی بفرستيد که برساند و مکتوب را سکورته نمائيد چه که مکتوب مهمّست بايد احتياط نمود که مبادا نرسد جناب ميرزاحبيب را تکبير ابدع ابهی ابلاغ نمائيد ع ع

مقابله شد ٢٦٣ خط مبارک

هوالابهی

جناب افنان سدرهٴ بقا حضرت ميرزابزرگ عليه بهآء الله الابهی ملاحظه فرمايند

# هوالابهی

ايها الفرع المتوجّه الی الشجرة الرحمانيّه فيا فرحاً لک من هذه النسبة التّی تلوح انوارها و تتمّوج بحارها و تطفح کؤسها و قاطعة نصوصها و انت يا ايّها الفرع النجيب و القضيب المجيد فاتبع السدرة المنتهی فی نضارتها و طراوتها و ريّانيتها و بهجتها و اطلب من الله ان يجعلک آية باهره و راية لامعه فی امره واسع

\* ص221 \*

لکی تکون ناطقاً مضيئا بصيرا سميعاً عليماً بليغا کريماً ثابتاً علی عهد والميثاق ع ع

اذن طواف روضهٴ مبارکه را خواسته بوديد که با اخوی حاضر شويد مأذونيد ع ع

مقابله شد ٢٦٣ خط مبارک

هوالله

حضرت افنان سدرهٴ منتهی جناب ميرزابزرگ عليه بهاءالله الابهی ملاحظه

نمايند

# هوالله

ای شاخ شجرهٴ عنايت آنچه مرقوم نموده بوديد ملاحظه گرديد مکتوب حضرت والد نيز مطالعه شد فی الحقيقه در مصيبت عظيمه گرفتار شدند ولی حق عنايت و حمايت فرمود عاقبتش خير بود انشآءالله از اين بهتر نيز خواهد شد جواب مطالبشان در همين پوسته رأساً خواهد رفت حضرت اخوی را تکبير برسانيد و همچنين سائر دوستان را والبهآء عليک ع ع مقابله شد

\* ص222 \*

هوالابهی

اسکندرّيه حضرت افنان سدرهٴ منتهی جناب ميرزابزرگ عليه بهآءالله الابهی

ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع البديع من السدرة الالهيّه اگرچه بهيچوجه فرصتی نه که بيان محبّت والفتی شود دقيقهٴ راحتی نه و آنی آسايش نيست باوجود اين نفحات قدس سدرهٴ الهيّه چنان حقيقت وجود را مهتّز و منجذب دارد که بی اختيار بذکر و فکر و ياد فروع مجبور مينمايد لعمرالله هذا من اعظم مواهب الله آنچه مرقوم نموده بوديد معلوم گرديد از الطاف سلطان وجود اميد چنانست که يومأ فيوماً ترّقی نمائيد تا بالفعل مشهود و واضح گردد که از سدرهٴ مقدّسه روئيده‌ايد فرصت بيش از اين نگاشتن نيست خدايا اين شاخ تر و تازه را در حديقهٴ روحانی پرطراوت و لطافت فرما ع ع

مقابله شد ٢٦٥ خط مبارک

شيراز محفل روحانی

# هوالله

ای ياران عزيز عبدالبهآء نامهٴ شما رسيد از مضمون معلوم گرديد که عکس بيت

\* ص223 \*

مباک را از بادکوبه خواسته‌اند در نهايت اتقان عکس برداشته و از برای ايشان

بفرستيد زيرا از پطرسبرغ خواسته‌اند ديگران نيز در اين خصوص استيذان نموده بودند جواب مرقوم گرديد که عکس گرفتن و دادن ضرری ندارد الحمدلله شما بتأئيدات ملکوت مؤيديد و بتوفيقات ربّانيّه موفّق بجان و دل بکوشيد تا کأس الطاف الهی از يد ساقی عنايت بنوشيد هرچه در خدمت همّت نمائيد بيشتر موفّق و مؤيد گرديد و بدرقهٴ موهبت عالم بالا بيشتر رسد و سرور و فرح بيمنتهی حاصل شود فرصت بيش از اين نيست معذور بداريد و عليکم البهآءالابهی ع ع مقابله شد٢٦٦ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطهٴ حضرت افنان سدرهٴ مبارکه آقاميرزابزرگ

شيراز جناب آقاعلی ولد مرحوم حاجی محمّد صادق عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای منجذب بنفحات الله حمد کن خدارا که پرتو هدايت کبری بر بصيرت و ديدهٴ بينا زد ظلمت ضلالت زائل و نور موهبت روشن و لائح گشت دل آگاه شد و جان انتباه حاصل نمود اين اشراق اوّلست پس بجان و دل آرزوی اشراقات متتابعه فرما تا انوار تأئيد ساحت قلب را گلشن توحيد نمايد و اين باب عنايت وقتی گشوده گردد که قميص هويّت تجديد شود

\* ص224 \*

شود و خلق جديد گردد و اعظم وسيلهٴ حصول اين الطاف نشرنفحات الهيّه در جميع اطراف زيرا امروز فيروز است پس بنغمهٴ جان سوز آتش عشق الهی در قلوب برافروز تا جهان افروز گردی و مبيّن اسرار و رموز شوی تا توانی همّت را در تحصيل اين موهبت مبذول دار تأئيدات ملکوت ابهی بينی و مظهر تحسين ملاء اعلی گردی و عليک التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد

٢٦٧ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هوالله

قطر مصر دوفرع سدرهٴ مبارک آقاميرزابزرگ و حضرت آقاميرزا حبيب

عليهما بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

ايهّا الفرعان المحترمان من السدرة المبارکه مکاتيب آن دو فرع لطيف واصل و از مضمون ثبوت مشحونش روح و ريحان حاصل گرديد نظر عنايت هميشه با شما بوده و خواهد بود مطمئن باشيد در نزد من مکرّم و محترميد و از خدا ميطلبم که در ملکوت ابهی سبب رو سفيدی جميع افنان سدرهٴ الهيّه گرديد و بثبوت و رسوخی مبعوث شويد که ندای تحسين از ملاءاعلی بسمع ظاهر بشنويد و ليس ذلک علی الله بعزيز از جهت آن واقعه

\* ص225 \*

محزون مباشيد اينگونه امور عرضيست و چون سراب فانيست ميگذرد آنچه در ملکوت الهی مقدّر بجهت شما باقی و مقرّر مکتوبی به آقازين العابدين مسطور شد و نزد آقا سيد علی اکبر فرستادم باو برسانند در اين خصوصات بحضرت ابوی چيزی مرقوم ننمائيد قابليّت ندارد باری بکمال استقامت بر امرالله مشغول تحصيل کمال شويد و بکسب و تجارت خود بپردازيد والبهآء عليک و علی کل ثابت راسخ علی عهد الله و ميثاقه ع ع مقابله شد ٢٦٨ خط مبارک

هوالابهی

مصر حضرت افنان جناب ميرزابزرگ عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالقيوم

اي شاخ لطيف از سدرهٴ الهی آنچه مرقوم نموده بوديد مشاهده گرديد و ملاحظه شد سبب روح و ريحان شد و باعث اميدواری حصول موهبت رحمن زيرا فروع شجرهٴ مبارکه بايد در جميع احوال و احيان بنفحات تقديس اصل دوحهٴ مقدّسه مهتز باشند تا فرع تابع اصل باشد و جزء متفرع از کل هر عضوی آيت باهرهٴ هيکل مکرّم گردد و مظهر موهبت روح مجسّم تا فرعيّت اخلاق با عضويّت اعراق جمع گردد و متفرّع از عنصر جان و دل شود آنوقت موهبت و رفعناه مقاماً عليّا جمال

\* ص226 \*

جمال بگشايد و کوکب عنايت از مشرق الطاف رخ بنمايد والبهآءعليک و علی کل من ثبت علی الميثاق ع ع مقابله شد ٢٦٩ خط مبارک

# هوالابهی

ربّ اجعل صدر هذا الافنون منشرحاً من کل الشئون بنفحات قدسک يا حيّ قيّوم و نوّر وجهه بشعاع ساطع لائح من فيض نيّرک الاعظم و احی قلبه بنسيم منبعث من حدائق قدسک يا ربّی الاکرم و اجعله ثابتاً علی عهدک ثبوتا لايزعزعه الزوابع فهيذااليوم المشهود يا ربّی المعبود انّک انت العزيز المحبوب ع ع مقابله شد

# هوالابهی

حمداً لمن اشرق و لاح و ظهر و باح و قدّر و سمح و اباح لکل کينونة نورانيّه و حقيقة رحمانيّه ان تستفيض من فيض غيوث رحمته و تزئر کالليوث فی غياض موهبة و تسبح کالحیتان فی حياض نعمته و تترنّم کالهزار فی رياض عناية و النور الساطع من الافق الابهی يغشی و يحفّ بالسدرة المنتهی والشجرة الثابتة الاصل المرتفعة الفرع المستمرّة الزهر الدائمة الاکل و الها و اوراقها و اثمارها ع ع

مقابله شد

\* ص227 \*

# هوالابهی

يا ايّها القضيب الرطيب ان شئت ان ترتفع الی الملأ الاعلی و تنشا و تنموا

نمّواً شاهقا تمسّک بالعروة الممدودة بين الارض و السمآء و اخضّر باوراق ذکر ربّک لتزهر بازهار تعبق رائحة فی شرق الارض و غربها و تحيی افئدة الذين انجذبوا بنفحات الله و استبشروا ببشارات الله و تنوّرت وجوههم بانوار الله المهيمن القيوم ع ع مقابله شد

مثل کلمة طيبّه کشجرة طيبّه اصلها ثابت و فرعها فی السمآء اعلم انّ حسن

الاخلاق و لطف الشّيم الشائعة الذائعة فی الآفاق اذا وافق شرف الاعراق النسبة کلیّة رحمانيّه و البضعيّة حقيقة نورانيّه فالفرع مطابق الاصل فی جميع الشئون و الاحوال والجزء موافق الکل في کل المراتب والاسرار عند ذلک يظهر ظهور الشمس فی رابعة النهار انّ الفيض ممتّد الاثار و انّ النور الفائض من شمس الحقيقه نورالنجوم و الاقمار ع ع مقابله شد

شيراز جناب آقاميرزا فضل الله ابن بنان الملک علی بهآءالله الابهی

يک نسخه از اين نامه را بجهت جناب ايادی حضرت ابن ابهر ارسال داريد زيرا ايشان نيز از مسئلهٴ حضرت صادق و سابعيّت سئوال نموده بودند بعضی اوقات از کاتب اوراق سهو حاصل ميشود يا کلمه‌ئی حذف ميگردد ولی معلوم ميشود ع ع مقابله شد

٢٧٠ اصل اين سه سطر بخط مبارکست

\* ص228 \*

اي بندهٴ‌آستان مقدّس نامهٴ بيست و نهم ذی حجة ١٣٢8 رسيد و نامه‌های ديگر بواسطهٴ سفر و حرکت و اغتشاش راه چاپار نرسيد ولی چندی پيش بشما نامه‌ئی نگاشته گشت و سفارش و توصيهٴ تامه گرديد که با شخصی که مستخدم در نزد او هستيد نهايت امانت و ديانت و صداقت و همّت را در حقّ او مجری داريد زيرا از آنان در خراسان در حقّ جناب فروغی نهايت رعايت مجری گرديده درمقابل اين انسانيّت شماهم بايد بصدق نيّت سلوک و حرکت نمائيد عجيب است که آن نامه نرسيده از عنايات ربّ الالطاف استدعا ميشود که محفل درس اطفال منتظم گردد و متعلمين ترقّی و نجاح و فلاح بيابند مرقوم نموده بوديد که الحمدلله در شيراز قلوب در پرواز است و انشآءالله در آينده با ملأاعلی هم آهنگ و هم آواز سئوال از رئيس که در آيهٴ مبارکه مذکور است نموده بوديد اين رئیس عالی پاشاست که سبب نقل از عراق به حدود ايفلاق و از آنجا بسجن عکّا شد و مقصود از جبل تينا و زيتا دو جبل مقدّس است که در قرآن به تين و زيتون ناميده شده و در ارض مقدّسه واقع شده‌اند و امّا ک و ظ حروف مقطّعه که در بدايت لوحی از الواح مبارک صادر مقصد اسم کاظمست و ارض حمرا و کثيب احمر مقصد مقام قضاست زيرا در اصطلاح اهل الله بيضا مقام مشيّت است و خضا مقام قدر است و حمرا مقام قضاست و صفرا مقام امضا پس ارض حمرا مقام شهادت کبراست اينست که حضرت اعلی روحی

\* ص229 \*

له الفدآء در احسن القصص خطاباً بجمال مبارک ميفرمايند يا سيّدنا الاکبر قد فديت بکلی لک و ما تمنّيت الا القتل فی سبيلک و امّا مقام فنا در نزد صوفيّه آنان را گمان چنان که حقيقت حادثه ممکن است تجرّد از عالم حدوث نمايد و باوصاف قديم متصّف گردد نظير آتش در آتش و آهن که از صفت حديدی تجرد حاصل نمايد و صفت نار در او ظاهر و آشکار گردد و اين مقامرا گويند برياضت و سلوک حاصل گردد و ظهور آنرا بتوّهم تصوّر در خود مينمودند لهذا اناالحق ميگفتند و حال آنکه حادث از صفت حدوث که لازمهٴ ذاتی اوست تجرّد نتواند چه که لزوم ذاتی اوست و لزوم ذاتی انفکاک از ذات شئ ننمايد امّا در الواح الهيّه ذکر مقام فنای از خود و بقای بالله هست مقصود از فنا در الواح الهيّه اينست که انسان بکلی خود را فنای حق کند يعنی منقطع از هر چيز گردد و روح و قلب و جسم و راحت و سرور و نعمت و عزّت جميع شئون شخصی خويش را فدای حق نمايد و از لذائذ و هواجس عالم ناسوت در گذرد و تجرّد از شئون بشری خويش نمايد و بنار محبّت الله برافروزد و لسان بذکر و ثنای حق بگشايد و باوصاف تقديس و تنزيه متجلی گردد و بتربيت خويش و هدايت نفوس پردازد يعنی جميع شئون متعلق بخود را فدا و فنا نمايد چون باين مقام رسد ابتّه پرتو عنايت برافروزد و حجبات بيگانگی بسوزد و اراده و مقصدی از برای او نماند در تحت ارادهٴ الهی متحرّک گردد و بنفثات روح القدس زنده شود

\* ص230 \*

شود امّا آتش و حديد هردو از عالم عنصر است ممکن است متصّف بصفات يکديگر شوند ولی قِدم و حدوث را اتّصال و اتّحاد و مشابهت ممتنع و محالست و امّا مسئلهٴ امام جعفر صادق که سابع چهارده معصومست چون از حضرت رسول حساب نمائی سابع ميشوند و امّا کلمهٴ موسی ابن جعفر ابو موسی جعفر بوده ابو حذف گشته و امّا مسئلهٴ قائميّت ايشان و بدا در بحارالانوار از عثمان ثوری روايت شده از حضرت صادق که فرمودند اين امر در خصوص من بود يعنی از مشيّت الهی چنين گذشته بود که من خروج کنم و زمين را پر از عدل و داد نمايم ولکن بدا واقع شد و همچنين مجلسی در بحار از حضرت صادق روايت کرده که فرمودند وقت اين امر در سال صدو چهلم بود لکن آنوقت بشما خبرداده شد شما آنرا فاش نموديد از اين جهت بود خداوند آنرا يعنی آنوقت را تأخير نمود ايضاً روايت کرده که حضرت صادق عليه السلام فرمودند يا ابا اسحق اين امر دربارهٴ من بود وقتش بتأخير افتاد و امّا در خصوص حضور من بشيراز هذا امر موکولُ علي تأئيد ربّک الرحمن ع ع مقابله شد ضميمه لوح ٢٧٠ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطهٴ جناب بشيرالهی

جناب ميرزا فضل الله شيرازی عليه بهآء الله الابهی

# هوالله

ای بندهٴ اسم اعضم نامهٴ مفصّل باعدم فرصت بدقّت ملاحظه گرديد لهذا مختصر

\* ص231 \*

جواب مرقوم ميشود بايد شما بکوشيد که بجهت حضرت شاهزاده کار ديگر پيدا نمائيد بلکه انشآءالله موفّق گرديد ع ع مقابله شد ٢٧١ خط مبارک

هوالابهی

ش جناب جواد عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

ای ناظر بملکوت وجود اهل سجود را جبينی روشن چون آفتاب انوار از فيض مقام محمود بايد و موقنين بآيات کبری را رخی نورانی از الطاف سبحانی شايد سرمست جام الهي را نشئه و سرور لازم و مستبشر بموهبت ملکوت را فيض حبور واجب های و هوی سرمستان لازم و جوش و خروش عاشقان واجب و الا سنگ سخت به از دل مرده و وجود افسرده و البهاء عليک ع ع مقابله شد

٢٧٢ خط مبارک

هوالابهی

ش جناب حاجی عبدالله عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

ای ناطق بذکر الهی گويند انسان ناطقست يعنی مدرک بدرک حقايق کليه و واقف اسرار معانی

\* ص232 \*

معقوله ولی در نزد حکمای حقيقی الهی درگاه حضرت نامتناهی نطق ثنای جمال قدمست و بيان اوصاف اسم اعظم والا حيوان صامت به از انسان ناطق نادان فخر دانايان و سرگشته و حيران به از مدّعی علم و عرفان ربّ زدنی فيک تحيّرا والبهآء عليک و علی کل ثابت علی ميثاق الله ع ع مقابله شد

بمبائی بواسطه جمشيد خداداد

بلوچستان کويته ميرزا فضل الله خان عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای يار مهربان نامه ئی که بجناب منشادی مرقوم نموده بودی ملاحظه گرديد چون آن ثابت پيمان بجهان پنهان شتافت و از پيمانهٴ لقا نشئه يافت لهذا اين آواره جواب مينگارد چندی پيش جواب نامهٴ شما ارسال گرديد عجيبست که تا حال نرسيده در اين ايّام از تأئيدات ملکوت الله الحمدلله بند و زنجير از گردن آوارگان برخواست و سلاسل و اغلال بر رقاب اهل عدوان قرار يافت ستمکاران گرفتار ناکامی شدند و ظالمان مقهوراً مذموماً مدحوراً اسير زندان شدند حال ببقعهٴ مبارکه از هر طرف ياران از ايران و ترکستان و شرق و غرب و اروپا و امريک متتابعاً وارد و بهيچوجه مانع

\* ص233 \*

و حائلی نه کل بزيارت عتبهٴ مقدّسه در نهايت تضرّع و ابتهال با عبدالبهآء

ساجدند و استفاضهٴ فيوضات نامتناهی مينمايند ياران در سرور و حبور و بدخواهان مأيوس و مذموم و مدحور از فضل و عنايت حق اميد چنانست که شما مشمول نظر عنايت شويد و در نهايت فرح و مسرّت ايّام بسر بريد بجناب آقاميرزا عزيزالله تحيّت مشتاقانه برسان اميدوارم که در جميع امور موفّق و مؤيد گردند و عليک البهآء الابهی ع ع مقابله شد ٢٧٤ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

٩

جناب آقاميرزا فضل الله خان زائر عليه بهآءالله

# هوالله

ای اسير محبّت آن دلبر آسمانی شکر کن خدارا که ببقعهٴ نوراء رسيدی و بتراب عتبهٴ مقدّسهٴ جمال ابهی تيمّن و تبرّک جستی مطاف روحاني را يافتی و مرکز ربّانيان را شناختی و ايّامی با آوارگان الفت نمودی و با مشتاقان همداستان گشتی حال بايد بطهران شتابی و درس تبليغ بخوانی و در براهين و حجج الهيّه چنان مهارت يابی که اهل علوم و فنون را عاجز نمائی چون چنين اکليل جليل بر سر نهی سبب فخر و مباهات پدر گردی و علت سرور و حبور جميع خاندان شوی و چنان ثبات و استقامتی بنمائی که ديگران حيران شوند و جميع بصورت

\* ص234 \*

واحد گويند که اين جوان خلق جديد است و اين نهال نورسيده سرو آزاد حويبار ربّ مجيد جميع ياران را از قبل من تحيّت ابدع ابهی برسانيد و عليک البهآء الابهی ع ع مقابله شد ٢٧٥ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطهٴ آقاميرزا فرج الله خان

اصفهان جناب ميرزا باقرخان عليه بهآءالله

# هوالله

اي جناب باقر ماهر بر نفس قاهری و بقلب طاهری و بديده ناظری و بروح حاضری خوشا بحال تو که از کثرت بواحد حقيقی پی بردی و از حجبات ضلال نجات يافتی و بسر چشمهٴ حيات رسيدی و کأس هدايت نوشيدی و بموهبت عظمی موفقّ شدی پس روش و سلوکی گير که سبب هدايت ديگران گردی و عليک التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد

٢٧٦ خط کاتب مهر و امضاء مبارک

جناب آقاميرزا عزيزالله خان وجناب آقاميرزا فضل الله خان

و جناب آقاعبدالصمد خان عليهم بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

ای ياران مهربان وثيقهٴ اتحاد و اتفّاق که بانشآء يکی از بندگان مقرّب کبريا

مرقوم شده بود تقديم

\* ص235 \*

عبدالبهآءنموديد لهذا اين عبد در نهايت سرور تضرّع بملکوت وجود نمود که اين اتفّاق و اتحّاد الی الابد در جميع عوالم الهيّه باقی و برقرار ماند الهی

الهی ثبّت قلوب هؤلآء علی الحبّ والوفآء و اجعلهم آيات الوحدة و الألفة

و الثبات بين کائنات حتّی يرتلوا کلمات الحبّ في سائر الجهات و يدعوا الکل الی الحّی القيّوم فی هذا اليوم المشهود و يرفعوا راية الوداد بين العباد و يصبح

الاقانيم الثلاثه نفساً واحدة في جميع الشئون و الاحوال ربّ ايّدهم علی الوفاق و جنبّهم عن النّفاق و احفظهم من الشقاق و ثبّتهم علی الميثاق و احعلهم منجذبين الی نيّرالآفاق و طائفين حول کوکب الاشراق انّک انت الکريم الرحيم العزيز المنّان ع ع مقابله شد ٢٧٧ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

شيراز بواسطه بشير الهی بواسطهٴ جناب آقاميرزا جلال ابن مرحوم ملاعبدالله

زرقانی بهآئی جناب ميرزا محمّد باقر خان اصفهانی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي بندهٴ صادق جمال ابهی شکر کن خدارا که بعون و عنايت حق موفّقی و بخيرخواهی احبّای الهی مؤید ياران را شايان چنان که جان رايگان در سبيل يکديگر فدا کنند و بخدمت و اعانت و صيانت پردازند شمع را روشنی بايد و طاوس علييّن را جلوه در بهشت برين

\* ص236 \*

شايد تا شهپر تقديس گشايد و گلزار و گلشن بيارايد حمد کن خدارا که

مؤمنی و موقن و ثابتی و راسخ و انشآءالله جور و جفای ستمکاران را سدّ حائلی

امروز هر يک از احبّای الهی بايد حفظ و حمايت ديگری نمايد و بقدر امکان قلوب را شادمانی بخشد و نفوس را انشراح روحانی دهد وعليک البهآءالابهی ع ع

مقابله شد ٣٧٨ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطهٴ جناب آقاميرزا محرم عليه بهآءالله الابهی

جناب باقر ماهر اهل الصاد عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي ثابت بر پيمان نامه ات رسيد آنچه آه و فغان نمائی و مضطرب و پريشان باشی حق با تست ولی سزاوار اينست که در نهايت اطمينان و ثبوت و ايقان خدمت بآستان رحمان نمائی زيرا اين محن و بلايا در سبيل کبرياست و تحمّل اين جام تلخکام در محبّت جمال ابهی بايد بنهايت سرور و شادمانی نوشيد و بدرگاه ستايش و نيايش و شکرانه نمود که الحمدلله موهبت هدايت بخشيد و فضل و عنايت فرمود و در سبيل محبّتش گرفتار بلايا و مصائب کرد اين عين موهبتست و مقام رحمة من يشآء و عليک البهآء الابهی ع ع مقابله شد

٢٧٩ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

\* ص237 \*

شيراز بواسطهٴ حضرت افنان جناب ميرزابزرگ

جناب محمّد باقرخان من اهل الصاد عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي بندهٴ الهی صدمات شديده ديدی و مشقّات عظيمه کشيدی حمد کن خدارا که لائق و سزاوار اين موهبت بودی که مورد عقوبت در سبيل حضرت احديّت شدی جهانيان کلاً و طراً نشانهٴ تير قضايند و هدف سهام بلا شاعر ترک گفته يو قدر سپر بو گنبد فيروز فامده ذرّات جمله تير قضايه نشانه در اعظم ملوک امپراطور روس بود با طبل و کوس ملاحظه نما که چگونه مأيوس شد و جميع خاندان سلطنت با خون دل همدم و مأنوس و همچنين سائر بزرگان و سروران نوبت هر يک رسد مقصود اينست که اوّل رجال عالم ملوکند و ملوک چنين ديگر قياس حال ديگران نما امّا تفاوت اينجاست که جهانيان در سبيل هوی و هوس آزرده گردند و دل و جان پژمرده و افسرده

دارند هريک مورد بلا و مبتلای آلام و جفا گردند و شما نيز هدف تير بلا ولکن اين در سبيل جمال ابهی و آن در ره نفس و هوی ببين تفاوت ره از کجاست تا بکجا مقصود اينست بايد از بلايای وارده شکرانه نمود زيرا در ره جانان بود نه جان و در عشق گُل بود نه تعلق بگِل اميدوارم که انجال اجلآء در کهف حفظ و حمايت ربّی الاعلی محفوظ و مصون و محفوظ

\* ص238 \*

ماند و پرتوی از نور هدايت بر بصر و بصيرت والده شان زند و ليس ذلک علی الله بعزيز و عليک التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد ٢٨٠ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

شيراز جناب ميرزا فضل االه خان ابن بنان الملک

# هوالله

ای يار مهربان نامهٴ شما رسيد بجان عزيزت قسم که عبدالبهآء فرصت تحرير يک سطر ندارد اين سئوالاتی که شما فرموده بوديد يک کتاب جواب ميخواهد لهذا گذاشتيم بلکه انشآءالله وقتی ملاقات حاصل شود شفاهاً جواب داده شود والا بتحریر ممکن نیست وعليک بهآءالابهی ع ع مقابله شد

٢٨١ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطهٴ جناب آقارضا

شيراز جناب ميرزا عبدالصمدبن رفيع البديع جناب ميرزا ابراهيم جناب ميرزا مسيح جناب ميرزا فضل الله خان جناب ميرزا عزيز الله خان عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

اناجيک يا مناجی الناجی فی جنح الليالی و اذکرک في صباحی و مسائی و اتضرّع اليک يا ربّ الاسرار فی الاسحار بعين باکيّه و نار حاميه و دمع وافق و قلب خافق و روح شائق ان تؤيد المخلصين علی التأسّی بالنور المبين والانجذب الی مرکز الانوار والالتهاب بالنار

٢٨٢ خط کاتب و مهر وامضاء مبارک

\* ص239 \*

الموقدة في قلوب الابرار ربّ اجعلهم مراکز للسنوحات الرحمانيّه و مصادر للشئونات الرّبانيّه مطالع للانوار الرّحمانيّه و مهابط للالهامات الصمدانيّه و انطقهم کطيور القدس فی روض مشکور و وفّقهم علی کل عمل مبرور حتّی تشرق منهم الوجوه اشراق النور بسطوع موفور ربّ‌اجعلهم آيات الهدی و کلمات التقوی و اشجاراً طيّبة اصلها ثابت و فرعها فی السمآء مزيّنة باوراق الاسرار مؤنّقة بازهار التذلل و الأنکسار محلية باثمار الاثار دانية القطوف مرتفعة الفروع خَضِرة نَضِرة ريّانة بفيض الملکوت و رشحات فضلک فی يوم النّشور انّک انت الکريم الغفور و انّک انت العزيز الرحيم علی کل عبدٍ شکور لااله الا انت الکريم المجيد المشکور ع ع مقابله شد

شيراز بواسطهٴ آقاميرزا علی اکبر و آقاميرزا طراز عليهما بهآءالله الابهی

جناب آقا محمّد باقر مهاجر از اهالی اصفهان عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ثابت بر پيمان نامهٴ تو رسيد مضمون آيت استقامت بر امر حق بود و نشانهٴ

شناسائی يار بی نشان جميع بشر هر چند بطراز خلعت انسانی مزيّن ولی از حقيقت آن بيخبر اين موهبت کليّه در حقيقت انسانی جلوه نموده ولی انسان غافل و ذاهل يک معنی از معانی آيهٴ مبارکهٴ

\* ص240 \*

انّه کان ظلوماً جهولا اينست الحمدلله احبّای الهی منتبه باين الطاف و احسان و منجذب اين موهبت بيپايان اذن حضور خواسته بودی اگر بنهايت روح و ريحان ممکن و در حضور و رجوع راحت دل و جان مهّيا مأذونی و الا تا آنکه اسباب فراهم آيد و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد ٢٨٣ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

٢٨٤ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

شيراز جناب عطآء نظام محمّد حسن ميرزا عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای عطآء نظام حمد کن خدارا که عطآء عزيز علام گرديدی و شهد بقا چشيدی صبح هدی ديدی اشراق انوار ملاحظه نمودی خاموش بودی روشن شدی مدهوش بودی هوشيار گرديدی مخمود بودی پرجوش شدی اين از مواهب عظيمهٴ حضرت پروردگار است شکر نما و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

طهران بواسطهٴ جناب حاجی ميرزا عبدالله

جناب فضل الله شيرازی جناب عبدالحسين بنّا جناب محمّد علی قمی جناب لطف الله بزّاز جناب سيّد ابراهيم بنّا جناب عزيز الله شيرازی جناب ميرزا حسن بروجردی علیهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ثابت بر پيمان نامهٴ مبارک ياران با نهايت رقّت تلاوت

\* ص241 \*

گرديد بدرگاه حضرت احديّت تبتّل و تضرّع شد که ای پروردگار اين ياران صادق را از امتحان فارغ کن و اين بندگان لائق را بعنايت خويش فائق نما هر يک را جبل راسخ فرما و طود باذخ کن تاج عبوديّت بر سر نه و سلطنت ابديّه احسان کن وسعت معيشت بخش و عزّت ابديّه ارزان فرما توئی دهنده و بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده و پذيرنده و عزيز و مستعان ع ع مقابله شد

٢٨٥ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بمبئی لاهور

جناب عزيز الله خان و جناب فضل الله خان و جناب هندوی بهائی عليهم

بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ياران روحانی مکاتبی که بجناب منشادی من ادراک لقآء ربّه و بعبدالبهآء مرقوم نموده بوديد ملاحظه گرديد از عدم مجال باختصار جواب مرقوم ميشود که اگر چنانچه اسباب سفر مهيّا من استطاع اليه سبيلا که در کمال راحت و خوشی و مسرّت بارض مقصود مشرّف شويد و بروح و ريحان مراجعت نمائيد و ببشارات پردازيد و نشر نفحات الله در آنصفحات کنيد مأذون حضوريد و عليم البهآء الابهی ع ع

مقابله شد

٢٨٦ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک بواسطهٴ

\* ص242 \* بواسطهٴ آقا محمّد حسن بلوری

جناب آقا ميرزا فضل‌الله خان عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای بندهٴ حق نامهٴ شما ملاحظه گرديد و مطلب معلوم شد ولی عبدالبهآء بايد خير شما خواهد نه ميل شما خير شما در اينست که در شيراز و يا طهران بقدر امکان بکار و عملی پردازيد و در ضمن در لسان انگليسی نهايت مهارت پيدا کنی و اگر ممکن در دستگاه انگليسها ولو مأموريّت جزئيه باشد قناعت نمائيد تا لسان را چنانکه بايد و شايد تحصيل نمائيد بعد به مسافرت پردازيد ارض مقصود دائمأ منقلب است ناقضان هر روزی فسادی نمايند اسباب سکون و قرار نه تا انسان تحصيل نمايد و يا آنکه بخدمت پردازد در آنجا بهتر بخدمت توانی پرداخت نيّت خدمت بنمائيد اسباب فراهم آيد و تائيد ميرسد مطمئن باش وعليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

٢٨٧ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هوالله

سروستان جناب استاد حسن کوزه گر عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای منجذب روی بها هرچند خانه بتالان دادی و کاشانه بتاراج

\* ص243 \*

لانه‌ات بروفتند و آشيانه‌ات بسوختند غم مخور و آزرده مشو تو مرغ آشيانهٴ توحيدی لانه در شاخسار سدرهٴ منتهی داری و بيسر و سامان در سبيل رحمانی خانه و کاشانه در جوار يزدان خواهی اين تالان نبود چه که خانه را معمور و آبادان کرد تاراج نبود معراج خواهد گشت چه که خفيف خواهی شد لطيف خواهی شد در اوج انقطاع عروج خواهی نمود مالی که در راه حق بتالان و تاراج رفت گنج روان خواهد شد و کنز آسمان خواهد گرديد ع ع مقابله شد٢٨٨ خط مبارک

جناب زائر آقاغلامحسين خان سروستانی

زيارت من استشهد فی سبيل الله جناب کربلائی صادق اخوی کربلائی حسنخان عليهما

بهآءالله الابهی

# هوالله

التحية و الثنآء من الملاء الاعلی عليک يا من استشهد فی سبيل الله و انجذب

بنفحات الله و صدّق بکلمات الله و آوی الی الرکن الشديد و الحصن الحصين و الکهف المنيع و احتمل فی سبيل البهآء کل مشقّة و بلآء و شماتة الاعدآء و شتائم الزنمآء و ما اخذته سطوة الظالمين و لاخوفة صفوف الملحدين بل دعا الی سبيل ربّه تحت سلاسل المشرکين و نطق بالحق فی محافل المنکرين اشهد بانّک اقمت الحجّة و حدّثت بالنعمة و قوّمت المجحة واجتنبت النقمة و ما وهنت فی الثبوت و الاستقامه و استهدفت

\* ص244 \*

و استهدفت السهام و الاسنّة و لم تفتر فی التحديث بالرحمة قد قاموا عليک

اولوا النفاق و ظلمک اهل الشقاق و لم يترکوا اذی الا اجروه علی جسمک العزيز و عذّبوک العذاب الشديد فيهذا السبيل و اودعوک فی السجن العظيم و ضربوک بالسياط لحبک ربّک الوحيد الفريد طوبی لک من هذاالفضل العظيم بشری لک من هذا الجود المبين اسئل الله ان يجعل مشامی معطّراً بالمسک الذّکی الذائع من مرقدک المنير و عليک البهآءالابهی و علی اخيک الذی نبذ الهوی و اخذ بالتقوی و آمن بربّک الاعلی و انجذب الی الملکوت الابهی و ما نحل ببذل الروح و ما خوله الله من متاع الدنيا و عليه البهآء و عليه الثنآء و عليه التحيّة فی النشأة الکبری و علیکما البهآءالابهی ع ع مقابله شد ٢٨٩ خط کاتب و مهر مبارک

بواسطهٴ جناب آقاميرزا اسدالله

جناب آقا مرتضای سروستانی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي ثابت بر پيمان الحمدلله نفحات رحمن در انتشار است و صيت ملکوت در اشتهار دوستان مانند کشت پر برکت در ازديادند و ياران مانند اوراق و ازهار شجرهٴ مبارکه در نشو و نما از جمله سروستان چنانکه مرقوم نموده‌ايد در بارهٴ آن نفوس مومنهٴ جديده از محلهٴ تِزَنگ و هفتو که در ازديادند بدرگاه جمال مبارک عجز و نياز نمايم آنان را فيض بيمنتها خواهم فضل بيمثال جويم عون و عنايت طلبم جود

\* ص245 \*

و موهبت خواهم بشارت اين دعا را بايشان برسانيد بامة الله المحترمه ضلع و دو صبيّه مكرّمه گلشاد و عطيّه تحيّت بهيّ ابلاغ داريد انشآءالله مانند پدر و مادر آن دو دختر نيز منجذب محبّت الله باشند و مشتعل بنار هدايت الله بجناب آقاميرزا آقا و جناب امرالله و جناب شکرالله و جناب ذکرالله و بديع الله

بنهايت اشتياق و تحيّت ابدع ابهی ابلاغ داريد و عليک البهآءالابهی ع ع

مقابله شد ٢٩٠ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

جناب حاجی محمّد باقر را از قبل من تحيّت مشتاقانه و تکبير محترمانه برسان ع ع

مقابله شد

سروستان جناب ميرکريم زائر عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي ثابت بر پيمان نامهٴ شما رسيد و از مضمون واضح گرديد که الحمدلله ياران

سروستان در بوستان محبّت الله سرو روانند و در گلستان معرفة الله گل و رياحين در نهايت روح و ريحان قدمی ثابت دارند و قلبی راسخ و لسانی ناطق فی الحقيقه ياران آن ديار مستفيض از انوار الطافند و مستنير از مصباح يوقد و يضئی من شجرةٍ مبارکةٍ فيکّل الديار اين عبد نهايت سرور از آن حزب مشکور دارد و در شام و بکور بدرگاه ربّ غفور عجز و زاری نمايد و آن ياران را نجاح و فلاح و رستگاری خواهد اميدم چنانست که سروستان لانه و آشيانهٴ طيور آسمانی گردد و چمنستان اهل حقيقت شود و ليس هذا علی فضل ربّی الرحمن ببعيد جناب ميرتاج از خدا خواهم که تاج موهبت بر سر نهد و امة الله گوهر بنور محبّت الله در نهايت تلئلأ گردد و مير محمّد اسمعيل آرزوی قربانگاه عشق

\* ص246 \*

نمايد و مير عبدالغفّار از حزب ابرار محسوب شود و مير عبدالرسول در آستان مقدّس مقبول گردد و مير محمّد مهدی آيت هدی شود و کربلائی شکرالله بشکرانهٴ خداوند يگانه پردازد که بخدمت امر موفّقست و ملاعلی مظهر لطف خفی و جلی گردد و جناب حيدرعلی زائر در ميدان عرفان صفدر شود و آقا رضا برضای حقّ موفّق گردد و آقا غلامحسين خان مرحوم در دريای رحمت پروردگار مستغرق شود و بر ورد مورود وارد و بر رفد مرفود فائز و از کوثر عفو سيراب و در عتبهٴ ربّ الارباب مغبوط اولی الالباب گردد و جناب درويش ابن محمّد علی شهيد ابن شهيد را از قبل من نهايت مهربانی مجری داريد از الطاف مربّی حقيقی جمال مبارک رجا مينمايم که خلعتی بديع عطا فرمايد تا هر دم خلقتی جديد گردد و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد ٢٩١ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

شيراز سروستان جناب آقامحمود ابن آقا شکرالله عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي بندهٴ حق نامهٴ شما رسيد و بدرگاه حضرت عهديّت تبتّل و تضرّع گرديد و طلب آمرزش بجهت پدر و مادر آن بنده الهی شد اي پروردگار بندهٴ درگاه محمود آرزوی غفران پدر و مادر کند و در نهايت شرمساری و خجلت رجای آن دارد که ابوين غريق بحر رحمت گردند و برفيق موهبت مؤيد شوند پروردگارا عبدالبها نيز اين رجا نمايد پس حاجت دو ذليل را در ملکوت

\* ص247 \*

جليل قبول فرما اي بندهٴ حق بجناب درويش ابن شهيد ابن شهيد نهايت نوازش از قبل من بنما که دعا نمايم و او را راحت از زحمات و مشقات ديون خواهم بامة الله ضلع محترمه تحيّت ابدع ابهی ابلاغ نما و عليک البهآء الابهی ع ع مقابله شد٢٩٤ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطهٴ جناب بشير الهی

جناب حاجی خان وجناب خان بابا سروستانی وعليخان و نوريجان و بدع الله و قدسيّه خانم و ملامحمّد علی معلم و مرتضی و ستاره خانم و آسيه خانم و شمائل خانم و عطآءالله و حاجی آقا و کربلائی امام قلی عليهم و عليّهن بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ياران و امآء رحمن مفتون محبّت الهی حاجی خان و خان بابا نامهٴ نگاشتند و ذکر جميع شما را داشتند تائيد و توفيق طلبيدند و بر تحرير نامه بنام نامی کل رجا و تشويق نمودند عبدالبهآء با وجود مشاغل نامتناهی مجبور بر آنست که جميع را بيک نامه ياد و ذکر نمايد و البتّه ياران معذور ميدارند زيرا مجبورم مقصود اينست که بايد از جميع افکار و اطوار و آراء در کنار بود و فکر و دل و جان را محصور در خدمت حضرت پروردگار کرد زيرا آن دلبر آفاق نه چنان جلوه نموده که انسانی باوجود انتباه و اشتياق آشفته و رسوائی نگردد اگر نفسی تکاهل کند يا

\* ص248 \*

تجاهل نمايد دليل مردگی و پژمردگی و افسردگيست چشم بينا البتّه مفتون آفتاب گردد و گوش شنوا يقين است که متلذذ از نغمات ملاء اعلی شود تشنهٴ بيتاب البتّه آب گوارا جويد و عليل دانا لابد طبيب حاذق توانا خواهد اميدوارم که کل مؤيد و موفّق باين موهبت عظمی گرديد و علیکم و عليکّن البهآء الابهی ع ع مقابله شد ٢٩٣ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطهٴ جناب بشيرالهی

سروستان جناب حاجی محمّد علی ابن استادحسن فخّار

# هوالله

اي ثابت بر پيمان نامه ئي که بجناب بشير تحرير نموده بودی ملاحظه گرديد و معلوم شد که جواب نامهٴ شما که چندی پيش ارسال شده بود از ناامنی راه از ميان رفته ضرری ندارد تا قوّت تحرير موجود و فرصت ميسّر تقصير نخواهد شد و تلافی خواهد گشت درجميع احيان بياد يارانيم و مشتاق جمال دوستان اگر فتوری در مکاتبه حاصل شود اين از عدم فرصت است ملاحظه فرمائيد يک زبان و يک بنان بايد با جميع احبّای جهان را فرداً فرداً مکاتبه و مخابره نمايد البتّه شير ژيان و پيل دمان نيز از عهده برنيايد تا چه رسد اين لسان و بنان فانصفوا يا اهل الانصاف عسل و نسل زنبور منذور بفروشيد و ثمن بفقرا دهيد بيت مسکون در هر صورت مال بکر است خواه از ميّت چيز ديگر باقی ماند

\* ص249 \*

يا نماند و ولد از ساير اموال نيز سهم خويش ميبرد هذا ما فرضه الله ولی خود

مورث قبل از وفات مختار است در تصرف اموال که بهر قسم بخواهد مجری دارد و همچنين ولد بکر بايد خود ملاحظهٴ وراث ديگر را بنمايد و انصاف دهد و فی الحقيقه هر انسانی بنصّ قاطع الهی بايد وصيّت نامه بنگارد تا بموجب آن بعد از او مجری شود و هذا هوالحقّ المبين واگر لاسمح الله اطاعت امر نکرد يعنی وصيّت ننمايد بايد چنين مجری داشت ع ع مقابله شد ٢٩٤ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

سروستان جناب حاجی محمّد علی ابن استاد حسن عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای دوست عزيز من نامهٴ شما را بنهايت دقّت قرائت نمودم و از قسم شما نهايت بشاشت حاصل گشت لهذا جواب مرقوم ميگردد هر چند در اينجهان فانی شادمانی نيافتی و کامرانی ننمودی هيج صبحی خفته و خندان نبودی و هيچ شامی با سر و سامان نگشتی ولی خبر نداری که همه رفقا گرفتار اين بلا گمان مفرما که در اين دنيا نفسی نَفَس راحتی کشيد و يا دمی شبنمی از دريای راحت يافت حوادث زمان و وقايع امکان همواره در کمين است و صيّاد تقدير و قضا گوشه نشين با وجود اين چگونه انسانی غريق آسايش و راحت گردد علی قول شاعر پارسی نوک خاری نيست کز خون شهيدان سرخ نيست آفتی بود آن شکار افکن کز اين صحرا گذشت و شاعر ترک

\* ص250 \*

گفته يو قدر سپر بو گنبد فيروز فامده ذرّات جمله تير قضايه نشانه در

شاعر عرب گفته عش خالياً فالحبّ راحته عناً فاوّله سقم و آخره قتل باری الحمدلله ياران تسلی عظيم دارند و تشفّی صدور در موارد بلآء عقيم زيرا از راحت جان و کام دل در اينجهان منقطعند بجهان ديگر پی برده‌اند در مورد بلا چون الطاف جمال ابهی بخاطر آرند هر تلخی شيرين گردد و هر سمّ نقيع شهد و انگبين شود اميدم چنانست که دعای شما نيز مستجاب گردد يارانی مبعوث گردند که هر يک شمع روشن شوند و گل گلشن گردند و در حدائق الهی بلبل معانی گردن و گلبانگ معنوی زنند و سبب انتشار نفحات الله در آن اقطار گردند ع ع مقابله شد ٢٩٥ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

بواسطهٴ آقامرتضای سروستانی

احبّای قديم و جديد تزنگ و هفتو و احبّای سروستان محله شيخ يوسف جناب مشهدی محمّد حسين جناب کربلائی باقر زائر جناب آقا بابا جناب شکرالله جناب محمّد رضا جناب غلامرضا جناب محمّد جناب محمّد نبی جناب حاجی بابا جناب حاجی حسين جناب مشهدی قربانعلی جناب فتحعلی جناب آقابابا جناب باباخان جناب گلعلی جناب حجی علی جناب مصطفی جناب زين العابدين جناب قربان جناب مشهدی نادعلی جناب آقاجان جناب اسمعيل جناب نجف جناب محمّد ابراهيم جناب عبدالرضا جناب مرتضی جناب آقاجان

\* ص251 \*

جناب نوروز جناب عليخان جناب قربان جناب علي حسين جناب فتح الله جناب محمّدرضا جناب حسن جناب سليمان جناب رمضان جناب عليخان جناب محمّد جعفر جناب فتحعلی جناب غلامعلی جناب لطفعلی جناب سياوش جناب ابوالقاسم جناب خداداد جناب موسی رضا جناب حسينعلی جناب خداداد خدم احبّآءالله جمال جناب کربلائی شکرالله جناب محمّد علی جناب عليخان جناب مرتضی جناب قربانعلی

جناب محمّد حسن جناب ملا محمّد علی معلم جناب سبزعلی جناب فتح الله جناب زينل ابوالقاسم جناب کاکاجان جناب مرتضای زائر .

# هوالله

ای ياران عبدالبهآء جناب آقا مرتضی نامه نگاشته و نامهای مبارک اهل بها را در آن درج نموده چون نظر بآن دفتر افتاد ملاحظه شد که ماشآءالله دفتر ماکان و يکون است قلم اعلی بايد که باصابع قدرت حضرت بيچون از عهدهٴ نگارش آن برآيد والا اين کلک شکستهٴ عبدالبهآء البتّه از عهده بر نيايد که بجميع مکتوب بنگارد لهذا جميع را بيک نامه خطاب مينمايم که ای احبّای الهی گويند که علييّن کتابيست که اسمآء مقرّبين در آن مثبوتست و حقايق مخلصين در آن موجود پس بيقين بدانيد که نامهای مبارک شما در ملکوت ابهی در لوح محفوظ و رقّ منشور مثبوت و مسطور و هر يک

\* ص252 \*

بمبارکی عبوديّت مليک وجود در ملکوت شهود بعزّت ابديّه مرزوق ستايش خداوند و آفرينش را که لوح محفوظ عالم امکان را و اوراق منشور اکوان را بنامهای مبارک ياران مزيّن فرمود اين قيد ابديست و اين ثبت سرمدی قرون واعصار منتهی گردد و نامهای فرخندهٴ ابرار باقی و بر قرار ماند و عليکم البهآءالابهی ع ع

مقابله شد ٢٩٦ خط کاتب و مهر و امضاء مبارک

هوالابهی سروستان

جناب خواجه لطفعلی جناب آقا هادی جناب آقا ميرزا عبدالله جناب عبدالرزّاق جناب حاجی علی جناب آقامحمّد علی جناب آقاعلی جناب آقا احمد جناب فتح الله جناب حاجی خان جناب باباخان جناب آقامحمّد اسمعيل جناب آقاعبدالکريم جناب آقاعبدالغفّار جناب آقاعبدالله جناب آقاعبدالرسول جناب آقامحمّد مهدی جناب آقا محمّد رضا جناب آقا ميرزا عليخان جناب آقاميرزا عبدالباقی جناب آقاميرزا آقا جناب بقآءالله جناب آقاعباسعلی جناب آقاصادقعلی جناب آقاقنبرعلی جناب عبدالبهآء الشّهير به عوض آقا عليهم بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای ياران معنوی اهل ملاءاعلی و سکان ملکوت ابهی در صباح ميثاق بشکرانهٴ الطاف زبان

\* ص253 \*

گشودند و در ساحت قدس سر بسجده نهادند که ای پروردگار مهربان ستايش و نيايش تراست که مرجع مخصوص را منصوص فرمودی و مرکز ميثاق را مشهور آفاق نمودی آيت عهد قديمت را ثابت کردی و رايت عظيمت را بلند و مرتفع نمودی شمع روشنت را شاهد انجمن کردی و سرو گلشنت را طراوت و لطافت و نضارت بخشيدی اي پروردگار جانهارا بشارتی بخش و دلها را مسرّتی عنايت فرما ابصار را روشنائی ده و بصائر را ضيآء رحمانی عنايت نما انّک انت الکريم الرحيم و انّک انت الرحمن القديم ع ع مقابله شد ٢٩٧ خط مبارک

سروستان جناب آقاغلامرضا

# هوالله

ای بندهٴ‌حق نامهٴ شما رسيد و بدرگاه جمال مبارک لابه و انابه گردی تا بعنايت حق بقدر امکان وسعتی حاصل آيد و بخدمت ياران پردازيد و جناب ميرزا ابوالفضل را از قبل من تحيّت ابدع ابهی ابلاغ داريد و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

٢٩٨ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

شيراز بواسطهٴ بشير الهی

سروستان جناب حسن ابن حاجی حسين عطّار عليه بهآءالله

# هوالله

\* ص254 \*

اي بندهء حق نامهٴ شما رسيد مضمون تبتّل بدرگاه حضرت ربّ الملکوت بود

عبدالبهآء نيز بعتبهٴ مقدّسهٴ جمال ابهی عجز و نياز نمود و از برای تو عون و

عنايت و صون و حمايت طلبيد تا در کهف منيع و ملاذ رفيع خداوند مهربان از شرّ اهل طغيان در حفظ و امان و ثابت بر پيمان باشی نجل مجيد آقا عطآءالله را از قبل عبدالبهآء تحيّت و ثنا برسان تا مانند غصون رياض بنسيم جنّت احديّت باهتزاز آيد و بمثابهٴ طيور حدائق بالحان معانی و حقائق پردازد و عليک البهآء الابهی ع ع

مقابله شد

بواسطهٴ جناب ميرزا محمّد حسين ابن ميرزا احمد علی نيريزی

جناب آقامحمّد حسن ابن حاجی حسين سروستانی عليه بهآءالله الابهی

٢٩٩ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

# هوالله

اي ثابت بر پيمان شکر کن خدارا که کأس هدی از دست بقا نوشيدی و بمنتها آمال مقرّبين رسيدی چشم بينا گشودی و مشاهدهٴ آيات کبری فرمودی و بکعبهٴ مقصود پی بردی و در ظل مبارک حضرت مقصود راحت جان و آسايش وجدان يافتی حال بايد در آنصفحات بنشر نفحات قدس پردازی و نفوس را بملکوت وجود هدايت فرمائی بعد اذن حضور ببقعهٴ مبارکه داده ميشود جناب آقاعلی محمّد و جناب حاجی خان و جناب حاجی آقا را از قبل اين عبد تحيّت ابدع ابهی ابلاغ دار

\* ص255 \*

بانهايت اشتياق ذکر ايشان را مينمايم و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد ٣٠٠ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

شيراز بواسطهء جناب بشير الهی

جناب حاجی خان و جناب خان بابای سروستانی عليهما بهآءالله الابهی

# هوالله

ای دو بندهٴ صادق جمال مبارک الحمدلله درگاه احديّت را پاسبانيد و سر بآستان منجذب دلبر آفاقيد و مفتون آن زلف مشکبار از شدّت عشق با گريبانی چاک و چشمی گريان و موئی آشفته و پريشان و آهی پنهان و داغی نمايان شاهد انجمن شديد و سرگشته و سودائی و پرشور و شيدائی دلبر آسمانی گشتيد تا بجانفشانی بر خواستيد و محفل مشتاقان آراستيد و سرخيل عاشقان گشتيد حال وقت آنست که از حضيض صمت و سکوت پرواز نمائيد و در اطراف نغمه و آواز بلند فرمائيد بهر چمنی بگذريد و مرغان خوش الحان را بنغمه و آهنگ آريد و عليکما البهآء الابهی ع ع مقابله شد ٣٠١ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

بواسطهٴ میر عبدالکريم زائر

جناب ميرتاج الدين جناب ميراسمعيل جناب مير عبدالغفّار جناب ميرعبدالرسول جناب ميرعبدالمهدی جناب آقاجلال جناب ملامحمّد جعفر امة الله والده زائر امآء رحمن همشيره های زائر امة الله ضلع آقا محمّداسمعيل امة الله ضلع آقا عبدالغفّار عليهم و عليّهن البهاءالابهی

# هوالله

\* ص256 \*

ای ياران و امآء رحمن جناب ميرعبدالکريم مسافة بعيد طی نمود تا باقليم نبأ

عظيم رسيد الحمد لله بتقبيل آستان حضرت يزدان فائز شد و بزيارت تربت مقدّسه مشرّف گرديد همواره بياد ياران بود و با چشمی گريان و قلبی سوزان طلب تائيد بجهت احبّای رحمان نمود البتّه اين عجز و نياز مقبول درگاه حضرت بی نياز گرديد لهذا عبدالبهآء منتظر آنست که آثار باهرهٴ اين تضرّع و زاری و تبتّل و بيقراری ظاهر و آشکار گردد الحمدلله خاندان هر شهيد مجيد و دودمان هر رجل رشيد مشمول نظر عنايت رحمن و رحيمند و اميد چنانست که جميع منتسبين شهدا در ظل رايت کبری در آيند و بفضل و موهبت جمال ابهی سرفراز گردند گلستان توحيد را گل و رياحين گردند و بوستان تقديس را اشجاری پر شکوفه و ثمر جديد شوند تا سبب خوشنودی شهيدان و محل تحسين اهل ملاء اعلی گردند عبدالبهآء بياد ياران و امآء رحمن مشغول و بذکر ايشان مألوف و بمحبتشان مأنوس همواره سر بآستان نهد و از حضرت يزدان عون و عنايت بيپايان طلبد امروز جهان و جهانيان کل در بحر اوهام مستغرقند امّا بهائيان با چشمی بينا و گوشی شنوا و دلی آگاه و جانی مهتّز از بشارت کبری در ظل شجرهٴ مبارکه سدرهٴ منتهی محشورند بايد بشکرانهٴ اين الطاف چنان رفتار نمايند که سبب حيرت ديگران گردند و عليکم و عليکّن البهآءالابهی ع ع مقابله شد

٣٠٢ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

\* ص257 \*

بواسطهٴ جناب ميرعبدالکريم زائر

سروستان احبّای الهی زرقان احبّای الهی مسجد بردی احبّای الهی شمس آباد احبّای الهی شيراز احبّای الهی آباده همّت آباد کوشکيک چنا وزير آباد درغوک علی آباد احبّای الهی عليهم بهآء الله الابهی

# هوالله

و انّی يا الهی قد قدرّت لی السّير بفضلک فی ملکوت الانفس و الآفاق و

وفّقتنی علی امعان النظر فی مراتب الوجود حيّز سطوع انوار الاشراق فاستغرقت فی بحار الحيرة و الذهول بما رأيت آثاراً وشئوناً تذهل منها العقول ربّ انّنی رأيت فی يوم الظهور الحشر والنشور والطامة الکبری قائمة فيکّل ربوع و حدود و ثغور و سمعت صوت النفخ الصور و النقر فی الناقور و اريتنی قيام الاموات من القبور و شاهدت امتداد الصراط الممدود و ميزان القسط الموضوع و کشفتُ تأنّق الرياض و تدفّق الحياض و تستعر النيران و تزيّن الجنان و اجتليت ملائکة الرحمه و عذت بک من زبانية النار و ابصرت الافق المبين و قرّت عينای بمشاهدة الجمال المنير و کشفت الايجاب و رايت اسراب الاحزاب ثلة مستغرقة فی الفيض العظيم و عصبة والهة فی المشاهدة فی يوم ‌الدين و قوم سايح فی بحر القديم و حزب منجذب هائم من حبّک الشديد و فرقة خائضة فی بحور الاوهام و رهط غريق فی بحار الاحلام و اناس ذاهلة عن الادراک ساقطة فی بيدآء الضلال ولکّننی سائنی يا الهی منها المناظر الموحشه و الظلمات المدهشه التی احاطت النفوس المحتجبه فی يوم اشرقت الارض والسمآء

\* ص258 \*

بانوار سطعت و لاحت بها الآفاق قد انطمست منهم الابصار و عميت منهم البصائر من مشاهدة الانوار و صمّت آذانهم عن نفحات ملکوت الاسرار و ضاقت صدورهم بما سقطوا فی حفرة الظنون و الاوهام و وقعوا فی زاوية النسيان ربّ انّنی اتذلل اليک ان تکشف الاستار عن البصائر و الابصار و تنقذ النفوس من الغر و الاستکبار و تنّجی الخائضين في غمار الظلمات ربّ کل عبادک و سکنة بلادک قد انشئتهم بانشآئک و برئتهم بقوّتک و اقتدارک ربّ قد خلقتهم آيات ربوبيتک و آثار الوهيّتک و دلائل قدرتک و براهين قوّتک فکيف تترکهم ان يخوضوا فی بحر الاوهام و ودعتهم يهيمون فی وادی الخسران و ودّعتهم فی بادية النسيان و لم تجعل لهم حظاً من الفضل و الاحسان اسئلک برحمتک التی سبقت الاشيآء ان تجعل لهم نصيباً من انوار الهدی و اهدهم الی سبيل الرشاد و اجعلهم آيات حبّک فی البلاد و احشرهم في ظل راية الميثاق و لاتؤاخذهم بما غفلوا عن ذکرک يا ربّ الآفاق انّک انت الکريم انّک انت العظيم انّک انت الرحيم انّک انت العزيز الوهّاب ع ع

مقابله شد ٣٠٣ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

بواسطهٴ جناب آقامرتضای زائر سروستانی

جناب آقامحمّد جناب آقابابا عليهما بهآءالله الابهی

# هوالله

ای دو بندهٴ درگاه کبريا جناب مرتضی مراجعت بآن صفحات مينمايند و ارمغانی از عبدالبهآء

\* ص259 \*

ميخواهند چون متوجّه بملکوت ابهی و ناظر بعتبهٴ حضرت کبريا هستند و ثابت بر پيمان و ناطق بثنای حضرت رحمان خواهش ايشان مقبول علی الخصوص در حقّ آندو شخص متعارج باوج قبول اين ايّام قرن اوّل است و عصر جليل اکبر نفوس بايد بترتيل آيات جلال مأنوس و بمشاهدهٴ ملکوت جمال محظوظ شوند عين تسنيم در جريانست و جنّت اَحديّه در نهايت تزيين مشهود و عيان حکمت الهيّه در نبعانست و کوثر الهی در فيضان و طيور قدس در نغمه الحان پس ناس را بيدار و هوشيار کنيد تا از اين فيض بحرالبحور نصيب موفور برند و از اين نغمه و آهنگ نشئه کأس کان مزاجها کافور يابند و عليکما البهآء الابهی ع ع مقابله شد ٣٠٤ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

سروستان جناب ميرکريم زائر عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي زائر مشکين نفس رؤيا تعبيرش آنست که نفوسی قصد آن نمايند تا نارالله

الموقده خاموش گردد از جهد و کوشش آنان شعله عظيمتر گردد و نفوذ کلمة الله بيشتر شود حضرت مسيح سالم ماند و ما قتلوه و ما صلبوه ولکن شُبّه لهم واضح و مشهود گردد جمال مبارک بر سرير سلطنت آسمانی جلوس فرمايد و سطوت و شوکت امرالله آفاق را احاطه کند و علیک البهآء الابهی

٢٨ ربع الثانی ١٣٣٨ عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

٣٠٥ خط کاتب و امضآء مبارک

\* ص260 \*

عراق بواسطهٴ جناب آقامحمّد مصطفی و آقا محمّد علی سروستانی

احبّای الهی در سروستان ملاحظه نمايند

# هوالله

ای ياران روحانی من وقت افول آفتابست و من بينهايت خسته و ناتوان با وجود اين اين دل و جان چنان در هيجان و مهربانست که بی فتور اين بتحرير سطور اين سطور پرداخت مقصود اينست که غافلان و بيخردان دست تطاول بظلم و ستم گشودند و هجوم عمومی نمودند زيرا از مقاومت حجّت و برهان عاجز گشتند و دست بسلاح عجزه زدند و مقصدشان اينست که بدرندگی و خونخوارگی مانند گرگان اغنام الهي را بدرند و سراج الهي را خاموش نمايند هيهات هيهات اين سبب شود که شعله شديدتر شود و شعاع بيشتر تابد و نسيم جان پرور جنّت ابهی شديدتر وزد لهذا بايد احبّای الهی باستقامتی مقاومت اين طوفان نمايند که عجز جاهلان ظاهر و عيان گردد در آنسامان بايد هر يک از ياران مانند عقاب اوج عزّت ابديّه بپرواز آيد و صيد مرغان پراکنده و پريشان نمايد تا جميع طيور در حديقهٴ ربّ غفور راه يافته بنفحات بديعه ترانه آغاز نمايند و آوازی بلند کنند که اهل فردوس در بارگاه قدس بوجد و طرب آيند و هلهله و ولوله برافرازند و عليکم التحيّة و الثنا ع ع مقابله شد ٣٠٦ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

\* ص261 \*

بواسطهٴ جناب يونسخان

جناب آقامحمّد علی سروستانی عليه بهآءالله

# هوالله

اي زائر مشکين نفس آنچه بجناب خان نگاشتی ملاحظه شد سخن گفتی و دُر سفتی و الحمدلله خانهٴ د‌ل را از خس و خاشاک غفلت و نسيان رفتی و در دبستان عشق نزد اديب الهی درس محبّت آموختی رؤيائي که ديده بودی دليل برآنست که بعون و عنايت جمال ابهی بعبوديّت درگاه کبريا موفّق خواهی شد و امرالله را عنقريب انتشاری عجيب حاصل خواهد گشت صيت ظهور مجلی طور جهانگير خواهد شد و ارض غبرآء روشن و منير خواهد گشت و عليک التحيّه والثنآء ع ع مقابله شد

٣٠٧ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

شيراز بواسطهٴ بشيرالهی

جناب حاجی محمّد علی ابن استاد حسن فخّار سروستانی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای متمسّک بعهد و ميثاق نامهٴ اخير شما بجناب آقاسيد اسدالله رسيد و بدقّت ملاحظه گرديد از درگاه جمال مبارک طلب عفو از برای حرم محترمهء شما شد که اورا غريق بحر غفران فرمايد و از برای والد

\* ص262 \*

ماجد و والدهٴ مقرّبهٴ شما نيز الطاف بينهايت از درگاه احديّت طلبيدم تا در

دريای فضل و احسان غوطه ور گردند مکتوب ياران در جوف بود جواب مرقوم گرديد و در طيّ اين مکتوبست برسانيد شب و روز ياد تو از خاطر نرود در اين انجمن مذکوری و در بين ملاء اعلی عالم بالا آستان مقدّس جمال ابهی روحی لعتبة تربته الفدا مشهوری و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد ٣٠٨ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

بواسطهٴ جناب آقامحمّد مصطفی و جناب آقا محمّد علی سروستانی

عراق ابوی محترمشان عليه بهآءالله

# هوالله

اي بندهٴ يزدان پسر پاک گهرت باديه پيمود تا رخ بخاک آستان مقدّس بسود و مشام معطّر فرمود در آن مقام نورانی زبان بعجز و نياز گشود و طلب عون و عنايت از برای تو نمود اين پسر از عهدهٴ شکرانهٴ الطاف پدر بدر آمد حال بايد پدر بغايت با مهربان گردد و لطف بيپايان مبذول دارد و شب و روز دعا کند و طلب توفيق نمايد تا پسر مانند اشجار فردوس درختی پر بارور گردد و ببرگ و شکوفه و ثمر مزيّن شود و در جويبار جنّت ابهی در نهايت تر و تازگی جلوه نمايد و عليک التحيّة و الثنآء ع ع مقابله شد ٣٠٩ خط کاتب و مهر و امضاآء مبارک

\* ص263 \*

سروستان بواسطهٴ بشيرالهی

جناب حاجی محمّدعلی باقر زائر جناب آقابابا جناب خداداد جناب حاجی حسين جناب مشهدی قربانعلی جناب فتحعلی جناب ابوالقاسم جناب آقاجمال جناب غلامرضا جناب مشهدی نادعلی جناب حاجی علی جناب مصطفی جناب زين العابدين جناب قربانعلی جناب شکرالله جناب قاسم جناب رمضان جناب عليرضا جناب استاد ربيع جناب

قربانعلی جناب اکبر جناب عبدالرضا جناب استاد مرتضی جناب استاد علی حسين جناب باباخان جناب عليخان جناب فتح الله جناب حسينعلی جناب سليمان جناب مهر علی جناب محمّد جعفر جناب فتحعلی جناب درويش عزيزالله جناب محمّد ابراهيم حناب اسد جناب آقاجان جناب آقاجان جناب کربلائی شکرالله فرزند ايشان محمّدعلی جناب محمّد تقی جناب سبزعلی جناب ملامحمّدعلی جناب محمّد حسن جناب فتح الله سليل ايشان روح الله جناب محمّد علی جناب مرتضی عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ياران عزيز عبدالبهآء چون نام مبارک آن روحانيان تلاوت شد حالت عجيبی دست داد بقول سعدی اين مطرب از کجاست که بر گفت نام دوست جان و وجدان شادمان گرديد که الحمدلله در جويبار سروستان در نهايت طراوت و لطافت سروهای روان ميخرامند و مينالند و مانند مرغ

\* ص264 \*

سحر مينالند و چون عندليب بر شاخسار معنوی گلبانگ الهی ميزنند انشآءالله سروستان جنّت الهی گردد و گلشن ملاءاعلی شود و عليکم البهآء الابهی عبدالبهآء عبّاس مقابله شد ٣١٠ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

بواسطهٴ جناب بشير الهی

جناب استاد حسن فخّار و حرم محترمه‌اش عليهما البهآءالابهی

# هوالله

ای دو حمامهٴ همدم و همراز الحمدلله در گلشن الهی پرواز نموديد و بملکوت راز پی برديد و مظهر الطاف حضرت بينياز گشتيد امّا شماتت و ملامت بدخواهان شنيديد و اذيّت زياد کشيديد و سمّ مار ستمکار چشيديد ولی چون در سبيل ربّ جليل بود اين زهر شهد بود و اين درد درمان نظر بپايان حال نمائيد اين بلايا را نتيجه عطايای الهی است و اين ملامت و شماتت را ستايش و نيايش و پرستش در پی عاقبت واضح و آشکار گردد و بنجل مجيد قنبرعلی تحيّت ابدع ابهی ابلاغ داری آن اشعار آبدار بود و مانند آب زلال و همچنين سليل جليل حاجی محمّدعلی را مع ضجيع و عبّاس را مع ضجيع و نصرت الله و مرتضی را با صبايای روحانی نهايت مهربانی برسانيد و عليکما البهآء الابهی ع ع مقابله شد ٣١١ خط کاتب و امضآءمبارک

\* ص265 \*

بواسطهٴ حضرت بشير الهی

شيراز جناب آقامرتضی زائر سروستانی ملاحظه نمايند

مناجات طلب مغفرت بجهت آقاعبّاس و مشهدی رحيم و کربلائی محمّد حسن عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

الهی الهی و سيّدی و رجآئی انّی ابتهل الی ملکوت رحمانيّتک و اتذلل الی جبروت فردانيّتک و الوذ بباب احديّتک و استفيض من سحاب رحمتک ان تشمل هؤلآء العباد لحظات حين رحمتک و الطافک و تغرقهم فی بحر عفوک و غفرانک و تجعلهم آيات فضلک و احسانک انّک انت الحنون انّک انت الغفور انک انت العفّو المقتدر الکريم الرؤف ع ع مقابله شد

٣١٢ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

هوالله بواسطهٴ بينش عمادآبادی

سروستان جناب کربلائی باقر عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای سرمست بادهٴ پيمان نامهٴ مخصوص ارسال ميگردد تا سبب شعلهء نار محبّت الله گردد اينعبد را نهايت آرزو اينست که در هر نفس بصد کس از احبّای الهی نامه نگارد و اين ميّسر نگردد ولی بخامهٴ روحانی در هر آنی نامهٴ رحمانی نگارد و اين در نهايت سرعت انجام پذيرد زيرا عالم جسمانی تنگنای عجيبی است جميع امورش

\* ص266 \*

بطئی است نهايت در هر نفسی چند قدمی طی شود ولکن روح شرق و غرب را در لحظهٴ ملاحظه مي‌پيمايد ملاحظه کنيد که چقدر متفاوتست باری مقصود چنين است که آن سرمست پيمانهٴ پيمان در ميان ياران الهی بجان و دل بکوشد تا هميشه التيام روحانی دوام نمايد و الفت رحمانی جلوه فرمايد و عليک التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد٣١٣ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

بواسطهٴ جناب زائر کربلائی محمّد باقر

جناب آقابابا و جناب آقاشکرالله و دو سليل جليل و دو صبيّهٴ محترمه و امة

الله حرم موقنهٴ ايشان عليهم و عليهّن بهآءالله الابهی

# هوالله

اي مشتاقان جمال دلبر مهربان معشوق عالميان و محبوب روحانيان و مقصود ربّانيّان و موعود بيانيان چون از عراق اشراق فرمود ولوله در آفاق انداخت و پرتوی نورانی بر اخلاق زد کون بحرکت آمد امکان مسرّت يافت حقايق اشيآء معانی الهی جست ذرّات کائنات دلبر ربّانی يافت شرق مطالع انوار شد و غرب افق اشراق گشت زمين آسمان شد و خاک تيره تابناک گشت جلوهٴ ملکوت در ملک گرديد و عالم ناسوت انتباه از عالم لاهوت يافت جهان جهان ديگر شد و عالم وجود حياتی ديگر يافت اين آثار روز بروز ظاهر و آشکار شود و اين انوار يوماً فيوماً بتابد و اين

\* ص267 \*

نفحهٴ مشکبار آناً فآناً بر اقطار عنبر بار گردد ولی افسوس که ايرانيان هنوز مانند کوران و کران بخواب غفلت گرفتار نور نبينند و ندا نشنوند و انتباه نيابند

و هوشيار نگردند جهدی کنيد سعيی نمائيد که ايران موطن دلبر مهربانست و فارس مبدء طلوع صبح تابان بلکه بهمّت دوستان اهل آنسامان مشاهده پرتو مه تابان نمايند و از فيوضات ربّ الآيات بهره و نصيب برند و عليکم البهآء الابهی ع ع

مقابله شد ٣١٤ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

١١ ج ١ بواسطه‌جناب بشيرالهی

١٣٢٨

شيراز جناب غلامرضای سروستانی عليه بهآءالله

# هوالله

اي بندهٴ الهی نامهٴ شما رسيد جوابی بملا جهانزير مرقوم گرديد البتّه خواهد

رسيد ولی آيا امتحان عبدالبهآء جائز است لاوالله مطلوب امتحان طالب نمايد نه قاصد امتحان مقصود عبدالبهآء بايد ديگران را آزمايش نمايد تا خلوص آرايش قلوب گردد مرقوم نموده بودی که سوادی از قرآن دارند پس چگونه صريح قرآن ملاحظه نگرديد جمال محمّدی بنصّ قرآن ميفرمايد لو کنت اعلم الغيب لاستکثرت من الخير و ما ادری ماذا يفعل بی و بکم غدا با چنين نصّ قاطعی چگونه امتحان بميان آيد حضرت اميرعليه السلام در محّل بلندی ايستاده بودند شخص منکری گفت يا علی مطمئن بحفظ الهی هستی فرمودند بلی پس گفت خود را از آن محل مرتفع بينداز و اعتماد بحفظ الهی نما در جواب فرمودند مرا نرسد که امتحان حق نمايم بلکه حق را سزاوار امتحان عبد کند باری

\* ص268 \*

باری باوجود اين چيزی مرقوم گرديد اگر چنانچه بصر بصيرت باز شود ادراک شود قناعت حاصل گردد و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

٣١٥ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

بواسطهٴ حضرت عندليب گلبن معانی

شيراز جناب مشهدی محمد حسن سروستانی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي بندهٴ‌ حق عون و عنايت حضرت احديّت چون شامل گردد هر نفسی کامل شود و هر شخصی غنی و متموّل چون تائيد رسد ولو انسان هردم گنجی بخشد ثروت افزون گردد و غنا مانند رود جيحون شود و اگر مدد منقطع شود دريا بخشکد و فرات و سيحون سراب دشت و هامون شود پس مدد از او طلب و تا توانی احبّای الهي را معاونت کن تا عون و عنايت حقّ را مستمّر يابی و ريع و برکت مشاهده نمائی اگر ممکن است در مسئلهٴ خانه با جناب محمّد باقر اعانهٴ نمائيد و عليک التحيّة والثنآء مقابله شد

بواسطهٴ جناب بشيرالهی

جناب کربلائی باقر سروستانی و آقامحمّدرضا و آقا عبدالله و آقا شکرالله و

آقابابا و جناب مرتضی و آقاحسين اصطهباناتی عليهم بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

٣١٦ خط کاتب

\* ص269 \*

# هوالله

اي پروردگار مفتون جمال خويش محمّد حسن را در جوار رحمت کبری پناه ده و باسرار ملکوت ابهی آگاه کن باب غفران بگشا و بعفو و احسان معامله نما بپرتو الطاف ظلام آثام زاهل کن و بنور موهبت جبين روشن و منير نما اي خداوند باقر زائر را شمع باهر کن و محمّدرضا را برضای خويش موفّق فرما و عبدالله را مظهر موهبت الله کن و آقابابا و شکرالله را شمع هدی فرما و آقا مرتضی را غريق دريای الطاف نما و حسين را از آوارگی نجات ده و آزادگی بخش و عون و صون خويش را شايان کن توئی مقتدر و توانا ع ع مقابله شد

بواسطهٴ حضرت عندليب هوالابهی

جناب حاجی محمّد و جناب هادی سروستانی عليهما بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای دو برادر يک روح در دو پيکر الحمدلله اخوّت جسمانی و معنوی و جسدی و روحانی در آن دو برادر جمع شده است اين اخوّت صحيحهٴ صميميه است مبارک و متيمّن است باری مکتوب شما بواسطهٴ جناب عندليب واصل و ملاحظه گرديد از ضيق حال و تسلط اهل وبال شکايت فرموده بوديد اين ضيق و تنگی عمومی در جميع جهات واقع و باکثر اشخاص وارد حکمتی در اينست انشآءالله

\* ص270 \*

زائل ميگردد قدری صبر و تحمّل لازم انّما يوّفی الصابرون اجرهم بغير حساب و امّا تسلط مشرکين سيزیله الله بقدرته و العاقبة للمتقّين والروح و

البهآء عليک وعلی کل من ثبت علی الميثاق ع ع

مقابله شد ٣١٩ خط مبارک

هوالله

جناب آقاغلامعلی جناب آقامصطفی جناب آقامرتضی جناب عبّاسعلی خان علهم

بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای دوستان حقيقی در اين دم که نفس رحمانی از ملکوت ابهی مشام عبدالبها را معطّر نموده بذکر شما پرداختم ملاحظه نمائيد که چه مبارک دمی بياد شما مشغول شدم قسم بروی و خوی دلبر ابهی که قلب بمحبّت احبّآء چنان در وله و انجذابست که وصف نتوانم و از فضل قديم و لطف عميمش ملتمس هستم که چنان آتش محبّتی دردل و جان شما برافروزد که چون عبد حقيرش عبدالبهآء جهاني را پر شعله و آتش نمائيد و هر متزلزلي را ثابت و راسخ کنيد والبهآء من الله علی اهل البهآء ع ع مقابله شد

٣١٩ خط مبارک

\* ص271 \*

بلوک سروستان و تِزَنگ

احبّای الهی عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ای پروردگار مهبان اين عاشقان آوارهٴ کوی تو آشفتهٴ روی تو دلدادهٴ خوی تو

پويندهٴ سوی تو جويندهٴ روی تو لب‌تشنهٴ جوی تو و شب و روز در جستجوی تو نظر عنايتی فرما عاطفتی کن موهبتی بده نعمتی مبذول دار تا از حسرت فراق بياسايند و بحلقهٴ وصال در آيند آواره‌اند سرو سامان يابند بيچاره‌اند آسايش جان يابند دردمندند درمان جويند آزرده‌اند شادمان گردند همدم آه و فغانند بروح و ريحان رسند انيس ناله و آهند ببارگاه رسند الها تو آگاهی که پناهی ندارند و در هر شام و صبحگاهي بگريند و بزارند و فضل و موهبت تو خواهند خدايا مهربانا رحيما كريما آنچه شايان موهبت است رايگان فرما و هرچه مقتضای رحمتست ارزان کن نسيم جانبخش بوزان و نفحهٴ‌ مشگ اذفری بفرست تا دماغ مشتاقان باغ جنان گردد و مشام آزردگان پرگل و ريحان شود قوّتی بده که بخدمت پردازند قدرتی عطا کن که از عهدهٴ شکر آن بدر آيند و فرياد برآرند طوبی لنا بشری لنا و فرحاً لنا و طرباً لنا و طوعاً لنا و فوزاً لنا من هذه المواهب التی اشرقت بها الآفاق و تلئلئت باشدّ اشراق و جمعتنا علی الوفاق و ازالت عن اهل الارض النفّاق و اسال السيول

\* ص272 \*

من الآفاق حبّاً و شغفاً بجمال تجلی فی يوم التلاق ربّ ادر عليهم

کأساً دهاقا و رنحهم بصهبآء الفضل و العطآء عهداً و ميثاثاً انّک انت القوّی

المتين لااله انت الغفور الرؤف العلی العظيم ع ع مقابله شد ٣٢٠ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

هوالله

بواسطهٴ بشير روحانی ش جناب استاد جواد سلمانی من اهل الصاد عليه بهآءالله

# هوالله

ای آوارهٴ ‌من دشت و صحرا پيمودی و احرام کوی دوست بستی و بقدر مقدور رجوع نمودی ضرر ندارد من بالنيابه از تو در آستان پاک روی و موي را بخاک مشکبوی خوشبوی مينمايم و از الطاف غيبی رجا ميکنم که مشام تو نيز معطّر گردد اصل محبّت الله است چون مؤيد بآنی انشآءالله بهر عنايتی موفّق و مؤيد ميشوی و هذا من فضل ربّی تا توانی بذکر حق مشغول باش و از مادون بيزار و محرم اسرار و سرّ الهی عبوديّت درگاهست و محويّت و فنا انشآءالله فائز ميگردی ع‌ع مقابله شد

٣٢١ خط مبارک

# هوالله

حضرت افنان سدرهٴ ربانيّه حسب الارادة المطلقه آنکه چون جناب ابراهيم افندی از

\* ص273 \*

نفوسی هستند که تازه بشريعهٴ الهيه وارد و بر شاطی بحر احديّت نازل قلبشان

بانوار هدايت کبری روشن و روحشان بنفحات خوش رياض موهبت حضرت ربوبيّت گلشن لهذا بايد که آنجناب بجميع وصائل متشبث که سبب ازدياد روح و ريحان و اشتعال نار محبّت الله در کينونتشان گردد البتّه او را راضی و ممنون فرمائيد و الروح و البهآء و العز و الثنآء عليک و علی سليلک الذی هو مذکور في قلوب اهل الله و علی سائر الاحبّآء ع والسلام مقابله شد ٣٢٢ خط مبارک

هوالله

پورتسعيد حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

البشاره محرمانه

# هوالابهی

ای فرع جليل سدرهٴ مقدّسهٴ مبارکه جمال قدم و اسم اعظم روحی لاحبّآئه الفدا در وقتي که در حيفا تشريف داشتند موقعي را در جبل کرمل بکرّات و مرّات تعريف فرمودند که آن محّل بسيار با صفا و لطافت و نظارت است و امر فرمودند که آن محّل را بهر قسمست بگيرند بسيار بسيار ميل مبارک بگرفتن آن محّل بود چهار سال پيش بهر وسيله بود آن محّل گرفته شد و جزئی ترتيبی داده شد و مهيّا گشت پس سفارش مخصوص برنگون داده شد و مکاتيب متعدّده مرقوم گشت و نقشهٴ صندوقی از رخام آن صفحات که در جميع جهات معروفست کشيده شد و ارسال

\* ص274 \*

و ارسال گشت و بمشقّت زياد يکپارچه منبّت اتمام شد و بوسائط چندی حمل باينجا گشت و البتّه در بين راه در ورود ببعضی از شهرها چه شد مسموع آن جناب گشته خلاصه با صندوقي از بهترين خشب هندوستان چندي پيش وارد گشت و يك سال قبل از اينجا جناب آقاميرزا اسدالله را مخصوص فرستاديم تا آنکه با تخت روان جسد مطهّر هيکل مقدّس و عرش عظيم روحی لترابه الفدا را از ايران با کمال توقير و خضوع و خشوع و احترام

با چند نفر احباب حمل نموده وارد ارض مقدّس نمودند حال در جبل کرمل مشغول ببنآء مقام مقدّس هستيم و انشآءالله شما را نيز ميخواهيم تا با ما در سنگ و گل کشی در آن مقام مبارک شريک و سهيم گردی و اقتباس فيوضات غير متناهيه نمائی و باين شرف اعظم موفّق گردی و هذه بشارة لاتقابلها سلطنة الملک و السموات فی الحقيقه چنان سرور و حبوری دست داده که وصف نتوانم زيرا آن عرش مقدّس بسيار مورد اهانت اهل ظلمت شده بود الحمد لله بعون و عنايت جمال قدم چنين اسباب فراهم آمد که در نهايت عزّت جميع اسباب مهيّا گشت که محّل حيرت کل خواهد شد والبهآء عليک و علی افنان السدرة المقدّسة هناک ع ع مقابله شد

٣٢٣ خط مبارک

\* ص275 \*

هوالابهی

پورتسعيد حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ايها الفرع الجليل من السدرة المبارکه خبر وصول محفوظ و مصون سبب فرح و سرور گرديد هذا من فضل ربّی انّ ربّی لعلی صراط مستقيم در خصوص امور متوّکل بر خدا باشيد و مطمئن بفيوضات ملکوت ابهی عنقريب ملاحظه خواهيد کرد که آثار تأئيد از جميع جهات احاطه خواهد نمود در خصوص ارسال حضرات حال ورقهٴ مقدّسه قدری تکسّر پيدا نموده بود الحمدلله رفع شد ولی هنوز قدری ضعف باقی و از اين گذشته هوا گرم انشآءالله هواها معتدل شود و شما درست تمکّن حاصل نمائيد و امور منتظم گردد که مشغوليّت زياد نداشته باشند وقتش خواهند آمد والبهآء عليک ع ع مقابله شد ٣٢٤ خط مبارک

هوالله پورتسعيد

حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقاميرزا آقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ايّهاالفرع من السدره مبارکه چند هفته پيش مکتوب مفصل مرقوم گشت و ارسال شد و تابحال

\* ص276 \*

و تا بحال خبر وصول نرسيد چون مکتوب مهم بود لهذا تکرار مرقوم ميشود مقصد اينست که اينعبد نه بدرجهٴ مشغول که بوصف در آيد با وجود اين مرقوم گشت شما ملاحظه مرا ننمائيد خواه بنويسم و خواه فرصت نکنم شما هميشه مرقوم دارید ع ع

مقابله شد ٣٢٥ خط مبارک

# هوالابهی

اي بندگان الهی تمسّک بذيل تقديس جوئيد و در ظل مليک توحيد بآهنگ ملأ اعلی بتهليل و تکبير مشغول گرديد و در خدمات دوستان جانفشانی نمائيد هر يک خادم يکديگر شويد زيرا خدمت احبّآءالله خدمت حقّست احبّای پورتسعيد فی الحقيقه سبب سرور اين عبد هستند زيرا بخدمت ياران قائمند و در نصرت امرالله مشغولند طوبی لهم و حسن مآب والبهآء عليکم يا احبّآءالله و اودّآئه ع ع

مقابله شد

٣٢٦ خط مبارک

هوالابهی

حضرت افنان جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ايّها الفرع الکريم من الشجرة المبارکة التی اصلها ثابت و فرعها فی السمآء و

تؤتی اکلها فيکّل حين آنچه مرقوم فرموده بوديد ملاحظه شد نوايای آن حضرت شبهه‌ئی نيست که خالص لله بوده ورقهٴ

\* ص277 \*

مفصّله مخاطباً للعموم مرقوم شد و ارسال گشت ملاحظه خواهيد فرمود حال مقصد اينست که انشآءالله آن حضرت نوعی موفّق گردند که تعديل و تحکيم امور حاصل و ضبط و ربط و صيانت در جميع شئون ظاهر و محافظهٴ حقوق و مراعات مراتب لائح و ملاحظه عواقب باهر و صيانت کمپانيه در جميع مراتب کامل و رضايت قلوب و روح و ريحان نفوس حفظش بقدر امکان واضح گردد و يقين است بعون الهی و همّت آنحضرت جميع اينها حاصل ميشود

والبهآء عليک ع ع مقابله شد ٣٢٧ خط مبارک

# هوالابهی

اي فرع منشعب از سدرهٴ مبارکه عليک بهآءالله و جوده و عنايته اگر چه جواب نامهٴ آنجناب از پيش ارسال شد ولکن حال چون جناب حاجی عازم موطن و قاصد آن ارض هستند و بخاطر داشتم که چون روانه شوند مکتوبی مرقوم شود که حکايت از کتاب قلوب کند و از درون بنمايد لهذا باين چند کلمه پرداختم و بر زحمت شما بيفزودم آنی نميگذرد که بخاطر دوستان معنوی نگذری و دمی نرود که بياد محبّان حقيقی نيائی در هر محفلی بياد تو مشغوليم و از عنايات سابقه و فضل و موهبت لاحقه مسئلت مينمائيم که آن افنان دوحهٴ بقا را در جميع احيان بفيضان ابر رحمت سبز و خرّم دارد و باثمار طيّبه مثمر و بارور سبب اعلآء کلمهٴ الهيّه نمايد و واسطهٴ نشر اخلاق رحمانيّه گشايش قلب

\* ص278 \*

قلب عنايت کند فسحت و وسعت دل و جان ارزان فرمايد تا در انجمن ياران بانوار فضل رحمن روشن و منوّر باشد و بآثار يزدان مشهود و مصوّر والبهآءعليک ع ع

مقابله شد

٣٢٨ خط مبارک

هوالله

ش احبّای الهی عليهم بهآءالله ابهی

# هوالله

ربّ و منائی و الهی و رجآئی هؤلآء عباد سمعوا الندآء و لبّوا بکّل ولآء و وفآء و آمنو و صدّقوا بآياتک الکبری و انجذبوا بالاشراق و توجّهوا الی نيّرالآفاق و ثبتوا علی الميثاق و لم يکترثوا بما فی اوراق الشبهات من النفاق و الشقاق بل ثبتوا و نبتوا و استقاموا و استفاضوا من حياض موهبتک التی شاعت و ذاعت آثارها و سطعت و لمعت انوارها و ماجت و هاجت بحورها و فاضت و امطرت غيومها و انهمرت و انسجمت غيوثها ايرّب اجعل مجاوری بيتک الحرام مجاری مآء فيضک النازل من غمام الفضل و الاکرام ثمّ اجعلهم خدمة عتبتک المقدّسة المقام و ساعين فی اعلآء ارکانه المعطرة الارجآء و مکبتين علی تربة المغبرة الشذا و اجعلهم خضعّا خشّعا رکعا سجّداً فی تلک الحضرة الرحمانيّة

\* ص279 \*

العالية البناء انّک انت العزيز القدير ع ع مقابله

شد ٣٢٩ خط مبارک

هوالله

حضرت افنان سدرهٴ مقدسه جناب آقا ميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرع الجليل من السدرة المبارکه مدتيست که بآن حضرت چيزی ننگاشتم هر قدر گله و شکوه نمائيد حق با شماست زيرا اقلاً هر ماهی ارسال نامهٴ واجب و لازم و در هر دمی پيغامی فرض و متحّتم ولی اگر بدانی که عبدالبهآء در چه طوفان جفا مبتلا و در چه بحران مصائب و بلايائی گرفتار البتّه در دهری بسطری قناعت نمائی و معذور داری باوجود اين هجوم الان که عازم تشرّف بآستان مقدّسم که روحی جديد يابم بياد شما افتادم و بنگارش اين نامه پرداختم و بوکالت شما بر خاک آستان تربت پاک افتاده و بالنيابه زيارت خواهم نمود حضرات افنان سدرهٴ مبارکه را تکبير و تحيّت ابلاغ فرمائيد و همچنين ساير دوستان را ورقهٴ‌ مقدّسه کبری و صغری را تکبير برسانيد ع ع مقابله شد

هوالله

\* ص280 \*

ش حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميزا آقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرع من السدرة المبارکه الهی الهی هذا فرع من الشجرة المقدّسة التی اصلها ثابت و فرعها فی السمآء و تؤتی فيّکل حين اکلها اي رب اجعله ممتّداً مرتفعاً مخضرّاً غضّاً رطباً بوابل المواهب و هاطل سواکب السحائب ای رب ایده علی نشر النفحات و وفقه علی ترویج الکلمات و تفریح القلوب بالمسرّات و تفريح الکروب بالبشارات اي رب ثبّت به القلوب و رکّز به الامور و فرّج به الهموم و اجعله آية الروح و الريحان بين ملأ الايقان و اجعله مشغولاً بما يريده عزّاً فی الامکان و احصر اوقاته علی اعلآء کلمتک بين اهل الاکوان انّک انت الکريم المنّان ع ع مقابله شد

٣٣١ خط مبارک

# هوالله

ايّها الفرع المحترم اليوم بجميع قوی بکوشيد که احبّای الهی نهايت اتحّاد و اتفّاق را حاصل نمايند چه که از اعظم فرائض زيرا ارياح تزلزل بشجرهٴ ميثاق احاطه نموده ذرهٴ اختلاف ياران سمّ مارانست بهر وسيله باشد بايد بظّل کلمهٴ وحدانيّت دلالت بلکه مجبور

\* ص281 \*

کرد والبهآء عليک ع ع مقابله شد

هوالله

شيراز جناب افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله

# هوالله

ايهّا الفرع الرفيع من الشجرة المبارکه مکاتيب آن حضرت رسيد معانی مبانی ثبوت بر پيمان الهی بود اميد از تأئيد ربّ مجيد چنانست که در جميع امکنه و ازمنه و احوال موفّق بعبوديّت آستان مقدّس گرديد و خدمت بامرالله و احبّآء الله نمائيد اينست ثمرهٴ وجود و جوهر مقصود حضرات افنان شجرهٴ مقدّسه چندی بود در نزد ما بودند و بزيارت تربت طاهره مشرّف مقصود اين بود که بيش از اين در اينجا بفوز عظيم طواف موفّق باشند ولی تنهائی آن حضرت و بخصوص که ميرزا بديع ذکر اندک کسالتی نموده لهذا حضرات خواهش مراجعت نمودند اين عبد نيز بملاحظه اينکه شايد تنهائی سبب صدمه و دلتنگی باشد اجازه داد انشآءالله بنهايت سرور و بشارت مراجعت ميفرمايند ع ع مقابله شد

٣٣٢ خط مبارک

\* ص282 \*

ش حظرات افنان سدرهٴ مقدّسه مبارکهٴ سينا عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ای افنان سدرهٴ منتهی و ای احبّای جمال ابهی بيت مقدّس و مطاف ملاءاعلی را بايد از هر جهت در کمال حکمت حفظ نمود و بحرمت و خدمت کوشيد اين عبد از خدّام آن آستانست ملاحظه نمائيد در ملکوت ابهی کن مطاف روحانيان چه قدر اهميّت دارد باری اهل فارس کل در ظل آن مقام مقدّسند و امّا بقعهٴ مقدّسهٴ معطرهٴ منوّرهٴ حضرت حرم روحی تشتاق استشمام رائحة قدس ترابها بايد در نهايت احترام آنرا محافظه نمود تا وقت ارتفاعش آيد و آن مقام مطاف ارواح قدسيان را بايد افنان سدرهٴ مبارکه از قبل اينعبد طواف نمايند و بقعهٴ معطّرهٴ مقدّسهٴ حضرت حرم کبريا را زيارت نمايند ع ع مقابله شد

٣٣٣ خط مبارک

هوالله

ش حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقا ميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرع من السدرة المبارکه چندی بود که حضرات افنان عليهم بهآءالله

الابهی را احضار نموده بودم

\* ص283 \*

در ارض اقدس بودند از قضا اين ايّام بلايای اين عبد در شدّت هيجان بود بقسمي که شب از روز ممتاز نه اينعبد نتوانست که از هر جهت ملاحظهٴ اسباب روح و ريحان نمايم باری ارض مقصود بقسمی منقلب که وصف نتوانم ثبوت و رسوخ اين عبد و سکون ثابتين نگه داشته است و چون اسباب تشتّت و گرفتاری از هر جهت مهيّا بود مبادا عند الصعوبات والشدائد مشکلات حاصل گردد مصلحت چنين ديده شد که اقلاً حضرات نيز مبتلا نگردند ايشان را روانه بقطر مصر نموديم که تا جواب از آنجناب برسد در آنجا صبر نمايند باری مختصر اينست که امور آنجناب و ايشان ترتيب و تمشيتش بدون تشريف آوردن شما ممکن نه و از پيش نيز مرقوم گرديد از ثبوت و رسوخ احبّای الهی و تمسّک و تشبّث بعهد و ميثاق مرقوم نموده بوديد معلومست نفوسي که مؤمن بالله و موقن بآيات الله هستند اگر جميع من علی الارض قيام نمايند و بخواهند مقدار ذرّهٴ بلغزانند البتّه عاجز مانند چه که اين نفوس از کأس عنايت سرمست گشتند جز بنفحات قدس الفت نجويند و جز بانوار الهی منجذب نگردند والبهآءعليک ورقهٴ مقدّسه والدهٴ افنان را تکبير ابهع ابهی ابلاغ فرمائيد و همچنين جميع دوستان الهی را از قبل اين عبد کمال اشتياق نمائيد والبهآء عليهم اجمعين ع ع

مقابله شد ٣٣٤ خط مبارک

\* ص284 \*

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرع الرفيع من دوحة البقآء نورانيّت امرالله جهان را بصبح منير و نور مبين روشن نموده و نسيم رخيم حيات بخش جنّت ابهی شرق و غرب را معطّر فرموده صوت تهليل و تکبير است که بملأ اعلی ميرسد و آهنگ تنزيه و تقديس است که روحانيان را جذب و وله ميدهد قلزم کبريا چنان موج انگيخته که سواحل کائنات را مستغرق نموده و نارالله الموقده چنان شعله زده که قلوب اهل ملکوت را محترق کرده جهان جهان ديگر شده و اقليم و کشور حيات بشر نکهت روح پرور يافته لهذا همواره عبدالبهآء از کل جهات منتظر ظهور انوار شوق و شعف است و مترصد بروز آثار جذب و وله اميدوارم که آن اقليم بنسيم الهی رشک بهشت برين گردد و آن کشور از فضل و موهبت جليل اکبر فخر و مباهات عالم بشر شود لهذا بايد جميعاً شب و روز بکوشيم تا هر روز نوروز گردد و هردم ساعت فيروز و نورانيّت وجود ياران شمع شب‌افروز جميع احبّای الهي را بالطاف نامنتاهی بشارت دهيد تا کل از اين بشارات رحمانيّه باهتزاز آيند و در ارض الفت و محبّت الله محشور گردند و عليک التحيّة والثنآء ع ع

مقابله شد

٣٣٥ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

\* ص285 \*

يا حضرت افنان مکتوبي که از پيش مرقوم شد و دلالت بر احزان عبدالبهآء مينمود سببش اين بود که اوّل گاه گاهی بعضی از ياران از يکديگر شکايت ضمنی مينمودند و عبدالبهآء سکوت ميکرد و مناجات مينمود و ربّ وفّق بين عبادک بر زبان ميراند تا آنکه در يک پوسته مکاتيب متعدّده از اشخاص چند وارد و معاذالله باشنع عبارات مذمّت احبّا چنان حالتی دست داد که بی اختيار آن مکتوب مرقوم شد والا اين گمگشتهٴ صحرای فنا از ياران شيراز شکايتی ندارد بلکه نهايت محبّت را دارد ع ع مقابله شد

آخر لوح نمره ١٣٥ اين خط مبارکست

هوالله

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرع الرفيع در اين دم که از احزان مظلوميّت شهدآء چنان آتش حسرتی در دل اين مسجون مظلوم افروخته که ابداً مجال تحرير و تقرير نگذاشته معذلک اين عبد بنگارش اين نامه پرداخته زيرا مقصود اين بود که مبلغی تدارک شده بجهت تعميرات بيت مقدّس ارسال گردد و الا تأثر و تحسّر نه بدرجهٴ که قلم تجوّل و لسان تکلم تواند و اين نظر بصدمات و بليّات واردهٴ بر حضرات شهدآء روحی لهم الفدا است والا چه موهبتی اعظم از اين و چه الطافی اکمل از آن که جان

\* ص286 \*

در ره جانان فدا شود و تن در محبّت آن گل پيرهن در خاک و خون غلطد عنقريب کّل ترک دغدغهٴ اين جهان ظلمانی مينمودند و بدرگاه احديّت بی زاد و توشه و ارمغان و هديه توجّه ميکردند حال هر يک با ارمغانی از سّر فدا و هديهٴ خون شهادت کبری بدرگاه کبريآء توجّه فرمودند چه قدر فرق در ميانست حضرت اعلی روحی له الفدا در احسن القصص ميفرمايد يا سيّدنا الاکبر قد فديت بکلی لک و ما تمنيّت الاالقتل فی سبيلک باری از برای شهداء موهبتی اعظم از اين نه که روح را در سبيل محبوب بيهمتا فدا نمايند رب وفّقنی علی هذا انّک انت الرحمن الرحيم و امّا از جهت امرالله کلمة الله شجرهٴ مبارکه سقايهٴ کامله شد و عنقريب چنان نشو و نما نمايد که امتداد و ارتفاع جويد که عقول حيران گردد وقوعات پيش برهان عظيمست خلاصه موازی پنجاه ليرهٴ فرنساوی ارسال گرديد يعنی هزار فرنگ حال بيش از اين ممکن نشد شايد از طهران جناب امين اگر ممکن بشود نيز خواهند فرستاد ع ع

مقابله شد ٣٣٦ خط مبارک

هوالله

ش حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرع من السدرة الرحمانيّه آنچه مرقوم گرديد از روايات و حکايات

\* ص287 \*

نه مسرور شويد نه محزون حرف همان حرفست ولن تجد لسنّة الله ‌تبديلا انّ الله مع الصابرين اين ايّام عبدالبهآء سجنش تجديد شده و در طوفان بلا چنان مستغرق که وصف نتوان در بحران عظيمست حضرات افنان سدرهٴ مبارکه را تکبير ابدع ابهی برسان در يوم اوّل رضوان از قبل عبدالبهآء زيارت بيت مقدّس نمائيد ع ع

مقابله شد ٣٣٧ خط مبارک

هوالابهی

جناب افنان سدرهٴ مبارکه آقاميرزاآقا عليه بهآءالله

# هوالله

ايهّا الفرع الجليل من السدرة المبارکه يک نسخه از بيان بجناب سيد مهدی بدهيد و اگر چنانچه موجود نه حضرات افنان تقسيم نموده مرقوم نمايند و تسليم کنند والبهآء عليهم ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش حضرت فرع رفيع جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع الرفيع من السدرة المبارکه مدّتيست که آن جناب وارد ارض شين گشته ايد و تابحال

\* ص288 \*

تا بحال تحرير وارد فوراً جواب مرقوم و ارسال گرديد ما منتظر آن بوديم که بورود شما آثار اشتعال نمودار گردد و احبّای آن سامان در شور و شوق و فوران و ذوبان آيند ورود آنجناب چون دخول موکب ربيع باشد که در تلال و ديار خيمه بر افرازد و در صحرا و دشت با سپاه فيوضات بتازد هنوز خبری نرسيد و اثری ظاهر نشد باری ظهور و بروزی لازم و آثار ورود و وفوری واجب اين عبد در آستان مقدّس شب و روز متضرّع و مبتهل که جنود تأئيد ظهير گردد و ملائکه ملکوت نصير انشآءالله من بعد تلافی مافات خواهد شد حضرت ميرزاحبيب حضرت ميرزابزرگ مکاتباتشان مرقوم شد اين روزها احضارشان نمودم عنقريب وارد خواهند گشت مصائب و بلايای واردهٴ‌ بر اهل آن اقليم فارس شديد شده است و امتداد يافته است اگر چنانچه رفع اين بلا و دفع

اين مصائب بيمنتهی را بخواهند بايد مسجدي را که جنب بيت مقدس است تعمير نمايند و در آنجا تضرّع و تبتّلی و ابتهال و توجّهی و عجز و نيازی مجری دارند و دفع بلا خواهند و کشف ضرّآء جويند تير دعا در هدف استجابت کارگر گردد و بکلی اين بلايا مندفع شود و ذلک وعد مکذوب بل مسطور في لوح محفوظ عند ربّک العزيز القيّوم اي فرع رفيع ملاحظه کن که عواقب تجارت و زراعت و صناعت چه بود و چه ثمر داشت سمّ هلاک بود

\* ص289 \*

يا شهد نجات مضرّت جان بود يا مسرّت وجدان فاعتبروا يا اولی الابصار پس در فکر تجارت و زراعت و صناعتی باشيد که ثمرش شيرين و رائحه‌اش عنبرين و ربحش عظيم و رواجش در ملکوت عليّيّن باشد ع ع مقابله شد ٣٣٩ خط مبارک

هوالله

ش حضرت افنان جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله اابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

ايهّا الفرع الجليل من السدرة المبارکه مکاتيب متعدّده واصل و بر مضامين اطلاع حاصل شد تأخير جواب از شدّت تأثير بلاياست نه از مسامحه در قضايا مختصر اينست که دقيقهٴ فرصت و راحت و آسودگی خواطر نه تا مکاتيب چنانکه بايد و شايد مرقوم گردد لهذا بعهدهٴ تأخير افتد شما ملال و کلال نياريد و همچه بدانيد که عبدالبهآء نهايت آمالش سرور و فرح احبّا و بالأخص افنان سدرهٴ‌ مبارکه است و شب و روز بجان و دل بکوشد که سبب روح و ريحان دل و جان گردد و چون از آن جناب کمال اطمينان حاصل لهذا تحرير مکاتیب را بوقت روح و ريحان مرهون مينمايم تا بکمال انشراح مکتوب مرقوم گردد از ضوضآء علما مرقوم نموده بوديد اين امريست مقرّر که آن نفوس تحمّل انتشار نفحات الله ننمايند و بتمام قوی مقاومت خواهند حمد خدارا که در مقابل تعرّض شديد آنان

\* ص290 \*

ثبوت و رسوخی بياران عطا ميفرمايد که مقاومت سيل شديد کنند و چون بنيان حديد متانت عظيم بنمايند حضرت رئيس الحمدلله بنفس نفيس مقاومت هر خسي را نموده و مينمايند جهلای قوم در آن مدينه البتّه تحمّل نفوذ کلمهٴ ايشان را ننمايند لهذا بايد که احبّا نوعی بحکمت با آنان برآيند و حرمت و رعايت کنند که بقدر امکان نائرهٴ حسد ساکن گردد زيرا اين نفوس مبتلای حبّ رياستند چون رعايت بينند از همه چيز چشم پوشند و چون اندک رخنهٴ در رياست خويش مشاهده کنند بمثابهٴ آتش شعله زنند حضرت رئيس فی الحقيقه کمال سلوک را دارند ولی مقتدای شهر صيت و شهرت طلبد و چون مخالف آرزوی خويش بيند بشرارت بر خيزد بهر قسمت تسکين شعلهٴ بنمائيد و صبر و تحمّل فرمائيد و کمال حکمت را مجری داريد باری الحمدلله اعليحضرت شهرياری در نهايت بردباری و بعدالت و انصاف مقاوم ظلم و اعتسافند و همچنين ارکان سلطنت قاهره و وزرای حکومت باهره البتّه راضی بتعديّات و ستمکاری بيخردان نگردند و در امنيّت و راحت و آسايش رعيّت کوشند دعا نمائيد که اعليحضرت مظفّر منصور گردد و اعدايش مغلوب و مقهور زيرا فی الحقيقه پادشاه مهربانست و شهريار رعيّت پرور پر احسان اميدواريم که احقاق حقّ فرمايد و دست تطاول درندگان را مقطوع فرمايد جناب ميرزا عبدالحسين که در لسان انگريزی ماهرند مأذون حضورند از برای بعضی مکتوب خواسته بوديد

\* ص291 \*

مرقوم ميشود مقام مقدّس حضرت اعلی روحی له الفدآء در کمال گرمی روز بروز بلند ميشود و عنقريب يک قطعه جسيمهٴ عظيمه که محاط باماکن متعدّده در کمال متانت باتمام رسد ولی نميدانيد که بيوفايان چه قدر معارضه کردند و چه قدر فساد نمودند که تا اين بنيان بلند نگردد و اين مقام مرتفع نشود الحمدلله بعون و عنايت الهی بساختن مشغوليم تا بعد چه شود الامر بيده ونحن راض بقضآئه حضرات افنان سدرهٴ مبارکه را تکبير برسانيد و همچنين جناب عندليب را از هر جهت نهايت محبّت و الفت بايشان مجری فرمائيد و از وقوعات علما محزون نباشيد اين يقين است سبب علويّت امرالله گردد و ذل و هوان ستمکاران فسوف تری هؤلآء فی ذل عظيم و اگر تحريک و فساد آنان نباشد صيت امرالله بلند نگردد انّ في ذلک لحکمة لأولی الابصار و عليک التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد ٣٤٠ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

هوالله

ش حضرت افنان جناب آقاميرزا آقا عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالله

يا من يسمع نیاحی و صياحی و نوحی و حنينی اليه فی جنح الليالی و صباحی و اسحاری و بکوری و ضحائی و زوالی و اصيلی و عشائی متذللاً بباب احديّتک و رحمانيّتک و خافضاً جناحی للدين آمنوا بک و آياتک

\* ص292 \*

و آياتک و ثبتوا علی امرک و تمسکوا بدينک و تشبثّوا بذيل رداء احديّتک و اخلصوا وجوههم لک و ترکوا کل شهواتهم و تقدّسو عن کل الشبهات فی عهدک و ميثاقک و تنزهوا عن کل ظنّ و ارتياب فی محجتک البيضاء و شريعتک السمحآء ربّی ربّی انت ترانی شدّة بلائی و هجوم اهل الخصوم علی حمائی عن يمينی و يساری و جنوبی و شمالی من سائر الاديان و طغاة اهل البيان اي ربّ انّی وحيد فانصرنی ذليل غرزنی حقير احفظنی فقی اعطنی ضعيف قوّنی عطشان فاسقنی سقيم فاشفنی ارحمنی يا الهی خلصنی من هذه البليّات و نجنّی من هذه المصيبات و اجرنی من هذه الوهده فی جوار رحمتک و ارجعنی اليک و ارفعنی الی ساحة عزّک و ادخلنی فی ظلک في عوالم التی غفلت عنها طغاة خلقک و عصاة بريّتک ايربّ ضاقت علیّ الانحآء و سدّت علیّ ابواب الرجآء و تبدّلت بالشّدة الرخآء و تعسّر کل ميسور و ظهر کل غمّ و همّ معسور اي ربّ اي ربّ اسئلک بقدم ذاتک و عزّه قيوميّتک ان لا تترکنی يا الهی مع هذه الحالة التی يرّق و يرثی لها الصخرة الصّمآء انّک انت الکريم الرحيم المقتدر الحنّان المنّان الرحمن ع ع مقابله شد ٣٤١ خط مبارک

الهی الهی هذا فرع من فروع سدرة ربّانيّتک و آية من آيات ملک و فردانيّتک احفظه عن سهام الشبهات و ظنون اهل الاشارات و ادخله فی حصنک الحصين و رکنک المشيد

\* ص293 \*

المتين و صنه بقوتک القاهره و قدرتک الباهره و اجعله سّداً منيعا مقاوماً للسيول المنحدره و

ممانعاً شديداً لهجوم الجيوش الفاتکة الجائرة الهاتکة لِستر حرمتک بين الوری الشاکیة السلاح باشّد القوی اي ربّ ثبّت اقدامنا علی الميثاق و احفظنا عن الشقاق و اجعلنا متمسّکين بعروتک الوثقی و منقطعين عمّا سواک يا مالک الآخرة و الاولی انّک سميع الدعآء ع ع مقابله شد

# هوالله

حضرت افنان جناب ميرزابزرگ و حضرت افنان آقا ميرزا حبيب را اجازهٴ حضور داده وارد شدند و بنفحات قدس مطاف ملأاعلی مشام را معطّر نموده چندی اينجا بودند و مراجعت کردند فی الحقيقه بسيار معقول و محجوب بودند از فضل و موهبت جمال قدم روحی لاحبّائه الفدا اميدوارم که در جميع مراتب و شئون روز بروز ترّقی نمايند در خصوص اشغال و تجارت ميل اين داشتند که خود و برادر بکاری عليحدّه مشغول گردند و آزاد باشند و اين عبد گفت که مراجعت بآن جناب نمايند و استيذان کنند اگر چنانچه شما راضی باشيد ضرری ندارد در خصوص تعمير بيت مرقوم فرموده بوديد که سبب ضوضا خواهد شد فی الحقيقه حضرت آقاميرزا آقای افنان عليه بهآءالله نهايت شکايت را از بلايای متتابعه بر بلاد فارس و يزد مرقوم نموده بودند و استدعای دعا در روضهٴ مبارکه کرده بودند اين عبد را منظور چنان بود که اين بلايا باسبابی رفع

\* ص294 \*

شود که سبب علو امرالله و اعلآء کلمة الله باشد لهذا تعّهد اين کيفيّت را نمودم که چون آن بيت معمور و مطاف جواهر وجود آباد و معمور گردد اين بلايا بتمامها زائل شود و تا اليوم نفسی در هيچ عهد باين قسم واضح و مشهود تعهد اينگونه امور ننموده مراد اين بود تا حجّت الهيّه بالغ شود و شرف منقبت آن بيت عظيم مقدّس ظاهر و باهر گردد حال که اسباب ضوضآء و فساد اهل طغيانست البتّه ملاحظهٴ حکمت لازمست پس تدبيری بايد نمود که فی الجمله تسهيل و تخفيف در بلا حاصل گردد و تا اين بلايا خدا نکرده استمرار نيابد و آن اينست که گفته شود که مسجد جديدی که قرب آن بيت ربّ جليل است و خرابست شخصی از اوليآء که در جفر جامع ماهر است استخراج کرده است که اگر چنانچه آن مسجد تعمير تامّ گردد اين بلايا مبرمه تخفيف يابد و اين غيوم مظلمه کشف شود چاره اکنون آب و روغن کردنست زيرا اين مسجد شرف قرب جوار دارد بقدر اين جواريّت حکم و تأثير دارد بنيان بيت معمور نيست ولی آب پاشی آستانست و جاروب کشی ميدان همچو بنظر نميآيد که از اين چندان حرفی حاصل شود و اگر ملاحظه فرمائيد که اين نيز منجر بروايات و حکايات و فزع ناس و جزع خلق و ضوضآء ميشود بايد سر تسليم داشت البتّه حکمت از اوامر الهيّه است ملاحظه لازمست و محافظه الزم و آنچه اليوم اهّم امور است

\* ص295 \*

ثبات و استقامت کل بر عهد و ميثاق الهی است امّا نچنان ثبات بعضی که عبارت از لفظ است و بس چون شهادت برسالت حضرت رسول از بعضی والله يشهد انّک لرسوله و انّ المنافقين لکاذبون ع ع مقابله شد

هوالابهی

حضرت افنان جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع الجليل من السدرة المبارکه قد تلوت کتابک الذّی بکت العيون حين اطلاعی علی مضمونه واحترق قلبی من حرقة نارک وشدّة نيرانک و کثرت احزانک و ابتهل الی الملکوت الابهی ان يفزغ عليک الصبّر فی البلآء و التحمّل فی فراق اذ اشتّد الساق بالساق و اقترب يوم الميثاق و ان يجعلک فرحاً لاحبّآئه و سروراً لاودّآئه و سکوناً لارقّائه و مسلياً لاصفيآئه کلمات پر حزن آنجناب سبب هجوم آلام و احزان گشت هر چند از اصل نار احتراق در شدّت اشتعال بود و جنود هموم در نهايت هجوم ولکن از قرائت محرّرات شعله اش شديدتر شد و سولتش قويتر گشت بعد صعود جمال مقصود ديگر طوفان بلاست که بر پاست راحت جستن و آسايش خواستن و

آرامی طلبيدن در بحر اعظم خشکی تحرّی نمود‌ن و در آتش

\* ص296 \*

سردی و تری جستجو نمودنست بايد ابداً اميد راحت و مسرّت و محفوظی نداشت باری همچنان که خواسته بوديد بدرگاه احديّت تضرّع و ابتهال رفت که توفيقی عنايت فرمايد که بکلی از زحمات و مشغوليّت بعالم حسرات خلاص شويد تا فارغ و خالی و خالص بر خدمت امرالله قيام نمائيد و بشئونی موفّق گرديد که از لوازم اين فروع مکرّم است محزون مشو دلخون مگرد هر بلائی چون سيف زنجيرهای تعلق را قطع مينمايد فی الحقيقه اين بلا نيست عطاست جای شکوه نيست جای شکراست تا بدانی که در جميع شئون اين عالم جز حسرات و خسارات نبوده و نيست والبهآء عليک ع ع مقابله شد

٣٤٢ خط مبارک

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرع من سدرة المنتهی از کثرت مشاغل و قوّت مصائب و عدم فراغت جواب قدری تأخير افتاد سبب خجلت گشت ولکن المسجون معذور نامهٴ آنحضرت که بتاريخ بيست و دويم صفر هزارو سيصد و نوزده بود واصل گرديد و بر مضمون اطلاع حاصل شد شرحی مفصّل از عدالت و انصاف حضرت ملک منصور مرقوم نموده بوديد سبب سرور و حبور شد و البتّه سبب عون و عنايت ربّ غفور گشت و آوازهٴ اين عدل موفور شهرت اعصار و دهور گردد از خدا ميطلبيم

\* ص297 \*

بجنود لم تروها موفّق شود و بخدمت اعليحضرت شهريار خلد الله ملکه مؤيد گردد اين عدالت را شکرانه بايد و اين دادپروري را خيرخواهی شايد پس بايد جميع ياران بدل و جان اطاعت و خدمت نمايند احبّای الهی بايد مانند اغنام رحمانی مطيع شبان باشند و بکمال صبر و بردباری حرکت نمايند از تشرّف شهريار و تيرانداز فارسی بطواف بيت مکرّم مرقوم نموده بوديد بسيار سبب سرور گشت يا ليت کنت معهم فافوز فوزاً عظيماً مکتوب جناب شهريار و تيرانداز قرائت شد سبب روح و ريحان گرديد و جواب مرقوم شد و در طی اين مکتوبست برسانيد حضرات افنان سدرهٴ مبارکه مع ورقهٴ نورآء والده شان تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرمائيد و عليک التحيّة والثنآء

ع ع مقابله شد ٣٤٣ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

هوالابهی

حضرت افنان جناب آقا ميرزاآقا عليه بهآءالله ملاحظه فرمايند

# هوالابهی

و انت تعلم يا الهی مبلغ حبّی و فرط هيامی و عظيم ودادی و شدّة تعلقی بافنان سدرة رحمانيّتک و شعوب دوحة فردانيّک فو عزتک الظاهرة الباهرة التی ذلت الافاق لعلوّها و عنت الوجوه لسموّها و خضعت الرقاب لسلطانها انّنی مستغرق فی بحر محبّة کل ورقة من اوراق شجرة ربّانيّتک فکيف فنن

صفحه ٢٩٨

اخضر و انتشا و نضر و ازهر و اثمر فی فردوس حبّک و استروی من انهار الطافک و عاش بنفحات رياض احسانک ايربّ ايدّه علی خدمة امرک و ثبته علی کلمة وحدانيّک و ايدّه بتأئيداتک و اشدد ازره علی القيام بطاعتک و نوّر وجهه بين معشرالافنان بشدّة ثبوته و رسوخه حتّی لاتأخذه لائم فی امرک و لا تحرّکه شدّة العواصف القاصفة للاصول و الاُروم فيکل الازمان و لا تزعزعه الزوابع الخاطفة للرواسخ من الاساس فيکل الاحيان انّک انت الکريم العزيز المنان ربّ اجعل الفروع النابتة من هذا الافنون خضرة نضرة ريّانة بفضلک و جودک الذی احاط العالمين

ع ع مقابله شد

٣٤٤ خط مبارک

ايهّا الفرع الرّفيع من السدرة الرحمانيّه آنچه مرقوم شد ملحوظ افتاد و آنچه

مسطور گشت منظور گرديد از خبر حزن آنجناب نهايت احزان حاصل گرديد چه که اين عبد را منتهی آمال سرور و روح و ريحان افنان سدرهٴ رحمانيّت است و حال اين اثر حزن بسيار سبب تأثر اينعبد شد و آن مکتوب که بحهت آنجناب ارسال گردید ملفوف و محکم بود چگونه باز شد و قرائت گردید بسيار سبب استغراب شد فتح مکتوب و قرائت پيش از صاحب اصلي ابداً جائز نه بلكه ممنوع و محذور و گذشته از آن مقصدي و مرادي نبود و تعلقی بآنجناب ندارد گفتگو و رواياتی در مصر شده بود و رفع شد و محو شد و البتّه جناب

\* ص299 \*

فرع لطيف افنان سدرهٴ رحمانيّه حضرت آقاميرزا حبيب الله و آقاميرزا بزرگ علیهما بهآءالله الابهی بشما مرقوم نموده‌اند قابليّت اين نداشت که من چيزی بنويسم و خبر دهم لهذا اشاره شده بود مقصد اينست که شما بايد در امور عظيمه فکر نمائيد اليوم يوميست که بايد کل اذکار را فراموش نمود و جميع فکر و هوش را متوجّه امر واحد نمود و آن اعلآء کلمة الله و نشر نفحات الله است در هر عهد و عصر امری مؤيد اليوم جنود ملکوت ابهی ناصر نفوسيست که بکلی از خود و خويش و بيگانه بيخبرند چون شمع در جمع آفاق روشنند وچون گل معطّر احمر زينت هر گلزار و چمن شب و روز جز ذکر دوست وردی ندارند و صباح و مسآء بغير از حيّ علی الفوز و الفلاح ذکری نکنند اين نفوس مؤيد بفريق ملائکه ملأ اعلی هستند و منظور بلحظات عين رحمانيّت طلعة نورآء در ملکوت ابهی الآن تکليف جميع احبّآء رحمن اينست فکيف افنان سدرهٴ‌ منتهی باری بموجب تعليماتي که وقت رفتن تلقين شد بقوّهٴ يقين قيام نمائيد ابواب کل خير را مفتوح يابيد باری آنحضرت درجهٴ محبت من را بخود ميدانيد با وجود اين نبايد چنين متأثر شويد هميشه در قلب و جان خويش ملاحظه نمائيد از آن ميزان وجدان من بدست ميآيد اينعبد را مقصد چنانست که هر يک از افنان سدرهٴ الهيّه شجر مبارکی شوند که مظهر آيهٴ مبارکهٴ اصلها ثابت و فرعها فی السمآءگردند من بشئون جزئيه از آثار

\* ص300 \*

از آثار علو و امتناع از حقيقت افنان دوحهٴ بقا قناعت و کفايت نمينمايم بلکه

ميخواهم و بدرگاه احديّت عجز و نياز ميکنم که مظهر آيات کليّه گردند تا روح من مستبشر گردد و برهان اين مطلب مکاتيبی که بافنان دوحهٴ ربّانيه مرقوم نموده‌ام منجمله بعد از شما چند مکتوب بجناب ميرزاحبيب و جناب ميرزابزرگ عليهما بهآءالله الابهی مرقوم شد سوادش در طيّ اين مکتوبست ملاحظه فرمائيد آن مکتوب که در آن بجهت بعضی مکاتيب خواسته بوديد نرسيده است لهذا اسمآء مجدّداً مرقوم دارید انشآءالله بجهت کل مرقوم شده ارسال ميشود از خبر تعمير بيت معظّم محترم نهايت مسرّت حاصل است اميدوارم که باين موفّقيت ‌مؤيد بظهور آثار عنايت الهيّه در جميع شئون گرديد اگر خالی بودن آن محّل پاک مقدّس بکلی ممکن و ميسّر و موافق حکمت نباشد بقدر امکان در طهارت و نظافت و لطافت و احترام آن بکوشيد و اين بسيار مهّم است و زيارتي که از قبل اين عبد نموده‌ايد بينهايت سبب سرور و حبور گرديد در سالی يک مرتبه اين نيابت را بايد بکمال دقّت اجری فرمائيد اي رّب هذا افنون من افنان سدرة رحمانيّتک و فرع من فروع شجرة وحدانيّتک قد قام نيابة عن عبدک و زار بيتک الحرام و طاف حول حرم قدسک يا ربّی العزيز العلام اي رب قدّر له الاجر الجزيل والفضل العظيم في ملکوتک الابهی و رفيقک الاعلی انّک انت الکريم المتعال ديگر در خصوص وضع آن جهات مرقوم نموده بوديد و اجازهٴ تفصيل

\* ص301 \*

و تحرير خواسته بوديد البتّه مرقوم داريد درخصوص جمع نمودن الواح الهيّه که تخصيص بآن جناب دارد مرقوم نموده بوديد بسيار خوبست و موافق ولی طبع و چاپ الآن ابداًموافق نيست زيرا بسيار نفوس باين فکر ميافتند و از اين مشکلات حاصل ميگردد ولی شما يک نسخه جمع نمائيد و بخط بسيار خوشی مرقوم نمائيد و ارسال نزد اين عبد نمائيد بعد ملاحظه خواهيد فرمود که چه خوش واقع خواهد گشت و حضرت آقاميرزاحبيب عليه بهآءالله الابهی بقائشان در پورت سعيد خوشتر است در خصوص امورات شما بجناب اسمين عليهما بهآءالله مرقوم ميشود بجناب فاضل عليه بهآءالله الابهی و ثنائه تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرمائيد و از لسان اين عبد تبليغ نمائيد قدجآء موعدک و اتت دولتک و حانت ازمّة صولتک و هذا ميدان جولتک فاطلق الاعنه و اشرع الاسّنة ببيان فصيح بديع مليح تالله الحق هذه اسنّة تخرق الصخرة و تثقب الجبال من جلمود الشدّة ع ع مقابله شد

هوالله

ش حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزاآقای افنان ابوی آقاميرزا جلال عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ايهّا الفرع الرفيع من السدرة المبارکه آنچه از قلم تحرير تسطير شد ببصر دقيق

ملاحظه گردید مضامين سبب

\* ص302 \*

سبب تسلی قلب اين حزين بود چه که ملاحظه گرديد در احزان فی الجمله سهيم دارم و از جهتی سبب تأثر و تحسر شد که بلاياء متواتره و مشاکل امور مصر و اسکندريّه بکلی شما را غمگين و پر آه و انين نموده و اين عبد خداوند بيچون گواه است که امور آنجناب را بيش از شئون خويش اهمّ ميشمارد و در فکر آسايش شما در جميع احوال بوده از يوم مسافرت تا بحال مکاتيب و مراسلات را با فرعين سدرهٴ مبارکه مستمّر داشته باوجود مشاغل و مشاکل عظيمه و صدمات و بليّات کليّه و هجوم اعدا از جميع جهات و تزلزل متزلزلين در عهد و ميثاق ولی بغايت تدابير خفيّه و توهين امرالله باز دقيقهٴ غفلت ننموده و نخواهد نمود و انشآءالله در تربيتشان بقوهٴ رحمانيّه ميکوشم ولی آنجناب از تفصيل مطلع نیستید چون اندو افنان غريبان بانجا آمدند ذکر نمودند که بما آنچه تخصيص فرموده‌اند نميرسد و امور منتظم نيست و ملاحظه ميشود که اگر مدّت عمر بر منوال حاضر بگذرد بهيچوجه ثمره حاصل نخواهد شد اگر مصلحت باشد ما خود بکاری مشغول گرديم و دکانی اداره نمائيم البتّه ثمری بخشد مختصر اينست که شکايت زياد از بيثمری حال حاضرشان نمودند اينعبد نيز ملاحظه نمود که زيرک هستند در ابتدا هر چند معامله مختصر نمايند در استقبال توسيع حاصل خواهد شد باری آنچه مرقوم شود حقيقت محبّت اينعبد بايشان بيان نشود و تا بحال در امور احدی مداخله ننموده‌ام امّا در امور ايشان از هر جهت مداخله خواهم کرد لهذا علی العجاله ايشان را

\* ص303 \*

در معيّت نزديک آرم که از جميع حالاتشان متصّل استفسار شود و اين را محرمانه مرقوم مينمايم که بجهت انتظام امورشان و ترّقيشان در باطن و ظاهر حتّی تجارتشان بهتر اينست که علی العجاله به بيروت بيايند و آنچه سهم آنها در شرکت است بگيرند و در بيروت مشغول کسب گردند و اين قضيّه را مستور بداريد و خودتان اگر مصلحت بدانيد بايشان مرقوم نمائيد و امّا در خصوص شراکتتان با حضرات اوراق ملاحظه گرديد حق با شماست حضرات بايد بموجب اوراق حساب بدهند و ربح معلوم گردد و بر من تفصيل واضح و از هر جهت محافظهٴ حقوق آن جنابان را ميخواهم ولی کار اين عبد بسيار دشوار و مشکل شده است و زمام امور از دست رفته است بقسمي که بنفسی نميتوان کلمهٴ مخالف رضايش ذکر نمود اگر چنانچه فی الجمله تضييق نمائی آن نفس را فوراً متزلزلين ميثاق بکمال تدابير و خداع متزلزل مينمايند بلکه ميکوشند تا آنرا بکلی از عهد الهی بری نمايند بلکه القای بغضا در قلبش مينمايند اين سبب ميشود که آن بيچاره بکلی محروم ميگردد لهذا اينعبد تضييق نميشود بکسی نمايم ولو بجهت محافظهٴ حقوق دوستان باشد العذر عند کرام الناس مقبول و اين کلمه را محرمانه بآنجناب نوشتم ملاحظه فرمائيد که اين عبد وحيد فريد غريب در گوشهٴ طبرّيا افتاده و بچه بلايا مبتلا قسم بجمال قدم که ذرّات اشيا گريه و ناله و ندبه مينمايند پس مادام که چنين قرار ميان شما و شرکاست بموجب

\* ص304 \*

تفصيل که مرقوم نموده بوديد حساب بخواهيد تا معلوم شود چه عايد و حاصل شده اين عبد بقدر امکان در امور آنجناب ميکوشم و بحضرات مينويسم و از حق ميطلبم که حقوق آنجناب محفوظ ماند حضرات نيز البتّه در صيانت حقوق فتور نخواهند کرد و اگر قصوری حاصل شود از فتور جبريست که در امور واقع شده است اسباب چنين فراهم آمده ايشان البتّه بقدر مقدور قصور نخواهند کرد ديگر آنکه بفرعين محترمين هميشه توصيه در ثبوت و رسوخ نمائيد چه که بعضی تأويلات در محکمات حاصل شده است و اهل شبهات متصّل در القأآت هستند و اليوم اگر نفسی بقدر سمّ الخياط گوش را بکلمات شبهات باز کند چنان بلغزد که ابداً خويش را ضبط نتواند از جله القأآت اهل شبهات اينست که بنفسی ميگويند که بايد مراجعت بآيات کرد يعنی اجتهاد نمود باين معنی که هر کس مستغنی است آنچه بخواهد استنباط ميکند يعنی احتياج بمبيّن نيست ملاحظه نمائيد که اين کلمه چقدر سبب تضييع امرالله ميشود و چه قدر سبب اختلاف خواهد شد با وجود کتاب عهد الهی مبيّن معلوم و منصوص مع هذا چه کلمهٴ القا ميشود واين کلمه را اوّل عمر ذکر نمود وقتي که حضرت رسول روح العالمين له الفدا در حين وفات فرمود أتونی بقلم و قرطاس لاکتب لکم شيأً لا تضّلون بعده گفت يکفينا کتاب الله حال يکفينا کتاب الله تبديل بکلمهٴ خدا کل را غنی فرمود

\* ص305 \*

و مراجعت بنوشتجات کن شده يعنی تمکين از مبيّن مکن و سئوال منما و برضای او حرکت و بدلالت او سلوک و معرفت لزوم ندارد خود مجتهد باش در اين ضمن مقصد که از عهد و ميثاق بری گردد باری مقصد اينست که آنجناب بايد چون جبل راسخ ثابت مقاومت نمائيد و مگذاريد که قول متزلزلين موسوسين سدّی در قلوب سادگان تأثير نمايد اليوم افنان سدرهٴ مبارکه بايد اوّل خادم عهد و ميثاق الهی باشند تا امرالله در ظل کلمهٴ وحدانيّت از جميع جهات طوارء محفوظ ماند هر يک در اين ره يک قدم بيش نهد پيشی يابد و مظهر تأئيدات ملکوت ابهی گردد و در جميع شئون موفّق شود والا قسم بحضرت قيّوم که در کل مراتب و شئون سرنگون گردد عنقريب متزلزلين را در خسران مبين مشاهده خواهيد نمود ان تنصروا الله ينصرکم والبهآء عليک

ع ع مقابله شد ٣٤٥ خط مبارک

هوالابهی

ش حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

# هو الاعلی الابهی

الهی هذا من افنان شجرة الاثبات و فَنَنُ من فروع دوحة وحدانيّتک قد اقبل اليک متذّللاً بباب احدّيتک و متشبثاً بذيل ردآء فردانيّتک و منجذباً بذکرک و ناطقاً بمحامدک فاحفظه بعين

\* ص306 \*

حفظک و و کلائتک و احرسه في ظل وقايتک و وفّقه علی رضاک في جميع الشئون و احفظه عن ريب المنو‌ن و ايدّه بعون السّر المصون يا حيّ يا قيّوم انّک انت الودود مسطورات محفوظه و اوراق منشورهٴ آن جناب کل واصل و بر مضامين وقوف تامّ حاصل گرديد در خصوص بعضی روايات مرقوم فرموده بوديد الحمدلله در اين بساط جز نفحات قدس را مروری نه و جز انوار انس را سطوعی نه اگر انتشاريست صيت و ولولهٴ شکن زلف يار است و اگر اشتهاريست ذکر فتنهٴ چشم دلبر و بوی خوش کوی دلدار شب و روز بنسيم عنايت زنده‌ايم و بشميم عبير رياض عنايت پاينده و شما مطمئن بفضل حق باشيد و البتّه بالطاف غير متناهی ملکوت ابهی اين تأثرات را فراموش کنيد و اين احزان را در زاويهٴ نسيان نهيد وقت هوش و گوش است و خاموشی از هر ذکری جز نعت و ستايش حضرت دوست دع هذه الروايات و اتل علی السامعين الآيات البينات و اکشف الغطا عن ابصار اهل الشبهات و اشتعل بالنار الموقدة فی السدرة الرحمانيّه و اطلق اللسان بالذکر الحکيم و ادخل فی جنّة النعيم و اهد الی الصراط المستقيم و دُل علی النيّر المنير فی الافق المبين و اسق الطالبين من مآء معين حتّی يخاطبک ربّک من ملکوته الاعلی طوبی لک ایّها الفرع الرفيع من هذالفضل العظيم و بشری لک ايّها القضيب الرطيب من هذا الجود البديع

\* ص307 \*

والبهآء عليک و علی کل ثابت علی العهد القديم ع ع مقابله شد ٣٤٦ خط مبارک

هو

ش بواسطه حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقا ميرزا آقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای افنان سدرهٴ مبارکه در خصوص مکتوب آقاسيّد ميرزا آنچه مرقوم نموده بود کل کذب و دسائس و مفتريّات بود آن شاعر ماهری که ميگويد نميشناسد آن ميرزا عبدالله است که شب و روز مجالس و مؤانس او بود دعهم و شأنهم قابل خطاب و نصيحت و دلالت نيست شما او را ميشناسيد که بمنع قطعی جمال قدم کراراً از بيع افيون نگذشت و مخالفت نمود تا کن فيکون شد حال ديگر معلومست که چه عنادی دارد نسئل الله بان يجعله راجعاً الی الميثاق قضيّهٴ متصاعد الی الله جناب ميرزاحسينخان و دفنشان در خانه شان بسيار بجا واقع و جناب افنان سدرهٴ مبارکه آقاميرزاجلال بسيار موافق حرکت نموده‌اند و خدمت کرده‌اند در خصوص بيت مقدّس در فارس از شيراز جميع احبّآء نهايت جزع و فزع را مينمايند و دو ماه پيش جمعاً کل نوشته و استدعای تبصّر در امر بيت مبارک نموده‌اند بقسمي که ملاحظه شد که اگر سواد آن ارسال نزد آنحضرت شود بسيار سبب حزن ميگردد لهذا

\* ص308 \*

نفرستادم ولی بايد آن حضرت در اين خصوص همّت عظيمه بفرمائيد زيرا اين امر بيت بسيار مهّمست اهّميتش بدرجهٴ که وصف نتوانم لابد بايد آنجناب و يا يکی از اولادهای آنجناب در آنجا باشيد نميشود تسليم زنی نمود ولو محافظه نمايد باری بنوعی احبّآء فرياد ميکنند که اينعبد عاجز مانده بهر قسمی هست يکی از حضرات افنان سدرهٴ مبارکه که همراه هستند بفرستيد بفارس که مواظب بيت مقدّس در نهايت احترام باشد بسيار در اين خصوص همّت نمائيد تأخير ابداً جائز نه حضرت افنان شجرهٴ مبارکه آقاميرزاجلال منصب دارند هر روز مأمور بجائی ميشوند اختيارشان بدست خودشان نيست شما با ايشان مخابره نمائيد هر يک از افنان اخوانشان را مصلحت بدانيد و بدانند معيّن نمائيد و بفرستيد تا جميع احبّآء بدانند که ايشان محض خدمت بيت در فارس هستند و کار ديگر ندارند ديگر آنکه احتراماتی که در حقّ مسافرين و مسافرات امريکا مجری فرموديد بسيار سبب سرور و روح و ريحان گرديد و لمثلک ينبغی هذا الشأن العظيم جميع دوستان که از آنسمت عبور مينمايند کل را مهربانی بفرمائيد در خصوص تأخير اجوبه محزون مشويد زيرا نميدانيد که در چه بلائی گرفتارم قسم بجمال قدم که از اوّل ابداع تا بحال چنين محن و مشاقی ديده نشده است ملاحظه فرمائيد که اعداء خارجه بچه درجه در صددند و حضرات ناقضين از آنها صد درجه گذشته‌اند و متصّل با

\* ص309 \*

مأمورين حکومت در تحريک فسادند و مفتريات چندی هر روز ايجاد نمايند حال منتظر اينند که از فسادشان که باسلامبول نموده‌اند يا اينعبد را در دريا اندازند و يا بفيزان برند اين را بدانيد آنچه بر اين عبد وارد شود کل از ناقضين است هيچ کس مدخلی ندارد و از جهتی جميع اين مشاغل داخل و خارج و مخابرات و سئوال و جواب و از جهتی خدمات آستان مقدّس و ابلاغ و تبليغ لازم واجب ديگر ملاحظه فرما که در چه دريائی مستغرقم فاعتبروا يااولی الابصار ع ع

و امّا در خصوص مراجعت آن حضرت بوطن مألوف مرا مقصد چنين بود که در اين صفحات بلکه انشآءالله تمّکن نمائيد و امور بر محور مطلوب دوران نمايد و بعضی زحمات عبدالبها را ولو در آن صفحات باشد تحمّل نمائيد چنانچه در ورود مخدّرات امريکائي ها تحمّل فرموديد حال هم اگر ممکن باشد باز موافقست و اگر اسباب متشتّت و متفرّق و بقای شما بالذّات مشکل و بجهت امور و تمشيّت اسباب رجوع واجب و لازم جناب افنانان سدرهٴ مبارکه آقاميرزابزرگ و آقاميرزاحبيب را در آنجا بگذاريد مشغول بشغلشان باشند من خود متوجه آنها ميگردم و تربيتشان مينمايم و شما باين ارض يعنی زيارت آستان مشرّف شده بعد حرکت ميفرمائيد و در خصوص بيت مقدّس نيز قراری مناسب و موافق ميدهيم والبهآء عليک ع ع مقابله شد

٣٤٧ خط مبارک

هوالابهی

\* ص310 \*

جناب افنان سدره مبارکه حضرت آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی ملاحظه

نمايند

# هوالابهی

اي فرع رفيع سدرهٴ مبارکه آنچه مرقوم فرموده بوديد تلاوت و قرائت گرديد و مکاتيب جوف نيز ملاحظه شد جواب مرقوم گشت در طيّ اين مکتوبست بجهة جناب حاجی حسينعلی و حاجی لطفعلی اجازت زيارت روضهٴ مطهّره داده شد مکاتيب سابق را نيز انشآءالله جواب ارسال مينمائيم تأخير از کثرت مشغوليّت حاصل اگر اينجا باشيد ملاحظه ميفرمائيد که دستگاه چاپخانه انگليس اينقدر اوراق طبع ننمايد که اين قلم مرقوم مينمايد اين گذشته از امورات جسميه و مشاغل عظيمه و مقاومت اعدا در جميع نقاط ارض و مشغولی دائمی در امور داخل و خارجست والبهآء عليک ع ع مقابله شد

٣٤٨ خط مبارک

هو

در خليج سعيد مصر جناب افنان آقاميرزاآقا ملاحظه فرمايند

ايهّا الافنون الشامخ الرفيع عليک بهآءالله و نوره و ضيآئه و عناية و جوده

\* ص311 \*

و احسانه و الطافه و شملک فيکل الشئون بلحظات اعين رحمانيّة خبر محزنی در اين ايّام وارد و قلوب مضطرب و نفوس متحيّر و ارواح متأسف گرديد چه که نار فراق را حرقت شديده است و مصيبت هجران را حسرت عظيمه ولکن چون آن روح لطيف باوج عزّ تقديس عروج نمود و آن شعاع ساطع بافق قدس توحيد راجع شد در جيع شئون بايد بحبل محکم متين صبر تمسّک نمود و بقضای الهی راضی بود انّما يوفی الصابرون اجرهم بغير حساب و يقين است که آن افنان سدرهٴ الهيّه و آن شجرهٴ روضهٴ عنايت رحمانيّه در اين مصيبت محزون و مغموم نخواهند ماند بلکه بشکرانهٴ حسن خاتمهٴ آن متصاعدهٴ الی الله زبان گشايند و مناجات کنند ربّی و رجائی ترانی متضرّعاً بباب رحمانيتّک و مبتهلاً الی ملکوت وحدانيّتک ان تنزل علی التی شرفّتها بمجاورة بيتک و ايدّتها علی معرفتک و سقيتها من اقداح محبّتک و نسبتها الی شجرة صمدانيتک بان تجيرها فی جوا رحمتک الکبری و تسکنها فی حدائق عنايتک العظمی و تخلدها فی فردوس لقائک و تدخلها فی زمرة الهائمين فی نور جمالک انّک انت الکريم الرحيم ع

مقابله شد ٣٤٩ خط مبارک

هوالابهی

\* ص312 \*

مصر حضرت افنان آقاميرزاآقا عليه بهآءالابهی

# هوالابهی

حضرت افنان سدرهٴ منتهی عليه بهآءالله الابهی آنچه بقلم روحانی بر صفحهٴ وجدان مرقوم نموده بوديد بلسان محبّت الله تلاوت شد نفحهٴ خوش انجذاب استشمام گرديد و حلاوة ذکر محبوب حقيقی مذاق ياران معنوي را شيرين نمود حمد و شکر جمال قدم را که افنان شجرهٴ مبارکه را به گلهای ذکر و بيان و اوراق مخضرّهٴ‌ شئون روحانيّه مزيّن فرمود و از رحمت بيپايان آن مليک وجود و سلطان غيب و شهود آمل و سائليم که آن سرمست صهبای محبّت الله را در انجمن عاشقان جمال رحمن بانجذابی عظيم ظاهر فرمايد که کل بحرارت شديدهٴ آن مشتعل شوند تا در هر جمعی چون شمع برافروزند و بر هر شاخساری چون طيور حديقهٴ توحيد بنغمات ذکر ربّ مجيد مشغول گردند شئون روحانيّه اين رتبهٴ بلند اعلاست الهم يا وله قلوب الموّحدين ايّد افنان سدرة توحيدک علی اعلآء کلمتک بين بريّتک و نوّر وجوههم بانوار الانقطاع عمّا سواک والتخلق بشئون تجريدک واحفظهم في ظل جناح حمايتک و اثبت کلمتهم في صحائف عوالم الانشآء بحولک و قوّتک و سلطانک و اقتدارک لانّک انت القوّی القدير ع ع مقابله شد ٣٥٠ خط مبارک

\* ص313 \*

هوالابهی

حضرت افنان سدرهٴ رحمانيّه جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی ملاحظه

نمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع الرفيع من السدرة الرحمانية چند روز قبل رقيمهٴ ارسال گرديد و مراتب شوق و اشتياق بيان شد حال چون جناب حاجی عليه من کل بهآء ابهاه عازم باين مختصر اظهار ميرود که يک دقيقه از خيال شما فارغ نيستم شب و روز تضرّع بافق اعلی ميگردد که اسبابی فراهم آيد که قدری راحت و آسايش بجهت آنجناب فراهم آيد اگرچه در اين عالم عنصری آسايش ممکن و ميسّر نه لکن کثرت و قلت مشقّات ممکن است جناب حاجی عليه بهآءالله الابهی چندی در آنجا هستند انشآءالله موفق بر رفع اختلافات خواهند شد آنحضرت چون از افنان سدرهٴ الهيّه هستيد بايد نظرتان همه بر ارضآء کل باشد هر چند زحمت حاصل گردد و مشقّت پيش آيد و مشکلات رخ دهد تحمّل نمائيد و بضرر راضی شويد انّ لربّک فضل عليک عظيم عظيم قدری در مشکلات و مشقّات اين عبد ملاحظه فرمائيد جميع مشقّات و متاعب آسان ميشود جميع افنان سدرهٴ رحمانيّه را از قبل اين عبد تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرمائيد والبهآء عليک ع ع

مقابله شد ٣٥١ خط مبارک

\* ص314 \*

هوالابهی

حضرت افنان سدرهٴ منتهی جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی ملاحظه

نمايند

# هوالابهی

الهی و محبوبی قد خلقت شجرة مقدّسة رحمانيّه و دوحة کريمة ربّانيّه و سدرهٴ

جليلة صمدانيّه اغرستها فی الفردوس الاعلی و نصبتها فی جنّتک الابهی و سقيتها من

انهار توحيدک الطافحة فی حديقتک الغُلْبا و مررت علیها بالنسائم المنتشرة من

ملکوتک الاسمی و اشرقت عليها بشمس حقيقتک النورآء و انشئتها بقوّة و شعاع و

حرارة مثبته من نيّرک الاعظم الابهی و انبّتها نباتاً حسناً بموهبتک العظمی و

اعليتها بقدرتک التی اعجزت مظاهر النفی فی ملکوت الانشآء و انميت و نشرت و رفعت

افنانها الی اوج العلی و بسطّت فروعها و اوراقها حتّی تمتّد و تملأ الارض

والسمآء و ازهرت تلک الفروع باوراد طرية لطيفة بهرآء و اثمرت باثمار شهيّة جنیّة

حمرآء و نفحت نفحاتها و انتشرت روحاتها و عبقت انفاس طيبها و مرّت نسائم حبيبها

و ارتفعت و اعتلت و تشامخت و تشاهقت حتّی وصلت الی الرفرف الاعلی و هوآء عمآء

بهآء الاوج الاسمی اي ربّ فبما وهبت و اعطيت و اکرمت و احسنت احفظ افنانها من

کل الارياح الهابة بغير رضآئک والاعصار المنتشر المار من شبهات اهل الاشارات

بصونک

٣٥٢ خط مبارک

\* ص315 \*

و حراستک تابتين ثابتين راسخين علی عهدک و ميثاقک انّک انت المقتدر العزيز القيوم

القادر الحافظ العظيم ع ع مقابله شد

هوالابهی

مدينه حضرت افنان آقا ميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ايهّاالفرع المتدرّج فی اعلآء کلمة الله از قرار مسموع از بغداد عزيمت بصفحات

سرّمن رای فرموديد و مقصد اين بود که با شخص معهود در کمال حکمت گفت و شنود گردد

آنشخص هرچند در درجه انحطاط کلی جسمانيست و لابد نشاط و انبساط مکالمات و

محاورات قليل ولی نفحهٴ الهی را قوّتی ديگر است و جذبهٴ رحماني را نفوذی ديگر ارض

هامده را حديقهٴ نابته نمايد و خطهٴ ميّته يابسه را روضهٴ مؤنقه فرمايد فيض روح

القدس مسيحائی عظم ر‌ميم را حيّ قوی نمايد و ريزش باران نيسانی در عمق بحار لؤلؤ

فريد و درّ نضيد پرورد و تری الارض هامدة و اذا انزلنا علیها المآء اهتزّت و ربت و

انبتت من کل زوج بهيج باری اميداريم که آنجناب در آن حوضه القای کلمهٴ حقّی

بنمائيد و نفحهٴ در آن خطّه و ديار نشر نمائيد که رائحهٴ عطريّه‌اش مشام جميع را

معطّر نمايد و اجسام ميّته را جان بخشد والبهآء عليک و علی کل من ثبت علی العهد

والميثاق ع ع مقابله شد

٣٥٣ خط مبارک

\* ص316 \*

هوالابهی

حضرت افنان سدرهٴ منتهی جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی ملاحظه

نمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع من السدرة المبارکه از جهت بلايا و مشقّات آن جناب نهايت تأثر و

حزن را دارم حقيقة اسباب چنين فراهم آمد که زحمت زيادی کشيديد ولکن اگر جميع

زحمات و مشقّات را قياس باين بلايای بيپايان و داغ نمايان اينعبد نمائی حکم قطره

و بحر دارد و قياس ذرّه و شمس باشد قسم بجمال قدم که جميع مشقّات و زحمات

خويش را فراموش نمائی و شب و روز بدعا دهان گشائی که خدايا عونی عنايت کن و طاقتی

احسان فرما چه که جبل حديد اين حمل ثقيل را حمل نتواند و قوآء عظيم وجود تحمّل

نکند پس خدايا توانائی بخش و قوّت و قدرت ربّائی عطا فرما در خصوص ورقهٴ طيّبه

راضيه عليه بهآءالله الابهی مرقوم فرموده بوديد بسيار خوب فکری کرديد حقيقة در

اين ممالک بجهتشان راحت و آسايش محالست باز ايران از برای نسوان قياس بجای ديگر

نتوان نمود وطنست و اقربا و دوستان بسيار اسباب مشغوليّت است تنها فريد وحيد در

خانه در مصر معلومست چه ميگذرد باری حال بجهت زيارت روضهٴ مبارکه و تغيير هوا

باينجا بفرستيد و بعد از تشرّف بزيارت و حصول

\* ص317 \*

راحت و صحّت قصد ايران نمايند والبهآء عليک و علی اشبالک و اهلک وعلی کل

الاحباب ع ع مقابله شد ٣٥٤ خط مبارک

هوالابهی

حضرت افنان جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع النضر الخضل من الشجرة المبارکه چندی پيش بنفثات روح و جذبات

قلوب تحريری ارسال شد و حال نيز چون جناب حاجی عازم بکلماتی چند پرداخته که

بنفحات ذکر مجلس و محفل را خوشبوی و معطّر نمايد چندی است که از آنحضرت خبری

نرسيده کثرت مشاغل و پريشانی خواطر گويا مانع و حائل گشته از اين وقايع محزون مشو

و متنکر مگرد عنقريب جميع اين امواج ساکن و مشغوليّت ذهن زائل خواهد شد

فامّا الزبد فيذهب جفاًء و امّا ما ينفع الناس فيمکث فی الارض آن شاخۀ ‌سدرهٴ طوبی

بايد در فصل بهار و تابستان و خزان و زمستان يعنی در جميع فصول سبز و خرّم و تر

و بارور باشيد تا واضح و مشهود گردد که از فضل جمال ابهی در بهار دائمی واقع

بلکه ربيعی که خزان از پی ندارد باری اثر کلک آن حضرت گاه گاهی اسباب روح و

ريحان بود و اين عبد با وجود قلزم اکبر و مشغوليّت ها و طوفان بلايا باز بذکر

\* ص318 \*

بذکر شما مشغولم والبهآء عليک علی فروعک الکريم ع ع مقابله شد

٣٥٥ خط مبارک

هوالابهی

پورتسعيد حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزا آقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ايهّا الفرع المنجذب بنفحات القدس المنتسب الی السدرة المبارکه آنچه مرقوم نموده

بوديد ملاحظه گرديد الحمدلله بهمّت آنجناب بخوشی منتهی شد و لمثلک ينبغی

هذا المقام الرفيع فروع سدره بايد در جميع شئون رايت انقطاع باشند و نور

اهتدآء اقتدآء باصل شجرهٴ رحمانيّت نمايند تا نسبت حقيقی خويش را در کل بمراتب

باعمال و افعال و کردار و رفتار ثابت نمايند ملاحظه فرمائيد که آن شمس حقيقت و

حقيقت ربوبيّت روحی و کينونتی و ذاتی لجسده الفدا چه مقامي را بجهت خود اختيار

نمود که بر ملا در ميدان آويختند و هزار گلوله بر سينهٴ مبارکش زدند ديگر

معلومست که بايد بچه درجه منقطع از ماسوی باشيم باری الحمدلله بروح و ريحان

گذشت از فضل و تأييد جمال وحيد فريد اميد است که در جميع امور موفّق و مؤيد

گرديد و حضرات افنان سدرهٴ الهيّه را تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرمائيد و همچنين ورقهٴ

مبارکه را در خصوص بيت معّظم مطاف عالم روحی لترابه الفدا مرقوم نموده بوديد

اين مسئله بسيار مهّم است بل اهمّ جميع امور حال از قراري که مرقوم فرموده‌ايد

از برای رجال زيارت ممتنع و محال اين قضيّه بسيار سبب

\* ص319 \*

حسرت ياران صادق و مشتاقان طواف آن بيت معظّم گرديد البتّه بهر قسم باشد

اسبابی فراهم آريد که گاهگاهی بعضی داخل بشوند و اقلاً زيارت عادی بتوانند و

الا قليلاً قليلاً عدم زيارت عادت شود و اهميّت عظمی از خاطرها برود بايد

احبّائی که در شيراز هستند در ماهی اقلاً يک دفعه زيارت بيت را فرض دانند و واجب

شمرند چنانچه اگر اين عبد در فارس بود هفتهٴ يک مرتبه البتّه طواف ميکرد ولو

آنکه مخالفان سنگسار نمايند باری چون شما محافظ و ناظر بيتيد بايد در اين خصوص

بسيارهمّت فرمائيد والبهآءعليک ع ع

جواب مکتوب تأخيرش بسبب کثرت مشاغل و هجوم امور و تعرّضات جمهور اهل فتور است

لهذا معذور داريد باحبّای امريکان در وقت ورود بآن صفحات رعايت را ملحوظ دارید و

احبّای الهي را تکبير برسانيد ع ع مقابله شد

٣٥٦ خط مبارک

هوالله

پورتسعيد حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرع من السدرة المبارکه آنچه مرقوم نموده بوديد مطابق واقع بود در اين

خصوصات مطمئن

\* ص320 \*

مطمئن باشيد انشآءالله بعون و عنايت جمالقدم نميگذارم که نفسی نفسی در

امرالله بهوای خويش کشد زيرا حصن حصين امرالله رصين و متين است مقصود دل و جان

جانفشانی در سبيل جانانست با وجود اين ديگر چه ملاحظه در ميان ولو صدهزار تير و

سنان برهدف دل و جان خورد در خصوص بيت مکرّم آستان مقدّس روحی لعتبة الفدا

مرقوم فرموده بوديد در هر دم از واردين مارّين آن مدينهٴ مقدّسه مفصّل التماس و

رجاء وارد تفصيل سبب حزن و کدورت و آلام آن جناب گردد مقصود اينست که اين آستان

اهميّتش از روح عبدالبهاء بيشتر ديگر ملاحظه فرمائيد که چه قدر معزز و مکرّم

است لهذا آنجناب بايد اين امر راچنان مجری فرمائيد که روح عبدالبهآء مهتز و

مسرور گردد قسم بروح مبارک حضرت مقدّس منزّه آن شمس حقيقت ربّ البيت روحی و ذاتی

و کينونتی لتربة الفدا که منتهای آمال دل و جان آنست که بآن خاک پاک مشرّف گشته

بمژگان آن آستان را جاروب کنم پس جناب ضيا افندي را ارسال داريد بروند و آن

آستان را از بيگانه مقدّس نمايند و بالوکاله از اينعبد بخدمت مشغول گردند حضرات

افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزابزرگ و جناب آقاميرزا حبيب و جناب آقاميرزا ضيا

را تکبير ابدع ابهی ابلاغ نمائيد و همچنين ورقات مقدّسات سدرهٴ رحمانيّه را ع ع

مقابله شد ٣٥٧ خط مبارک

هوالله پورتسعيد حضرت افنان سدرهٴ مبارکه عليه بهآءالله

# هوالمهيمن القيوم

الهی الهی انّی عبدک البائس الیائس عن نفسی و فرط خطائی و عظيم حَوْبی و شديد

عصيانی و غلو طغيانی

\* ص321 \*

و ليس لی الا جليل احسانک و عميم غفرانک ربّ ربّ ترانی متحيّراً فی امری و متشتّتاً

شملی و متفرّقاً جمعی و متشعثاً لمّی و مضطرباً قلبی و مضطرماً احشائی و منسجماً

دمعی و متوّجهاً اليک وجهی ارحمنی بفضلک و جودک و کرمک و اعفرلی خطائی و اعف عنّی

بزلاتی و عثراتی و ادخلنی فی حصن عفوک و صونک و ارفقنی عونک و اقطعنی عن دونک و اخلص وجهی لوجهک الکريم انّک انت الرحمن الرحيم ايربّ ايدّنی بتأییداتک و وفّقنی بتوفيقاتک و اجعلنی من عبادک المخلصين ع ع مقابله شد ٣٥٨ خط مبارک

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرع الرفيع من السدرة المبارکه مکتوب واصل و مضمون معلوم گرديد کشفيّه

بجهت عمارت بيت مقدّسه ملاحظه گشت بسيار موافق بواسطهٴ جناب معمارباشی در فکر

کار باشيد و تهيّه و تدارک بينيد و جناب معمارباشی بايد نهايت همّت را مبذول

دارند و البتّه صد البتّه دقّت کلی نمايند که مقدار رأس شعری از اساس و ترتیب

وضع و هندسه و مساحت و اندازهٴ اصلی تجاوز ننمايد و در نهايت ظرافت و لطافت و

اتقان ساخته شود و انشآءالله متدرجّاً مبلغ ارسال ميگردد حال شما در تهيّه و

تدارک باشيد تا يک ماه مبلغی ارسال ميشود و زود زود اخبار دهيد که چه کرديد

زيرا

\* ص322 \*

زيرا اين عبد جميع امور را در وقت مرهون بنهايت اتقان متوّکلاً علی الله تمشيّت

ميدهد دقيقهٴ واحده تأخير جائز نداند مطمئن باشيد از حق ميطلبم که موفّق گرديم

و تهاون ننمائيم و عليک التحيّة و الثنآء ع ع مقابله شد ٣٥٩ خط مبارک

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرع الرفيع من السدرة المبارکة چندی از پيش در خصوص تعمير مطاف

ملکوتيان و کعبهٴ رحمانيان مرقوم نموده بوديد جواب مرقوم شد خبری هنوز از وصول

جواب نرسيد تعمير بيت مکرّم از فرائض فوريّه است طرفة العين تأخير جائز نه

امّا بر بنيان اصلی بايد باقی و برقرار ماند قطعيّاً تغيير و تبديلی نيابد پس

بايد آن حضرت بکمال سرعت کشفيّه تعميرات بيت مکرّم نمائيد و بزودی ارسال بارض

مقدّس فرمائيد تا اينجا بهر قسمی باشد آن مبلغ ارسال گردد بزودی بتعمير بيت مبارک

مطاف روحانيان پردازيد دقيقهٴ تأخير جايز نه بسيار مهمّ است تأثيرات روحانيّه

و جسمانيّه‌اش‌شديد است البتّه بوصول اين مکتوب دقيقهٴ فتور ننموده و بزودی کشفيّه

را ارسال داريد وضعيّت بيت از جهت ترتيب اطاقها و ديوارها و وسعت و هندسه ابداً

ذرّةء تغيير و تبديل جائز نه و عليک التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد

٣٦٠ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

\* ص323 \*

\* تعمير بيت مقدّس مبارک ملاحظه فرمائيد که چقدر مهّم است که اينعبد تعهّد نمود

که اهل فارس اگر تعمير نمايند آفات مستوليّه بکلی زائل گردد و مرقوم نمود که

اين قضيّه را مدار حقيقت و بطلان قرار دهند ع ع \* مقابله شد

\* اين دو سطر عقب لوح نمرهٴ ٣٦٠ بخط مبارکست

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرع الرفيع من السدرة الرحمانيه آنچه نگاشتيد معلوم و واضح شد حمد

خدا را که مأمور به بنای بيت مکرّم گرديديد قدر اين موهبت را بدانيد والله

الذی لااله الاهو که حقايق روحانيّهٴ نفوس مقدّسه در ملاء اعلی طوبی لک من هذا

ندا مينمايند و يا حبذّا و يا حبذّا فرياد برآرند آنچه احبّای الهی بجهة تعمير

بنای بيت معظّم تقديم نموده‌اند مقبول و مرغوب و همچنين اگر من بعد نفسی بنهايت

آرزو چيزی تقديم نمايد بجهت آن بنای مقدّس قبول نمائيد هر چند اين ايّام ولوله

در آفاق افتاده و زلزله در ارکان عالم انداخته ابواب بلايا و مصائب مفتوح و

طوفان امتحان و افتنان موجود در چنين قيامتی بنای بيت محترم عظيمست و سبب فرح

و سرور هر قلب حزين کار اينست زيرا در وقت امن و امان هرکسی هر کاری تواند

ولی در وقتي که باد و باران شديد و برف و تگرک و رعد و برق و صاعقهٴ عظيم از هر

جهت پی در پی و گردباد محيط در چنين مصيبتی در قطب دريا در طوفان اعظم اگر ناخدا

شراع بگشايد قوّتی عظيم بنمايد والا در سکون دريا هر بينوا بادبان باز کند و

کشتی براند انّ هذا من فضل ربّی الرحمن الرحيم ع ع مقابله شد

٣٦١ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

٩ شيراز

\* ص324 \* ٩

شيراز حضرت افنان من السدرة‌ المبارکه جناب آقا ميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرع الکريم من السدرة المبارکه مکتوب مورّخ بيست و پنجم جمادی الثانی

واصل گرديد و بر مضمون اطلاع حاصل شد عبدالبها از اهل شيراز ياران الهی نهايت

سرور را دارد ولی از اهل آن خاک پاک توقّع اينست که بر جميع اقاليم در شوق و وله

و جذب و طرب تفوّق جويند و گوی سبقت و پيشی را از ميدان محبّت الله بربايند

زيرا آن اقليم موطن ربّ کريمست و آن کشور مشرق آفتاب انور اگر چنانچه کلمهٴ از

قلم صادر گردد نظر باين توقّعست و ديگر آن که بعضی سرّاً بمذمّت ديگران بدون سبب

پرداخته بودند و اين اشخاص کم کم تعدّد يافت و روز بروز در تزايد بود ملاحظه

گرديد که اگر حال بر اين منوال پايد اين حال سرايت بعموم کند و در اين يوم معلوم

چنين حال نبايد و نشايد بلکه بايد جميع ياران نهايت ستايش را از يکديگر نمايند

تا سبب فرح قلب عبدالبهآء گردد و الا حزن غلبه نمايد و بی اختيار از قلم نصايح

صادر گردد و امّا در خصوص بيت مقدّس البتّه بايد طاهر و مطهّر باشد محلي در

جوار باشد که مسکن خادم و محفل زوّار گردد و بيت معمور خالی و فارغ و مقدّس ماند

مکتوبی در جوفست بحضرت افنان سدرهٴ الهيّه آقاميرزا آقا نجل محترم حضرت فرع

شجرهٴ الهيّه الفائز بالرفيق الاعلی جناب

\* ص325 \*

حاجی ميرزا محمّد علی برسانيد و عليک التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد

٣٦٢ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

هوالله

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقا ميرزاآقا عليه بهآءالله

# هوالله

ايهّا الفرع من السدرة المبارکه در خصوص خانه که در جوار بيت معظّم مبارک محترم

مطهّر مرقوم نموده‌ بوديد و از پيش نوشته بوديد بمجرّد وصول بحضرات افنان

عليهم بهآء الله الابهی مرقوم شد هنوز جواب نرسيده جواب خواهد رسيد بعد بشما

اخبار خواهم داد و عليک التحيّة والثنآء ع ع

مقابله شد

٣٦٣ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

# هوالابهی

ايهّا الفرع المنشعب من السدرة المبارکه نورالله بصرک بالفيوضات المقدّسة

المنزلة من غمام الفضل نوشتهٴ آنجناب تلاوت شد کمال روح و ريحان حاصل گشت

از فضل وجود سلطان وجود اميدواريم که در کل‌احيان بنسايم الطاف حضرت رحمن تازه و

تر باشيد و در جميع شئون ثبوت و رسوخ آل گرديد مکاتیبي که ارسال نموده بوديد

جوابش مرقوم شد و در جوف اين مکتوب ارسال ميشود والبهآء عليک و علی افنان

الرشيقة الخضرة النضرة الطريّه

\* ص326 \*

و علی احبّآء الله ع ع مقابله شد ٣٦٤ خط مبارک

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقا ميرزابزرگ و جناب آقا ميرزاحبيب

عليهما بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

زيارت من فاز بالرفيق الاعلی حضرت افنان سدرهٴ مبارکه آقا ميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

النفحات المعطّرة التی نفحت من رياض الملکوت الابهی والنسمات المغبرة التی

تهبّ من حدائق الجنّة المأوی تمّر علی قبرک المنوّر و مرقدک المشتهر ايهّا

الافنون الکريم و القضيب الرفيع المتفرّع من السدرة الرحمانيّه اشهد انّک قد

انتبهت من الرقاد و هديت الی الرّشاد و بعثت من مرقدک و سرعت الی مشهد اللقآء

و ادرکت ايّام ربّک و توجّهت الی الجمال الابهی و آمنت بربّک الاعلی و قمت علی

خدمة مولاک فيهذه النشئة الاولی و تحمّلت مشقّة الطعن في سبيل الله و ابتليت

بشماتة الاعدآء و جفآء اهل البغضآء و هاجرت من وطنک الی البقعة المبارکة

لمشاهدة آيات ربّک الکبری و خطوتَ بالوفود علی عتبة ربّک الودود و دخلت مشهد

اللّقآء و سمعت الخطاب من الفم

\* ص327 \*

المبارک الاعلی طوبی لک من هذا الفضل العظيم بشری لک من هذا العطآء الجليل اسئل

الله ان يرزقک في ملکوة الغيب الاخفی ما يغنيک عن کل شئ و يجعلک متحلّياً بحلل

العطآء و يعطيک ربّک فترضی و يشرق عليک بانوار المشاهدة فی الجنّة العليا طوبی

لمن يزور رمسک لنسبتک الی العتبة العليا حبّاً بالجمال الابهی و عليک التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد ٣٦٥ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

هوالابهی

ش حضرت افنان سدرهٴ منتهی جناب ميرزا ج ل عليه بهآءالله الابهی ملاحظه

نمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع النضير من الشجرة المبارکة در جميع احيان در ظل الطاف و عنايت

جمال قدم روحی لاسمه الاعظم فدا بوده‌ايد و چون خازن بيت الله و خادم آستان حل

و حرم کبريائه بوده‌ايد هميشه مورد عنايات مخصوصهٴ الهيّه بوده و هستيد لحظات عين

عنايت شامل است و توجهات فضل و رحمت ربوبيّت متواصل چون بنظر دقيق ملاحظه

نمائيد مشهود گردد که چه تاج وهّاجی بر سر و هامه نهادی که از تلئلأ جواهر مکنونه‌اش

عنقريب چشم يار و اغيار خيره گردد و شاهد عزّت پايدار رخ بگشايد پس از خدا

بخواه و تضرّع و ابتهال نما که چنانچه سزاوار اين موهبت است باحترام و خدمت آن

بيت مقدّس موفّق و مؤيد گردی تا ديدهٴ ابرار روشن گردد و قلوب اشرار در حرقت و

حسرت افتد و اين عباد رائحهٴ خوش خدمات

\* ص328 \*

خدمات را در اين بقعهٴ مبارکه استشمام نمائيم والبهآء علی کل من قام بقلبه و

روحه و ذاته لخدمة بيته الحرام عبدالبهآء ع مقابله شد ٣٦٦ خط مبارک

# هوالابهی

جناب متصاعد الی الله آقاميرزا عبدالحميد از انوار ايقان قلبی روشن داشتند

و تا نفس آخر ثابت و راسخ بر دين الله بودند و در خدمات افنان سدرهٴ الهيّه

مشغول عليه بهآءالله الابهی عليه ثنآءالله الابهی عليه نفحات الله المتهيجة

من رياض الملکوت الابهی حال بازماندگان ايشان را از جميع جهات بايد رعايت و

احترام نمود بقسمي که سبب مسرّت ياران و عبرت بيگانگان گردد والبهآء عليک و علی

کل من قام خدمت بقيّات احبّآءالله ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش حضرت افنان جناب ميرزاجلال عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

اي خادم درگاه الهی مکاتيب متعدّده مرقوم شد و ارسال گشت اين مظاهر لطف و عنايت

بآن جناب مستديمست و مستمر اگر بدانی که در چه آستان پاسبانی و در چه درگاه

دربان يقين کنی که بر سر اکليل جليل داری و برتن خلعت سروری از ملکوت عليّين

بر سرير بزرگواری جالسی و بر تخت شهرياری

\* ص329 \*

مستقر چه که جاروکش بارگاهی که منزلگاه مليک ملکوت و اسماو صفات بود و بندهٴ

درگاهی که ملجأ و ملاذ طالبان ديدار ربّ البرهان و الايآت الواضحات بود روحی و

ذاتی و کينونتی و حقيقتی له فدا شکر کن حضرت احديت را که بچنين فضلی موفّقی و

بچنين عنايتی مؤيدی شيبه که خادم حرم کعبه بود در آنزمان بندهٴ حقير بنظر

ميآمد حال هر يک از سلالهٴ او برکرسّی عزّت بر قرار و افتخار بجّد نامدار خويش

مينمايد والبهآء عليک و علی کلّ زائر فائز عبدالبهآء ع مقابله شد

٣٦٧ خط مبارک

هوالابهی

ش حضرت افنان سدرهٴ رحمانيّه جناب آقا جلال عليه بهآءالله الابهی ملاحظه

نمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع من السدرة الرحمانيّه حضرت والد عليه بهآءالله الابهی در يوم لقا

بشرف مثول بحضور حضرت کبريا فائز و در ساحت اقدس باصغای کلمات از فم مطهر و

توجيه خطاب جمال قدم واصل و حائز و بانواع الطاف الهيّه و مواهب جليلهٴ ربّانیه

مؤيد بعد باذن و اراده بسمت مصر حرکت فرمودند مدّتی بود که مصر يوسف از برای

ايشان کنعان يعقوب و بيت احزان شده بود لهذا در اين ايّام از آنجا بجهت زيارت

آستان مقدّس باين مطاف ملأ اعلی شتافتند و از تربت عتبهٴ طاهره بصر را منوّر و

دماغ را معطّر فرمودند بعد از حصول اين موهبت و وصول باين

\* ص330 \*

باين عنايت باميد نشر نفحات الله و اعلآء کلمات حال بآن صفحات مراجعت ميکنند از

فضل و تأئيد ملکوت ابهی سائل و آمليم که افنان سدرهٴ منتهی را برای اموری موفّق

فرمايد که سبب انتشار شئون رحمانيّه در عوالم امکانيّه گردد و علت انتباه

غافلين و اشتعال منجمدين و طراوت و لطافت قلوب ارواح گردد علی الخصوص آن شاخ بلند

شاخسار احديّت که خادم بيت سلطان وحدانيّت هستيد بايد از جميع جهات در حرمت و

رعايت بيت چنان قيام نمائيد که محسود گنجوران آسمان و مغبوط حاملان و طائفان حول

عرش گرديد لعمر الله انّ هذا لشأن عظيم و مقام رفيع و الحمدلله ربّ العالمين ع ع مقابله شد ٣٦٨ خط مبارک

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزابزرگ عليه بهآءاللهالابهی

# هوالله

ای افنان سدرهٴ منتهی عليک البهآء الابهی و علی اخوّتک و ذوی قرابتک الثابتين

علی الميثاق من هذا العبد المتضرّع الی الله العزيز الوهّاب قضيّهٴ فرع جليل

شهيد سبب حزن شديد شد و مورث مصيبتی جديد در وقتي که آلام و محن محيط باين انجمن

بغتة اين خبر مدهش موهش وارد ديگر معلوم است چه تأثيری نمود و چه احزان حاصل گشت

ولی چون آن فرع مجيد فی الحقيقه شهيد سبيل الهی گرديد و در ايّام حيات بخدمات

پرداخت و بعبوديّت آستان مقدّس موفّق لهذا

\* ص331 \*

نتيجهٴ زندگانی حاصل شد پس اين وفات عين حياتست و اين شهادت حقيقت سعادت اي کاش جميع ما در راه خدا جان فدا نموديم و کأس فنا نوشيديم هذا منتهی آمال

المقرّبين و غاية مقصد مخلصين مناجات و زيارتی مرقوم شد حضرت فرع رفيع جليل

ارسال خوهند نمود جميع احبّا را از قبل عبدالبهآء تحيّت مشتاقانه ابلاغ داريد

در خصوص اختلال و اختلاف احزاب در آن اقطار مرقوم نموده بوديد حزب الله بايد

از کلّ کناره گيرند و ابداً مداخله ننمايند ذرهم فی خوضهم يلعبون ما را کار بجان و دل است نه بآب و گِل و عليکم البهآءالابهی ع ع مقابله شد ٣٦٩ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

هوالله

قطر مصر حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب ميرزابزرگ عليه بهآءالله الابهی

هوالله

ايهّا الفرع البديع من الشجرة المبارکة عليک بالتوّکل علی ربّک و التوسّل بذيل

الکبريآء و التعلق باهداب ردآء الانقطاع عمّا سوی الله والتثبّت فی الامور

والتبتّل الی العزيز الغفور و ترتيل اللوح المحفوظ و الرّق المنشور والبهآءعليک ع ع مقابله شد

شيراز

\* ص332 \*

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقا ميرزا بزرگ عليه بهآءالله الابهی

هوالله

ای افنان الهی مکتوبي که بجناب آقاسيّد تقی مرقوم نموده بوديد ملاحظه گشت از

تفصيل مجلس ذکر الهی نهايت روح و ريحان حاصل شد هر محفلی که بذکر حق آراسته

گردد پرتوش شرق و غرب را منوّر نمايد و نفحاتش مشام حاضرين و غائبين را معطّر کند

باری جميع ياران که در آن محفل انس حاضر بودند مظاهر الطاف حظرت رحمانند و مؤيد

بجنود افق اعلی در کمال حکمت و ملاحظهٴ اوقات هر وقت ميسّر گردد بايد مجلس تذّکر

و تبتّل آراسته شود و ترتيل آيات توحيد گردد تا ذائقهٴ ملأ اعلی متلذّذ شود و

قلوب اهل ملکوت ابهی مسرور و مشعوف گردد در يوم شهادت حضرت اعلی روحی لتربته

الفدآء از قبل اين عبد طواف حرم مطّهر نما و بکمال تضرّع و زاری طلب تأئيد و

توفيق عبدالبهآء کن زيرا جنود نقض در هجومند و بيوفايان در نهايت جفا اين عبد را

تأثر و تحسّر از جهت ضرّ امرالله است و الا آنچه بلا وارد بجان و دل

آرزو نمايم و از سن رضيعی تمّنای صد هزار بلا و هر گونه مصيبت و ابتلا در سبيل

بها نموده تا آنکه الحمد لله اين کأس طافح گشته و اين جام سرشار شده و له

الحمد علی ذلک احبّای الهي را تکبير ابدع ابهی برسان ع ع مقابله شد

٣٧١ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

\* ص333 \*

هوالله

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزابزرگ عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي فرع شجرهٴ رحمانيّت جناب آقا عبدالغفّار مکرّر نهايت شکايت از ابويشان حاجی

محمّد ابراهيم مينمايند و ناله و فرياد ميکند بقسمی جزع و فزع ميکند که وصف

ندارد در اين ايّام نيز بواسطهٴ شما شکايت نامه‌ئی نگاشته و ناله و فغانی نموده

حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب ابوی خوبست در اين قضيه همّتی بفرمايند تا ميانهٴ

آن پسر و پدر التيامی حاصل گردد و عليک التحية والثنآء ع ع مقابله شد

٣٧٢ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزا بزرگ عليه بهآءالله

# هوالله

اي شاخ شاخسار روحانی مکاتيب متعدّده که بجناب منشادی مرقوم نموديد ملاحظه گرديد

از خبر اتمام بيت مکرّم اطمينان قلب حاصل الحمد لله موفّق بآن شديم و شديد

دفتر حساب را مکمّل و منتظم و مصدّق از بعضی از نفوس مهمّه حتّی خال مکرّم نمائيد

و در نزد خود محفوظ داريد اين لازمست و بکار شما خواهد خورد و جناب معمارباشی در

اين خصوص نهايت همّت را خواهند

\* ص334 \*

نمود جناب آقاميرزا فخرالدّين عليه بهاءالله بايد در تحصيل لسان

انگريزی نهايت همّت را بنمايند و مطالب انجيل را از بدايت تا نهايت ضبط در ذهن

کنند جواب حضرت مؤيد از پيش مرقوم و ارسال گرديد البتّه واصل شده است

و عليک التحيّة و الثنآء ع ع مقابله شد ٣٧٣ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

هوالابهی

ش جناب ميرزابزرگ عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

اي فرع لطيف سدرهٴ منتهی هر چند بظاهر از بصر و نظر دوری و از اين بساط مهجور

لکن قسم بنور مشرق از ملاء اعلی که جميع افنان شجرهٴ طوبی فی الحقيقه در کل

احيان در اين انجمن رحمن حاضر و در محفل روحانيان موجود و مشهودند در آستان

مقدّس مطاف جواهر وجود در کل حين بذکر شما مشغوليم و بياد روی شما مألوف و

بلسان قلب مناجات مينمائيم ربّ ايّد افنان سدرهٴ رحمانيّتک و فروع شجرة وحدانيّتک

علی التمسّک بذيل فردانيّتک و التشبث بعروة وحدانيّتک اي ربّ نوّر وجوههم بانوار

تقديسک و اشرح صدورهم بآيات توحيدک و قدّس قلبهم بمياه تمجيدک و اجعلهم آيات

ملکوتک و رايات جبروتک انّک انت الکريم الرحيم الروف الفضّال عبدالبهآء ع

مقابله شد

٣٧٤ خط مبارک

\* ص335 \*

هوالله

مصر حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب ميرزا بزرگ عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرع البدیع من السدرة المبارکه از اين جهت که در اين سفر چنانچه بايد و شايد

بجهت آن افنان سدره راحت و آسايش حاصل نگرديد بسيار محزون و مغمومم و البته

معذورم چه که بلايای متتابعه و رزايای مترادفه و هجوم عمومی بی انصافان از خارج

و داخل نچنان زمام از دست برده بود که ديگر بتوان بخدمت دوستان پرداخت و يا

بمحبّت با ياران مشغول شد و چون ملاحظه گرديد که وقوعات ناگهانی محتمل لهذا

مصلحت چنان بود که تشريف ببرند ولی دائماً در اين انديشه‌ام که در آن غربت بشما

چه ميگذرد البّته تفصيل احوال را مرقوم داريد ع ع مقابله شد

٣٧٥ خط مبارک

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزابزرگ عليه بهآءالله

# هوالله

ای افنان شجرهٴ مبارکه آنچه مرقوم نموده بوديد ملحوظ گرديد در اين طوفان بلا که

ابداً مهلت تنفس نيست و آرامی در ميان نه باوجود اين جواب نامه ها نگارم ملاحظه

فرما که نظر عنايت بچه درجه است شکر کن خدا را و اين فضل و احسان را فراموش منما

در خصوص خانهٴ متعلق بحضرت فرع رفيع شجرهٴ

\* ص336 \*

مبارکه آقاسيّد مهدی مرقوم نموده بوديد آن خانه تعلق بايشان دارد هر نوع

مصلحت دانند و امر فرمايند مجری داريد ابداً سئوال از اين جانب لزوم ندارد زيرا

مال ايشانست و در تصرف ايشان و عليک التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد

٣٧٦ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

هوالله

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب ميرزابزرگ عليه بهآءالله

# هوالله

اي ثابت بر پيمان مکتوب شما رسيد و بر مضمون اطلاع حاصل شد الحمدلله دلالت بر فرح

و مسرّت مينمود فرصت تفصيل نيست مختصر مرقوم ميشود جناب علمدار را تحيّت برسان

اميدوارم که از کأس سرشار محبّت الله سرمست باشد جناب آقاميرزا محمّد خبّاز را

بموهبت حضرت بی نياز اميدوار کن در اين ايّام در حضور بارض مقدّس محذور

انشآءالله در وقتش اجازه داده ميشود حضرت افنان جناب والد و جناب اخوان را

تکبير ابدع ابهی ابلاغ نما ع ع مقابله شد

٣٧٧ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

\* ص337 \*

بتاريخ ٥ شعبان ١٣٢٣

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه آقاميزابزرگ عليه بهآءالله

# هوالله

اي بندهٴ جمال ابهی مکتوب موّرخ ٢٣ شهر جمادی الاولی ١٣٢٣ که بجناب آقاسيّد تقی

مرقوم نموده بودی رسيد از مصر فرستاده بود مطالعه گرديد فرصت جواب مفصل نه مختصر

اينست که مکاتيب جوف رسيد جميع احبّای الهي را بتحيّت ابدع ابهی در کمال اشتياق

ذاکريم و از خدا خواهيم که کل بکمال استقامت برامر قيام نمايند و بتبليغ مشغول

شوند و هر چه در ارض اقدس وارد گردد سبب فتور و قصور در تبليغ نشود بايد ياران

الهی هر يک مانند علمی در کشوری بنفحات قدس موج زنند و بخدمت امر پردازند بلکه

آنچه در بقعهٴ مبارکه طوفان اضطراب بيشتر شود ياران قدم استقامت و ثبات پيشتر

نهند و عليک التحيّة و الثنآء قبوضات رسيد ع ع مقابله شد

هوالله

فارس حضرت افنان سدرهٴ مقدّسه جناب آقاميرزابزرگ و جناب حبيب الله و جناب

آقاميرزا ضيآءالله عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

\* ص338 \*

ای افنان سدرهٴ مبارکه چنديست که از کثرت مشاغل و غوائل و مصائب و متاعب فرصت

تحرير رسائل نبود و از اين جهت جنود احزان و آلام هاجم و صائل حال که دم صبحست و

انوار فيض شمس حقيقت از هر جهت ساطع بياد افنان سدرهٴ مبارکه افتادم و بخطّ خود

بنگارش اين نامه پرداختم تا بدانيد که در خاطريد و همواره در پيش نظر حاضر

از فضل و جود حضرت مقصود اميدوارم که شيراز را بنغمه و آواز آرد و ياران را

مسرور و خندان و کامران فرمايد ورقهء مبارکه امة الرحمن والدهٴ محترمه را تحيّت

ابدع ابهی ابلاغ داری ربّ ايّد افنان سدرهٴ رحمانيّتک علی خدمة عتبة قدسک انّک

انت القوی القدير ع ع مقابله شد

٣٧٩ خط مبارک

هوالله

مصر حضرات افنان سدرهٴ مبارک جناب ميرزابزرگ و جناب ميرزاحبيب عليهما

بهاآءالله

# هوالله

اي دو شاخ خرّم سدرهٴ مبارکه فی الحقيقه روزگار بشما بسيار تلخ ميگذرد و ايّام

در نهايت حزن و آلام ولی اين حزن و حرمان قطرهٴ از دريای آلام اين عبد است لابد

بايد شماها نيز نصيب داشته باشيد و بهره بريد چه که مقتضای وفا اينست که در خوشی

و ناخوشی

\* ص339 \*

و زحمت و راحت و عزّت و ذلت شريک و سهيم بود و البهآء علی البهآء ع ع

مقابله شد ٣٨٠ خط مبارک

شيراز حضرت افنان سدرهٴ منتهی جناب آقاسيد آقا و جناب ميرزابزرگ و جناب حبيب

الله و جناب ميرزا ضيا و ورقهٴ مبارکه طوبی خانم عليهم و عليها البهآءالابهی

# هوالله

ای افنان مبارک سدرهٴ منتهی نامهٴ شما با صورت وصيّتنامهٴ حضرت افنان سدرهٴ بقا

المتصاعد الی الله جناب ابوی ملاحظه گرديد الحمدلله که ايشان اطاعة

لامرالله پيش از صعود وصيّتنامه بخط خويش مرقوم نموده‌اند و جميع را راحت و آسوده

گذاشتند اطاعت اوامر الهی سبب آسايش آفرينش است همين يک فقره را ملاحظه کنيد که

وصيّتنامه چه قدر سبب آسودگی قلوب وراحت جان و دل است هنيئاً لمن اطاع امر مولاه

و ترک نفسه و هواه و شکر خدا را که ورّاث آن نفس مبارک مقدّس نيز موفّق بر عمل

بموجب وصيّت ايشان شدند طوبی لکم بما وُفّقتم علی هذا الامر مبرور و رضيتم بما وصّی

به ذلک الشهم الغيور و انّی ادعوالله ان يرشدکم الی الخير فی جميع الامور و

يهيأکم من شئونکم رشدا و عليکم البهآءالابهی ربّ رجائی و غاية

\* ص340 \*

املی و منائی انّ هولآء عباد انبتهم من سدرة فردانيّتک و اخترتهم لحبّک

و اجتبيتهم لذکرک و اصطفيتهم لعبوديّة عتبة قدسک ربّ وفّقهم علی الاستقامة فی

امرک و الثبوت والرسوخ فی خدمتک و الخلوص فی طاعتک و الانقطاع عن هذا النشئة

الدنيا و التجرّد عن کل ذکر و فکر يتعلق بالحضيض الأدنی ربّ اجعلهم خضعةً

لجلالک خَشِعةً لاحبّائک متذکّرين بذکرک متنبهين فی امرک منتبهين لصون حصن

ميثاقک منجذبين الی جمالک محفوظين في ظل سدرة فردانيّتک انّک انت القوّی

الکريم الرحمن الرحيم ع ع مقابله شد

٣٨١ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

# شيراز حضرات افنان آقاميرزابزرگ و آقاميرزاحبيب الله عليهما بهآءالله الابهی

ای افنان سدره مبارکه عبدالبها در اين دو روزه عازم بلاد بعيده است ابداً وقت

تحرير نيست شما را در صون حمايت مليک احديّت وديعه ميگذارم با نهايت ناتوانی

مصّمم چنين سفری هستم ولی اعتماد بر تأئيد صمدانيست اهالی امريک از آشنا و

بيگانه کل در نهايت الحاح خواهش حضور عبدالبهآء مينمايند يمکن بيش از هزار

اوراق از احبّآء و مجامع گوناگون حتّی از بعضی کشيشهای کليسا رسيد لهذا مجبور

بر اين سفر گشتم و از برای شما گشايش از حق خواستم جار زمينی که جناب ارباب

اردشير تقديم نموده

\* ص341 \*

بسيار مقبول گرديد تحيّت ابدع ابهی ابلاغ داريد ع ع مقابله شد ٣٨٢ خط مبارک

شيراز افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزابزرگ جناب حبيب عليهما بهآءالله الابهی

# هوالله

ای دو فرع رفيع دوحهٴ مبارکه نامهٴ شما رسيد و معانيش دلالت بر ثبوت و رسوخ

احبّای الهی بر پيمان ربّانی ميکرد الحمدلله در موطن حضرت اعلی روحی و قلبی و

جسمی له الفدآء حرکت روحانی حاصل شده و نفوس مبارکی باهتزاز آمده‌اند بنهايت

تضرّع و نياز بدرگاه الهی ابتهال مينمايم و رجا ميکنم که آن اقليم گلستان گردد

و آن شهر بهارستان شود و آن مدينه مانند آسمان بنجوم ساطعه مزيّن گردد اينست

نهايت آمال اين آواره قبوضاتی که خواسته بوديد ارسال ميشود و عليکما البهآء

الابهی عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

٣٨٣ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

بواسطهٴ جناب قابل زائر عليه بهآءالله الابهی

شيراز جناب آقاسيدحسين جناب حاجی ميرزابزرگ جناب حاجی حبيب الله جناب

حاجی ميرزا ضيا جناب آقاميرزاعبدالوهّاب جناب آقاميرزامحمّدعلی اخويشان جناب

ميرزامحمّد حسين جناب ميرزارحيمخان جناب ميرزامحمّد باقر صبيّه زادهٴ مرحوم

آقاميرزاآقا عليهم بهآءالله الابهی

\* ص342 \*

# هوالله

يا بادی الاکوان و بديع الامکان و مليک الملک و الملکوت و مالک العزّة و

الجبروت لک الحمد بما خلقت کينونات نورانيّه و هويّات رحمانيّه و حقائق سماويّه

و مطالع اشراقيّه من النفوس الزکيّه ذی القلوب الطيّبة الطاهره

والبصائر النورانيّه و الاسرار الصمدانيّه و جعلتهم آيات التوحيد و اَلوية

التجريد والجوار المنشآٴت فی لجج التفّريد تلک نفوس آمنت بربّها و اطمئنّت

بفضل بارئها و رضيت بقضآء مبدعها و نبتت من الشجرة المبارکه و الدوحة

المقدّسه و نشئت و طالت و تفرعّت و اورقت و ازهرت و اثمرت اُکلها دائم و اصلها

ثابت و نفحاتها فائحه خَضِلة نضرة ريّانة بفيوضاتک القديمه و رشحات سحائب

الطافک العميمه و انّی ابتهل اليک مکباً بوجهی علی الارض معفّراً جبينی

بالتراب و اقول يا ربّ الارباب و مهيّأ الاسباب و حافظ هذه الشجرة المبارکه

مجلله بالانوار يغشيها اشعة ساطعة من ملکوت الاسرار و لک الشکر ياالهی بما

جعلت هؤلآء الابرار من افنان سدرة المنتهی و فروع دوحة البقآء و شعوب شجرة

طوبی اصلها ثابت فی الارض و فرعها فی الاسمآء ربّ ادم عليهم فيضک العظيم و

اجعلهم

\* ص343 \*

آيات تقديسک فی سفرک الجليل و حججک و ادلائک و ائمة المخلصين حتّی ينشروا

آثارک و يرتّلوا کلماتک و يبثوا دلائلک و يشرحوا بيّناتک بين الخلق اجمعين

ربّ اشرح صدورهم و نوّر قلوبهم و ارح ارواحهم بفيوضاتک العامّة الغدقّة علی

ملکوت السموات والارضين انّک انت الکريم انّک انت الرحيم و انّک لذو فضل عظيم

ايهّا الفروع الرفيعة الجليله من السدرة الربانيّه انّ عبدالبهآء يشتاق

اليکم اشتياق الظمآن الی المآء و يحنّ اليکم حنين الحمام الی الرّياض

او الحيطان المتعطّشة الی الحياض و ارجو الله ان ينوّر بصری بمشاهدة وجوهکم

النورانيّه و يلذّذ سمعی باستماع احاديثکم الروحانيّه و يجمعنی و ايّاکم فی

محفل السرور العتبة الرحمانيّه بکل روح و ريحان انّ ربّی تؤید من يشآء و

هو اللطيف القدير

اي فروع سدرهٴ منتهی عبدالبها را در عبوديّت آستانهٴ حضرت اعلی و عتبهٴ جمال ابهی

سهيم و شريکيد و انيس و جليس چون اين موهبت شامله و عنايت کامله از اعظم مراتب

وجود است و فيض عظيم مليک معبود لهذا هر دم هزار شکرانه بايد و محامد و نعوت شايد

شکرانه جانفشانی و در جانفشانی کامرانی يعنی ترويج دين الهی هر يک بآن موفّق

شويد تاجی مرصّع از مواهب الهی بر سر نهيد و خلعتی از الطاف نامتناهی در بر

کنيد از مقتصدين نباشيد بلکه از سابقين بالخيرات گرديد اينست که ميفرمايد و

منهم مقتصد و منهم سابق الی الخيرات و عليکم ازکی التحيّات والصلوة الطيّبات

من

\* ص344 \*

ربّ الارضين و السموات ٦ محرّم ١٣٣٨ عبدالبهآء عبّاس مقابله شد ٣٨٤ خط کاتب و امضآء مبارک

هوالابهی

مصر حضرت افنان سدرهٴ تقديس جناب آقاميرزاحبيب الله عليه بهآءالله الابهی

ملاحظه نمايند

# هوالابهی

اي فرع رشيق سدرهٴ الهيّه حضرت ابوی عليه بهآالله الابهی با اخوان وارد و

بتراب آستان مقدّس فائز و بطواف مطاف ملأاعلی مشرّف گشتند و شب و روز

بملاقاتشان مشغول و مؤانستشان مألوف هستيم و از حق ميطلبم که آنچه مشقّت در

اين مدّت کشيده‌اند من بعد مبدّل براحت و روح و ريحان گردد و اگر چنانچه اسباب

تجارت غير رابحه بهم خورد اميدوارم که وسائط تجارت الهيّه و مشاغل روحانيّه که

سبب ربح عظيمست فراهم آيد اين کسب و تجارت حطام دنيا عاقبتش خسران مبين است و آن

تجارت سبب حصول کنز عظيم در ملکوت عليّين مؤسّس اين تجارتها سقيم است و مروّج

آن تجارت جمال ابهی بسلطان مبين پس شکر کن خدا را که اسبابی بجهت ابوی فراهم

آورده که بتواند بآن تجارت پردازد والبهآء عليک و علی کل ثابت علی عهدالله ع ع

از توّقف در آن ارض محزون و مغموم مباشيد ذلک تقدير العزيز العليم گر دّر عطا

\* ص345 \*

بخشد اينک صدفش دلها ور تيربلا آيد اينک هدفش جانها و اميدوار بفضل جمال

مبارک هستيم که اين تعب را سبب راحت عظمی فرمايد و اين مشقّت را وسيلهٴ راحت کبری

مطمئن بعنايت او باش لاّن فضله علی افنان سدرة لعظيم عظيم و لطفه لجليل جليل

والبهآء عليک ع ع مقابله شد

٣٨٥ خط مبارک

هوالابهی

حضرت افنان سدرهٴ ربّانيه جناب آقاميرزا حبيب الله عليه بهآءالله الابهی

ملاحظه نمايند

هوالابهی

اي فرع لطيف از سدرهٴ رحمانيّه آنچه مرقوم نموده بوديد ملحوظ شد و آنچه مسطور

بود مشهود گرديد از فضل جمالقدم و عنايت اسم اعظم اميدواريم که منشعب از عنصر

جان و دل سدرهٴ مقدّسه شوی و منفصل و متّصل از حقيقت روحيّه ظاهرهٴ در کلمهٴ

قدسيّه تا فرع در جميع شئون تابع اصل گردد و جزء بر سيرت و روش کل ظاهر شود

فطره موج بحر يابد و ثمره حکايت از شجره نمايد هر فکری و هر ذکري را فراموش نمايد

و بذکر و فکری مشغول شود که جان جهان باشد و روح عالم امکان بنظر الطاف منظوری و

بلحظات عين التفات ملحوظی ع ع مقابله شد

٣٨٦ خط مبارک

هوالله

\* ص346 \*

حضرت افنان سدرهٴ الهيّه آقاميرزا حبيب عليه بهآءالله الابهی

هوالله

ايهّا الافنون من السدرة المبارکه مکاتيب شما رسيد و ملاحظه گرديد هميشه جمال

ملاطفت در حقّ شما بوده و خواهد بود مطمئن باش از الطاف حيّ قديم اميد است که در

کل فصول چو شاخ سرو آزاد سبز و خرّم باشی هر چه ارياح شديده بوزد و حرارت تموز

بتابد باز تر و تازه مانی تأخير جواب سئوالات از اينست که جواب مفصّل بحضرت

ابوی عليه بهآءالله الابهی مرقوم شده است ولی موجود در اينجاست نميشود فرستاد

چه که امنيّت راه و سکون و قرار مجهولست انشآءالله عنقريب راحت و آسايش حاصل

ميگردد و جواب ارسال ميشود حضرت اخوي را تکبير ابدع ابهی ابلاغ نمائيد و همچنين

سائر دوستان را والبهآء عليک ع ع مقابله شد

٣٨٧ خط مبارک

حضرت افنان ميرزاحبيب عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

اي شاخ کاخ حديقهٴ الهی اگر بحقيقت الطاف جمال الهی و عنايات غيبيّه رحمانی در

حقّ خود و اخوان خويش پی بری البتّه چون حمامهٴ فردوس بال و پر بگشائی و در اين

رياض

\* ص347 \*

قدس در اعلی الفروع بنفحات بديعه و الحان جميله نغمه بسازی و نعره برافرازی والبهآءعليک

ع ع مقابله شد ٣٨٨ خط مبارک

جناب افنان ميرزا ضيا عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای تازه نهال حديقهٴ الهی از فضل محبوب عالم جمال قدم روحی و کينونتی و ذاتی

لاحبّآئه فدا اميدوارم که در رياض عنايت بارور و در حدائق رحمت درختی پر ثمر

گردی و از نسائم جود سلطان وجود دائماً در اهتزاز باشی و از فيضان ابر رحمانيّت

تر و تازه گردی ع ع مقابله شد ٣٨٩ خط مبارک

هوالابهی

حضرت افنان سدرهٴ منتهی جناب ميرزاحبيب عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

ايهّا الفرع اللطيف الحبيب من السدرة الرحمانيّه قد اطلعت بمضامين کتابک

الکريم و تلوته ملتذّا بعباراته و اشاراته التّی کانت ناطقة باجيج نارک فی محبّة

الله و ضجيج سرّک من بعدک من طاف الملاء الاعلی و فرط ثبوتک فی دين الله و

شدّة رسوخک فی شريعة الله و لمثلک

\* ص348 \*

من انتسب الی ارومة الرحمانيه والجرثومة الفردانيّه ينبغی الاستقامة

والثبات والبصيرة المؤدية الدّالة الهادية الی النجات حتّی يأمن من کل

الجهات من طوارق الشبهات لعمرالله ايهّا الفرع الرطيب قد قدّر لافنان سدرة

الالهيّه مقامات سترت عن الاعين و الابصار و مراتب لاترقی اليه طيور افکار

العقلآء من ذوی النّهی و الوصول اليها منوط بالثبوت فی دين الله و القيام علی

خدمة امرالله و انّی اتضرّع الی ربّی البهی الابهی انّ يمنّ علی عبده البائس

المضطّر المستجير بالعروة الوثقی ان يری افنان دوحة المبارکة اشجاراً طيّبة

ناشئه ثابته الاصل مرتفعة الفرع خَضِرةً نضرةً خضلة ريّانة من غيوث الفيض الاعظم و مثمرة

بفواکه ما لارات عين و لاسمعت اذن انّه کريم وهّاب ع ع

در خصوص مشق و تحصيل خطّ شبها همّت کنيد و همچنين در تحصيل علم و انشآء بقدر

امکان چون تأييد الهی ظهير و نصیر افنانست زود در جميع جهات ترقّی نمايند در

خصوص مشرّف شدن در اين ايّام چون هواء تابستان اين صفحات از شدّت رطوبت تغیير

ميکند و امراض متنوّعه مسلط بر غربا ميگردد حال زيارت را بايّام خنکی و زمستان

تأخير فرمائيد والبهآء عليک و علی جميع افنان السدرة المنتهی فی سائرالجهات

ع ع مقابله شد ٣٩٠ خط مبارک

\* ص349 \*

هوالله

شيراز بواسطهٴ جناب آقاميرزا بزرگ افنان امة الله ورقهٴ مبارکه همشيره‌شان

عليها بهآءالله

# هوالله

اي ورقهٴ مبارکه حمد کن خدارا که از سدرهٴ مبارکه روئيدی ومنتسب عتبّهٴ مقدّسه‌ئی حال بايد بشکرانهٴ اين فضل و عطا بمحبّت و وفا پردازی و شب و روز بذکر حق مشغول

گردی و به تبتّل و تضرّع پردازی آيات توحيد ترتيل نمائی و بجوهر تقديس مبعوث

شوی و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

٣٩١ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

هوالله

ورقهٴ مبارکه سدرهٴ رحمانيّه امة الله طوبی خانم عليها بهآءالله الابهی

# هوالله

ای امة الله ملاحظه نما که پرتو عنايت چگونه بر تو درخشيده و فيض الطاف چگونه

بر تو باريده در عصر ظهور و قرن مجلّی بر طور موجود شدی و در ظل لوآء ميثاق

محشور گشتی قميص ايقان در برنمودی و تاج انتساب بسدرهٴ مبارکه در سرداری و

متمسّک بذيل عهد مليک ممالک غيب و شهودی و الا جميع هباء منبثّا گردد و کان لم

يکن شيئا مذکورا ميشد زيرا

\* ص350 \*

پيمان يزدان ميزانست و سفينهٴ نجاتست من دخل فيها نجی و من تخلف عنها هلک

ع ع مقابله شد ٣٩٢ خط مبارک

شيراز همشيرهٴ حضرات افنان الورقة المبارکة طوبی خانم عليها بهآءالله الابهی

هوالله

ای ورقهٴ مبارکه نامهٴ شما رسيد هميشه منظور نظر بوده‌ايد و مشمول بمهربانی نامتناهی اگر در ارسال نامه يا جواب تأخير افتد اين از کثرت اشتغال و وفور مصائب و بلايای صوری و معنوی صدور يافته اين قلم بايد بجميع آفاق مخابره کند زيرا دائرهٴ امرالله نه چنان اتسّاع يافته که تصوّر توان نمود هر روز اوراقی بيشمار

مانند امطار از اطراف ميريزد ده نفر از قرائتش عاجز ماند تا چه رسد بنگاشتن جواب

بامةالله صبيّهٴ غفران پناه آقاميرزامحمّد صادق از قبل من تحيّت و مهربانی

برسان بجهت آمرزش پدر و مادر او تضرّع و نياز بدرگاه بينياز گرديد که ای ربّ

کريم سراج بازغ جناب صادق را در گلشن ملکوت نخل باسق فرما و در انجمن جهان پنهان

شمعی بارق نما گناه ببخش پناه بده حيات جاودان ارزان فرما اي ورقهٴ مبارکه از

درگاه بار اله ترا شفا طلبم بمحفل امآءالرحمن آنسامان تحيّت ابدع ابهی

ابلاغ داريد عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

٣٩٣ خط کاتب و امضآءمبارک

\* ص351 \*

بواسطهٴ بشيرالهی شيراز ورقهٴ نورانيّه طوبی خانم عليها بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ورقهٴ سدرهٴ مبارکه اين رؤيا صادقست زنجير کنيزی جمال مبارکست و مربوط باسم

اعظم يعنی منسوب بآن و کليد ها اشاره بآنست که اين زنجير کنيزی سبب فتوح

ابوابست و جميع حرز دل و جانست و حفظ روح و روان امة الله المحترمه والدهٴ

جليله را بالطاف حق خورسند نما و امة الله صبيّهٴ آقاميرزا محمّد صادق خبّاز را

بعنايت الهيّه اميدوار کن و عليک البهآءالابهی ع ع فرصت تحرير ابداً نبود ع ع

٣٩٤ خط مبارک مقابله شد

هوالله

شيراز بواسطهٴ حضرت افنان سدرهٴ‌مبارکه جناب ميرزاحبيب الله در بيت تلاوت شود

مناجات طلب مغفرت بجهة امة الله خادمهٴ بيت علیهما بهآءالله الابهی

# هوالله

الهی الهی هذه امة اقبلت الی جوار رحمتک و توجّهت الی عتبة قدسک اسئلک بفضلک و

جودک ان مکرّم مثواها و تنزلها فی نُزُل مغفرتک و حدائق عفوک و فردوس رحمانيّتک

اي ربّ انّها خدمت عتبتک المقدّسة و تعبت و تحمّلت و قاست المشّقات فی سنين

معدودات و لم تزل کانت ترجو رضاک محمیة الی حماک و متوسّلة الی ملکوت علاک متشبّثة بذيل ردآء

\* ص352 \*

نداک حتّی انتهت انفاسها و کسرت اقفاسها و طار روحها الی فضآء رحمتک

الکبری و اوج عفوک و عفرانک يا من سبقت رحمة کل الاشيآء اي ربّ عاملها بفضلک و

جودک انّک انت الکريم الرحيم الغفور العفّو الوهّاب و انّک انت الرحمن المنان الجنان المستعان ع ع مقابله شد ٣٩٥ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

شيراز محفل تبليغ نسآء عليهّن بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای امآء رحمن نامهٴ شما رسيد دل و جان شادمان شد که جناب منير تأسيس محفل

تبليغ نمود از اين خبر نهايت شادمانی رخ داد و اميد چنانست که اين محفل باقی و بر

قرار باشد و جميع نسآء ياران بهره و نصيب از ملکوت اسرار برند و مقتدر بتبليغ

ديگران شوند تأئيدات جمال مبارک شامل شود و نصرت ملکوت ابهی جلوه نمايد عالم

نسآء در دورهٴ سابق بسيار تاريک بود در اين دوره بالعکس روشن گردد و گوی

سبقت را از ميدان بربايند نطق فصيح بگشايند و بيان بليغ جويند و در نهايت شجاعت

صف جنگ بيارايند و بقوّت برهان و سطوة عرفان ممالك قلوب را مسخّر نمايند و عليكّن

البهآء الابهی فرصت بيش از اين نيست رمضان ١٣٣٩ عکّا بهجی عبدالبهآء عبّاس

مقابله شد

٣٩٦ خط کاتب و امضآءمبارک

\* ص353 \*

پورتسعيد ورقهٴ مبارکه امة الله ضلع حضرت افنان سدرهٴ مبارکه عليها بهآءالله الابهی

# هوالابهی

اي ورقهٴ مبارکهٴ شجرهٴ سينآء شکر کن خدا را که در ظل ممدود داخل شدی و در

تحت لوآء معقود رايت ميثاق محشور گشتی و از مسجد حرام مطاف ارواح روحانيان

بمسجد اقصی قبلهٴ ملآءاعلی توجّه نمودی و بتربت مقدّسهٴ معطرهٴ معنبره جبين را

نور مبين بخشيدی و بتقبيل آستان حيات بدل و جان بذل نمودی حال در نهايت بشارت

مراجعت بآن عتبهٴ مقدّسه نما و از قبل ورقات مبارکه بالنيابه روی و موي را بتراب

آن عتبهٴ مقدّسه بمال و امآء الرحمن را در آن کشور بشارت رب البشر بده تا کل

در کمال وجد و طرب و جذب و فرح بذکر حضرت احديّت مشغول و مألوف گردند و در

هدايت امآء مستعّده با کمال حکمت کوشند و در تربيّت اطفال بموجب احکام الهی جهد

نمايند و بنماز و نياز و صيام و قيام بموجب امر قطعی الهی بر خيزند ع ع

مقابله شد

٣٩٧ خط مبارک

\* ص354 \*

هوالابهی

ورقهٴ مبارکه ضلع حضرت افنان جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

ملاحظه نمايند

# هوالابهی

يا امة الله الورقة النابته علی سدرة المنتهی عليک بهآءالله و فضله و جوده

و احسانه فی اولاک و آخريک فی الحقيقه چون تصوّر مشقّات و بليّات و محن و آلام

و غربت و کربت آن ورقهٴ مبارکه را مينمايم نهايت غموم و هموم حاصل ميشود ولی

اي ورقهٴ مطهره محزون مباش زيرا حضرت اعلی روحی له الفدا و جمالقدم کينونتی و

ذاتی الاحبّائه فدا در اين عالم ملاحظه نما چه بلايا تحمّل فرمودند جميع مصائب

ما حکم قطره و شبنم دارد و آن حکم بحر اعظم عنقريب مثوبات اين زحمات را ببصر

ممنونيّت مشاهده خواهی نمود ملحوظ عين عنايتی و مشمول توجّهات رحمانيّت مطمئن

باش و مستريح شو والبها عليک و علی اولادک و احفادک فی القرون الآتيه ع ع

مقابله شد

٣٩٨ خط مبارک

\* ص355 \*

هوالله

ش حضرت آقاميرزاآقای افنان ورقهٴ مبارکه عليها بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

ای ورقهٴ مبارکه شکر کن که بالطاف جمال قديم در ظل علم عظيم در آمدی و بحبل

متين تشبّث نمودی و بنور مبين هدايت يافتی حال وقت آنست که بميثاق قويم تمسّک

شديد نمائی تا بر صراط مستقيم ثابت مانی حضرات افنان در ظل لحاظ عنايتند و

مشمول الطاف بينهايت دستورالعمل بحضرت افنان حناب آقاميرزا آقا مرقوم شد اميد از

ربّ مجيد چنانست که موفق بر آنچه اليوم لازمست شوند والبهآء عليک ع ع

مقابله شد

٣٩٩ خط مبارک

هوالابهی

ش ورقهٴ مبارکه افنان سدرهٴ رحمانيّه امة الله حرم جناب آقاميرزاآقای

افنان عليهما بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای ورقهٴ مقدّسهٴ مبارکه سدرهٴ الهيّه در بحبوحهٴ فردوس رحمانيّه بلند شد و شرق

و غرب آفاق را احاطه نمود تا توانی باصل دوحهٴ الهيّه تعلق را محکم کن تا از

مدد فيضاتش هميشه

\* ص356 \*

سبز و خرّم مانی و از نفحات تقديسش تازه و معطّر گردی شکر که باين فضل و موهبت

متباهی و مفتخر شدی ع ع مقابله شد ٤٠٠ خط مبارک

هوالابهی

پورتسعيد ورقهٴ مقدّسهٴ نوراء مريم سلطان بگم عليها بهآءالله

# هوالابهی

ربّ و رجائی انّ هذا امة من امائک و ورقة من ورقات شجرة رحمانيّتک منبتت من

سدرهٴ فردانيّتک اسئلک بکلمتک العليا التی جعلتها آية وحدانيّتک ان تنبتها

نباتاً حسناً و توفّقها علی الرضاعة من ثدی ربّانيّتک و تربيتها فی مهد رحمة

وحدانيّتک و تنشيها فی حصن رحمانيّتک و تسّميها من ملکوتک روحيّه لتکن مستبشرة

بروح العرفان انّک انت الکريم الرحمن ع ع مقابله شد

٤٠١ خط مبارک

شيراز

حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزابزرگ و جناب آقاميرزاحبيب عليهما

بهآءالله الابهی

# هوالله

ای دو قضيب رطيب سدرهٴ مبارکه نامهٴ شما رسيد و از اتمام بيت مکرّم و انتهای

حساب نهايت روح و ريحان حاصل گرديد حضرت مؤّيد فی الحقيقه مؤيّدند و مظفّر

موفّقند و منوّر الحمدلله که در چنين طوفانی

\* ص357 \*

و چنين هجوم عمومی که جميع قلوب مشوّش و نفوس مضطرب عبدالبهآء در نهايت

اطمينان و سکون و قرار شما را بعمار بيت مکرّم واداشت و حضرت افنان سدرهٴ مبارکه

جناب حاجی ميرزامحمّدتقی را ببنای مشرق الاذکار مشغول نمود در چنين وقتی امری

که در زمان نهايت سلامت و امان و آسايش دل و جان مخلصين سابق پرداختند ما درچنين

بلای ناگهانی بآرزوی دل و جان قيام نموديم اين نيست مگر از فضل بيمنتهای جمال

مبارک روحی لاحبّائه الفدآء لهذا بجهت موفّقيت باين امر عظيم بايد بشکرانيّت

درگاه ربّ قديم پردازيم که موفّق بر چنين خدمتی فرمود له الحمد و له الشکر علی

ذلک از اشتداد مرض امة الله الموقنه والدهٴ آقاميرزا بهآءالدّين متأثر شديم

و در کمال تأثر و تأسف مناجاتی در طلب مغفرت بدرگاه احديّت نمودم نصّ آن

مناجات در جوفست امّا مبلغی که آن محترمه وصيت نموده بود رسيد ولی بسيار بموقع

در ارض اقدس کار تنگ شده بود و اعدا در نهايت هجوم در محلی بسيار لازم و بشخصی

بسيار سزاوار تقديم شد اين نيز دلالت بر خلوص آن محترمه مينمايد و عليکما التحيّة

والثنآء ع ع مقابله شد

٤٠٢ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

# هوالله

ايهّا الفرعان من السدرة الرحمانيّه ورقهٴ مسطوره وارد و مضامين معلوم و مفهوم گرديد اذن حضور بآستان مقدّس خواسته بوديد مأذونيد ولی در عيد رضوان چون جمعيّت است قدری بلکه بر شما زحمتست اگر تحمّل زحمت را داری بسيار خوبست و الا بعد از رضوان و البهآء عليکم و علی کل ثابت راسخ

\* ص358 \*

علی الميثاق ع ع مقابله شد ٤٠٣ خط مبارک

شيراز حضرات افنانهای سدرهٴ مبارکه

جناب آقاميرزابزرگ جناب آقاميرزاحبيب جناب آقاميرزا ضياء عليهم بهآءالله

الابهی

# هوالله

ای افنان شجرهٴ رحمانيّه نامهٴ شما رسيد و بدقّت مطالعه گرديد اين خانه که

الآن ميفروشند البتّه بايد بزودی خريد زيرا بسيار مهّمست البتّه شما و احبّای

الهی در اين مسئله مهمّه نهايت کوشش را بنمائيد اگر چنانچه در اين جا نقداً

موجود بود فوراً جميع مبلغ ارسال ميگشت ولی مصارف اينجا بيحّد و شمار و اين

مبلغ حاضر نه ولی هزار تومان بهر قسم است ما ميرسانيم بلکه انشآءالله احبّای

روحانی در اين امر مهم جانفشانی نمايند يا شما موفّق بآن گرديد که اين مبلغ را

تقسيط بدو سال نمائيد و اين هزار تومان به حاجی امين تلغراف شد که فوراً برسانند

و اين مبلغ هزار تومان بهر قسمی هست ارسال خواهد شد مطمئن باشيد و امّا مصارف بيت

مبارک هر سال مرقوم داريد از اينجا ارسال ميگردد و از الطاف حضرت مقصود اميدوارم که حضرات افنان سدرهٴ مبارکه در جميع شئون ممتاز باشند و سبب ترويج ايمان

و پيمان تا تأييدات جمال مبارک احاطه کند و آنچه ثمرهٴ وجود است حصول يابد

وعليکم البهآء الابهی جناب استاد محمّد بنّا بخدمات مبروره مؤيد و موفّق نهايت

مهربانی و خلوص نيّت و محبّت از قبل

\* ص359 \*

عبدالبهآء برسانيد از عدم فرصت مختصر مرقوم گرديد العذر عند کرام الناس مقبول

عبدالبهآء عبّاس مقابله شد٤٠٤ خط کاتب و امضآءمبارک

شيراز حضرات افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزابزرگ و جناب آقاميرزاحبيب

عليهما بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرعان من السدرة المبارکه نامهٴ شما رسيد از مضمون مفهوم گرديد که

الحمدلله در اين سنين انقلاب خطهٴ شيراز بثبوت و استقامت دمساز و وهن و فتوری

حاصل نگشت و اين سبب فرح قلوب شد اگر چه بعضی نوهوسان همهمه و دمدمهٴ انداختند

ولکن اين چون کف دريا فامّا الزبد فيذهب جفاء و امّا ما ينفع الناس فيمکث فی

الارض با وجود صريح الواح الهيّه که تا الف سنه ظهوری نه و عبدالبهآء

بعبوديتّی ‌قائم که خود را تراب اقدام ميشمرد و نفسی جز از خوف و خشيت حضرت کبرياء

بر نيارد چگونه نفوسی ضعيفه بلند پروازی نمايند و اظهار هستی کنند اقلاً

عبوديّت محضهٴ بی تأويل را از عبدالبهآء تحصيل کنند الی الآن کلمهٴ که دليل

بر وجود باشد از فم او صادر نشد تا چه رسد بشئونی ديگر لابّد وقوعاتی احياناً

چنين واقع خواهد گشت ولکن احبّا بايد چنين اشخاص را بحال خود بگذارند نه پيروی

نمايند و نه پرده دری کنند و

\* ص360 \*

بالتی هی احسن معامله نمايند باری افنان بايد در نهاين ثبوت و استقامت باخلاق

الهی ناس را تشويق و تحريص نمايند نظر عنايت الهيّه شامل و نتايج و آثارش ظاهر

و باهر خواهد گشت از صعود نفوسی از احبّا که بملاءاعلی شتافتند از جهتی احزان

هجوم نمود زيرا فراقشان بر ياران سخت واقع شد ولی از جهتی ديگر اطمينان بعفو و

غفران حضرت رحمن است که آن نفوس مقدّسه در حهان نامتناهی مظاهر الطاف ربّانی

گشتند و آنچه در جهان عنصری کِشتند در عالم الهی خرمنی اندوخته يافتند از

از اين جهان سست عناصر رها يافتند و حقيقتی از عنصر رحمانی جستند و مستغرق بحر

انوار گرديدند اسئل الله ان يشملهم بلحظات اعين رحمانيّه فی عالم الانوار انّ

ربّی لغفور رحيم و عليکما البهآءالابهی ٣ اذار ١٩١٩

اين آيهٴ قرآن را تلاوت نمائيد فسوف يعطيک ربّک فترضی مطمئن بفضل مخصوص باشيد

عبدالبهآءعبّاس مقابله شد ٤٠٥ خط کاتب امضآءمبارک

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزابزرگ و جناب آقاميرزاحبیب عليهما

بهآءالابهی

# هوالله

ای دو افنان شجرهٴ مقدّسه مکاتيب شما رسيد ولی جواب تأخير افتاد زيرا کسالت مزاج

بشدّتی بود که تحرير ممکن نه البته معذور خواهيد داشت بجهت بنآء بيت موازی

\* ص361 \*

صد ليرهٴ فرنگستاني ارسال شد خواهد رسيد و همچنين قبوضاتي كه خواسته بوديد هر

چند از پيش ارسال شده بود معلومست نرسيده لهذا نسخهٴ ثانی ارسال ميشود و امّا

در خصوص بيت بعضی سئوالات نموده بوديد اين سئوالات ابداً لزوم ندارد همانست که

از پيش مرقوم شد بايد از هيئت اصليّه ابداً تغيير ننمايد مقصود تزيين نيست مقصود

اينست که جمال اعلی حضرت نقطهٴ اولی روحی له الفدآء وقتي که در آن بيت محترم

بودند همان وضع و کيفيّت عيناً باقی و بر قرار بماند بهيچوجه من الوجوه از

خصوصات جزئی و کلی تغييری نيابد البتّه اين لازمست و الا اگر خشتی از ذهب و

خشتی از فضّه و مرّصع بنا شود سزاوار اعظم از آنست شما نظر باين داشته باشيد

مقصود حفظ هيئت اصليّه است که بهم نخورد و همچنين نقوش و ابواب و ساير متفرّعات

و امّا در خصوص زمين پورتسعيد در زماني که حضرت والده مرحوم در پورتسعيد بودند

و خيال مراجعت بشيراز داشتند بمن نوشتند که شما بحناب آقااحمد امربکنيد که زمين

ميرزاآقا را بخرند زيرا محتاج بمصروف راه هستيم من نيز در همانوقت بآقا احمد

نوشتم و آقا احمد آن زمين را خريد و اوراق متبادله و رسميّه را پيش من فرستادند و

آن در بين اوراق من است بعد از رفتن حضرت افنان آقا احمد آن اوراق را خواست نوشتم

که من فرصت ندارم که اين اوراقي را که با کتب و الواح در محلی مستور گذاشته شده

است

\* ص362 \*

حال بدست آرم لهذا شما دوباره بحضرت افنان بنويسيد که از جناب آقا ميرزاآقا سندی

گرفته ارسال دارند و همان وقت حضرت افنان ارسال نمودند و اين معامله بواسطهٴ من

اجرا شد و آن اوراق اوّل در ميان اوراق من محفوظ ولی مهلت لازمست که در وقت فرصت

جستجو شود و ارسال گردد و الآن اوراقی که دوباره در زمان حضرت والده بواسطهٴ

خود حضرت والده از جناب آقا ميرزاآقا گرفته شده است در نزد آقااحمد موجود است و

اين باطّلاع من شد اینست حقيقت واقع از قرائن چنين معلوم ميشود که حضرت افنان

اين مسئله را از شما مکتوم داشتند البتّه گمان مفرمائيد که جناب آقااحمد در اين

خصوص دسيسه‌ئی نموده‌اند يا با جناب اخوی آقا ميرزاآقا مواطئه‌ئی کرده‌اند اين معامله

در نهايت کمال مجری شده و حضرت افنان کردند و اگر قصوری واقع در بدايت واقع که

اطلاع بشما ندادند و جواب شما در اين خصوص بجهت ضعف مزاج تا بحال تأخير افتاد

شما که افنان سدرهٴ مبارکه هستيد بايد در امور نهايت دقّت را مجری داريد و در

حقّ نفسی تا توانيد گمان نبريد از خدا خواهم که روزبروز بر ايمان و ايقان و خضوع

و خشوع و فقر و فنا و محويّت تام بيفزائيد و عليهما التحيّة والثنآء ع ع

مقابله شد ٤٠٦ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

\* ص363 \*

شيراز حضرات افنان سدرهٴ مبارکه آقاميرزابزرگ و آقاميرزاحبيب الله و

آقاميرزاضيآءالله عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفروع من السدرة الرحمانيّه دو نامه از شما رسيد که الحمدلله دليل

جليل بر ثبوت و رسوخ بر امر ربّ کريم بود الحمدلله موفّق بخدمات بيت هستيد و

باين موهبت مؤيديد و در ملکوت ابهی مذکور و در نزد عبدالبهآء مقبول قدر

اين عنايت را بدانيد و بشکرانهٴ جمال مبارک روحی لاحبّآئه الفدآء بپردازيد

الحمدلله صيت امرالله شرق و غرب را احاطه نموده و رايت يابهآءالابهی در خاور و

باختر موج ميزند من بعد زحمت شما از کثرت زوّار بسيار خواهد شد از حالا بايد که

خود را حاضر نمائيد تا جميع زائرين و واردين نهايت سرور و فرح و روح و ريحان

حاصل نمايند اميد چنانست که مبّلغين در آن خطّه و ديار موفّق بخدمات فائقه گردند

جناب منير نجم ساطع اثیر است فی الحقيقه چنانچه بايد و شايد بخدمت پرداخته جناب

ناطق سراجی بازغ است در هدايت نفوس ميکوشد جناب نوش بنيّتی صادق و فکری ثاقب و

رخی بارق بهدايت نفوس ميپردازد قدر اين مبلغين را بدانيد زيرا در امرالله

جانفشانند هر مبلغی که بموجب نصايح و وصايای الهی سلوک و حرکت مينمايد کوکب

\* ص364 \*

درخشندهٴ‌ افق عنايتست مسائلی که در ميان شما و محفل روحانی اندک اختلافيست

حواله بجناب ميرزامحمّد باقرخان کرده که ايشان بنهايت روح و ريحان التيام دهند و

سبب راحت و آسودگی قلوب گردند زيرا اختلاف روزبروز سبب نقار ميگردد وعليکم

البهآء الابهی ٩ شعبات ١٣٣٩ عبدالبهآء عبّاس مقابله شد ٤٠٧ خط کاتب و امضآءمبارک

# هوالابهی

اي فروع نابته از سدرهٴ منتهی نامهٴ اخير شما رسيد که خانهٴ معهود را در ٢٢ ماه

رمضان به دوهزاروسيصد و هفتاد و پنج تومان بعنوان مصالحه حق غبن که جمعش

دوهزاروهفتصدوهفتادوپنج تومانست اتمام يافت اين هفتصدوهفتادوپنج تومان اخير نيز

بهر وسيله باشد ارسال ميگردد حساب خريد خانه را ناطق مرقوم داريد که درست داده

شود امّا قبالهٴ خانهٴ بغداد را دو مرتبه است که ما خريديم باز از دست درکار است

ميرود يکدفعه بنام سيد احمد مرحوم و يکدفعه بنام حاجی حسين بعد از فوت هردو خانه

از دست رفت نوعی مجری نمائيد که در آينده مشکلاتی حاصل نگردد و عليکم

البهآءالابهی ٢٦ ذی حجة ١٣٣٨ حيفا عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

٤٠٨ خط کاتب امضآء مبارک

\* ص365 \*

هوالله

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه آقاميرزاحبيب الله عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي فرع شجرهٴ حقيقت مقبول بارگاه حبيب حقيقی گشتی و مقرّب درگاه طبيب روحانی و

مظهر عواطف حضرت سبحانی زيرا مورد تعذيب و اذيّت ستمکاران شدی و معرض جفای جاهلان از سنگ پرتاب مبغضان اثری در چشم و جبين حاصل شد و ضرری چون ربح عظيم اين سنگ هر چند سنگ ستمکاران بود ولکن دليل بر هوش و فرهنگ آن مظلوم مهربان چنانکه گفته‌اند و کم فی الارض من خضرآء و يابسة و ليس يرجم منها الا ماله ثمر در

وقت اذان در کور فرقان دست بنا گوش نهادن سنّت قديم و عادت ديرين مؤذننان است

زيرا در بدايت انتشار دين الله در مدينه چون بانگ اذان بلند شد از اطراف

مؤذن را سنگسار نمودند لهذا هر کس اذان گفتی دو دست را بنا گوش نهادی تا سر از

سنگ هر بد اختر محفوظ ماند باری اين جفا را در راه وفا کشيدی و اين محنت وا ذيّت

را در محبّت حضرت احديّت تحمّل نمودی شکر کن خدا را که باين عطيّه کبری موفّق و

مؤيد شدی حضرت افنان سدرۀ تقديس جناب ابوي را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ نمائيد و همچنين

سائر اخوان و ورقات مبارکه را و عليک

\* ص366 \*

التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد

٤٠٩ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

هوالله

حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب ميرزا حبيب عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي فرع سدرهٴ مبارکه از روزی که شما رفته‌ايد همه بفکر شما هستم که در اين سفر

بهيچوجه فرصت معاشرت و الفت با شما ننمودم اگرچه در هر دمی همدم بودم و در هر

نفسی مونس و محرم ولی چون اين ارض منقلب و اين عبد در صد هزار گرفتاريها و

بليّات سرّی و جهری مبتلا بظاهر شب و روز مصاحبت نتوانستم و مجبورا بزودی خوف از

وقوعات ناگهانی چون واقعهٴ روز صعود که حاضر بوديد شمارا هرچند فرستادم ولی در

قلب هميشه بياد شما هستم و فراموش ننمودم از فضل جمال قدم و اسم اعظم روحی

لاحبّاّئه الفدا اميدوارم که در ظل عنايت محفوظ و مصون باشيد و شب و روز

بحالتی باشيد که اناً فاناً در مراتب قرب و ترّقی و صعود فرمائيد اي فرع لطيف

تکليف اليوم عظيم است عظيم بايد دامن خدمت بر کمر زد و در مراتب عرفان يوماً

فيوماً ترّقی نمود تا بعون و صون حضرت قيّوم چون سراج نورانی در زجاجهٴ امکان

برافروخت والبهآء عليک و علی کل ثابت علی الميثاق ع ع مقابله شد

٤١٠ خط مبارک

\* ص367 \*

شيراز حضرات افنان سدرهٴ مبارکه آقاميرزا بزرگ و آقا ميرزا حبيب الله و

آقاميرزا ضياء عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ايّها الافنان للشجرة الرحمانّيه نامهٴ شما بتاريخ ٧ ربيع الاوّل ٣٣٩ وصول

يافت ولی عبدالبهآء در جواب مجبور بر اختصار است شخص ازلی اگر خواهش زيارت بيت

الهی نمايد و اين نيّتش صادقانه باشد نه اينکه مقصد عناد و جدال و القای شبهات

باشد مساعده زيارت بنمائيد اين نفوس هر چند طواف بيت خواهند ولکن از ربّ البيت

غافلند باری بکمال رأفت هدايت اين نفوس را بخواهيد و چون جبل راسخ شبهات اين

نفوس را مقاومت نمائيد ولکن ملايمانه صحبت بداريد از روزي که مقام اعلی مرتفع و

ديدهٴ عموم اهل ايمان روشن و علم عزّت امرالله بلند شده يک نفر از اين نفوس

غافله بزيارت نيامده لهذا از اين آمدن بزيارت بيت مقصدی دارند شايد القآء شبهاتی

نمايند ديگر فکر نميکنند که کار از اين درجات گذشته زيرا صيت وصوت امرالله شرق

و غرب را احاطه نمود‌ه و در قطعات خمسهٴ عالم خاور و باختر نعرهٴ يابهآءالابهی و

يا علی الاعلی بلند است و عَلَم جآءالحق و زهق الباطل موج ميزند ملاحظه کنيد

چقدر دسيسه است اهل شبهات بيانی يک عکس واهی درست کرده‌اند و بحضرت اعلی روحی له الفداء نسبت ميدهند و حال آنکه شمائل صحيح حاضر و موجود و شما ديديد که اين عکس

موهوم چه قدر نامناسب

\* ص368 \*

مثل شمس واضح که شمائل مبارک نيست و سواد اين نامه را به نی ريز و شهرهای ديگر

شيراز نزد محرمان عاقلان بفرستيد و سفارش ستر و محافظه بنمائيد د ر فقرهٴ بيت

مکرّم مطاف ملأاعلی که از پيش مرقوم شد مقصود اينست که حال چنان مجری داريد

که در استقبال شايد از اولاد و احفاد نفسی بمبارزه بپردازد و مزاحمه‌ئی بکند و

بگويد من وارثم ميخواهم بفروشم مقصود اين ملاحظه بود و عليکم البهآءالابهی ٧

جمادی الاولی ١٣٣٩ عبدلبهآء عباس مقابله شد ١١٤ خط کاتب و امضآءمبارک

# هوالابهی

حضرت افنان مناجاتی چند ماه پيش طلب عون و الطاف بجهت عموم افنان سدرهٴ تقديس

و ذکر اوصاف فروع شجرهٴ ر‌حمانی از درگاه احديّت گرديد ولی خبر وصول نرسيد و

همچنين هزار تومان حواله بجهت خريد خانهٴ جوار حواله گرديد از شيراز در اين خصوص

نيز خبری نرسيد حال مقصد تفصيل آن خانه و از امين تا بحال چه رسيده مرقوم داريد

ولی بکمال عجله و اگر چنانچه فرصت نداريد بکس ديگر ممکن است که مرقوم دارد باو

تکليف کنيد مدّتی است که از هيچيک از حضرات افنان سدرهٴ مبارکهٴ شيراز بکلی نه

خبری و نه نامه ئی بمن نرسيده باری باوجود اينکه من از کثرت غوائل و مشاغل و

مهالک و مفتريات و مخابرات با جميع اقاليم عالم دقيقه‌ئی وقت ندارم باز بخط خود

مينگارم ملاحظه کنيد که چقدر مواظبت دارم مقصود اينست که بلکه انشآءالله آن

خانهٴ جوار حرم مقدّس خريده شود

\* ص369 \*

و کسی نه شفاها و نه خطّا جسارت القائی دارد مانند بنيان رزين رصين الابد بعون

و عنايت جمال مبارک ثابت و مستقيميم حضرات افنان سدرهٴ مبارکه را هردم فوزی

عظيم و فيضی مبين خواهيم من ...[[3]](#footnote-3) و عليکما البهآءالابهی عبدالبهآءعبّاس

مقابله شد

٤١٢ خط مبارک

الهی الهی انّک تعلم بانّنی احبّ بکل قلبی افنان سدرة رحمانيّتک و فروع شجرة

وحدانيّتک و ارجوک ان تؤيّدهم علی الوصول الی علی الدّرجات فی النشأة الاولی

و النشأة الاخری ربّ اجعل وجوههم توقد و تضيئی کالسراج فی الطف زجاج نور علی

نور انّک انت القوی القدير عبدالبهآءعبّاس مقابله شد

هوالله

حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزابزرگ عليه بهآءالله

# هوالابهی

ايهّا الافنان النابته من السدرة المبارکه نامهٴ مورّخ به ٢٠ محرّم سنه ٣٣٩

رسيد از مضامين نهايت انبساط و انشراح حصول يافت زيرا دال برآن بود که در خصوص

خانه الحمدلله تمشيّت حاصل و آن خانه ملحق به بيت مبارک گرديد اليوم سرور

عبدالبهآء باين است که تعلق بحضرت اعلی و نقطهٴ اولی روحی له الفدآء دارد يا

تعلق بعتبهٴ مقدسهٴ مبارکهٴ حضرت بهآءالله روحی لعباده الفدآء باری حمد کنيد

خدا را و شکر

\* ص370 \*

نمائيد که بچنين موهبتی موفّقيد و بچنين خدمتی مؤيد دوهزار تومان بواسطهٴ امين

حواله شد الحمدلله رسيد از الطاف الهی اميدوارم که در جميع مراتب موفّق و مؤيد

شويد حسابی که ارسال نموده بوديد ناطق و واضح بود عبدالبهآء عبّاس

٢٠ ع ٢ ١٣٣٩ حيفا مقابله شد ٤١٣ خط کاتب و امضآءمبارک

هوالله

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزابزرگ عليه بهآءالله

# هوالله

ای افنان شجرهٴ بقا جناب محمود عصّار مکتوبی بواسطهٴ شما ارسال نمودند و

استدعای اذن حضور به بيت معمور نمودند مأذونند خبر کسالت و انکسار مزاج حضرت

افنان سدرهٴ بقا بسيار سبب حزن و تأسف گرديد از حق ميطلبيم که بآنچه رضای جمال

محبوبست بآن برسيم و در سبيل او جام فدا طلبيم و راه هدی پوئيم و ستايش او

گوئيم و هر سو که روان گرديم توجّه باو نمائيم هر چند از خبر بنای مطاف عالميان

بيت مقدّس بسيار روح و ريحان حاصل شد ولی حوادث تکسّر مزاج حضرت افنان بسيار سبب

حزن شد اميدوارم که اين حزن بسرور مبدّل گردد وعليک التحيّة والثنآء ع ع

مقابله شد

٤١٤ خط کاتب مهر و امضآء مبارک

\* ص371 \*

هوالله

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزاحبيب عليه بهآءالله الابهی

هوالله

اي بندهٴ حق آنچه بجناب آقاسيد تقی مرقوم نموده بوديد ملاحظه گرديد مطمئن بفضل

و عنايت حضرت احديّت باشيد آنچه تقدير فرمايد خير عموم باشد حکمت بالغهٴ الهی

بسيار است لابد ظاهر خواهد شد حرکت جناب بشيرالهی هر چند سبب حزنست امّا حکمتی

در آنست شما توّکل بخدا کنيد و از هيچ امری محزون نگرديد جوهر توّکل حيات

روحانيانست و حقيقت توّسل سرمايهٴ رحمانيان حضرت والد جليل را تحيّت روحانيّه

ابلاغ داريد و همچنين حضرات اخوان را بابدع بيان تحيّت مشتاقانه ابلاغ داريد و

همچنين سائر احبّای الهي را کمال اشتياق از قبل اين عبد اظهار فرمائيد

و عليک التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد

٤١٥ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

هوالله

قطر مصر حضرت افنان جناب ميرزاحبيب عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ايهّا الفرع اللطيف من السدرة المبارکه استبشر بنفحات انتشرت من حديقة التقدس

و استسق من الغيث الهاطل من سحاب فيض ربّک و امش بين الخلق باطوار انجذب بها

قلوب اهل توحيد و عاشر

\* ص372 \*

و عاشر کل حبيب يدعوک الی ربّک الجليل ع ع مقابله شد ٥١٦ خط مبارک

هوالله

بواسطهٴ جناب ميرزا علی اکبر زائر

جناب آقاميرزاجبيب الله افنان و اخوانشان عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

جناب زائر حاضر خبر ندارد که آنجناب نامه های متعدّد از عبدالبهآء دارد لهذا

باز خواهش نگارش اين نامه مينمايد محض خاطر ايشان باز خامه بحرکت آمد و بتحرير

پرداخت تا بدانی که در اين انجمن رحمانی مذکوری و در عتبهٴ حضرت سبحانی مشهور

و عبدالبهآء در جميع احيان بيادت مألوف و عليک التحيّة والثنآء ع ع

مقابله شد

٤١٧ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

هوالله

آباده جناب افنان آقاسيد آقا ابن حضرت افنان سدرهٴ مبارکه آقا ميرزاآقا عليهما

بهآءالله الابهی

الله ابهی

ای نابت از سدرهٴ مبارکه چون بشرف انتساب فائزی بايد بصفت کمال در کل مراتب

ممتاز باشی تا انشآءالله سلالۀ جان و دل گردی و از آب و گل بکلی منقطع شوی

و آن شئون فائضهٴ از تجليّات

\* ص373 \*

حيّ قيّوم است بکوش تا از آن انوار مقتبس گردی و از آن آيات مهتز والبهآء عليک

وعلی کل ثابت علی الميثاق ع ع مقابله شد ٤١٨ خط مبارک

هوالله

ش حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقا سيدآقا عليه بهآءالله

# هوالله

ای افنون سدرهٴ رحمانيّه در جميع احوال و احيان بياد شما مشغوليم و از فضل حضرت

ودود اميدواريم که بخدمت مربّی غيب و شهود موفّق و مؤيد گردی و بآنچه سزاوار

آستان مقدّس است موفّق و مؤيد شوی تا در خضوع و خشوع و تضرّع و تبتّل و تذلل و

نياز دمساز عبدالبهآء گردی تلک سجيّة کل عبد منيب اخلص وجهه لله ربّ

العالمين اسئل الله يوفّقک عليها ع ع مقابله شد

٤١٩ خط مبارک

هوالابهی

پورتسعيد حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب ميرزا ضيآءالله عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

اي فرع سدرهٴ مبارکه ورقهٴ مکتوبه ملاحظه گرديد نفحهٴ خوشی استشمام شد اليوم

نفوسی در ظل سدرهٴ الهيّه مستظّل گشته‌اند که عنقريب حرارت قلبشان جهان را

باشتعال آرد اميدوارم که آن فرع بديع

\* ص374 \*

يکی از آن نفوس قدسيّه و هياکل روحيّه گردد زيرا از شجرهٴ مبارکه نابت لهذا

اولی باين منقبت عظمی والبهآء عليک ع ع مقابله شد

٤٢٠ خط مبارک

هوالله

پورتسعيد حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب ميرزا ضيآء عليه بهآءالله

# هوالله

الهی الهی انت الذّی غرست شجرة رحمانيّتک فی فردوس فردانيّتک و سقيتها من

معين صمدانيّتک حتّی انتشت و نمت و طالت و تفرّعت و تشعّبت و امتدّت و ملئت شرق

الوجود و غربه و من فروعها هذا الافنون الثابت الراسخ علی ميثاقک المتشبّث

بذيل عهدک ايربّ انت تعلم بانّی احبّ هذا الافنون من کل قلبی و من کل فؤادی

و انّی منه اسئلک بفضلک و جودک ان ترض عنه و اجعله آيته فضلک انّک انت الکريم

الرحيم العفّو الغفور ع ع مقابله شد

٤٢١ خط مبارک

شيراز جناب افنان سدرهٴ مبارکه حضرت ميرزاضيآءالله عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

يا من انتسب الی الشجرة المقدّسه نامه رسيد و از معانی کلمات تبتّل بملکوت

ربّ آيات واضح گرديد دليل بر ايمان و ايقان و ثبوت بر عهد و پيمان بود اليوم

استقامت عين کرامتست و سبب

\* ص375 \*

مقاومت امتحانات شديده و ثبوت بر عهد و پيمان تو چون در گلشن الهی نابتی البتّه

ثابتی خوشابحال تو که خالصی و مخلصی و از خبر مولود جديد سروری جديد پديد شد که

الحمدلله اين طفل در ظل عنايت تولد يافته انشآءالله از ثدی محبّت الله

پرورش خواهد جست و در مهد معرفت الله نشو و نما خواهد کرد نام ميرزاآقا بنهيد

تا يادگاری آن افنان سدرهٴ رحمانيّه و مقرّب درگاه حضرت احديّه گردد امة‌الله

الموقنه الورقة المبارکه والده و سايرين را تحيّت محترمانه برسان و عليک

البهآءالابهی ع ع مقابله شد ٤٢٢ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

هوالابهی

ش حضرت افنان سدرهٴ منتهی جناب ميرزا ابراهيم عليه بهآءالله الابهی ملاحظه

نمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع الجميل من السدرة المبارکة اليوم شأن نفوس منتسبهٴ بشجرهٴ الهيّه

اينست که چون ستارهٴ صبگاهی از افق عالم و مشرق امم بدرخشند و چون آيت باهره و

رايت ظاهره بر اتلال وجود لامع و مشهود باشند امواج بحر اعظم لئالی مبين نثار

نمايد و فيضان غمام اکرم غيث جليل احسان کند سدرهٴ ايقان ثمار لطيف بار آورد و

ارض طيّبهٴ طاهره گل و رياحين بار آورد از فيض قديم ربّ جليل اميدواريم که

افنان دوحهٴ بقا را موفّق باستفاضهٴ از ملکوت ابهی فرمايد و در کهف حمايتش از

جميع طوارء و موارد محفوظ دارد که در کمال ظهور محفوظ مانند عبدالبهآء ع

مقابله شد ٤٢٣ خط مبارک

\* ص376 \*

جناب سلطان محمدخان جناب سلطان باقرخان جناب شاهزاده غلامحسين ميرزا جناب

حاجی ميرزابزرگ افنان جناب احسان الله پسر جناب آقاميرزا اسمعيل خان جناب

آقاميرزا اسماعيل خان جناب حاجی ميرزاحبيب افنان جناب آقا ميرزاابوالقاسم ساعت

ساز جناب حاجی ميرزا ضيا جناب آقا ميرزاباقراصفهانی جناب ميرزا عبدالحسين جناب

آقا ميرزاعلی آستانه دار جناب استاد ميرزاخيّاط جناب آقاميرزا محمّدصادق خباز

جناب آقا ميرزااسدالله جناب خادم باشی جناب نايب رضاقلی جناب آقاعلی اکبر

جناب ميرزا حسين پسر آقاميرزا ابو‌القاسم جناب آقامحمّد برادر ايشان صبيّهٴ

ايشان جناب آقا ميرزايحیی خان جناب آقا میرزا علیمحمدخان جناب میرزا ابراهیم خان پسر جناب آقا میرزا اسمعیل خان جناب آقاميرزا محمّد جعفرخان عليهم بهآءالله

الابهی

# هوالله

اي بندگان جانفشان جمال ابهی صفحهٴ نورانی و نقشهٴ شمائل رحمانی ياران روحانی

ملاحظه گشت از نورانيّت آن وجوه روحانيّت حاصل شد و سرور و فرح در قلوب جلوه

نمود هرچند شمائل جسمانی بود ولی بحقيقت جمال روحانی مشهود زيرا در جبين محبّت

نور مبين آشکار يا حبذّا تلک الوجود النورانيّه و يا فرحاً لتلک النفوس

الرحمانيّه و يا سروراً لتلک الحقائق الروحانيّه انّی اتوسّل بالعروة الوثقی و

اتشبث بذيل ردآء الکبريآء و ارجو الله ان يؤيد تلک الذّوات المستبشرة

ببشارات الله

\* ص377 \*

علی اعظم مواهب قدّره فی ملکوته الابهی و يجعلهم آيات باهرات و نقوشاً ثابته فی

اللوح المحفوظ و الکتاب المسطور و يجعل الوجوه خالصة التوجّه الی الجمال الابهی

فی النشئة الاولی والحيات الاخری و عليکم التحيّة و الثنآء

الهی الهی هولآء قد بعثتهم من مرقد الهوی و حشرتهم فی يوم اللقآء و اجتبیتهم

لمحبتک بين الوری واخترتهم لظهور مواهبک علی الملا اجعل تلک الوجوه النانره

مرايآء انوار موهبتک الکبری و تلک الاعين الناظرة بمشاهدة انوارالافق الاعلی

انّک انت تؤيد من تشآء و انّک انت المعطی الکريم العزيز الرحيم الوهّاب .

ع ع مقابله شد ٤٢٤ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

بواسطهٴ جناب بشير

شيراز محفل روحانی عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

الهی الهی هولآء عباد اجتبيتهم لخدمة امرک و اعلآء کلمتک و نشر نفحات قدسک

ربّ اخلص وجوههم لوجهک الکريم و ثبّتهم علی صراطک المستقيم و اقمهم علی خدمة

نبأک العظيم و اجعلهم آيات الهدی بين الوری لينشروا آثارک و يقتبسوا انوارک و

يطلعوا باسرارک و يتنوّرهم موطن نورک المبين و مقر جمالک العلی العظيم ربّ اعل

درجاتهم و بشّر ارواحهم و ثبّت کلماتهم و انشر آثارهم بين خلقک انّک

\* ص378 \*

انّک انت المقتدر العزيز القوّی القدير ع ع مقابله شد

٤٢٥ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

# هوالله

ای ياران عزيز شيراز موطن حضرت بی نياز است بايد مطلع انوار اسرار گردد و

انجمن عاشقان بايد در آن ديار آهنگ وجد و طرب را بملکوت انوار رسانند ع ع

مقابله شد

آخر لوح نمره ٤٢٥ و اين دو سطر خط مبارکست

شيراز اعضای محفل روحانی عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ای بندگان مقرّب درگاه جمال مبارک شکر کنيد خدارا که در موطن حضرت اعلی روحی له

الفدآء انجمن آراستيد و الفت و يگانگی خواستيد محفل روحانی تأسيس نموديد و

بخدمت آستان ربّانی قيام کرديد آن اقليم جنّت النعيم است و آن کشور منوّر و معطر

از نسيم گلشن علييّن آن خاک پاک است و آن حدود و ثغور تابناک زيرا موطن آفتاب

افلاکست شما چون در آن خطه قيام بر خدمات نموده‌ايد و در عبوديّت آستان شريک و

سهيم اين گمنام گشته‌ايد بايد بينهايت شادمان باشيد و کامران گرديد و مفتخر و

مباهی بفضل نامتناهی الهی که بچنين امر عظيمی موفّق شديد که نهايت آمال مقرّبين

است و منتهی آرزوی اهل علييّن امّا عبدالبها را نهايت آرزو و آمال خادمی

آن محفل روحانيست تا بالطاف ربّانی و فيض صمدانی و نفحهٴ رحمانی مصدر خدمات ياران

آسمانی گردد دفتر اعانات اطراف بجهت ستمديدگان نيريز رسيد و بنهايت سرور

\* ص379 \*

قرائت گرديد و قبوضات ارسال ميشود و عليکم البهآءالابهی ع ع مقابله شد ٤٢٦ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

شيراز اعضای محفل روحانی عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

اي بندگان جمال ابهی نامهٴ شما رسيد مضمون مفهوم گرديد و همچنين نامه ئي که

بحضرت افنان سدرهٴ مبارکه عليه بهآءالله الابهی مرقوم نموده بوديد و همچنين

جواب نامه از آن حضرت بشما کل بنهايت دقّت قرائت شد از عدم فرصت مجبور بر اختصارم

از تائيدات غيبی جمالقدم روحی لاحبّائه الفدآء الحمدلله بيت مکرّم از حالت

اندراس بيرون آمد تکرار بر اساس اصلی و ترتيب قديم بنا و انشا شد و بقدر امکان

تفرّعات تزييد يافت و بتأييدات اسم اعظم کم کم توابع آن بيت معظم مانند

شفاخانه و مدارس ايتام و بيت عجزه و غيره کل نيز اتمام و تکميل ميشود خانه‌ئی

که تعلق بافنان سدرهٴ مبارکه جناب حاجی مهدی عليه بهآءالله دارد بايد خود

ايشان تعمير بفرمايند سهيم و شريکی در آن تعمير نداشته باشند لهذا خدمت ايشان

مرقوم فرمائيد تا بهر نوع مصلحت دانند مجری فرمايند تأخير ابداً ننمايند در

اين گونه امور تهاون و تسامح جائز نه و از فضل وافی جمال قدم روحی لآحبآئه

الفدآء اميدوارم که آن حرم مبارک در نهايت عظمت در مستقبل جلوه نمايد و بردآء

عزّت ابدی مخلع گردد شمول الطاف را ملاحظه نمائيد که نهايت آمال نيّر ملکوت صبح

هدی نقطهٴ اولی حضرت اعلی روحی له الفدآء اين بود که طلعت مقصود جمال معبود شمس

حقيقت حضرت

\* ص380 \*

من يظهره الله در يوم ظهور ذکری از آن شجرهٴ طور فرمايد حال در ظل عنايتش حتّی

ترابی که منتسب بحضرت اعلی روحی له الفداست ارتفاع يافت و روز بروز معمور تر

گردد و توابع حرم معظّم اتساع يابد و عليکم البهآء الابهی ع ع مقابله شد ٤٢٧ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

شيراز اعضای محفل روحانی عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ای مقرّبان درگاه کبريآء نامهٴ شما رسيد ورقه‌ئی که جوف بود بسيار سبب سرور

گرديد که آن شخص محترم چنين اقدامی فرمود و چنين انفاقی نمود آنچه در مدّت

حيات همّت فرمودند و مجری داشتند و مبذول کردند جميع فراموش ميشود اين امريست

طبيعی ولکن اين همّت که تعلق بماورآء الطبيعه دارد هرگز فراموش نخواهد شد و

الی الابد در مرور قرون و اعصار مشامها را نافهٴ مشکبار نثار خواهد کرد زيرا اين

قضيّه در ظل وجه واقع کل من عليها فان و يبقی وجه ربّک ذوالجلال والاکرام و

همچنين سبب عزّت ابديّه در دو جهان خواهد گشت سليل جليل ايشان در پاريس ملاقات

شد و نهايت الفت حاصل گشت فی الحقيقه شايان و سزاوار و بزرگوار است و همچنين

ملاحظه نمائيد که قوهٴ امرالله چگونه در ظهور و بروز است که همچنين شخص جليلی

از برای چنين موقعی که آن جسد معطّر يک شب دو شب در آنجا امانت گذاشته شده بود اين

جسد مطهرّي که از خوف اهانت اعداء پنجاه سال ممکن نشد در جائی قرار يابد زيرا

اعدا در صدد

\* ص381 \*

بودند و اگر بدست اعدا افتاده بود آتش ميزدند حال بمقامی رسيده که چنين نفس

محترمی در موقعی که رائحه‌ئی از آن جسد معطّر وزيده چنين جانفشانی مينمايد و هذا

من فضل ربّی فاعتبروا يا اولی الابصار و عليکم البهآءالابهی عبدالبهآءعبّاس

١٠ رجب ٣٣٨ حيفا مقابله شد ٤٢٨ خط کاتب و امضآءمبارک

# هوالله

الهی الهی ترانی خائضاً فی غمار البلآء و غريقاً فی بحار البأسآء و الضرآء

هدفا للنصال مطعوناً برماح الجور و الجفآء مجروحاً بظبآء الشدّة و البغضآء

و لم يبق يا الهی موقع من جسدی الا و هو جريح السّهام و لم يبق موضع من کبدی

الا و هو قريح الرماح و لم يزل علیّ هذه المصيبة الدهمآء و لاالرزية

العميآء الا لتبتّلی و تضرّعی الی حضرت احديّتک و توجّهی الی ملکوت رحمانيّتک

و ما نقموا منّی الا ان آمنت بک و بآياتک و ما انزلته من کتبک و صحفک و ما

ارسلته من رسلک هذا جرمی و خطآئی و کربتی و بلائی مع ذلک ادعوک بلسانی و ارجوک

بجنانی ان تعفو عن اقربائی الذين افتروا و جاروا علی و اعتدوا بی و هتکوا و

فتکوا ربّ اغفر ذنوبهم و اکشف کروبهم و سهّل امورهم و انزل عليهم رحمتک و لا

تحرمهم عن موهبتک لانّهم جهلوا و غفلوا و لو علموا لم يفعلوا فينبغی لرحمانيّتک

ان تستر عيوبهم و تعفو عن ذنوبهم انّک انت الرحمن الرحيم ثمّ ادعوک ان تحفظ

اوليآئک فی صون حمايتک و تحرس اصفيائک فی کهف رعايتک و تشمل ارقّآئک بلحظات

اعين رحمانيّتک لانّهم تحت الهجوم و اهداف للرجوم احاط بهم الغافلون و هم من

کل حدب ينسلون قمّ انّی اعفر وجهی بتراب الذل و الفنآء متمنّيا القرب و

اللقآء راجياً

\* ص382 \*

جوار رحمتک الکبری فاجرنی يا الهی و قرب يوم لقائک و انقذنی يا مولائی و

يسّر لی مشاهدة جمالک ان کان رأسی يليق لعطآئک فاجعله يتهادی علی القناة فی

سبيلک و ان کان دمی حقيق ان يهدر فی سبيلک فاجعله مسفوحاً مرشوشاً مسفوکاً علی

التراب فی محبتک و ان کان صدری حرّی ان يشتبک فی ولآئک فاجعله هدفاً للسهام

بقضائک انّک انت الکريم الرحيم العزيز الوهّاب و انّک انت العلی العظيم

التوّاب

ای عزيز الهی در ايندم که زلزلهٴ امتحانات بقعهٴ مبارکه را بحرکت آرده و طوفان

عظيمی بر پاست نامهٴ روحانی شما قرائت شد و نهايت مسرّت حاصل گشت از فضل يزدانی

مستدعيم که روز بروز ترا نورانی فرمايد تا مظهر الطاف رحمانی گردی و موفّق بر

خدمت آستان الهی شوی مختصر اينست که از يوم صعود الی الان اخوی مهربان بهر

وسيله تمسک جست و بهر اسبابی تشبّث نمود که سراج محبّت الله را خاموش نمايد در

بدايت بنشر الواح شبهات پرداخت و شرق و غرب را بکلمات مؤتفکه ملوّث ساخت بگمان

اينکه القآء شبهات نسخ آيات باهرات کند مدتّی در اين قضيّه جهد بليغ نمود تا

يرليق جآء الحق و زهق الباطل انّ الباطل کان زهوقا در جميع حدود و ثغور منشور

گشت و چون از اين خائب و خاسر شد بدسيسه‌ئی ديگر پرداخت و زبان بمفتريات گشود و

باطراف و اکناف آنچه توانست تهمت و بهتان انتشار داد که اين عباد را معاذالله

نسبت بعموم نيّتی غير خير مضمر آنچه نوشت بوسائطی ابلاغ نمود و لوائحی

ترتيب داد که معاذالله اين عباد با دشمنان پادشاهی رابطه و مخابره دارند و

آن لوائح ارسال بحکومت اين سامان شد تکذيب گشت

\* ص383 \*

بعد با جمعی بد خواهان اين عبد در اين شهر همداستان شد و شب و روز عاکف آستان

آنان گشت تا آنکه در اين ايّام با آنان لائحه ترتيب داده که در هر صدی هشتاد و

پنج از اهالی اين صفحات بهائی گشته‌اند و با اجنبی روابطی بسته اند تربت مقدّسه را

کعبه اتخّاذ نموده‌اند و مقام کرمل را روضهٴ مطّهرهٴ حضرت رسول عليه السلام قرار

داده‌اند در اينجا طواف کنند ودر آنجا سجده نمايند و از اين قبيل بسيار باری جمعی

بجهت تفتيش اين وقايع مامور گشتند و از اسلامبول باينجا آمدند آنان سرّاً فحص و

جستجو نمودند ولی از بد خواهان يعنی کساني که شريک در آن لائحه بودند و از اين

آوارگان ابداً سئوالی نکردند و توضيحی نخواستند و مراجعت باسلامبول نودند لهذا

ارياح امتحان در بقعه مبارکه روز بروز در اشتداد است سبحان الله اگر ديگران

ندانند الحمدلله ياران واقف اسرارند و مطلع بر وصايا و نصائح جمال مبارک در

جميع الواح بوصيّت صريحه و نصيحت صحيحه و اوامر قطعيّه کل را از فساد که سبب هدم

بنياد عباد است منع فرموده و باطاعت و دولتخواهی و انقياد و صداقت بسرير پادشاهی

امر قطعی فرموده که هر کس فسادی نمايد و اينکه در اطاعت شهريار فتور و قصور کند

از رحمت پروردگار محرومست و از نظر عنايت حقّ دور و مهجور هادم بنيانست نه بانی

نوميد از رحمت پروردگار است نه راجی محرومست نه محرم مجرمست نه مکرّم و

الحمدلله اين نصوص قاطعه در جميع اقاليم منتشر و در نزد جميع دانايان مسلم

حتّی بنّص صريح فرموده‌اند ياران الهی بايد با سائر طوائف و ملل در نهايت مهربانی

رفتار کنند جفا را بوفا مقابله نمايند و خطا را بصواب ستر کنند تيغ

\* ص384 \*

و شمشير را بشهد و شير مقابلی کنند و سمّ نقيع را بشربت بديع مکافات

فرمايند هر دردي را درمان باشند و هر زخمي را مرهم دل و جان دشمنان را يار و ياوری

کنند عوانان را غمخواری کنند و انتقام را خونخواری و درندگی شمرند سبحان الله ما

سالک در اين سبيل و خلق مشغول بچه بهتان عظيم ولی اگر بيگانگان بکذب و بهتان

پردازند تعجّب نبود عجب در اينست که بيگانگان حسن شهادت دهند ولی آشنايان بدخواه

در نهايت شکايت باری باوجود اين ما اميدواريم که بنهايت تمکين تحمّل اين جور

عظيم نمائيم و از صراط مستقيم مقدار جوی تجاوز ننمائيم متوکّل بر خدائيم و

متشبّث بذيل کبريا و در اين طوفان بلا صابريم و شاکر و جان در کف گرفته بجان

فشانی حاضريم و از برای کل رحمت و موهبت طلبيم و عفو و مغفرت جوئيم ربّ ارحم

الخطاة و اعف عن الشّنات و لاتأخذهم بالسيئات و بدلها بالحسنات انّک انت

ربّ الآيات البيّنات و انّک انت الرحمن الرحيم ع ع مقابله شد ٤٢٩ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

هوالله

شيراز بواسطهٴ حضرت افنان آقاميرزاحبيب الله ميرزاابوالقاسم و جناب ميرزا

سيّد حسن افنان عليهما بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای دو نهال بوستان الهی شکر کنيد خدا را که از شجرهٴ مبارکه انبات شديد و

برشحات سحاب عنايت در

\* ص385 \*

آغوش انتساب بشجرهٴ حقيقت نشو و نما مينمائيد اين موهبت عظمی است و اين عطيهٴ

کبری قدر اين را بدانيد و بآنچه لازم و واجب اين نسبت است قيام نمائيد و عليکما

البهآءالابهی ٢٠ ربيع الثانی ١٣٣٩ حيفا عبدالبهآءعبّاس مقابله شد

٤٣٠ خط کاتب و امضآءمبارک

شيراز بواسطهٴ بشير الهی

جناب آقاميرزا محمدحسين نويسنده عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای مهتدی بنور هدی جناب آقامحمدحسن فی الحقيقه حيات معنوی و زندگی ابدی مبذول

داشت از نفحات روح القدس استفاضه نمود و در دل و جان تو دميد وجدان گلشن رحمانی

شد و ضمير سرير مليک جليل گشت مقام اطمينان فوق ايمانست و حقّ اليقين فوق علم

اليقين حال چون از عين اليقين نوشيدی از فيوضات نامتناهی الهی البته بحقّ

اليقين خواهی رسيد تا در دو جهان مظهر الطاف بيپايان گردی و عليک البهآءالابهی

مقابله شد

٤٣١ خط کاتب

هوالله امة الله شيرين عليها بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالله

ای شيرين حلاوت شهد و شکر صفرا افزايد و علل ايراث کند امّا حلاوت جمال الهی

روح بخشد

\* ص386 \*

بخشد و سبب فتوح گردد پس شيرينی دلنشينی در غرفات فردوس است و حلاوت و ملاحت

نضرهٴ رحمن در وجهات انس و البهآءعليک ع ع مقابله شد ٤٣٢ خط مبارک

شيراز بواسطهٴ بشير الهی

سيرجان بواسطهٴ جناب آقاسيد مهدی نيريزی

حضرت آقاسيدعلی اکبر حفيد حضرت وحيد جليل مجيد عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای حفيد آن نور مبين الحمدلله با نسبت جسمانی زادهٴ عنصر جان و دل آنشخص جليل

هستی و دليل براين اينکه بخدمت پرداختی و شمع آن بزرگوار را روشن نمودی و

لمثلک ينبغی هذا منتسبان آن بزرگوار در نزد عبدالبهآء عزيز و مقرّب درگاه

پروردگار عين عنايت ناظر بانآنست و الطاف بيمنتهی شامل حال هر يک تأسی بآنسرور

ابرار نمايد شمع روشن شود و ستارهٴ درخشنده گردد و ثابت نمايد که از عنصر پاک

آن کوکب تابناکست لهذا تا توانی پيروی آن نما و در نشر نفحات الهی بکوش جميع

احبّا و ياران و امآء رحمن را تحيّت ابدع ابهی برسان و عليک البهآء الابهی

مقابله شد

٤٣٣ خط کاتب

\* ص387 \*

شيراز بواسطهٴ جناب آقامحمّدحسن بلورفروش و بواسطهٴ جناب سلطان عبدالحسين

خان برادر زادهٴ من ادرک لقآء ربّه فی مقعد صدق عند مليک مقتدر جناب

آقاسيّدابوالقاسم خان جناب آقاميرزاهدايت الله خان جناب آقاميرزاعبدالحسين

بهمنی جناب آقاسيدعبدالله خان جناب آقاميرزانصرالله خان افنان جناب

آقاميرزافتح الله خان افنان جناب استاد تقی نجّار جناب آقاميرزا محمّدحسين

جناب آقا ميرزاعبدالحسين عندليب جناب آقاعلی آقای ناظر عليهم بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای ثابتان ای راسخان درروز غوغا و ضوضا که جمعی بدون بيّنه و برهان هجوم

بمحل ثابت بر پيمان نمودند شما بحمايت و صيانت پرداختيد و بتمام توّکل در قلوب

مهاجمين خوف و خشيت انداختيد اين جان فشانی بود و از قوّت و صلابت ايمانی

بيخردان در کمينند تا فرصتی يابند و دست تطاول بگشايند و بظلم و عدوان پردازند

اين سلاح عاجزان است چون از قوّت برهان بی نصيب گردند و در اقامهٴ حجت عاجز و

ضعيف و گنگ و لال گردند دست تطاول بگشايند هميشه اين روش اهل بطلانست و مسلک اهل طغيان اين آخر الدوآء الکی شمرند ولی بخسران مبين افتند و ضرر وزيان شديد

يابند اين تعّرضات سبب ظهور آيات بيّنات و اين اعتساف تمهيد مقدمات و سبب انتباه

غافلان و جستجوی طالبان گردد البتّه

\* ص388 \*

البتّه اگر آنی تفکّری بنمايند ابداً تعرّض ننمايند بلکه ساکت و صامت گردند و در

حفرهٴ ظنون و اوهام خزيده خود را از پرتو شمس حقيقت محروم و محجوب نمايند

وقتيکه شهناز الهی منحصر در شيراز بود ستمکاران سبب شدند که اين صيت عظيم

باصفهان و طهران رسيد و چون بيشتر کوشيدند و اذيّت و جفا کردند و سياست شديده

روا داشتند بجميع صفحات ايران سرايت کرد نفوذ کلمة الله در خراسان علم افراخت

و چون باطفآء اين سراج کوشيدند و بقتل و غارت پرداختند و خون مظلومان ريختند و

سرها بر نيزه نمودند مردان شهيد کردند اطفال اسير نمودند نسآء ذليل کردند و

مانند دشت بلا صحرای کربلا بخونريزی مظلومان پرداختند و باسارت صبيان و نسوان

دست گشودند صيت امرالله بسائر بلدان در اطراف و اکناف عالم رسيد و چون کوشيدند

که نور مبين از ايران نفی و سرگون گردد علم مبين در عراق بلند شد و چون در عراق

بنفاق پرداختند سبب شد که جمال قديم بشهر شهير نفی و تبعيد شد و کوس اعظم و

ناقوس اکبر در اسلامبول کوبيده شد و چون از مرکز سلطنت عثمانيان با نهايت ظلم و

عدوان بروميلی ارسال نمودند آن اقليم نيز پرتو نور مبين يافت و چون از آن کشور

بسجن اکبر نقل گرديد و قلعهٴ ويران سجن محبوب امکان شد و نهايت ذلّ و هوان حاصل

گرديد صيت امرالله و صوت کلمة الله در ممالک

\* ص389 \*

اروپ و امريک انتشار يافت زلزله در آفاق انداخت و اهل نفاق خائب و خاسر گشتند و

هنوز دست بر نميدارند اين تهکّم و تعرّض سبب شد که ندای الهی در جميع آفاق بلند

گرديد هنوز در خواب غفلتند و گمان ميکنند که اين حرکت مذبوحانه سبب قلع و قمع

اساس خداوند يگانه است هيهات هيهات جمال مبارک روحی لاحبّآئه الفدآء

ميفرمايند که اين جوش و خروش علمای جاهل بر منابر و فرياد و نعره‌های وادينا

وامذهبا در مسالک و معابر ندای بامرالله است اين نفوس منادی حقند ولکن لايشعرون

ذرهم فی خوضهم يلعبون باری الحمدلله شما بآنچه بايد و شايد قيام نموده‌ايد و

مدافعه از هجوم يغماگران فرموديد طوبی لکم من هذه المنقبة العظمی و عليکم

البهآء الابهی عبدالبهآء عبّاس ١٢ صفر ١٣٣٩ حيفا مقابله شد ٤٣٤ خط کاتب و امضآء مبارک

٩

شيراز جناب آقاميرزافضل الله بنانی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای بندهٴ صادق آستان مقدّس نامهٴ اوّل را جواب کافی مرقوم گرديد فی الحقيقه

مضمون مورث سرور بود و دليل بر حظّ موفور اميد چنانست که آهنگ و شهناز احبّای

شيراز بملکوت راز رسد و در بارگاه قدس ملاء اعلی را باهتزاز آرد حال اين جواب

نامهٴ ثانيست

\* ص390 \*

آن نيز با برات ملفوف رسيد از الطاف ربّ الاسعاف تمّنا چنان که ابواب

برکت باز شود و وسعت رزق آشکار گردد و عليک البهآء الابهی ٩ شوّال ١٣٣٧

عبدالبهآء عبّاس مقابله شد ٤٣٥ خط کاتب و امضآء مبارک

٩

بواسطهٴ جناب آقاميرزا قابل زائر عليه بهآءالله الابهی

جناب ميرزا فضل الله خان بنان عليه بهآءالله الابهی

هوالله

ای حضرت بنان حقّا عضد يارانی و بازوی قوی ربانيان ايّام لقا در خاطر است

همواره روی دلجويت در اين محضر حاضر هميشه بياد تو هستم که در نهايت تبتّل

بدرگاه حضرت احديّت تضرّع مينمودی و طلب عون و صون از بارگاه رحمانيّت ميفرمودی

و با عبدالبهآء شب و روز انيس و جليس بودی و در انجمن ياران نفس نفيس

الحمدلله ابواب مفتوح و تأئيدات ملکوت ابهی در نهايت شمول اميد وطيد است که

آيت باهره گردی و قوّتی قاهره در هر دمی شميمی از جنّت ابهی بمشام رسد و در هر

نفسی رشحاتی از سحاب عنايت بگلشن دل و جان ببارد و عليک البهآءالابهی

٦ محرّم ١٣٣٨ عبدالبهآءعبّاس مقابله شد

٤٣٦ خط کاتب امضآءمبارک

\* ص391 \*

شيراز بواسطهٴ جناب عندليب حديقهٴ توحيد عليه بهآءالله

جناب آقامحمّدصادق خبّاز عليه بهآءالله

# هوالله

ای صادق موافق چه اسم مبارکی داری هر نفسی مظهر معنای اين اسم باشد يعنی صادق

گردد کوکب شارقست و نيّر بارق و سيف فارق صفتی محبوبتر از اين نيست و طريقهٴ

مقبولتر از اين نه بسا کلمهٴ صدقی که سبب نجات ملتی شد و بسا شخص خسيس را کلمهٴ

راستی عزيز و نفيس نمود چه بسيار که شخص عزيز محترمی را يک کلمهٴ کذب بکلی از

انظار ساقط کرد و از درگاه احديّت محروم نمود پس ای جان پاک پی صادقان گير و

پيروی راستان کن تا بصدق بمقعد صدق رسی و براستی بعزّت ابديّه فائز گردی جميع

معاصی بيک طرف و کذب بيک طرف بلکه سيئات کذب افزونتر است و ضرّش بيشتر راست گو و کفر بگو بهتر از آنست که کلمهٴ ايمان بزبان رانی و دروغ گوئی اين بيان بجهت نصيحت من فی العالم است شکر کن خدا را که تو سبب صدور اين نصيحت بجميع نوع انسان شدی هميشه بنفحات قدس مشغول گرد و ناس را بآنچه سبب علو و سموّ انسانست و از اخص فضائل و خصائل اهل ايمان دلالت نما تا مرّبی نفوس گردی و هادی هر گمره پر قصور شوی اذن حضور خواسته بودی

\* ص392 \*

اين ايّام بسيار مشکل چه که بيگانگان در صدد اين آوارگانند و هر روز کتابی

تأليف نمايند و از هر قبيله افترائی بزنند و طبع و نشر نمايند و آشنايان نيز

ناقض پيمان در سرّ سرّ نهايت فساد را ميکنند دیگر معلومست با اين دو مهاجم چه قدر

مشکل است انشآءالله قدری سکون حاصل ميشود آنوقت شما را ميخواهیم حضرت عندليب

را از قبل من تحيّت مالانهايه برسان که همواره بياد و ذکر ايشان مشغولم

وعليک التحيّه والثنآء ع ع مقابله شد ٤٣٧ خط کاتب و مهر وامضآءمبارک

شيراز جناب فضل الله خان بنانی عليه التحيّه والثنآء

# هوالله

ای ثابت بر پيمان نامۀ آن جوان نورانی والفتی الرحمانی رسيد و بسيار مختصر و

مفيد بود تحارير بايد چنين باشد در الفاظ بايجاز پردازند و در معانی اعجاز

نمايند جميع ياران را بدل و جان مشتاقم و از جشن عظيم در ايّام رضوان مسرور و

شادمان ولی حکمت را از دست مدهيد و پرده دری مفرمائيد هر چيز اعتدالش مرغوب تا

سبب حقد و حسد ديگران نگردد امّا سه فقره عکس لوله‌اش وصول يافت ولکن عکسها مفقود

معلومست که عکسها را ربوده‌اند ولی ضرر ندارد انشآءالله سبب اعلآء کلمة الله

است سرور کامکار دادپرور آن ديار فی الحقيقه آن اقليم را در سايهٴ عدل بلد امين

فرمودند احبّا بايد قدر امير جليل بدانند و ستايش

\* ص393 \*

بر زبان برانند و از خدا بخواهند که پايدار فرمايد و باقی و بر قرار دارد

اميدوارم که صيت دادپروری ايشان در مرور قرون و اعصار ورد زبان اخيار و احرار

گردد و اين خاندان و دودمان محترم ايشان در نزد ابرار پر قدر و احترام در جميع

قرون باشند وعليک البهآءالابهی ٣ شوّال ١٣٣٧ عبدالبهآءعبّاس مقابله شد

٤٣٨ خط کاتب امضآءمبارک

بواسطهٴ جناب بشير

محفل خدّام امر الله

# هوالله

ای ياران روحانی در جهان محافل بسيار تشکيل شده محافل سياسی محافل تجاری محافل

صناعي محافل معارف محافل جغرافي محافل بِرّي محافل دفن اموات غرباء محافل تعيّش

مساکين و ضعفآء و قس علی هذا ولی محفل روحانی نورانی ربّانی مجمع احبّا زيرا

اين نفوس بمعشوق حقيقت دل بسته و از قيود عالم فانی رسته و اوضاع زاهدان در

شکسته و بملأ اعلی پيوسته با جميع ملل و نحل ابواب صلح و آشتی گشوده و با نوع

انسانی بصدق و راستی برخواسته و باخلاق رحمانی آراسته بقسميکه بيگانه را آشنا

شمرده و اغيار را يار دانسته مقصودی جز خدمت بعموم عالميان ندارند و راز و

نيازی جز ترّقی عالم انسان نخواهند تا توانند خويش و بيگانه را يگانه شمرند و

دشمن را دوست ممتحن دانند

\* ص394 \*

يعنی عدوّی تصوّر ننمايند و بد خواهی بخاطر نيارند بجميع بشر بنهايت محبّت نظر

کنند ولو در خطر افتند بجفاکار وفا نمايند اگر اذيّتی بکنند ستمکار را راحت و

نعمت طلبند اگر باين موفّق گرديد محفل رحمانيست و مجمع نورانی و انجمن سبحانی

اميدوارم که چنين باشد و عليکم البهآء الابهی

\* ای بهآئيان اين بابيان يعنی ازلی ها که خود را بابی قح ميدانند مقاصد و عقائد آنان را ميدانيد قطع ريشهٴ انسانست علی الخصوص شما زيرا اساس اين فرقه خونخواريست و اساس شما مظلومی و حليمی و سليمی حتّی خير خواهی هر دشمنی و نيکوئی با هر اهرمنی و محبّت با نوع انسانی هر دين و مذهبی و صداقت با جميع بشر از هر آئين و ملتی حضرت بهآءالله خطاب بجميع ملل و اديان ميفرمايد همه بار يک داريد و برگ يک شاخسار ولی خود را از شرّ شيخ الملک ازلی حفظ نمائيد زيرا بينهايت خفيّاً در صدد تعرّض است ع ع

مقابله شد ٤٣٩ خط کاتب

\* اين پنج سطر و اند عقب لوح نمره ٤٣٩ خط مبارک است

شيراز بواسطهٴ بشير الهی

جناب آقاميرزا عيسی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای خادم محفل ملاقات نامهٴ شما رسيد چنان معلوم ميشود که در شيراز فوج و موج

است اين از خطاهای حجج غير بالغه و فتاوی غير باهره است ملاحظه کنيد که بر سر

ايران چه آوردند

\* ص395 \*

قومی را که چنين پيشوايان نادان و زمام امور جمهور بدست آنان بهتر از اين نخواهد

شد و هنوز آرام نگرفته‌اند باز در امور سياست مداخله ميکنند تا ايران را بکلی

بباد ندهند دست بر نميدارند شما بموجب عقل و فکر حرکت و روش نمائيد عربدهٴ

بيفايده چه ثمر دارد مشغول بکار خود باشيد زيرا تبتّل و نشر تعاليم الهی ايران

را سود بيپايان حصول دهد و از خسران و زيان برهاند محفل ملاقات بيارائيد و شب و

روز بنشر نفحات مشغول گرديد آن جمع محترم را از قبل من نهايت اشتياق و مهربانی و

رضا و خوشنودی ابلاغ داريد وعليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد ٤٤٠ خط کاتب مهر و امضا مبارک

هوالله

ش جناب ميرزا علی محمّد خان عليه بهآءالله الابهی

ايها الحبيب الروحانی انّی اخاطبک بلسانی و احبّک بقلبی و جنانی و اتضرّع الی

الملکوت الربّانی ان يؤيّدک فی کل الشئون علی خدمة احبّائه في هذا العالم

الامکانی فاستبشر بهذا الدّعآء الذی يتلوه عبدالبهآء بهذا الاثنآء ليقربّک

ربّک الی ملکوته الابهی و عليک التحيّة و الثنآء ع ع مقابله شد

خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

\* ص396 \*

فارس شيراز بواسطهٴ حضرت افنان سدرهٴ مبارکه آقاميرزابزرگ

جناب آقاعلی محمّد عليه بهآءالله الابهی

هوالله

اي بندهٴ آستان مقدّس آنچه نگاشتی ملاحظه گرديد و بر تفصيل اطلاع حاصل شد هفت

وادی بحهت سير و سلوک نازل شده و سير و سلوک بسيار محبوب اگر اهل فقر عبارت از

نفوسی باشند که در اين وادی سلوک نمايند و باين اخلاق متخلق شوند روش راستان

گيرند و سلوک آزادگان جويند هر نام که عنوان گردد ضرّی ندارد درويش که از قلم

اعلی تحرير يافت معنيش فحوای رسالهٴ سلوکست و بسيار مقبول ولی جمعی الآن در

اين جهانند و بظاهر و باطن سرگشته و پريشان و مهمل و معطّل و بار گران بر سائر

ناس بصنعتی مشغول نشوند و بکار و کسبی مألوف نگردند و خود را از آزادگان

شمرند و حال آنکه از برای توت شمران و فواکه تويسرکان و موسم خرمای عربستان

دويست فرسخ طی نمايند اينگونه نفوس مهمله البتّه مقبول نه زيرا هر نفسی بايد

کاری و کسبی و صنعتی پيش گيرد تا او بار ديگران را حمل نمايد نه اينکه خود حمل

ثقيل شود و مانن علت کابوس مستولی گردد بری سير و سلوک در وادی عشق و محبّت

الله بسيار محبوب و ذکر حق مقبول و از شدّت فرح و سرور غزلخوانی و نغمه‌سرائی

مطلوب و مادون آن اوهام و عيوب وعليک التحيّة و الثنآء ع ع مقابله شد

٤٤٢ خط کاتب و مهر و امضآء مبارک

\* ص397 \*

# هوالله

\* ای دوست حقيقی بعضی از دوستان که حال صفت درويشی را بهانه نموده‌اند در گوشه و کنار و کوچه و بازار برمز و اشاره بستايش جمال قدم مشغول و بتشويق ناس مألوف غزلخوانی نمايند و نغمهٴ روحانی سرايند اين نفوس من بعد ترک اين وضع خواهند نمود ولی حال سبب تشويق ناسست کسی نبايد تعرّض بآنان کند ولی اگر چنانچه پرسه زنی کند اين بسيار مذموم است و مخالف دين الله و منافی استغنا و سبب ذل امرالله ع ع مقابله شد

\* آخر لوح نمره ٤٤٢ اين پنج سطر خط مبارکست

فارس شيراز بواسطهٴ حضرت افنان سدرهٴ مبارکه آقاميرزابزرگ

جناب آقاعلی محمّد عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای سمّی حضرت اعلی چون باين اسم مبارک تسميه گشتی بايد بهره و نصيبی از فيض او

جوئی و مانند پروانه حول شمع روشن ملاء اعلی بال و پر بسوزی آن سراج هدی جمال

ابهيست که در ملاء اعلی ساطع بر آفاق است حضرت اعلی روحی و ذاتی له الفدآء

ملاحظه نما که چگونه جان بآن سراج وهاج باخت و عاشقان را بجان فشانی و قربانی

دلالت و هدايت فرمود روحی و کينونتی و ذاتی و حقيقتی و هويّتی و سرّ و علانيتی

لقطره من دمه المطهّر الفدآء و عليک التحيّة و الثنآء ع ع مقابله شد

٤٤٣ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

\* ص398 \*

بواسطهٴ جناب بشير الهی

جناب ميرزا محمّد علی منشی عليه بهآءالله الابهی

هوالله

ای بندهٴ درگاه بها نامهٴ شما ملاحظه گرديد و بآستان مقدّس جمال قدم و اسم اعظم عجز و زاری گرديد که تأئيدی جديد رسد و شفای عاجل حاصل گردد و دلبر آرزو در نهايت صباحت و ملاحت جلوه نمايد و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

ربّ ايدّک عبدک المنشی علی انشآء آيات حبّک فی عالم الانشآء ع ع مقابله شد

٤٤٤ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

٩

بمبای جناب آقاميرزاعلی محمّدخان شيرازی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي ثابت بر پيمان نامهٴ شما رسيد و از مضمون معلوم گرديد که اين سفر با ثمر بوده

زيرا نفسی از آزادگان هندوستان را از قيد احتجاب آزاد نمودی و سبب بينائی و

حيات ابديهٴ او گرديدی حضرت رسول علیه الصلوة و السلام ميفرمايد يا علی لأن

يهدی الله بک نفساً خير لک من خيرالنعم مقصود اينست اگر نفسی را هدايت نمائی

بهتر از آن است که

\* ص399 \*

نهايت ثروت و نعمت و غنا يابی حال الحمدلله تو بآن فائز گرديدی و اميدوارم که موفّق بهدايت ديگران شوی نامه‌ئی در جواب سعيدالحسن خان مرقوم گرديد در جوف است برسانيد و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد ٤٤٥ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

طهران بواسطهٴ حضرت اديب

جناب آقاميرزا علی محمّد شيرازی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ربّ ربّ ترانی انّ صلاتی و نسکی لک يا ملجئی و ملاذی انّی ابتهل اليک متضرّعاً

بعتبته رحمانيّتک و متبتّلاً الی ملکوت ربّانيّک ان تشمل عبدک الصادق لحظات عين

عنايتک و تختصه برحمتک و تؤيده بموهبتک ربّ قد ضاق من الشدّة ذرعاً و اشتدّت

عليه الازمّة فقراً و ابتلی بالضرآء بعد السرّآء والضيق بعد الرّخآء و ليس

له صبر علی هذا البلآء فافتح عليه ابواب السمآء و ارزقه برحمتک من النّعمآء و

بدّل عسره باليسر و الغنا و ارفع درجته بين الامرآء و اجعله آية موهبتک الکبری

بين الوری حتّی يحسده القرنا و نيسّر به الاقرباء انّک انت المقتدرالمعطی الکريم

الوهاب ای يار مهربان نامه های متعدّده ارسال نمودی ولی فرصت جواب نشد از فقر

منال و بتوانگری مبال و از عسرت در معيشت محزون مباش و از تنگی

\* ص400\*

دست دلخون مگرد اياميست در گذراست و حياتست بی اثر و ثمر مگر

نفوسي که بنفس رحمان زنده گردند و قلوبي که بذکر حق مشغول شوند و حيات ابديّه

يابند و موهبت سرمديّه جويند الطاف ربّانی بينند عواطف سبحانی مشاهده نمايند

آيات هدی ترتيل نمايند تأئيد ملاء اعلی ملاحظه فرمايند اين نفوس بزرگوار و

بموهبت پروردگار باقی و برقرار خواه غنی باشند و خواه فقير خواه اسير باشند و

خواه امير ولی در حقّ شما دعا نمودم تا اين ضيق را وسعتی و اين تنگی را گشايشی

حاصل گردد اميدوارم که ابواب برکت مفتوح شود و دل و جان مسرور و مشروح شود

وعليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

٤٤٦ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

٩

بواسطهٴ جناب آقاميرزامحرم

هندوستان جناب آقاميرزا علی محمد شيرازی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای بندهٴ حقّ نامهٴ شما رسيد نافهٴ مشکباربود که مشام جان را معطّر کرد زيرا

دليل بر عبوديّت صرفهٴ درگاه الهی و برهان روح و ريحان جان و وجدان بنسيم

جانپرور حدائق رحمانی بود مطمئن بالطاف حضرت بديع الاوصاف باش زيرا عنايتش شامل

است و الطافش محيط

\* ص401\*

بر عالم آفرينش تا توانی از عالم نفس و هوی بيزار شو و بملاء اعلی دمساز و همراز گرد تا از فيوضات ملکوت ابهی نصيب بری و سبب هدايت جمّی غفير گردی وعليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد ٤٤٧ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

٩

بوشهر ادارهٴ گمرک جناب ميرزاعلی محمّد شيرازی عليه بهآءالله الابهی

٤٤٨ خط مبارک

# هوالله

ای بندهٴ ثابت حق نامه که بآقاسيداسدالله مرقوم نموده بوديد ملاحظه گرديد

آقا سيداسدالله بتبليغ رفته مطمئن بعنايات خاصهٴ الهيّه باش و از وقايع حادثه

محزون مگرد امّا مجلس فرض نيست مقصود خدمت بامرالله است و آن بحسن سلوک و حسن

آميزش و گفتگوی شيرين و مهربانی حقيقی بهتر حاصل ميگردد و اگر چنانچه احبّا

مجلس مينمايند بايد بسيار خفی و پنهان باشد تا ضوضآء بلند نگردد زيرا ناس

ضعيفند بايد مدارا کرد عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

بمبائی بواسطهٴ جناب آقاميرزاعلی محمّد شيرازی زائر

شيراز جناب يحيی خان و جناب آقاعلی اکبر خيّاط عليهما بهآءالله ابهی

# هوالله

ای دو بندهٴ آستان الهی الطاف نامتناهی شامل گشت تا حامل امانت عظمای الهی

گرديديد و آن

\* ص402\*

و آن محبّت دلبر آفاق است فيضی در عالم وجود اعظم از حب نيست اينست آيت کبری

اينست امانت عظمی ولی چون شرائط و شواهد آن بسيار عظيمست لهذا جميع کائنات

تحمّل آن نداشت و استعداد و قابليّت ظهور آن را نيافت لهذا از حمل آن عاجز و قاصر

بود اين موهبت تخصيص بعالم انسان يافت اگر چنانکه بايد و شايد شرايط و شواهد در

نفسی تحقّق يابد فتبارک الله احسن الخالقين ظاهر و آشکار گردد و عليکما البهآءالابهی ع ع مقابله شد ٤٤٩ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

٩

بمبائی بواسطهٴ جناب آقاميرزا علی محمّد شيرازی زائر

امة الله ضجيع محترمهٴ ايشان عليها بهآءالله الابهی

# هوالله

ای امة الله قرين عزيز بارض مقدّس حاضر گشت و بزيارت تربت مبارکه مشرف گرديد در اين بقعهٴ نورآء ذکر تو نمود و رجای تحرير اين نامه فرمود بايد از او در نهايت رضايت باشی که در چنين موقعی ارض مقدّسی بياد و ذکر تو افتاد و در روضهٴ مبارکه تمنّای الطاف از حضرت بديع الاوصاف نمود در عالم وجود محبّت و رعايتی اعظم از اين ممکن نه و عليک البهآء الابهی ع‌ع مقابله شد

٤٥٠ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

\* ص403\*

بواسطهٴ جناب ميرزاعلی محمّد خان شيرازی

جناب سعيدالحسن خان عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای سعيد دو جهان شکّر شکن شوند همه طوطيان هند زين قند پارسی که به بنگاله

ميرود حمد کن خدارا که تو از آن طوطيان شکر شکن شدی و از مرغان خوش الحان اين

گلزار و چمن سبحان الله گوش شنوا از هزار فرسنگ ندای الهی بشنود و در باختر

چشم بينا انوار مشرقّه از خاور مشاهده نمايد ولی نابينا در نفس شرق پرتو نيّر

اشراق نه‌بيند و گوش ناشنوا در گلشن وفا نغمهٴ بلبل معانی نشنود و آهنگ ملاء

اعلی استماع ننمايد پس حمد خدارا که نور هدی مشاهده نمودی و گلبانگ بلبل معانی

استماع نمودی و ندای الست را بجان و دل بلی گفتی و باين موهبت کبری فائز گشتی از

لطف خدا اميدم چنين است که سراج هدی گردی و جمعی را از خويش و بيگانه و يار و

اغيار بملکوت اسرار هدايت فرمائی و يقين بدان که تأئيد و توفيق پياپی رسد وعليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

٤٥١ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

\* ص404\*

شيراز جناب آقاميرزافضل الله خان عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي ثابت بر پيمان نامهٴ شما رسيد هر چند مختصر بود ولی مخابرات قلوب مفصّل است

پيک روحانی و قاصد وجدانی متصّل در عبور و مرور الحمدلله که ياران شيراز بدرگاه

احديّت پر عجز و نيازند و با يکديگر محرم و دمساز از اين جهت هيچ خبر مکدّری از

آن کشور نميرسد و احساسات قلوب بايد روزبروز کاشف کروب گردد در جميع اوقات

حکمت را منظور بداريد زيرا غزالان برّ وحدت را کلابی در کمينند که بلکه فرصتی

يابند و دست تطاول بگشايند اميدم چنانست که ياران در صون حمايت رحمن محفوظ و

مصون مانند مدّتی پيش نامه از شما رسيد و جواب مرقوم گرديد و وصول هديه نگاشته

شد حال نيز آنچه ارسال نموده بوديد وصول يافت وعليک البهآءالابهی ١٩ سبتمبر

١٩٢٠ حيفا عبدالبهآءعبّاس مقابله شد

٤٥٢ خط کاتب امضآءمبارک

هوالله

جناب آقامحمّد باقر کوهنجانی عليه بهآءالله الابهی

هوالله

ای مشتعل بآتش محبّت الله شعله ئی در آن مجمر زن تا بوی خوش عود و عنبر

مشام سکّان آن کشور را معطّر نمايد شب و روز در تهذيب اخلاق و تقديس نفوس اهل

وفاق و نصيحت معشر آفاق و تثبيت

\* ص405\*

ميثاق بکوش تا از سروش ملکوت غيب الهی ندای وابشری شنوی و چنان بجوش و خروش

آئی که خروس سحری گردی و بانگ حيّ علی الصلاح حيّ علی الفلاح حيّ علی النجاح

در صباح ميثاق برآری والبهآء عليک و علی احبّآءالله ع ع مقابله شد ٤٥٣ خط مبارک

لوح امنع اقدس ذيل که ظاهراً در ايّام توقّف حضرت مولی‌الوری عبدالبهآء روح ما

سواه فداه در قطر مصر بافتخار احبّآء فارس نازل گرديده و بحکمت بالغه در آن

ايّام ارسال و عنايت نگرديده و ناتمام هم هست در اين اواخر در بين اوراق و

نوشته‌جات مبارک پيدا شده و توّسط حضرت بشير الهی عليه بهآءالله ايفاد شيراز

گرديده است و اينک عيناً طبع و انتشار ميیابد محفل روحانی شيراز

شيراز بواسطهٴ جناب قاسمعلی فاروقی

احبّای الهی عموماً عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ياران عزيز عبدالبهآء جناب فاروقی بعد از زيارت عتبهٴ مقدّسه و طواف مطاف

ملأاعلی ذهاباً و اياباً وارد بر عبدالبها شد و ايّامی چند مونس و انيس بود و در

نهايت تبتّل بملکوت ابهی و تضرّع بملاء اعلی بود و ياران الهی را يک يک بخاطر

آورد و با دلی پر درد جميع را فرداً فرداً نامهٴ مخصوص مطالبه کرد و با چشمی

اشکبار اصرار نمود ولی عبدالبها را نه دمی سکون و نه آنی قرار

\* ص406\*

و فرصتی ابداً در کار ندارد اگر اوقات خويش را بجزء لايتجزّی تقسيم نمايد و

هر جزئی را بمخاطبه و مکاتبۀ گروهی تخصيص کند باز از عهده بر نيايد الحمدلله

بهائيان در شرق و غرب مانند دريا موج زنند اقلاً ده فوج کاتب لازم تا تواند جواب

رسائل ايشان را کماهوحقّه بنگارد در اين صورت خواهش هر زائر بتمامه مجری داشتن از

قبيل ممتنعاتست لهذا شرمسارم و بخجلت و حيا گرفتار که بچه زبان بجناب فاروقی

بيان اعتذار کنم چاره ئی جز اين نديدم که يک نامهٴ مفصّل بجميع ياران نگارم تا

اين نامه نسخ متعدّده نموده بهر يک از يارن نسخه‌ئی تقديم نمايند چاره اکنون آب و

روغن کردنست مثلی است مشهور القليل يدّل علی الکثير و القطرة تدّل علی الغدير

باری در اين ايّام که نار موقدهٴ الهيّه شعله بآفاق زده و پرتو اشراق شرق و

غرب را روشن نموده و نفوذ کلمة الله ذوی العقول را حيران کرده و امرالله احاطهٴ

کبری يافته و خوف و خطری نمانده مدّعيان فرصت يافته و مرد ميدان گشته خواموشان

زاويهٴ نسيان و خفّاشان خائف هراسان که بر رؤس منابر در اصفهان و طهران تبرّی

از حضرت اعلی روحی له الفدآء نمودند بيرون دويده‌اند و ادعّای اصالت مينمايند و

بيخبرانی چند را خفيّاً اقناع نموده‌اند و بالقآء شبهات پرداختند در سِرّ سِرّ

پاپی اين و آنند که هر يک را بوسيله ئی از صراط مستقيم بگردانند و يا اذيّتی

برسانند رئيس قوم را جميع آشنا و بيگانه ميدانند که در ايّام خطر بلباس درويشی

\* ص407\*

بهر بوم و بر سفر ميکرد و در رهگذر کشکول بدست شيئاً لله ميگفت وقتيکه حکايت

صادق و ناصرالدين شاه شد جميع احباب را در تحت شمشير و زنجير در بلوك نور گذاشت

و خود فوراً فرار بمازندران و نور نمود و رشتهٴ بر سر بست و پوست درويشی در بر و

نام خويش درويش علی نهاد و در کوه و دشت سرگردان بود تا آنکه جمال قدم نفی و

سرگون بعراق عرب گرديد او نيز از پی ببغداد بپناه مبارک سفر کرد ولی مخفی و خائف

از جميع بشر پی جمال مبارک سفر بکردستان فرمودند و در ايّام غيبوبت اسم اعظم

جميع ياران عراق و ايران از قدمای احباب ميدانند که گاهی در صفحات سوق‌الشيوخ و

بصره بلباس تبديل سفر مينمود و نام او حاجی علی بود و دسته ئی از کفشهای عرب در

دست داشت و مشهور بحاجی علی کفش فروش گرديد بعد بنجف شتافت و در آنجا لاص خريد و بلاص فروش مشهور گشت حتّی بلباس عرب بود و اسم ايرانی را از خود سلب نمود و

بکلی در آن دوسال غيبوبت جمال مبارک نام و نشانی از امر نماند و بعد از شهادت

حضرت اعلی و غيبت حضرت مقصود آن غيرحصور همتّی مشکور نمود که حتّی غيور بغدادی

مشهور از آن عمل منفور بود و آن اينست که بعد از شهادت کبری ازدواج بحرم حضرت

اعلی امّ المؤمنين که بصريح بيان حرام بر جميع است نمود و چون مطبوع طبع نيفتاد

کفايت باين تحقير نگشت بلکه آن محترمه يعنی خواهر ملا رجبعلی حرم حضرت اعلی

بسيّد محمد اصفهانی احسان شد

\* ص408\*

احسان شد اين بود همّت و اقتدار و قوّت و اشتهار او که شب و روز بتعدّد زوجات

اشتغال گرديد و جمع بين الاختين شد و خواهر ميرزانصرالله تفرشی بعقد و نکاح آمد

و والدهٴ ميرزا احمد نيز زوجهٴ مشروعه بود و به بنت عربی نيز اقتران حاصل گشت و

تجاوز از نصّ صريح بيان گرديد اين تزوّجات متعدّدهٴ بغداد است ماعدای زوجات

طهران و مازندران اگر تحقيق شود اين بيت واضح و مشهود گردد آفتی بود آن شکار

افکن کزين صحرا گذشت ما شرح و بسط در اين خصوص ننمائيم مقصود اينست که سيّد حصور

اجرای چنين امور مخالف نصّ قاطع ربّ غفور فرمود و شب و روز باين امر موهوم

مشغول بود يالِله در اينمدّت چه نصرتی شد و چه خدمتی بامر حضرت اعلی گشت آيا

يکنفس هست که بگويد او مرا تبليغ نمود يا آنکه در مدّت چهل سال در قبريس توانست

که نفسی را هدايت نمايد بلکه از تربيت اطفال خويش عاجز ماند ديگر آيا عجزی اعظم

از اين ميشود يدعون من دون الله مالاينفعهم و مالايضرّهم لبئس المولی و لبئس العشير جمال

مبارک وقتي که از کردستان مراجعت فرمودند در ايران ياران عدّتی معدود بودند و

عراق منجمد و مخمود نه صدائی نه ندائی و اگر نفسی در اطراف بود در نهايت يأس و

خوف و حذر بود ولی اسم اعظم

\* ص409\*

محض ورود ببغداد در را گشودند و صلای عمومی زدند ندای الهی بلند شد و صيت

امرالله در اطراف منتشر گشت رؤسا و علمای جميع ملل شب و روز در محضر حاضر و

سئوال و جواب مستمّر و جميع بقناعت از جواب معترف تا کار بجائی رسيد که خوف و

هراس ناصرالدين شاه را بيصبر و قرار نمود و بجميع وسائل تشبّث کرد و بخّط خويش

بسلطان عبدالعزيز نامه نوشت و رجای نفی جمال مبارک از بعداد کرد که ايران در خطر

است و حکومت پر حذر و عاقبت ضرر بهر دو دولت رسد اين بود که فرمان عبدالعزيز

وارد و قرار بر سفر جمال مبارک گرديد باوجود آنکه مسئلهٴ نفی و سرگون بود ولی در

نهايت اقتدار بباغ نجيب پاشا نقل مکان فرمودند و دوازده روز در آنجا بقسمی

امرالله اعتلا يافت و والی نامق پاشا و جميع ارکان اردو و ولايت و علمای مملکت و

وجهای ملت شب و روز بزيارت ميامدند و مشرّف ميشدند و حال آنکه بظاهر سرگونی بود

ولی از نفوذ امرالله در آن ايّام معدوده و علو کلمة الله و انتشار نفحات

الله آن ايّام چنان بسرور و حبور گذشت که عيد رضوان شد و بکمال اقتدار حرکت

فرمودند و جميع خلق عراق گواه و شاهدند امّا حضرت حصور با لباس درويشی با ظاهر

نامی عرب گاهی سفر هند خواستند و گاهی مسافرت بممالک مصر انديشه نمودند نهايت خبر

فرستادند که من بعد از رفتن شما خائفم لهذا پيش از شما بموصل شتابم و در آنجا منتظر

\* ص410\*

منتظر هستم و چون در آن اوقات شهرت داشت که جمال مبارک و جميع احبّا را در کرکوک

که ميانهٴ بغداد و موصل است و نزديکی حدود عجم تسليم بدولت ايران خواهند نمود

لهذا شخص معلوم ميفرمود که من در موصل بشما ملحق خواهم شد زيرا ملاحظه مينمود که

هر واقعه‌ئی واقع شود پيش از موصل خواهد شد باری چون بموصل رسيديم در کنار دجله

سراپرده بلند شد و بزرگان موصل از مأمورين و غيره دسته دسته بحضور مبارک مشرّف

ميشدند نيمهٴ شب ظاهر عرب مذکور آمد که جناب معلوم در خانی بيرون شهر منزل و مأوی دارد

و با يکی ملاقات خواهد جناب آقاميرزا موسای عمو نيم شب رفتند و او را ملاقات

کردند سئوال از اهل و عيال خويش کرد گفتند که همراهند و خيمه‌ئی مخصوص آنها

گرديده اگر ميل داريد بيائيد گفت من ابداً مصلحت خويش را در اين نمی بينم ولی

قافله‌ئی موجود که با شما حرکت خواهند کرد من در ميان آن قافله هستم تا آنکه

بديار بکر رسيد و بر همين منوال رشتهٴ سياهی در سر و کشکولی در دست و در ميان

قافله معاشر و مجالس ترک و عرب بود چون بديار بکر رسيديم خبر فرستاد که من شبها

نزد متعلقين خويش خواهم آمد و صبح باز مراجعت بقافله نمايم آن نيز مجری شد و

چون حاجی سيّد محمّد او را ميشناخت ديده و دريافت و بعنواني که اين درويشی است

ايرانی و آشنای منست ملاقات نمود ولی ساير احباب

\* ص411\*

چون او را نديده بودند اوّل نشناختند تا آنکه در ميان او و سيّد محمّد نزاعی

حاصل گشت و جناب حصور در حضور احبّا که الان هستند آمد و شکايت از سيّد محمّد

نمود چون سيّد محمّد حضور يافت عرض کرد در مسئله‌ئی ميان من و او اختلافست او

ميگويد که مرآت هميشه روشنست من ميگويم ميشود که مرآت محتجب از شمس گردد تا

مقابل است روشن است و چون منحرف گردد تاريک شود بعد جمال مبارک سيّد محمّد را

خبر فرمودند که چرا نزاع و جدال ميکنی و در اين خيل ابرار منازعه بر پا مينمائی

بعد در کمال اقتدار موکب رحمانی وارد مقرّ سریر سلطانی گردی در نهايت استغنا حرکت

شد اسم اعظم ابداً بوزراو وکلا ملاقات نفرمودند و اعتنائی نکردند

مقابله شد

٤٥٤ خط مبارک

هوالله

حيفا جناب ميرزاحيدرعلی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای يار مهربان حضرات فارسيان و فاروقی عازم سمت مقصودند تا روی و موی بتراب

تربت پاک معطّر نمايند در حقّ ايشان رعايت محبّت طبيعی مجری خواهيد فرمود ولی

اقامت زياد لزوم ندارد زيرا بايد مراجعت نمايند جناب آقامحمّدحسن و سائر احباب را

تحيّت مشتاقانه برسانيد و عليکم البهآء الابهی ع ع مقابله شد

٤٥٥ خط مبارک

\* ص412\*

شيراز بواسطهٴ حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاسيد حسين

جناب قاسمعلی فاروقی عليه بهآءالله

# هوالله

ای فاروقی الحمدلله حق را از باطل فارقی و در بوستان محبّت الله نخلی باسق

و در محفل محبّت الله شمعی بارق لهذا همواره پيش منی و بزيارت آستان مقدّس فی

الحقيقه فائزی زيرا جان و دلت در اينجاست روحت در پرواز و هميشه در سوز و گداز

طوبی لک من هذه الحالة يختّص بها من يشآء ربّ السموات العلی و عليک البهآء

الابهی ع ع مقابله شد

٤٥٦ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

واشنگتن جناب مستر ريمی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای جوان نورانی و عزيز روحانی من نامهٴ تو رسيد و از قرائتش چنان مسرّتی

حاصل شد که وصف نتوانم زيرا دليل بر علو فطرت و قوّت همّت و خلوص نيّت تو است

عبدالبها را سرور باينگونه امور است اگر جميع لذائذ جسمانی جمع شود بخاطر

عبدالبهآء خطور ننمايد که راحت و لذّتی در جهان هست ولی چون نفحهٴ مشکباری از

گلشن قلوب ياران بمشام برسد چنان فرحی دست دهد که بی اختيار بشکرانهٴ جمال مبارک

پردازد که چنين بندگانی

\* ص413\*

تربيت فرموده است باری از نامهٴ شما بی نهايت مسرورم اين فکر شما بسيار موافق

اميدوارم که يک اهتزاز جديدی در قلوب احبّا حاصل گردد و ثبوت و استقامتی عظيم

حصول يابد و سبب هدايت ديگران شود پس با قوّتی رحمانی و عزم و اراده ئی آسمانی

و لسانی ناطق و قلبی سرشار از محبت الله الواح را بدست گير و بجميع ديار سفر کن

حتّی بجزائر هونولولو در جميع شهرهای امريک سفر نما و جميع را بر ثبوت بر ميثاق

بخوان و جميع را از بادهٴ ميثاق سرمست کن و بنشر نفحات الله دلالت نما فرياد يا

بهآءالابهی بلند کن و نعرهٴ يا علی الاعلی بزن و ياران را بيدار کن که امتحانی

عنقريب بميان آيد شايد نفوسی ظاهر ثابت و باطن مذبذب بان صفحات رود تا ياران را در

ميثاق الهی سست کند بيدار باشند هوشيار باشند بمجرّد اثر نقض کناره گيرند شب و

روز بکوشند تا انوار ملکوت ابهی جهانگير گردد و ظلمات ضلالت بکلی زائل شود

جميع را تحيّت ابدع ابهی ابلاغ دار علی الخصوص امة الله مسس پارسنز و امة الله

مسس ديکسن و امة الله مسس هنن و امة الله مسس هنی و ساير احبّای الهی و

امآء رحمن را و عليک البهآء الابهی عبدالبهآءعبّاس

Abdul Baha abbas

٤٥٧ خط کاتب امضآءمبارک

\* ص414\*

بواسطهٴ‌جناب قابل

فاروق جناب آقا قاسم علی و جناب آقامنصور عليهما بهآءالله الابهی

هوالله

ای بندهٴ با وفای جمال ابهی مدّتی بود که از فاروق **-----** مشاهده نشده بود تا

در اين ايّام يکی از ياران ستايشی از دوستان آنسامان نمود سبب سرور و حبور گشت و

صدور اين نامهٴ مشكور و اميد است كه رقّ منشور گردد يعني آن دو بندهٴ پروردگار

را عنوان انجذاب شود و سبب قيام بر خدمت امرالله ايّام مانند اوهام ميگذرد و

حيات کل نفوس ساقط النتيجه ميشود ملاحظه کنيد که هيچيک از ملوک و مملوک را

نتيجهٴ حيات باقی لاوالله مگر نفوسيکه در ظل ملک الملوک آيند و دامن بآلايش

اين جهان فانی نيالايند و در سايهٴ درخت اميد بياسايند محفل محبّت الله

بيارايند و سرمست صهبای معرفت الله گردند و در نشر نفحات الله کوشند و باعلآء

کلمة الله بپردازند اين نفوس از حيات خويش بهره و نصيب گيرند و نتيجه تحصيل

نمايند آثار باهره در ملک و ملکوت بگذارند و بحيات ابديّه سرمديّه موفّق و مؤيد

شوند پس ای ياران عزيز مياسائيد و ميارميد تا آنکه شعلهٴ نورانيّه بزنيد و روح

بآن کشور و اقليم ببخشيد تا علم مبين خافق گردد و نور بديع بارق

\* ص415\*

و شارق شود و عليکما التحيّة و الثنآء ع ع مقابله شد

٤٥٩ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

سطر اول لوح مبارک نمره ٤٥٩ جائی که خط قرمز کشيده شده اصل لوح يک کلمه همين جا

محو بود و معلوم نبود چه بود نوشته نشد

هوالابهی

ش حضرت افنان سدرهٴ منتهی جناب آقا سيّدحسين عليه بهآءالله الابهی

ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع الرفيع من السدرة الرحمانيّه جناب آقا سيّدهادی امناً و سالماً

واصل و در ظل آستان مقدّس مستريح و مرتاح و فائز از فضل حضرت يزدان اميد است که

توفيقات بر خدمت امرالله يابد اليوم افنان سدره بايد بجان و دل بکوشند و شب و

روز در تبتّل و تضرّع آيند که شايد تخم پاکی در اين مزرعهٴ عالم بپاشند تا

بفيوضات ابر بهمن ملکوت ذوالمنن آن خطّه و ديار سبز و خرّم گردد ربّ ايّد افنان

سدره فردانيّتک علی نشر نفحاتک و عبوق طيب فوحاتک و سطوع مسک جذباتک و شروق

انوار برکاتک و بزوغ کواکب مواهبک و حصول انطباق الملاء الادنی بصور ملکوتک

الابهی انّک انت المؤيّد والموفّق و المعطی الکريم الرحيم ع ع مقابله شد

\* ص416\* هوالله

حضرت افنان جناب آقاسيّدحسين عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

حضرت آقاسيد هادی در ظل عنايت جمال مبارک مستريح و از هر غائلهٴ فارغ و مطمئن

دعا در حق او نمائيد که بخدمت موفّق گردد و يوماً فيوماً در مراتب عبوديّت ترقّی

نمايد و ما بتربيت او مشغول و آنجناب بايد در جميع احوال ملاحظهٴ خدمات امرالله

را بنمائيد احبّای الهی را بسيار مراعات و ملاحظه فرمائيد علی الخصوص جناب

عندليب را که در آن ارض غريب است اليوم بايد افنان سدرهٴ منتهی بخدمت امر مشغول

گردند و خدمت امر درخدمت احبّآءالله است اين عبد بذاته و روحه و قلبه و جسده و

قلمه و لسانه بخدمت احبّای الهی مشغول ع ع

والدهٴ جناب آقاميرزا هادی را تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرمائيد و همچنين سائر

دوستان را و جميع ورقات را و از عدم فرصت بسرعت دو کلمه مرقوم گرديد ع ع

مقابله شد

٤٦٠ خط مبارک

هوالابهی

حضرت افنان جناب آقاسيدحسين عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی ايهّا الفرع المنجذب الی الاصل الکريم اگر چه اين مصيبت

٤٦١ خط مبارک

\* ص417\*

شديده بود و بليّه عظيمه در قلوب مشتاقان آتشی سوزان و اندوهی فراوان علی الخصوص

چون بمصيبتی اعظم تر توأم گشت و بحسرتی تازه منضم عبرات و زفرات و حسرات بمقامی

تتابع يافت که قلوب در سکرات افتاد بحر احزان هيجان نمود و انهار غم بی پايان

جريان يافت چشم حکم چشمه گرفت و جگر کانون اخگر ولی چون شمس حقيقت در سمآء

تقديس صعود نمود و نيّر اعظم بملکوت تفريد عروج اين نجوم زاهره نيز بصعود آن اوج

مقامات باهره منجذبند و اين اختران بافق ملکوت آسمان منعطف اجزاء متمائل مرکز

کلند و بلبلان مشتاق جمال گل بعد از صعود جمال قدم ممات حياتست و فنا حقيقت بقا

زندگانی اين حيات فانی هبوطست و هر اميدی وسيلهٴ اعظم قنوط اين عباد که بحسب

ظاهر باقی چه ثمر و چه فائده و چه نتيجه فتمّنوا الموت ان کنتم صادقين حکمش

بتمامه الآن نافذ و مجری والبهآء عليکم ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش حضرت افنان سدرهٴ منتهی جناب آقاسيد حسين افنان عليه بهآءالله الابهی

ملاحظه نمايند

ايهّا الفرع الرفيع من السدرة الربانيّه در شب و روز و صباح و مسآء بلکه در ظلمات ليال و اوساط نهار بدرگاه احديّت بهايت تضرع التماس مينمايم که خدايا اين نفوس

\* ص418\*

افنان سدرهٴ رحمانيت و فروع شجرهٴ فردانيّت هستند خدايا بنسائم جود و رحمتت و

نفحات تقديس و موهبتت و فيض سحاب لطف و مکرمت و حرارت آفتاب عنايتت سبز و خرّم

فرما ولکن هر موهبتی را قوّهٴ جاذبهٴ لازم و هر عنايتی را قوّهٴ طالبهٴ واجب

مغناطيس موهبت الهيّه در اين ايّام اشتغال بنشر نفحات الله است قسم بجمال قدم

که جسم تيرهٴ خاک نور پاک گردد و ظلمت شديد شعاع مبين شود عبدالبهآء ع

مقابله شد ٤٦٢ خط مبارک

هوالله

ش حضرت افنان سدرهٴ رحمانی جناب آقاسيد حسين عليه بهآءالله الابهی

ملاحظه نمايند

# هوالله

ايهّا الفرع الرفيع من السدرة الالهيّه چندیست که نظر بحکمت کليهٴ ابواب مکاتبه

را با کلّ جهات مقطوع نموده بوديم حال جناب ميرزا هادی حاضر و خواهش تحرير اين

نامه نمود لهذا مجبوراً مرقوم ميگردد جميع دوستان را تکبير ابدع ابهی ابلاغ

فرمائيد و کل را مشام بنفحات الهيّه معطّر نمائيد و بگوئيد ای ياران الهی و

دوستان معنوی وقت ثبوت و رسوخ بر عهد و پيمان الهی است و هنگام تمسّک و تشبّث

بحبل متين ميثاق رحمانی چه که جنود شبهات است که منتشر در جميع جهات است و

ناقضين سرّی در القای توهّمات و اليوم حامی ميثاق

\* ص419\*

نفس مبارک اسم اعظمست که از ملکوت غيب ابهايش بجنود لن تروها قاصم ظهور متزلزلين

است هر متزلزلی يوماً فيوماً باسفل جحيم سرنگون و هر ثابتی مؤيد بقبيل ملائکهٴ

حيّ قيّوم يک متزلزل سرّی در آن بلد موجود عنقريب خويش را در خسران مبين خواهد

يافت و هذا وعد غيرمکذوب مگر آنکه نادم و پشيمان گردد و توبه نمايد باری اليوم

ملاءاعلی حامی ثابتين است و جنود غضب جبروت اسمی قالع و قامع متزلزلين عنقريب

کل اين نفوس را از جميع جهات خائب و خاسر مشاهده خواهند نمود والبهآء علی کل

ثابت علی عهد الله و ميثاقه العظیم ع ع مقابله شد

٤٦٣ خط مبارک

هوالابهی

ايهّا الفرع المنشعب من السدرة المبارکه عليک بهآءالله و نوره و ضيآئه و نوّر وجهک بنضرة الرحمن فی قطب الامکان انّه علی کل شئی قدير جناب ميرزاهادی مدتّی بود در ظل سدرهٴ رحمانية ساکن و تحت لحاظ عنايت واقع و بکتابت آثار

الهيّه مشغول و سلوکش معقول و مقبول حال از ساحت مقرّ و مستقّر عرش اعظم مرّخص

شده بآن صفحات رجوع مينمايد ما از او راضی و خوشنوديم از الطاف عنايت الهیه

مستدعی هستم که او را موفّق برضای خود در جميع احيان نمايد و در کهف صون و

حمايتش حفظ فرمايد انّه لطيف حفيظ ای افنان دوحهٴ بقا و شاخه‌های سدرهٴ منتهی

زبان بدعا بگشائيد و عجز و ابتهال نمائيد و از ملکوت ابهی استمداد طلبيد

\* ص420\*

طلبيد و عون و توفيق جوئيد که فيوضات شمس حقيقت در جميع احيان نازل گردد و امطار

غمام عنايت هاطل و باغبان الهی تربيّت فرمايد تا اين فروع بهره‌ئی از الطاف اصول

برد و نصيبی از شئون شجرهٴ مبارکه يابد و آيتی از نير اعظم گردد از اين جهان فانی

بايد منقطع شد بلکه منخلع گشت تا جهان الهی رخ بگشايد و از اين سراب وهمی چشم

بايد پوشيد تا شراب معنوی از خمخانهٴ الهی بنوشاند حضرت اعلی روح ماسواه فداه

ميفرمايد لو تجعل الارض و من عليها فی ظلک فانک اذاً قد وفيت بعهدی و الا ذلک

لا ينبغی لله ربّک و ربّ ابائک الاوّلين ربّ وفّق هذا الافنون الکريم المنشعب

من شجرة وحدانيّتک علی رضآئک فی جميع الشئون و الاحوال انّک اتن الکريم العظيم

المتعال ع ع مقابله شد

٤٦٤ خط مبارک

هوالابهی

ش حضرت افنان جناب آقاسيد حسين عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ايهّاالفرع الکريم من الشجرة المبارکه در اين جهان فانی ملجأ و مأمنی مجو و

در اين خاکدان ترابی ملاذ و مسکنی مخواه اگر طير فردوس بقائی جو در حدائق الهی

آشيانه منما و اگر حمامهٴ رياض قدسی جز در گلشن رحمانی لانه مجو درسبيل جمال قدم

روحی لاحبّآئه فدا خار مغيلان را بستر پرند و پرنيان کن و در راه خدا سجن اعظم را

\* ص421\*

گلزار نسرين و سوسن بدان ثقل حديد را موهبت تأئيد ببين و زنجير و شمشير را

رحمت ربّ قدير ملاحظه نما زهر هلاهل را شهد فائق بدان و سمّ قتل را ثمر نخل باسق

ببين ای منتسب آن نور مبين ملاحظه فرما که آن جمال اعلی روحی له فدا در راه خدا

سينهٴ سينا را چگونه بهدف صدهزار تير بلا فرمود و ايّام را بچه مصائب و بلا

گذراند هر مشقّت و مصيبت و اسارت و مسجونی و شهادت را در محبّت حقّ بجان و دل

قبول فرمود والبهآء عليک ع ع مقابله شد ٤٦٥ خط مبارک

# هوالله

حضرت افنان کار جناب حاجی ميرزاحسن عليه بهآءالله بطول انجاميد البتّه زود

اتمام نمائيد و حضرات را حرکت دهيد منتسبين مقرّبترين درگاه احديّت در نزد اين

عبد بسيار عزيزند البتّه کمال احترام و رعايت مجری خواهد شد مطمئن باشند

وعليک البهآء ع ع مقابله شد

٤٦٦ خط و مهر مبارک

# هوالله

ای ثابت بر پيمان حضرت يزدان مدّتيست که نامهٴ مرقوم نگرديد و مکتوبی ارسال

نگشت اين از کثرت احزان و مشقّت بيپايان و هجوم ستمکاران و ايذاو اذيّت بی

وفايان است که فرصت نميدهند که کلمهٴ نگاشته شود ولی مکاتباتی که نهايت لزوم را

پيدا کند بهر قسم هست نوشته ميشود مقصود اينست که آنحضرت هميشه هميشه در نظريد ولو در مکاتبه فتور واقع گردد از عون و عنايت

\* ص422\*

جمال احديّت متوّقعم که در کل احيان در صون حمايت يزدان محفوظ باشيد و ورقهٴ

مبارکه امة الله والدهٴ آقاميرزا هادی را تکبير برسانيد ع ع مقابله شد ٤٦٧ خط مبارک

هوالله

ش حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزاحسين عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ايهّا الفرع المجيد من السدرة المبارکه اتضرّع و ابتهل الی الملکوت الابهی

والجبروت الاعلی ان يجعلک منقطعاً عمّا سوی الله و يهيأ لک من امرک رشدا و

يجعلک کقبسة نار ملتهبة بحرارة محبّت الله حتّی تنفق روحک و جسمک و مالک و عليک

فی سبيل الله الهی هذا فَنَن من افنان سدرة رحمانيّتک فاجعله خضِراً نضِراً رياّنا بفيض

وابل الانقطاع عن دونک و الابتهال اليک و الاشتعال بنار شجرة وحدانيّک اي ربّ

اجعله بکليّته مشغولاً بک و مشغوفاً بحبّک و متذکّراً بذکرک و منقطعاً عن دونک و

مستغيثا ببابک و لائذاً بجنابک انّک انت المقتدر العزيز القيّوم اليوم اعظم

امور اتحّاد و اتفّاق احبّی الهيست بهر وسيله باشد کل بايد در جميع احوال متحّد گردند ع ع مقابله شد

٤٦٨ خط مبارک

\* ص423\* هوالله

ش حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاسيّد حسين عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرع الرفيع من السدرة الرحمانيّه تالله الحّق انّ حوريّات القدس فی غرفات الفردوس اخرجن رؤوسهن من الحجرات و صدحن کالطيّور بمزامير آل داود و قلن ابشروا ايهّا الروحانيّون و استبشروا ايهّا الربانيّون افرحوا ايهّا النورانيّون سُروا ايهّاالثابتون الراسخون بنصرة ربّکم الرحمن و نزول جنود مولئکم الحی القيوم من ملکوته الابهی و جبروته الاسنی تالله قد خرقت الصوفوف و ارغمت

الانوف و تشتّت شمل الاحزاب و تفرّق جميع ملل الافاق و نبتت الاباهر فی جناح العقاب و نُسِلَ ريش الغراب واشتدّت الريح الذاريّه علی البعوض و الذبّاب قد سطح النور و انکشف ظلام الديجور و دارت کأس مزاجها کافور و ظهرت آيات يوم النشور و انتشرت اجنحة النسور و فتحت ابواب السرور و الثابتون فيما اشتهت انفسهم خالدون و يشکرون ربّهم بما آتاهم وهم فی جنّة الخلد داخلون و من نغمات ورقآء الاحديّة يستبشرون و بنعمة ربّهم يتلذذون ع ع مقابله شد

٤٦٩ خط مبارک

\* ص424\*

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاسيّدحسين عليه بهآءالله

# هوالله

ايهّا الفرع الرفيع من السدرة الرحمانيّه مدتيست اين خامه بآن حضرت نامه

ننگاشته سبب عدم فرصت و مهلت بوده والا همواره مرا آرزو چنانست که در هر روز

بافنان سدرهٴ مبارکه طوماری بنگارم و بيادشان مشغول و مألوف گردم و هر چند

بظاهر بخامه و مداد نپردازم ولی در قلب و فؤاد بياد شما همدم و همرازم آنی

فراموش نکنم و دمی نياسايم از خدا ميطلبم که جميع افنان سدرهٴ مبارکه را با

عبدالبهآء در عبوديّت آستان جليل رفيع شريک و سهيم فرمايد تا کل بجان و دل

خدمت نمائيم و عبادت کنيم راه عبوديّت پوئيم و رضای حق جوئيم و سرّ حقيقت گوئيم

انّ ربّی يهدی من يشآء علی مايشآء و انّه لهو القوی القدير در خصوص خانهٴ که

لانه و آشيانهٴ حضرت الفرع المقدّس الشهيد خال جليل جناب سيّدعلی روحی له

الفدآء مرقوم نموده بوديد آن خانه لانهٴ حمامه قدس بود مجاور مسقط رأس نيّر

ملأ اعلی نقطهٴ اولی روحی و ذاتی و کينونتی له الفدآء لهذا آن خانه از بقاع

مقدّسه محسوب و احترامش امر مفروض جناب فرع روحانی حضرت ميرزاعليمحمّدخان را از

قبل عبدالبهآء تحيّت مشتاقانه برسان و بگو اي فرع بديع بتمام همّت و رغبت و

اهميّت بکوش تا آن بيت معمور را از دست اغيار در آری و مشرق الاذکار ابرار نمائی

اگر واضح و آشکار سبب اغبرار و ضوضآء اشرار شود اين راز

\* ص425\*

را مستور و پنهان نمائيد و آن بيت محترم را از دست غير بربائيد و خفيّاً در آن

محفلی بيآرائيد و باذکار در اسحار و نماز و نياز در ابکار مشغول گرديد تا

بمبارکی اين عمل مبرور فضل موفور حاصل گردد و قلوب مشغول ذکر ربّ غفور گردد

فرحی رخ بگشايد و نشئه ئی در دماغ آيد که نار محبّت الله شعله شديد زند و شوری

دیگر در سرها اندازد چنانکه در سائر ديار مشرق الاذکار سبب فوران نار محبّت الله

شد شوق و شعفی عظيم در دلها انداخت و بشارتی الهيّه بجانها بخشيد ولی در شيراز

بايد نهايت حکمت و احتياط مجری گردد که ابداً اغيار اطّلاع نيابند حتّی در ميان

احباب محفل روحانی عنوان کنيد و اگر چنين نباشد اراذل قيام نمايند و سبب وحشت

قلوب شود حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب ميرزاابوالحسن را از قبل عبدالبهآء

تحيّت مشتاقانه برسان و بگو که همواره بياد تومشغوليم و بذکر تو مألوف

اميدواراز فضل پروردگاريم که همواره بنَفَس رحمانی مأنوس باشی و بنفحات قدس

ماًلوف سبب عزّت امرالله باشی و اسباب روح و ريحان ياران گردی و عليه التحيّة

و الثنآء ع ع مقابله شد

٤٧٠ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

هوالابهی

ای فرع سدرهٴ مبارکه باز از باختر بخاور باز گشتيم تا بآستان مقدّس در بقعهٴ

مبارکه فائز شويم باری هميشه در خاطر بوده و هستيد از الطاف جمال ابهی آرزو

نمايم که در نهايت روح

\* ص426\*

و ريحان مشتعلاً بنار محبّت الله بعبوديّت صميمی الهی موفّق شوی ورقهٴ

مبارکه والدهٴ آقاميرزاهادی را تحيّت ابدع ابهی ابلاغ داريد و همچنين جناب

آقا ميرزارحيمخان را عبدالبهآءعبّاس مقابله شد ٤٧١ خط مبارک

شيراز حضرت آقاميرزا محمّد حسين عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرع الرفيع من السدرة المبارکه نامهٴ شما رسيد الحمدلله دليل بر نشاط

و انبساط وجود شريف بود از الطاف بی منتهای حضرت احديّت ملتمس چنانم که همواره

در صون حمايت او محفوظ و مصون باشيد و امّا قضيّهٴ قطع علاقه از آن ديار و حضور

ببقعهٴ انوار حال سزاوار نه زيرا بايد درآن صفحات بخدمت امرالله مشغول باشيد

وقتش خواهد آمد الامور مرهونه باوقاتها هنوز از شيراز چنانکه بايد و شايد آهنگ

ملأاعلی بلند نشده هر وقت آن ساز و آواز در صوامع ملکوت گوش زد اهل راز گردد آن

اقليم باهتزاز آيد و صبح هدی چنان بدرخشد که ظلام ضلال بکلی متلاشی گردد و کار

درست شود ورقهٴ مبارکه والدهٴ محترمه را از قبل من تحيّت ابدع ابهی برسان و عليک البهآءالابهی عبدالبهآءعبّاس مقابله شد

٤٧٢ خط جاتب امضآء مبارک

\* ص427\*

شيراز جناب آقامحمّد حسين افنان جناب آقاميرزابزرگ جناب آقاميرزاحبيب‌الله افنان جناب حاجی ميرزا ضيآء افنان جناب شاهزاده محمّدباقرخان جناب‌ميرزا محمّد عليخان جناب آقاميرزاآقای طبيب جناب آقاشيخ آقای پيش نماز جناب شهريار وفادار جناب ميرزافضل الله خان جناب دکتر ضيآء عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ای نفوس مبارکهٴ مقرّب درگاه کبريا نامهٴ شما رسيد و از مضمون نهايت روح و

ريحان رخ داد زيرا بر ثبوت بر صراط مستقيم برهان مبين بود و بر اتحّاد و اتفّاق

بر عهد قويم دليل جليل الحمدلله ياران شيراز در اين سالهای جنگ براز و نياز

همراز بودند و همواره بالفت دمساز عبدالبهآء از خلوص نيّت و ثبوت و استقامت

ياران شيراز پر اهتزاز است و از ملکوت ابهی تأئيد و توفيق ميطلبد که در اين

ايّام شعلهٴ تازه بر افروزند و آهنگی بملأ اعلی رسانند نفوس را بوجد و طرب آرند

و مستمعين را بتعاليم الهيّه تربيّت نمايند بنورانيّت اخلاق و علويّت فطرت و

شدّت امانت و کثرت محبّت و مهربانی بعموم انسانی تبليغ امرالله نمايند و ترويج

دين الله کنند چندی پيش مکاتيبی بشيراز ارسال گرديد و بواسطهٴ جناب افنان سدرهٴ

مبارکه آقاميرزاحبيب الله طلب مغفرت از برای عموم متصاعدين احبّای شيراز گرديد

و نامهٴ بحضرت عندليب نگاشته شد و همچنين بچند نفر ديگر

\* ص428\*

اميدوارم که خبر وصول برسد و آن خطهٴ مبارکه موطن حضرت اعلی روحی له

الفداست اين عبد آرزو چنان که بهشت برين گردد و غبطهٴ روی زمين شود بنصّ صريح

ميفرمايد و نراکم من افقی الابهی و ننصر من قام علی نصرة امری بجنود من الملأ

اعلی و قبيل من الملائکة المقرّبين جند منصور در اين ظهور نفوسی هستند که

بقوّتی الهی و تأئيدی آسمانی و همّتی ربّانی و اطوار و رفتاری که سبب حيات

عالم انسانيست موفّقند اميدوارم که مرکز اين جند شيراز گردد ٢١ شعبان ١٣٣٧

الهی الهی هولآء عبادک المخاصون المنجذبون بنفحات قدسک المشتعلون بنار محبّتک

الناطقون بالثنآء عليک المبيّنون بحجّتک و برهانک المروّجون لدينک ابتهل اليک

و اسئلک ان تؤيدهم بما وعدتهم بتأئيدات صمدانيّتک و نصرة جنود ملأئک الاعلی

و قبيل المقرّبين ربّ نوّر وجوههم بنور لامع و عطّر مشامهم بطيب ساطع و اقرّ

اعينهم بمشاهدة آياتک و اسمع آذانهم ندآئک الاحلی من ملکوتک الابهی حتّی يکونوا

عونة لعبدک هذا فی نشر نفحاتک بين الوری و انّک لتعلم يا محبوبی انّنی احبّ

عبادک المخلصين فی ارض الشين و افديهم بروحی و نفسی و ابتهل اليک فی جنح

الليالی و بطون الاسحار ان تجعل هولآء الابرار سرجاً نورانيّة ساطعة

بالانوار انّک انت العزيز المختار انّک انت الکريم المتعال و عليکم

البهآء الابهی عبدالبهآء عبّاس مقابله شد

٤٧٣ خط کاتب امضآء مبارک

\* ص429\*

# هوالابهی

ايهّا الفرع العظيم من الشجرة المبارکه التّی اصلها ثابت فی الارض و فرعها فی

السمآء و انّها نطقت بانّنی انالله لااله الا انا قل ياعبادی ايّ فاعبدون

هر چند مسافت مابين صدهزار فرسنگ است و بسی کوه و دشت و دريا حائل و حاجز ولکن

در محفل انس حاضريد و در مجامع قدس موجود و ناظر و در انجمن ياران الهی ياد

احبّای معنوی شمع روشن است و ذکر و فکرشان در صحرای قلوب گلزار و گلشن پی بفضل

عظيم الهی مستبشر باش و بخلق کريم احبّايش مسرور و منشرح در دلها لانه و آشيانه

داری و در جانها خانه و کاشانه ديگر چه جوئی و چه خواهی بالطاف حضرت محبوب آفاق

مطمئن باش و بعنايات ملکوت ابهی مسرور و منبسط عنقريب نفحات تأئيد ميوزد و انوار

توحيد بدرخشد و شمع الهی برافروزد و قلوب زجاجهای انوار گردد و نفوس مطالع

اسرار هنالک يستبشر المخلصون والبهآء عليک ع ع مقابله شد

٤٧٤ خط مبارک

جناب علی اکبر

# هوالله

ربّ ايّد کل من توجّه الی مطلع وحدانيّتک بتأئيدات قدس رحمانيّتک و افتح عليه

ابواب البرکات من سائرالجهات انّک انت المقتدر العزيز الوهاب ع‌ع‌ مقابله شد

٤٧٥ خط مبارک

\* ص430\*

هوالابهی

ش جناب علی اکبر عليه بهاآءالله الابهی

# هوالابهی

هل سمع الندآء قد تزلزلت ارکان الملأ الاولی لمّا ارتفع الندآء من الملآء الاعلی و تری القوم سکاری من الراجفة التّی ارتجفت بها قوات الارض کلها و تتبعها رادفة کبری کانت امرّ و ادهی فزادوا اغراقا و انصعاقا الامن رحم ربّک فهم نالوا انتباها و زادوا يقظة و استبصارا فهم فی رياض العلم يرتعون و من عين التسنيم يشربون و فی ما اشتهت انفسهم خالدون والبهآء علی الذين هم الفائزون ع ع مقابله شد

هوالابهی

٤٧٦ خط مبارک

ش اخوان جناب آقا مرتضی الذی صعد الی الله جناب آقا غلام حسين و جناب آقا

محمّد کريم عليهما بهآءالله الابهی

# هوالله

الهی و مجيری تعاليت و تجللت بعزّة الوهيّتک و عظمة ربوبيّتک عن ثنآئی و

ثنآء کل شئی و تقدّست و تنزّهت بحقيقة احديّتک عن محامدی و نعوتی و نعوت کل

شئی فما احلی يا الهی فی موارد

\* ص431\*

العجز الاعتراف بالذّل و الانکسار و الاحتجاب عن العزّة و الاستکبار کفانی يا

الهی عجزی و فقری و ذلی و هوانی و فنائی و اضمحلالی و حسبی يا محبوبی الطافک و

احسانک و جودک و اکرامک اي رب اغنيتنی بفضلک القديم و جودک المبين و فيضک العظيم عمّا سواک بما هديتنی الی معين رحمانيتّک و اوردتنی علی شريعته فردانيّتک و

انزلتنی منزل صدقٍ بسلطان وهابيّتک و سقيتنی من کأس العطآء من يد ساقی عنايتک و

رزقتنی مائدة السمآء علی خوانِ موهبتک اي رّب لک الحمد علی ذلک و لک الشکر علی

هذه الموهبة التی اختصصت بها المخلصين من ارّقائک و يشهد روحی و ذاتی و

کينونتی بانّک اتممت علی الرحمة و اکملت علی النعمة و اسبغت علیّ العطآء و

اکثرت علیّ النعمآء ولکن يا الهی اتذّلل اليک و ابتهل بين يديک و اتضرّع الی

ملکوتک الابهی و اترّجی من سلطان جبروتک الاسمی ان تقدّر لی غاية منآئی و ما

هو جلآء بصری و صفآء قلبی و راحة روحی و اعظم فتوحی و مسرّة فؤادی و اکبر رشادی

و نور جبينی و افق مبينی و هو سفک دمی و انفاق روحی في سبيل محبّتک و احتراقی بنار

عذاب اعدائک فی سبيلک و ذلی و تبلبل جسمی علی التراب اشتياقاً الی ملکوت لقائک

ايرّب قدّر لی هذا المنی و اسقنی هذه الکأس الطافحة بصهبآء الالطاف

\* ص432\*

من فيض رحمتک الکبری و اطعمنی من هذه المائدة التی رزقت جمالک الاعلی و

توّج رأسی بهذا الاکليل الذی تتلئلأ جواهره الباهرة فی قطب العوالم کلها و اجعلنی من

عبادک المخلصين المستشهدين انّک انت الرّحمن الرحيم اي رّب هذان عبدان انتسبا

الی عبدک الذی انجذب بنفحات قدس احديّتک و اشتعل بنار محبّتک و اهتزّ من نسائم

التی هاجت من رياض معرفتک و استبشر بانوار سطعت من مشرق موهبتک وهام فی هيمآء

الشغف فی جمالک و توغّل فی صحرآء صاح و ناح فيه المشتاقون لزيارة طلعتک و ثمل

من کأس عطائک حتّی سرع الی مشهد الفدا فی سبيلک و رکض الی ميدان الفدا حبّاً

بجمالک و انفق روحه شوقاً الی لقآئک اي رب اجببت عليه السجن بسلطانک و جعلة

جنّة غنآء و روضة غُلبا له بقدرتک و برهانک و استقام فيه سنين متواليات تحت

السلاسل والاغلال المثقلات و هويستبشر بذلک و يتبهّج في کل ذلک الی ان ايدّته بفضلک

و جودک ان يتصاعد الی ملکوت قدسک فاخرجوه طفاة خلقک من قعر السجون الی فضآء

الفدآء فی سبيلک يا حّی یا قيّوم فخاطب و قال يا ايهّا الحاضرون لقتلی فی سبيل ربّی

المحبوب ليس لی شئی اهدی لکم لهذه البشارة التّی بشّرتمونی بها الا هذا

الغطآء لرأسی فاهديه لکم مقابلة لعرفکم فتظاهر بين الملاء کاسد الشّری و تطائر

فی السمآء توجّهاً الی الافق

\* ص433\*

الاعلی و صعد روحه الی الملکوت الابهی و جبروتک الاسمی طوبی اي ربّ هذان

المنتسبان اليه ايدّهما علی الثبوت علی عهدک و ميثاقک و وفّقها علی اطاعة امرک و

اخلصهما فی دينک انّک انت الکريم الحيم الوهّاب ع ع مقابله شد ٤٧٧ خط مبارک

جناب ميرزافتحعلی خان عليه بهآءالله

# هوالله

يا ابا الفتوح هنيئا لک هذا الصّبوح هر چند فتح ملوک خونريزی مملوکست لکن فتح

اهل بها سلوک در سبيل هدی و خدمت اصفيا و عبوديّت درگاه کبريا و تمشيّت مهام

امور و حسن نيّت و خيرخواهی جمهور الحمدلله شما موفّق بآن بشهادت عموم علی

الخصوص جناب خان بينهايت از شما شادمان و مسرور است حتّی عبدالبها از ستايش

ايشان آسايش دل و جان يافت که الحمدلله سروستان چنين سروی آزاد دارد و چنين

نفسی نفيس معدن عدل و داد و اميدم وطيد است که بهمّت آن يار روحانی احبّای رحمن

در نهايت روح و ريحان باشند و عليک البهآء الابهی ع ع مقابله شد

٤٧٨ خط کاتب مهر و امضآء مبارک

هوالله

اله کل بسيّد رسل انّا فتحنا لک فتحاً مبينا خطاب فرمود هر چند اين فتح در عالم رؤيا

بشارت داده

\* ص434\*

شده بود ولی چون تأخير افتاد بعضي را ترديد حاصل گشت و چون مکّه مفتوح شد ياران

مسرور شدند حال من نيز ترا فتوحی خواهم ربّانی رحمانی سبحانی کامرانی دو جهانی

ع ع مقابله شد

٤٧٨ سه سطر عقبه لوح خط مبارکست

هوالله

احبّای سروستان عليهم بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالله

ای ياران حقيقی چنديست خبری از شما نرسيد و صبح پيامی از آن جهت ندميد حضرت طير

حديقهٴ ملکوت جناب مرتضی روحی له الفدا را ملاحظه فرمائيد که چه نار موقدهٴ در

قطب آفاق بر افروخت که شعله‌اش تا دامنهٴ ملکوت ابهی رسيد و چنان پرتوی ساطع کرد

که آفاق کائنات را روشن کرد پس معلوم گرديد تا نسوزی نيفروزی و تا چون شمع

نگدازی جمع را روشن نسازی اي دوستان انصاف بايد بدهيم که در چه دوريم و در چه کور

در بحر الطاف الهيّه مستغرقيم چرا پر بشارت نباشيم و در ظلّ سدرهٴ رحمانيّه

آرميده‌ايم چرا پر مسرّت نگرديم بر کنز مخفی پی برديم چرا کيسه تهی گذاريم و در

سايهٴ آن سرو سهی در آمديم چرا بيچاره و منحنی مانيم لطف و عنايت حضرت مقصود

باهل سروستان زياد بود و لحظات عين عنايت شامل حال ايشان در جميع احيان اظهار

الطاف ميفرمودند و منتهی لطف

\* ص435\*

مبذول ميفرمودند ديگر چه غمی داريد و چه غصّه آنچه را ملاء مقرّبين آرزو

مينمودند شما بآن فائز گرديديد و هرچه را که اهل عليّين در حسرتش مردند شما

بآن محفوظ و مرزوق شديد جميع ملأ اعلی آرزوی يک خطاب جمال قدم را مينمودند که

بشرف اصغا فائز شوند شما از سدرهٴ سينا اين خطاب را اصغا نموديد و ندای الهی را

بسمع قبول استماع کرديد آيا ميدانيد این چه فیضی بود و ساکتید و آیا میدانید اين چه موهبتی بود و صامتيد مسرو باشيد و مستبشر گرديد ع ع مقابله شد ٤٧٩ خط مبارک

هوالابهی

جناب حيدرعلی سروستانی جناب علی اکبر سروستانی جناب علی سروستانی جناب

اسفنديار سروستانی جناب حسن سروستانی جناب ميرزاعليمحمّد سروستانی جناب علی

بابای سروستانی جناب ميرزا تاج الدين سروستانی جناب محمّد حسنخان سروستانی

عليهم بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

ای ياران الهی آنچه مرقوم نموده بوديد ملاحظه گرديد معانيش دال بر ثبوت بر عهد

و پيمان بود مبانيش مؤسس بر محبّت جمال بيمثال حقائقش رياض عرفان بود دقائقش

اشارات انجذابات جان و وجدان اي دوستان همّتی نمائيد که مظاهر توحيد گرديد و

مطالع اسرار تجريد

\* ص436\*

سُرُج لامعهٴ زجاجات امکان گرديد و نجوم ساطعهٴ مشرق ايقان خدّام آستان

مبارک شويد و خزّان کنوز عنايت آيات بيّنات کتاب مبين شويد و رايات شاهرات ظهور

عظيم نسائم رياض حدائق قدس گرديد و روائح معطرهٴ غياض انس مبشّر بالطاف جليلهٴ

ربّ قديم باشيد و مبلغ امر خداوند کريم اي دوستان وقت گلگشت بوستان الهي را از

دست ندهيد فرصت را غنيمت شمريد جهدی نمائيد که در اين جهان فانی شمع روشن جهان

جاودانی گرديد و گل گلشن عالم باقی اگر بخدمت امرالله کمر را محکم بنديد و

بکمال ثبوت و رسوخ بر ميثاق نيّر آفاق قيام نمائيد و از زوابع و اعصار امتحانات

و افتتانات شديده نلغزيد قسم بنور بهآء که هر يک آيت کبری گرديد و رايت

ملأ اعلی و البهآء عليکم يا احبّآءالله روحی لکم الفدا ع ع مقابله شد ٤٨٠ خط مبارک

استدعای طواف مطاف عالميان را نموده بوديد انشآءالله در وقتش اجازه خواهد داده

شد حال همّت را با جمال حکمت بر نشر نفحات الله بگماريد و در اين امر مهّم

بکوشيد چه که اليوم اين قضيّه مغناطيس تأئيد ملکوت است و جاذب الطاف اسم اعظم

از حيّز جبروت والهآء عليکم ع ع مقابله شد

\* ص437\*

جناب محمّد صادق بيگ و ملا سليمان و جناب عبدالله بيگ عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ياران روحانی گويند که نسر طائر در ا ين فلک با هر عبارت از سه ستارهٴ روشنست

حال از الطاف ذوالمنن ميطلبم که آن سه شخص محترم مانند آن سه نجوم از افق هدايت

درخشنده و روشن باشند جناب خان از محبّت و خلوص شما نهايت شکرانه مينمايد که فی‌الحقيقه بهائی پرستيد و خدّام هر سرمست پيمانه بدست ياران بايد چنين باشند که

يکديگر را بندهٴ کمترين گردند آئين وحدت عالم انسانی گيرند و بروش اهل عليّين

سلوک کنند الحمدلله شما چنينيد و عليکم البهآءالابهی ع ع مقابله شد

٤٨١ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

هوالله

سروستان جناب ميرزا فتحعليخان کلانتر عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای فتح بها رقّ منشورت وصول يافت و چون کأس طهور مورث سرور شد حمد خدارا که

موفّق بهدايت کبری گشتی و مؤيد بمنقبت عظمی از جام بشارت حضرت اعلی سرمست شدی

و از صهبای محبّت طلعت ابهی بوجد و طرب آمدی و در انجمن

\* ص438\*

عاشقان شمع روشن گشتی و از نفحات قدس رياض ميثاق مشام معطّر نمودی چون جبل

ثابتی و چون شجر نابت پس چون حلق در حلقهای زلف دلبر ابهی بدام افتاد با لب

خندان و پيرهن چاک و غزلخوان در قربانگاه عشق برقص درآ و فرياد واطوبی لی

واطربا لی واسرورا لی از جان و دل بر آر تا بشکرانهٴ آن فضل و عطا زبان بگشائی و

بوفا رسم جفا را از صفحهٴ کائنات براندازی و نفحهٴ خوشی بوزانی و جمع يارانرا

حصن حصين گردی و انجمن دوستانرا ملجأ امين شب و روز نار محبّت برافروزی و چون

شمع با چشمی اشکبار بنار محبّت الله بسوزی و تا از افروختن و سوختنت انوار بو

آن اقطار ساطع گردد و علم ميثاق بر آن آفاق موج زند از فضل و عنايت حق اميد است

که از اين نويد چون خورشيد بدرخشی و در آن ميدان فارس فريد گردی وعليک البهآء

ع ع مقابله شد

٤٨٢ خط کاتب مهر و امضآء مبارک

هوالله

سروستان احبّای الهی عليهم بهآءالله الابهی

# الله ابهی

ايدوستان سروستان جمال قديم حضرت نورمبين بياران آن اقليم کمال عنايت را داشتند

و چون چند نفر از آن ديار در يوم لقا حاضر شدند الطاف بينهايت فرمودند

\* ص439\*

و اظهار عنايت نمودند و چندي که در حضور بودند مورد عنايت حضرت احديّت گشتند و

مظهر آيات موهبت شدند اين دليلست که بی حذر آتش محبّت الله در آنکشور شعلهٴ پر

شرر خواهد زد و نور معرفت الله در آن بوم و بر اشراق شمس و قمر خواهد نمود و

اين يقين و محتوم است چه که مشيّت و قضای حيّ قيّومست ولی ای دوستان موجود از

خدا بخواهيد که آن شعله در امروز زند و از حرارت الله و اعتدال خلق و خوی نوروز

گردد و دلها پر سوز شود و هدف غمزهٴ دلدوز گردد تا مظاهر آيات توحيد گرديم و

مطالع بيّنات و مورد توجّهات شويم و مشمول نظر عنايات چه که فضل جمال ابهی

عظيمست عظيم و فيض اسم اعظم قديمست قديم و البهآء علی الثابتين ع ع

مقابله شد

٤٨٣ خط مبارک

بواسطهٴ جناب زائر آقارضا عليه بهآءالله

احبای سروستان احبّای نيريز احبّای خانکهدان احبّای داريان عليهم

بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ياران عبدالبهآء الحمدلله از سروستان نفحات گلستان محبّت الله منتشر و

رائحهٴ معرفت الله ساطع و نور هدی لامع و آيات کبری ظاهر و باهر اقليم جليل

فارس چون مطلع نيّر آفاق بود

\* ص440\*

عبدالبها را نهايت آرزو چنان که در قطب عالم خيمه برافرازد و عَلَم سبقت و پيشی

بر کل اقاليم بلند فرمايد الحمدلله در اين ايّام حرکتی نموده بالاخص سروستان و

نيريز حال از آن کشور هزيز ارياح لواقح محبّت الله بگوش جان ميرسد طوبی لکم و

حسن ماب و بشری لکم بفيض من ربّ الارباب عبدالبهآء بملکوت ابهی عجز و نياز

مينمايد و تضرّع و ابتهال ميکند که کشت الهی در آن کوه و دشت روزبروز نشو و نما

نمايد و سبز و خرّم گردد و خوشه و دانه و خرمن فرمايد کزرع اخرج شطأه فاستغلظ و

استوی علی سوقه يعجب الزرّاع و اميدم چنانست که هر خوشهٴ خرمن گردد و هر دانهٴ

فيض و برکت حضرت ذوالمنن شود اي ياران جميع طوائف و امم منجمد و مخمود و جميع

قبائل و ملل گرفتار يأس و قنوط اهل بها بايد چنان حرکت و جنبشی نمايند که کافهٴ

اهل ارضرا باهتزاز آرند و چنان پرتوی افروزند که شرق و غرب را منوّر نمايند و

برفتار و کرداری پردازند که شهير آفاق شوند و مظاهر فيض کوکب اشراق گردند

وعليکم البهآء الابهی ع ع مقابله شد ٤٨٤ خط کاتب و مهر و امضآءمبارک

شيراز سروستان جناب مهدی سروستانی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای منجذب بنفحات الله نامهٴ مرقوم واصل گرديد و مضمون مفهوم شد تمّنای تحريری

\* ص441\*

از عبدالبهآء نموده بودی من نيز فوراً بترقيم اين نامه پرداختم و از فضل و

الطاف جمال ابهی اميد داشته و دارم که ياران الهی چنان انجذابی حاصل نمايند که

بي نامه اسرار الهی اقتباس کنند و کاشف راز گردند فيوضات ملکوت ابهی لوح محفوظ و

کتاب مسطور و رّق منشور است و جميع اسرار در آن نامه مرقوم آن نامهٴ مفصل را

بدقّت مطالعه نمائيد تا بر اسرار ماکان و مايکون مطلع گرديد جناب خان بابا و

جناب ضيآءالله و امة الله والده شان را بذکر ابدع ابهی جان و وجدان مسرور و

شادمان گردانيد و جميع احبّای الهي را از شدّت محبّت اين عبد خبر دهيد و بالطاف

بينهايت حضرت مقصود بشارت فرمائيد و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد ٤٨٥ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

بواسطهٴ جناب زائر جناب آقاغلامحسين خان سروستانی

جناب آقاعلی اکبر عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ثابت بر پيمان ايامي که در ارض مقدّس بودی و بشرف تربت مقدّسه فائز در خاطر

است ايّامی بنهايت محبّت و الفت با ما سر بردی و در نهايت تبتّل و تضرّع بودی

اوقاتی که بروح و ريحان و شادمانی و کامرانی گذرد هرگز از خاطر نرود يقين است که

\* ص442\*

فراموش ننمودی بلکه شب و روز در خاطر داری و بموجب وصايا و نصايح که القا شد

عمل مينمائی امروز هر بهآئی حقيقی را نشان و برهان اعمال و افعالی که بموجب

تعاليم الهيست اگر بآن موفّق شوند هر روز موهبتی جديد يابند و عنايتی بديع

جويند فرصت بسيار کم است لهذا مجبور باختصار هستم ولی هر کلمه فی الحقيقه نامه

ايست نفس مطمئنّه را يک کلمه کفايت مينمايد جميع احبّای الهي را تحيّت ابدع ابهی

برسان و عليک البهآء الابهی امة الله الموقنه ضجيج محترمه را نهايت مهربانی

بنما و تحيّت ابدع ابهی ابلاغ کن ع ع مقابله شد ٤٨٦ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

شيراز بواسطهٴ جناب بشيرالهی جناب آقارضای سروستانی

# هوالله

اي زائر مطاف ملأ اعلی نامهٴ شما رسيد الحمدلله دلالت بر ثبوت و رسوخ احبّای

الهی در امر جمال مبارک روحی لعتبه المقدّسه فدا مينمود امروز جميع کائنات از

فيوضات اسم اعظم در نشو و حرکت است و در استمداد و اهتزاز سروستان الحمدلله

گلستان گرديده و بگل و رياحين معرفت الله حدائق حقائق و معانی گشته اميد

چنانست که آن سروها روز بروز نشو و نما نموده در نهايت لطافت و خرّمی از فيض سحاب

عنايت الهی در جويبار حقيقت باهتزاز و حرکت آيند جناب آقاميرزا عبدالرسول را از

قبل من تحيّت ابدع ابهی برسان و جناب درويش ابن شهيد را نهايت

\* ص443\*

تمجيد از اين وحيد فريد بکن و عليک البهآء الابهی ع ع مقابله شد

٤٨٧ خط کاتب مهر و امضآء مبارک

سروستان جناب زائر آقا رضا عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

مناجات طلب مغفرت بجهت جناب آقامحمّد کريم اخوی حضرت آقا مرتضای شهيد جناب حاجی خان ابن حيدر علی جناب قباد خان جناب عبّاسقلی جناب ميرزا حسين بنّا جناب

حاجی هادی جناب حاجی علی نقی جناب آقاعلی ابن حسين اعمی جناب آقامهدی جناب

علی رضا جناب مشهدی فضل الله جناب آقامحمّد اسمعيل جناب کربلائی نادعلی

# هوالله

حمداً لک يا ربّی الجليل شکراً لک يا ربّی العظيم علی فتحت ابواب الغفران

بمقاليد العفو و الاحسان و مفاتيح الفضل و الامتنان ربّ اخترت من عبادک

الصالحين اناساً وفّقتهم علی الدخول فی ...[[4]](#footnote-4) الظليل و الوصول الی الفوز

العظيم و ارويتهم من مآء معين و سقيتهم من عين التسنيم فالتذّت آذانهم باستماع

الندآء و قرّت اعينهم بمشاهدة نور الهدی و اطمئنّت نفوسهم بالاية الکبری و

انشرحت صدورهم بکلماتک العليا و اضطرمت قلوبهم باجيج نار محبّتک فارتفع منهم

الضجيج بالتّکبير و التهليل الی ملکوتک الجليل و انتشرت منهم نفحات حبّک فيکل

صقع و اقليم اولئك يا الهي نفوس لم تتخذّهم لومة لائم في امرك و لا زلزلتهم شماتة

\* ص444\*

شماتة کلّ عنود فی ذکرک ول اارعدتهم شتائم کل ...[[5]](#footnote-5) زنيم فی مملکتک بل ثبتوا

علی الصراط برشحات سحاب الالطاف يا ربّی الارباب و ذکروک جهاراً بين

الابرار و الاشرار و ما فترت السنهم عن الاذکار و ابتهلوا بخفّی الاسرار و حشروا

مع الاخيار و تبتّلوا الی ملکوتک يا عزيز يا جبّار ربّ انّهم تجرعوا کأس

المنون بما قلت و قولک الحّق انّک ميّت و هم ميّتون و قدرّت لهم المقام المصون و

انعمت عليهم بالسرالمکنون و ارجعتهم اليک فضلاً من عبدک يا ربّی الحنون ربّ

اکرم لهم المثوی و ادخلهم فی ظل سدرة المنتهی و اخلدهم فی جنّة المأوی و ادر عليهم

کأس العطآء و قدّر لهم الموهبة العظمی و شرّفهم باللقآء يا ربّی الاعلی انّک

انت العفّو الغفور و انّک انت الکريم الرحيم البر الروف لااله الاانت الغنّی

المعطی لکل عبد شکور ع ع مقابله شد ٤٨٨ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

هوالله

سروستان عموم احبّای الهی عليهم بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای شيدائيان نيّر آفاق و ثابتان بر ميثاق جناب حيدرعلی عليه بهآءالله نامهٴ نگاشته و ذکر احبّای الهی نموده که سروستان گلستان گشته و دوستان شب و روز بذکر رحمن

\* ص445\*

مشغول اين خبر سبب سرور و حبور شد و اين نفحه مشام ياران را معطّر نمود که

الحمدلله در آن اقليم محترم که وطن حضرت اعلی روحی له الفدا بود نفحات قدس در

انتشار است و نسيم جانپرور رياض عنايت در اهتزاز باران عرفان در فيضانست و انوار

مواهب درخشنده و تابان اي دوستان همّتی نمائيد تا کشور شيراز مظهر مواهب خداوند

بينا گردد و از حضيضش نغمه و آهنگ سبحان ربّی الاعلی بملکوت ابهی رسد مطلع آيات

توحيد گردد و مهبط الهامات ربّ فريد تا شعلهٴ نار محبّت الله از آن اقليم بسائر

اقاليم سرايت نمايد و نفحات رياض قلوب آن ياران ولايات مجاوره را دلالت بر گلشن

هدايت کند و اين مواهب ميّسر نگردد مگر بانقطاع از ماسوی الله و انجذاب بنفحات

الله و اشتعال بنار محبّت الله و محويّت و فنا و خضوع و خشوع بين يدی احبّآء

الله و خدمت ياران و عبوديّت دوستان و البهآء عليکم جناب ميرزاحسين بنّا را که

خادم انجمن احبّاست تکبير ابدع ابهی ابلاغ نمائيد و بگوئيد که خانهٴ تو آشيانهٴ

مرغان چمن الهی گشته و کاشانهٴ سودائيان جمال رحمانی طوبی لک من ذلک والبهآء

عليک ع ع مقابله شد ٤٨٩ خط کاتب مهر وامضآءمبارک

٤٩٠ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

سروستان احبّای الهی عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ياران عبدالبهآء هرچند مدّتيست که بواسطهٴ قلم و مداد با شما گفتگوئی ننمودم

\* ص446\*

ولی در عالم روح و فؤاد هميشه بياد ياران جمال الهی مألوف بودم دمی

فراموش ننمودم و نفسی نياسودم بلکه در نهايت تضرّع و ابتهال بودم که آن احبّای

رحمانی و دوستان الهی از ملال جسمانی و روحانی در جميع شئون محفوظ و مصون باشند

و موفّق بآن گردند که بگفتار و رفتار و کردار بر ابرار و اشرار هر دو ثابت و

محقّق گردد که اين حزب مظلوم مفتون جمال ابهی هستند و منجذب نفحات قدس از افق

اعلی زيرا اين بيان و تبيان و خلق و خوی و روش و سلوک و فضائل و جمالات از

فيوضات نور قدم و اشراقات اسم اعظمست مقصد آنست که حقيقت انسانيّه بايد مانند

آئينه از شعاع آفتاب حقيقت روشن باشد و الا سنگ سياهی و ظلمت اندر ظلمت است و

شعاع شمس حقيقت عرفانست ايمانست ايقانست اطمينانست انجذابست و استمرار در نشر

نفحاتست ای ياران الهی ايّام بسرعت اتمام يابد مالک و مملوک گمنام گردد نه اثری نه

ثمری نه برگی نه شکوفه ئی جميع مظهر هل اتی علی الانسان حين من الدهر لم يکن

شيئاً مذکورا گردند مگر نفوسي که بکلی از نفس و هوی بيزار شدند و مطلع انوار هدی

گشتند مهبط اسرار شدند و سر حلقهٴ ابرار گرديند آنان مانند نجم زاهر از افق

حقيقت تا ابدالآباد باهرند پس بکوشيد تا از صهبآء استقامت کبری بنوشيد قوّت در

جميع موارد مقاومت اهل غفلت نمائيد ولو اجتمع عليکم من علی الارض کله لاتخافوا

\* ص447\*

و لا تهِنوا و اعتمدوا علی انجاد جنود من ملکوت الله راحت ايّامی چند نجوئيد در

عاقبت نگريد ملاحظه نمائيد که نتائج محموده در اعمال و اطوار چه نفوسی موجود اين

دقّت سبب عبرت شود و انسان بحقيقت پی برد الهی الهی هولأ ارقآء لک اذلاء

ببابک فقرآء اليک ضعفآء بين يديک قدّر لهم کل خير و احفظهم عن کل ضير و

اجعلهم حماة حصنک الحصين و رعاة اغنامک فی تلک الاقاليم و رماة ناقض عهدک بسهام

سلطان مبين و برهان عظيم و اجعلهم سرجاً ساطعة بفيض النور المبين حتّی يقوموا

اشدّ القيام علی اعلآء کلمتک فيذلک القطر السحيق ربّ ربّ هولاء طيور ضعاف

اجعلهم نسوراً فی اوج الالطاف و صقور الفضل والانصاف و احمهم من الاعتساف انّک

انت القوّی الوهّاب و انّک انت العزيز المهيمن المتعال ع ع مقابله شد

هوالله

سروستان احبّای الهی عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ياران رحمانی شمس حقيقت بر آفاق قلوب اشراق نورانيّت محبّت نمود و غمام

موهبت باران الفت مبذول داشت نسيم عنايت از مهّب ملاطفت

\* ص448\*

بمرور آمد و دريای رحمانی امواج تعلق روحانی زد تا ياران الهی بمثابهٴ فيض

آسمانی قطرات جمع شده سيل فيض نامتناهی گردند و صحرا و دشت آفاق را سبز و خرّم

نمايند مقصد از ظهور مظاهر مقدّسه الفت و محبّت عالم انسانی بود حال احبّآء

بايد در اين ميدان جانفشانی نمايند تا عالم انساني را بصهبای محبّت يکديگر سرمست

کنند و قلوب آفاق را شادمانی بخشند آنچه در الفت بيشتر کوشند پيشتر پويند و آنچه

در اتحّاد همّت مبذول دارند عون و عنايت بيشتر مشاهده کنند حضرت مسيح خطاب

بحواريّين ميفرمايد انتم ملح الارض فاذا فسد الملح بماذا يُملّح ميفرمايد شما نمک

عالميانيد اگر شما فاسد گرديد جهان بچه مليح و نمکين گردد حال اگر احبّای الهی

شمع محبّت و الفت و يگانگی و اتحّاد در محفل خويش نيفروزند چگونه جهان را

بنورانيّت الهيّه روشن نمايند و چگونه سبب الفت قلوب اهل عالم گردند ای ياران

عبدالبهآء شما را بملاحت و صباحت جمال ابهی قسم ميدهم که مانند نجوم ثريّا

مجتمع و مؤتلف گرديد و سبب اتحّاد و يگانگی عالميان شويد بنياد خلاف بر اندازيد

و بنيان ائتلاف بلند سازيد و بذيل محبّت الهيّه در آويزيد و ساحت قلب را از

مغايرت و مخالفت بپردازيد تا محّل اشراق شمس حقيقت گردد و نور موهبت بدرخشد هر

يک خادم يکديگر شويد و هر کدام در ره ديگر جانفشانی نمائيد

\* ص449\*

جان و مال از يکديگر دريغ نداريد تا يرليغ عطا از ملکوت ابهی رسد و منشور سرور و

حبور از ملأ اعلی صادر گردد و عليکم التحيّة و الثنآء ع ع مقابله شد

٤٩١ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

١٥ ج ١ سروستان جناب زائر ميرزا حيدرعلی سروستان عليه بهآءالله

٣١٢٨ الابهی

هوالله

ای ثابت بر پيمان نامهٴ نامی رسيد از مضامين آشکار و پديد گشت که حين رجوع و

وصول از آشنا و بيگانه حسن استقبال و رعايت موفور يافتی العزّة لله و لعباده

المخلصين عنقريب ملاحظه خواهيد نمود که انوار عزّت ابديّه بر رؤس ياران چنان

بتابد که شرق و غرب روشن شود و جميع احزاب ببندگان جمال قدم خطاب نمايند و

تالله لقد آثرکم الله علينا گويند سؤال از زوجات ثلاثه نموده بوديد البتّه بايد زوجهٴ ثالثه را طلاق داد و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

٤٩٢ خط کاتب مهر وامضآءمبارک

هوالله

سروستان جناب حيدرعلی زائر عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ثابت بر پيمان بمجرد قرائت نامهٴ شما سفارش در خصوص آقاميرزا فتحعليخان

بنفس مبارکی

\* ص450\*

تحرير يافت فی الحقيقه آن مظلوم گرفتار گشته است هرچند مسجون است ولی مقرّب

درگاه حضرت بيچون اميدوارم عنقريب گشايش حاصل گردد و بخشايش رخ دهد فرصت بيش

از اين نيست جناب آقارضا و جناب بقآءالله و اهل بيت محترمه را از قبل من تحيّت

ابدع ابهی ابلاغ دار و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد ٤٩٣ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

سروستان بواسطهٴ زائر آقا حيدرعلی والدهٴ امة الله فاطمه ضلع امة الله

هاجر صبايا امة الله طاهره امة الله منيره امة الله فائزه بقآءالله کبری

طوبی والدهٴ مرحوم قباد خان جناب ميرزا علی محمّد جناب مشهدی علی اصغر جناب

آقامحمّد صادق جناب آقامحمّد حسن

# هوالله

ای مؤمنين و مؤمنات و ثابتين و ثابتات جناب حيدرعلی بدرگاه حضرت کبريا پناه

آورد و بکمال عجز و نياز از برای شما موهبت کبری رجا نمود و آن موهبت کبری

موفّقيّت بر گفتار و رفتاريست که مطابق تعاليم الهی و وصايای جمال مبارک و

نصايح اسم اعظمست اگر باين موهبت موفّق شويد بهر خيری مؤيديد آرزوی اين عبد

چنانست که هر يک از شما آيت هدی گردد و نخلی باسق در بوستان الهی شود و در

کمالات انسانی بر کل فائق گردد

\* ص451\*

سليل علی اصغر که در سبيل الهی شهيد گشت سراج آن قبيله است و مرکز مباهات جميع

آن خاندان عنقريب تأئيدات غيبيّه بسبب خون مطهّر آن بزرگوار که در سبيل الهی

سبيل شد آن دودمان را احيا نمايد پس بشکرانه پردازيد که الحمدلله نفس مبارکی از

آن خاندان در سبيل الهی شهيد شد و اين شهادت سبب مفخرت و مباهات در جميع عوالم

الهيست و عليک و عليکّن البهآء الابهی ع ع مقابله شد ٤٩٤ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

نيريز بواسطهٴ جناب ملااحمد علی سروستان احبّای الهی

جناب آقاحيدرعلی جناب آقاميرزاعلی محمّد جناب آقاميرزا عليرضاخان جناب آقا

سيد ميراحمد جناب آقاعلی نقی آناب آقاميرتاج الدين جناب حاجی محمّد جناب

آقاعلی اکبر جناب کربلائی باقر جناب آقاعلی نقی جناب آقاعلی جناب

آقاعطاالله جناب کربلائی شکرالله جناب آقاغلامعلی جناب آقاميراسمعيل

جناب آقاميرزا حسين بنّآء جناب آقا موسی جناب آقامهدی محمّد حسين جناب

غلامحسين خان جناب آقا ميرزافتحعليخان کلانتر جناب آقامشهدی عابد جناب

عبّاسعليخان خادم جناب ملاقربانعلی عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ياران عبدالبهآء بشارت کبری رسيد و خبر پر مسرّتی عبدالبهآء شنيد

\* ص452\*

مژدهٴ الفت ياران سبب مسرّت دل و جان گشت و خبر اتحّاد و اتفّاق دوستان پيک فرح

بيپايان گردی عبدالبهآء نهايت روح و ريحان يافت زيرا چون رائحهٴ اغبرار در بين قلوب

ابرار استشمام کند چنان سرور و حبوری احاطه کند که قلب باهتزاز و جان بپرواز آيد

زیرا تجلی اشراق بجهت الفت اهل وفاقست تا نفوس آفاق در ظل رايت اتفّاق در آيند

و چنان نور‌انيّت وحدت بدرخشد که حکم يک روح و يک جسم يابند و چون دلبر مواهب الفت

در انجمن ياران جلوه کند تائيدات الهيّه و توفيقات صمدانيّه از جميع جهات احاطه

فرمايد انوار توحيد بتابد و نسيم تجريد بوزد پرتو عنايت بدرخشد و حيات روحانی

مبذول گردد هذا هو الفوز العظيم و هذاهو الفيض المبين ياران عبدالبها را بسبب الفت

و اتحاد جديد بسيار راضی نمايند و سبب شوند که لسان تضرّع و زاری بگشايد و از

درگاه احديّت طلب تأئيد نمايد و عليکم التحيّة و الثنآء ع ع مقابله شد ٤٩٥ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

شيراز بواسطهٴ حضرت عندليب سروستان جناب حيدرعلی سروستانی

# هوالله

اي ثابت بر ميثاق مکتوب واصل گرديد مضمون سبب انشراح صدور بود و دليل بر

\* ص453\*

حصول موفور از تأسيس مشرق الاذکار نهايت سرور حاصل گرديد و همچنين از ترک زرع

ترياک و ترک دخان زيرا افيون جز در معالجهٴ امراض معلومه سبب هلاک نفوس و موت

ابدی انسان گردد و همچنين از شرب دخان نتیجه و ثمری جز تضييع اوقات و حصول

امراض فائدهٴ نه الحمدلله که احبّای آن سامان از همهٴ اينها گذشتند اي بندهٴ الهی

وقت را غنيمت دانيد و فرصت از دست مدهيد بنشر نفحات الهی پردازيد و به نيريز رفت

و آمد نمائيد تا اين مراودهٴ طرفين سبب انجذاب مدينتين گردد و هر يک ديگري را

تشويق و تحريص بر استقامت و ثبوت و انجذاب قلوب نمايند جناب کاتب ميرزا حسين را

از قبل من نهايت محبّت ابلاغ نما و جناب حاجی خان و آقارضا و بقآءالله جميع را

تحيّت مشتاقانه برسان اميدوارم که موفّق بخدمت ياران الهی و احبّای رحمانی و

تربيّت و تنظيم مشرق الاذکار باشيد و عليک التحيّة و الثنآء ع ع

٤٩٦ خط کاتب مهرو امضآءمبارک

مقابله شد

سروستان بواسطهٴ جناب زائر آقاحيدرعلی

جناب آقاعبدالله جناب علی آقا جناب محمود جناب احمدعلی جناب آقاميرزا

آقا جناب آقاعبدالحسين جناب سهراب خان جناب آقامصطفی جناب صادقعلی جناب

کربلائی شکرالله جناب مشهدی اسدالله جناب حاجی آقا جناب کربلائی علی حسين

جناب هدايت الله

\* ص454\*

جناب آقاعلی عرب جناب ملاّمحمّد رفيع جناب هادی جناب عبدالرّحيم

# هوالله

ای ياران رحمانی جناب حيدرعلی در نهايت عجز و نياز بدرگاه بي‌نياز تضرّع و ابتهال نمود و از برای شما رحمت بيپايان و عنايت بيکران طلب کرد چون اين خواهش و رجا در عتبهٴ مقدّسه واقع البتّه روا گردد و نتائج حاصل شود اين عبد نيز در آستان کبريا بهمين رجا قائم و اميدم چنان است که نورانيّت تعاليم الهیه و وصايای ربانيّه چنان در بين احبّا جلوه نمايد که رويها روشن شود و جانها بشارت يابد و دلها منوّر گردد و از اعضا و ارکان آثار ايمان و ايقان ظاهر شود تا توانيد بشيم حق پردازيد و بدرگاه احديّت تضرّع و زاری نمائيد که اخلاق نيّر اشراق پرتوی بر قلوب اندازد و سنوحات رحمانيّه در حقايق انسانيّه جلوه نمايد و عليکم البهآءالابهی ع ع مقابله شد

٤٩٧ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

هوالابهی

سروستان جناب حيدرعلی و ميرزا علی محمّد و جناب ميرزا حسين عليهم بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای ياران چه خوش بخت و بلند اختر و همايون طالع بوديد که در چنين کور

\* ص455\*

و دوری مولود و در چنين قرن و عصری موجود و بر چنين موردی دارد و در چنين

آستانی ساجد و در سايهٴ چنين شجری مستريح و از چنين ثمری مستفيد شده‌ايد کور ابهی

شجر شجر انيسا ثمرثمرهٴ سدرهٴ منتهی طوبی للفائزين بشری للواردين فرحاً للواصلين

سروراً للمستظلين و الحمدلله ربّ العالمين جميع دوستان را تکبير ابدع ابهی ابلاغ نمائيد ع ع مقابله شد ٤٩٨ خط مبارک

در خصوص زرع ترياک استفسار نموده بوديد زرع ترياک جز بجهت عالج جائز نه زيرا در

اکثر معالجات مستعمل و از عدد ايّام رضوان سئوال نموده‌بوديد دوازده روز است و

يوم اوّلش همان يوم دوساعت بغروب مانده است ديگر در جميع اوقات بايد دوستان

الهی با يکديگر با کمال حکمت معاشرت و ملاقات نمايند و بذکر حق مشغول گردند و از

يکديگر رائحهٴ طيبهٴ محبّت الله استشمام کنند ع ع مقابله شد

هوالله

جناب محمّد جعفر جناب آقاباقر جناب حاجی آقابهائی جناب آقايحيی جناب

آقاعلی جناب حاجی امين جناب محمّد ابراهيم جناب حبيب الله جناب آقاعلی نقی

جناب

\* ص456\*

جناب حيدر علی جناب ميرزاعليمحمّد جناب آقاغلامحسين جناب عطآءالله جناب

ميرزاعليرضا جناب ميرزافتح الله جناب محمّدحسنخان جناب عليخان جناب مشهدی

سليمان جناب محمّد باقر جناب محمّد رفيع جناب محمّد تقی جناب علی اکبر

جناب موسی جناب بديع الله جناب عليمحمّد جناب محمّد کريم جناب تاج

الدين جناب علی بابا جناب محمود جناب ميرزاحسين جناب احمد جناب حسن

جناب علی نقی حاجی محمد جناب فضل الله جناب نوروزعلی جناب اسدالله

جناب علی نقی جناب رضا جناب حسن جناب مصطفی جناب علی بابا جناب نعمة

الله جناب قربانعلی جناب هدايت جناب مصطفی جناب علی جان جناب رضا جناب

مشهدی عابد جناب فتحعلی جناب حسين قلی جناب علی جناب مشهدی محمّد حسين

جناب مشهدی باقر جناب آقابابا جناب قاسم جناب جعفر جناب محمّد اسمعيل

جناب محمّد باقر جناب استاد حسن جناب غلامعلی جناب حاجی جنابان عالمحسين و

صفر عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

اي دوستان الهی چندی پيش آشفتهٴ جمال حق آقاغلامرضا استدعا نمود که بآن ياران

الهی تحريری مرقوم گردد با جمال اشتياق و شوق نامهٴ مرقوم گرديد و حال نيز رجای

نگاشتن مينمايد و اين بندهٴ آستانهٴ ابهی را چندان مشاغل و غوائل که فرست نگارش

کلمهٴ نه باوجود اين چون ذکر ياران الهی را

\* ص457\*

نموده بود چنان حالتی دست داد که بی اختيار نامه برداشته و بذکر ياران پرداختم

ای عاشقان جمالقدم وقت جوش و خروش چون دريای بی پايانست و هنگام احتراق بآتش

سدرهٴ رحمن چشم بملکوت الهی باز کنيد و گوش به آهنگ هاتف رحمانی دهيد تا از

ملکوت غيب صلای بيداری شنويد و تحسين ملأاعلی استماع نمائيد اي دوستان اسم اعظم

جميع بلايای مبرم را حمل فرمود و تحمّل کرد تا از مآء معين هدی بنوشيم و در سبيل

تقوی سلوک نمائيم و بانوار موهبت کبری در بسيط غبرآء مبعوث شويم و در ظل کلمهٴ

وحدانيّت بنشر نفحات الله مشغول گرديم و در هر دمی بروحی جديد زنده شويم

ع ع مقابله شد

٤٩٩ خط مبارک

هوالله

جناب ميرزا محمّد باقرخان جناب محمد حسن خان امة الله بگم امة الله گوهر عليهم بهآءالله الابهی

# الله ابهی

ای ياران حقيقی چه نويسم که قلب در نهايت انجذابست و روح در غايت اشتياق آتشی

از محبّت الله در دل افروخته و شمعی در زجاجهٴ قلب روشن گشته که چون ياد ياران

\* ص458\*

خطور کند شعله‌اش جهانسوز گردد و زبانه‌اش عالم افروز ملاحظه کنيد که در اين

بساط چه قدر محترميد زيرا بند بندگی جمال قدم بگردن داريد و حلقهٴ عبوديّت اسم

اعظم در گوش پس بآنچه سزاوار عبوديّت و بندگيست مجری داريد تا رخ در ملکوت

ابهی بر افروزيد ع ع مقابله شد ٥٠٠ خط مبارک

هوالابهی

سروستان جناب ميرزا فتحعلی عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای حامی اغنام الهی خدمات و زحمات و مشقّات تو در اين انجمن مذکور و معروف علی

الخصوص که در آستان الهی مثل غلامرضاخان وکيل مخصوص داريد دائماً ورد زبانش بلکه

کلمات نمازش ذکر شماست و ياد شما گاهی يعنی اکثر اوقات لسانا و دائماً مستمرا

قلباً من اين شهادت را ميدهم و از عهدهٴ نتائجش بعون و عنايت جمال ابهی بر

ميآيم تو مسرور باش و مشعوف که در چنين آستانی رحمانی مطاف ملأاعلی چنين يار

صادقي و دعاگوي موافقي كه الآن حاضر و همدمست داري و ليس هذا الا من فضل ربّك

و جوده العظيم ع ع مقابله شد

٥٠١ خط مبارک

\* ص459\*

هوالابهی

سروستان ميرزا فتحعلی عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

اي بندهٴ آستان حضرت احديّت عريضه واصل و ملاحظه گرديد عريضه نبود حديقهٴ انيقه

بود بگلهای معانی مزيّن بود و برياحين عين اليقين مشحون و مطرّز مشام جان رائحهٴ

خوش عرفان استشمام نمود و دماغ وجدان انفاس طيّبهٴ طيب ايقان استنشاق کرد اگر

تأئيد ملکوت جمال ابهی جوئی بر عهد و ميثاق ثابت باش و ديگران را راسخ دار اگر

عزت قديمهٴ پايدار جوئی ترويج امرالله کن زيرا تبليغ امرالله عبارت از افشاندن

تخم پاک در زمين طيّب طاهر است والبهآءعليک ع ع مقابله شد

٥٠٢ خط مبارک

سروستان بواسطهٴ جناب آقاعلی اکبر زائر

جناب وکيل الرعايا جناب آقاسيّد مير احمد جناب آقاموسی جناب آقامحمود جناب

آقامهدی جناب آقابديع الله جناب آقاحبيب الله جناب آقاحسين جناب آقا زين‌العابدين جناب خانی جناب آقاعبدالحسين جناب آقاعلی

\* ص460\*

جناب حاجی علی جناب آقامحمّد جعفر جناب حاجی امين جناب مشهدی قربانعلی

جناب مشهدی حسن جناب آقابهائی جناب حاجی خان جناب آقاهدايت جناب خان بابا

جناب حاجی آقا جناب آقاعلی اکبر جناب آقاعلی جناب استاد علی نقی جناب

آقا علی شاه جناب آقانجف علی جناب آقامحمّد حسن جناب آقامحمّدکريم جناب

آقاعبدالوهّاب جناب آقافتحعلی آناب آقا محمّد تقی جناب آقارسول جناب

مشهدی محمّد تقی جناب کاکاخان جناب آقامحمّد حسن جناب عبدالله جناب سياه

خان جناب مشهدی عابد جناب محمّد علی جناب عباسعلی خان جناب عطا جناب عبّاس

جناب حسين آقا جناب آقاکوچک جناب هادی جناب کربلائی محمد علی حسين والدهٴ

بديع الله ضجيع آقاعلي اکبر ضجيع مشهدی محمّد هاشم ضجيع بديع الله بهيّه

خانم فائزه خانم رضوانيّه خانم

# هوالله

لک الحمد يا الهی بما شغفت الاحبّا حبّاً بجمالک و تجليّت علی الاصفيآء فی

يوم

\* ص461\*

الوصال بآيات جلالک و نفحت روح الحيوة فی قلوب الاوليآء بفضلک و رحمتک

وانزلت عليهم مائدة السمآء بجودک و موهبتک واصطفيتهم من بين الوری لاعلآء

کلمتک و اجتبيتهم من بين الاحزاب لنشر نفحاتک وارتضيت لهم مقامات القدس فی

ايّامک و رشّحتهم لتبليغ امرک و انتخبتم لانتشار ذکرک فقاموا فيکل الجهات علی

بّث الآيات البيّنات و رفعوا الرايات و نشروا الکلمات و هتکوا الحجبات و نطقوا

بالبرهان فی اثبات ظهورک و انطقوا عن الراحة والرخا و احتملوا کل شدّة و عنآء

و صبروا علی الرزيّة و البلآء منجدبين الی ملکوت احديّتک و مشتعلين بالنار

الموقدة فی سدرة فردانيتک و مشتغلين بترتيل آيات التوحيد اثباتاً لوحدانيّک

ربّ اخترهم للوفود عليک فی حديقة البقآء و الورود علی ساحتک فی جنّة اللقآء و

الطلوع من افق عنايتک فی عالم العمآء و الصعود الی اعلی فرع من فروع سدرتک

المنتهی حتّی يترنّموا بابدع الأنغام و احلی الايقاع فی جنّة الماوی بذکرک و

ثنآئک فی ملکوتک الابهی انّک انت المعطی الکريم العزير الوهّاب و انّک انت

القوّی القدير الفاتح للابواب لااله الا انت المعطی بلاحساب ای دوستان حقيقی و

بندگان آستان الهی حضرات زائرین چو بسجن نور مبين رسيدند

\* ص462\*

بنهايت سرور بستايش موفور از آن طيور حديقهٴ الهی لب گشودند که ياران سروستان

راستانند و سر بآستان رسوائيند و شيدائی سودائيند و حريص در جان فشانی مفتون

روی يارند و مجنون زلف مشکبار اسير زنجير محبّتند و امير سرير کشور عبوديّت هر

يک را از عشق دلبر مهربان تاجی بر سر و خلعتی از الطاف مبارک در بر واله و

حيرانند و سرمست صهبای رحمن شب و روز نهايت آرزو دارند که برضای اسم اعظم موفّق

شوند و در سبيل جمال قدم جان فدا نمايند اين بيان نهايت روح و ريحان به اسيران

زندان بخشيد که الحمدلله موطن حضرت اعلی ولايت شيراز پر نغمه و آواز است و از

پرندگان آن چمنستان شهناز بلند است احبّآءالله در جوش و خروشند و ياران از دست

ساقی عنايت باده نوش و رندان الهی سرمست و مدهوش اميد چنين است که عنقريب نور

مبين آن کشور و زمين را باشراق بهشت برين نمايد و هر يک از ياران مانند طاوس

علييّن شهپر تقديس بگشايد و جلوه نمايد و شب و روز بجان و دل بکوشد که بيگانگی

بکلی از ميان برخيزد و پرتو يگانگی بدرخشد وحدت اصليّه جلوه نمايد و موهبت

قديمه پرده براندازد تا اين اتحاد و اتفّاق و وحدت و محبّت سرايت بديگران نمايد

و بيگانگان آشنا گردند و محرومان محرم راز شوند

\* ص463\*

و بی نصيبان از فيض قدم بهره گيرند و دوران بملکوت حق نزديک شوند ای ياران الهی

بموجب وصايا و نصايح ربّانی بايد سبب وحدت عالم انسانی گرديد و بنيان بيگانگی بر

اندازيد اگر در بين خود غباری باقی گذاريد چگونه موفّق باين بزرگواری گرديد پس

از دل و جان سعی بليغ نمائيد و جهدی عظيم مبذول داريد که کل در ظل نبآء توحيد

محشور شويد و آيات تفريد تلاوت کنيد و بمقامات تجريد رسيد لعمرالله انّ

عبدالبهآء يشتاق رؤياکم و يتمنّی اتّحادکم و ائتلافکم و يضيق صدراً اذا لم يسمع

بشرئکم و عليکم البهآء الابهی ع ع مقابله شد ٥٠٣ خط کاتب امضآءمبارک

هوالله

بواسطهٴ جناب ميرزا جلال

جناب محمّد حسن خان و جناب ملاجعفر سروستانی عليهما بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای دو نفس زکيّه ندای شما بسمع اشتياق مسموع شد و لقای شما محبوب و مرغوب گشت

هر چند بصر محرومست الحمدلله بصيرت محرم اسرار حيّ قيوم در محضر حاضريد و در

انجمن الهی موجود و مشهود پس ملاحظه فرمائيد که مواهب حضرت احديّت چه

\* ص464\*

تأثيری در عالم وجود نموده و فيوضات اسم اعظم چه قدرتی نموده که اين عبد را با

آن ياران در محفلی جمع فرموده و صدهزار فرسنگ را حکم قدمی داده اين چه محبّت است

و اين چه الفت اين چه انسيّت است و اين چه اتحّاد و يگانگی و وحدت عنقريب ملاحظه

نمائی که صدهزار نفوس حکم يک نفس يابد و صد کرور اشخاص در ظل يک خيمه درآيند پس ای ياران با کمال ثبوت بر ميثاق در نشر نفحات بکوشيد تا اين گوی خدمت امرالله را شما از ميدان بربائيد ع ع مقابله شد ٥٠٤ خط مبارک

شيراز بواسطهٴ حضرت بشيرالهی

جناب آقامحمّدعلی سروستانی ملاحظه نمايند

# هوالله

الهی الهی قد سبقت رحمتک و تمّت نعمتک و کملت موهبتک علی الذين اعترفوا

بوحدانيّتک و اغترفوا من بحر رحمانيّتک و اقتبسوا من نار محبّتک ربّ انّ عبدک

محمّد علی يرجوا المغفرة لابيه و اخته الذين اجابا الدعآء و رجعا اليک بقلب

مطمئن بالفضل و العطآء ربّ اغفر لهما برحمتک التی سبقت الاشيآء و ادخلهما فی

جوار رحمتک الکبری انّک لطيف بعبادک الفقرآء و انّک انت الرحمن الرحيم

عبدالبهآءعبّاس مقابله شد

٥٠٥ خط کاتب امضآءمبارک

\* ص465\*

بواسطۀ جناب آقاميرزاهادی افنان عليه بهآءالله الابهی

سروستان جناب زائر حضرت حيدرعلی سروستانی عليه بهآءالله ابهی

# هوالله

ای ثابت بر پيمان در ايّام جنگ ابر سياه حرب عرصه عالم را بر جميع تنگ نمود مخابره مقطوع و راه مسدود شد و وسائل روابط مفقود و هر انسان بالطبع منجمد و مخمود نه خبری و نه اثری نه پيامی نه سلامی ارواح امداد خواهد و نفوس را نَفَس رحمانی شايد الحمدلله ابر سياه حرب متلاشی شد و صبح صلح عمومي را بدايت طلوع متلألی گشت راهای بسته باز شد و دلهای خسته آسوده گشت مشامها برائحهٴ طيّبه معطّر گرديد و ابصار بمشاهدهٴ آثار منوّر آمد دوباره نسيم جان پرور وزيد و نفوس به آرزوی خويش رسيد و از ظلمات حرمان برهيد مرقوم نموده بوديد که از قلم عبدالبهآء تا بحال اثری بآن ديار نرسيده حال آنکه مکاتيب متعددّه بجهت نفوس ارسال شده ولی هنوز چاپار و بريد انتظام نيافته اميدوارم که من‌بعد منتظم گردد و مخابره دمبدم شود امّا جان عبدالبهآء در آن اوان هميشه بنفحات رحمن که از قلوب دوستان ميوزد در نهايت روح و ريحان بود و در آستان يزدان تضرّع مينمود و ياران روحانی و ياوران

\* ص466\*

رحمانی را تأئيد سبحانی می طلبد که از فضل جليل مرّبی امکان آفتاب لامکان نيّر پنهان هر يک چون حضرت خليل در نيران فراق برد و سلام يابند اي دوستان حقيقی من ياران سروستان را فيوضات عهد و پيمان و الطاف ربّ الآيات جويم اميدم چنان است که همواره مسلک ابرار پويند و از اغيار بيزار باشند الحمدلله زنجير محبّت وثيق است و علاقهٴ قلب شديد و ياران ثابت سرمست از رحيق کأس انيق زادکم الله ثبوتاً و رسوخا و انار وجهکم بضيآء شمس الحقيقه و افاض عليکم فی يوم الميثاق فيضاً و اشراقاً و سطوعا و عليکم البهآءالابهی

٢٠ صفر ١٣٢٨ عبدالبهآءعبّاس مقابله شد ٥٠٦ خط کاتب مهر وامضآء مبارک

بواسطهٴ جناب بشيرالهی

جناب آقاحيدرعلی سروستانی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ثابت نابت اثر خامهٴ مشکين حلاوت شهد و انگبين داشت مذاق روحانی شيرين گشت

از سختی و گرانی ايران ناله و فغان نموده بوديد امّا هيچ ميدانی که ايرانيان چه کرده‌اند و هنوز غافلند در اقصی بلد امريکا نفوس بيدار

\* ص467\*

شده‌اند و اهل ايران هنوز در خواب غفلت گرفتار سختی و گرانی از گران جانيست که مورث هر بلائی و سبب هر ابتلائی شما دعا کنيد که نفوس بيدار گردند و بدرگاه پروردگار راه يابند همهٴ اين زخمها مرهم يابد و جميع اين دردها درمان جويد جناب حاجی آقارضا و بقآءالله را تحيّت ابدع ابهی برسان جناب علی اصغر را از قبل عبدالبها تهنيت و رعايت ابلاغ نما حضرت آقاميرزا محمّد باقر خان فی الحقيقه ثابت بر پيمان و معين مظلومان و فريادرس بيچارگانست در آنچه ميتواند قصور نمينمايد جناب استاد حست فخّار و جناب استاد عبدالله سلمانی را تحيّت روحانی برسانيد اين قلم ضعيف بايد با جميع احبّای الهی مخابره نمايد ملاحظه کنيد اگر اسم تنها بنگارد البتّه از عهده بر نيايد لهذا از حضرات عذر بخواهيد که فرصت مکاتيب عليحدّه نيست و عليک البهآءالابهی عبدالبهآءعبّاس مقابله شد ٥٠٧ خط کاتب امضآءمبارک

هوالله

حضرة ورقهٴ مبارکه حرم جناب افنان شجرهٴ رحمانيّه آقاميرزا عبدالوهاب عليه

بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ورقهٴ مبارکه جناب فرع سدرهٴ مقدّسه افنان دوحهٴ رحمانيّه عازم رجوع بآن صفحاتست

\* ص468\*

و متذّکر بآيات بينات لهذا ارمغانی بجهت تو خواست و در وجود اعظم ارمغان الطاف حضرت رحمن و بشارت عنايت ربّ يزدانست الحمدلله فضل وجود سلطان وجود در حقّ شما و ايشان بيپايانست و عبدالبهآء با نهايت تضرّع و ابتهال افنان سدرهٴ وجود را در هر دم فضلی مشهود خواهد جميع منتسبين دوحهٴ تقديس را از قبل من تحيّت ابدع ابهی ابلاغ دار و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد ٥٠٨ خط مبارک

هوالله

ارض يا حضرت فرع جليل سدرهٴ مبارکه حاجی ميرزا محمّدتقی عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ايهّا الفرع الجليل من السدرة الالهيّه الحمدلله که فيوضات ملکوت ابهی از

جميع ارجآء و انحاء چون باران نيسان متتابع و رايت ميثاق در قطب آفاق مرتفع

نيّر امرالله در اوج عزّت ساطع و بساط امن و امان در کل بلاد مفروش و از جميع

طوائف از شرق و غرب در ظل امرالله داخل عنقريب سطوت

\* ص469\*

کلمة الله کائنات را بحرکت آرد و هيکل عالم را مرتعش کند و قلوب را منتعش نمايد

حمداً له ثمّ شکراً سبحان الله اهل فتور همّت گماشته‌اند که اين نور مبين را از

ديده ها ستر نمايند و اين بدر منير را مخفی کنند علو امرالله را انکار نمايند

و سمّو کلمات الله را احتجاج کنند قصد آن دارند اين گلپارها کز عَمَهٴ پوشند

خورشيد ترا هيهات هيهات ايعمی النّاظرون عن الضيآء باری اگر حزب شبهات

بآن صفحات با جنود مفتريات و الواح محترقه هجوم آرند البتّه آن حضرت بايد با

کمال قوّت مقاومت فرمايند که مبادا حلول در ضعفآء نمايند علی الخصوص نسآء را

بايد بسيار محافظه از مسائل اوراق شبهات نمود چه که آنان کينوناتشان بسيار رقيق

است اندک غباری تأثير نمايد باری اهل فتور شب و روز با کمال الحاح در سعی و

کوشند که نار محبّت الله را خواموش نمايند و کتاب عهد و کتاب اقدس را که ناسخ

جميع الواح و زبر است فراموش کنند اي فرع تير عدوان آشنايان از سهم بيگانگان

مسمومتر و زخم تيغ مدّعيان از شمشير دشمنان شديدتر در هر دمی سهمی و در هر نفسی

سنائی انّما اشکو بثّی

\* ص470\*

و حزنی الی الله ای افنان سدرهٴ رحمانی اين طير آشيان الهی را زاغان جفا

احاطه نموده‌اند و جغدان بی وفا هجوم کرده و اين غزال مرغزار رحمانی را ذئاب

کاسره مسلط شده‌اند از هر سمتی صدهزار تير افترا پرّان و از هر جهتی هزاران

شمشير بغضاء تند و تيز و پرّان و اين جسم نحيف بی نصير و معين و بيسر و سامان جميع

طوائف عالم متصّل در هجومند و ياران و آشنايان بيش از کل در اشّد طغيان ديگر

ملاحظه فرمائيد که اين مظلوم در بين احزاب چگونه مبتلا ربّ ايدّنی علی ثقل

البلآء و تحمّل الجفآء و التجلد في موارد البأسآء و الضّرآء ايرّب قرّب

ايّام صعودی اليک و وفودی عليک و حضوری بين يديک حتی انجو من ظلام ظلم هؤلآء و

ادخل فی فضآء انوار قربک يا ربّی الابهی و استريح فيجوار رحمتک الکبری ايرّب ضاقت

علی الارض برجها و اشدّت علی الازمة باسرها و تفاقمت الامور و هجم جمهور اهل

الفتور بسهام و سنان و سيوف البغی و الطّغيان و جعلونی هدفاً للنبال و غرضاً

للنصال ايرّب انت معينی و نصيری و انت وليّی و مجيری اجرنی من ظلم هؤلآء

الذين لم يرعوا عهدک و ميثاقک و لم يحفظوا حرمتک و لم يصونوا حماک بل اسندوا

اليک الخطاء و ادّعوا لانفسهم الصواب و قالوا انّ المنصوص فی الکتاب يستحّق

السّب و الاجتناب و اوّل من نقض الميثاق و ترک امرک و خالف عهدک يستحّق الاطاعة و

الانقياد ولو قام باشّد الاحتجاج علی مطلع انوار عهدک السراج الوهّاج ای رّب

افتح ابصارهم المطموسه و شقّ آذانهم المسدوده و طهّر قلوبهم المظلة المحجوبه

انّک انت القوّی القدير ع ع

جميع ياران الهی را تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرمائيد والبهآء عليک ع ع مقابله شد

٥٠٩ خط مبارک

هوالابهی

يزد حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب حاجی ميرزا محمّدتقی عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی الابهی

الهی الهی انّی اناجيک بلسان الابتهال متذللاً متصدّعاً متمسّکاً بحبل التذلل و الانکسار

\* ص472\*

والانکسار خاضعاً خاشعاً لعظمتک و سلطانک و ربوبيّتک يا عزيز يا غفّار و اسغفرک

يا الهی عن ذنوبی و خطيئاتی التی اخجلتنی و ثقلت علی و اشغلتنی عن الفنآء فی

فنآء باب احديّتک و منعتنی عن الصعود الی ملکوت الشهود و حجبنتی عن مشاهدة

آياتک الکبری فی حيّز الشهود و حالت دونی و دون ملاحظة انوار قدسک التی نوّرت

الاقطار و شاعت و ذاعت بها الآثار و سدّت مشامی عن استشمام روائح تقديسک التی

عطرّت الارجآء و احييت بها القلوب و الارواح اي ربّ استغرقت فی بحار الغفلة و

الخطآء هل لی من منقذ الا انت و قد وقعت فی وهدة الذّلة والفنآء و هل لی من

مغيث الا انت و ابتليت و غشّت الابصار غطآء الحرمان و هل لی من کاشف الا انت

فو عزّتک قد ضاقت الآفاق نجنّی بفضلک و عنايتک يا عظيم الوفآء قد اشتدّت ظلمات

الاکدار انقذنی و ارفعنی الی جوار رحمتک الکبری و احرسنی بجنود کلائتک يا

ذا الرحمة العظمی و احمنی من سهام اهل الشبهات المصوّبة الی من جميع الجهات

لاستريح بباب احديّتک فی ملکوتک الابهی و استرزق من موائد اللقآء انّک انت

الکريم ذوالعطآء

\* ص473\*

ع ع مقابله شد ٥١٠ خط مبارک

هوالابهی

يزد حضرت افنان سدرهٴ مبارکه الفرع الجليل جناب حاجی ميرزا محمّد تقی عليه بهآءالله

# هوالابهی

ای افنان سدرهٴ مبارکهٴ الهيّه الآن که در ذيل جبل کرمل در کمال بشارت بخدمت

آستان مقدّس مشغول و در رفع بنيان مطاف قدسيان منهمک و مألوف شب و روز باين

عبوديّت جديده مسرور و مشعوف که نامهٴ روحانی آنحضرت رسيد و از اخبار استقامت

جميع افنان سدرهٴ مبارکهٴ آن سامان نهايت انبساط حاصل گشت و حضرات ديگر ترويج

امرالله را فراموش نموده خدمات آستان مقدّس را کنار گذاشته اعلآء کلمة الله

را نسيان نموده و تخلق باخلاق را عبث پنداشته عزّت قديمهٴ سرمديّه ثبوت بر

ميثاق را اوهام انگاشته شب و روز بنشر اراجيف مشغول گشته و در نشر اوراق شبهات

کوشيده از بعد از صعود الی الآن جميع اهل فتور يک نفس را

\* ص474\*

تبليغ ننموده سبحان الله اين چه مسلکی و اين چه غفلتی و اين چه نادانی و

اين چه بدبختی و فلاکتی قسم بجمال قديم که قلب چنان بجهت اين قوم متأسف که وصف

نتوان نمود چاه را بينند باز خود را در اندازند و سم را مشاهده کنند باوجود اين

بی جرعه نوشند رسوائی و ذلت و خسران دنيا و آخرت را مشاهده کنند با وجود اين

خود را در اندازند باری الحمد لله که احباب يزد بهمّت آن حضرت جميع ثابت و راسخ

انشآءالله سائر افنان متزلزل نيز ثابت گردند در خصوص مشرق الاذکار عشق آباد هر

نوع مصلحت بدانيد امر فرمائيد تا مجری دارند ع ع

ورقهٴ جوف را ملاحظه نمائيد بعد بحضرت افنان بدهيد چون مشغول ببنيان مرقد مقدّس

مطهرّيم اگر چنانچه دو نفر از حضرات افنان سدرهٴ مقدّسه که ثابت بر پيمانند حاضر

گردند و با اين عبد بخاک کشی و سنگ کشی در مقام مبارک مشغول شوند بسيار سبب سرور

قلب است و در خصوص مجلس در يزد هر نوع آنحضرت مصلحت دانند مجری فرمائيد و کل

بايد اطاعت کنند ع ع مقابله شد

٥١١ خط مبارک

\* ص475\* ٩

يزد کنيز عزيز الهی فرح انگيز ورقهٴ سدرهٴ رحمانيّه عليهابهآءالله

# هوالله

ای ورقهٴ شجرهٴ طوبی منظومهٴ بليغه و ابيات فصيحهٴ شما رسيد و در نهايت روحانيّت

در محفل تبتّل ترتيل گرديد فی الحقيقه فصيح بود و بليغ و بديع بود و مليح مضمون

اشارات بآيات توحيد بود و مفهوم شعلهٴ نار محبّت حيّ قدير از خدا خواهم که بابی

از حقايق و معانی بر روی تو بگشايد و آن دل پاک را بجواهر معارف بيارايد تا

زبانی بگشائی که اهل ملأ اعلی را حيران نمائی و روز بروز بر ايمان و ايقان و

عرفان بيفزائی مؤيد باشی و موفّق گردی ع ع مقابله شد

٥١٢ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

هو

حضرات افنان شجرهٴ رحمانيّه جناب آقاميرزا آقا و جناب آقاميرزامحمود و جناب

آقاميرزاباقر عليهم بهآءالله الابهی

# هوالله

جناب امين عليه بهآءالله حاضر و زبان بستايش آن افنان

\* ص476\*

شجرهٴ مبارکه گشوده که الحمدلله هر يک در افق عرفان مه تابانند و هر کدام در

ثبات بر پيمان مانند جبل ثابت و راسخ قوّی البنيان از فضل حق روشن و نورانی و

روحانيند و از رشحات سحاب عنايت بمثابهٴ اشجار فردوس احديّت در نهايت طراوت و

لطافت و تازگی اين ستايش در جهان آفرينش اعظم زينت و آرايش است ربّ ايّد افنان

سدرة رحمانيّتک علی اعظم من هذا ع ع مقابله شد ٥١٣ خط مبارک

شيراز حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزاآقا نجل جليل من فاز بالرفيق الاعلی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرع الرفيع من السدرة الرحمانية هميشه بدرگاه حضرت احديّه بکمال

تضرّع و ابتهال مناجات ميگردد که آن فرع رفيع را نشو و نما بخشد و طراوت و لطافت

عنايت کند تا سايه بر آن اقليم افکند و اثمار شجرهٴ طوبی ببار آرد انّ ربّی

هوالمؤيد الکريم الرّحيم مطاف ربّانيان و کعبهٴ روحانيان يعنی بيت مقدّس را از

هر جهت محافظه و صيانت لازم و واجب

\* ص477\*

و خدمتی اليوم اعظم از اين در آستان مقدّس نه کل بايد بآن قيام نمائيم لهذا

بقدر امکان بکوشيد که محلی در جوار تعلق به بيت مقدّس داشته باش و مسکن خادم و

محل طائفين حول آن کعبهٴ مقصود شود خانهٴ که حضرت افنان سدرهٴ الهيّه جناب

آقاسيّد مهدی عليه بهآءالله ابتياع فرموده‌اند اگر ممکن باشد و مستحسن شمرند

بهر نوعی که رضای مبارکشان باشد خوبست تعلق به بيت مقدّس يابد بسيار عمل

مبروريست زيرا بيتوتت در بيت مقدّس جائز نه بهر عنوانی باشد بايد بيت مقدّس فارغ

باشد و عليک التحيّة و الثنآء ع ع

\* مقصود اينست که خادم در آن محّل منزل نمايد امّا ملک جناب آقاسيد مهدی باشد

مگر آنکه خود ايشان بکمال روح و ريحان آنرا وقف بيت مقدّس فرمايند ع ع

مقابله شد ٥١٤ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

\* اين دو سطر آخر لوح بخط مبارکست

شيراز حضرات افنان سدرهٴ منتهی عليهم بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

لم ادر يا الهی ان اشکو اليک ايّ بلآئی و ابّث ايّ حزنی و ابتلائی

ارئيت يا محبوبی علی ايّ مصيبتی ابکی و علی ايّ بليّتی اتأوّه و انتحب فی غدوّی و

آصالی ارفع نحيبی علی تتابع البلآء و هجوم الاعدآء بهذاالاثنآء

\* ص478\*

ام اسيل الدموع من الآماق علی ما اشتدّ الساق بالسّاق من اهل النفاق علی عبدک الذی

هو هلال الانحلال عند المحاق ءَ اتاوّه و اتحسّر بما ودعتنی تحت مخالب الصقور

الصاقرة و ودّعتنی فريداً وحيدا تحت براثن الذئاب الکاسره و قطعتَ علیّ السبل

والطرائق و اخدنی حسد الخصمآء الالداء المتشبثين بکل الوثائق ان يرمونی فی بئرٍ

ليس لها قرار من علی الشوائق ام اتحسّر علی توالی المصائب القاصمة للظهور

الراعدة للفرائض ربّ ترانی مغلوباً مقهوراً تتلاعب بی ايدی الاباعد و الاقارب

فما من يوم الا سهم مفوّق مرشوق و ما من صبح الاو سنان مصوّب مشروع و ما من

مسآء الاو سيف شاهر مسلول و مامن عشآءٍ الا و کأس مرير مسموم و انا فی هذه

البليّة العظمی ذاهل الفکر و النّهی و اذا صوت الناعی يبغی بالمصيبة الکبری و

ينبأ عن الرزية العظمی وهی شهادة فرع دوحک الرفيع و مأتم افنان سدرة

رحمانيّک الجليل سمّی رسولک الکريم احمد المحمود القویّ المتين الذی انتبه من

شجرة فردانيّتک و نشأ و نما فی ظل سدرة رحمانيّتک و سمع ندآئک و آمن بک و

بآياتک و صدق بکلماتک و طفح قلبه سروراً ببشارتک و قام

\* ص479\*

علی خدمتک و استقام علی عبوديّتک و تحمّل کل بلآء فی سبيلک و تجّلد علی کل

مشقّة فی محبّتک فهاجر البلاد حبّا بالرّشاد الی ان ورد فی السجن الاعظم و استجار

جمال القدم و دخل محفل التجلی و شاهد انوار المتجّلی و سمع الخطاب و سلک منهج

الصواب و تشرّف بالمثول بين يدی العزيز الوهّاب و دام فی الجوار متمتعاً

بمشاهدة الانوار الی ان ذاق امرّ المذاق فی يوم الفراق عندما اظلمت الآفاق

بافول نور الاشراق و تضعضع ارکانه و ترعرع اعضآء و تسعسع اجزآئه و ذاب لحمه و

اندّق عظمه من تلک المصيبته الدهمأ و الرزية الظلمآء ثمّ هاجر الی البلاد

الشاسعة فی الآفاق خدمةً لامرک بين اهل الوفاق و قد وهن عظمه و انحنی ظهره و

ابيّض شعره فی خدمتک بين الوری و له غاية المنی ان يرجع الی الارض البيضآء و

يتواری حول البقعة المبارکة النورأ و يرجع اليک مشتبشرا بالبشارة الکبری ولکن

يا الهی سبق منک القضآء و تمّت کلمتک عليه ان يستشهد فی سبيلک فی موطن

النقطة الاولی روحی له الفدآء فثلّت يدامن اعتدی و بُعْداً و سحقا لمن تصدّی علی

هذه الخطيئة التّی اندفقت بها دموع الدم من آماق الاحبّآء ربّ افرغ الصبر

الجميل علی الفرع الجليل و افنان

\* ص480\*

سدرة رحمانيّتک فی مأتم ذلک القتیل النبيل وکن سلوةً لقلوبهم و ضماداً لجروحهم و

وفّقهم علی الرضآء بالقضآء والتجلد فيهذاالبلآء و الصبر علی الجمر المحرق

للاکباد ربّ نوّر جدث ذلک الفرع المجيد و طيّب رمس ذلک الشهيد الوحيد بصيّب

رحمتک المنهمر المدرار من سحاب الغفران و ابسط له قوادم الانجذاب و اباهر

الاشتياق و خوافی الارتياح حتّی يرفرف ذلک الطير الصدّاح فی سمآء علآء بهآء

الارواح و يصل الی اعلی ذروة ملکوت الابهی و يؤاوی الی السدرة المنتهی و

يترّنم بابدع الانغام فی قطب الجنان و يدخل فی محفل التجلی و يشهد نور الجمال

المتلألی و يتخلد فی جنّة اللقآء و يرتزق نعمة البقآء الی ابدالآباد انّک

انت الکريم العزيز الوهّاب و انّک انت المعطی الغفور الرّحيم التوّاب ع ع

مقابله شد خط کاتب مهر و امضآءمبارک

شيراز بواسطهٴ بشير الهی

جناب آقاميرزا آقای افنان عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرع الرّفيع من السدرة الرّحمانيّه نامهٴ ١١ رجب بعد از مدّتی واصل

گرديد لذا در جواب تأخير افتاد از يوم حرکت الی الآن اين نامه رسيده امّا

\* ص481\*

عبدالبهآء همواره بياد تو مشغول و بذکر تو مألوف و از آستان مقدّس ترا تأئيد

و توفیق طلبم تا در قطب امکان ثابت و محقّق نمائی که فرع آن سدرهٴ مبارکه ئی و

شرف اعراق و علويّت اخلاق را جمع نموده ئی نسبت حقيقی است و بعبوديّت آستان سهيم

و شريک منی ای حبيب روحانی حضرت بزرگوار افنان سدرهٴ مبارکه جناب ابوی محترم

سرور ابرار بود و از ملکوت اسرار نظر و توجّه تام بشما دارد و آرزوی آن ميفرمايد

که از رشحات سحاب عنايت و حرارت شمس حقيقت و نسيم جانپرور عنايت در جويبار امر

مبارک چنان نشو و نما نمائی که شاخ و برگ بعنان آسمان رسانی تا عزّت ابديّه رخ

بگشايد افنان سدرهٴ ربّانيه جناب ميرزا کوچک را از قبل من روی و موی ببوس و

تشويق و تحريص نا که شب و روز بخدمت آستان پردازد و عليک البهآءالابهی ع ع

مقابله شد ٥١٦ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

عشق آباد حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزاآقا

عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ايهّا الفرع الرّفيع من الشجرة الرّحمانيّه مصائب جان سوز نيريز البتّه بسمع

\* ص482\*

شريف رسيده نفوس مقدّسه و هياکل منزّهه ئی از جواهر وجود و سروران اهل سجود

بمشهد فدا منجذباً الی الملکوت الابهی شتافتند و جان رايگان در ره يزدان فدا

نمودند بکت عليهم السمآء و الارض و ارتفع نحيب اهل البهآء فيهذه المصيبة

الکبری و اشتّد الضجيج من الملکوت الاعلی فيهذه الرزيّة العظمی فيا اسفی علی

تلک الوجوه النورانيّه و يا حسرتی علی تلک النجوم الربانيّه و يا ظمأی

للتجرّع من تلک الکأس الطافحة فی مشهد الفدآء و يا شوقی للفوز بذاک المقام

الاعلی ربّ انّ هولآء نفوس زکت عناصرها و صفت ضمائرها و لطفت سرائرها و انجذبت

الی ملکوت الجمال محفل اللقآء معرض التجلی بانوار البهآء ربّ انّهم اشتقاقوا

السيوف المسلوله و السهام المسمومه و الرماح النواهل فی سبيلک حبّابجمالک و

طلباً لوصالک و شوقاً الی رجائک ربّ اجعلهم کواکب ساطعة من افق البقآء و

سُرُجاً لامعة فی الاوج الاعلی و آيات المؤيّد الموفّق من تشآء علی ماتشآء

لا اله الا انت العزيزالوهّاب اي فرع جليل بازماندگان شهدا بيسر و سامانند و

آوارگان متفرّق و پريشان

\* ص483\*

لهذا بايد فکری نمود احبّای شيراز همّتی نموده‌اند و ياران طهران اعانتی کرده

اند ولی کفايت کی کند اين باده ها بمستی ما علی العجاله بوسائلی تشبّث شد و هزار

تومان و اندکی تهيّه و تدارک گشت از بادکوبه نزد شما ارسال ميدارند فوراً حواله

بشيراز دهيد که صد تومان بجناب عندليب برسانند و مابقی را ببازماندگان شهدا و

آوارگان تقسيم نمايند تا بعد به بينيم خدا چه تقدير ميفرمايد الامر له فی الامور و الاحوال و عليک البهآء الابهی ع ع مقابله شد ٥١٧ خط کاتب مهر وامضآءمبارک

هوالابهی

جناب حاجی شعبان عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ای خادم افنان سدرهٴ الهيّه شکر کن حيّ قديم را که بزيارت روضهٴ مبارکه مشرّف

شدی و از نفحات آن گلستان الهی مشام را معطّر نمودی ديده را روشن و قلب را رشک

گلزار و چمن کردی از خدا بخواه که بآنچه سزاوار اين شرف اعظم است موفّق شوی و

بجان و دل بخدمت افنان قيام نمائی چون نيّت لله ميگردد هر خدمتی راجع باصل شجره

ميشود پس تو اصل

\* ص484\*

نيّت را خالص کن البّته باجر جزيل و رضای الهی موفّق ميگردی والبهآء عليک و

علی کل ثابت راسخ علی عهدالله و ميثاقه ع ع مقابله شد ٥١٨ خط مبارک

هوالابهی

هنکانک حضرات افنان سدرهٴ الهيّه جناب فرع جليل حاجی ميرزا محمّد علی عليه

بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع الجليل من السدرة المبارکة المرتفعه فی سينآء الظهور قد غاب صبح

الفرح و السرور و خاب امل اهل الحبور و انطفأ سرج الصدور و ناحت الحور فی اعلی

غرفات القصور و نادت اُوّاه اُواه انّ الناعی نعی قد وقعت مصيبة و هنت بها

شدائد القوی قد انخسف بدر الامال و انتثرت نجوم الجمال و کورّت شموس الجلال و

صاح اهل سرادق الاجلال واحزنا واويلا قد صدمت رزيّة بها انهدم بنيان الاصطبار

و خسف بها صروح الافراح قد اشتدّت ارياح البلآء و هاجت زوابع الابتلآء و مرّت

عواصف القضآء و اقتلعت اشجار الوفآء فنادت الطيور علی افنان سدرة المنتهی يا

اسفا علی

\* ص485\*

تلک الوجهة النورآء و الغرّة الغراء و الخریدة الفريدة فی کل العليآء قد سالت العبرات و تسعرّت

نيران الحسرات و اظلم انوار المسرّات و شفقّت الجيوب طلعات مقدّسات و نحن و ارفع

ضجيجهنّ بالعويل يا حسرتا بما انهدام الرکن الشديد و نکس علم مجيد و طوی شراع

رفيع و انخمدت نيران الافراح اگرچه اين ماتم را با چشم گريان و قلب سوزان و

بريان اهل سرادق رحمن تلقّی نمودند و از آه و انين و تاوّه و حنين انجمن يزدان

دقيقهٴ آرام نگرفتند در اين صورت تسلی مشکل است ولی چون آن طير حديقهٴ بقا

برياض ملکوت ابهی پرواز نمود و آن بلبل باغ بها بفردوس ملاءاعلی عروج فرمود بايد

آن حضرت جميع فروع سدره را تسلی بخشند و دلداری دهند از فضل قديم و جديد ربّ

مجيد اميدوارم که عنقريب کل در آن انجمن رحمن مجتمع گرديم و در آن ظل ظليل

مستظل شويم از عين تسنيم بنوشيم و در بساط اهل ملاء عاليّن داخل گرديم انّه

هوالموفی المؤيّد الکريم ع ع مقابله شد ٥١٩ خط مبارک

\* ص486\* هوالله

مناجات در ذکر فرع جليل جضرت حاجی محمّد علی افنان عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

و انت الذی يا الهی خلقت و برئت و ذرئت بفيض جودک و صوب غمام رحمتک حقائق

نورانيّه رحمانيّه و رقائق کينونات ربّانيّه صمدانيّه و ربّيتها فی عوالم قدسک

بيد ربوبيّتک و انشئها بصرف فضلک و انبتها من سدرة فردانيّتک و اخرجها من دوحة

صمدانيّك و جعلتها آيتك الكبری و موهبتك العظمی بين خلقك و من تلك الحقائق هذا

الفرع الکريم و الاسم العظيم و النورالمبين ذوالخلق البديع والوجه المنير ای

ربّ اسمعه ندآئک و اريته جمالک و هديته الی صراطک و شرّفته بلقائک و القيت عليه

خطابک و جعلته مظهر الطافک و مطلع احسانک و مهبط الهامک و اضئت وجهه بنور عرفانک و عطرّت مشامه بنفحاتک و انطقه بثنائک و شرحت صدره بآياتک و ارحت روحه بجودک و

روحک و رَوْحک و شميم نسيم حديقة اسرارک و اثبّته علی

\* ص487\*

عهدک و ميثاقک و مکنّت له فی ارض الوجود بقوّتک و اقتدارک ای ربّ لمّا هديته

الی النار الموقدة فی سدرة البقآء و اصطلی بنارالهدی فی سينآء الاعلی شرب کأس

الوفآء و ثمل من سورة المشمولة الصهبآء وصاح و نادی يا ربّی الاعلی وفّقنی

علی ما تحّب و ترضی و بيّض وجهی فی النشأة الاخری کما نوّرته فی النشاة

الاولی فلما تنفّس صبح الهدی و اشرقت شمس ملکوتک الابهی و انتشرت انوارک علی

کل الارجآء توجّه الی ضيآء جمالک توجّه الحرباء و اجاب ندائک ببلی و هام فی

بيداء الولآء و استهام فی نور جمالک الساطع علی الانحآء و قام بالثنآء بين

ملأ الاحبّآء و توکّل عليک و توجّه اليک و وفد عليک و تمثّل بين يديک و تشرّف

بالاصغآء باذن واعيه و احتظی بالمشاهدة و اللقآء ببصيرة حديده کافية و شغفته

حباً و ملأ منک عشقاً و غراما و ناجاک صباحاً و مساء و غدّواً و آصالا ای ربّ

اکمل ايّامه و انتهی انفاسه و ترک قميصه و خلع ثيابه و رجع اليک طيّباً طاهراً

عرياناً خالصاً مشتعلاً منجذباًمتشوّقاً مهتّزاً بنفحاتک اکرم مثواه و انزله

منزلا مبارکا خير نُزُل فی جوار رحمتک الکبری و ارفعه الی مقعد صدق مکمن قدس فی

ملکوتک الابهی و ظلّل عليه سدرتک المنتهی

\* ص488\*

و احشره مع الملاء الاعلی و اسقه کأس اللّقآء و قدّر کل خير لمن يزور

رمسه الطاهرالميکّی الشذا و اجب دعآء من يدعوک فی بقعة روضة الغنّآء انّک انت

الکريم الرحيم العظيم الوفآء و انّک انت الرحمن يا ربّی الاعلی ع ع مقابله شد

٥٢٠ خط مبارک

هوالابهی

جناب افنان حضرت آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ربّ مولائی و سيّدی و منائی انت رجائی و انت بهآئی فضلک غاية آمالی و جودک

اعظم سئوالی ذکرک سراجی و شوقک سبيلی و منهاجی حبّک روحی و فيضک فتوحی عرفانک

ايمانی و افنانک سلوتی و اطمينانی اسئلک بموهبتک التی خضرّت بها کل الاشجار و

اثمرّت بها کل حدائق الجنان و انتشبت بها کل رياض و اهتزّت و ربت و انبتت کل

غياض بان تجعل هذا الفرع خضلاً نضراً مخضّراً ريّانا مؤنقاً فی ايکة قدس

فردانيّتک و روضة انس رحمانيّتک حتّی تبّهر الابصار و تحيّر الافکار و تشخّص

الانظار نضارته و لطافته

\* ص489\*

و طراوته انّک انت المفتدر المتصرّف المعطی الجواد الکريم ع ع مقابله شد ٥٢١ خط مبارک

هوالابهی

حضرت فرع شجرهٴ مبارکه جناب حاجی ميرزا محمّدعلی عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

ايهّا الفرع الجليل من السدرة الرحمانية چند روزی پيش مکتوبی ارسال شد و حال

چون قلب و روح بنفحات روحانی محبّت احبّای الهی مستبشر خامه و مداد حاضر نموده و

بذکر آن محبوب فؤاد مشغول گرديدم و از الطاف خفيهٴ سلطان احديّه اميدوارم که آن

فرع مبارکه شجرهٴ رحمانيّه در جميع احيان بنفحات قدس رحمن مهتزّ و زنده و تر و

تازه باشند و بنسائم رياض جمال انفاس طيبّهٴ طيب فردوس يزدان مستبشر و منشرح

گردند در مدينهٴ عشق آباد امرالله مشتهر و واضح و باهر و بهيچوجه ستر و حجابی

در ميان نه حضرات در آنجا در بيت اعظم اساس مشرق الاذکاری نهادند و نا تمام

گذاشتند حال جميع طوائف سائره در آنجا حتّی بعضی اجزآء حکومت سئوال و استفسار

مينمايند که چرا

\* ص490\*

ناتمام گذاشته‌اند و بعضی حمل بر عجز اين طائفه نموده‌اند که تا بحال قدرت

بنای يک مشرق الاذکار ندارند چه که مدينه تقيّه نمانده که مدار اعتذار باشد و از

قضا مقداري که تعمير شده آن نيز بر قواعد و اصول مشرق الاذکار بنا نگشته لهذا

نقشهٴ آن در اينجا کشيده شد که در هر جا بخواهند که بنا کنند بر اين منوال

تأسيس نمايند حال مقصد اينست که از آنحضرت در اين خصوص مشورت گردد که چه قسم

مصلحت ميدانيد و نقشه نيز ارسال ميشود اين نقشه نه باب و نه خيابان و نه باغچه و

نه حوض و نه ضلع و نه عمود و نه رکن و نه غلامگردش و نه رواق از داخل است که

جمعاً نه اندر نه است که ترتيب روضهٴ مطهّره خواهد بود حال چون اسباب مهيّا نه

مقصد اينست که محلی در ارض اعظم عبرت از نه رکن در وسط ارض بنا شود من بعد

بمقتضای وقت و اسباب اکمال گردد و آن بنا که از پيش شده در کناره واقع بآن

بهيچوجه تعرّض نشود بر حال خود باقی ماند و البهآء عليک ع ع مقابله شد ٥٢٢ خط مبارک

\* ص491\*

هوالابهی

ش حضرت افنان سدرهٴ رحمانيّه جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع الرفيع من السدرة المبارکه چنديست که خبری از آن فرع رفيع نرسيده و نفحهٴ معطّری بمشام مشتاقان نرسيده از الطاف خفيّه و عنايات جليلهٴ ملکوت ابهی اميدوارم که در جميع امور مؤيد بتأئيدات غيبيّه الهيه گرديد و سبب نشر نفحات رحمانيّه جناب عندليب عليه بهآء ربّه الجليل ببلايآء و ضراّء و اضرار متعدّده مبتلا شدند و از هر جهت دلتنگی و دست‌تنگی بجهتشان فراهم آمده است ملاحظهٴ ايشان از هر جهت لازم و واحب لهذا اگر چنانچه از حقوق چيزی نزد آنحضرت حاضر گردد مبلغ هشتاد تومان تقديم جناب عندليب فرمائيد ع ع مقابله شد

٥٢٣ خط مبارک

\* ص492\*

هوالابهی

حضرت افنان دوحهٴ بقا جناب ميرزا آقا عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

ايهّا الفرع الکريم من الشجرة المبارکه چون در اين ايّام سيل شديد در نيريز شده و اهل و عيال جناب حاجی ميرزا حسن عليه بهآءالله الابهی آنچه داشته کل معدوم و مفقود گشته در نهايت درجهٴ مشقتند لهذا اگر از حقوق چيزی نزد آنجناب موجود مبلغ سی تومان بعيال جناب مشارالله و سی تومان بجناب آقاميرزا احمدعلی که در نيريز است بهر وسيله که ممکن باشد برسانيد و اين کيفيّت سبب حصول رضای جمال مبارک روحی لاحبّآيه فداست والبهآء عليک ع ع مقابله شد

٥٢٤ خط مبارک

هوالابهی

حضرت افنان سدرهٴ منتهی جناب آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع الرفيع من السدرة المبارکه مکاتيب متعددّه

\* ص493\*

ارسال گشت و حال نيز بذکر شما مشغوليم ملاحظه بفرمائيد که قلب در چه مقام از وله

و انجذابست که صدهزار مشاغل و متاعب و موانع و مصائب دقيقه ئی اين قلب و روح را

از ياد و ذکر افنان دوحهٴ بقا مانع و حائل نگردد پس چون موج اين بحر عبوديّت و

فنای ساحت کبريآء بآن سواحل و شواطی ظِمآء و عطاش رسد دامن طلب و اشتياق را از

لئالی انجذاب مملو فرما و بتمجيد و توحيد و تسبيح و تقديس جمال قدم و اسم اعظم

روحی و ما ملکنی الله فی سبيل احبّائه فدا زبان بگشا که اين چه لطف عميم و فضل

عظيمست که هياکل فنا را مظاهر انوار بقا فرمودی و نفوس مسکين را در ظل سدرهٴ

منتهی مأوی دادی عليلان را درمان عنايت مبذول داشتی و درماندگان را مرهم و رحمت

احسان کردی بال و پر شکستگان را جناح قوّت دادی و موران را بر تخت سليمانی

نشاندی ما بندهٴ ضعيفيم و بنهايت نحيف و حقير عبدالبهآء عبّاس ع

چون لطف و رأفت شما در حقّ دوستان مبثوت و مسلمست لهذا از

\* ص494\*

حقّ ميطلبم که شما را در جميع شئون موفّق فرمايد حتّی در تحصيل حقوق جناب درويش

از برادر بيمروّت و کيش و اين عمل را اجر جزيل در پی و البهآء عليک ايهّا الفرع

العزيز عبدالبهآء ع مقابله شد

٥٢٥ خط مبارک

هوالابهی

حضرت افنان الشجرة الرحمانيّه جناب حاجی ميرزا محمّدعلی عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

الهی الهی هذا فرع من فروع سدرة رحمانيّتک و دوحة من حدائق کلمة وحدانیّتک و

سراج موقد ملتهب بالنار المتسعّرة فی شجرة فردانيّتک ‌ای ربّ قد قضی الايّام و هو

متبتّل اليک و سهر اللّيالی و هو متضرّع بين يديک و تيقّظ فی الاسحار و هو مبتهل

الی ملکوتک متوّکلاً عليک کم هو ناجاک فی جنح الظلام و کم هو ناداک فی خلوات

الليالی و الايّام راجياً ان تحفظه من سهام الشبهات و تثبّت قدمه علی صراطک

القويم و منهجک المستقيم بالآيات الباهرات و وضوح البشارات ای ربّ انّه آوای

الی کهف

\* ص495\*

عونک و عنايتک و التجآء الی جوار صونک و حمايتک و لاذ بحصن حفظک و کلائتک ايرّب

احرسه بجنود غيبک و ملائکتک و لاحظه بعين رعيتک و صيانتک و احی قلبه بنفحات قدسک

و اشرح صدره بروحات انسک و انعش فؤاد بنسائم تقديسک و نوّر وجهه بانوار توحيدک و اقرر عينه بمشاهدة آثار تأييدک و اسبغ عليه نعمتک و اشمله بلحظات طرف عنايتک

و افتح عليه ابواب برکتک و اجعله مظهر آيات رحمتک بين بريّتک انّک انت المقتدی

المتعالی العزيزالکريم ع ع مقابله شد ٥٢٦ خط مبارک

هوالابهی

جناب افنان ميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی و جناب حاجی ميرزاعلی افنان عليه

بهآءالله الابهی جناب غلامحسين خان عليه بهآءالله الابهی جناب فاضل عليه

بهآءالله الابهی جناب ميرزامحمّدباقر عليه بهآالله الابهی جناب آقا ميرزابزرگ

عليه بهآءالله الابهی جناب آقاسيّدمحمّد علی عليه بهآءالله الابهی

اگر چه شمس حقيقت بظاهر بغمام غيبت مجلل لکن چون بچشم بينا نگری و گوش شنوا

بشنوی و قلب آگاه

\* ص496\*

بينديشی انوار نيّر اعظم شديدتر شد و شعاع سراج الهی روشنتر بحر اعظم

کبريا امواجش عظيمتر گشت و فيوضات سمآء رحمن قويتر و ظاهر تر چه که تا بحال

غمام هيکل بشری مانع مشاهدهٴ آفتاب حقيقت بود حال آن بدر منير و آفتاب فلک اثير

از افق ابهی فی الحقيقه مقدّس از جميع شئون و طالع و لائحست و نريکم من افقی و

ننصر من قام علی نصرة امری بجنود من الملاء الاعلی و قبيل من الملائکة المقرّبين

نصّ قاطع چنانچه در ظهور مظاهر احديّه من قبل مشهود واضح گشت که بعد از صعود و

عروج معدودی قليل و بحسب ظاهر عديدی ذليل بودند چون اين نفوس ضعيفه باستقامت

کبری قيام نمودند از تأييد و توفيق الهی و فيوضات روح القدس معنوی از مشرق

امکان چنان طالع و لائح گشتند که انوار سرمديّه‌اش آفاق جهان باقي را روشن و منير

مينمايد البدار البدار يا احبآءالله و امنائه الی هذا الفضل الاعظيم الوحیٰ

الوحیٰ يا خيرة الخلق و صفوتهم

\* ص497\*

الی هذاالمقام المتعالی المفخّم ع ع قابله شد ٥٢٧ خط مبارک

# هوالابهی

ايهّا الفرع المبارکه من سدرة المنتهی نور الله وجهک بالانوار الساطعة من

الملکوت الابهی اگرچه خزان احزانست و خريف اشجان وقت ناله و فغانست و هنگام چشم

گريان با وجود اين عندليب وفا چگونه آغاز راز و نياز کند و نغمه و آوازی بر آرد

که قلوب را تسّلی بخشد و نفوس را سکون و قراری و ارواح را شکيب و اصطباری ارزانی

کند ولکن چون عنايات سلطان احديّت و مواهب و فيوضات حضرت رحمانيّت در جميع شئون

شامل آن فنون شجرهٴ مبارکه بوده و هست و انوار هدی از افق ابهی ساطع و لامع و

فيض حقيقی و تأييد الهی از ملکوت الهی متتابع بايد بشکرانهٴ اين نعمت عظمی و

عنايت ابهی دست ستايش بر افراخت و زبان نيايش گشود و بمحامد و نعوت الهيّه در

مابين بريّه مشغول گشت تا آناً فاناً اين تأييد تزييد يابد و اين فيض تهديد شود

احبّای الهی را جميعاً يعنی هرکس که در آنجاست بتکبير ابدع ابهی مذکّريم

والبهآء عليک ايهّا الفرع المبارک العظيم ع ع

\* ص498\*

ع ع مقابله شد ٥٢٨

هوالابهی

هند حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب حاجی ميرزامحمّدعلی عليه بهآءالله

الابهی ملاحظه فرمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع الجليل من السدرة مبارکه قلب مشتاقان طالب و مائل که در هر ساعتی

ورقی نگارد و در هر دمی رقمی زند مراتب اشتياق را بيانی کند و انبعاثات دل و

جان را شرح و تشريحی نمايد لکن فرصتی دست ندهد و زمان کفايت نکند يک نقطه است

الواح و زبری تفصيل و تفسير در هرآن لازم و يک جذوه است صدهزار شعله در هر دمی

واجب در هر دقيقه اين معين مداد اگر چون بحر محيط امواجی چون جبال زند کفايت

نکند و در هر نفسی اين خامه اگر چون سيل فيضان نمايد از عهده بر نيايد مقصد

اينست اگر فرصتی بود در هر طرفة العين کتاب مبينی ارسال ميشد امّا فی الحقيقه در

عوالم روح و فؤاد در جميع اوقات مکاتبات و مخابرات مستدام و بر قرار است فتوری

\* ص499\*

ابداً نيست و در کل حين و آن بکمال عجز و ابتهال بملکوت ابهی تضرّع و نياز

ميشود که آن فرع رفيع باوراق تأیيد و ازهار تجريد و روائح توحيد مؤيد شوند و از

افق اين کور اعظم بانوار ساطعهٴ ثبوت و رسوخ و قيام بر خدمت امرالله چنان مشرق

و لامع گردند که آفاق اکوان را روشن نمايد ربّ ايدّه بتأييداتک و وفّقه

بتوفيقاتک انّک انت الکريم الرحيم ع ع مقابله شد

٥٢٩ خط مبارک

هوالابهی

حضرت افنان سدرهٴ الهيّه جناب ميرزامحمّد علی عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع الجليل من السدرة المنتهی عليک بهآءالله و ثنآئه و نور و ضياء و

فضله وجوه و نواله در اين وقت که هويّت قلب از حفيف سدرهٴ منتهی در اهتزاز است

و حقيقت روح از نفحات ملکوت ابهی در نهايت انجذاب چشم از مشاهدهٴ آيات کبری روشن

و جان و وجدان بياد آن شاخ بزرگوار سدرهٴ

\* ص500\*

سدرهٴ رحمانيّه گلزار و گلشن اين عبد خامه برداشته که نامه نگارد و آنچه در

حقيقت فؤاد مودوع بيان نمايد و حال آنکه قلم و مداد از عهدهٴ بيان اشواق قلب و

فؤاد بر نيايد و صفحه و اوراق حقيقت هيجان دل و جان را نگنجد بلکه جوهر تبيان

اين موهبت رحمن منوط بفيض روحانی و ارتباط معنويست که در سّر وجود مودوع و مستور

است ربّ و سلطانی و مولای و رحمانی هذا فرع جليل من سدرة رحمانيّتک و فنن رفيع

من شجرة وحدانيّتک اشمله بلحظات عين عنايتک و ارسل اليه فی کل حين نسائم رياض

احديّتک و ادّر عليه غمام فيض صمدانيّتک و الق عليه شعاع شمس حقيقتک حتّی يخضّر

باوراق الطافک و يزهر بازهار احسانک و يثمر باثمار عرفانک و ينشأ فی رياض آثارک

و يمتدّ الی سمآ جودک و اکرامک ای ربّ خصّصه بآيات فضلک و عطائک و ايدّه

بمظاهر الطافک و انعامک و انصره بجنود ملکوتک و انجده بملائکة قدسک و اجعله آية

باهرة فی ملکک و راية متدفّقة فی اعلی الاعلام بين عبادک و نوّر وجهه بانوار

توحيدک و اشرح صدره باسرار تفريدک و اسمعه من نغمات طيور القدس من جبروت

\* ص501\*

تقديسک و اجعله مظهر نورک و مقتبساً من نار طورک و اثر ظهورک و نفحة رياضک و

جرية مياه حياضک و آية فيضک و فضلک لعبادک انّک انت المعطی الکريم الوهّاب

عبدالبهآء ع مقابله شد ٥٣٠ خط مبارک

# هوالابهی

قاب نقره که از صنايع بديعهٴ چين و بجهت وضع اثر شمائل جمال انور بود بواسطه

جناب حاجی سيد جواد عليه بهآءالله رسيد و بانوار ساطعهٴ او شمائل مقدّسه مزيّن

گرديد و در حين زيارت بياد آنجناب مشغول ميشويم فی الحقيقه آن حضرت موفّق باين

موهبت شده‌اند سه قاب موجود دو تا به شمائل مبارکهٴ جمال قدم و يکی بشمائل

مبارکهٴ حضرت اعلی روحی لاحبّائهم الفدا مشرّف شده‌اند و هر سه مرسلهء آن حضرتند

لعمرک هذا فضل عظيم وجود مبين والبهآء عليک عبدالبهآء ع مقابله شد

هوالابهی

حضرت افنان سدرهٴ منتهی جناب حاجی ميرزامحمّد علی عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

\* ص502\*

# هوالابهی

يا الهی و رجائی اعلم سرّی و علانيتی و خفائی و جهاری و تعرف مبلغ حبّی و شغف ودّی بفرع سدرة فردانيّتک و افنون شجرة وحدانيّتک و فضيلة دوحة رحمانيّک ای ربّ

طیّب منبته بصيّب الطافک و رطّب اوراقه بفيض سحاب احسانک واجعله مورّقاً بامطار

ربيع اکرامک و مزهراً بنسائم جنّته عنايتک و مثمراً فی فردوس وفآئک اي رب عطّر

الافاق بفوحات رياض قلبه و نوّر الارجآء بسطوع شعاع شوقه و اشعل الافئدة من

النار الموقدة التی اشتدّت لواعجها من نيران محبّتک و ارح الارواح من استماع

ندآء الذی ارتفع من عشقک و شوقک اي ربّ ادم عليه انعامک و تمّم عليه نعمک و

آلائک انّک انت الکريم الجواد الرحيم ع ع

٥٣٢ خط مبارک

# هوالابهی

در خصوص مشرق الاذکار جواب مرقوم بود بسيار مقبول انشآءالله بهمين قسم مجری

ميشود و از فضل و عنايت جمال قدم روحی لتراب تربة فدا اميدوارم که در جميع امور

مؤيّد و موفّق گرديد و ابواب کل خير بر وجه آن جناب

\* ص503\*

فتوح گردد و البهآءعليک و علی کل ثابت راسخ علی ميثاق الله ع ع

مقابله شد

# هوالابهی

حضرت افنان سدرهٴ مبارکهٴ الهيّه جناب حاجی ميرزا محمّد علی علیه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع المجيد من الشجرة المبارکة الناطقة فی سدرة السينا عليک بهآءالله و ثنآئه و فضله و جود و احسانه حضرت افنان کبير فرع جليل عليه بهاء ربّه العظيم و محبوبه الکريم از اين

ظلمتکدهٴ فراق بخلوتگاه محبوب آفاق صعود فرمودند و بمنتهای شوق ربّ ادرکنی گويان

بملکوت ابهی و افق اعلی شتافتند آن منجذب الی الله از بدايت نشئت بچه فضل و

موهبتی موفّق و مؤيد شدند و بچه خلعتی مخلع گشتند از اشرف اعراق بودند و

باکمل اخلاق مشهور شدند از سنّ طفوليّت و بدو صباوت منجذب ملکوت اعلی بودند و

متوجّه جبروت اسمی و چون

\* ص504\*

نشو و نما نمودند در تحصيل علوم کوشيدند و جام عرفان را از يد ساقی عنايت چشيدند

و چون انوار صبح الهی بفيض نامتناهی آفاق اکوان را منوّر نمود و نفحات قدس مشام

مشتاقان را معطّر کرد چشمی روشن نمودند و جانی گلشن کردند اقتباس انوار از مشکاة

الهی نمودند و اکتساب فيض نامتناهی از غمام رحمانی و چون شمس قدم از افق اسم

اعظم طالع و لائح گرديد چون نجم بازغ باز استفاضهٴ انوار از آن نيّر بزرگوار

نمودند و بنور هدی در بقعهٴ سينا مهتدی شدند فرع جليل اين سدرهٴ مبارکه شدند و

افنون رفيع اين دوحهٴ مقدّسه سائق توفيق و دليل موهبت ربّ کريم در آفاق گرداند

تا آنکه در ظل جمال قدم و پناه اسم اعظم روحی لاحبّائه فدا منزل و مأوی عنايت

فرمود مدّتی از عمر را در جوار جمال مبين و سايهٴ حصن حصين بسر بردند و مظهر

الطاف جليله و عنايات عظيمه و احسانات متتابعه بودند و چون زلزله بر ارکان وجود

افتاد و کينونت اکوان و امکان از فراق

\* ص505\*

جمال رحمن بگداخت و اين جهان سرور ظلمتکدهٴ غموم گشت و اين گلشن ازهار گلخن

آتشبار گشت ارکان حقائق نفوس مقدّسه متلاشی شد و بنيان حيات ذوات منجذبه مهدوم

گشت صبر نماند و قرار بباد رفت از آن ايّام حضرت افنان حالش دگرگون شد و شدّت

حرقتش آناً فاناً افزون گشت تا آنکه فی الحقيقه مدّتی بود مدهوش و بيهوش بودند تا

آنکه در اين ايّام پَر اشتياق باز نمودند و برفيق اعلی و افق ابهی پرواز نمودند

و در آن گلشن تقديس در سدرهٴ منتهی آشيانه ساختند و در جوار رحمت کبری منزل و

مأوی گرفتند و مظهر آيهٴ مبارکهٴ والسلام علی يوم ولدت و یوم اموت و يوم ابعث حيّا

شدند طوبی له ثمّ طوبی له بشری له ثمّ بشری له ربّ و رجآئی و ملجئی و ملاذی

هذا افنون من افنان شجرة رحمانيّتک و فرع من فروع سدرة ربّانيّتک قد احترقت کبده

من نارالفراق و هزّته نسائم الاشتياق حتّی تاجّجت نيران الاشواق بين الضلوع و

الاحشآء و ابتهل الی ملکوتک الابهی ربّ ارجعنی اليک و نجنّی من وهدة النّوی و

شدّة الجوی و ورطة الاسی بفضلک و جودک

\* ص506\*

يا جمال الاعلی و ربّ الآخرة و الاولی و ادرکنی ادرکنی و فی جوار رحمتک اسکنی

و من موائد لقائک ارزقنی و من موائد عنايتک اطمعنی بروح مشاهدتک احينی و بنور

وصلک نوّرنی و من کأس البقآء فی ساحة اللقآء اسقنی و من نغمات طيور القدس

فاسمعنی ربّ اجب دعائه و استجب مسئوله و يسرّ له امره و اشرح صدره و نوّر وجهه و

افرح قلبه و سرّ روحه برحمتک الکبری و فضلک و جودک يا من بيدک ملکوت الاشيآء

انّک انت الفضّال المتعالی الکريم ع ع مقابله شد ٥٣٢ خط مبارک

هوالابهی

ای افنون منشعب از سدرهٴ الهيّه جعلک الله خَضِرا نَضِرا رَطِبا طَريّا

مُزهراً مثمرا اين جهان ترابی هر چند نزد نادانان وسيع و دلگشاست لکن فی الحقيقه

بسی تنگ و تاريک است شرابش سرابست و عذبش عذاب شهدش حنظل است و حياتش ممات معجّل راحت و سرورش دميست و دريای پر خروشش عبارت از شبنمی بقسمی تنگ است که گياه ضعيف ریشه ندواند و حتّی مرغ حقير لانه و آشيانه نتواند لهذا

\* ص507\*

افنان سدرهٴ مبارکه بايد انشآءالله در فردوس الهی قدی بفرازند و در حديقهٴ بقا

سبز و خرّم گردند و باثمار وله و جذب و اشتعال مزيّن گردند در انجمن دوستان شمع

فروزان باشند و در مجامع تقديس و شبستان توحيد مشعلی سوزان ای افنان شجرهٴ

مبارکه شما مطالع آيات ربّ مجيديد و مشارق انوار ربّ فريد سرو بوستان عنايتيد و

گل گلستان سلطان احديّت لئالی اصداف عزّت قديمه‌ايد و جواهر معادن حضرت وحدانيّت

بايد در جميع احيان از افق امکان کوکب لامع باشيد و ستارهٴ هدايت ساطع انّ فضل

ربّکم عليکم عظيم عظيم والبهآءعليک ع ع مقابله شد

٥٤٣ خط مبارک

هوالابهی

ايتّهاالورقة المبارکه حضرت فرع شجرهٴ رحمانيّه آقاميرزا عبدالوهّاب در بقعهٴ

مبارکه بزيارت عتبهٴ مقدّسه مشرّف و فائز است و بقبلهٴ ملا اعلی ساجد و راکع و در

جميع اوقات بياد شما مشغول و بذکر شما مألوف اميدوارم من بعد شما نيز مشرّف

گردی الحمدلله از سدرهٴ مقدّسه نابتی و

\* ص508\*

در ظل عصمت فرع دوحهٴ مبارکهٴ طيّبه الهيّه و مؤمنه و موقنه و ثابته و راسخه

فاشکری الله علی هذاالفضل العظيم ع ع مقابله شد

٥٣٤ خط مبارک

# هوالله

ايهّا الفرع النجيب من السدرة الرحمانيه در کمال استعجال مرقوم ميشود نفوس

مقدّسی در نيريز هدف سهام درندگان خونريز گرديدند و در سبيل فدا جام لبريز

نوشيدند و بمنتها آرزوی مقرّبين رسيدند ولی بازماندگان بی سر و سامان و آوارگان

نيريز در سروستان در نهايت احتياج لهذا بقدر هزار تومان و کسری تدبير شد و از

بادکوبه نزد آنحضرت ارسال خواهند داشت بوصول حواله بشيراز دهيد که تأخير نشود

صد تومان از این وجه تعلق بجناب عندليب دارد تسليم ايشان نمائيد و مابقي تعلق

ببازمانگان شهدا و آوارگان نيريز دارد و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

٥٣٥ خط مبارک

\* ص509\*

حضرت افنان شجرهٴ مبارکه جناب حاجی ميرزامحمّد علی عليه بهآءالله الابهی

ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع الرفيع المنشعب من سدرة المنتهی عليک بهآءالله و ثنآئه و نوره و

ضيآئه و فضله و جوده و علآئه قد تلوت ما ناجيت به ربّک المجيد و تضرّعت الی

مولاک القديم و ابتهلت الی ساحة قدس محبوبک العظيم و رتّلت آيات شوقک و الواح

انجذابک و سعت انينک و حنينک شوقاً الی لقآء ربّک و توقاً الی الملکوت الابهی

فهنيئاً لک بما ثبت علی امرالله و استقمت علی حبّه و رسخت قدماک فی موقف

الرجفة الکبری و الرادفة العظمی اذ تزلزلت ارکان الارض و السمآء و زلت اقدام

اولی النهی و انفصمت ظهور الفحول من شدائد الامتحان و قوّة الافتتان من وقوع

المصيبة الدّهمآء الصمآء العميآء اذاً ايهّا الفرع المجيد فاحفظ

احبّآءالله و اودّآئه

\* ص510\*

لو تهفّ فراش شبهات اهل البيان حول سراج قلوبهم ليحترق جناحه و ان يسترق السمع

شياطينهم فلتکن نفحات قلوب احبّآءالله و انوار اسراره شهباً ثاقبة تطردهم و

نتضرّع الی ملکوت الابهی ان يحشر الموحّدين فی هذه الايّام تحت لواء الاستقامة

الکبری و الثبوت و الرسوخ علی امرالله و يجعلهم مطالع ذکره و مشارق نوره و

مظاهر برهانه و مهابط الهامه حتّی يتنوّر الامکان بانوار وجوههم و يشتعل قلب

الاکوان بنار حبّهم و ينجذب ارواح الوجود من شوقهم و توقهم لعمرالله يتهلل وجه

السمآء بوجود هولآء و يصبح وجه الغبرآء جنة الابهی بوجوه هؤلآء و صلی

اللهم علی شجرة وحدانيّتک و اغصانها و افنانها و اوراقها و ازهارها و اثمارها

بدوام سلطنتک العظمی انّک انت المقتدر القدير ع ع مقابله شد ٥٣٦ خط مبارک

هوالابهی

قونسول ايران در بمبئی و چند نفس مجهول خيال رخنهٴ در امرالله دارند افنان

سدرهٴ منتهی مظهر آيهٴ مبارکه و قل جآءالحق و زاهق الباطل انّ الباطل کان

\* ص511\*

زهوقا الحمدلله هستند لکن مع ذالک در جميع هندوستان بايد مواظب بود که دسائس و

حيل و خداع اين حزب تاثير ننمايد در اسلامبول چند نفر بيسر و پا بودند جناب

افنان آقاسيد احمد را بسيار اذيّت نمودند چون جناب آقاسيد احمد مظلوم بودند

نهايت فساد را از جميع جهات در حقّ ايشان از طعن و افترا و تحريک الواط و جهّال

و ظلام نمودند حال در بمبئی و سائر بلاد هند نيز چون دستی پيدا نمايند بانواع

دسائس بفتنه و فساد مشغول خواهند شد لهذا حضرات افنان سدرهٴ مبارکه در جميع

اوقات بايد متنبه و بيدار باشند که اين حزب بمفتريات و شبهات و القأآت خويش

رخنهٴ ننمايند آنچه ارسال فرموده بوديد رسيد والبهآء والروح عليکم يا افنان

سدرة المنتهی مقابله شد

هوالابهی

حضرت فرع جليل شجرهٴ مبارکه جناب حاجی ميرزامحمّد علی عليه بهآءالله الابهی

ملاحظه نمايند

هوالابهی

ايهّا الفرع الجليل من السدرة الرحمانيّه در چندی پيش در تعزيت فرع شجرهٴ

\* ص512\*

مبارکه نامهٴ مرقوم و ارسال گرديد اميد از فضل و مواهب ربّ مجيد چنان است که

بنفحات قدس از ملکوت ابهی تسلی در اين مصيبت عظمی حاصل گردد و چنان روايح

رحمانيّه اصل شجرهٴ مبارکه مشام آن فرع جليل را معطّر دارد که اين فراق بخاطر

نيايد عنقريب بفضل و جود سلطان وجود کل در آن ظل ممدود و مقام محمود جمع شويم و

در ملکوت ابهی و افق اعلی و حديقهٴ بقادر جوار مليک اسمآء روحی لاحبّآئه الفدا

انجمن آئيم ربّ قرّب يوم لقآئک و عجّل فی صعودی و وفودی علی باب رحمانيّتک و

ورودی فی ملکوت فردانيّتک و ارزقنی مشاهدة جمالک و متعنی بوصالک انّک انت

الکريم الرحيم بحضرت فرع شجرهٴ مبارکه جناب آقا ميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

امر بفرمائيد که بقدر الامکان اعانتی بجناب عندليب عليه بهآءالله الابهی

بفرمايند چه که بسيار پريشانست و معاونت مقبول درگاه حضرت کبريآء ع ع

صندوقهاي چاي مذاق و مشام دوستان را شيرين و معطّر نمود و ميوهٴ چين كام آشنايان

را شيرين کرد در نزد مامورين عثمانيين بسيار جلوه نموده متصرّف

\* ص513\*

خواهش کرده اگر چنانچه بسهولت ممکن قدری ارسال شود مقابله شد ٥٣٧ خط مبارک

هوالله

زيارت حضرت فرع جليل سدرهٴ منتهی الذی طار روحه الی ملکوت الابهی جناب حاجی

ميرزامحمّد علی افنان عليه بهآءالله الابهی

هوالابهی

ايا نفحات الله تنسّمی ايا نسمات الله تنفّسی و اقصدی ديار الطرف القبلی ارضاً

فيها توارت نفس نفث فی روعه روح من الله و تضمّنت هيکلاً حشر تحت راية الله و

قلباً انجذب بنفحات الله و احشآء و اضالع تسعرّت بينها نار محبّت الله و حيّی

ذلک القبر المنوّر و الرمس الطاهر المطّهر و قولی النور الساطع من الافق

الاعلی و الشعاع اللامع من ملکوت الابهی جلل ضريحک المعطّر و سطح فوق رمسک

المعنبر و تتابعت طبقات النور من شمس الظهور بالنزول علی بقعة تنوّرت بجسدک و

تضمنّت جسمک و احتوت بهيکلک الزکی الطاهر المجلل الکريم المظّل بغمام الطاف

ربّک الرحمن الرحيم طوبی لديار اغتربت

\* ص514\*

فيها و بشری لبقاع اقتربت اليها و يا شرفا لارض تواريت فيها و عزّاً لبقعة اختفيت

فيها عليک بهآءالله و رحمة و رضی الله عنک و خصّک بموهبة و اراح روحک بنفحات

فاحت من رياض احديّته و الاح وجهک فی حدائق رحمانيّته و تنوّر بصرک بمشاهدة جمال

هويّته علی سدرة فردانيّته بما سمعت الندآء و اجبت الدعآء و لبيّت لربّک

الاعلی و خضعت لسلطنة محبوبک الابهی و اشتعلت بنار محبّة الله و توکلت علی

الله و احترقت بنيران الهجران و لظی الحرمان حتّی رجعت الی الله و توجّهت اليه

و استجرت جوار رحمته الکبری کل ذلک بما وفيت بميثاق الله و ثبت و رسخ قدماک

علی عهدالله و التحيّة والسلام و الثنآء عليک فی الاولی و الاخری ع ع

مقابله شد ٥٣٨ خط مبارک

هوالابهی

هنکانک حضرت افنان جناب حاجی ميرزا بزرگ عليه بهآءالله الابهی ملاحظه

فرمايند

\* ص515\* هوالابهی

اللهم يا الهی هذا فرع خَضِل نَضِر اخضر ريّان من سدرة فردانيّتک رشيق انيق

مزيّن بازهار الهيام فی جمال وحدانيّک و الغرام فی محبوبيّتک و متوجّه بکله

اليک و متوکّل عليک و منقاد بين يديک و راجع منک اليک و مبتهل الی ملکوتک الابهی

و جبروتک الاسمی اسئلک ان تجعل تأييداتک العظمی کاشف غمّته و شفآء علته و

رُوآء غُلته و برد لَوْعته و ان تجعل الطافک الکبری عذب فراته و روح نجاته و

روح حياته و حيات رُفاته فاجعله يا الهی آية حبّک الباهره و راية معرفتک الخافقة

الرافعه و ظُبة قدرتک الشاهره و اجعله ناطقاً بثنآئک فی جميع الشئون حتّی

يدّل عليک بلسانه و جنانه و ارکانه هذا الافنون الذی انبتّه من شجرة وحدانيّتک

انک انت المعطی الرؤف الرحيم ع ع مقابله شد

٥٣٩ خط مبارک

هوالابهی

حضرت افنان سدرهٴ منتهی جناب آقاميرزا آقا عليه بهآءالله

\* ص516\*

الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع الرفيع من السدرة المبارکه هر چند مکاتيب متعددّه تا بحال ارسال

گشته است با وجود اين قلب سکون ندارد بلکه منجذب نفحات محبّت کليّه بافنان سدره

مبارکه است بقسمي که در کل اوقات و ساعات بذکرشان روح و ريحان جويد و بيادشان

شادمان گردد قسم بجمال قدم که چون لفظ افنان بر زبان گذرد دريای حبّ بجوش آيد و

قلوب در حرکت و خروش آيد که خدايا اين افنان دوحهٴ رحمانيّت را در جنّت رضوان

مستقر گردان و اين فروع طوبای عنايت را اشجار بارور کن اين نهالهای بوستان موهبت

را نشو و نمائی بخش و اين شاخهای سرو رحمانی را سبزی و خرّمی عطا فرما و بر عهد

و ميثاق عظيمت باقی و استوار بدار انّک انت الکريم ع ع مقابله شد

٥٤٠ خط مبارک

هوالابهی

ش حضرت افنان آقاميرزاآقا عليه بهآءالله الابهی

\* ص517\*

ملاحظه نمايند

هوالابهی

ايهّا الفرع الرفيع من الشجرة المبارکه نغمات حمامهٴ حديقهٴ ذکر که بر شاخسار

رياض ايقان نمود بسمع مشتاقان رسيد از آن لحن بديع جذب لطيفی در قلوب پيدا گشت

و از آن رياض نفحهٴ خوشی در مشام آمد لسان بشکر جمال رحمان مشغول شد که

الحمدلله آن فرع طرّی لطيف از فيوضات غمام الطاف ربّ جليل مهتز است و مخضّر است

و مظهر آيهٴ مبارکهٴ و انبته نباتاً حسناً ای فرع لطيف شکر کن جمال مبين و نبأ

عظيم را که از فروع سدرهٴ منتهی هستی و در ظل عنايت جمال ابهی جهدی کن که در

اين حدائق موهبت الهی بطراوت و لطافتی موفّق گردی که زينت اين رياض باشی و

موهبت اين غياض از نفحات قدس متحرّک گردی و از جذبات انس متمائل مستمد از اصل

کريم باشی و مستفيض از غمام مبين ذلک خير لک عمّا فی الوجود من الغيب و الشهود

والبهآء عليک و علی المتمسکين بالحبل المتين ع ع مقابله شد

٥٤١ خط مبارک

\* ص518\*

هولابهی

ش حضرت افنان سدرهٴ منتهی حناب آقاميرزاآقای افنان عليه بهآءالله

ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ايهّا الفرع الرفيع من السدرة الرحمانيّه لو تعلم بعين اليقين يا يا يختلج

فی هذا القلب الحزين و الفؤاد الجريح من احساسات الحبّ لافنان دوحة البقأ و

فروع سدرة السيناء تالله الحّق لشفقت الجيب و ازلت الريب و خلعت العُذار و

هتکت الاستار و فککت الازرار و عريّت البدن و ناديت بالسّر و العن هلموا يا اهل

الارص الی معين موهبة الله هلموا الی کوثر رحمة الله الی فيض سحاب عناية

الله هلموا الی رياض منحة الله هلموا الی الحياض الطافحة بفيض عناية الله

هلموا الی غياض مخضرّة بغيث نعمة الله و اسئل الله ان يجعلک مشعلاً نورانيّاً

و سراجاً منيرا و معينا صافياً و فَنَناً مثمراً مزهراً مورقا و اليهآءعليک

عبدالبهآء ع مقابله شد

٥٤٢ خط مبارک

\* ص519\*

زيارت حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاسيّد احمد عليه بهآءالله الابهی

هوالله

ايا نسمات الالطاف و ايا نفحات قدس الاسرار هبّی الی اشرف الاوطان بقعة الرحمن

موطن الکوکب الساطع اللامع علی الاکوان و ايا سحائب الرحمة و الرضوان مرّی

علی اقليم الشين من ايران و فيضی بالديم المدار و الدموع الغدق المنهمر السيب

الدافق السيل فی الوهاد و المهاد من کل واد علی ذلک اجدث المطّهر و الرمس

المنوّر و الضرّيح المعطّر المتضمّن للجسد المعنبر و طيّبی بغيث الغفران الهاطل

و حيّی بدِ يَم الرضوان الوابِل و قولی عليک البهآء و عليک الثنآء ایهّا الفرع

الجليل من السدرة الرحمانيّه و القضيب الرشيق الرشيد من الشجرة الربانيّه

و السراج المضئی فی الزجاجة النورانيّه و الثمرة اليانعة من الدوحة الفردانيّه

اشهد انّک و لدت من الاصلاب الطيّبه و الارحام الطاهرة و رضعت من ثدی العنایة

و نشئت فی حصن الرعاية

\* ص520\*

و تربيّت فی حجر الولايه و بلغت الرشد فی الظل الظليل من الدوح

الجليل و سمعت ندآءالله المرتفع بين الارض و السمآء و لبّيت دعوة ربّ

السموات العلی و آمنت بالربّ الاعلی و حُشِرتَ تحت لوآء ربّ مايری و ما لايری

و لمّا قامت القيامة الکبری و زلزلت الارض و انفطرت السمآء و کُوّرت الشمس و

انتثرت النّجوم و امتد الصّراط و وضع الميزان و ازلفت الجنان و سعرّت النيران و

انشقّت الاقمار و ذاعت الاخبار و شاعت الآثار و هتکت الاستار و اشرقت الشمس فی

رابعة النهار و انتشرت اجنحة الطاوس و نعت الغراب سرعتَ الی اليمين و تبرّئتَ

من الشمال و آمنت بالنور الساطع من ملکوت الابهی و قمت علی خدمة ربّک العزيز

المختار و حشرت مع الابرار بوجه سطعت منه الانوار و دعوت الی ربّک بلسان يندفق

منه الاذکار و قلب طافح يتفجّر منها الانهار و قصدت مشارق الارض و مغاربها و

سعيتَ فی اعلآء کلمة الله فی جنوبها و شمالها و عاشرت المخلصين بوجهٍ مستبشر

بطلوع النور المبين و آنست المقرّبين بلسان دافق بالمآء

\* ص521\*

المعين و قمت علی عبوديّة ربّک الحمن الرحيم بقلب قوّی متين و فزت بللقآء و

سمعت الندآء و خوطبت بخطاب اشهی و احلی من عسل مصفّی و حضرتَ بین يدی نيّر

الآفاق و شاهدت تجلی الاشراق و دخلتَ محفل الوفاق و سُلِکتَ فی سلسلة العشّاق

و سالت بالدموع منک الآماق و رايتُ مالا يتمّ ذکره بالاوراق الی ان غابت الشمس

و هی فی نقطة الاحتراق عن الاعين و الاحداق و ليس لها افول و لابکور و لاغياب بل

انّما تغشی الافاق سحائب الغيبه و الفراق و تحرم الابصار عن مشاهدة و الابصار و

اشهد ايهّا الفرع الجليل انّک وفيت بالميثاق و ناديتَ به بين اهل الوفاق و ابيتَ

النفاق و اجتنبت الشقاق و جنيت اثمار الوفآء من شجرة الحيات النابتة فی

الحديقة النورآء و حميت الحصن الحصين من سهام الناکثين و سنان المارقين الی

ان سرعت الی الخطّة التّی سفک فيها دمآء الشهدآء و بذلت الجّد و الجهد فی

اعانة الذريّة الضعاف من تلک النفوس المقدّسة التّی يتباهی بتربتها ملائکة

السمآء من ملکوت الابهی ثمّ سعيت الی الموطن المبارک الامنی منبت الشجرة

\* ص522\*

المبارکة النقطة الاولی حتّی تجری الاقتران بين الافنان و الورقات المبارکة من

سدرة السينآء و وفّقک الله بهذا و لعلو شأنک و سمّو علاک قدرّالله لک ان

يتجرّع کأس الفدآء و تستشهد فی مشهد الکبريآء فهنيئاً لک هذه الکأس الممزوجة

بکافور العطآء و مریئاً لک هذه المائدة النازلة من السمآء فاشکر ربّک الاعلی

بما قد جعل ختام الحيوة الدنيا مسکاً ذکيّا يتعطّر بطيب انفاسه کل الارجآء

فطوبی لمن يزور مرقدک المسکّی المشام و یدور فی مضجعک المنیر فی اشرف ايّام و

يدعوالله بخضوع و خشوع و يتمنّی الغفران و يرجو العفو و الرضوان و عليک البهآء

الابهی ع ع مقابله شد ٥٤٣ خط کاتب مهر و امضآء مبارک

# هوالله

حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب ميرزا عبدالوهّاب عليه بهآالله الابهی

ملاحظه نمايند

ای موقن بآيات الله گويند که قوای اعظم عالم قوّهٴ سلطنت قاهره و سطوت حکومت

باهره است و حال آنکه نهايت اقتدارش اينست

\* ص523\*

که اجسام را محاصره نمايد و قلاع حصينه را مسخّر کند و اين قوّت و قدرت نيز

بواسطهٴ جيوش جرّاره و جنود قهّاره ظاهر ميشود امّا تو در قوّت و قدرت و سطوت و

سلطنت اسم اعظم ملاحظه نما و تفکّر کن که با وجود آنکه وحيد و فريد و بی ناصر و

معين بود بقوّتی الهيّه و قدرتی ربّانيّه و سطوتی ملکوتيّه ملکوت وجود را مسخّر

فرمود و مدائن قلوب را فتح نمود آفاق امکان را بگشود و کشور هستی را تحت تصرّف

آورد يک سواره بر صف عالم زد و تنها جنود ضلالت را شکست داد ولی آثار اين فتوح

اليوم در غيب وجود است و در استقبال در حيّز شهود خواهد آمد آنوقت ملاحظه خواهد

شد جند هنالک مهزوم من الاحزاب ميفرمايد در صحراها سير و تماشا نمائيد مثل مدائن

صالح و ثمود و احقاف قرارگاه قوم هود و مدائن لوط و مدينهٴ سبا و مدائن اصحاب

رس و مدين و سائر جهات را سير و تماشا نمائيد که مثل اردوهای شکسته در اين بيابان

ريخته و پاشيده‌اند مقصد اينست که انبيای الهی و اوليای رحمانی در هر عهد و عصری

ولو اينکه فريد وحيد بودند و جميع قبائل و شعوب مهاجم

\* ص524\*

باوجود اين نورشان ساطع شد و کوکبشان لامع و سراجهای عالم جميع خاموش شد

ع ع مقابله شد

٥٤٤ خط مبارک

# هوالله

ای جناب ناظم دراری اشعار آقا ميرزاعلی اکبر اشعار آبدار قرائت گرديد مليح بود

و شيرين و شکّرين بليغ بود و فصيح و دلنشين ولی در مذاق عبدالبهآء انگبين

عبوديّت گوارا تا توانی مخمّس عبوديّت و مسدّس رقّيّت و مثمّن محو و فنای صرف

انشا نما که چون مسمّن مرغ بهشت لذيذ و خوش طعم است ولی بشرط آنکه خورش ديگر در

ميان نباشد ع ع مقابله شد

٥٤٧

# هوالله

ای شيدای جمال الهی مکتوب قرائت گرديد معانی بديع بود و مضامين دلنشين ولی خطاب

بعبدالبهآء بايد سّر عبوديّت باشد

\* ص525\* ع ع مقابله شد

٥٤٨ خط مبارک

ای پرده نشينان بندهٴ حقّ شکر کنيد که در سايهٴ عصمت نفسی هستيد که مقبول درگاه

احديّت است ع ع

ايدو طفل خان مشمول نظر عنايت حقّ گرديد و مجبّت الله ميراث از پدر بريد

ع ع

ای دو اخوات بندهٴ الهی همشيره و پاک شير آن آشفتهٴ جمال ابهی هستيد بايد در

کمال روح ريحان و عصمت و عفّت و ايقان و انقطاع در بين امآءالله محشور گرديد

ع ع

ای برادر پاک گوهر آن آشفتهٴ موی محبوب ابهی اخوی خواهش خطابی بشما نمود رجا

مقبول گرديد و اختصار از کثرت مشاغل و غوائل حاصل البتّه معاف ميداريد العذر

مقبول ع ع

اللهم يا الهی اسئلک العفو و الصفح عن عبدک الذی قضی ايّامه

\* ص526\*

متذکّراً بآياتک و اغرقه فی بحار رحمتک و اجره فی جوار رحمتک و اهده الی جنّته

لقائک کما سميتّه هادياً بين عبادک ع ع مقابله شد

هوالابهی

ش جناب عليرضاخان عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

يا من ثبت علی العهد القديم فابسط اکفّ الابتهال الی ملکوت الجلال و مطلع

الجمال و قل لک الحمد يا ربّی المتعال علی ما اوليت و اعطيت و اطعمت و ارويت و

دللت و هديت و عافيت و شفيت اوليت احبّائک اعظم شأن فی الابداع و اعطيتهم

عطآءً موفوراً فی عالم الاختراع و اطعمتهم من موائد قدسک النازلته من السمآء

و سقيتهم من معين صاف عذب فرات و دللتهم الی مشرق رحمانيّتک يا فالق الاصباح و

هديتهم الی سبيل فردانيّتک يا محيی الارواح و شفيتهم

\* ص527\*

من امراض النقض و اعراض النکث يا ربّ الميثاق و البهآءعليک و علی کل منجذب

الی نيّر الآفاق ع ع مقابله شد

٥٤٩ خط مبارک

شيراز جناب عليرضاخان عليه بهآءالله الابهی

ای خان عزيز آقامهدی حسين الآن حاضر محفل و دليل واضح بر اينکه شمارا فراموش

ننموده است همين تحرير مختصر است زيرا الان ذکر شما را مينمايد ع ع

مقابله شد

٥٥٠ خط مبارک

هوالابهی

الهی الهی هولآء عباد انجذبوا بنفحات قدسک فی ايّامک و اشتعلوا بالنار

الموقدة فی سدرة فردانيّتک و لبوا لندآئک و نطقوابثنآئک و انتبهوا من نسماتک

و سمعوا کلماتک و ايقنوا بظهورک و اطمئنّوا بعنايتک ای ربّ اعينهم شاخصة الی

ملکوتک الابهی و وجوههم موجهة الی جبروتک الاعلی و قلوبهم خافقة من شغف حبّ

جمالک الانور الاسنی و اکبادهم محترقة بنار محبّتک

\* ص528\*

یا ربّ الآخرة و الاولی و احشائهم مضطرمة بنیران الشّوق الملتهبة اللّظی و دموعهم منسجمة کالدّیم المدرار من السّماء فاحفظهم فی حصن صونک و حمایتک و احرسهم فی کهف حفظک و کلائتک و انظرهم بعین وقایتک و رعایتک و اجعلهم آیات توحیدک الباهرة فی ارجاء الانشاء و رایات تجریدک فوق صروح الکبریاء و السّرج الموقدة بدهن حکمتک فی الزجاجة الهدی و طیور حدیقة معرفتک الصّادحة علی اعلی فروع الاشجار فی الجنة المأوی و حیتان بحر موهبتک الخائضة فی العمق الاکبر برحمتک الکبری ای ربّ هولاء عباد ارّقاء اجعلهم کبراء فی ملکوتک الاعلی و ضعفاء اجعلهم اقویاء بقدرتک العظمی و اذّلاء اجعلهم اعزّاء فی اقلیمک الجلیل و فقراء اجعلهم اغنیاء فی ملکک العظیم ثم قدّر لهم کل خیر قدّرته فی عالم الغیب و الشهود و هیّأ لهم من امرهم رشداً فی حیّز الوجود و اشرح منهم الصدور بالهامک یا مالک کل موجود و نوّر قلوبهم ببشارتک المنتشرة من المقام المحمود و ثبّت اقدامهم علی میثاقک

\* ص529\*

العظيم يا عزيز يا ودود و قوّ ظَهرهم علی عهدک الوثيق بجودک و فضلک الموعود انّک

انت الکريم الفضال المعبود ع ع مقابله شد

٥٥١ خط مبارک

هوالابهی

يا من انجذب بنفحات القدس المنتشرة من ملکوت الابهی قد رتّلت آيات الشکر لله

لما تلوت بلحن طيور حدائق القدس تلک الکلمات و قرئت العبارات الناطقة بانجذابک

بنفحات الله و اشتعالک بنار محبّة الله و ثباتک علی العهد و ميثاق الله و

تمسّکک بالعروة الوثقی و اهتزاز قلبک من نسائم موهبة الله و لمثلک ينبغی هَذا

الشأن الجليل و يليق هذا التأييد العظيم لعمر ربّک لو اطّلعت بما قدّرالله

لک فی کتابک العلييّن و صحف ملکوته القديم لنزعت ثياب الامکان و هرعت الی مقعد

صدق في ظل الطاف ربّك الرحمن الرحيم و تركت هذا المركز الادني و صعدت بجناح

النجاح شوقاً الی الملکوت الاعلی و توقاً الی الجبروت الابهی فطّهر

\* ص530\*

يثابک و نزّه مشامک و قوّ سماعک و حدّد نظرک و دقّق بصرک و قدّس قلبک و لطّف

روحک لتسمع ندآء ربّک من ملکوت الغيب طوبی للثابتين طوبی للمتمسّکين باوثق

عروتی طوبی للمتشبّثين بجبلی المتين ع ع مقابله شد

جناب عليرضاخان عليه بهآءالله الابهی بزيارت مطاف ملاء اعلی فائز و بنفحات

مقدّسهٴ آن تربت پاک مشام جان را خوشبو فرمودند و حال بمراجعت مأذون گشتند از

الطاف الهيّه و عنايات رحمانيّه مستدعی و ملتمسيم که آنجناب و جميع منتسبين را

بآنچه اليوم لائق و سزاوار است مؤيد و موفّق فرمايد اليوم اعظم امور ثبوت و

رسوخ بر عهد و ميثاق الله است و نشر نفحات الله چه که امر مؤيد بجنود ملکوت

ابهی اين امر اعظمست حمد خدا را که تأييدات چون امواج قلزم اکبر متتابع است و

توفيقات چون فيض محيط اعظم متوالی در يوم لقآء يوم سرور و صفاست در زمان غيبت

وقت ثبوت و رسوخ و سعی در اعلآء

\* ص531\*

کلمة الله ع ع مقابله شد ٥٥٢ خط مبارک

ش جناب قاسم خ ا عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

الهی الهی هذا روح اهتزّ من تجليّات يوم لقائک و هذا سراج اشتعل من النار

الموقدة من سدرة رحمانيّک ای ربّ ايدّه فی جميع الشئون و اجعله مطّلعاً باسرار

لوحک المنشور و اشدد ازره علی اعلآء کلمتک يا حيّ يا قيّوم و انطق لسانه ببيان

حججک و برهانک يا ذا العزّ و الجبروت و وفّق ابنائه و اشباله و سلائله علی خدمة

امرک يا ربّ الآيات و الملکوت انّک انت المؤيّد الموفّق الکريم ع ع

بجهت زيارت روضهٴ مبارکه مسافرت اگر بکمال امنيّت و راحت و روح و ريحان در موسم

حج ميّسر بسيار مقبول و اگر سبب مشقّت و هجوم اعدآء ميگردد صبر داشته باشند

انّی اتضّرع من کل روحی الی ملکوت الابهی ان يقبل زيارتک و قصدک

\* ص532\*

و يقدّر لک اجر من فاز باللقآء البهآء علی اهل البهآء ع ع مقابله شد

٥٥٣ خط مبارک

جناب آقالطفعلی خان عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ای ناظر الی الله جناب عليرضاخان عليه بهآءالله الابهی حاضر و خواهش

تحريری نمودند اين بندهٴ درگاه جمال ابهی نيز قلم برداشته و بنگاشتن پرداخته که

شايد از اثر خامه و نقوش نامهٴ رائحهٴ وفا ساطع گردد و مشام آن مشتاق ملکوت ابهی

را معطّر نمايد ای سرگشتهٴ صحرای محبّت الله دماغ جان را از رطوبات فاضلهٴ عالم

امکان منزّه و پاک نما تا عطر گلستان ملکوت ابهی معطّر نمايد و چشم را از حجبات

ساترهٴ اهل اوهام بری کن تا مشاهدهٴ آيات کبری نمايد و اقدام را بر عهد و ميثاق

الهی محکم و استوار نما تا در بين انجمن مقرّبين مشهور و محشور گردی و البهآء و

علی کل ثابت جسور ع ع مقابله شد

\* ص533\*

هوالله

ش جناب ميرزا عليرضاخان عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای ثابت بر ميثاق آنچه مرقوم نمودی ملاحظه گرديد نشئهٴ روحانی داشت و نفحهٴ

رحمانی و اثر کلک مشکبار بود و ريزش ابر عنبر بار فی الحقيقه حديقهٴ معانی بود و

سنوحات وجدانی سبحان الله خامه و نامه که حکايتی از جهان جان و دل مينمود حکم

رقّ منشور و ورق مسطور يافته بود از فضل و جود جمال احديّت ميطلبيم که اين معانی

لطيفه و حقايق بديعه در کينونت آن جناب تحقّق يابد تا آثار باهره‌اش در سمآء

رفيع ساطع و لامع گردد انّه ولی المخلصين ع ع مقابله شد

٥٥٥ خط مبارک

جناب عليرضاخان عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

قد القيت نفسی يا الهی علی عتبتک الطاهره و مرّغت وجهی و ناصيتی

\* ص534\*

علی تلک الحضرة القدسيّة الباهره منکسراً اليک و مناجياً بين يديک متذللاً

بباب احديّتک طالباً شمول عواطف رحمانيّتک لعبدک الذی تمسّک بذيل تقديسک و

تعلق باهداب ردآء توحيدک و رجآء ان تؤيّده علی السلوک فی سبيل رضائک و

الثبوت فی قديم عهدک و ميثاقک و النّهوض لاعلآء امرک بين عبادک و الرسوخ علی

کلمتک بين ارقّائک ای ربّ هذا مستجير اجره فی جوار بيت احديّتک و اسير اطلقه فی

فضآء مملکتک و ضعيف ايّده بقوّتک القاهره و سقيم عالجه بدرياق موهبتک الباهره

انک انت الکريم الرحيم الوهّاب والبهآء عليه فی المبدء والمآب ع ع مقابله شد

٥٥٦ خط مبارک

هوالله

ش کربلائی محمّد هادی عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

يا من استنشق رائحة العرفان در اين ساعت که جمعی از دوستان

\* ص535\*

حاضر و ناظر اينعبد خامه برداشته و اين نامه نگاشته تا بخوانی و بدانی و يقين

نمائی که رفيق روحانيت و نديم ربّانيت جناب عليرضاخان چقدر از تو ستايش نموده که

مرا مجبور کرده که در مجمع و محفل بنگارش اين نامه پردازم پس بدان که آن يار

مهربان ترا چون دل و جان عزيز و محترم دارد و از هر جهت علو و سمّو از برای تو

خواهد محبّت و دوستی چنين شايد از لطف حضرت دوست اميد است که مطلع انوار فضل

گردی ع ع مقابله شد

٥٥٧ خط مبارک

هوالابهی

امة الله ورقهٴ طيّبه مطمئنّه والدهٴ عليرضاخان

# هوالابهی

ای کنيز آستان ابهائی شکر کن خدا را که موفّق بپسری گشتی که متوّجهاً الی

الله کوه و دشت و بيابان طی نمود و چون باد باديه بپيمود تا آنکه بتراب تربت

پاک بصيرت را روشن نمود و بصر را مجلا و پاک از هر غبار کرد چنين مادری را چنين

پسری لازم و چنان

\* ص536\*

پسري را چنين مادری واجب طوبی ثدی را که شير داد و خوشا بآغوشی که او را پرورش

نمود طوبی لک و له فی کل الاحوال ع ع مقابله شد

٥٥٨ خط مبارک

امة الله ورقهٴ ضلع خان عليهما بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای موقنهٴ بآيات الله از فراق نورديدگان ناله و فغان منما و از هجران

جگرپارها آه و حنين مکن اگر بدانی که آن دُرْ دانهای محبّت الله در صدف چه بحری

مکنونست و آن نوگلهای الطاف در چه رياضی شکفته البتّه از شدّت سرور پرواز

نمائی و البهآءعليک ع ع مقابله شد

٥٥٩ خط مبارک

امة الله ورقهٴ ‌طيّبه همشيره خان شمس عليها بهآءالله

# هوالابهی

ای مشتعلهٴ بنار محبّت الله در اين قرن الهی و حشر رحمانی نسائی مبعوث شدند

ای‌که چون هزبر صائب و غضنفر غالب و مردان باسل در ميدان معرفت حمله نمودند و

صفوف جهل را بسطوتي از حجّة بالغهء الهيّه بدريدند انشآءالله تو يكي از آنها

گردی و از فوت آن دردانهٴ بحر

\* ص537\*

محبّت الله محزون و دلخون مباش اگر نفحهٴ از آنعالم بمشام انسان رسد ابداً از

عروج پدر و صعود پسر و فوت امّهات و موت بنات مغموم و مکدّر نگردد جميع اين آه و

فغانها و زاری و نالَها از عدم اطلاع از مواهب الهيّه در عوالم غيب رحمانيّه

حاصل ميگردد والبهآءعليک ع ع مقابله شد ٥٦٠ خط مبارک

شيراز جناب عليرضاخان عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ثابت بر پيمان نميقهٴ غرّاء واصل و بکمال روح و ريحان قرائت گرديد مدّتيست

که اين قلم بظاهر بذکر آن يار مهربان مشغول نگشته و اين از کثرت هجوم اعدا و

فظايع و تعديّات اهل شرور و ظلم حزب غرور و اصحاب فتور رخ داده و الا دمی بی

ياد ياران نياسايم و دل جز بمحبّت حضرت رحمان نيارايم و از فضل و عنايت حيّ

قيّوم رجآء محتوم است که همواره در ظل ممدود مستريح باشيد و جميع ياران را تکبير

ابدع ابهی ابلاغ نمائيد و عليک

\* ص538\*

التحيّة و الثنآء ع ع مقابله شد ٥٦١ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

ش جناب ميرزا عليرضاخان عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

ای ثابت بر ميثاق ورق مسطور منظور گرديد و فغان و شکویٰ مسموع هيچ دانی که در

چه طوفان بلا غوطه ورم و در چه بيابان ابتلا سرگشته و گمگشته اثر مشاغل خارج و

داخل خارج از حصر و مهام امرالله بيش از تصوّر بشر و مکاتبات و سئوالات و

جوابات احبّآء چون موج بحر و هجوم اعدآء و فتنهٴ احزاب چون جراد منتشر و فساد

اهل عناد چون آتش پر شرر اوراق شبهات در جميع جهات جزو جزو مشتهر و آيات

متشابهات مرجع هر بيخبر عهد و ميثاق الهی از نفوس مغرضه متروک و غير معتبر و

طوفان تزلزل و نقص مسلط با وجود اين صدمات و آفات اين فريد وحيد در اين چار موج

اضطراب مستغرق ديگر کجا فرصت تحرير و تقرير و نگاشتن جواب

\* ص539\*

هر حبيب و سمير والبهآء عليک و علی کل ثابت مستقيم ع ع مقابله شد

٥٦٢ خط مبارک

حضرت حبيب روحانی جناب محمّد قبل ق را از قبل اين عبد تکبير ابدع ابهی

ابلاغ داريد و البهآء عليه ع ع

از صعود ورقهٴ منجذبهٴ متصاعدهٴ بملکوت ابهی محزون مباشيد و دلشکسته نگرديد چه

که آن موقنه در جوار رحمت کبری مقر گرفت و در ظل سدرهٴ منتهی مستقر يافت

والبهآء عليها فی محضر اللقآء ع ع مقابله شد

شيراز بواسطهٴ عبدالحسين خان

جناب مؤيد جناب عليرضاخان جناب بهآئی و سائر احبّای الهی عليهم

بهآءالله الابهی

# هوالله

ای عزيزان عبدالبهآء جناب عبدالحسين خان وطن مألوف را فراموش نمود و سرگشتهٴ

کوه و بيابان گشت و در سبيل حق بيسر و سامان شد تا آنکه بآن صفحات بنيّت نشر

نفحات توجّه کرد و بقدر امکان قصور و فتور ننمود

\* ص540\*

سرگردانی سبب پريشانی شد و بيقراری علت بيماری گرديد رنجور گشت و ناتوان و

مهجور گرديد و بيدرمان تا آنکه آن ياران مهربان جويای حال او گشتند و جستجوی

راحت و آسايش او نمودند و بمنتهای همّت بر پرستاری برخاستند و در ايّام بيماری

نوازش و مهربانی نمودند فی الحقيقه درد او را درمان شدند و زخم او را مرهم

نهادند و نهايت ممنونيّت را از همّت شما بيان نمودند اين پرستاری خدمت بحقّ بوده

و اين مهربانی از مقتضای عبوديّت آستان مقدّس زحمات و مشقّات شما در درگاه کبريا

مقبول و محبّت و مهربانی شما در ملکوت ابهی ممدوح و مرغوب و عليکم التحيّة

والثنآء ع ع مقابله شد

٥٦٣ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

بواسطهٴ جناب ميرزا عليرضاخان عليه بهآءالله

شيراز جناب ميرزاجلال الدين خان ناظم دفتر عليه بهآءالله

# هوالله

ای سرمست جام هدی شکر کن حضرت کبريا را که از ضلالت و ظلمآء نجات يافتی و

بنورانيّت هدی موفّق گشتی از جهالت و عمی رهائی

\* ص541\*

يافتی و ببصر هدايت بينا شدی گوش را از تلقين شبهات مقدّس نمودی و هوش را از توجّه

بمفتريّات منزّه کردی شاهراه شريعت و طريقت پيمودی تا بحقيقت رسيدی و از اوهام

ديگران خلاص شدی و بجوهر عرفان پی بردی ملاحظه کن چه بسيار نفوس که دعوی عرفان

مينمودند و بخيال خويش سالها سلوک نمودند و آرزوی ديدار بزرگواری ميکردند و

منتظر اشراق انوار بودند و تجلی شمس حقيقت را در جماد و نبات و حيوان قائل

بودند از خار شميم گل گلزار استشمام مينمودند و از زهر شهد فائق ميچشيدند چنين

ميگفتند حال که آن آفتاب جهان افروز در يوم نوروز از مطلع انوار ظاهر و پديدار

شد و سلطان گل با خيل و حشم و چتر و علم در وسط گلشنی خيمه برافروخت و حلاوت شهد

الهی جهان را شيرين نمود آن عرفای کهنه سر برهنه پا برهنه فرار اختيار فرمودند و

عار و ننگ هر عارفی گشتند يکی گفت اين آفتاب مانند چراغ کور سير و سلوک نمود

ديگری گفت اين محيط عظيم گنجايش يک جرعهٴ صهبآء نفرمود ديگری گفت اين مشرق بر

آفاق و انفس نو هوس است ديگری گفت اين نفس

\* ص542\*

نفيس خدمت يک مرشد خسيس نکرد باری هر يک بهانهٴ فرمود و بحفرهٴ خمول و خمود دويد

و عاقبت کل محو و ناپديد شدند امّا پاک يزدان تو را بيدار کرد و هشيار نمود

واقف بر اسرار کرد پس ستايش باد او را که جان و دل ياران را بنور هدايت آرايش

بخشيد و بپرستش و نيايش شمس حقيقت موفّق فرمود اين ايّام حضور در اين حدود و

ثغور از شدّت تعرّض اهل غرور معسور و محذور است انشآءالله در آينده مقصد حاصل

گردد جناب سرحلقهٴ راستان عليرضاخان را تحيّت و اشتياق من برسان از خدا خواهم که

هميشه در پناه حق مصون و محفوظ باشد و عليک التحيّة و الثنآء ع ع

مقابله شد

٥٦٤ خط کاتب مهر و امضآء مبارک

هوالله

ش طلب مغفرت بجهة ورقهٴ متصاعدهٴ الی الله امة الله والدهٴ

ميرزاعليرضاخان عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

اي پروردگار يک ورقهٴ از سدرهٴ رحمانیت ترک گلخن فانی نمود

\* ص543\*

و بگلشن باقيت پرواز کرد و چون حمامه حنين و انين نمود تا بشاخسار احديّتت سدره

نشين گشت ای آمرزگار غفرانی ای کردگار احسانی ای بزرگوار عطای بی پايانی

والبهآءعليها ع ع مقابله شد ٥٦٥ خط مبارک

هوالله

شيراز بواسطهٴ جناب ميرزاعليرضاخان

ميرزا عليمحمّد و ميرزا صدرالدين و صبايای جناب خان عليهما و عليهنّ بهآءالله

هوالله

ای سلالهٴ بندهٴ درگاه بها شکر کنيد خدارا که از اصلاب طيبّه و ارحام طاهره

تولد يافتيد از پستان محبّت الله شير خورديد و در آغوش معرفت الله پرورش

يافتيد البتّه قدر اين موهبت را خواهيد دانست و بشکرانهٴ اين رحمت خواهيد بر

خواست از فضل حق اميد چنانست که در جنّت ابهی گل و رياحين شويد و شکوفهٴ رنگين

برآريد و ميوهٴ شکرّين بدهيد و در ظل حفظ و حمايت حقّ محفوظ

\* ص544\*

و مصون مانيد ع ع مقابله شد

٥٦٦ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

هوالله

شيراز جناب ميرزا عليرضاخان عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای بندهٴ صادق جمال ابهی خدماتی که در صعود حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب

آقاميرزا آقا مجری داشتيد در عتبهٴ مقدّسه جمال ابهی مقبول و محبوب افتاد

اميدوارم که همواره موفّق و مؤيد بخدمات گردی اينست سبب روشنائی روی انسان در

عالم امکان شکر کن خدارا که ملحوظ نظر عنايتی و مشمول الطاف حضرت احديّت و عليک

التحيّة و الثنا ع ع مقابله شد

٥٦٧ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

شيراز بواسطهٴ جناب قابل جناب ميرزا عليرضاخان

هوالله

ای مونس عبدالبهآء دمی از يادت فارغ ننشينم و بذکر روی و خويت همدم و همنشينم و

از خدا ميطلبم که آيت هدی شوی و موهبت

\* ص545\*

ملکوت ابهی و منقطع از دنيا و منجذب ملاءاعلی و ناطق بثنآء و مظهر اسمآء حسنی

و جميع اين فضائل طائف حول محبّت الله است و عليک التحيّة و الثنآء ع ع

مقابله شد

٥٦٨ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

هوالله

بواسطهٴ عليرضاخان

ش امة الله ضجيع قديم و امة الله همشيره عليرضاخان عليهما بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای دو خادمهٴ احبّآءالله سزاوار اين است که افتخار و مباهات بر ملکه های

اقطار نمائيد زيرا سلطنت باقی سرمدی شماراست که بکنيزی جمال ابهی و خدمت

اصفيآءالله فائزيد اين کنيزی جمال قدم خدمت دوستان اوست الحمدلله بآن فائزيد

و اين عقد لئالی کريمه را در گردن داريد و اين

\* ص546\*

طوق مرصّع را بر ترائب مزيّن حمد کنيد او را که بچنين موهبتی موفّق شديد ع ع

مقابله شد

٥٦٩ خط مبارک

بواسطهٴ عليرضاخان

هوالله

ش کربلائی محمّد هادی عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای دوست حقيقی تا چند اهل نقض در وساوسند و تا چند اهل شقاق مخمور خمر نفاق

سبحان الله برهان واضح و دليل لائح و سبيل واسع و انوار و سراج لامع و رحمت

سابق و نعمت کامل و حجّت قاطع و پيمان ظاهر و حکم اطاعت صارم مع ذلک الوضوح اهل

نقض بوساوس اوهن از بيت عنکبوت متوّسل و از موهبت ميثاق محروم جهول و ظلوم در

وادی خسران و خذلان مبعوث و محشورند دعهم فی خوضهم العظيم ع ع مقابله شد

٥٧٠ خط مبارک

\* ص547\*

عليرضاخان

هو

ش امة الله ضجيع جديدهٴ عليرضاخان عليهما بهآءالله الابهی

هوالابهی

ای امة الله در ظل عصمت مؤمن بالله و موقن بآيات الله در آمدی و از کأس

عطا نوشيدی و مظهر الطاف حضرت اعلی و مطلع انوار بخشش جمال ابهی گشتی چه خوش بخت و خوش طالع بودی که مطلع‌چنين عنايتی شدی که بانوهای ملوک و ملکه های آفاق

آرزو مينمودند و مينمايند حال ندانند ولی عنقريب آگاه گردند ع ع مقابله شد

٥٧١ خط مبارک

عليرضاخان

هوالله

ش مناجات طلب مغفرت لمن عرج الی الله مرحوم محمدقاسم خان عليه بهآءالله

الابهی

\* ص548\*

# هوالابهی

الهی الهی انّک انت الغفور انّک انت العفّو انّ عبدک هذا آمن بکلمة رحمانيّتک

و توجّه الی ملکوت فردانيّتک و انجذب بآيات قدسک و اشتعل بالنار الموقدة فی

شجرة وحدانيّتک و سمع خطابک و لبّی لندائک و تحمّل کل مشقّة و بلآء فی سبيلک

ثمّ عرج اليک و صعد الی مقعد الصدق فی ملکوتک ای ربّ اجره فی جوار رحمتک الکبری

و اسکنه فی فئ شجرة الطوبی و اسقه من کوثر اللقآء و اجعله آية رحمانيّتک فی

ملکوتک الابهی انّک انت سامع الدّعآء يا جمال الابهی ع ع مقابله شد

٥٧٢ خط مبارک

# هوالله

ايرّب تری هجوم الامم و جولتها و غرور الملل و صولتها علی عبدک الفريد الوحيد

الغريب فی سجنک الاعظم و تنظر توارد السهام و تتابع الرمل و تکاثر السيوف و

تکاشف الصفوف من کل الارجآء و الانحآء فاصبحت النصال هالةً حول الجسم النحيل

کالهلال و غدت تکاثر توارد

\* ص549\*

السيوف عداد تجغله تحت الظلال و مع هذه البليّة الدهمآء و المصيبة العميآء

قام الاحبّآء علی اشّد الجفآء و دخلوا يا الهی فی ميدان الکفاح بسهام و سنان

و سيوف و رماح و صوّبوا النبال الی عبدک الاعزل من السلاح و ظنّوا يا الهی

بانّ هذا هو الفلاح و النجاح هيهات هيهات فسوف يرون انفسهم فی مهادی الردی و

حفرات الشقی و غمرات العمی و ينوحون و يبکون علی مافرّطوا فی جنب الله و هتکوا

حرمة الله و نقضوا ميثاق الله و نکسوا راية الله و فرّقوا کلمة الله و

شتّتوا شمل مرکز العهد و نثروا مانظمه يد الفضل ای ربّ اتخّذوا ميثاقک هزواً و

عهدک ملعباً و صعودک مغنماً و مرکز ميثاقک سُخرّيا ايربّ اغفر ذنوبهم و استر

عيوبهم و کفّر عنهم سيّئاتهم و ارجعهم اليک و اجمعهم تحت لوآء ميثاقک و اخلع

عنهم القميص الرثيث و البسهم ردآء التقديس انّک انت الکريم الرحيم ع ع

ای رفيق اگر بدانی که بچه حبّی قلم گرفته و بتحرير اين نميقه پرداخته البتّه

بمجرّد ملاحظه در شوق و شعف آئی و وجد و طرب کنی که الحمدلله چنين غمخوار

غمگساری دارم و چنين يار مهربانی که در چنين احزانی و بلايآء و مصائب بی

کرانی و گرداب

\* ص550\*

عذابی باين محبّت بنگارش جواب نامه پرداخته و با ياد ياران همدم گشته در يومي که

تذهل کل مرضعة عمّا ارضعت و تضع کل ذات حمل حملها و تری الناس سکاری و ما هم

بسکاری ولکن عذاب الله شديد او بذکر دوستان سديد پرداخته و بدرگاه احديّت عجز و

نياز مينمايد که تأييد و توفيق بخش و عنايت فرما ع ع

ای رفيق آيا يادت ميآيد که در ايّام تشرّف بلقآء الله بچه اشتعال و انجذاب

با تو ملاقات مينمودم و بچه مهربانی صحبت ميکردم و چه قدر محبّت بشما داشتم آن

الفت و محبّت و مؤانست فراموش نشود قدر آن را بدان اگر تو فراموش نمائی من

ننمايم و از فضل وجود حضرت احديّت ملتمسم که آثار و آيات آن ملاقات را اليوم

ظاهر و عيان فرمايد ای رفيق در هر کور اگر چه امرالله ظاهر ولی بوضوح اين کور

اعظم در هيچ کوری امر واضح و عيان نبود چه که اين دور مبين در جميع شئون ممتاز

و در کل مراتب بيمثيل و بی نظائر و اشباه و در اين کور نيز هيچ امری بوضوح و

ثبوت و قوّت و عظمت عهد و ميثاق نه جمال قدم و اسم اعظم روحی لعباده الفدا

\* ص551\*

از جميع جهات ابواب وساوس و دسائس و شبهاترا مسدود فرمودند و از برای نفسی محّل

تردّد نگذاشتند سی سال قبل از صعود در مواضع متعدّده از کتاب اقدس که ناسخ و

مهيمن بر جميع کتب است بصراحت و توضيح من دون تأويل و تلويح سبيل را واضح و دليل

را لائح فرمودند و تکليف الهی و دينی و روحی و ظاهری و باطنی کل را تعيین کردند

و سی سال جميع اطفال ملکوت را از پستان کتاب اقدس شير عنايت فرمودند تا اين

ضوابط و روابط الهيّه در کينونات بشريّه تمکّن تام حاصل نمايد و حصن رزين

امرالله چون سّد سديد حديد حصين و متين شود و کسی رخنه نتواند مبيّن کتاب مبين

را با وضح تصريح تعيین فرمودند و مرکز ميثاق را شهرهٴ آفاق کردند و گذشته از

بيان شفاهی باثر قلم اعلی و نصّ صريح ابهی کتاب عهد نازل و جميع شبهات محتمله را

زائل فرمودند بقسمي که دور و نزديک و اهل افريک و امريک و ترک و تاجيک کل از اين

آوازه در غلغله و ولوله افتادند و صيت اين عهد وصوت اين ميثاق گوشزد جميع آفاق شد

با وجود اين معدودی محدود هوس سروری نمودند و اوهام مهتری

\* ص552\*

با کلاه تتری تاج برتری جويند و بقولی چون بعوض نفوذ در ميثاق خواهند و راه ستمگری

پويند که مرکز ميثاق را منسّی آفاق کنند و قطب دائرهٴ عهد را خارج از محيط اشراق

هيهات هيهات هرگز آفتاب عهد بقوّت اهل مهد پوشيده نشود و رخ مهر تابان بهمسات

خفّشان رنجيده نگردد و سيل فيض باران بمشتی خاک مسدود نشود و نسيم رياض ميثاق

مقطوع نگردد فسوف يسمعون نقرات هذا الناقور و نغمات هذا السافور من الملاء

الاعلی سبحان ربّی الابهی هنالک ينطقون المؤمنون و المتزلزلون تالله لقد

آثرک الله علينا حال ملاحظه فرمائيد که اين تزلزل و تردّد چه ثمری بجهت اهل

فتور دارد آيا در بحر رحمت اخروی مغمور گردند يا خود در شئون دنيوی معمور شوند

لاوالله بلکه عاقبت هر متزلزلی در تحت اطباق خذلان ابدی مطمور گردد يا لله نسيان

عهد و عصيان ميثاق سبب نورانيّت وجه در جبروت اعلی و ابهيست يا افترای مرکز

ميثاق و ابتلای وحيد فريد آفاق سبب روشنائی روی در ملأ اعليست اگر اين دلائل و

براهين کفايت نه نصّ کتاب اقدس و کتاب عهد را نشان

\* ص553\*

هر ملتّی از ملل عالم ميدهيم و بدون گفتگو سئوال مينمائيم که بموجب اين نصوص

الهيّه چه اقتضا مينمايد آيا چه حکم خواهد نمود خواهد گفت که اين نصوص بجهت

اطاعت است يا مخالفت بجهت اعانت است يا اهانت بجهت خصومت است يا رعايت آيا در

هيچ کوری نصوص کتاب اقدسی بود و يا نصوص خاتم عهدی بود با وجود اين آباء و اجداد

حضرت اعلی و جمال قدم و اسم اعظم روحی لهم الفدا چون شيعه بودند بجهت کلمهٴ من

کنت مولاه فهذا علی مولاه از سائرين متنّفر بودند و حال حضرات متزلزلين آباء و

اجداد جمال قدم و حضرت اعلی را بجهت اينکه عمری نبودند شيعه شنيعه دانند و در

جميع اوراق شبهاتشان تکفير حزب شيعه نموده‌اند بلی در آثار مبارک ذکر شيعه شنيعه

است ولی مراد شيعيانی بود که اعراض از حضرت اعلی در يوم ظهورش نمودند و صد هزار

نفوس شهيد کردند نه شيعياني که تابع حضرت امير و ائمّهٴ اطهار عليهم السلام

بودند چه که جميع اجداد جمال قدم و اسم اعظم و حضرت اعلی روحی لعبادهما الفدا

شيعه بودند و بری از هر مخالفی پس در اينصورت اصلاب طاهره چه شد بايد گفت اين

\* ص554\*

دو شمس حقيقت استغفرالله از اصلاب شيعه بودند سبحان الله ملاحظه فرمائيد که

غرض چه ميکند که بکلی انسان کور ميشود و تميز ميان صحيح و سقيم و غث و ثمن

نميدهد و اين کلمهٴ کفايت کتاب من دون مبيّن اصلش از عمر است که گفت حسبنا کتاب

الله و بچيز ديگر محتاج يعنی مبيّن نيستم و اساس نزاع و جدال و خصومت و تشتيت و

تفريق را گذاشت و عداوت و بغضاء بين دوستان و اصحاب حضرت انداخت اين کلمه اساس

جميع ظلمها و طغيانها و عصيانها بلکه سبب خون ريزيها گشت و چون مطلع بر حقايق

وقايع بعد از حضرت رسول گرديد شهادت ميدهيد که اسّ اساس دين الله از اين کلمه

برهم خورد و جنود نفس و هوی هجوم آورد و راسخ در علم معزول و مهمول گشت هر شخص

مجهول و مخمول چون ابوهريريره و ابو شعيون معزّز و مقبول گرديد اللهم وال من

والاه و عاد من عاداه اسير و حقير و خانه نشين شد و لعن الله الناقة و راکبها

و قائدها يار دلنشين گشت لافتی الاعلی لاسيف الاذوالفقار سرگشته تلال و قفار

شد و الشجرة الملعونة

\* ص555\*

فی القرآن بر عرش خلافت و سرير سلطنت استقرار يافت الفاطمة بضعة منّی من آذاها

فقد آذانی در بيت الحزن گريست تا هلاک شد و عايشهٴ بی باک بحرب آن جان پاک با

قومی سفّاک و هتّاک شتافت و به تبغّلت و تجمّلت و لوعشتِ تفیّلتِ معزّز و مکرّم

گشت اين کلمهٴ حسبنا کتاب الله تيغ شمشير شد و بر سر مبارک حضرت امير خورد و

سيف صارم ابن آکلة الاکباد گشت اين کلمه در ليلة الهرير نار سعير برافروخت و

چهار هزار نفر حفظهٴ قرآن اجله اصحاب حصرت امير را هَزَله و رَزَلَه و خَذَلَهٴ

خوارج کرد اين کلمه تشتیت شمل احبّا نمود و تفريق اهل ولا کرد اين کلمه حبّ

احبّای جمال محمّدی را بسيف سنان و سنان و حيف و عدوان تبديل نمود اين کلمه

خنجر کين شد و در ارض طف حنجر جمال مبين را قطع کرد و خاک را بخون مطّهرش رنگين

نمود اين کلمه در صحرای کربلآء آن مصيبت کبری و آن فضيحهٴ عظمی را بر پا نمود

اين کلمه جميع ائمهٴ اطهار را اسير و مسجون و مظلوم و محکوم هر غدّار کرد اين

کلمه سبب شد که در بين امّت مرحومه جدال و نزاع

\* ص556\*

و قتال و حرب و ضرب انداخت و خون کرورها از مسلمانان ريخت اين کلمه کور فرقان

را زير و زبر نمود و بوستان الهی و جنّت محمّدي را جنگل سباع و ذئاب تيز چنگ کرد

اين کلمه هزار و دويست سال بخونريزی غبراء را گلگون و حمرآء نمود اين کلمه

صدهزار گلوله گشت و بر سينهٴ مبارك حضرت اعلي خورد اين كلمه زنجير شد و در گردن

مقّدس جمال قدم افتاد اين کلمه غربت عراق و کربت بلغار و مصيبت سجن اعظم شد

زيرا خلیفه ثانی چون خواست که مبيّن کتاب حضرت امير را مقهور و در زاويهٴ نسيان

محصور نمايد و راسخ در علم را مبتذل و فاسق پر جهل را معزّز و محترم کند و منصوص

من کنت مولاه فهذا عّلی مولاه را محتقر نمايد در مقابل نصّ يکفينا کتاب الله و

حسبنا القرآن گفت و استدلال به لارطب و لايابس الا فی کتاب مبين نمود و تمسّک

به اليوم اکملت لکم دينکم جست و تشبّث به اولم يکفهم انّا انزلنا اليک الکتاب کرد و

مبيّن کتاب راسخ در علم حضرت امير را خانه نشين نمود و هر راوی ضعيف را شيرگير

کرد يکی لو کان نبّی من بعدی لکان عمر روايت کرد ديگری حديث عشرهٴ مبشّره قرائت

نمود ديگری عثمان ذوالنورّين و عثمان

\* ص557\*

رفيقی فی الجنّة تلاوت ديگری لو اتّخذت غير الله خليلاً لاتّخذت ابابکر خلیلاً از قول حضرت

حکايت نمود خلاصه مجتهد زياد شد و فتاوی بيشمار گشت غبار کذب و اراجيف بلند شد

و نور آفتاب صدق مکدّر گشت اختلاف شديد شد و ايتلاف ناپديد گشت آراء مختلفه بميان

آمد و اختلاف کلمه عيان شد شريعت الله متروک شد و مبيّن کتاب الله مخذول گشت

ابن عفّان مقتول شد ابن آکلة الاکباد منصوب گشت حرب جمل برخواست مکر و دغل

بميان آمد حميراء بر ناقهٴ شهباء سوار شد و جولان در ميدان عصيان نمود و

خونخواهی ابن عفّان کرد معاويه سر از زاويه بيرون کرد و در ماتم عثمان از ديده

خون بباريد بر سر منبر رفت و اصبع مقطوع دختر پيغمبر بنمود پيرهن پر خون عثمان

نشر کرد و با چشمی گريان آغاز فرياد و فغان نمود که اين قميص پرخون ذوالنّورين

است و اين اصبع مقطوع نورعين واويلا وادينا و شريعتا جميع حاضرين گريستند و در

مقاومت بحضرت امير زيستند غبار تيرهٴ ليلة الهرير بفلک اثير رسيد و هزاران

اصحاب رسول در خاک و خون مقتول افتاد

\* ص558\*

و علی هذا المنوال سائر الاحوال و اگر خليفهٴ ثانی اطاعت براسخ در علم و مبيّن

کتاب حضرت امير مينمود و حسبنا کتاب الله بر زبان نميراند ابداً اين فتن و فساد

رخ نمينمود و اين فتک و هتک بميان نميامد و سی هزار مجتهد در مقابل راسخ در علم

بمنازعه و محاججه بر نميخواست چه که هر يک از اصحاب رسول خويش را مجتهد مستقل

شمرده از آيات و احاديث استنباط حکام و عبادات و اعتقادات مينمود در اين ميان

کسي که مهمول و معزول بود حضرت امير بود و همچنين ملامحمّد ممقانی و سائر مجتهدين

حسبنا کتاب الله ميدانستند و از مبيّن کتاب حضرت اعلی روحی له الفدا خويش را

مستغنی ميشمردند لهذا بآيهٴ مبارکه ولکنّه رسول الله و خاتم النبيّين تشبّث و

تمسّک جسته فتوی بر قتل حضرت اعلی دادند و اگر چنانچه از برای آتاب مبيّنی واجب

ميدانستند اعتماد بر فهم خويش نميکردند در حکم قتل تردّد مينمودند پس معلوم و

واضح گشت که جميع اين فساد و فتن و بلايا و محن از عدم اطاعت مبيّن مبين و

عبارت حسبنا کتاب الله منبعث گشت باری اگر چنانچه کتاب کفايت ميکرد مبيّن

منصوص

\* ص559\*

چه لزوم و آيهٴ کتاب اقدس چه لازم بجهت چه اين آيات که در نزد کل احبّآء موجود

ميخواندند و بموجبش عمل مينمودند نهايت هر يک از احبّآء مجتهدی ميشد و استنباطی

ميکرد و حکمی مجری ميداشت و نهايتش اين بود که استنباطها مختلف ميگشت کاربمجادله

ميرسيد مجادله بمنازعه منجر ميشد و منازعه بمقابله مي‌انجاميد و عاقبت صد هزار

خون ريخته ميشد و چيز ديگر نميشد حال با وجود عهد و ميثاق نيّر آفاق حسبنا کتاب

الله ميگويند وای اگر آيات کتاب اقدس و کتاب عهد در ميان نبود آنوقت والله

گوشت و پوست اين عبد را با درفش فوراً پاره پاره مينمودند و از غرائب وقوعات

اينکه يکی از احباب گفته بود که اين رساله چگونه اوراق شبهات است با وجود آنکه صد

آيه در آن مندرج چگونه آيات بيّنات شبهات ميشود در جواب بفرمايند تير شهاب رداً

علی الباب تأليف شخص کرمانی نيز محتوی بر صد آيات بيّنات قرآن در اين صورت تير

شهاب را کتاب صواب بايد خواند گذشته از اين رسالهٴ يکی از يحيائی که در ردّ جمال

مبين و نبأ عظيم مرقوم نموده جميع اعتراضات

\* ص560\*

و احتجاجات خويش را مستند بر آيات بيان نموده و بزعم خود نصوص بيانرا ردّ قاطع بر

جمال مبارک شمرده و آيات حضرت اعلی روحی له الفدا را درج کرده در اينصورت بايد

گفت آن رسالهٴ مهملهٴ‌آن شخص کتاب مبين است يا الهام علييّن و از اغرب غرائب

آنکه اعتراضات اهل زلزال بر اين عبد مطابق احتجاجات اهل ضلال بر جمال ذوالجلال

است طابقوا النعل بالنعل ولی از برای اين عبد مفترياتی جعل کردند و بر آن رد

نوشته‌اند و ولوله در آفاق انداخته‌اند و آتشی بر افروختند و خرمن بيگانه و خويش

بسوختند و اذا قيل لهم لاتفسدوا فی الارض قالوا انّما نحن مصلحون الا انّهم هم

المفسدون ولکن لايشعرون ملاحظه نمائيد ادّعائی از برای اين عبد خلق نمودند پس

محاججه بآيهٴ من يدّعی قبل الالف نمودند و حال آنکه جمال قدم و اسم اعظم روحی

لتربته الفدا اين عبد را از کودکی رضيع ثدی عبوديّت فرمود و در آغوش خضوع و خشوع

و رقيّت پرورش داد و بخلعت بندگی درگاه احديّت الهيّه هيکل محويّت را زينت بخشيد

\* ص561\*

تا در قطب امکان علم ميثاق بنسيم عبوديّت کبری موّاج گردد و سراج عهد در

زجاج رقيّت بمحويّت عظمی وهّاج شود عبوديّتی در ابداع ظاهر گردد که در جميع

عوالم تحقّق يابد و شبيه و مثيل و نظيری در اين عهد نداشته باشد لهذا اين عبد

سلطنت عزّت ابديّه را باين عبوديّت صميميه تبديل ننمايم و سرير اثير را باين

حصير حقير مبادله ننمايم و اين حضيض ادنی را باوج اعلی تحويل نجويم راه بندگی

پويم و اسرار عبوديّت گويم در دامن کبريا در آويزم و اشک حسرت ريزم و عجز و نياز

آرم که ای دلبر يکتايم و خداوند بيهمتايم قوّت و قدرتی بخش و تاب و توانی عطا

فرما قوي را نيروی ملاءاعلی بخش و اعضا را تأييد ملکوت ابهی جوارح را سوانح

غيبی ده و ارکان را لوائح ملکوتی فرما تا بر عبوديّت جمال احديّتت چنانکه لائق و

سزاوار مؤيد گردم و بر بندگی آستان مقدّست چنان که بايد و شايد موفّق شوم ای

محيط در بسيط فقر و فنا راه ده ای مهيمن در خلوتکدهٴ محو و هباء مسکن بخش خاک

ره دوستانت کن و غبار آستانت فرما عبوديّت ملکوتی بخش که فوق توانائی بشريست

\* ص562\*

و رقيّت ناسوتی ده که انزل مراتب بندگيست توئی قوی و قدير توئی مقتدر و بی نظير

شمعی بر افروز که پرتوش روشنی آفاق شود و ناری ايقاد کن که حرارتش شعله بر سبع

طباق زند دلها را مهبط الهام کن و جانها را مشرق انوار ای پروردگار دردمندان را

درمان کن و هوشمندان را محرم ايوان افق عليين را بنور مبين روشن نما و ساحت

دلها را رشک گلزار و گلشن کن هر يک از احبّا را نجم هدی نما و هر يک از اهل وفا

را کوکبی ساطع در افق اعلی نهالهای حديقهٴ رحمانيّت را طراوت و لطافت بخش و

نورسيدگان بارگاه احديّت را صباحت و ملاحت ده بندگان ديرينت را انوار عليين

فرما و آزادگان قديم را شهرياران اقليم نعيم کن رويشان برافروز و خويشان را مشک

جان فرما و آفاق را معطّر نما دستشان يد بيضآء نما و لفظشان لؤلؤ لئلاء

برهانشان ثعبان مبين کن و دليلشان سنوحات عليين ظهيرشان شديدالقوی کن و

نصيرشان جنود ملکوت ابهی باری مقصد متزلزلين اين که باين وسائل و اراجيف بنيان

ميثاق را بکلی

\* ص563\*

از بنياد براندازند و اساس عهد را از بيخ و بن برکنند ولی از اين غافل که

فيض شامل نجم آفل نگردد و غيث هاطل شئی باطل نشود انوار ملکوت ظلماتِ ليل ديجور

نشود و آيات لاهوت منسوخ اهل غرور نگردد عنقريب رايات آيات عهد موّاج گردد و

انوار ساطع ميثاق کوکب وهّاج اين سيل عظيم آبياری هفت اقليم نمايد و اين نور

مبين پرتو افشانی بر زمين بسيط غبراء محيط سمآء گردد و کشور خاک سپهر افلاک

شود آبجوی ماء معين شود و شعلهٴ دلجوی نور مبين باری ای همدم قديم اين عبد را

اميد وطيد بود که ياران مهربان در تهاجم بلايآء و تتابع رزايا و هجوم عموم

برايا و شدّت مصيبت کبری و بليّهٴ عظمی و تسلط اعدآء و تموّج بحر قضا هر يک

زهر هلاهل را درمان گردند و زخم هائل را مرهم کامل شوند عدّو صائل را سپر حائل

گردند و تير و شمشير دشمنان را مانع و دافع حال آنان نيز تيغ جفا کشيدند و نصيحت

مير وفا نشنيدند و محو و اضمحلال اين عبد بها را پسنديدند عهد و ميثاق را مدار

شقاق کردند و واسطهٴ ايتلاف

\* ص564\*

را اسّ اختلاف نمودند نور مبين را ليل بهيم خواندند و اشراق عليين را احراق

سجّيين شمردند حصن حصين را گذاشتند و دخمهٴ گلين را ملجأ متين گمان نمودند نصّ

قاطع را نسياً منسيّا نمودند و برهان لامع را هُزُأً سخريّا گرفتند مبيّن منصوص

را مقصوص الجناح کردند و بنيان مرصوص را مهدوم الاساس انگاشتند يکی رئيس المشرکين

ناميد و ديگری عدّو مبين شورد يکی بی عصمت گفت و ديگری بی عفّت خواند يکی شکايت

کرد و ديگری روايت از بدو صعود آتش فساد برافروخت و مرکز جحد نقض عهد آموخت

اطفال مهد آئين سروری گذاشتند و بوهم و گمان مهتری خواستند و برتری جستند و بهر

وسيلهٴ تخديش اذهان و تشويش ياران نمودند جميع اوراق اخبار در اقطار و اشطار خبر

صعود نيّر آفاق را با نقض ميثاق توأم اعلان نمود از جمله اختر روزنامهٴ ايرانيان

در اسلامبول اين خبر مهول را با طبل و دهل اعلان کرد و در اروپا بعضی رساله

تأليف نمودند و اين متاع کثيف را در انظار عموم عرضه کردند اين ناقضين مدتّی در

کمين نشستند

\* ص565\*

عاقبت بعد از سه سال ادّعائی از برای اين عبد فرض و تخمين نمودند و با کوس و

کرنا عربدهٴ در روی زمين انداختند و اين عبد را مصداق آيهٴ مبارکهٴ من يدّعی

امراً قبل اتمام الف سنة کاملة انّه کذّاب مفتر نسئل الله ان يُؤيده علی

الرجوع ان تاب انّه هو التوّاب و ان اصّر علی ما قال يبعث الله عليه من

لايرحمه انّه شديدالعقاب دانسته‌اند و اين آيه را در کل رسائل خويش با قلم جلی

مرقوم نموده‌اند ولی دقّت نمائيد که چه فتوی در حقّ اين عبد فريد وحيد داده‌اند

در درون رساله ذکر ادّعای الوهيّت و ربوبيّت و شرکت با جمال مبارک امر نموده‌اند

و در ظهر رساله‌ها و داخل اين آيه را مرقوم نموده‌اند ديگر تا کی اين فتوی مجری

گردد و من لايرحمه بشديد حديد حبل وريد اين وحيد را مقطوع نمايد ولی اين عبد در

حقّ نفسی فتوی ندهم و تکفير و تفسیق ننمايم و اسناد شرک ندهم نهايت اينست که نصيحت کنم و برجوع بر ميثاق دلالت نمايم فمن شآء فليعمل و من شآء فليترک انّ الله غنّی عن

العالمين و ما انت عليهم بوکيل

\* ص566\*

گويم و لست عليهم بمسيطر خونم و عليکم بانفسکم دانم و دست تضرّع گشايم و زبان

ابتهال باز کنم و ربّ اهد قومی فانّهم لايعلمون گويم و سينه را هدف صدهزار تير

جفا نمايم و چهرهٴ وفا تيره ننمايم و زخم افترا را مرهم ابتهال نهم و درد اهل

بغضا را درمان سريع العلاج جويم صبر و تحمّل خواهم و نسک و تبتّل جويم گريه و

زاری کنم و مويه و بيقراری نمايم عجز و نياز آرم و فرياد و فغان نمايم که ای پاک

يزدان اين قوم در ظل سدرهٴ منتها بودند و در رياض جنّت مأوی آتشی در قلوبشان

شعله زد و مغلوب الهوی و مسلوب النهی عربدهٴ انداختند و علم ولولهٴ افراختند و

نرد اوهامی باختند که شايد علم ميثاق منکوس گردد و حقيقت رجا مأيوس نور مبين

افول نمايد و ظلام ليل بهيم حصول جويد مرکز پيمان فراموش شود و نارالله الموقده

خواموش گردد زمام عهد در دست اطفال مهد افتد و شمع شب افروز پيمان از ارياح

بقضآء مخمود گردد نيّر ميثاق غروب کند و خفّاش شقاق خيمه به بيرون زند پرتو

حقيقت

\* ص567\*

مفقود و مکنون گردد و ظلمت مجاز سراپرده بگردون زند مرکز عهد تبديل يابد و محور

ميثاق تحويل حال اين عبد را در صون حمايت مصون نمودی و ميثاقت را محفوظ و مثبوت

بنيان پيمان را برافرشتی و دست تطاول ناقضين را کوته ساختی ولی نقض عهد گردن گير

شد و مانند اغلال و زنجير و انّا جعلنا فی اعناقهم الاغلال فهی الی الاذقان فهم

مقمحون تحقّق يافت ای پروردگار بقوّت و اقتدار اين زنجير بردار و اعناق را از

اغلال رهائی بخش گردنها را آزاد کن و دلهای قيرگون را روشن و شاد فرما خفتگان را

بيدار کن و بيهوشان را هوشيار اطفال رضيع را بثدی عزيز دلالت فرما و کودکان بيخرد

را بدبستان عنايت هديت نما مست بادهٴ غرور را رسم خضوع و خشوع آموز و زنجيرشکن

کبر و محن را آداب عبوديّت تعليم نما اين بيچارگان نادانند و اين کودکان نو

هوسان و بی خردان ندانند و نشناسند و انجام نبينند نام جويند و راه جفا پويند تو

انتباه بخش و اشتباه را از ميان بردار هدايت کن و عنايت فرما و بظل سدرهٴ ميثاق

\* ص568\*

دلالت نما تا کل در سايهٴ شجرهٴ انيسا راحت جان يابند و کام دل جويند و بمسرّت

بی پايان رسند و مقامشان بلند گردد و قدرشان ارجمند عزّت قديمه يابند و موهبت

عظيمه از آغاز سرفراز تر گردند و از پيش عنايت بيشتر يابند ای پروردگار تأييد

بخش و توفيق عنايت کن اين ابر تيره را زائل کن و اين غمام حائل را متلاشی و

باطل نسيم جان بخش بوزان و دلهای مرده را زنده کن باران رحمتی ببار و اين گياه

افسرده را تر و تازه نما حدئق قلوب را جنّت ابهی کن و حقائق نفوس را رياض

ملاءاعلی ای قدير رجای اين عبد بپذير توئی توانا توئی بيهمتا و از اغرب غرائب

آنکه سه سال قبل نوشتهٴ از مدينه الله عراق نزد جناب آقامصطفی عليه بهآءالله

ارسال ميشود و از ايشان سئوال مينمايند که اين لوح مبارک است يا دون آن جناب

مذکور آن ورق مزبور را نزد جناب آقاميرزا اسدالله ارسال مينمايند و استفسار از

حقيقت کيفيّت ميکنند آن ورقه چون ملاحظه گرديد بعضی از آثار مبارکه را پراکنده

نفسی جمع نموده يعنی چند فقره از اينجا چند فقره از آنجا جمع نموده و در ميان

اين فقرات ع ع مرقوم نموده و آن ورقه بعضی فقراتش اينست

\* ص569\*

سرالله من سدرة النار من ورآء قلزم النور علی بقعه الامر قدکان بالروح

مشهودا و بعد اين مرقوم فسبحانک اللهم اسئلک بذاتک الغيب فی مکمن البقآء و

بذکرک العلی الاعلی ع ع و بجمال القدس فی فردوسک الابهی باری در جواب

بآقا ميرزا اسدالله تأکيد شد و بآقا محمّد مصطفی عليه بهآءالله مرقوم گرديد

که اين لوح بعضی فقراتش از جمال قدم و بعضی نه اين را بعضی از متزلزلين مخصوص

ترتيب داده‌اند و در افواه احبّای الهی انداخته‌اند تا شيوع يابد و چون شايع گشت

خواهند گفت که اينرا ثابتين ترتيب داده‌اند و اين را سبب تخديش اذهان ضعفا خواهند

نمود پس بايد هر کس اين نوشته در دستش آمد محو نمايد اين قضيّه در سه سال پيش

واقع و الآن جواب در بغداد موجود و جميع احبّای بغداد مطلع و چون جناب فروغی

در اين ارض بزيارت آستان مقدّس مشرّف شد در نزد جمعی ذکر اين نوشته شد بکرّات و

مرّات و تکرار گفته شد و تأکيد گشت که اين نوشته اصل ندارد بلکه ترتيب متزلزلين

است و بايد بکلی محو شود حال اين ايّام سرّ مکتوم مکشوف شد حضرات آن نوشته را

\* ص570\*

دست آويز کرده و ضعفا را تشويش ميدهند که تحريف شده و حال آنکه تحريف متزلزلين

چون آفتاب مشهود و واضح و مطبوع و در جميع آفاق منتشر آيات سورهٴ هيکل بعضی را

بکلی از سورهٴ هيکل برداشته و بعضي را تغيير داده‌اند حال ملاحظه فرمائيد که اين

مظلوم ساکت و صامت و اهل فتور چه قدر جسور و اعظم شرور را بثابتين نسبت داده‌اند

و حال آنکه در اکثر اوراق بخط کاتب تحريف واقع و آنچه خواستند کرده‌اند و بنصّ

جليل اين عبد مبيّن کتاب مبين است و آثار آنچه در تحت تصديق اين عبد نه شايان

اعتماد نيست مگر باثر قلم اعلی آن نيز بايد نهايت دقّت و فحص دقيق شود که نقطهٴ

تزييد و تنقيص و تصحيف نگردد قضيهٴ فاقبلوه بتصحيف فاقتلوه شد از خاطر نرود

پادشاه شام نورالدين سلجوقی امر نامهٴ بحلب نگاشت عبارتش اين بود اذا وصلکم

امری هذا فاحصوا کل اليهود فی حلب يعنی جميع يهود حلب را بشماريد کاتب بعد از

توقيع و تمهير فرمان غفلت نمود مگسی نقطهٴ از فضلات بالای حای احصوا گذاشت و

اخصوا شد بورود فرمان جميع يهود مظلوم را جمع نموده بلای عظيمی بر آن

\* ص571\*

بيچارگان وارد آوردند چون کيفيّت منتشر و مسموع پادشاه گشت بسيار برآشفت و دشنام

گفت و از غضب برافروخت و کاتب را مورد عتاب ساخت چون حقيقت مسئله معلوم گشت

مشهود شد که اين تصحيف و تحريف را يک ذبابهٴ ‌ضعيف نموده ملاحظه فرمائيد تصحيف و

تزييد نقطهٴ چه ظلم و فساد شديد بر پا نمود از اين قياس کنيد علی الخصوص جميع

امانات و اوراق اين عيد را متزلزلين غصب و ضبط نمودند حقيقت اين قضيّه آنکه جمال

قدم و اسم اعظم روحی و ذاتی و کينونتی لعتبه المقدّسة الفدا در ايّام اخيره

وقتي که در فراش تشريف داشتند اين عبد بقصر رفت و شب و روز در ساحت اقدس بودم دلها

پر خون و اشک مانند جيحون و با اين حالت باکثر خدمات مبارک مشغول بودم روزی

فرمودند اوراق من را جمع کن از اين فرمايش چنان طپش و اضطرابی در قلب حاصل گشت که

شرح نتوانم مکرّر امر قطعی فرمودند محض اطاعت با کمال ارتعاش دل و دست مباشرت

بجمع اوراق نمودم و دو جانطهٴ بسيار بزرگ بود که در وقت تشريف بردن

\* ص572\*

بقصر و مرجعت بعکّا جميع اوراق و مايتعلق محبوب آفاق در آن دو جانطه گذاشته

ميشد باری اين عبد مشغول بجمع کردن بود که ميرزا مجدالدين وارد شد اين عبد چنان

متأثّر و مضطرب بود که خواست بزودی از تأثّرات جمع اوراق خلاص شود بی اختيار

باو گفتم تو نيز معاونت نما باری جميع اوراق و امانات و خواتم و سجعهای مهرهای

مقدّس را در آن دو جانطه گذاشته بستيم فرمودند تعلق بتو دارد بعد رزيّهٴ کبری

رخ نمود و ارکان عرش متزلزل و ظلمت فراق آفاق را احاطه نمود صبح نورانی بشام

ظلمانی تبديل گشت شمس حقيقت بظاهر از ابصار افول نمود و بر آفاق بصائر سطوع

فرمود سراج هدی از ملأ ادنی صعود نود و در زجاجهٴ ملأ اعلی برافروخت دلها غرق

خون شد و جگر ها پر سوز و گداز گشت ناله و حنين بلند شد و گريه و زاری باوج اثير

رسيد جميع ملل از وضيع و شريف در قصر جمع شدند و کافه متأثر و متحيّر مصيبت

کبری و لاتسمع لهم همسا فضلا و علما و ادبای ملل شتّا از سنّه و شيعه و نصاری

قصائد غرّا در ماتم و رزيّهٴ کبری انشا

\* ص573\*

نموده در کمال تأثر و تأسف و تحسّر علی ملاء الاشهاد قرائت و تلاوت مينمودند و

جميع در ستايش و نيايش و بزرگواری نيّر آفاق و اعتراف بر عظمت و جلال و جمال و

کمال حضرت کبريا و الفضل ما شهدت به کل البرايا باری اين عبد در اين فزع عظيم و

اضطراب شديد با چشمی گريان و قلبی سوزان و کبدی بريان وارد غرفهٴ مبارک با اغصان

شد چون خواستيم جسد مطّهر را غسل و آب پاک و مآء طهور را بنفحات آن تن چون بلور

معطّر نمائيم يکی از اهل فتور باين عبد گفت اين دو جانطه را بدهيد بدهم ميرزا

بديع الله بغرفهٴ خويش برد و محافظه نمايد زيرا در اينجا آب موج خواهد زد

اين عبد از شدّت صدمهٴ کبری و قوّت رزيّهٴ عظمی مدهوش و محو و فانی گشته و

بهيچوجه گمان چنين ظلم نميگشت لهذا آن دو جانطه را بتمامه تسليم نمودم باری ديگر

مپرس که در آن روز چه حسرت و ماتمی بود و آن بامداد چگونه شام گشت گر گويم قلبها

پر خون شود ور نويسم اشکها جيحون شود قسم بجمال قدم که بکلی از حواس و احساس

بيزار و بيگانه گشتم و تا الی صباح گريستم و يوم ثانی و ثالث نيز بر اين منوال

گذشت ليلۀ

\* ص574\*

رابع نصف شب از بستر با خون جگر برخواستم که قدری مشی نمايم بلکه فتوری در حرقت

و سوزش جگر حاصل شود ملاحظه کردم که اوراق را باز نموده‌اند و جستجو مينمايند چنان

حالتی دست داد که وصف نتوانم دوباره رجوع بفراش نمودم که مبادا ملتفت شوند که

اين عبد اين قضيّه را مشاهده نمود در پيش خود گفتم که چون حضرات کتاب عهد جمال

قدم را نديده‌اند گمان ميکنند که بواسطهٴ اوراق مبارک ميتوانند در امرالله

اختلافی کنند لهذا بهتر اينست که اين عبد سکوت نمايد و يوم تاسع تلاوت کتاب عهد

گشت و معانی ميثاق در مذاق اهل وفاق شهد بخشيد حزبی مسرور و مستبشر گشتند و بعضی

مغموم و متحسّر آثار بشارت کبری در وجود احبّا ظاهر گشت و غبار کدورت عظمی در

بشرهٴ اهل هوی نمودار گرديد بقسمي که جميع حاظرين ملتفت شدند و از همان يوم اساس

نقض گذاشته شد و دريای وهم بموج آمد آتش فساد برافروخت و قلوب مخلصين

\* ص575\*

بسوخت روز بروز اين آتش شعله ور گشت و اين غبار بلند تر شد تا يکی از حضرات

افنان توقيعی جديد داشت و استدعا نمود که فوق توقيعش بخاتم مبارک مزيّن گردد

ذکر شد که يک خاتم از خاتمهای مبارک بدهيد تا اين توقيع را مزيّن نمايم در جواب

گفتند خبری از خاتمهای مبارک ندارم گفته شد جميع خاتمهای مقدّس در جانطه و در

گنجهٴ مبارک بود و جانطه را من تسليم شما نمودم گفت من نديدم و نميدانم از اين

جواب قسم بروح صواب چنان ارتعاشی در بدن حاصل شد که وصف نتوانم حيران و سرگردان

ماندم و گريان و نالان شدم که اين چه فتنهٴ عظمی بود و چه ظلمت دهما که ظاهر گشت

باری جميع آثار مقدّسه و الواح متعّلقهٴ عبد و سائر دوستان جميع را از ميان بردند

حتّی احکامي که تعديلش در نزد اين عبد موجود ملاحظه فرمائيد که تعدّی بچه درجه

رسيد و اين عبد ساکت و صامت بود که مبادا اين رائحهٴ کريهه بکلی نشر در آفاق

گردد و اين حوادث مخيفه بتمامه معروف در نزد اهل شقاق شود در آتش ميسوختم و

ميساختم ميگريستم و ميزيستم بعد ملاحظه

\* ص576\*

شد که بلائی که بر جمال قدم وارد يک يک پی در پی مستولی بر اين عبد ميگردد تا

آنچه در علوّ ربوبيّت ظاهر گشته انعکاساتش در دنوّ عبوديّت نمايان و عيان شود

صورتي در زير دارد آنچه در بالاستی چون اين مصيبت بعينها بر جمال قدم وارد

پس بايد صدمهٴ از آن نصيب اين عبد گردد تا عبدی اطعنی حتّی اجعلک مثلی تحقّق

يابد چنانچه در مناجات بيان ميفرمايد و فی الحقيقه اين فقره مناجات از لسان

اين عبد است قال و قاله الحق قد اخذتنی الاحزان علی شأن منع القلم الاعلی

عن الجريان و لسان الابهی عن الذکر و البيان و قد رايت يا الهی فی حبّک ما لارئت

عيون الاوّلين و سمعت ما لا سمعت اذن العالمين و قد اری يا الهی عبادک الذين

نزلت عليهم البيان و خلقتهم لنفسی احجب من ملل القبل کلها بحيث يفتخرون بخاتمک

و يضربونه علی الالواح لاثبات رياساتهم بعد الذی انّی ارسلته اليهم لعل

يستشعرون لا فو عزّتک لم يکن خاتمک الا فی اصبعی و لا يفارق منّی ابداً و لن يقدر

احد ان يأخذه منّی طوبی لمن يقرء ما نقش فيه من اسرارک المستوره و آياتک

\* ص577\*

الاحديّه و ثنائک المستودعه انتهی بيانه البديع ملاحظه بفرمائيد که چگونه

اين عبد را از بلايآء واردهٴ بر جمال قدم نصيب عظيم است آنچه بر آن مطلع انوار

وارد بعينه بر اين خاکسار وارد قد تجليّت دموع الملاء الاعلی لبلائی و تلهبّت

زفرات اهل الملکوت الابهی لکربی و ابتلآئی و اعين اهل سرادق القدس تذرف

بالعبرات من حسراتی و اکباد الملاء العالين تتفتّت من احزانی و آلامی الهی الهی

تری اجيج ناری و ضجيج سرّی و احتراق کبدی و شعلة قلبی و کّی احشائی و فيض دموعی و

سيل عيونی و شدّة کربی و بلائی و حرقة فؤادی و ابتلائی اي ربّ اکمنوا لی فی

المراصد و فوّقوا الی سهام المفاسد و سلوا علی سيف العدوان من کل جانب و

اطلقوا العنان و اشرعوا السنان و اغاروا علی هذا العبد الذليل بکل طغيان اي ربّ

ليس لی نصير و لا ظهير و لا مجير الا انت و بقيت فريداً وحيداً اسيراً ذليلاً

بين احبّائک و حيراناً فی امری کلما انظر الی اليمين اری نبالاً طائره و انظر

الی اليسار اری نصالاً

\* ص578\*

متتابعه و التفت الی الامام اجد سيوفاً شاهره و اتوجّه الی الخلف احسّ رماحاً

نافذه و ارفع رأسی اری غيوماً متکاثفه و اطرق الی الارض اری حبائل و اشراک

متواصله و ضعوها لی مصائد اولی العدوان حتّی يرمونی فی اخدود النيران و

يعذّبونی باشّد هوان ای ربّ و غاية رجائی اتضرّع اليک و ابتهل اليک و ضجيجی

يرتفع الی ملکوتک الابهی و صريخی يتصاعد الی ملک الاعلی ان تقرّب ايّام رجوعی

اليک و ورودی عليک و وفودی بين يديک ای ربّ ضاقت علی الارض برحبها و اشدّت

علی الازمّة باسرها و احاطتنی جنود الشبهات من جميع الجهات و اغارت علی جموع

الخصمآء من کل الانحآء انجدنی بقبيل من الملائکة المقرّبين من ملکوتک الابهی و

انصرنی بنزول جيوش متوّسمين من ملئک الاعی کما وعدتنی حين اندّک طور وجودی من

تجليک علی سينآء الظهور مشهد اللقآء و انّی مطمئن القلب و متقيّن الفؤاد

انّک تنجز وعدک الحقّ و قولک الصدق يا محبوب من فی الارض و السمآء فاخلق

اللّهم نفوساً زکيّة و قلوباً صافية و وجوهاً نورآء و جباهاً بيضآء

\* ص579\*

و صدوراً منشرحةً بآيات قدسک يا ربّی الابهی و السناً ناطقة بذکرک يا ذالاسمآء

الحسنی و کينونات لطيفة صافية مستنبئة عنک يا ربّ السموات العلی ليقوموا علی

نشرالآيات و اعلآء الکلمة و اشهار البيّنات متمسّکين بالميثاق و متشبّثين

بعهدک يا ربّ الرايات و يفتحوا قلاع القلوب و معاقل النفوس و يسخّروا الارواح

فانّهم جنود ملکوتک الاعلی يا ربّی الابهی اين عبد در ساحت اقدس جمال قدم از

شدّت خجلت و شرمساری سر برندارد و از کثرت قصور در حسرت فتور نيارد چه که با

دستی تهی و گناهی عظيم و ذنوب و عصيان و نسيان قائم در آستانم و جز عفو و غفران

ملجأ و پناه ندارم ای يزدان مهربان سراپا گنهيم و خاک رهيم و متضرع در هر

صبحگهيم اي بزرگوار خطا بپوش عطا ببخش وفا بفرما صفا عنايت كن تا نور هدايت

تابد و پرتو موهبت بيفزايد شمع غفران برافروزد پردهٴ عصيان بسوزد صبح اميد دمد

ظلمت نوميد زائل گردد رويها منوّر شود توئی

\* ص580\*

بخشنده و مهربان و درخشنده و تابان انتهی ولی حمد نمايم حضرت احديّت را که اهل

فتور پس از پنج سال غور و شور و شور قصوری که بر اين عبد وارد آوردند اين بود

که بکنايه و اشاره و عباره و تلويح و حال بتوضيح تفهيم کل مينمايند که اين عبد

مدّعی مقامی و شأنی و ظهور جديدی و طلوع بديعی هستم يعنی خود را مطلع وحی

ميدانم و مظهر الهام شمرم و بنص کتاب الله وحی مختّص بحضرت اعلی و جمال مبارک

است و تا هزار سال وحی منقطع و بعث مظاهر ممتنع است پس بسبب اين ادّعآء وحی کفر

ثابت و حکم يبعث الله عليه من لايرحمه لايق چه که اين متمّم آيهٴ من يدّعی

امراً قبل اتمام الف سنة کامله است باری چنين افتراء صريحی زدند و تهمت شديدی

روا داشتند و فتوای عظيمی دادند فنعم ما قال طوعاً لقاضِ اتی فی حکمه عجبا افتی

بسفک دمی فی الحل والحرم چون قلم در دست غدّاری فتاد لاجرم آن يار بر داری

فتاد باری در سنهٴ صعود بعراق مکتوبی ارسال

\* ص581\*

گشت که مضمونش باين معانی مشحون اعلم انّ العبوديّة فی عتبته الساميه هی تاجی

الوهّاج و اکليلی و بها افتخر بين الملأ العالين و همچنين صفحهٴ‌ مرقوم گشت که

از عنوان تا ختام عبدالبهآء بود و مضمونش از اين عبارات دالّه بر فقر و فنا اعلم

انّ اسمی عبدالبهآء و لقبی عبدالبهآء و نعتی عبدالبهآء و کينونتی عبدالبهآء

و ذاتيّتی عبدالبهآء و مسجدی الاقصی عبدالبها ء و سدرتی المنتهی عبدالبهآء و

جنّتی المأوی عبدالبهآء و امثال ذالک الی الانتهآء و اين دو نوشته در عراق

الآن بخطّ اين عبد موجود و همچنين مکتوبی که سه چهار سنهٴ قبل بجناب آقامحمّدعلی

المشهور برجال الغيب مرقوم گرديد صورتش اينست هوالابهی ای طالب صادق و حبيب

موافق آنچه مرقوم نموده بودی ملاحظه گشت و بمنتهای دقّت تلاوت گرديد اليوم

تکليف کل اينست که آنچه از قلم اعلی نازل آن را اتبّاع نمايند و آنچه بيان صريح

اين عبد است اعتقاد کنند ابداً تأويل

\* ص582\*

و تفسير ننمايند و تلويح ندانند قسم بمربّی غيب و شهود هر نفسی تصوّری نمايد و

يا تخطرّی کند سبب احتجاب او گردد و علت ارتياب شود اينست اعتقاد صميمی حقيقی

صريحي بديهي اهل ملكوت ابهي و سكّان جبروت اعلي كه ظهورات كليّه كه نقاط اوّليّه

و شموس حقيقيّه و مبادی فيوضات رحمانيّه هستند منتهی بظهور اعظم و جمال قدم

روحی لاقدام احبّآئه الفدا شد تا قبل از موعد مذکور در کتاب الله يعنی الف سنه

جميع نفوس مقدّسه که موجود شوند ادّلاء و عباد و ارقّاء بل تراب آستان جمال

مبارکند کل در نزد آن آفتاب حقيقی بمنزلهٴ سراج مستضيهٴ و نجوم مستنيره هستند

که بشعاعی از اشعهٴ آن شمس حقيقت مستفيض گشتند کل عباد له و کل بامره يعملون

سبحان الله چه نسبت است بين تراب و ربّ الارباب و چه مشابهت است بين ذرّه و

آفتاب جهانتاب و امّا اين عبد مقامش عبدالبهاست و ذرّهٴ از خاک آستان جمال ابهی

در ساحت احبّايش محو و نابودم و در آستان

\* ص583\*

بندگانش تراب بی وجود استغفرالله عن دون ذلک يا احبّآءالله ولی اين مطلب را

بکمال محبّت و رأفت تفهيم کل نمائيد نه بعنف و زجر که سبب اختلاف شود

عبدالبهاّء ع ملاحظه بفرمائيد که اينعبد در چه مقام قائم و در چه فکر و

انديشه و مستغرق بحور متلاطم با قوّت تأييد ملکوت ابهی چون اضعف ناس فانی و

محو و نابود و با ظهور قوّت نصرت جمال ابهی چون احقر عباد در صقع وجود مشهود

با وجود اين اهل فتور چه قدر مفتری و جسور که انتشار ميدهند اين عبد نعوذ بالله

مقامی فوق مقام جمال ابهی ادّعا نموده و اين قضّيه بر اهل فتور گران آمده

الهی انت تعلم و تشاهد و تشهد باّن طينة عبدک مخمّرة بمآء العبوديّة لعتبتک

العاليه و جبّلة رقيقک مرّبيه بروح الفنآء و المحوية فی حضرتک القدسيّه و حقيقة

عبدک کالطفل الرضيع قد رضع من ثدی العبوديّة و نما فی حصن التعبّد لطلعتک

المنيره و نشأ فی حجر التخشع بسلطنتک القديمه مع ذلک کيف سلّوا سيوف

\* ص584\*

السنتهم المؤتفکه علی عبدک و رشقوا سهام الطعن المسمومه علی ابن امتک اي ربّ

افتح بصيرتهم و طيّب سريرتهم و نظّف ضمائرهم و لطّف بواطنهم و ظواهرهم و اهدههم

الی المنهج القويم و صراطک المستقيم انّک انت الکريم الرحيم باری ملاحظه

فرمائيد که اين قضيّه بعينها بر جمال قدم در عراق وارد که صدهزار تير طعن بر

سينهٴ مبارک زدند و مفترياتی چند اعلان نمودند که ناس را از مآء معين محروم

نمايند و از نور مبين محجوب کنند چنانکه در مناجات قلم بيان ميفرمايند

بل قضيت علیّ ما لاقضی علی احدٍ من قبلی وجريت ما لا يجری علی نفس من بعدی ولکن

لن يعرفه احد دونک ولن تحصيه نفس سواک لانّک کما لا تعرف بالابصار و کذلک فعلک

لايدرک بالافکار و انّک انت العزيز الجبّار و نزل کل ذلک حين الذی اسمعتنی

اختلاف عبادک فی شأنی بعد الذی ما قدّرت لی من شأن دون العبوديّة لنفسک

والخضوع لدی باب رحمتک والخشوع عند ظهورات انوار وجهک لاّنک لم تزل کنت سلطاناً

\* ص585\*

علی و لاتزال کنت عابداً لوجهک و کنت مالکاً لنفسی و کنت مملوکاً لنفسک و

ذليلاً عند جنابک و حقيراً لسلطنتک و معدوماً لدی ظهور قدرتک و مفقوداً عند

تجلی انوار عزّ ازليتک رغماً للذين يريدون ان يفسدون فی ارضک و يعلون فی

بلادک و يحدثون فی الملک مالا قدّرت لانفسهم و مراتبهم فسبحانک سبحانک عن کل ذلک

و عن کل ما وصفک به لانّک لاتدرک حتّی تذکر بالوصف و لاتعرف لکی تدرک بالنعت

هل انّ عبدک هذا يکون عابداً لمن بعبدک و ساجاً لمن یسجدک و خادماً لمن يکون

خادماً لنفسک و خاضعاً لسلطنتک و معيناً لمن يطلبک و ناصراً لمن ينصرک فی سمائک

و يريد نصرک فی بلادک فو عزّتک لم اجد لنفسی عزّاً اکبر من ذلک و لارتبة اعظم من

هذا و من کان فی قلبه و له شوقک و شغف فی حبّک يعرف حبّ الذی شرفتنی به من

جواهر رحمتک و مجرّد مکرمتک و يستنشق من هذه الورقة الورديّة ارياح حديقة

البقآء و اطياب مدينة الوفآء و يشهد کيف یحرق و يذوب هذا الشمع فی مصباح قلبه

فيما ورد عليه و نزل فی امر مولاه انتهی باری اينعبد با اين

\* ص586\*

عبرديّت عظمی در کمال محويّت و فنا در آستان اقدس قائم و چون ذرّه مفقود و معدوم

و نابود در مقام بندگی ثابت و راسخ و دائم هيچ اسمی نخواستم و خويش را بهيچ لقبی

نياراستم و ادّعای وحی ننمودم حتّی خويش را ملهم نخواندم نه مستضيئی دانستم و نه

مستنير نه مستشرق نه مستبرق در جميع احيان خود را عبّاس ناميدم و در بين ناس

خود را باين اسم شهير نمودم بلکه منتهای آرزوی اين عبد انعدام صرف و فناء بحت است

که بينام و گمنام شوم و بی اثر و بي نشان گردم تا بحقيقت عبوديّت که عدم بحت و

فنای صرف است متحقّق شوم ولی بانصاف ملاحظه نمائيد که نفوسي که افتری باين عبد

روا داشتند چه ادّعاها نموده‌اند و چه عربده ها کرده‌اند و چگونه دعوای ظهور جديده

نموده‌اند و چه قسم ادّعای نزول آيات و وحی کرده‌اند بقسمی تعجيل نمودند که فرصت

صعود بجمال مبارك روحي لمرقده المطّهر فدا ندادند در وقتي كه آن شمس حقيقت در افق

مبين طالع و لائح و سلطان ملکوت توحيد بر سرير تفريد در حيّز شهود جالس پرتو

آفتاب اوج

\* ص587\*

عزّت شرق و غرب را منوّر نموده و نيّر اعظم باشّد اشرق ابصار را خيره فرموده در

چنين وقتیو چنین روز فيروزی اظهار وجود نموده‌اند و علم ادّعا برافراختند و دعوی وحی

نمودند و چنان عربدهٴ معهوده در قزوين انداختند و توقيعات نوشتند و عبارات خود

را آيات الهيّه خواندند و خويش را سلطان روح ناميدند و چون از اين ‌تفوّهات و

حرکات آشوب و فتنه در قزوين برخواست توقيع ساطع چون سيف قاطع صادر گشت قوله جل

ذکره اگر آنی از ظل امر منحرف شود معدوم صرف خواهد بود انتهی و اين

سواد کلماتيست که بخطّ و مهر مدّعی عيناً موجود هوالعزيز ان يا علی اسمع

ندآئی و لاتکن من الغافلين قد انزلنا اليک کتابا بلسان عربّی مبين و ما

ارسلناه لحکمة لک ينالها الا الذين انقطعوا عن کل من فی السموات والارضين

فسوف نرسله عندک اذا شآءالله و اراد و انّه ما من اله الا هو يحکم مايشآء و

انّه لعليم حکيم مهر محمّد علی هو البديع فی افق عزّ منيع ح ع ب د

\* ص588\*

تبارک الذی ارتفع السموات بغير عمد و استوی علی الماء عرشه و انّه بکلشيئی

شهيدا و انّه لااله الا هو و انّه بکل علم عليما قل يا عبد اتبّع ما ينطق لک

الروح بلسان صدق عظيما ثمّ ابلغ الناس بهذه الآيات ليذکّروا فی انفسهم و لن

يتبعوا خطوات کل کافراً اثيما قل يا قوم آمنوا بالله الذی خلقکم ورزقکم و

لاتعرضوا به علی قدر نقيرا و قطميرا قل يا ملأ لم تکفرون بالله بارئکم و

تعرضون بهذا الآيات لاّن هذا قد نزل من عند الله المقتدر العليم الحکيما ثمّ قل

يا قوم تالله قد ظهر غضنفر الله فی الارض و فرّ منه کل حمير ذی رجلين و ملأ

قلوبهم من خيفة الله المقتدر القديرا و ما امن احد منهم ايّاکم ان لاتکونوا

بمثلهم مشرکاً مرتّدا کفورا الی ان قال ثمّ اشرب مايسقيک ساقی الروح من

هذاالکوب الذی کان من ذهب الايقان مصنوعا ثمّ ارزق من ثمرات هذه الشجرة التّی

غرست فيهذ السينآء بيد ربّک العليم الحکيم الرحيما ثمّ قل يا قوم اسمعوا

ندآء هذا الذی ظهر بين السموات و الارض و يقول بان

\* ص589\*

يا قوم آمنوا بالله الذی خلقکم بامره و کونوا بقوله سمّاعا سامعا سميعا و

بجماله بصّارا باصراً بصيرا و بجلاله نظاّرا ناظراً الی قال و انّه توّابا کريما

علاما رحيما من النبيل قبل علی مهر محمّدعلی هوالله الارفع الابهی

الاعلی ذکرالله عبده عليّا ليستقيم علی امر مولاه و يکون ربّه صديقا الی ان قال

ان يا عبد اسمع ندائی ثمّ انقطع عن نفسک و هواک و وجّه بشطر مولاک و انّ

هذاالقول الصدق ان انت له سميعا والروح عليک وعلی من استشرق من هذه النور

الذی ظهر عن هذه الشمس التّی کانت فی قطب الزوال مضيئا عبدالله العلی محمّد

علی مانزل علی فؤاد محمّد قبل علی ان ياغلام الروح اسمع ندآء ربّک الکريم عن

هذه المنظر العظيم الی ان قال ثمّ ابلغ الکائنات الی مولاک فمن صدق بقولک و آمن

باياتک الله بشّره بلقآء ربّک الرحمن الرحيم و من کفر فانذره بالنار و انّ

ربّک سيجزيه عذاب عظيم و ما عقبی الظالمين الا الجحيم والله مخبر عليم قل يا

عبد اسمع مايلهمک قلم الامر فی آخر اللوح ان استقم علی امره ان يمطر علی رأسک

السيف لاتتّبع خطوات الشيطان

\* ص590\*

و اتّبع ملّه الرحمن و انّه لااله الهو و انّه لسلطان حقّ بينا ثمّ اشکر

ربّک بانّه ينصرک بنصره و انّه ينصر من يشآء و انّه لعلی کل شيئی شهيدا و انّه

لناصر کل عبد فقير و الروح و التکبير و البهآء عليک و علی کل مؤمن منيبا

مانزل علی فؤاد محمّد قبل علی هو البّهی الابهی فی الافق الاعلی ع م ص

سبحان الذی خلق کل شيئی بمقدارهم و انّه لعلی کل شيئی قديرا و انّه لااله

الاهو و انّه لعلی کل خلق عليما ان يا قوم آمنوا بالله و صدقوا باياته بانّه

لااله الاالذی فطر السموات بغير عمد و استوی عليه عرش العلی عظيما قل يا قوم

اسمعوا ندائی و کونوا علی صراط الله قائماً مستقيماً يا ملأ آمنوا بالله

الذی خلقکم و رزقکم و صوّرکم و انّه بکل شيئی شهيدا له الخلق والامر من قبل و

من بعد و انّه لسلطاناً مقتدرا عزيزا عظيماً کبيرا ان يا ملأ البيان اسمعوا

ندائی و لاتکونوا کالملأ الفرقان کافراً مرتداً اثيما ثم اشهدوا بانّه لااله

الاهو و انّه لسلطان حقّ مبينا يا قوم اسمعوا ندائی و لاتکفروا باياته و

بيّناته بانّه قد خلقکم من قبل من قطرة ماء و طينا آمنوا

\* ص591\*

بالله يا ملاء المشرکين و لا تکذّبوا بهذاالآيات لاّن هذا قد نزل من عندالله

المقتدر العليم القديرا و انّه لا صرف الطوفان عن فلک النوح و انّه لاصرف ريح

العاصف عن الهود والذين معه و اوراد المشرکين فی الجحيم و انّه جعل نار الخليل

رضوانا و انه لاغلب علی النمرود بعوضة من السما قتله و انّه لجعل البحر لبنی

اسرئيل سبيلا و غرق الفرعون و ملأ کلهم اجمعينا و انّه لارسل علی الخلق من عنده

الانبيا حتّی يدعوا الخلق اليه و انّه لقادر عليما يا قوم هذه آیات الله

لاتکفروا به و لاتعرضوا بالله نازله هنیئا لمن صدق به و يشهد بانّه لااله

الاهو و انّه لعلی کلشيئی قديرا ان يا معشر البشر تالله قد اشرق شمس الله

الاکبر و انتم اعرضتم عنه و کنتم من اصحاب الکفر و انّه لااله الاهو و انّه

لسلطانا مقتدر و کل خلقتم بقولی و انّه لعلی قاهر مقتدر الا اله الا هو و انّه

لسّر الله المستسر قد ورد فی الجحيم کل من اعرض به ثّم ادبر ان يا ملأ المشرکين

لم تفّرون من هذاالمشرق الانور تالله لم يکن لاحد مفرّ لا اله ‌الا هو سبحانه و

تعالی عمّا يصفون هؤلآء الکفر فسبحانک اللهم يا الهی انت الذی

\* ص592\*

خلقتنی و رزقتنی و انّک لقادرا مقتدر يا من لااله الاانت فاظهر لنا السّر المستر و

انّک لسلطان ملک الوهّاب لن تنهر قل يا قوم تالله قد ظهر ظهور الله الاکبر عن

مشرق القدس کشمس لائح انور و کشف النقاب عن وجه الاطهر و انه من کل الشموس و

الاقمار و النجوم انور اکبر بل انّه لسلطان السموات و الارض و انّه لنورالله

الانور بل الشمس عنده من کل صغير اصغر قل يا ملاءالبيان اليوم قد غفرالله

ذنوبکم الله الذی کان بکل شيئی عليما ايّاکم ان لاتفتروا علیّ کما افتروا

المشرکين من قبل و لا تقولوا فی حقّی بانّک درست کما قالوا الکفّار اذ جاء علیّ

بالحقّ بايات الله و بيّناته خافوا عن الله و لاتفتروا علیّ و انی کتبت

هذا اللوح حين الذی کنت صغيرا يا قوم انتم کبرآء فی الارض ايّاکم ان لاتختلفوا

فی الدين و کونوا علی صراط الله قائماً مستقيما

و مکتوب ديگر چون مفصّل بود اين مختصری از آن است که نوشته ميشود

قل ياقوم انّی سمندر ناری امشی فی النار و اکل من النّار و اسير فی النار و انّ مقصودی من

النار هو حبّ‌الله المهیمن القيّوم و من کل النار

\* ص593\*

هو اکل معارف ربّی والمشی فی النار هو المشی فی سبيل حبّه و السير فی النار

هو السير فی درجات شوقی و جذبی الی محبوبی الباقی المحبوب اذا لاتقتلونی باسياف

شرککم اتقوالله و لا تنکرونی و لاآياتی التّی اوحيت الی من عند ربّی و انزله

علی لسانی و نطقت بها فی ايّام صغری اذا فارحموا علی و لاتقطعوا رأسی بسيوف

النفس و الهوی و هذا بما نصحتکم به بما امرت من لدی الله المقتدر القيّوم ان

انتم تسمعون

حال ای اهل انصاف قدری انصاف دهيد نفسی که نوشته است واضحاً مشهوداً قل يا قوم

تالله قد ظهر ظهور الله الاکبر عن مشرق القدس کشمس لائح انور و کشف النقاب عن

وجه الاطهر و انّه من کل الشموس و الاقمار و النجوم انور و اکبر و همچنين بل

الشمس عنده من کل صغير اصغر و همچنين کل خلقتم بقولی و همچنين ولاتنکرونی و

آياتی التی اوحيت الی من عند ربّی و انزله علی لسانی اين نفس اعتراض بر نفسی

که خويشرا عبد عبد بهآء خوانده مينمايد که تو دعوای الوهيّت نمودی و خود را صاحب

آيات و وحی دانستی و شريک جمال قدم روحی له الفدا

\* ص594\*

شمردی ای منصفين انصاف دهيد ای بی بصران قدری تبصّر در امور نمائيد کسي که طينتش

و فطرتش بماء حيات عبوديّت جمال قدم مخمّر متهوم بادّعاست و نفسي که واضحاً مشهوداً در

ايّام مبارک ادّعا نموده و در حقّش نازل شد که اگر آنی از ظل امر منحرف شود

معدوم صرف خواهد بود اين شخص حال مثبّت توحيد شده و قولش ميزان گشته و مرکز

ميثاق که کل مامورند که حتّی اين شخص باطاعتش مُهان و مضطهد و مبغوض فاعتبروا يا

اولی الابصار برهان از اين واضحتر و دليل از اين لائحتر لاوالله ولکن لاتغنی

الآيات والنّذر ولو تأتیهم بکلّ آية لن يومنوا بها ملاحظه نمائيد که امر چگونه

بر اشتباه است و افترا بچه درجه است قسم بآن روی و خوی مبارک جمال ابهی روحی

لعباده الفدا که جميع متزلزلين عکّا بحقّ اليقين ميدانند که اين عبد در عالم روح

و قلب و فؤاد و کينونت هيچ آرزوئی جز عبوديّت جمال ابهی نداشته و ندارد يعرفون

نعمة الله ثمّ ينکرونها ولی متزلزلين هر يک در هوائی پرواز مينمايد و هر يک را

هوس اوج و سمائی

\* ص595\*

ای ربّ تعلم و تشهد انّ هذا المتذلّل مکّب بوجهه علی التراب و يناجيک فی خفيّات

سرّه و يقول الهی الهی حقّقنی بعبوديّة عتبتک الطيّبة الطّاهره و ثبّت رقّيتی

بحضرتک المقدّسة العاطره و اجعلنی فانياً فی ساحة احبّتک الرّحيبة و قانتاً فی

رحبة ارّقائک الفسيحة ای ربّ قدّر لی الفناء البحت و الاضمحلال الصّرف فی امرک

حتّی يندک طود وجودی عند سجودی بباب احديتّک من سطوات آيات فردانيّتک و يضمحل

حقيقة ذاتی عند مناجاتی بفنآء حضرت ربوبيّتک اي ربّ ليس لی نار اشّد من بقائی

عند ظهور آيات توحيدک و ليس لی جحيم اعظم من وجودی عند تلئلأ انوار تفريدک

اي ربّ خلصنی من هذه الورطة الموحشة و نجنّی من هذه اللجة المدهشه انّک انت

الکريم انّک انت الرحيم يا ذا الفضل العظيم باری ملاحظه فرمائيد که اين عبد در

چه عالمی و متزلزلين در چه وادی شتّان بين مشرّق و مغرب هرگز انوار چنين

عبوديّتی مستور نماند و شمع چنين محويّتی خاموش نگردد امواج چنين بحری ساکن نشود

و هبوب چنين نسيمی مقطوع نشود فباطل

\* ص596\*

ماهم يعملون ملاحظه فرمائيد که متزلزلين هر يک از دوستان ارض مقدّسه را ميکوشند

که بانواع وسائل متزلزل نمايند و باطراف مينويسند که اين عبد بزخرف دنيا نفوس را

بميثاق الهی دلالت مينمايد شما را بحق قسم ميدهم در آن سفر که بساحت اقدس مشرف

شديد در نزد اين عبد آثار زخرف مشاهده نموديد و اين عبد را باين هوسها مبتلا ديديد

و يا متزلزلين را اين دائم روش متزلزلين بود و الآن نيز واضح و مشهود جميع

داخل و خارج ميدانند خلاصه شخص مکرّمی نوشته بيکی از احباب که مبلغ سيصد تومان

بفلان يعنی شما داده شده است ثابت بر ميثاق شويد و الآن خطّ آن شخص حاضر و موجود

و گله از اين عبد نموده اين کيفيّت اگر چنانچه بر کل مشتبه باشد بر شما که

مشتبه نميشود که کذب است ملاحظه نمائيد که بچه افتراها ميخواهند که بنيان

ميثاق را بر اندازند هيهات هيهات بنيان ميثاق از زبر حديد است و اساس پيمان

تأسيس خداوند مجيد اگر جميع علی الارض جمع شوند و بقوای وجود قيام نمايند در

اين اساس متين رخنه نتوانند قدری ملاحظه نمائيد که ملوک بنی اميّه

\* ص597\*

بچه دسائس و وساوسی بر خواستند و چه روات کذبهٴ از بعضی از اصحاب حضرت ترتيب

دادند و چه ولوله در عالم انداختند و چه فتنها بر پا نمودند بقسمي که نائرهٴ فساد

و عناد بعنان آسمان رسيد و بقوّت حکومت نفاق را در آفاق منتشر نمودند و جميع

خلق را بر بغض من کنت مولاه فهذا علی مولاه دلالت نمودند تا آنکه آن مظلوم را

مقهور نمايند حضرت امير طعمهٴ شمشير شد و حضرت سيّدالشهداء هدف صدهزار تير بغضا

گشت آل و حريمش دستگير و اسير شدند و هفتاد سال در کل منابر اسلام سب و لعن

آن جمال منير نمودند با وجود اين عاقبت چه شد حضرت امير چون بدر منير تابان شد و

سرّ شهادت حضرت سيّد الشهدا آفاق را عنبر بار کرد چشمها در مصيبتش گريان و

دلها سوزان گشت خاندان اموی بر افتاد و دودمان سفيانی محو و نابود شد حتّی ابنآء نفس

اعداء بنکوهش آباء و اجداد بر خواستند نور تقديس بتابيد و ظلمت تلبيس محو و

نابود شد و جآء الحق

\* ص598\*

و زهق الباطل تحقّق يافت منکری باقی نماند و معرضی استقرار نيافت با وجود آنکه

نه عهد و ميثاقی بود و نه پيمان و ايمانی بلکه حضرت فرموده بودند که هر کس مرا

دوست دارد بايد علی را دوست بدارد حال آنکه در اين کور عظيم ايمان و پيمان

الهيست و عهد و ميثاق حضرت ربّانی جام الست است که بيد جمال ابهی در بزم الهی

بدور آمد و نوشانوش در گرفت هر کس سرمست آن صهبآء شد بآهنگ ملکوت ابهی لک الحمد

يا ربّی الابهی گفت و هر کس محروم شد هر روز بهانهٴ جست و هر دم بدام و دانهٴ

افتاد نه نصيحت تأثير داشت نه ملاطفت تغيير داد عاقبت در غمرات نقض مستغرق شد و

در باديهٴ رفض سرگردان گشت ای احبّای الهی ملاحظه فرمائيد که نصّ عهد الهی

متروک و مهمول و قول عمر و عمروبن‌عاص يکفينا کتاب الله مقبول فاعتبروا يا اولی

الابصار و همچنين عند الاختلاف مرجع منصوص مخصوص در کتاب عهد مرکز ميثاقست و

مبيّن آيات نيّر آفاق و حال مرجع و مبيّن سائر

\* ص599\*

جهات و حال آنکه بنصّ صريح کل مأمور بتوجّه علی الخصوص اغصان و افنان و آل

حال بعوض توجّه ردّ بر مرکز ميثاق مرقوم ميشود و نشر در آفاق ميگردد فانتبهوا

يا اصحاب القلوب آيا بگمان ميرفت که بعد از نصّ صريح کتاب اقدس که مهيمن بر کل

کتب است و سلطان مبين کتاب عهد که مبيّن آيات کتاب اقدس است ديگر کسی اشتباه

نمايد و يا نفسی رخنه نمايد لاوالله حال آيات صريحهٴ کتاب اقدس نسياً منسيا شد و

نصّ قاطع کتاب عهد اضغاث احلام گشت و قول عمر شريعت الله شد و دسيسهٴ عمروبن

عاص روش و سلوک عام و خاص گرديد ميگويندآيات الله ميزان است که ميگويد نيست لکن

از برای اين آيات مبيّن منصوص مخصوص تعيین شده نه آنکه هر مغلّ مبغضی و يا جاهل

طالب عوض دخل و تصرّف در آيات الله نمايد و بهوای خود معنی نمايد لايعلم

تأويله الاالله و الراسخون فی العلم حال راسخ در علم بموجب نصّ صريح کتاب

عهد و کتاب اقدس واضح و مشهود باوجود اين چگونه جائز که

\* ص600\*

مبغوض و متروک گردد و ابوشعيون و ابوهريره و مالک مبيّن کتاب و مجتهد العصر و

الزمان گردند ای احباب شما را بخدا قسم تبسّم نمائيد اذا غيض بحر الوصال و قضی

کتاب المبدء فی المآل توجّهوا الی من اراده الله الذی انشعب من هذا الاصل

القديم منسوخ گشت و حسبنا کتاب الله عمر مثبوت شد و آيهٴ منصوصهٴ يا اهل

الانشآء اذا طارت الورقآء عن ايک الثناء و قصدت المقصد الاقصی الاخفی ارجعوا

ما لاعرفتموه من الکتاب الی الفرع المنشعب من هذا الاصل القويم مهمول و فراموش شد و

دسيسهٴ عمروبن عاص که قرآن سرنيزه کرد و ندعوکم الی کتاب الله گفت مقبول و

معمول شد و وصيّت الله آنکه بايد اغصان و افنان و منتسبين طرّاً بغصن اعظم ناظر

باشند انظروا ما انزلناه فی کتابی الاقدس اذا غيض بحر الوصال و قضی کتاب المبدء

في المآل توجّهوا الی من اراده الله الذی انشعب من هذا الاصل القديم مقصود از

اين آيهٴ مبارکه غصن اعظم بوده کذلک اظهرنا الامر فضلاً من عندنا

\* ص601\*

و انا الفضّال الکريم از لوح قلوب محو شد و روايات کعب الاخبار مشهور اقطار شد

و البهآء عليک و علی من يخدمک و يطوف حولک و الويل و العذاب لمن يخالفک و يؤذيک

هباءً منبثا شد و اقوال هر بی تمکين منتشر در روی زمين گرديد طوبی لمن والاک

و السقر لمن عاداک منسیّ هر خس و خاشاک شد و مبغوض حقّ بمنزلهٴ خواجهٴ لولاک گشت

و هوالناطق علی مايشآء يا غصنی الاعظم قد حضر لدی المظلوم کتابک و سمعنا ما

ناجيت به الله ربّ العالمين انّا جعلناک حزراً للعالمين و حفظاً لمن فی السموات

و الارضين و حصناً لمن آمن بالله الفرد الخبير نسئل الله بان يحفظهم بک و

يغنيهم بک و يلهمک ما يکون مطلع الغنی لاهل الانشآء و بحر الکرم لمن فی العالم و

مشرق الفضل علی الامم انّه لهو المقتدر العليم الحکيم و نسئله ان يسقی بک الارض و

ما عليها لتنبت منها کلاء الحکمة و البيان و سنبلات العلم و العرفان انّه ولیّ

من والاه و معين من ناجاه لا اله ‌الا هو العزيز الحميد از افکار زائل شد و حکايات

و قصص مؤتفکه ورد

\* ص602\*

زبان حاضر و غايب گرديد و امثال اين بسيار حال نصّ کتاب اقدس و صريح کتاب عهد

که اسّ اساس شريعت الله و دين الله و حکم الله و امرالله است مهجور و مهمول

و غير مذکور و اموری مشهور و منشور که حتّی اهل قبور از آن منفور تاچه رسد

باصحاب ربّ غفور ای خدا تو بينائی که در چه عذابی و بلائی گرفتارم و از چه درد

و محنتی مضطرب و بيقرار يار و اغيار هر دو تير و کمان کشيده و آشنا و بيگانه هر دو

بهانه جسته بلکه يار سهمش مسمومتر از اغيار و آشنا زخمش شديدتر از بيگانه

اي پروردگار تو گواهی که درد هريک ر‌ا درمان بودم و زخم هريک را مرهم دل و جان هر

بيماري را طبيب و پرستار بودم و هر بيقراري را حبيب اشکبار هر دلشکستهٴ را سبب

تسلی بودم و هر ماتم ديدهٴ را وسيلهٴ تعزّی هر مسمومي را درياق بودم و هر

مغمومي را علت سرور در آفاق خادم کل بودم و صادق کل غمخوار کل بودم و دوست

غمگسار کل و چون مبتلا بهجران جمالت گشتم و در وادی حرمان افتادم و بنيران فراق

بسوختم و چون شعلهٴ آتش برافروختم مرهمی

\* ص603\*

نديدم جز صدهزار تير پرتاب داروئی نديدم جز صد هزار خروار زهر سريع الاهلاک

اي پروردگار تو بيامرز و عفو فرما چه که نادانند و صبيان کودکانند و بيخردان شب و

روز اين عبد بخدمت امرت مشغول و آنان در صدد اذيّت عبدت که بتدبير و تعميق چه

فتنهٴ بر پا نمايند مختص اينکه از اوّل ابداع تا بحال چنين عهد صريحی و پيمان

واضحی و ميثاق آشکاری واقع نشد و ظهور نيافت و همچنين نقضی و چنين نکثی ديده و

شنيده نشد بلی عهود واقع ولی در ظل شجرهٴ انيسا نه و در سايهٴ سدرهٴ منتهی نه و

مرکز ميثاق مجهول بود و مرجع پيمان غير معروف ابداً تصريح و توضيح نشده بود بلکه

باشارهٴ تلويح گشته که در اواخر ايّام شخصی ظاهر گردد با علامات عظيمهء آسمانی و

شروط شديدهٴ قهر و سطوت نامتناهی و او مرجع ميثاق مشهور آفاق و مرکز پيمان اهل

جهان ابداً گمان نميرفت که چنين فتنه و ولوله در ميان افتد و چنين اشتباه کاری

پيش آيد اينست

\* ص604\*

که ميفرمايد روحی و روح الوجود لاحبائه الفدا قوله تعالی هل يمکن بعد اشراق شمس

وصيّتک من افق اکبر الواحک تزّل قدم احد عن صراطک المستقيم قلنا يا قلمی الاعلی

ينبغی لک ان تشتغل بما امرت من لدی الله العلی العظيم و لا تسئل عمّا يذوب به

قلبک و قلوب اهل الفردوس الذين کانوا حول امری البديع لاينبغی لک ان تطلع علی

ماسترناه انّ ربّک لهو الستّار العليم ملاحظه بفرمائيد که چه ميفرمايد آیا ممکن

است که بعد از اشراق شمس وصيّت تو از افق بزرگترین الواحت ديگر قدم کسی بلغزد

يعنی ديگر نفسی نقض ميثاق کند پس ميفرمايد ای قلم اعلی بآنچه مأموری مشغول باش

و سئوال مکن از چيزي که دل مبارکت از آن ميسوزد و ميگدازد و قلب منير اهل فردوس

از استماعش خون ميگردد سزاوار نيست اطّلاع شود بآنچه بعد از شمس وصيّت واقع

خواهد شد و ما ستر نموديم و پروردگار ستّار عليم است ملاحظه فرمائيد که جمالقدم

روحی لاحبّائه الفدا که چگونه اخبار از وقوعات نقض و نکث فرموده و قلب مبارک

چگونه محزون بوده حال ملاحظه کنيد

\* ص605\*

که تير جفا چگونه از جميع جهات پرّانست و آتش فتنه چگونه سوزان هنوز از صعود چند

روزی نگذشته بود و قميص مبارک هنوز تر بود که در روزنامه ها نقض و اختلاف را

اعلان نمودند از جمله روزنامهٴ اختر بمجرّد وصول خبر صعود اختلاف را نيز اعلان

نمود ملاحظه فرمائيد چه قدر اهل نقض سريع النکث بودند فسوف تری الناقضين فی

خسران مبين والحمدلله ربّ العالمين ع ع مقابله شد ٥٧٣ خط مبارک

هوالله

بواسطهٴ حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب ميرزا بزرگ

شيراز جناب ميرزا محمدابراهيم عليه بهآءالله

# هوالله

اي بندهء الهی اثر کلک آن ثابت بر پيمان سبب روح و ريحان گرديد مضمون بديع بود

و معانی مطبوع و شيرين چه که دلالت بر جوهر هدايت ميکرد و حکايت مراتب عشق و

محبّت مينمود سبحان الله صهبای بيان چون در خمخانهٴ محبّت الله پرورده شود چه

نشئه خوشی دارد و چه نشاط

\* ص606\*

و طربی انگيزد دل را مسرّت بخشد و رخ را طراوت دهد و چهره را حلاوت عنايت کند و

نطق را ملاحت دهد جميع از موهبت بديع جمال ابهی روحی لاحبّآئه الفداست و عليک

التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد ٥٧٤ خط کاتب مهر وامضآءمبارک

شیراز بلبل معانی عندليب الهی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای بلبل خوش الحان اشعار فصيح و بليغ ملاحظه گرديد الحان بديع بود و مليح

وابيات بليغ بود و فصيح هرچند عبدالبهآء ابداً فرصت ندارد باوجود اين بنگارش

اين نامه پردازد تا سبب سرور آن حبيب روحانی گردد و باعث ازدياد جريان و سريان

قريحهٴ روحانی گردد و در محامد جمال مبارک روحی لاحبّآئه الفدآء قصائد بنظم

آری و اهل ملأاعلی را بوجد و طرب آری درخطّهٴ ماه کنعانی بذکر ياران رحمانی

مشغوليم و بنهايت عجز و نياز از الطاف حضرت يزدان استدعا مينمائيم که ياران

موفّق

\* ص607\*

گردند تا از شيراز شهنازی بلند گردد که آذان اهل آفاق را متلذذ نمايد و قلوب شرق

و غرب را باهتزاز آرد نجل سعيد را در حيفا در مدرسه ئی نهادم و بتحصيل لسان و

علوم مشغول است ع ع مقابله شد ٥٧٥ خط کاتب مهر وامضآءمبارک

٥٧٦ خطّ مبارک

# هوالله

ای عندليب حديقهٴ معانی اشعار فصيح معانی بديع داشت و در ثنای آستان اسم اعظم

جامع جميع صنايع شعريّه بود ياران و امآء رحمن در نهايت وجد و سرور ترتيل و

ترنيم نمودند اين عبد با عدم فرصت بخطّ خويش تحسين مينگارد عيد رضوان

بدايت اعلان ظهور من يظهره الله بود و جمال قدم با وجود آنکه نفی و سرگون

بودند در کمال سرور و عظمت و عزّت الهيّه در باغ نجيب پاشا در خارج عکّا تجلی و

اشراق بکل آفاق فرمودند و جميع اعناق خاضع بود و کافهٴ اصوات خاشع لهذا اين

ايّام بسيار مبارک است احبّا نهايت وجد

\* ص608\*

و سرور مجری دارند سبحان الله الی الآن در هيچ تاريخی ديده نشده است که باوجود

آنکه حرکت اسم اعظم از بغداد بعنوان نفی و سرگون برد ولی بدرجه ئی عزّت و اقتدار

و عظمت حضرت کبريآء ظاهر و آشکار بود که والی و مشير نامق پاشا با جميع ارکان

ولايت و امرآء لشکر کافه خاضع و خاشع بودند ولله العزّة من قبل و من بعد مشهود

جميع انظار و ابصار بود کافهٴ دوستان را بجهت حلول اين يوم مبارک از قبل

عبدالبهآء تحيّت ابدع ابهی و تهنيت کبری ابلاغ داريد و عليک البهآءالابهی

ع ع مقابله شد

آقاميرزا عبدالحسين در حيفا در مدرسهٴ معتبری بتحصيل لسان عربی و فرانساوی مشغول

است ع ع مقابله شد

هوالله ش جناب مشهدی شکرالله عليه بهآءالله الابهی

هوالله

يا من سجن فی سبيل الله مع من استشهد فی سبيل الله انّ

\* ص609\*

الذی ثمل من سلاف الشهادة الکبری يخاطبک من الرفيق الابهی و بقول يا صاحبی

و خدينی و قرينی فی السجن عليک التحيّة والثنآء و عليک الرحمة و البهآء من

هذاالملأ الاعلی قبيل الشهدآء و جيش السعدآء فو عزّتک لما ضيّقوا علی

الفضآء و عاملونی بالجفآء و اخرجونی من سجن النقمة العظمی و ربطونی بفمٍ

حجيمّیٍ نارّیٍ ينفث بالنيران فانفجرت تلک المواد الجحيميّه انفجار الجهنّم

الحمرآء و ارعدت کصوت الرّعود فی الاصفاد و طيّرتنی فی الهوآء کالکرة المندفعة

الی العُلیٰ و تلاشت منّی الاعضآء و تناثرت منّی الجوارح و الاجزآء لعمرک ما

ادرکت حالی الا و انا فی الافق الاعلی جالساً علی سرير العزّة الکبری فی ملکوت

الابهی مکللاً باکليل السلطنة العظمی و مجلّلاً بتاج الموهبة الکبری مظللاً

بغمام رحمة ربّک الکريم متمتّعاًبالمشاهدة و اللقآء لعمرک يا خليلی المحبوب

انّ الحوريّات من بحبوحة الفردوس اخرجن رأوسهنّ من الغرفات و هتفن بابدع

النغمات و نطقن باحلی کلمات

\* ص610\*

و قلن طوبی لک يا ايّها الشهيد السعيد بشری لک يا ايّها القتيل المجيد فی سبيل

الله تالله الحق انّ اهل حظائر القدس احتفلوا بقدومه و اهل حدائق الأنس

استبشروا بوفوده و هو الآن فی بحبوحة الجنان بين حياض و رياض يفسّر آيات الرحمة

الکبری و يشرح صحيفة الموهبة العظمی بين الملأ الاعلی والسلام عليه يوم دخل فی

النشأة الدنيا و يوم استشهد فی سبيل الله و نال النشأة الابديّة الکبری

انّه لبا الافق الاعلی فی ظل السدرة المنتهی طوبی له ثمّ طوبی ع ع

از جهت شدّت عسرت مرقوم نموده بوديد بکاری چون مشغول گرديد انشاءالله باب رزق

مفتوح ميگردد و بدون تشبّث اسباب سنّة الله جاری نشده است ما در روضهٴ مبارک

دعا خواهيم نمود والبهآء عليک ع ع مقابله شد ٧٧٥ خط مبارک

هوالله

لاهيجان جناب آقامحمّد تقی صهر حضرت عندليب

\* ص611\*

عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ربيب حضرت عندليب از حضرت دوست استدعای شب و روز اينست که دوستان راستان را ثابت بر عهد و پيمان فرمايد و راسخ بر ميثاق حضرت رحمن چه طوفان امتحان شديد

است و لوح سنهٴ شداد عبرة للناظرين پس ای سرمت صهبآء الست بنطق و بيانی

موفّق باش که چون اشعّهٴ ‌ساطعه سحاب وهم هر متزلزلی را خارق و چون نور بارق باشی

مظهر تأييد گردی و مطلع توفيق و مشرق انوار توحيد و البهآء عليک ع ع

مقابله شد

بواسطهٴ حضرت عندليب هوالله

جناب خواجه محمّد رضای کازرونی عليه بهآءالله الابهی

# الله ابهی

الله الذی اصطفی و اجتبتی نفوساً قدسيّة رحمانيّه و حقائق

٥٧٩ خط مبارک

\* ص612\*

انسيّة نورانيّه و جعلها آية التوحيد و سمة التفريد و ارومة الايقان و جرثومة

العرفان والتحيّة والثنآء علی النور الساطع فی دائرة معدّل النهار

والکوکب اللامع فی خطّ الاستوآء جماله الاعلی و نقطة الاولی و علی کل فرع

انجذب الی الاصل بقوّة مغناطيس الهدی و علی الاحبّآء الذين حصروا الانظار الی

ملکوت الابهی يا ايّتها النفس الزکيّه توّسل باوثق العری و تعلق باهداب ردآء

الکبريا و انطق بالثنآء علی ربّک الاعلی و ادع الی الافق الاسمی و احی الناس

بروح انبثق من ملکوت الابهی تالله انّ الحق ظهيرک و ربّک مجيرک و مولاک نصيرک و

يوّيدک بجنود من ملکوة و انّک لمشمول بالطاف ربّک الکريم ع ع

مقابله شد

والتکبير علی الورقة الموقنه الفاطمة المطمئنّه و سليلها احمد المتوجّه الی

الوجهة الرحمانيّه و علی سائر الاقربآء الهی هولآء قد سجدوا لکلمة وحدانيّتک

و خرّوا علی الارض تعظيماً لحضرة فردانيّتک

\* ص613\*

واکّبوا علی التراب تذللاً و تخشعاً الی عتبة ربّانيّتک ای ربّ اقبل منهم کل

صالح في امرك انّك انت الكريم ع ع مقابله شد

# هو

شوقی افندی عليه بهآءالله الابهی

يا صغيرالسن و منير الوجه از قرار معلوم نقاهتی از برای شما حاصل لهذا مجبور

بر راحت شده ئی ضرر ندارد گاه گاهی راحت لازمست و الا مانند عبدالبهآء از

شدّت تحمّل مشقّات بنيّه بکلی ضعيف و ناتوان شود و از کار باز مانی حال چند

روز راحت کنی ضرر ندارد اميدوارم که در حفظ و حمايت جمال مبارک باشی ع ع

مقابله شد

٥٨٠ خط مبارک

# هوالله

ش مناجات طلب مغفرت بجهت متصاعد الی الله جناب آقاميرزانصرالله نجل شهيد

سعيد عليه بهآءالله الابهی

\* ص614\*

الهی الهی قد خلقت نفوساً من جواهر الوجود فآمنوا بک و بآياتک و طفحت قلوبهم

بسلسبيل عرفانک و انشرحت صدورهم بآيات توحيدک فاطمئنوا بموهبتک و رجعوا اليک

تلک نفوس راضيّه مرضيّه مُبتهجة مستبشرة بالدخول فی ملکوتک و الصعود الی مقعد

الصدق بفضلک و استجارت جوار رحمتک و احسانک و منهم هذا العبد الذی تهلّل وجهه

بانوار هديتک و قرّت عينيه بمشاهدة آياتک و رنّحته صهبآء محبتک و انتهت انفاسه

فی خدمتک ای ربّ اَنر جبينه بنور مغفرتک المبين و بيّض وجهه فی ملکوتک الکريم

و البسه ردآء العفو بفضلک العظيم و احشره مع عبادک المقرّبين و اسقه من

المآءالمعين و اَروِه من عين التسنيم و ارزقه لقائک فی جنّة النعيم انّک انت

الغفور الرحيم و انّک انت الرؤف الرحمن الکريم ع ع مقابله شد

رشت

٥٨١ خط کاتب مهر وامضآءمبارک

\* ص615\*

رشت جناب عندليب عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای عندليب گلشن رحمانی حمد خدا را که در اين سفر موفّقی ستايشي که از ترّقی

احبّای رشت نموده بودی بسيار سبب سرور شد چون اين سفر بارادهٴ عبدالبهآء نموده‌ئی اميدوارم که تائيدات غيبيّه متتابعاً برسد و سبب سرور و حبور ياران گردد و

خاطرت از هر جهت راحت و فارغ باشد آنچه بجناب بشيرالهی مرقوم شد جواب نوشته‌اند

که انشآءالله طبق مطلوب معمول ميگردد باری شما بايد در نهايت بشاشت و سرور و گشايش قلب و متانت تام بتبليغ امرالله مشغول شويد در نزد عبدالبهآء محبوب و مقبول و بهر ستايشی نفوسی منعوت هستند که باعلآء کلمة الله مشغولند اينست موهبت عظمی اينست منقبت کبری اينست قوّهٴ جاذبهٴ تأييدات ملکوت ابهی و عليک البهآءالابهی عبدابهآء عبّاس مقابله شد

٥٨٢ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

\* ص616\*

بواسطهٴ جناب بشير الهی

جناب عندليب عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای عندليب معنوی همواره در نغمه و ترانه ئی و در گلشن معانی گلبانگ ميزنی

فصاحت و بلاغت اشعار واضح و آشکار است امّا آرزوی عبدالبهآء خاکساری در عتبهٴ

بهآءالله است هذه نهاية آمالی و غاية منائی و نور جبينی و صبح مبينی و مآء

معينی پس تا توانی در اين گلستان نغمه سرائی کن و از عبوديّت حقيقی عبدالبهآء

بدون تأويل و تفسير ترانه ئی بنواز و عليک البهآء الابهی عبدالبهآء عبّاس

مقابله شد

٥٨٣ خط کاتب مهر وامضآء مبارک

شيراز جناب عندليب عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای عندليب گلشن معانی نامه‌ئي‌ که بعد از رجوع از سروستان مرقوم نموده بوديد

ملاحظه گرديد از عدم فرصت مختصر جواب مرقوم ميشود الحمد

\* ص617\*

لله ياران سروستان الفتی يافتند اميدوارم که ديگر کلفتی حصول نيابد ياران

بايد سبب اتحّاد ملل و قبائل من علی الارض شوند البتّه خود بايد متحّد باشند تا

ديگران را متحّد کنند شمع خواموش شمعهای ديگر روشن نکند شخص بيهوش ديگران را علم

و دانش نياموزد پس بايد اوّل مابين خويش بکلی بيگانگی براندازند و يگانگی عالم

انسانی را ثابت نمايند از قبل من جميع را تحيّت ابدع ابهی برسان اميدم چنان است که

جناب آقاحيدرعلی صفدر گردد و غضنفری بنمايد تا دلها بربايد قصيده ئي که در تهنيت

عيد رضوان انشا فرموده بوديد انشاد شد و در محفل ياران ترتيل گشت حضرت بشير الهی

فی الحقيقه خادم صادق و يار موافق است در حقّ کل قصور نمينمايد الأن در دبلين

هستم و شب و روز مشغول ندآء بنور مبين انجمنهای خوش تشکيل ميشود و نفوس مهمّ

قابل و لائقی حاضر ميشوند در هر محفل در بدايت صحبتی از امرالله ميشود بعد هر

کس سئوالی دارد جواب داده ميشود از جمله ديروز سئوال از حقيقت حضرت رسول عليه

السلام بود زيرا آن

\* ص618\*

حضرت در اين صفحات بنهايت توهين ذکر ميشدند و مفتريات بسيار بود در هزليّات ضرب

المثل بودند آن نور پاک را قسّيسهای اين خاک چنان نکوهش نموده‌اند که جز قوّهٴ

روح القدس اين اوهامات را زائل ننمايد باری ديروز صحبت مفّصلی در اثبات آن حضرت و

قوّهٴ کلمه و نفوذ کليّهٴ او گرديد و براهين واضحه و دلائل ساطعه بيان گشت و

عليک البهآء الابهی ع ع مقابله شد

٥٨٤ خط کاتب مهر وامضآء مبارک

# هوالله

شيراز جناب عندليب گلشن معانی ملاحظه نمايند

مناجات طلب مغفرت بجهة امة الله المتصاعدهٴ الی مقعد الصدق والدهٴ

حضرت عندليب گلبن معانی رحمانی عليهما بهآءالله

# هو

الهی الهی انّ امتک الرحمانيّه و الورقة النورانيّه المنتسبة الی طير حديقة

العرفان و عندليب ايکة الايقان قد رجعت اليک اوّابة توّابة مبتهلة مشتاقة

لمشاهدة جمالک محترقة بنار فراقک مضطرمة

\* ص619\*

القلب بنار محبّتک منصرمة الصبر من فرقتک اي ربّ اوردها علی الورد المورود و

انلها الرفد المرفود و اغرقها فی بحار رحمتک يا ربّی الودود و ادخلها فی بحبوحة

بفضلک الموعود و ارزقها لقائک فی الملکوتک المحمود و اکتب لها ما کتبته لورقات

القدس فی ملأ الاعلی و قدّر لها ما قدرّته لطلعات الانس فی محفل الاسمی انّک

انت العفوّ الرحمن الرحيم ع ع مقابله شد ٥٨٥ خط مبارک

هو

جناب عندليب گلشن معانی عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای بلبل معانی قصيدهٴ غرّآء و فريدهٴ نورآء ملاحظه گرديد در نهايت فصاحت و

بلاغت بود و ورقات مبارکه بالحان بديع در نهايت ملاحت قرائت نمودند و ورقهٴ

عليا جائزه خواست يعنی بقلم ميثاق تحسين مرقوم شود من نيز کلک ضعيف برداشته و

بچند سطر وجيز تصديع مينمايم که قدح بادهٴ معانی را بايد خالص بذکر محبوب آفاق

\* ص620\*

نمود عليک بها صرفاً و ان شئت مزجها فعد لک عن ظَلْم الحبيب هو الظلم و عليک

البهآء ع ع مقابله شد

٥٨٦ خط مبارک

بواسطهٴ جناب عندليب

ضجيع محترمه امة الله المنجذبه والدهٴ ميرزا عبدالحسين عليها بهآءالله

الابهی

هوالله

يا امة الله المقرّبه الورقة النورانيّه حضرت عندليب در اعياد الهيّه

قصائدی تنظيم نموده ارسال ميفرمايند و از جمله قصيدهٴ نوروزی در اين سنهٴ

مبارکه ارسال نموده‌اند فی الحقيقه عاشقانه و مشتاقانه و بليغانه بود در محفل

ياران بابدع الحان ترتيل و ترنيم گرديد قلوب شادمانی يافت و نفوس متلذّذ از

حقايق و معانی گشت اميد چنان است که آن عندليب گلشن الهی دائماً بگلبانگ معنوی

بمحامد و نعوت اسم اعظم و ستايش و نيايش جمال قدم موفّق و مؤيد باشد و ستايش

خداوند آفرينش بايد محصور در محامد و نعوت جمال قدم و اسم اعظم باشد و مادون آن

ضمناً در

\* ص621\*

ظل مذکور ستايش مخصوص نبايد بادهٴ رحماني را صرف بايد نوشيد و تو نيز از اين بحر

بيکران نصيبی گيری و از اين قلزم بيپايان بهره‌ئی بری و عليک بهآءالله الابهی

ع ع مقابله شد

٥٨٧ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

شيراز بواسطهٴ محمّدرضا ميرزا عليه بهآءالله الابهی

حضرت عندليب گلشن الهی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

يار قديما و مونس و نديما مدّتيست که موسم خزان بود و حرب عوان لهذا طيور

شکور در آشيان صمت و سکوت غنوده با يکديگر مخابره ننموديم ولی حال بهار جانپرور

آمد نسيم سحری ميوزد صبح اميد ميدمد باد صبا پيام يار مهربان ميدهد ابر نيسان

ميگريد و چمنستان ميخندد تمام وقت ساز و آواز است و آهنگ شهناز تا گلبانگ

عندليب بملکوت راز واصل گردد اگرچه مصيبت وارده و رزيّهٴ حاصله مورث احزانست و

مکدّر دل و جان ولی الطاف حضرت رحمن شامل و فيض ابدی حاصل و کامل هرچند شب تار

است ولی شمع پرانوار و ملکوت اسرار بفيض عظيم آشکار

\* ص622\*

تأييدات ابهی روحی لاحبّائه الفدآء هر محزون دلخونی را سرور و حبور بخشد و هر

ساکت و صامتی را بنطق آورد و عليک البهآءالابهی عبدابهآءعبّاس ١١ آدار ١٩١٩

جمال مبارک روحی لتراب اقدام احبّائه الفدا وقتی مزاحاً حکايتی ميفرمودند اگر

ممکن بشود پياماً آن حکايت گفته خواهد شد لهذا محزون مباشيد مقابله شد ٥٨٨ خط کاتب مهر و امضآء مبارک

مناجات

طلب مغفرت بجهت حضرت اديب لبيب جناب عندليب ايدّه الله بالرفيق الاعلی و اناله

مقعد صدق عليّا

# هوالله

ربّی ربّی ترانی انّ اقصی اربی و اعظم آمالی التبتّل اليک و ترتيل آيات

رحمتک بين بريّتک حتّی يتجلی صفة رحمانيّتک بابدع معانيها بين خلقک و اناجيک يا

ربّی القريب و افول انّ عبدک عندليب الحبيب قد اعترف بفردانيّتک و لبّی لندائک

بولهٍ و انجذاب الی عتبة رحمانيّتک و قال لبيّک اللهم يا قريب و يا مجيب

\* ص623\*

و نطق بالثنآء عليک و قضی نحبه بالمحامد و النعوت بين يديک و ما فتر فی اعلآء

کلمتک و اقامة الحجة و لبرهان للطالبين و اظهر ببيّنة و سلطان للراغبين

و تحمّل کل مشقّةٍ فی وطنه المألوف و اجبر ان يهاجر الی مرکز الظهور معهد الطور

مطلع النور الکينونة الرحمانيّه و الحقيقة الصمدانيّه النيّر اللائح الساطع

الفجر علی الآفاق الشاسعه ربّ انّه تحمّل فی زاوية الخمول کل مشقّة و ذبول

و قلبه مشتعل بنار محبّتک و لسانه ناطق بذکرک و قريجة سيّالة بمحامدک و نعوتک بين

احبّتک ربّ اجعل له مقاماً عليّا و رياض قرب عبهريّا حتّی یستجير بذيل غفرانک

فی جوارک و يدخل فی فردوس لقائک و يستغرق فی بحر عفوک و احسانک و انزل السلوة

والتعزيه علی اهله و احفظهم بجودک و رحمتک انّک انت القوّی المقتدرالعزيز الوّهاب عبدالبهآء عبّاس

٢٠ جمادی الاولی ١٣٣٨ حيفا مقابله شد ٥٨٩ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

\* ص624\*

شيراز حضرت عندليب گلشن الهی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای هزار گلزار الهی هميشه منظور نظر عنايت رحمانيّه بوده‌ئی و مشمول الطاف

سبحانيّه خواهی بود در ايّام‌الله بابدع الحان در گلشن توحيد تغنّی فرمودی و

بمدح و ستايش يزدان لب گشودی ياران رحماني را سبب سرور و شادمانی بودی و محفل

انس روحاني را مطرب خوش آهنگ ملکوتی گشتی الحمدلله مظهر الطافی و منظور لحظات

عين رحمانيّت پروردگار درعهد و پيمان ثابتی و مانند جبال راسيه مستقيم و راسخ

همواره در مجامع عليا و محافل روحانی بستايش و ثنای جمال ابهی لب بگشا و بابدع

انغام نغمه و آوازی بلند کن که روحانيان بشور و وله و انجذاب آيند و کل بنشر

نفحات قدس مشغول گردند تا آوازهٴ شيراز بملکوت بي‌نياز رسد و صيت محبّت الله از

آن اقليم در روی زمين منتشر گردد و عليک التحيّة و الثنآء ع ع مقابله شد

\* ای حضرت عندليب ناله و حنين عبدالبهأ را سببی عظيم بود و موجبی

\* ص625\*

شديد هرچند بعضی اوقات ياران از يکديگر بلسان ادب مختصر شکوهٴ مينمودند ولی

بعد اظهار رضايت نيز ميفرمودند امّا در يک پوسته شکايتنامه‌های متعدّده در نهايت

قدح وارد ولی از اشخاص ديگر بمحض قرائت چنان حزن و حسرتی دست داد که قلمی بفرياد آمد مقصود اين بود که بعضی نفوس مهمله دست از اين شکايت ها بردارند و الحمدلله قطع

شد احبّای الهی بايد از کل ستايش نمايند آن حضرت بايد کل را بيدار نمايد که

ستايش احبّا در حقّ يکديگر سبب روح و ريحان عبدالبهاست آنچه اين عبد مرقوم

مينمايد مقصد نهايت محبّت است و نتيجه‌اش مستحسن و عليک التحيّة والثنآء ع ع

مقابله شد

\* ٥٩٠ اين چند سطر عقب لوح خط مبارک است

جناب ابن عندليب ميرزاعبدالحسينخان عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

يابن عندليب نامهٴ شما رسيد مضمون معلوم گرديد که جناب عندليب از اين جهان تنگ

و تاريک بعالم وسيع شتافتند هرچند از اين واقعه حزن شديد رخ داد ولی از اين جهت

که آن روح عزيز از بادهٴ محبّت الله

\* ص626\*

جام لبريز بود از مشقّت عظمی درين حيّز ادنی نجات يافت و باوج عزّت ابديّه شتافت

اين ملاحظه سبب تسّلی خاطر گشت شما نيز محزون مباشيد مغموم نمانيد مناجاتی طلب

مغفرت در حق آن حضرت بدرگاه احديّت گرديد و از پيش فرستاده شد البتّه تا حال

رسيده و بر حجر قبر آن ذات محترم اينعبارت مرقوم داريد ان عندليب الحبيب قد ضاق

عليه الفضآء فی وکر هذه الدنيا فطار الی مطار الملاء الاعلی اوج لايتناهی حتّی

يتغرّد علی افنان شجرة طوبی بفنون الالحان عليه التحيّة و الرضوان باخوی

آقاميرزا عبدالعلی و امة الله نورآء خانم و همشيره های صغير و اخوی کوچک از

قبل من نهايت نوازش و مهربانی مجری داريد و عليک البهآءالابهی

عبدالبهآء عبّاس ٦ ج ٢ سنه ١٣٣٨ حيفا مقابله شد

٥٩١ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

شيراز سليل جناب عندليب جناب آقاميرزا عبدالحسين عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای سليل عندليب جليل ناله و فغان از فراق بگوش اين مشتاق رسيد و تأثير

\* ص627\*

شديد نمود حمد خدارا که زادهٴ جان و دل آن پدری نه همين از عنصر آب و گِل مظهر

الولد سّر ابيه هستی و نسبت حقيقی داری و اخلاق مطابق اعراق من نيز مشتاق ديدن

روی توام ولی پدر مهربان بايد اين ايّام انفکاک از آن سامان ننمايد زيرا امروز

روز خدمت است يوم زيارت آيد و آن عندليب الهی در اين گلشن بسرايد حال بجان و دل

بايد بعبوديّت پردازد و در آن باغ و راغ تا تواند گلبانگ زند و از حقائق و معانی

دم زند حال صبر کن انشآءالله روزگاری در نهايت حلاوت روی دهد و آنچه منتهای

آرزوی تو و پدر مهربان است حاصل گردد و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد ٥٩٢ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

هوالابهی

امة الله ورقهٴ موقنه همشيرهٴ حضرت عندليب عليها بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ورقهٴ مبتهلهٴ موقنه قومی برآنند که رجال افضل از نسآء و بآيهٴ مبارکهٴ

الرجال قوّامون علی النسآء استدلال نمايند ولی اينعبد را

\* ص628\*

يقين چون نور مبين است که اين حکم قاطبةً نه بسا نسآء که اليوم بر ميثاق ثابت

گوهر انور صدف فضائل است و بسا رجال متزلزل که خزف قعر بحار رذائل پس فضيلت

بذکور و اناثی نه بمواهب اسم اعظمست روحی لاحبّائه الفدا تا توانی قدم بر عهد

ثابت نما و امآء سائره را راسخ گردان ع ع مقابله شد

٥٩٣ خط مبارک

هوالله

لاهيجان جناب مشهدی غلامعلی صهر حضرت عندليب عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای متوجّه الی الله حضرت عندليب خواهش نگارش اين سطور نمودند ولی فرصت صدور

کجا با وجود اين از جذب محبّت ايشان بتحرير پرداختم ولی تقریر عاجز از آنچه در

ضمير اينقدر بدان که موفقيّت حضرت عندليب و من انتسب اليه را از آستان مقدّس

جمال مبارک روحی لاحبّآئه الفدا را خواسته و ميخواهم ربّ ايّد من انتسب الی

\* ص629\*

حمامة ايکة ثنآئک و عندليب حديقة وفائک علی ما تحبّ و ترضی فی جميع الشئون و

الاطوار يا ربّی المتعال ع ع مقابله شد

٥٩٤ خط مبارک

هو

جناب عندلیب علیه بهاءالله الابهی

# هو

عندليبا حبيبا اريبا لبيبا از کثرت مشاغل موفّق الی الآن بقرائت جميع اشعار نشدم

انشآءالله جميع را خواهم خواند چون اندکی الآن وقت دارم بتحرير جواب پردازم

از قريحهٴ آن حضرت معانی صريحه و ابيات مليحه مانند آب زلال جاری و ساريست و

زجاج قصائد و غزل را اين بلاغت سراج بيمثال منظوم بايد چنين لؤلؤ منثور باشد و

الا فلا الحمدلله که ابيات اشعار شما آيات حقايق و معانی است و کلمات مانند درر غوالی و عليک البهآءالابهی ع ع مقابله شد

٥٩٥ خط کاتب مهروامضآءمبارک

( ای غزلخوان محامد و نعوت را رونق بحصر معانی در ستايش )

(جمال ابهائی بقول ملّا چون کرور آيد يک نيز پيش ماست ع ع )

مقابله شد

اين دو سطر خط مبارک است

\* ص630\*

شيراز حضرت عندليب گلشن محبّت الله عليه بهآءالله

# هوالله

ای ثابت بر پيمان مکاتيب ملاخظه گرديد و بر معانی اطلاع حاصل گشت فی الحقيقه

مدّتيست در آن صفحات مشغول بخدمات هستيد و مألوف بترتيل آيات بيّنات مکث و سکون

در محلی معلوم چون امتداد يابد لابد قدری ملال حاصل گردد حقّ با شمااست جميع

کائنات متحرّکند و بسبب حرکت عموميّه انتظام عالم وجود بر قرار هر کائنی از

کائنات اگر در مقرّی استقرار يابد و از حرکت باز ماند لابد فتوری حاصل شود نسيم

بايد دائماً بوزد دريا بايد موج و حرکت نمايد نجوم بايد انتقال در بروج کند پس

از برای انسان نيز گاهی حرکت لازم لهذا همچنان که مرقوم نموده بوديد اگر ممکن

گردد که براحت و آسايش مدّتی بجهات ديگر سفر نمائيد بسيار مقبول و همچنين جناب

ميرزا شکوهی اگر بصفحات لرستان و کردستان و بختياری مرور و عبور فرمايند شکوهی

تازه يابند و اميدوارم که فتوحی

\* ص631\*

جديد فرمايند زيرا در طرف لرستان و ايلات آن صفحات و بختياری نفوس مستعدّی موجود

ولی مبلّغی عبور و مرور ننمود اگر جناب شکوهی يعنی در نهايت تنزيه و تقديس بلباس

عرفان بآن نواحی سفر نمايند اميد است ثمر حاصل گردد و ليس ذلک علی الله

بعزيز ع ع مقابله شد

٥٩٦ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

شيراز جناب عندليب گلشن رحمانی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای بلبل معانی در خصوص مطلوب شما از جناب صحيح فروش بحضرت بشير الهی سفارشی

مرقوم گرديد حال مکتوب ايشان رسيد که صد تومان تحصيل نموده ارسال داشتند و با

ساير احبّا همّت نموده ما بقی مطلوب را نيز انشآءالله کاری خواهند نمود مقصود

اينست که بجهت امور آنجناب نهايت سعی و کوشش خواهد گرديد و عليک البهآءالابهی

ع ع مقابله شد

٥٩٧ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

\* ص632\*

شيراز جناب عندليب الهی عليه بهآءالله الابهی

هوالله

ای يارمهربان از کثرت مشاغل مجبور بر اختصارم بيقين بدان که اشتياق

عبدالبهآء بيش از شماست همواره از درگاه حيّ قديم رجای عظيم مينمايم که در وقتی

قريب مشاهدهٴ آن وجه مليح را مقدّر فرمايد و حکمت موافق اذن حضور گردد امّا الآن

قدری تأمل فرما زيرا کل را از حضور منع نموديم و اهل فتور بفساد مانع از فیض

حضورند تباً لقوم خاسرين و سحقاً للناقضين و تعساً للناکثين و عليک التحيّة و

الثنآء ع ع مقابله شد

هوالله

شيراز جناب عندليب جنّت ابهی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای عندليب حديقهٴ حقايق و معانی فی الحقيقه بانواع بلايا و مصائب معذّب و

مبتلائی و معرض بأسآء و ضرائی ولی اميد

\* ص633\*

چنين است که قدری اين مشقّت من بعد خفّت يابد و نوعاً ماراحتی حاصل گردد این

بلايآء بجهت اين است که قدری شريک و سهيم عبدالبهآء گردی ضرری ندارد ملاحظه

فرما که جمال مقصود دمی نياسود و نفسی راحت نفرمود چون خورشيد رخشنده و ماه

درخشنده را چنين کسوف و خسوفی ديگر امثال ما بينوايان را از بلا چه پروائی باری

مطمئن باش عبدالبهآء غمگسار تو و شب و روز بياد تو و عليک البهآء ع ع

مقابله شد

٥٩٩ خط مبارک

# هوالله

حضرت عندليب ورق مسطور رقّ منشور شد بر مضمون مطلع گرديدم مقصود اينست که

بهر قسم و اسباب ممکنه که باشد ملاحظهٴ نفوس را بايد داشت خبر از حال

عبدالبهآء نداری ولو کنت فظّاً غليظ القلب لانفضّوا من حولک باری قدوم مولود

مبارک و محمود باد در شهود و عالم غيب وجود البتّه سبب ميمنت است و نامش در

ملکوت بندهٴ حضرت مقصود يعنی عبدالبهآء و در بين

٦٠٠ خط مبارک

\* ص634\*

خلق عبدالعلی و عليک التحيّة و الثنآء ع ع مقابله شد

هوالله

ش امة الله ورقهٴ طيّبه بلقيس اخت حضرت عندليب عليها بهآءالله الابهی

# هوالله

يا امة البها فاستبشری بما فاض عليک سحاب الرحمة و سبغت عليک النعمة و اشرقت

عليک انوار الهدی و تموجت عليک بحور الموهبة الکبری فآمنت بالله و صدّقت بکلمة

الله و اطمئنّت بايات الله و توجّهت الی الملکوت و دخلت فی خيام العّز حمی

ربّک العزيز الودود توکّلی علی مولاک و تشبّثی بذيل العطآء تالله الحق انّ

فضله احاط عباده المخلصين و الحمدلله ربّ العالمين و البهآء عليک علی و علی

کل ورقة ثابتة علی العهد القديم ع ع مقابله شد ٦٠١ خط مبارک

\* ص635\*

هوالله

ای ربّ هاتان الورقتان انبتتا من سدرة رحمتک و تحرّکتا من نسيم عبق من وادی

معرفتک و انجذبتا الی ملکوتک بنفحاتک ای ربّ اشرح صدرهما بمشاهدة ظهور آيات

عظمتک و خفوق رايات قدرتک و قرّر عينیهما بوصولهما الی کهف حفظک و امانک انّک انت المليک الحّی القدير و انّک انت الرحمن الرحيم ع ع مقابله شد

٦٠٢ خط مبارک

هوالابهی

ش حبيب دوستان الهی جناب عندليب بوستان رحمانی عليه بهآءالله الابهی

ملاحظه نمايند

# هوالابهی

اللهم اشرح صدور عبادک المخلصين بنفحات التأييد و احی قلوبهم بروح التقديس

و نوّر وجوههم بنور التوحيد و انعش نفوسهم بنسائم التفريد و جدّد ارواحهم

بفوائح التجريد ليستعّدوا فيکّل

\* ص636\*

الشئون لظهور مواهبک و يستحقّوا في کّل الاطوار و الاحوال لحصول عواطفک يا حيّ

يا قيّوم و اعطف علی عبدک هذا بلحظات اعين رحمانيّتک و ايدّه بقوّتک القاهره و

قدرتک الظاهره علی نصرة امرک و نشر اوامرک بين خلقک و انطقه بثنائک بين عبادک و

اجذبه بنفحاتک بين ارقائک و اجعل باطنه ظاهره قلبه و روحه و جسمه و عظمه و لحمه

و دمه ملتهبة بنار محبّتک التهاباً يسلب منه السکون و القرار حتّی يرتفع منه

ضجيج الندآء باسمک فی قطب الامکان و صريخ الثنآء بذکرک ملأ الاکوان و حتّی

يتلئلأ وجهه فی ملکوت الانشآء انّک انت المؤيّد الکريم ای عندليب حديقهٴ

رحمانی اگرچه بظاهر مهجور و آوارهٴ دريا و صحرا و هامون شدی لکن در جميع اوقات

در انجمن دوستان مذکوريد از ياد دوستان حقيقی فراغتی نه از خدا بطلبيد که موفّق

برآن فرمايد که بآنچه اليوم لائق و سزاوار است قيام نمائيم و در سبيل الهی

بنثار دل و جان موفّق گرديم تا چون سراج پر نور تسليم و رضا

\* ص637\*

آقامرتضی جان رايگان در مشهد فدا نثار کنيم تا در زجاجهٴ تقديس برافروزيم و در

مشکاة ملکوت روشن شويم و در افق ابهی و ملکوت اعلی چون زهرهٴ زهرآء بدرخشيم

هنيئا له و مرئيا له هذه الکأس التّی طفحت و فاضت برحيق محبة الله و

البهآء عليک ع ع مقابله شد

٦٠٣ خط مبارک

هوالابهی

ش جناب عندليب گلستان رحمن عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

اي شمع انجمن عرفان در اين ساعت که طير حديقهٴ وفا بال و پر گشوده که در فضای

جانفزای ياد ياران پروازی نمايد و بر شاخسار ذکر و ثنا لحنی آغاز کند که بحر

اعظم محبت الله چنان موجی زد که طوفان از سر بگذشت و نار موقدهٴ در سدرهٴ رحمن

چنان شعله ئی برافروخت که خامه و نامه و فؤاد و مداد را جميعاً بسوخت لکن چون

امطار رحمت نازل بود و معين عنايت نابع آن حرارت باين فيض رحمت

\* ص638\*

اعتدال يافت و مجال تحرير حاصل گشت از عدم ارسال جواب شکوه فرموده بوديد و اين

را دليل فتور در آنچه محکم‌تر از بنيان مرصوص است نموده بوديد و حال آنکه آنی

نميگذرد مگر آنکه بخاطر ميآييد فراغت از ذکر احبّای الهی ممکن نه و بيقين مبين

خود مطلعيد که از کثرت اشغال مجال آه و ناله ندارم و زاری و فغان مهلت نيست و

فرصت و آرامی آنی ميسر نه با وجود اين مکتوبی بشيراز ارسال شد که وصول يافت و

حال نيز بتحریر اين ورقه پرداختم بيقين بدان که بلحاظ فضل ملحوظی و بمنتهای حبّ

اين قلوب مشمول از فضل جمالقدم سائليم و از صميم قلب آمل که موفّق بر رضای الهی

شوی و مؤيد بر اثبات و بيان قوّت و سلطان عهد و پيمان حضرت يزدان گردی اليوم

اين امر اعظم امور و اهم شئون است چه که اساس امرالهی و بنيان دين رحمانيست

اليوم ثبوت و رسوخ بر عهد و ميثاق الله چنانکه بايد و شايد لازم و قوّت و قدرتش

را ادراک و تفهيم واجب تا حصن حصين امرالله

\* ص639\*

محفوظ و مصون از رخنهٴ شبهات ماند در خصوص مکاتيب که بهمراه داشتيد مرقوم نموده

بوديد همين‌قدر از جانب آقاعزيزالله سئوال شد که مکاتيب ارسال شيراز نموده‌اند يا

آنکه پيش خودشانست و بس مقصود اين بود اگر مکاتيب رسيده است ديگر لزوم مکتوب

جديد نه ع ع مقابله شد ٦٠٤ خط مبارک

هوالابهی

ش جناب عندليب حديقهٴ عرفان عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالابهی

ای عندليب حديقهٴ الهی چنديست که نغمات آن طير معانی بسمع مشتاقان نرسيده و

الحان بديعی استماع نگشته سبب حيرت گرديد باری يوم عظيمست و قرن و عصر حضرت

ربّ کريم جوش و خروش از جميع جهات بلند است و نفحات از جميع صفحات در نشر

\* ص640\*

و عبوق نسائم محبت الله از کل آفاق در مرور و آثار باهره از کل اطراف در

ظهور آن ارض با وجود آنکه مبدء ظهور فيض الهی و مشرق آفتاب رحمانی بود و بايد

اشراقش شديد و انوارش يوماً فيوماً در سطوع و مزيد باشد چگونه افسرده پژمرده

ماند فوران اين تنور و طلوع اين ظهور و جوش اين خمر طهور و دور اين کأس

مزاجها کافور در آن صقع جليل آغاز شده و اين راز پرده برانداخته پس بايد امواج

بحرش بآسمان رسد و افواج امرش محيط بر عالم امکان سطوع کوکبش جهانتاب گردد و

طلوع موکبش جهان آراء جام محبّتش لبريز باشد و حرارت معرفتش شورانگيز نهر

تقديسش بحر توحيد گردد و عين تحديدش چشمهٴ سلسبيل آياتش باهره شود و راياتش

شاهره حدائقش مؤنّقه گردد و حياضش متدفّقه ما منتظر اين ظهور و بروزيم و سطوع

اين انوار و حظوظ پس آن يار موافق بايد بقوّتی ملکوتی و قدرتی جبروتی و لسانی

فصيح و بيانی بليغ و روحی الهی

\* ص641\*

و نوری آسمانی و جندی رحمانی و موهبتی ربّانی و حرارتی وجدانی و بشاراتی

سبحانی جميع احبّای الهی را بحرکت آريد و بوجد و شور و جذب دلالت فرمائی که اين

شمع روشن امرالله روز بروز روشنتر گردد و آناً فآناً ساطعتر تا عالم امکان

منوّر شود ديگر شايد در آن صفحات باشارات در کمال ستر و خفی نفحهٴ شبهاتی بوزد و

بعضی القآء سرّی نمايند بسيار دقّت و احتياط لازم که در حصن حصين امرالله

رخنهٴ حاصل نگردد و جميع را بر عهد و ميثاق محکم نمائيد ع ع

٦٠٥ خط مبارک

# هوالابهی

جناب عندليب حديقهٴ معانی عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

ربّ و رجائی و غاية مطلبی و منائی و ملاذی و ملجئی و مهربی و مجيری و معينی و

منجذی و ظهيری اسئلک بضجيج قلوب اصفيائک و اجيج النار المضطرمة بين احشآء و

ضلوع احبّائک و عبرات منهمرات

\* ص642\*

من عين مشتاقيک و جمرات مضطرمات فی افئدة عاشقيک بان ترفع زئیر لیوث العرفان فی

غياض مقّر ظهورک و سبّح حیتان الايقان فی حياض اندفقت منها مياه فيضک يوم

طلوعک و اضرم نيران محبّتک فی تلک البقاع و نوّر تلک الارجآء بانوار تلئلأ بين

الارض و السمآء و عطّر تلک الانحآء بنفحات قدسک يا ذا الاسمآء الحسنی و ادّر

علی تلک الصّحاری و الرّبی و المعاهد من نقطتک الاولی سحاب موهبتک العظمی و غمام

عنايتک الکبری و اجعلها من حدائق رحمتک الغنّآء و رياض مرحمتک الغلبآء اي ربّ

اجعل احبّتک فيها آيات توحيدک الناطقة و رايات تفريدک الشاهرة الباهرة

الباذخه و معالم دينک المبين الشامخه و شعائر آثارک الظاهرة الزّاهره اي ربّ

اشدد ازرهم بقوّتک القاهرة لکل الاشيآء و قوّ ظهرهم بقدرتک

المحيطة علی من فی الارض و السمآء و اجعلهم انواراً ساطعة فی افقک الابهی و

سرجاً لامعة فی زجاجات ذکرک الاحلی انّک انت المقتدر العزيز المنّان ع ع

مقابله شد

\* ص643\*

هوالابهی

ش جناب عندليب گلستان عرفان عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالقيوم

ای عندليب حديقهٴ عرفان آن مربّی امکان و مهربان سرور لامکان آن مرغ چمنستان

ايقان را طير دست آموز فرمود و انواع نغمات و ترنّمات و الحان آموخت و درس

مقامات معنوی داد که بگل بانگ رحمانی در گلشن ربّانی صمدانی آغاز آواز نمائی و

دمسازِ شهناز گردی در اين ايّام شور و ولوله افکنی و مرغان چمن را شوق و وله

دهی و بنغمه و آهنگ آری تا نعوت و محامد حضرت احديّت و ستايش و مدايح جمال

مبارک از حيّز حضيض ادنی بتهليل و تکبير تا اوج ابهی بلند گردد و انوار تنزيل

آفاق وجود را احاطه کند و صيت جهانگير الهی باطباق ملأاعلی تبشير انتشارش رسد و

ولوله

\* ص644\*

در ارکان عالم افتد و زلزله در اعضای آدم افکند و شرق و غرب امکان گلشن رحمن و

گلبن يزدان گردد با وجود اين چه شد که خاموشی و بی جوش و خروش باری از زاويهٴ

خمول بيزار شو و اوج قبول بطلب و از گوشهٴ سکوت بدر آ و الحان بديع در گلستان

لطيف آغاز کن بلکه در جوق طيور شوق و شور اندازی و کل را بآهنگ ملأ اعلی

دمساز کنی و صيحه يابها يابها در اطراف گلشن افکنی و نغمات آل داود آموزی و

علم بر اعلام ستايش و ثنای جمال قدم افرازی جميع احبّا را از اين ذکر بديع و

بيان فصيح باهتزاز آر ع ع مقابله شد

جناب عندليب اين وجه بيست و پنج تومانش را خدمت جناب رفيع يعنی فاضل تقديم

نمائيد و بيست و پنج تومانش را خود آنحضرت صرف فرمائيد ع ع مقابله شد

هوالله

ورقهٴ موقنه والدهٴ حضرت عندليب عليهما بهآءالله الابهی

\* ص645\*

# هوالله

يا امة الله شکر کن حضرت مقصود را که چنين ابن محمود داری که هزار هزار

دستان حديقهٴ وجود و ثنا خوان مليک معبود است شب و روز بستايش جمالقدم و اسم

اعظم پرداز که بنور توحيد خلوتخانهٴ دل را منوّر نمودی و بنفحهٴ محبّت الله

مشام را معطّر ع ع

خط مبارک

هوالله

ش جناب عبدالبهآء عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

هوالله

الهی و ملجئی و ملاذ المقبلين الی ملکوت تقديسک العظيم ترانی مستغيثا بعتبتک

السّاميه و مترجّياً بحضرتک القدسيّه ان تحفظ و تصون هذا العبد الصغير قرّة عين

عبدک عندليب و فلّز کبده فی صون حمايتک فی حصن عنايک و حجر موهبتک اي ربّ

\* ص646\*

رضعه من ثدی الطافک و انبته نباتاً حسناً بفضلک و جودک و احسانک و اجعل له مخرجاً

و نوّر وجهه بنور توحيدک و اشرح صدره بآيات تقديسک و جعله محشوراً تحت لوآء

ميثاقک و مستظلاً فی ظل لوائک الکريم ع ع

ايربّ سمّه فی ملکوتک باسم عبدالبهآء فی ملکک باسم عبدالحسين حتّی يقوم بفرائض

عبوديتّک و شرائط رقيّتک فی ملکوت الانشآء انّک انت المؤيّد لمن تشآء و موفّق

من تشآء علی ماتشآء و انّک انت الکريم المتعال ع ع مقابله شد‌ خط مبارک

هوالابهی

ش جناب عندليب حدائق عرفان عليه بهاء الرحمن ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ای عندليب بوستان الهی ديروز مکتوبی مرقوم و فردا ارسال ميشود و الآن حضرت

افنان خواهش تکرار فرمودند با وجود

\* ص647\*

تحارير لازمهٴ بيحّد و شمار و مشاغل چون بحر زخّار همه را گذاشته و بياد و تحرير

و ذکر و تقریر روی و خوی تو مشغول شدم و اگر بدانی که سورت گرما و شدّت تاب

آفتاب در اين گوشهٴ انزوا بچه درجه است يقين فرمائی که ذکر ياران روحانی هوا را

نيز طراوت و لطافت و اعتدال بيمنتها بخشد چه که اين محبّت منبعث از ارتباط

حبّ جمال قدم است و فی الحقيقه موجی از امواج بحر اعظم در اين حشر اکبر چون کل

در ظل سدرهٴ مبارکه محشور و بلحظات عين رحمانيّت منظور و در جنّت ابهی از صهبای

طهور مخموريم انبعاثات وجدانيّه و انجذابات قلبيّه و روحانيّه باين درجه رسيده

سبحان من موّج هذه البحور سبحان من هذه النّهور سبحان من نزّل هذه الغيوث سبحان من احيی هذه النفوس بهذه النفحات

المعطّرة الهابّة من مهّب العناية سبّوح قدّوس عبدالبهآء ع مقابله شد خط مبارک

\* ص648\*

هوالابهی

ش جناب عندليب بوستان عرفان عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ای عندليب گلستان عرفان جمال الهی مدتّی مديد خبری از شما نرسيد بعد مراسله‌ئی واصل و از حقيقت حال اطّلاعی حاصل گشت حال نيز از جناب ميرزا عبدالله رقمی

بيک دوستی رسيد آن نيز ارسال نزد اين عبد نمود ذکر آن جناب در آن بود بادی روح و

ريحان گشت اليوم امثال آن جناب باید بقوّهٴ روح تأييد در شب و روز احبّای رحمن

را چون روح حيات باهتزاز و حرکت آرند و نار مخمودهٴ قلوب را مشتغل و روشن نمايند

چه که اليوم ساعتی خمودت و جمودت تأثيرات شديده نمايد چه که پيش حرارت شمس بی

حجاب در قلب امکان آتش پر شعله ميزد احتياج باشتعال و شعله و لمعه‌ئی نبود

لکن حال زمانيست که سراجها بايد

\* ص649\*

پر شعله و افروخته و ساطع باشند تا ظلمات متراکمه را مقاومت توانند و زائل

نمايند و اليوم اهّم امور تنبيه بر ثبوت و رسوخ و تشبّث بعهد و ميثاق الهيست و

بيان قوّت و عظمت این عهد و پيمان و ايمان والبهآء عليک ع ع خط مبارک

# هوالله

ای عندليب حديقهٴ معانی مدتّی بود که نغمهٴ از آن مرغ سحری بسمع مشتاقان نرسيده

بود که ناگاه بريد جديد وارد و بواسطهٴ نميقهٴ مرسلهٴ بجناب سيد هادی خبر مختصری مسموع و قلب مجروح و کبد مقروح را مرهمی حاصل گرديد حمد حضرت حيّ قدير

را که بشارت صحّت و سلامت داشت و بر صفحات قلوب نقوش و خطوط محبّت قديمه مينگاشت سبب روح و ريحان

\* ص650\*

گرديد و بادی مسرّت وجدان چه که ناطق بثنای محبوب لامکان و دال بر ثبوت بر

عهد و پيمان بود اگر از حال اين مظلوم آواره پرسشی نمائی و يا خواهش شرحی

فرمائی بلايآء و رزايآء چون محيط اکبر و امواج انکار و استکبار در اوج اعلی و

طوفان هجوم و جفا در نهايت اشتداد و اين مظلوم چون سفينهٴ شکسته در گرداب صدهزار

افترآء و اسناد افتاده و وحيد فريد و بی ناصر و معين در دست متزلزلان مبتلا و

مستغرق در بحر بلآء و متضرّع بملکوت ابهی که بزودی کأس فنا عنايت گردد و بعالم

ديگر رحلت شود و اميد از رحمت سابقه و نعمت سابغه که اين آمال و آرزو بزودی

ميّسر گردد و اين کأس عذب گوارا فوراً عنايت شود چه که جام بلا سرشار شد بلکه

جان در ره جانان ايثار شود ع ع خط مبارک

اللهم يا راوی غليل کل ظمأن من عين عنايتک و يا شافی

\* ص651\*

کل عليل درياق رحمتک و يا کافی کل مستجير بجوارعفوک و مغفرتک قد آويت الی کهف

المنيع الرفيع متذللاً بباب ربوبيّتک خاضعاً خاشعاً بعتبة الوهيّتک متضرعاً لديک

ان ترفعنی اليک و توفّينی و تجعل و فودی عليک و حضوری بين يديک لاشکو بثی و

حزنی اليک عمّا ورد علی عبدک البائس الفقير و رقيقک الضعيف الحقير من ناقض

ميثاقک من بعدک المارقين من دينک المبين بعد صعودک المتزلزلين فی عهدک القديم

بعد ما تواری ‌شمس جمالک بغمام جلالک العظيم ای ربّ فوّقت السهام و صوّب السنان

و تلظی نيران الطغيان فابعث من احبّتک نفوساً مؤیدة بقوّتک القاهرة و قدرتک

الباهرة حتّی يصبحوا سّداً تيناً رصيناً من زبر الحديد هاجزاً مانعاً دافعاً

ليأجوج الشبهات و مأجوج الاشارات المتمسّکين بالمتشابهات اي ربّ احفظ دينک

المبين من شرّ المهاجمين المارقين انّک انت المقتدر العظيم ع ع مقابله شد خط مبارک

\* ص652\*

جناب عندليب بوستان عرفان عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

ای عندليب حديقۀ وفآء آنچه مرقوم فرموده بوديد قرائت و تلاوت گرديد بستايش

حضرت ربّ قديم و مليک عظيم مشغول گشتم که اي خدای مهربان شکر ترا نيايش ترا که

بندگان درگاه احديّت را از هر آلايش پاک و مقدّس فرمودی و بتأييد ملکوت غيب

جمال ابهايت مؤيد کردی از بادهٴ آمادهٴ در خمخانهٴ وله و انجذاب سرمست نمودی و

در بزم ذکر و ثنايت مخمور صهبای الست کردی در قلوب شمع افروختی و کل را رسم و

رفتار و گفتار ابرار آموختی و جگرها را بآتش محبّتت سوختی اي پروردگار وقت هجوم

جنود ملکوت ابهائيست و زمان تأييد ونصرت بملائکه ملأ اعلی آنچه وعده فرمودی وفا

فرما و اين جامهای دردآلود را صهبای عنايت افاضه کن اين جمع پريشان تواند و

اين حزب بيسر و سامان تو ملجأ و پناهی جز

\* ص653\*

رکن شدید ندارند و مرجع و ملاذی جز کهف منيع نجويند اگر ياری و ياوری فرمائی

اين مرغان ضعيف عقاب کاسر گردند و اگر مدد غيبی رسانی اين موران نحيف شکوه

سليمانی بنمايند ذرّهٴ نابود در ظل عنايتت آفتاب انور است و قطرهٴ ناچيز بفيض

اعظمت بحر اخضر اگر حقيريم اگر فقيريم اگر ذليليم اگر اسيريم درسايه الطاف باسم

مبارکت معروف و شهير و توئی دستگير و مجير هر مستجير خدايا تو واقفی و دانا که

جز خير نيّتی نداريم و بغير صلح و صلاح با عموم مقصدی نجوئيم طيوريم بال و پر

شکسته بال و پری عطا فرما تا سبب راحت و آسايش عالم شويم و علت خير خواهی کل

نفوس گرديم خدمت بعالم انسانی کنيم و همّت در منفعت عمومی نمائيم اطاعت سروران

عادل نمائيم و بصداقت در خيرخواهی دولت کوشيم چه که اطاعت و صداقت و امانت و

انقياد بحکومت را فرض و واجب فرمودی خدايا ما را موّفق بعمل گردان تا بآنچه

امر فرمودی قيام نمائيم جز تو نجوئيم و نگوئيم جز در بيان محبّت نپوئيم در خصوص

فساد بعضی از

\* ص654\*

مفسدين فرموديد البتّه ظاهر و آشکار گردد و وجوه اهل فساد سياه شود خدا حقيقت

هر عملی را مشهود نمايد خود سرکار رکن‌الدوله ميداند که دشمنش کيست و مقصودش از

اين فسادها چه فسوف تری المفسدين فی خسران مبين فساد عاقبت ندارد و ثمری نبخشد

تا بحال نفسی از فساد خير نديده و فساد هيچ نفسی مکتوم نمانده آفتاب حشر است

اسرار مکنونه را آشکار ميفرمايد اين نفوس هميشه ادّعای خيرخواهی دولت و ملت

مينمودند حال خدا واضح فرمود که مصلح کيست و مفسد که الحمدلله ربّ العالمين

والبهآء عليک ع ع مقابله شد

هوالابهی

جناب عندليب حديقهٴ رحمانی عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ای شمع روشن محفل احبّآءالله آثار قلميّهٴ آن ورقآء حديقهٴ عرفان مورث روح و

ريحان گرديد حمد جمال قدم روحی لاحبّائه فدا را که بموهبت کبری احبّای مخلصين

را بر خدمت امرش موفّق

\* ص655\*

فرمود ای حمامهٴ رياض عنايت وقت تغنّی و ترنّی و نغماتست و هنگام اشتعال نار

محبّت الله اگر در اين قرن اعظم که چون آفتاب بين قرون سائره ساطع و روشن است

انسان خواموش و مدهوش ماند در چه قرنی ناطق و متکلم و مبيّن گردد و اگر نفسی در

اين بهار الهی از نسائم قدس مهتز نگردد و از فيض سحاب رحمت رحمانی چون گل صد

برگ خندان نشکفد و از اشعهٴ‌ ساطعهٴ شمس حقيقت روشن و منوّر نگردد در چه عهد و

موسمی بحرکت آيد و در چه ايّامی از افق عالم چون ستارهٴ صبگاهی بدرخشد حکمت

مذکورهٴ در الواح مقصود آنست که و ائتوا البيوت من ابوابها و لا تأتوا البيوت من

ظهورها بايد چون شمع در زجاجهٴ حکمت برافروخت نه آنکه خاموش و مخمود ماند آن

دو نفر از احبّاءالله که اذن زيارت روضهٴ مطّهره خواسته اند مأذونند باولدشان

ديگر جميع احبّای آن ارض را از قبل اين عبد تکبير ابدع ابهی ابلاغ فرمائيد جواب

مکاتيب تعويق افتاد اين از جهت ضعف شديد و علل جسمانی بود حال رفع

\* ص656\*

شده است ع ع مقابله شد خط مبارک

هوالابهی

ش جناب عندلیب حدیقۀ الهیه علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

# هوالابهی

يا من اجتهد بروحه و ذاته و کينونته فی نشر نفحات الله احسنت احسنت بما استقمت

علی عهد الله و ميثاقه و ثبت بقوّة من الله علی هذا الصراط الممدود

لعمرالله يؤيدک علی ذلک جنود الملکوت الابهی والملائکة المقرّبون فاشدد ازرک

بقدرة من الله و قوّ ظهرک بسلطنة من الله و مرّ علی القلوب مرور نسيم الصبا و

بشرّهم بنفحات الله و اشعل فی القلوب نار محبة الله و نوّر الابصار بنور معرفة

الله و اشرح الصدور بفيض موهبة الله و احی الارواح بالمياه الطافحة من حياض

رحمة الله فی رياض امرالله و البهآء عليک و علی کل من افتقر فی سبيل الله و

اصابته الضرّآء و الباسآء فی محبّة الله حقيقة مشقّات و زحمات آن

\* ص657\*

جناب بيحد و پايان گشته صبر جميل لازم از استقامت و ثبوت و اشتعال جناب افنان‌ها مرقوم فرموده بوديد سبب نهايت روح و ريحان گرديد مقابله شد خط مبارک

هوالابهی

ش جناب عندليب حديقهٴ توحيد عليه بهآءالله الابهی

هوالابهی الابهی

ای حمامهٴ حديقهٴ توحيد و عندليب رياض تجريد جمال قديم اوراق بديعه که باحسن

معانی و ابدع حقايق اسرار رحمانی مزيّن و مطّرز بود تلاوت و قرائت گرديد نشر

نفحات روح و ريحان شد و سبب گشايش وسعت وجدان گردید چه که مشعر بر شوق و شعف و

جذب و وله قلوب ياران الهی و احبّای رحمانی بود و ناطق بثبوت و رسوخ کل بر امر

ربّانی در زمان سکون و سرور ثبوت و رکود هر کس تواند و در وقت آسايش و سلم

بسالت و شجاعت هر کس تواند لکن مؤيدين بجنود ملکوت ابهی نفوسی هستند که در

طوفان اعظم امتحان و افتتان

\* ص658\*

چون علم مبين مرکوز و متين و قائم و در ميدان مجاهدهٴ با نفس چون حصن حصين ثابت

و راسخ و مقاوم فنعم ماقال سوی آن دلبر نپويد هيچ دل با آرزو با چنان گلرخ

نخسبد هيچکس در پيرهن يا برو همچون زنان رنگی و بوئی پيش گير يا چو مردان

اندرا و گوی در ميدان فکن حال الحمدلله که احبّای الهی در اطراف و اکناف

مستقيماً علی امرالله و ثابتاً علی محبّة الله مرد ميدانند و مشتعلين

بنارمحبّة الله آنجناب بايد در کل حين محرّک قلوب باشيد و مبشّر نفوس جسم

افسردهٴ امکان را جان باش و جان پژمردهٴ انسان را روح و ريحان اگر از بعضی نفوس

فتوری مشاهده فرمائيد محزون مشويد و مأيوس مگرديد چه که حرارت در آن نفوس چون

شعلهٴ در شمع پنهانست وقتی آيد که روشن گردد و شعله برافرازد و چهره برافروزد

والبهآء عليک ع ع مقابله شد خط مبارک

هوالله

ش حضرت عندليب رياض احديّه عليه بهآءالله الابهی

\* ص659\*

# هوالله

يامن انجذب بسطوع نور اشراق من مطلع الاسرار حيّ علی الفوز العظيم حيّ علی

النور المبين حيّ علی الحظ الجليل حيّ علی الفضل البديع حيّ علی البدر المنير

حيّ علی السراج المضيئی حيّ علی العهد القديم حيّ علی الميثاق الغليظ قد اخذت

الزلازل و تتابعت النوائب و تفاقم الامتحان و تعاظم الافتنان و اظلمت آفاق

قلوب اهل النّسيان بغيوم کثيفة من الطغيان و نضب مآء الايقان و نبع حميم

الظنون و الاوهام شاعت الشبهات و ذاعت المتشابهات قد ترکوا المرکز المنصوص

والبيان المرصوص واتّبعوا کل خابطة عشوآء و ناطقة صمآء و حاديّة عميآء

احسبوا انّهم ترکوا صُدیٰ کلا اذا صدح الورقآء فی رياض البقآء و غنّت حمامة

القدس فی غياض الکبريآء و سطعت انوار التأييد فی قطب السمآء و اشرقت مصابيح

التوحيد فی زجاجات الاصطفآء و مهدّت الطرق و استقامت السبل و نُفخ فی صور

الانجذاب و نُقر فی ناقور الحيات و صال جنود

\* ص660\*

الملکوت الابهی و حال خيل ملائکة الملاء الاعلي و خفق علم الميثاق و انتشر شراع

العهد والوفاق يومئذ تری الثابتين فی جنّة النعيم فی ظل ممدود و مقام محمود و

عطآء مشهود و تری المتزلزلين فی ظل يحموم و مقام مشئوم و ضنک و غموم و خسران

الی يوم يبعثون ع ع مقابله شد

خط مبارک

هوالابهی

ش حضرت عندليب حديقهٴ معانی عليه بهآءالله الابهی

هوالابهی

اللهم يا الهی ترانی کليل اللسان عن بيان المواهب التی خصّصت بها اصفيائک و

اختصصت بها من تشآء من احبّائک و نشکرک علی الطافک فی هذه الايّام التی زلت

فيها اقدام المستکبرين علی عهدک و ميثاقک بحيث يا الهی اشرقت انوارک و اشتهرت

آثارک و ظهرت اسرارک و انتشرت نفحاتک و علت کلمتک و عبق طيب انفاس قدسک و تعطّر

الشرق و الغرب

\* ص661\*

من رائحة قميص تقديسک و اهتّزت الاقاليم لتعليمک ايربّ لک الحمد علی ذلک و لک

الشکر علی کل ذلک ای ربّ ايّد المقرّبين علی الاجتماع فی محافل الانس لذکرک و

ثنائک و وفّق الثابتين علی الاحتفال فی مجامع القدس لحبّک و ولائک ای ربّ اجمع

شملهم و لم شعثهم و ارفع کلمتهم و اظهرهم علی امم آلافاق بعونک و معرفتک و نفوذ

کلمتک و اجعل مجامعهم انعکاسات جوامع الملکوت و محافلهم آيات صوامع اللاهوت

ليسجّوک و يقدّسوک و يمجّدوک و يشکروک انّک انت الکريم الودود ع ع

مقابله شد خط مبارک

هوالابهی

شيراز حضرت عندليب رياض الهی عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای ربّ هذا عندليب رياض ثنائک و ليث غياض ذکرک و ورقآء فردوس محامدک و نعوتک

قد تغرّد علی افنان دوحة البيان باحسن التبيان و ترّنم فی حديقة العرفان بابدع الالحان و نادی بميثاقک فی قطب الافاق

\* ص662\*

و ثبت علی عهدک و قاوم اهل الشقاق ايربّ ايّده فی جميع الشئون يا ربّی

الحنون و انطقه فی محافل التقديس و مجامع التوحيد بذکرک و ثنائک و اشدد ازره

علی خدمتک و البسه خلع التشريف برحمتک و توجّه بتاج العبوديّة فی عتبة قدسک

العليّه و قدّر له خيراً يتباهی به بين الملاء المقرّبين و يشرق وجهه بالنور

المبين يا رحمن و يا رحيم اي ربّ هب له هذه الورقة البديعه امتک الجديده و

سمّها فی ملکوتک نورآء انّک انت الواهب المقتدرالکريم و انّک انت الرحمن

الرحيم ع ع مقابله شد خط مبارک

هوالله

شيراز حضرت عندليب گلشن الهی عليه بهآءالله الابهی

# الله ابهی

ای عندليب گلستان الهی موسم بهار الهی هنوز در نهايت طراوت و لطافت و گلشن

رحمانی در غايت نضارت و حلاوت و دوستان روحانی چون شاهدان انجمن يزدانی در نهايت

ملاحت و صباحت

\* ص663\*

و بلبل معنوی در ابدع الحان فصاحت و بلاغت باوجود اين زاغانی چند ميدان گرفته و

بنعيق و نعيب عربدهٴ در اين چمن انداخته اند که اين گلشن رحماني را گلخن ظلمانی

نمايند و اين فردوس الهي را مزبلهٴ شيطانی نمايند طيور شکور را لاشخور منفور کنند

و بازان غيور را زاغان کفور نمايند طوطيان شکرستان الهي را کلاغان قبرستان ترابی

کنند و گلزار حقائق و معانی را خارستان رذائل غير متناهی نمايند دانهٴ که در اين

دام انداخته‌اند توحيد عوامست و تفريد متبادر باذهان انعام که از امم قديمه کهنه

ميراث مانده باوجود آنکه در جميع الواح و زبر الهی بيان توحيد بابدع معانی موجود

و مشهود حال اين قوم عنود بذيل تلمود يهود تشبّث نموده‌اند جواب شيخ سلمان عليه

بهآءالله الابهی را ملاحظه نمائيد و اگر مقصود عظمت و بزرگواری و بی مثل و

نظيری جمال مبارک روحی لعتبة المقدّسه الفداست اين مسلم کل و متفّق عليه عموم

اهل هداست لايختلف فيه اثنان در تصوّر ذات او را گنج کو تا در آيد

\* ص664\*

در تصوّر مثل او او مقدّس از توحيد و تکثير و اطلاق و تقليد و ترکيب و بسيط

است کل هذا اوصاف ادنی خلقه اين بيچاره ها نه از بيان اوليای سلف خبر دارند نه

از معانی و حقائق حضرت اعلی روحی له الفدا و نه از جواهر تبيان جمال ابهی فديت

احبّائه بکل الوجود و القوی توحيدشان معنی متبادر باوهام ع ع

اليوم اعظم فرائض اتّحاد احبّای الهی البتّه سعی بليغ مبذول بفرمائيد بهر وسيله

باشد الفت تامّه بين دوستان حاصل گردد اين امر را آنجناب بايد نهايت همّت

بفرمائيد ع ع

و اليوم لم تکن خدمة اعظم من هذا ع ع مقابله شد

هوالله

ش حضرت عندليب حديقهٴ ملکوت عليه بهآءالله الابهی

# الله ابهی

جناب عندليب چون آنجناب اهل راز اين عبد هستيد لهذا از اسرار بيانی نمايم و آن

اينست که اين عبد را نهايت آمال و آرزو اينست که

\* ص665\*

عبوديّت خويش را در آستان مبارک در جميع عوالم ثابت نمايم و اين عبوديّت محضه را

بهيچ رتبه و مقامی تبديل ننمايم آنچه از عبوديّت اين عبد ذکر شود سبب مسرّت دل

و جانست و علت روح و ريحان و خيمه امرالله بستون عبوديّت بلند گردد و سدرهٴ

امرالله بعبوديّت صرفه و فنآء بحت خدمت شود آزادگی اين عبد در بندگيست و عزّت

مقدّسه‌اش در عبوديّت آستان مقدّس پس کل بايد بمنتها قوّت بر بندگی و عبوديّت

جمال قدم روحی لاحبّائه الفدا قيام نمائيم تا بانوار عبوديّت آفاق را روشن نمائيم

و بروح فقر و فنا و عجز و ابتهال جهان وجود را روح بخشيم و بآهنگ الحان بديع

عبوديّت زلزله بر ارکان عالم اندزيم و قلم آن جناب بايد ترجمان قلم اين عبد باشد

و آنچه از اين قلم ترشّح نمايد از آن قلم بتراود يعنی در ذکر عبوديّت اين عبد قلم

آن جناب انشآءالله آيت عظمی گردد اينست که ميفرمايد تا نگردی فانی از وصف

وجود ای مرد راه کی چشی خمر بقاء از لعل نوشين نگار لهذا قصيدهٴ که تازه

بجهت عشق آباد انشاء فرموده‌ايد اين را تبديل بقصيدهٴ ذکر بندگی

\* ص666\*

و عبوديّت اين عبد نمائيد يعنی از بدايت تا نهايت ذکر عبوديّت اين عبد بآستان

مقدّس باشد بهذا يفرح روحی و ينتشر صدوری و تنعش نفسی و هذا سدرتی المنتهی و

مسجدی الاقصی و جنّتی الماوی و هذا مذهبی و دينی و طريقتی و حقيقتی و حياتی و

نجاتی منذ نعومة اظفاری ع ع مقابله شد

خط مبارک

هوالابهی

شيراز جناب عندليب گلستان الهی عليه بهآءالله الابهی

ای عندليب گلشن ابهی چون روحانيان محفل طرب آرايند و بهائيان در سايهٴ طوبی

آسايند بزم ميثاق بر ترتيب ظل شجرهٴ انيسا مزيّن گردد چنگ الهی بدست گير و آهنگ

ملکوت ابهی ساز کن که ای بهائيان وجد و طرب نمائيد ای الهيان جذب و وله خواهيد

که نغمهٴ ناقور حق شرق و غرب را بحرکت آورد و صوت صور و صافور حق جنوب و شمال را

زنده نموده صوت تهليل و تکبير و رّنهٴ تقديس و تسبيح

\* ص667\*

از جميع ارجآء بملکوت ابهی متواصل و صيت جمال ابهی بهفت اقليم متتابع

والبهآء علی کل من يستبشر بهذا الحديث ع ع مقابله شد خط مبارک

هوالله

شيراز جناب عندليب رياض عرفان عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی الله ابهی

ای عندليب حديقهٴ ابهی در اين مدّت مديده هرچند با کمال فصاحت و بلاغت قصائد

غرّائی انشآء نموديد ولی اين منظوم اخير لؤلؤ منثور منير است و جواهر بينظير

مقبول واقع شد ولی بعد او تصحيح باری هميشه در چمنستان عرفان بانواع نغمات و

ابدع الحان بذکر عبوديّت اين عبد تغنّی فرما تا روح مهتز گردد و قلب مستبشر

شود و جان روح و ريحان يابد و انوار سرور بتابد و فيض حبور بيفزايد ای عندليب

وقت ساز و ترانه است و هنگام چنگ و چغانه دم بشارتست و روز فيروز فيض و عنايت

در شوق و شعف آ

\* ص668\*

و در طرب و شغف وقت آنست که از فيض الطاف جمال ابهی دم زنی و از اسرار ميثاق

قلوب اهل وفاق را زنده نمائی والبهآءعليک ع ع مقابله شد خط مبارک

هوالابهی

ش حضرت عندليب رياض الهی عليه بهآءالله الابهی

جناب عندليب حديقهٴ معانی پيک امين رحمن حضرت شيخ سلمان عليه نفحات ربّه

المنّان خدمات فائقه بامرالله نمود در مجامع روحانيان هميشه بايد ذکرش باقی

باشد زيرا در ملکوت ابهی چون سراج وهّاج روشن است حال بازمانگانی دارد کل

احبّآء بايد رعايت آنها را ملحوظ دارند علی العجاله حضرت افنان آقاسيد حسين

عليه بهآءالله و شما بايد مطالبات آن متصاعد الی الله که در آن حوالی دارد

بزودی تحصيل نمائيد و ببازمانگان او برسانيد البتّه نهايت همّت نمائيد و تا

پارهٴ آخر بزودی برسد و قبض وصول گرفته شود وارسال

\* ص669\*

ارض اقدس گردد والبهآءعليک ع ع مقابله شد خط مبارک

هوالله

ش جناب عندليب حديقهٴ معانی عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای عندليب حديقهٴ معانی ای جای تو خالی در بقعهٴ بيضآء ای جای تو خالی در قبهٴ

نورآء ای جای تو خالی در موقع منعوت بلسان انبيآء ای جای تو خالی الربّ مجد

لبنان و بهآء کرمل ای جای تو خالی در ارض مقدّس ای جای تو خالی در وادی ايمن

ای جای تو خالی در ذروهٴ عليا ای جای تو خالی در جبل کوم الله ای جای تو خالی

در بهترين نقطهٴ حيفا ای جای تو خالی در بنيان حضرت کبريا ای جای تو خالی در

خاک کشی بدوش مبارک ای جای تو خالی غصّه مخور چند کش بالنيّبه از جناب شيخ

الرئيس و جناب افنان و جناب فاضل و جناب غلامرضاخان و جناب شما و جناب معمارباشی

و سائر احبّا ميکشم و اين نيابت عين عنايت و صرف موهبت از حضرت احديّت است

\* ص670\*

که عبدالبهآء را موفّق بآن نموده که بالنيّابه از نفوس زکيّه در اين مقام قيام

نمايد ربّ اقبل من عبدک الخاضع الخاشع البائس الفقير هذه النيابة لاحبآءالله

انّک انت المقتدر العزيز القابل الغفور ع ع مقابله شد خط مبارک

هوالابهی

ش حضرت عندليب رياض توحيد عليه بهاءالله الابهی

# هوالابهی

ايهّا الطير المغرّد فی حدائق العرفان لعمرک انّنی بکل وجد و اشواق و حنين

لايطاق احّن الی ايک اللقآء لاسمع صياح ديک الوفآء عند تبلّج لوائح الصباح

لتتذکّر الارواح تلک الالفة الروحانيّه فی الروضة الغنّآء والحديقة الغلبا

و الدّسکرة الخضرآء و نحن نجتمع کالنجوم فی تلک البروج و نألف کالطيور فی تلک

المروج و نترّنم بابدع الالحان فی المحامد و النعوت لربّنا الرحمن و نتلو قصائد

کالفرائد النورآء و الخرائد الغرّآء بکل سرور فی ظل ربّنا الابهی روحی

لاحبّآئه فدا ع ع مقابله شد

\* ص671\*

# هوالحقّ القديم

ای ثابت بر پيمان حضرت افنان سدرهٴ مبارکه جناب آقاميرزاآقا در کمال روح و

ريحان و ثبوت بر پيمان و خدمت بآستان يزدان عازم آن سامان ميشوند حين ورود بايد

حضرات افنان شجرهٴ مقدّسه و جميع ياران در کمال حبّ و احترام بملاقات شتابند و

بجميع وسايط حبيّه تشبّث فرمايند و ابداً اغبرار مامضی را بخاطر خطور ندهند و آن

حضرت بايد در نهايت همّت واسطهٴ عقد اين الفت گردند که انشآءالله کل چون جنود

ملأ اعلی بر نصرت کلمة الله در جميع مراتب وجود و شئون غيب و شهود از اخلاق و

اطوار و احوال و کردار و گفتار قيام نمايند و شريک و رفيق و وفيق عبدالبهآء در

عبوديّت و فنآء و رقيّت و وفا گردند تا عماد خبآء تقديس مرتفع شود و جنّت ابهی

در نهايت طراوت و لطافت و نظافت چهره گشايد ع ع

خط مبارک

هوالله

شيراز حضرت عندليب رياض ميثاق عليه بهآءالله الابهی

\* ص672\*

# هوالابهی الابهی

ايهّا العندليب حديقة التوحيد طوبی لک بما تغنيّت فی رياض العرفان بابدع الالحان

و تغرّدت فی غياض الميثاق باحسن الانغام و الايقاع تالله الحقّ يستمع لالحانک

آذان الملاء الاعلی فی التهليل و التسبيح فی ثنآئک علی ربّک الابهی اذاً فادلع

کديک الملکوت و تغرّد کحمامة القدس فی رياض الجبروت مثنيا علی ربّ العظمة

و اللاهوت النيّر الابهی و مبيّناً لعبوديتی لتلک العتبة الساميه التّی اکبّت

عليها الملأ العالّين بالوجوه النورآء ع ع مقابله شد

خط مبارک

# هوالله

ايهّا العندليب الصادح فی رياض الميثاق هرچند اين عبد در تحرير تأخير مينمايد

ولی در عالم قلب و روح دائماً مستمرّاً بذکر اصفيآءالله مشغول و مسرور زيرا

غوائل و مشاغل و شواغل بدرجهٴ که وصف مستحيل و ممتنع بلايآء و رزايآء ليل و

نهار چون سيول و نهور و بحار با وجود اين چگونه فرصت مخابرهٴ شرق و غرب و مجاوبهٴ

\* ص673\*

با جميع ملل عالم باری مقصود اينست که عبدالبهآء در آستان مقدّس دائماً بياد

شما مشغول و طلب تأييد مينمايم که در جميع شئون مؤيد بر نشر ميثاق نيّر آفاق

باشيد و سبب تنبيه و تذکّر و خضوع و خشوع غافلين شويد ع ع مقابله شد خط مبارک

هوالابهی

جناب عندليب رياض توحيد عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی الابهی

لا بتهلنّ اليک يا الهی و اتضرّعن بين يديک متذللاً منکسراً الی ملکوتک الاحلی

و جبرات غيبک الاسمی و ذروتک العليآء و عدوتک القصوی أن تنزّل کل برکتک و

تحيّتک و موهبتک علی الذين ثبتوا علی ميثاقک من ارّقائک ربّ ربّ انّهم فقرآء

بباب احديّتک و اذلآء فی رحبة الوهيّتک و ساحة ربوبيّتک البسهم ردآء العزّة

القديمة بقيّوميّتک و زيّن هامتهم باکليل جليل من الفرائد النورآء و الخرائد

الغرّآء و اليتيمه العصمآء علی سرير موهبتک

\* ص674\*

العظمی فی عوالمک الاخری فی ملکوت الاعلی ای ربّ نوّر جبينهم بالنور المبين و

اسقهم کأوساً من مآء معين و ادخلهم فی جنّة النعيم و اجعلهم هداة الی صراطک

المستقيم و حماةً لحصنک الحصين و رماةً‌ للمردة المذبذبين و حرّاساً لبنيانک

العظيم حتّی تلوح وجوههم کالنجوم فی مشارق ارضک و مغاربها و تنتشر بهم نفحات

قدسک فی مطالعها و مناطقها انّک انت المؤيّد المقتدر العزيز الکريم اي ربّ اجعل

کل حبيب سهيما لعبدک هذا فی عبوديّة عتبة قدسک السامية البنآء و التذلل من

جميع الجهات بباب احديّتک التّی تنزّهت عن المحامد والنعوت و الثنآء ای ربّ

اجعلنی فانياً قانتاً ساجداً متذّللاً خادماً خاضعاً خاشعاً مکبّاً بوجهه علی

التراب ثابتاً علی عبوديّةٍ حقيقيّةٍ کينونيّة ذاتيّة باطنيّة ظاهريّة اوليّة

آخريّة سرمديّة ابديّة لان هذه هی ذروتی العليا و منتهی عروجی الی اوج نقبتی

العظمی و هذه حياتی الابديّة و نشئتی السرمديّة و سروری و حبوری و قرّة عينی و

شفآء صدری و برء علتی و برد لوعتی و راحة روحی و اعظم فتوحی

\* ص675\*

ربّ اجعل قلوب احبّائک تتّعقد علی هذا الصراحة الکبری و العقيدة المقبولة فی باب

موهبتک العظمی حتّی ينطقوا بهذاالنص الصريح من غير تأويل او تفسير او تشريح

او تلويح و ايّدنی عليها و وفّقنی علی الثبوت فيها انّک انت مؤيّد من تشآء علی

ماتشآء و انّک انت المقتدر القدير

ای ثابت بر ميثاق آنچه مرقوم نموده بوديد تلاوت شد و مذاق حلاوت يافت گلشن قلوب را

چون رشحات غيوم سقايت نمود و طراوت بخشيد زيرا بشارت توقّد شعلهٴ سينا در موطن

نقطهٴ اولی روحی له الفدا بود و دلالت بر انتشار نفحات الله در آن اطراف بيار

حقيقی ميرزا علی اکبر خان تحيّت و ثنا برسان و بگو ای دوست توفيقات الهيّه تو را

در دشت و صحرا و کوه بگرداند تا بسر چشمهٴ حيّ قيوم وارد کرد و از مآء حيات

روزی بخشيد سبيل نجات بنمود و آيات بيّنات مشهود کرد و از سهم شبهات محفوظ داشت

فاشکرالله علی ذلک انّه وليّک فی دنياک و اخريٰک و نصيرک و مجيرک و سميرک فی

الاسحار گل گلشن جمال محمّدی حفيد مرحوم آقاميرزاعلی جناب ميرزا ابوالقاسم

\* ص676\*

را تحيّت کبری برسان و همچنين عمّ محترمشان را و بگو قد تلونا قصيدتک الغرّآء

و خريدتک الفريدة الزهرآء لله درّک ما افصحها و ابلغها کانّها مآء زلال مسکوب

من السمآء و شهد فائق مصفّآء اوجزت و اعجزت اسهبت و اطربت و انّ عبدالبهآء

يتمنّی العبوديّة الصرفة المحضة العظمی من جميع الجهات فی الساحة الساميّة

الشاسعة الارجآء فان کنت احببت ان يطير قلبی فرحاً و يستقيم ظهری سروراً و

ينجلی بصری ابتهاجاً و يهتزّ نفسی انشراحاً اطلق اللسان دائماً فی ميدان

عبوديّتی و فنائی و اضمحلالی فی کل الشئون و الاحوال عند ذلک تطرب من طربی و

تنجذب من فرحی و تطير بجناحی و تتعارج باباهری و قوادمی و ترفرف فی الاوج الاعلی

بعبوديتک للحضرة الرحمانيّه في هذه النشاة الانسانيّه انّها نشاة لامعة الصبح

ساطعة الفجر فی عالم الکيان و العيان و به دو ابنآء آقاميرزا حسين جرّاح تکبير

برسان و بگو ای دو پسر چون دو پيکر منطقة البروج الحمدلله چون مرغ سحر هم پرِ

پدر شديد و بفضآء بيپايان عرفان

\* ص677\*

طيران نموديد پس بشکرانهٴ اين فضل و کرم زبان بگشائيد و ممنون پدر گرديد و

البهآء عليکما و بحبيب اديب آقاميزا آقای طبيب کمال اشتياق را ابلاغ داريد و

بگوئيد ای طبيب علل و امراض روحانی نفوس انساني را مريض و عليل نموده معجون

برءالساعه بکار بر و مفرّح لاهوتی مبذول دار درياق فاروق بده و کأس راوُق

بنوشان بلکه هر مسموم از اين طيب مشموم صحّت ابدی يابد و هر محروم از اين فضل

نصيب موفور يابد و همچنين حکيم حاذق و حبيب صادق يار موافق ميرزا محمد رضای طبيب

را تکبير برسان و بگو طنزور در ختاست و جدوار در چين و مشک در ختن ولی عقاقير

سريع التأثير شافی امراض و علل در بقعهٴ مبارکه وادی ايمن طور سيناء بقعهٴ

بيضاء ارض ميعاد صحرای طور موجود که هر يک طنزور را مقهور کند و جدوار را بيدار

نمايد و رشک مشک شود ای پزشک دانا اين درمان را داروی هر درد نما و اين مرهم را

ضماد هر زخم کن تا انفس و آفاق صحّت تامّه

\* ص678\*

و عافيت کامله يابد و بجناب شمس ابلاغ فرما که آفتاب حقيقی جمال ابهی بر افاق

بتافت کوکب فلک اثير حقير شد و فقير گشت زيرا پرتو اين در دائرهٴ محدود و اشراق

آن در اين فضای غير متناهی نامحصور دائرهٴ کوکب اثير صغير است و دائرهٴ اعظم محيط

بر دوائر صغير و کبير حال چون موسوم شمسی از حرارت دمسی بنما و رمس غبرآء را فضآء

خضرآء کن و ديگر يار معنوی جناب محمّد کريمخان را تکبير مشتاقانه برسان و بگو ای

دوست مهربان پرتو يزدان دلها را روشن نموده رائحهٴ رحمن جانها را گلبن و گلشن

کرده نسيم عنايت ميوزد و شميم رياض موهبت جان ميبخشد آيات توحيد در ترتيل است و

رايات تقدّيس در تشهير صبح حقيقت افق امکان را منوّر نمود صبای جانبخش از سبای

ملکوت ابهی بر بسيط غبرآء مرور نمود کون خلق جيدی گشت و کائنات بقميص بديع

محشور شد حمد خدا را که از اين فيض موفور نصيب مفروز داشتی و رزق مقسوم بردی و

حضرت پرنياز جناب پيشنماز را با حرارت ابدی در مسجد بردی ابلاغ اشتياق

عبدالبهآء بنمائيد

\* ص679\*

و بگوئيد وقت عجز و نياز است و طرب و ساز و آهنگ و آواز و بلندی شهناز باز اوج

عزّتی صفيری بزن و طاوس رياض عبوديّتی شهپر تقديسی بگشا و البهآء عليک حضرت جليل

جناب رئيس دائماً انيس عبدالبهاست و دمبدم بيادشان همدمست و شب و روز طلب توفيق

مينمايد تا بنصرتی از ملاء اعلی و بموهبتی از ملکوت غيب ابهی جميع حواس و قوای

اسرای نفس و هوی را بجنّت ابهی متوجّه فرمايد انّ ربّه يؤيّده و يوفّقه بجنود

لم تروها و جيوش عرمرمة متتابعة من الملاء الاعلی اگر حکمت در حرکت از آن ولايت

دانند بهتر چنان است که باقاليم ايران بشتابند چه که در آن کشور استعداد عظيم

حاصل شده و بالاخصّ در طهران چنان جوش و خروشی است که تصوّر نتوان اگر مدّتی

قليله در آن مدينه بخدمت امرالله قيام نمائيد آذان مستعّد است و نفوس منتظر وقت

خرمن است و هنگام ظهور فيض و برکت والبهآء عليک و بحضرت شيخ محمد فاضل ابلاغ

فرما که وقت خدمت است و هنگام نشر نفحات در آن مملکت

\* ص680\*

حال در آنجا که موطن حضرت اعلی روحی لاحبّائه الفداست امرالله قوامی يافته و

سبب سرور قلب عبدالبها گشته زيرا نهايت آمال اين بود که در آن کشور که مطلع مهر

انور است انوار حقيقت منتشر گردد اگر شما و حضرت رئيس و جناب عندليب از آن اقليم

سفر کنيد شايد روخاتی در قوّت پيدا گردد انشآءالله در وقتش ميسّر خواهد شد ای

حضرت عندليب جواب شما در اين ضمن داده شد بآواز هزار الحانت قسم که عبدالبهآء

از شدّت قوائل و کثرت مشاغل و هجوم اهل فتور و فتن و فساد اهل غرور فرصت نگارش

سطری از سطور ندارد تا بهر يک از ياران روحانی و دوستان رحمانی نامهٴ مخصوص نگارد

لهذا البتّه معذور دارند ولی در آستان پاک طلب تأييد بهر هر يک مينمايم مطمئن

باشيد که تأييدات متتابعاً ميرسد و البهآء عليکم اجمعين ع ع مقابله شد

خط کاتب مهر و امضآءمبارک

شيراز جناب عندليب گلشن معانی عليه بهآءالله الابهی

# هوالله

ای هزار دستان در اين عيد رضوان سنهٴ قمری شصت ظهور

\* ص681\*

قصيدهٴ که انشا فرموده بوديد فی الحقيقه بديعست و بليغ و فصيحست و لطيف در نهايت

سلامت و حلاوت و بلاغتست و مضمون در نهايت اعتدال ايّدک الله علی ابدع

النغمات فی فسيح الجنان بفنون الالحان انشآءالله همواره محافل ياران را باين

ترانه مستغنی از شراب شبانه و الحان چنگ و چغانه نمائی و عليک التحيّة

والثنآء ع ع مقابله شد

خط کاتب مهر و امضآء مبارک

ش حضرت عندليب گلستان عرفان عليه بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالله

ای عندليب گلستان عرفان مشاغل بی پايان و وقايع ناگهان و مقتضيات زمان و

انتشار عظيم امر رحمن عبدالبها را مجبور بر قصور نمود لهذا چنانچه بايد و شايد

از عهدهٴ مکاتبهٴ مستمّره با ياران بر نيايد چکنم جمال ابهی امرش را در آفاق

منتشر نموده و صيت عبوديّت عبدالبها را بآستان مقدّسش جهانگير فرموده و باين

سبب مشاغل را بيحّد و پايان کرده لهذا المجبور

\* ص682\*

معذور و قبول العذر امر مبرور بنور ملکوتش قسم که آرزويم چنان است هردم بذکر و

ياد و مکاتبهٴ ياران رحمانيش پردازم دمی نياسايم و نفسی بر نيارم مگر آنکه همدم

رازشان شوم و هم آهنگ و هم ‌آوازشان از فضل بی منتهايش اميدوارم که روابط روحانيّه را

چنان محکم و متين فرمايد که احتياج بخامه و نامه نماند مقصود اينست که همواره

همدمی و نديم و دايماً جليس و قرين و عليک التحيّة والثنآء

ربّ سمّ قرّة عين احسنت به علیه بالحبیب فی ملکوتک و ربّه فی مهد الروحانيّة فی

حيّز اشراق انوار لاهوتک انّک انت الرؤف الکريم الوهّاب ع ع مقابله شد

خط کاتب مهر و امضآءمبارک

هوالابهی

ش ورقهٴ نورانيّه سدرهٴ ربّانيّه والده حاجی ميرزاعلی افنان عليهما

بهآءالله الابهی ملاحظه نمايند

# هوالابهی

ايتها الورقة الروحانيّه از فيض تجلی شمس افق

\* ص683\*

توحيد بانوار ساطعهٴ مطلع تفريد حقايق نورانيّه در ظل کلمهٴ جامعه تربيّت شده

اند که کواکب مشرق عالم وجودند و نجوم بازغ فجر شهود آيات باهرهٴ جمال قدمند و

رايات شاهرهٴ اسم اعظم سُرُج نورانيّه زجاجهٴ امکانند و شهب ثاقبهٴ سمآء رحمن

آن حقائق مقدّسه بقوّتی رحمانيّه و قدرتی ربّانيه و عزّتی صمدانيه و شوکتی

ملکوتيّه و نفسی روحانی و انبعاثی وجدانی و روحی ربّانی در اعلآء کلمة الله و

نشر نفحات الله کوشند و اليوم اين خدمت عظمی را بجميع شئون بايد نمود يعنی

بافعال و اعمال و اخلاق و اطوار و اقوال تا انوار فيوضات قدم از اسم اعظم در

هياکل توحيد از جميع جهات ساطع گردد پس ای ورقهٴ روحيّه سدرهٴ مبارکه از خدا

بخواه که از نفحات اين مقام مشام را معطّر نمائيد تا آن ورقهٴ نورانيّه بطرازی

مزيّن گردد که نورانيّت آن اقليم شود عبدالبهآء ع مقابله شد

خط مبارک

\* ص684\*

هوالله

شيراز امة الله المهیمن القيوم الورقة المقدّسه والدهٴ حاجی ميرزاعلی افنان و

امة الله المهيمن القيوم الورقة المقدّسه زيورسلطان و امة الله العزيزالرحمن

بنت شيخ علی ميرزا عليهّن بهآءالله الابهی

# هوالله

ای ورقات نورآء آنچه مرقوم داشتيد ملحوظ گرديد و فرياد و فغان از شدّت اشتياق

نموده بوديد و آرزوی طواف دو مرقد منوّر آفاق هر چند در اين ايّام موانع بسيار

و جميع ممنوع از حضور در اين ديار ولی نظر بامر محکم متين در کتاب مبين آت ذوی

القربی حقّه مأذون حضوريد ولی بشرط ايّام معدود تا آن طيور پرواز باين بيت

معمور نمايند و توجّه ببلدة طيّبه و ربّ غفور لکل عبد شکور کنند جميع افنان

سدرهٴ مبارکه را علی الخصوص فرع دوحهٴ بقا جناب حاجی ميرزاعلی را تحيّت ابدع

ابهی ابلاغ نمائيد و عليکنّ التحيّة والثنآء ع ع مقابله شد

خط کاتب مهر و امضآء مبارک

\* ص685\*

هوالله

ش جناب آقاميرزا جعفرخان عليه ‌بهآءالله الابهی

# هوالله

ای بندهٴ ثابت نابت جمال ابهی خدماتت در یوم عروج حضرت افنان در آستان حضرت

رحمن رحيم مذکور و ممدوح و در ملأ اعلی معروف و مشهود ياران الهی بايد در چنين

موقعی جانبازی نمايند تا سبب انتباه اغيار گردد و علت حيرت بيگانگان شود و

عليک التحيّة و الثنآء ع ع مقابله شد

٦٣٥ خط کاتب مهر و امضآءمبارک

هوالله

جناب ميرزا محمّد جعفر منشی عليه بهآءالله الابهی

# هوالابهی

ای منشی بليغ شعر و انشآء از تعلقات فنّ بديع و بيانست و اين عيانست که

آوارگان را نصيب از ربيع اين بديع نه و تاب و توان تصوّر نکات فنّ نيست ولی

الحمدلله حقائق اسرار بيان يزدان

\* ص686\*

و صحيفهٴ رحمن مشهود و عيان و آن خرق حجاب و هتک نقاب و کشف سحاب در يوم طلوع

آفتاب جهانتاب ربّ الارباب انشآءالله از اين بيان نصيب وفير داريم و بهرهٴ

کثير فيوضات ربيع اين بيان مستغنی از آن بديع و بيان مينمايد پس قلم بليغ را بگير

و بر لوح بسيط جوهر بيان و بديع بنگار تا حقّ فصاحت و بلاغت و حلاوت عبارت

بدهی و معجزهٴ بديع و بيان الهی بنمائی والبهآء عليک ع ع مقابله شد

٦٣٦ خط مبارک

بتاريخ سيزدهم ( ١٣ ) شهر الجلال سنهٴ هشتاد و پنج ( ٨٥ ) مطابق اوّل ماه اردی

بهشت سال هزاروسيصد وهفت (١٣٠٧ ) و سلخ شهر شوال هزار و سيصد و چهل و شش (١٣٤٦)

جلد اول الواح مبارک حضرت عبدالبهآء ارواحنا لرمسه الاطهر فدا عبد فانی سيد

احمد عطوفت جهرمی استنساخ نمود

( شماره ۵۲، حضرت عبدالبها )

1. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-1)
2. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-2)
3. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-3)
4. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-4)
5. کلمه‌ای خوانده نشد. [↑](#footnote-ref-5)